

علوم بهداشت پیشرو در سلامت و ایمنی جامعه



سیزدهمین همایش دانشجویی تازه های علوم بهداشتی کشور The 13th Student Scientific Conference on Innovation Health Sciences

کتابچه مقالات ارائه شده در همایش

محور های همایش

- کووید-۱۹
- ارگونومی
- اپیدمیولوژی
- بهداشت محیط
- بهداشت عمومی
- سلامت در بلایا و فوریت ها
- بهداشت حرفه ای و ایمنی کار
- مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست

دیرخانه

تهران، بزرگراه چمران، خیابان یمن، میدان شهید شهریار،
بلوار دانشجو، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده بهداشت و ایمنی
دیرخانه سیزدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی کشور

www.ihs.csbmu.ir @tazeha_13

۰۲۱-۲۲۴۴۱۵۹۷ / +۹۸-۹۰۲۸۰۸۷۰۸۶



آبان ماه
۱۳۹۹



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

• **شناسنامه کتابچه**

عنوان: مجموعه چکیده مقالات سیزدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی

گردآورنده: دبیرخانه سیزدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی

تعداد صفحات: ۴۷۴

ویراستار: فاطمه رفیعی

صفحه آرای و طراحی جلد: ریحانه قاسمی

تاریخ انتشار: بهمن ماه ۱۳۹۹

محل نشر: واحد بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

آدرس: تهران، بزرگراه شهید چمران، خیابان یمن، میدان شهید شهریار، بلوار دانشجو، دانشگاه علوم پزشکی

شهید بهشتی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دبیرخانه سیزدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی کشور

پست الکترونیک: ihsc.bsbmu@gmail.com

وبسایت: <http://ihsc.bsbmu.ir>

تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۵۹۷

مجموعه چکیده مقالات

سیزدهمین همایش تازه‌های علوم بهداشتی

۲۰ و ۲۱ آبان ماه ۱۳۹۹

برگزار کننده

دانشکده بهداشت و ایمنی و بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

با همکاری

کمیته تحقیقات دانشجویان دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

حامیان همایش

بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

بسمه تعالی

سلامت گوهر بی بدیل زندگی بشریت است. پاسداری از این نعمت بزرگ و تلاش برای پیشگیری از بروز بیماری در میان آحاد جامعه بر عهده متخصصین و دانشجویان علوم بهداشتی است. دانشجویان گنجینه ارزشمند جامعه و دانشگاه هستند که با تولید علم و پویایی آن می‌توانند نقش و کمک بسزایی در رشد پرشتاب علوم و فناوری کشور و دستیابی به جایگاه مناسب از نظر شاخص‌های سلامت در منطقه و جهان ایفا کنند. این قشر جوان، بانشاط و بانگیزه نقش بسیار ارزنده‌ای در تحقق توصیه‌های مقام معظم رهبری در «گام دوم انقلاب» با همراهی اساتید گرانقدر دانشگاه‌ها بر عهده دارند. بی‌شک، توفیق در حفظ و ارتقای سلامت جامعه جز با پرداختن به موضوعات مهمی همچون «مباحث پیشگیری» و نیز سایر حوزه‌های مختلف علوم بهداشت حاصل نخواهد شد. تحقق تغییرات بنیادی در نگاه به علوم بهداشتی برای مدیریت پیشگیرانه و مقرون بصرفه سلامت در کشور، در گرو تغییر رویکرد و سطح انتظارات به نقش و جایگاه دانشجویان در حوزه سلامت می‌باشد.

سلسه همایش‌های دانشجویی تازه‌های علوم بهداشتی با هدف فراهم آوردن بستری برای عرضه یافته‌های جدید پژوهشی و گردهم آیی بزرگ دانشجویان علوم بهداشتی سراسر کشور بنیان گذاری شده است. این همایش هر ساله با تلاش و همت جمعی از دانشجویان برگزار می‌شود و زمینه‌ای برای بروز شور و نشاط علمی، کار گروهی هدفمند و تعهد و مسئولیت اجتماعی دانشجویان عزیز است. به خود می‌بالیم که دانشجویان دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی سال‌هاست که به گونه‌ای درخشان و سرآمد این مفاهیم را عینیت بخشیده‌اند.

سیزدهمین همایش تازه‌های علوم بهداشتی در آخرین سال از قرن حاضر با شعار «علوم بهداشت پیشرو در سلامت و ایمنی جامعه» برگزار می‌شود و پیش درآمدی برای ورود به قرن آینده و توسعه هرچه بیشتر «تفکر پیشگیری» است. تلاقی این همایش با رخداد پاندمی کووید ۱۹ بر اهمیت مباحث مطرح در آن افزوده است. این همایش فرصتی مغتنم برای گردهمایی دانشجویان علوم بهداشتی از سراسر کشور است تا نه تنها بتوانند با روحیه پرسش‌گری و کنکاش به ارائه راهکارها و ایده‌های نو در حوزه سلامت بپردازند بلکه با نقش آفرینی و تجربه اندوزی به توانمندی خود در این زمینه کمک کنند. امیدواریم که با توسعه و ترویج هرچه بیشتر تفکر «پیشگیری از زیان» در کشور متخصصان علوم بهداشتی نقش و جایگاه واقعی خود را در عرصه بهداشت و درمان بیابند و برگزاری این همایش‌ها گامی در تشویق و هدایت دانشجویان به سوی پژوهش و کارآفرینی باشد.

دکتر اکبر اسلامی

ریاست دانشکده بهداشت و ایمنی و رئیس سیزدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی کشور



به نام خدا

سپاس بیکران پروردگار یگانه را که تلاش های تیم علمی و اجرایی سیزدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی به ثمر نشست و توفیق برگزاری این همایش در ۲۰ و ۲۱ آبان ماه بصورت مجازی فراهم شد.

امروز که جهان درگیر پاندمی کرونا می باشد بیش از هر دوره دیگری نقش بهداشت و پیشگیری در سراسر دنیا مطرح شده و در هر حال آنچه مسلم است، به گفته مسئولین برای شکست کرونا باید از دالان بهداشت گذشت. شاید همه گیری ویروس کرونا فرصتی برای یادآوری نقش و جایگاه جامعه بهداشتی کشور فراهم کرده تا با بهره گیری مناسب از آن در راستای رشد و اعتلای سلامت افراد و جامعه و همچنین رفع چالش های موجود در این حوزه اقداماتی صورت گیرد. همسو با افزایش روز افزون اهمیت بهداشت در جامعه جهانی، تیم سیزدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی نیز با درک حساسیت نقش بهداشت در سلامت جامعه در این برهه حساس، محور اصلی همایش را "علوم بهداشت پیشرو در سلامت و ایمنی جامعه" قرار داد.

بدیهی است که برگزاری همایش های علمی، با تجمیع تجربیات و دستاوردهای جدید پژوهشگران و علم آموزان، در توانمندی جامعه علمی کشور کمک شایانی می کند. سیزدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی نیز تلاشی بود در جهت معرفی توانمندی ها، چالش ها و دورنمای علوم بهداشتی که با حضور دانشجویان و اساتید و جامعه بزرگ بهداشتی کشور، به تبیین و تشریح نقش گروه های هدف بهداشت عمومی، بهداشت محیط، بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، اپیدمیولوژی، سلامت در بلایا و فوریت ها، ارگونومی و سلامت، ایمنی و محیط زیست پرداخت.

در این راستا ۷۲۲ مقاله از محققین سراسر کشور به دبیرخانه سیزدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی کشور ارسال گردید که پس از طی مراحل داوری توسط گروه داوری متشکل از سراسر کشور، در قالب هفت پنل تخصصی ارائه شدند. مهم ترین ویژگی این همایش علاوه بر توجه به گسترش دانش، استفاده از ظرفیت انجمن های علمی گروه های تخصصی به عنوان بستری مناسب برای هم افزایی علمی و اجرایی جامعه بهداشتی بوده است. همچنین در این دوره از همایش تازه های علوم بهداشتی، پنل تخصصی کووید-۱۹ به منظور تبیین مدیریت اقدامات بهداشتی صورت گرفته در مقابله با کووید-۱۹ برگزار گردید که در آن علاوه بر بحث و تبادل نظر با حضور مسئولین کشوری در این زمینه، اقدامات، طرح ها و فعالیت های مرتبط با کووید-۱۹ نیز از سراسر کشور ارائه شد.

پریسا حسینی کوکمری

دبیر علمی سیزدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی کشور



بسم الله الرحمن الرحيم

خدا را شاکرم که توفیق خدمت در سیزدهمین همایش دانشجویی تازه های علوم بهداشتی کشور را آن هم در شرایطی که ویروس منحوس کرونا شرایط را به کلی تغییر داده و نحوه برگزاری را دگرگون کرده است نصیبمان شد. آنچه در ۲۰ و ۲۱ آبان ماه ۹۹ رقم خورد حاصل تلاش چند ماهه و شبانه روزی دانشجویانی بود که دغدغمانده در مقابل تمام سختی ها و محدودیت ها و... ایستادند تا کیفیت برگزاری همایش علی رقم تغییرات گسترده آن کوچکترین کاهشی نیابد و با برنامه ریزی دقیق خود بهترین ها را رقم بزنند. همچنین سعی شد در تمامی مراحل با وجود سوالات گوناگون به خوبی پاسخگوی تمامی شرکت کنندگان عزیز باشند. در پایان از تمامی افرادی که دلسوزانه و دغدغه مندانه در این مسیر قدم برداشتند و مارا همراهی نمودند سپاسگزارم و از تمامی پژوهشگران گرامی که همراهمان بودند خواستارم نقص ها و مشکلات ایجاد شده را بر ما ببخشند. به امید ریشه کن شدن هرچه سریعتر این ویروس و حضور پرشور پژوهشگران علوم بهداشتی در بزرگ ترین گردهمایی علوم بهداشتی کشور، چهاردهمین همایش تازه های علوم بهداشتی کشور ان شاء الله.

امین شعبانعلی

دبیر اجرایی سیزدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی کشور



رئیس همایش

- جناب آقای دکتر اکبر اسلامی (رئیس دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

نایب رییس همایش

- جناب آقای دکتر محمد حسین وزیری (معاون فرهنگی دانشجویی دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

دبیر علمی

- پریرسا حسینی کوکمری (دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقا سلامت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

دبیر اجرایی

- امین شعبانعلی (دانشجوی کارشناسی مهندسی ایمنی صنعتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

دبیران پنل

- پنل بهداشت عمومی: الهه لعل منفرد (دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- پنل مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار: زهرا محمدی (دانشجوی دکتری بهداشت حرفه ای و ایمنی کار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- پنل سلامت در بلایا و فوریت ها: داوود پیرانی (دانشجوی دکتری سلامت در بلایا و فوریت ها دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- پنل مهندسی بهداشت محیط: فاطمه سهل آبادی (دانشجوی دکتری بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- پنل اپیدمیولوژی: سجاد رحیمی (دانشجوی دکتری اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- پنل ارگونومی: اعظم ملکی قهفرخی (دانشجوی دکتری ارگونومی دانشگاه علوم پزشکی تبریز)
- پنل مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست: سمیرا باباخانی (دانشجوی کارشناسی ارشد HSE دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- پنل کووید ۱۹: سمیرا دانشور (دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)



اعضای کمیته علمی

سمیرا دانشور، نجمه الملوک امینی، پریسا اخباری، میثم صفی کیکله، حمید صفر پور، هادی جلیلود، سعید عرفان پور رسول عسگری، سید احمد جغتایی، مهشاد سلیم پور، طیبه لریستانی، یگانه جامی، زهرا مراد پور، عبد المجید پارسا راد، وجیهه حسن زاده، فاطمه امره، راحله کفایی، اسما علی یاری

اعضای کمیته اجرایی

- مسئول تشریفات و روابط عمومی: فاطمه سادات مرتضوی
- دبیرخانه: فاطمه رفیعی (مسئول) _ ریحانه قاسمی
- تشریفات و رسانه: محمد جواد اکبری _ علی چهرقانی
- تشریفات: علیرضا هراتی زاده _ معین میر ابراهیمی _ علی سعیدی _ مصطفی راسخی نژاد
- رسانه: عطیه هادی _ شقایق زمانی
- مسئول تدارکات و پشتیبانی: محمد رضا رضوانی

سخنرانان کلیدی

- پنل بهداشت عمومی: دکتر علی رمضانخانی (مدیر گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- پنل بهداشت حرفه ای و ایمنی کار: دکتر یحیی خسروی (معاون بهداشت حرفه ای مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت، عضو هیئت علمی گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی البرز)
- پنل سلامت در بلایا و فوریت ها: دکتر کتایون جهانگیری (مدیر گروه سلامت در بلایا و فوریت ها دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- پنل بهداشت محیط: مهندس محسن فرهادی (معاون فنی مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت)
- پنل اپیدمیولوژی: دکتر علی اکبر حقدوست (معاونت آموزشی وزارت بهداشت)
- پنل ارگونومی: دکتر علیرضا ابوحسین (عضو هیئت علمی گروه ارگونومی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- پنل مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست: دکتر رضا غلام نیا (مدیر گروه HSE دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)



مدرسین کارگاه های آموزشی

- دکتر مصطفی محقق: کاربرد نوین برنامه ریزی _ نظریه تحول (Theory of change) در مدیریت ریسک حوادث و بلایا
- دکتر حسن اسفندیار: اقدامات بشر دوستانه در بلایا
- دکتر عباس شاهسونی: نرم افزار Air Q
- دکتر مسلم سارانی: آشنایی با فرصت های مطالعاتی و انتقال تجارب آکادمیک اروپا
- دکتر مسلم سارانی: نرم افزار GIS
- دکتر علیرضا ابوحسین: نرم افزار openism
- دکتر صابر مرادی حنیفی: کاربرد FDS در شبیه سازی عددی حریق



داوران حضوری پنل

• پنل بهداشت عمومی

دکتر سکینه درخشنده رو (عضو هیئت علمی گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

الهه لعل منفرد (دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقا سلامت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

مریم ترابیان (دانشجوی دکتری سالمند شناسی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران)

علی صفری (دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقا سلامت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

• پنل بهداشت حرفه ای و ایمنی کار

دکتر رضوان زنده دل (عضو هیئت علمی گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

مهدی محمدیان مستان آباد (دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی تهران)

زهرا محمدی (دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

قاسم حسام (دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

• پنل سلامت در بلایا و فوریت ها

داوود پیرانی (دانشجوی دکتری سلامت در بلایا و فوریت ها دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

مسلم سارانی (دانشجوی دکتری سلامت در بلایا و فوریت ها دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

آرزو دهقانی (دانشجوی دکتری سلامت در بلایا و فوریت ها دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

حمید صفر پور (دانشجوی دکتری سلامت در بلایا و فوریت ها دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)



• پنل بهداشت محیط

دکتر سید نادعلی علوی بختیاروند (مدیر گروه بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی ، مشاور استاندار تهران در امور محیط زیستی)

محمد رضا عالی پور (دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

فاطمه سهل آبادی (دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

حسن رسول زاده (دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

• پنل اپیدمیولوژی

دکتر محمد حسین پناهی (عضو هیئت علمی گروه اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

سجاد رحیمی (دانشجوی دکتری اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

گودرز کلی فرهود (دانشجوی دکتری اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

فاطمه کوهی (دانشجوی دکتری اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

• پنل ارگونومی

دکتر مهناز صارمی (عضو هیئت علمی گروه ارگونومی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

اعظم ملکی (دانشجوی دکتری ارگونومی دانشگاه علوم پزشکی تبریز)

سعیده مسافرچی (کارشناسی ارشد ارگونومی دانشگاه علوم پزشکی تهران)

بهرام کوهنورد (دانشجوی دکتری ارگونومی دانشگاه علوم پزشکی تهران)

• پنل مدیریت سلامت ، ایمنی و محیط زیست

دکتر رضا غلام نیا (مدیر گروه HSE دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

دکتر رضا سعیدی (عضو هیئت علمی گروه HSE دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

سمیرا باباخانی (دانشجوی کارشناسی ارشد HSE دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

بهنام مرادی (کارشناس ارشد HSE دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)



داوران غیر حضوری

• پنل بهداشت عمومی

پریسا اخباری_ نجمه امینی_ سید فهیم ایران دوست_ محمود رضا بهروان_ فاطمه بهزاد_ آمنه پوراسماعیل
فهیمه پورحاجی_ فاطمه پورحاجی_ علیرضا جعفری_ الهام چارچیان_ علی حاجی پور طالبی_ زکیه
حسینی_ سمیرا دانشور_ محمد حسین دلشاد_ میترا دوگونچی_ بهناز رحیمی_ الهه رحیمی نیا_ راضیه
رضایی_ فاطمه سلیمان آبادی_ فریبا شهرکی_ محمدرضا شیخی_ راضیه شیرزادگان_ گلی صوفی زاد_ فاطمه
عادل راد_ سمیه عظیمی_ منصوره علیپور_ مطهره علی صوفی_ نیره کثیری_ زهره کریمیان_ فاطمه کورکی
سکینه گرایلو_ الهه لعل منفرد_ مریم متاجی_ مرضیه محمد زاده_ آسیه نمازی

• پنل مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار

امید اکبرزاده_ سمیرا برکات_ زهرا پنجعلی_ وحید جلیلی_ آتنا رفیعی پور_ اسما زارع_ یونس سهرابی
پروین سپهر_ شیوا سوری_ وحید صفری دهنوی_ محسن عسگری_ زهره فضلی_ آناهیتا فاخرپور_ زهرا
محمدی_ زهرا مراد پور_ مهران مختاری_ بتول مسروری_ احسان محمدی_ زینب موسویان اصل علویه
نقیسه نصیر زاده_ معصومه وهابی شکرلو_ مهرداد یادگاری

• پنل سلامت در بلایا و فوریت ها

داوود پیرانی_ آرزو دهقانی_ مسلم سارانی_ علی صاحبی_ ایمان فرهی

• پنل مهندسی بهداشت محیط

فاطمه آمره_ سید علیرضا بابایی_ وجیهه حسن زاده_ آیت حسین پناهی_ ضحی حیدری نژاد_ علی خدیر
معصومه رحمتی نیا_ رضوانی قاهری_ فاطمه سهل آبادی_ نرگس شمس الدینی_ علیرضا علا_ علی عطا
ملکی_ اسما علی یاری_ مریم غلامی_ فرزانه فنایی_ محمد سودا فلاح_ پوریا کریمی_ فاطمه کریمی نژاد
راحله کفایی_ نجمه مسیحی_ مرضیه مراد قلی_ فیاض مهدی پور_ زهره معینی_ زهرا محمدی_ زهرا نامور
ربابه وحیدی کلور_ محمود یوسفی_ محسن یزدانی

• پنل اپیدمیولوژی

مهدی اردکانی_ میثم اخلاق دوست_ مصطفی پیوند_ هادی جلیلوند_ جلیل حسنی_ منصور خالدی_ فهام
خامسی پور_ سمیه درخشان_ بهناز رحیمی_ علی رحیمی_ علی رحیمی_ سجاد رحیمی_ حوریه



رحیمی نیا _ محمد زاهدی _ محمد شهباز _ ملیحه عبداللهی _ سعید عرفان پور _ یسری عزیز پور _ بهنام فاتحی _ پویا قادری _ موسی قلیچی قوجق _ زهرا ملکی _ محدثه مقصودلو _ موهبت والی اصفهانی

• پنل ارگونومی

پیام خانلری _ زهرا قنبری _ حمزه قیسوندی _ بهرام کوهنورد _ مصطفی محمدیان _ سعیده مسافرچی اعظم ملکی

• پنل مدیریت سلامت ، ایمنی و محیط زیست

سمیرا باباخانی _ حامد رحیمی سیروان زارعی _ حکیمه زمانی بادی _ اسحاق شیرین کام _ بهنام مرادی



محور های همایش

• بهداشت عمومی

- ✓ کار آفرینی در آموزش بهداشت و ارتقا سلامت
- ✓ تکنولوژی های نوین سلامت و کاربرد آن در آموزش بهداشت و ارتقا سلامت
- ✓ مداخلات آموزش بهداشت و ارتقا سلامت در محیط های کاری
- ✓ ارتقا سلامت و COVID19
- ✓ مداخلات آموزش بهداشت و ارتقا سلامت با محوریت سالمندی
- ✓ سلامت و مراقبت های بهداشتی اولیه در کودکان، بزرگسالان، سالمندان
- ✓ تعیین کننده های اجتماعی سلامت
- ✓ نقش آموزش بهداشت و ارتقا سلامت در نظام سلامت
- ✓ سبک زندگی سلامت محور
- ✓ مدیریت خدمات بهداشتی درمانی در نظام سلامت
- ✓ رفتار های پیشگیرانه و COVID19
- ✓ سالمندی و بحران COVID19
- ✓ تعیین کننده های اجتماعی سلامت

• بهداشت حرفه ای و ایمنی کار

- ✓ کار آفرینی در حوزه بهداشت حرفه ای و ایمنی کار
- ✓ پایش ، مدل سازی و روش های نوین کنترل عوامل زیان آور فیزیکی و شیمیایی محیط کار
- ✓ ایمنی سیستم ، خطای انسانی و تجزیه و تحلیل حوادث
- ✓ ارزیابی تفاوت های فردی در سم شناسی شغلی و پایش بیولوژیک
- ✓ بهداشت حرفه ای و ایمنی در گروه های سنی حساس (کودکان و نوجوانان)
- ✓ نقش بهداشت حرفه ای در پیشگیری از بیماری COVID19

• سلامت در بلایا و فوریت ها

- ✓ فناوری های نوین و فناوری اطلاعات در مدیریت خطر حوادث و بلایا
- ✓ راهکار های پیشگیری کاهش اثرات بلایا و مشارکت اجتماعی در کاهش خطر
- ✓ مدیریت حوادث ترافیکی
- ✓ درس آموخته های حوادث و بلایای اخیر ایران



• بهداشت محیط

- ✓ روش ها و فناوری های نوین محصول محور در پایش و کنترل آلاینده های زیست محیطی (آب ، فاضلاب ، هوا ، پسماند و ...)
- ✓ ارزیابی ریسک بهداشتی و زیست محیطی
- ✓ کارآفرینی آنلاین و کسب و کار های دانش بنیان در حوزه مهندسی بهداشت محیط
- ✓ بار بیماری های محیطی در ایران (با تاکید بر آلاینده های نوپدید)
- ✓ تاثیر تغییرات اقلیم و گرمایش جهانی بر سلامت و محیط زیست
- ✓ پاندمی کرونا و چالش های زیست محیطی
- ✓ سرنوشت محیط زیست در دوران پسا کرونا
- ✓ نقش بهداشت محیط در کنترل و مدیریت بیماری کرونا

• اپیدمیولوژی

- ✓ اپیدمیولوژی و عوامل خطر بیماری های واگیر و غیر واگیر
- ✓ اپیدمیولوژی بالینی
- ✓ اپیدمیولوژی اجتماعی
- ✓ متدولوژی
- ✓ اپیدمیولوژی COVID19

• ارگونومی

- ✓ ارگونومی کارآفرین
- ✓ ارگونومی جامعه نگر
- ✓ طراحی محصولات ارگونومیک
- ✓ روش ها و فناوری های نوین در ارگونومی
- ✓ مدلسازی در ارگونومی
- ✓ اصول ارگونومی چگونه می توانند در کنترل چالش های پاندمی COVID19 موثر واقع شوند؟
- ✓ ارگونومی در شرایط بحران



• مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست

- ✓ چالش ها و فرصت های مدیریت HSE
- ✓ شاخص ها و معیار های عملکردی HSE
- ✓ مدیریت HSE در تحقق و توسعه پایدار
- ✓ بررسی درک ریسک و مدیریت ریسک COVID19
- ✓ رویکرد HSE در پیشگیری از COVID ۱۹ و اقدامات بازگشت به کار



فهرست مطالب

متون سخنرانی سیزدهمین دوره از همایش تازه های علوم بهداشتی

- ۱..... **بهداشت عمومی**
Explaining the experiences and problems of Iranian housewives during the quarantine period related to COVID-19 and their adaptation strategies for it: A qualitative study
- ۲..... طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه آموزشی چند رسانه ای کارآموزی ویژه گروه بهداشت عمومی
- ۳..... پیش بینی کننده های شناختی و اجتماعی - اقتصادی رفتار های ناایمن عابرین پیاده سالمند در ایران
- ۴..... **Investigating the relationship between knowledge and attitude with home quarantine behavior in Covid 19**
- ۵..... بررسی ارتباط سواد سلامت و درک از بیماری بر پایداری به رژیم درمانی در سالمندان مبتلا به فشار خون بالا در شهرستان سراب
- ۶..... چالشها و راهکارهای ایجاد رسانههای ارتقاء دهنده سلامت در ایران
- ۷..... **The study of eye care behaviors in patients with type 2 diabetes**
- ۸.....
- ۹..... **بهداشت حرفه ای و ایمنی کار**
ساخت و بررسی رفتار آکوستیکی کامپوزیت زیست تجزیه پذیر الیاف طبیعی غلاف ذرت
- ۱۰..... مدلسازی غیبت کاری و حوادث ناشی از کار در کارکنان بیمارستان با استفاده از رویکرد تحلیل بقا
- ۱۱..... بررسی نقش سیستم تهویه بیمارستانی در پخش یا کنترل ویروس کرونا در بخش نگهداری از بیماران کرونایی
- ۱۲.....
- ۱۳..... **سلامت در بلایا و فوریت ها**
بررسی میزان آمادگی بیمارستان های منتخب دانشگاه علوم پزشکی همدان در برابر حوادث ترافیکی با مصدومین انبوه: ۲۰۲۰
- ۱۴..... پاسخ دانشگاه علوم پزشکی گلستان به سیل فروردین ۹۸
- ۱۵..... چالش های آموزش مجازی در زمان شیوع بیماری Covid-19 در ایران
- ۱۶..... درس آموخته های پاسخ مراکز بهداشتی درمانی استان ایلام در سیل فروردین ۱۳۹۸
- ۱۷..... مستند سازی درس آموخته های کووید-۱۹ در راستای افزایش تاب آوری در برابر خطرات نوپدید آینده
- ۱۸.....



بهداشت محیط ۱۹

۲۰ بررسی میزان تولید پسماندهای عفونی با شیوع بیماری کووید ۱۹ در شهرستان دشتستان

بررسی کارایی سیستم تلفیقی راکتور بیهوازی دارای راه بند و بیوالکتروشیمیایی در حذف COD، ترکیبات ازت و باکتریهای

شاخص از فاضلاب شهری ۲۱

بررسی تغییرات سمیت آنتی بیوتیک سفیکسیم طی فرایند سونو الکتروفنتون به روش زیست آزمونی با استفاده از

سویه های استاندارد میکروارگانسیم ها ۲۲

اپیدمیولوژی ۲۳

۲۴ Family history of cancer and risk of Upper gastrointestinal cancer

تبیین مشکلات اجتماعی سرطان از دیدگاه بستگان درجه اول بیماران مبتلا به سرطان مری ۲۵

بررسی شیوع سل نهفته در بیماران دیابتی مراجعه کننده به کلینیک دیابت شهر زاهدان در سال ۱۳۹۸ ۲۶

بررسی فشارخون و دیابت ناشناخته و شناخته شده در افراد مراجعه کننده به مراکز بهداشتی و درمانی در مناطق پایلوت

برنامه ایران ۲۷

۲۸ .. Impact of comorbidity on deaths caused by COVID-19: a hospital-based study in Yazd province

The association between COVID-19 incidence and mortality with Socioeconomic Development - A

۲۹ Global Ecological Study

ارگونومی ۳۰

۳۱ تأثیر اعتیاد به تلفن هوشمند بر توجه دیداری و شنیداری کاربران

بررسی اثر اعتیاد به تلفنهای هوشمند بر نقصهای شناختی روزمره با در نظر گرفتن نقش سن و جنسیت ۳۲

مداخلات ارگونومی مبتنی بر طراحی مجدد ایستگاههای کاری در شعبات بانک ۳۳

طراحی ترولی صنعتی بر مبنای متغیرهای آنترپومتریکی کارگران ایرانی جهت تسهیل انجام وظایف حمل دستی بار ۳۴

بررسی جنبههای مختلف زیبایی درک شده در یک وب سایت فروشگاه ایرانی، از نگاه کاربران دانشجو ۳۵

بررسی ارتباط مهارت های دستی و هماهنگی چشم و دست ماماها با نوبت کاری و مقایسه آن با تیپ سیرکادین ۳۶



- ۳۸..... مدیریت سلامت ، ایمنی و محیط زیست
- ۳۹ Cost Effectiveness Analysis of Safety Interventions Using the DALY Index
- ۴۰..... ارزیابی عملکرد ادارات کل مناطق راه آهن در امور بررسی حوادث ریلی با استفاده از روش تحلیل پوششی داده ها

متون پوسته های سیزدهمین دوره از همایش تازه های بهداشتی

- ۴۲..... بهداشت عمومی
- ۴۳ آیا مخاطره جویی جوانان با سلامت معنوی آنان ارتباطی دارد؟ شواهدی از ایران
- ۴۴..... بررسی سبک زندگی سلامت محور در میان قشر کودکان و نوجوانان
- ۴۵ تاثیر مداخلات مربوط به سلامت روان بر بهزیستی سالمندان ایران: یک مطالعه مروری روایتی
- ۴۶.....hi-tech artificial intelligence New approaches in breast cancer healthcare based on
- ۴۷ تاثیر آموزش بر رفتارهای خودمراقبتی بیماران نارسایی قلبی: مرور موضوعی
- ۴۸ بررسی و تحلیل وضعیت دانشجویان استعداد های برتر دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی: یک مطالعه کیفی
- ۴۹..... توانمند سازی جامعه راهبردی کلیدی در کنترل بیماری همه گیر COVID-19
- ۵۰..... مراقبتهای بهداشتی در زندان ها و COVID-19: یک مطالعه مروری
- بررسی میزان رعایت دستور العمل های بهداشتی کووید ۱۹ دانشجویان تکنولوژی اتاق عمل دانشگاه آزاد اسلامی مشهد
- ۵۱..... در اتاق عمل
- ۵۲ سالمند آزاری و اپیدمی کووید ۱۹
- ۳۵..... سلامت روان سالمندان و کووید ۱۹
- بررسی ارتباط بین ردهی سنی بیماران سرطان پستانی دریافت کننده خدمات طب تسکینی با میزان شفایافتگی آنان در
- ۵۴ سال های ۱۳۹۷-۱۳۹۴ در استان گلستان
- ۵۶ بررسی کیفیت خواب در بیماران تحت همودیالیزی
- ۵۷ بررسی سندرم پای بی قرار در بیماران تحت همودیالیز
- ۵۸ COVID-19 و سلامت روان در سالمندان: مطالعه مروری
- ۵۹ خودکارآمدی در مورد بیماری کروناویروس (کووید-۱۹)
- ۶۰ ارتقاء حیطه روانی حرکتی دانشجویان پرستاری با ظهور اپلیکیشن های آموزشی: مروری سیستماتیک
- ۶۱ گیاه های دارویی در کاهش درد پس از جراحی (مروری نظام مند)



- ۶۲..... بررسی تاثیر موسیقی بر اضطراب بیماران
- ۶۳ **coronavirus and post-accident stress disorder: A systematic review**
- سواد سلامت ، شاخص های کفایت مراقبت های دوران بارداری بر میزان پیامدهای هنگام تولد نوزاد ، در زنان باردار شهر زاهدان سال ۱۳۹۸
- ۶۴.....
- The effect of educational intervention on health literacy and nutritional performance of female**
- ۶۵ **high school students in Zahedan in the academic year 2018-2019**
- ۶۶..... ارتقا سلامت پرستاران با شناسایی عوامل موثر بر تنش اخلاقی: مروری سیستماتیک
- ۶۷ **Evaluation of risk factors for depression in the elderly: A Systematic review**
- ۶۸ **Social isolation in the elderly due to Covid 19 and provide a solution**
- ۶۹..... پانسمان پای دیابتی (مروری نظام مند)
- ۷۰..... ارتقا سلامت سالمندان با رویکرد آموزش محور: مروری سیستماتیک
- ۷۱..... **Teaching children self-care at home during the coronavirus outbreak: systematic review**
- Epidemiological and Maternal Features of Maternal Mortality in the West of Iran: Hamadan, 2011-**
- ۷۲ ۲۰۱۹
- Evaluation of the effect of vitamin C consumption in the treatment of patients with Covid-19: A**
- ۷۳ **systematic review**
- ۷۴ **A review of the role of traditional and herbal medicine in the COVID-19 epidemic**
- ۷۵ تاثیر معنویت در ارتقای سلامت جسم و روان افراد در بحران کرونا
- ۷۶ رابطه کیفیت زندگی عمومی با کیفیت زندگی اختصاصی کاری بهورزان زن ؛ با نقش واسط تعارض کار-خانواده
- ۷۷ کنترل اضطراب ناشی از کرونا ویروس در سالمندان: مروری سیستماتیک
- ۷۸ مروری سیستماتیک بر چالش های کادر درمان در زمان بیماری کرونا ویروس
- ۷۹ **Clinical signs of coronavirus in the elderly: A systematic review**
- ۸۰..... بررسی میزان اضطراب ناشی از کرونا(مروری نظام مند)
- ۸۱..... تاثیر برنامه مداخله آموزشی مرتبط با مکمل یاری آهن در نوجوانان دختر: کاربرد نظریه رفتار برنامه ریزی شده
- ۸۲ **Fear of hospitalization and coping strategies in hospitalized children: A systematic review**
- ۸۳ درمان اختلالات شناختی در سالمندی



- ۸۴ علائم نوظهور در مبتلایان به ویروس کرونا : مطالعه مروری
- ۸۵ بررسی تاثیر سبک زندگی سلامت محور بر کیفیت گذران دوران سالمندی
- ۸۶ **Factors Affecting on Sexual Health and Family - A Systematic Review**
- بررسی میزان آگاهی و عملکرد زائران اربعین حسینی سال ۹۸ در خصوص پیشگیری از بیماری های رایج و اقدامات درمانی
- ۸۷
- ۸۹ بررسی ارتباط سلامت روانی بر رضایت زناشویی در زوجین سالمند قوچان در سال ۱۳۹۹
- ۹۰ چرا پوشش رسانهای اخبار درمان بیشتر از بهداشت و ارتقاء سلامت است؟
- ۹۱ مروری بر سطح سواد سلامت بیماران دیابتی تیپ ۲
- ۹۲ ارزیابی عملکرد بیمارستان های دوستدار کودک تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی: ۱۳۹۸
- ۹۴.۸۹-۹۸ بررسی ۱۰ ساله مرگ خارج بیمارستانی کودکان ۱ تا ۵۹ ماهه تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی: ۹۴.۸۹-۹۸
- ۹۵ **A systematic review of the evidence: The effect of self-care on people's health**
- ۹۶ **Factors the Facilitators of Health Policy Making: A Systematic Review**
- ۹۷ بررسی تأثیر آموزش کارکنان صنایع فلزی در اجرای اقدامات بهداشتی به منظور مقابله با کرونا ویروس (کووید-۱۹)
- ۹۸ عوامل موثر در بهبود ارتباط پزشک - بیمار: مرور سیستماتیک
- The relationship between exposure to Secondhand Smoke and Self-Efficacy and Perceived Barriers**
- ۹۹ **of Pregnant Women**
- ۱۰۰ **Knowledge and perceptions about Second-Hand Smoke in Pregnant Women**
- ۱۰۱ **Related Factors with Exposure to Second-Hand Smoke in Pregnant Women at Home**
- Designing A Clinical Trial Protocol About The Impact Of Family-Based Multimedia Education Based On Telephone Tracking (Tele Nursing) To Improve The Quality Of Life And Self-Efficacy In Patients**
- ۱۰۲ **With Myocardial Infarction**
- ۱۰۳ بررسی تاثیر آموزش خود مراقبتی بر بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲
- Identification of adaptive experiences of patients' offspring with a history of myocardial**
- ۱۰۴ **infarction: A qualitative study**
- Identification of the process of threat appraisal in patients' offspring with a history of**
- ۱۰۵ **myocardial infarction: A qualitative study**
- ۱۰۶ بررسی رفتارهای خود مراقبتی بهداشت دهان و دندان مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی



- بررسی تاثیر مداخله آموزشی بر فاکتورهای بیوشیمیایی خون، شاخص توده بدنی و فشارخون فرزندان مبتلایان به سکتة قلبی ۱۰۷
- تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری انگیزش محافظت بر انجام رفتارهای پیشگیری کننده از بیماری قلبی ۱۰۸
- بررسی سواد سلامت و ارتباط آن با فاکتورهای بیوشیمیایی خون، شاخص توده بدنی و فشارخون در فرزندان مبتلایان به سکتة قلبی در شیراز ۱۰۹
- بررسی تاثیر آموزش بر اساس نظریه خودکارآمدی و سازه مراحل تغییر بر ارتقاء رفتار فعالیت فیزیکی در زنان میانسال ۱۱۱
- نقش آموزش خودآزمایی پستان در زنان میانسال شهر نیشابور: کاربردی از تئوری انگیزش محافظت ۱۱۲
- پیشگویی کننده های رفتارهای ایمن در دانشجویان موتور سوار شهر سبزوار: کاربردی از تئوری انگیزش محافظت ۱۱۳
- رابطه هنجارهای انتزاعی با عملکرد شیردهی انحصاری در زنان باردار نخست زا ۱۱۴
- پیشگویی کننده های اتخاذ رفتار های خود مراقبتی در بیماران مبتلا به فشارخون: کاربردی از مدل پرسید ۱۱۵
- بررسی عوامل مرتبط با کیفیت زندگی در دوران یائسگی ۱۱۶
- بررسی ارتباط بین سلامت روان و صبر در زنان باردار بستری در بخش زایشگاه بیمارستان علی ابن ابیطالب زاهدان ۱۱۷
- سازمان یادگیرنده محور ارتقای کیفیت نظام سلامت ۱۱۸
- تبیین نقش مدیریت اطلاعات سلامت در کنترل هزینه های بهداشت و درمان کشور ۱۱۹
- مروری نظام مند بر راه های کاهش هزینه و افزایش درآمد بیمارستان ها ۱۲۰
- ۱۲۱..... How we can improve Quality of Life in Elders with Cognitive Disorder?
- ترجیح بیماران کدام است؛ بیمارستان دولتی یا خصوصی؟ ۱۲۲
- رابطه سبک رهبری و عوامل انگیزشی موثر بر بهره وری پرسنل بیمارستان های آموزشی قزوین ۱۲۳
- ارزیابی تصمیم گیری مبتنی بر شواهد بین مدیران دانشگاه علوم پزشکی قزوین: کاربرد تئوری رفتار برنامه ریزی شده ۱۲۴
- عوامل اجتماعی اقتصادی موثر بر تمایل به زایمان سزارین: شواهدی از ایران ۱۲۵
- بررسی نگرش دانشجویان رشته بهداشت عمومی دانشگاه علوم پزشکی لرستان نسبت به رشته تحصیلی و آینده شغلی در سال ۱۳۹۷ ۱۲۶
- به کارگیری برنامه های کاربردی سلامت همراه در ارتقای سطح سلامت سالمندان ۱۲۷
- بررسی رفتارهای ارتقا دهنده سلامت در بیماران مبتلا به سرطان پستان: مطالعه مروری ۱۲۸
- بررسی ارتباط خودپنداره جنسی و طلاق زوجین: مطالعه مروری ۱۲۹



- ۱۳۰..... بررسی رفتارهای تغذیه ای زنان باردار: مطالعه مروری
- ۱۳۱..... مداخلات مبتنی بر توانمندسازی در بیماران مبتلا به دیابت: یک مطالعه مروری
- ۱۳۲..... عدم توانایی تسلط بر حرکات دست و تقارن عملکردی در سالمندان
- ۱۳۳..... بررسی سبک زندگی بیماران مبتلا به پرفشاری خون
- ۱۳۴..... بررسی وضعیت تغذیه ای بیماران مبتلا به سرطان
- ۱۳۵..... بررسی سبک زندگی سالمندان و عوامل موثر بر آن: مطالعه مروری
- ۱۳۶..... مروری بر عوامل ارتقاء دهنده سلامت روانی در زنان و راهکار های موثر بر آن
- ۱۳۷..... نقش مداخلات آموزشی با استفاده از الگوها و تئوری های آموزش، در سلامت روان
- ۱۳۸..... بررسی سلامت روان زنان نابارور
- ۱۳۹..... مروری بر ابعاد سبک زندگی سلامت محور در سالمندان
- ۱۴۰..... مروری بر تعیین کننده های سبک زندگی سلامت محور در جوانان
- ۱۴۱..... مروری بر روش های طب مکمل موثر در بهبود خواب سالمندان
- ۱۴۲..... مروری بر آموزش های موثر بر کاهش افسردگی در سالمندان
- عوامل پیشگویی کننده رفتارهای پیشگیرانه از سرطان پوست در دانش آموزان دختر دبیرستانی شهرکرد: کاربرد از الگوی پرسید
- ۱۴۳.....
- ۱۴۴..... بررسی ارتباط عوامل دموگرافیک و سبک زندگی با هیرسوتیسم زنان
- ۱۴۵..... بررسی همبستگی وضعیت شادکامی و موفقیت تحصیلی در دانشجویان پرستاری و مامایی
- ۱۴۶..... بررسی عوامل عفونت ادراری در افراد مسن
- ۱۴۷..... بررسی ارتباط سردرد میگرن با یائسگی (مروری نظام مند)
- ۱۴۸..... خواب در بیماران دیابتی (مروری نظام مند)
- ۱۴۹..... مروری بر آموزش های موثر بر ارتقا کیفیت زندگی سالمندان
- ۱۵۰..... تاثیر جینسنگ بر بهبود علائم بالینی تب مالت
- ۱۵۱..... بررسی ارتباط بین آگاهی از علم ارگونومی و شرایط محیط کار با میزان ناراحتی های عضلانی اسکلتی در پرستاران
- ارتباط سبک مقابله با استرس پذیرش با نیم رخ مشکلات روانی: یک مطالعه مقطعی بر روی نمونه ای بزرگ از بزرگسالان
- ۱۵۲..... اصفهان



- بررسی ارتباط اختلالات خواب با الگوی غذایی و برخی شاخص های تن سنجی در مراجعه کنندگان به کلینیک خواب قزوین در سال ۹۶..... ۱۵۳
- بررسی تاثیر مداخله آموزشی بر تغییر رفتار تغذیه ای زنان باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر قزوین ۱۵۴۰..... ۱۵۴
- بررسی الگوی غذایی و ارتباط آن با پارامترهای اختلال خواب در بیماران مراجعه کننده به کلینیک خواب قزوین..... ۱۵۵
- Various Anthropometric Measures and Sleep Disturbance Breathing in Iranian Obstructive Sleep Apnea Patients**
۱۵۶..... ۱۵۶
- بررسی عوامل موثر در بروز اختلال رشد کودکان زیر ۵ سال شهر زاهدان در سال ۱۳۹۷..... ۱۵۷
- چالش های گردشگری سلامت در استان سیستان و بلوچستان: (مبثنی بر رویکرد تحلیل مضمون)..... ۱۵۸
- بررسی تاثیر انجام فعالیت بدنی بر کیفیت زندگی سالمندان..... ۱۵۹
- تاثیر ماستکتومی بر عملکرد جنسی در زنان مبتلا به سرطان پستان..... ۱۶۰
- راههای پیشگیری از ابتلاء به ویروس کرونا..... ۱۶۱
- سواد سلامت در دانشجویان غیر علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت..... ۱۶۲
- سلامت اجتماعی و ارتباط آن با عوامل دموگرافیک در دانشجویان پرستاری و مامایی..... ۱۶۳
- بررسی وضعیت سلامت جسمی_روانی سالمندان: مطالعه مروری..... ۱۶۴
- رابطه مدت اقامت نوزادان با جنسیت بر حسب علل مختلف بستری در بخش مراقبت های ویژه نوزادان..... ۱۶۵
- رابطه سن ختم حاملگی و وزن هنگام تولد با طول مدت بستری نوزادان در بخش مراقبت های ویژه نوزادان..... ۱۶۶
- نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران نسبت به آموزش الکترونیکی در دوره کرونا..... ۱۶۷
- عوامل موثر بر طلاق در ایران با تاکید بر متغیرهای اقتصادی..... ۱۶۸
- ارزیابی کارایی فنی بیمارستان های تهران با روش تحلیل پوششی داده ها..... ۱۶۹
- بررسی رابطه سلامت عمومی با کیفیت زندگی سالمندان شهر یزد در سال ۱۳۹۸..... ۱۷۰
- عدالت در مشارکت مالی خانوارها در نظام سلامت: مطالعه موردی کلانشهر ارومیه..... ۱۷۱
- چالش های گردشگری سلامت کلانشهر ارومیه به روش دلفی..... ۱۷۲
- نقش دانش پوسیدگی و ارزش های خودمراقبتی در زمینه بهداشت دهان و دندان نوجوانان مراجعه کننده به بخش ارتودنسی مراکز دولتی دندانپزشکی یزد..... ۱۷۳
- کیفیت خواب سالمندان ایران: یک مطالعه مروری..... ۱۷۴



- ۱۷۵..... رابطه تعهد سازمانی و فرسودگی شغلی پرستاران: یک مطالعه موردی
- ۱۷۶..... سرنوشت شغلی رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی از دیدگاه دانش آموختگان
- ۱۷۷..... تاثیر شیوع بیماری کووید-۱۹ بر سلامت روانی و جسمی سالمندان مبتلا به بیماری های قلبی-عروقی : مطالعه مروری ..
- ۱۷۸..... بررسی تاثیر امیددرمانی بر کیفیت زندگی بیماران مبتلا به کروناویروس
- ۱۷۹..... بررسی عوارض جنینی کرونا ویروس در دوران بارداری: مروری سیستماتیک
- ۱۸۰..... مروری سیستماتیک بر راهکار های کنترل کننده بی اختیاری ادراری در زنان سالمند
- بررسی وضعیت سواد سلامت و ارتباط آن با رفتار های خود مراقبتی از پای دیابتی در بیماران دیابتی نوع ۲ بر اساس مدل
- ۱۸۱..... فرآیند موازنه توسعه یافته
- ۱۸۲..... تاثیر برنامه مداخله آموزشی بر میزان تفکر مثبت نوجوانان پسر: کاربرد نظریه رفتار برنامه ریزی شده
- بررسی نظامند کاربرد نظریه ها / الگو های آموزش بهداشت و ارتقای سلامت در مطالعات مداخله ای در بیماران دیابتی نوع ۲
- ۱۸۳.....
- ۱۸۴..... بررسی الگوی فیلوژنتیکی کرونا ویروس جدید شیوع یافته در دنیا
- ۱۸۵..... بررسی ارتباط رضایت جنسی و طلاق زوجین: مطالعه مروری
- ۱۸۶..... The effect of alcohol consumption and the risk of kidney disease in diabetics
- ۱۸۷..... بررسی شیوه های مراقبتی بهداشت دهان و دندان در دانش آموزان دبیرستان های شهرستان آبادان در سال ۱۳۹۷
- ۱۸۹..... مروری بر عملکرد کارکنان مراکز بهداشتی: اجرای طرح پکیج پیشگیری
- ۱۹۰..... ارتباط بین گرایش به فرزندآوری و سواد سلامت در زنان
- ۱۹۱..... ارزیابی عملکرد یک بیمارستان براساس بیمارستان های ارتقا دهنده سلامت
- ۱۹۲..... عوامل تسهیل کننده و بازدارنده فعالیت فیزیکی پس از زایمان در بین زنان شهرستان سراب در سال ۹۷
- ۱۹۳..... Fear of hospitalization and coping strategies in hospitalized children: A systematic review
- ۱۹۴..... نگاهی به کیفیت مراقبت هاو دستاورد های برنامه ملی پیشگیری و کنترل دیابت در مناطق روستایی شمال ایران
- ۱۹۵..... شاخص های مراقبت سالمندی در سالمندان شهرستان اسدآباد سال ۱۳۹۷
- سنجش شکاف بین انتظارات و ادراکات بیماران بستری شده در بیمارستان شفاء سمنان در سال ۹۷ و ارتباط آن با وفاداری
- ۱۹۶..... بیماران با استفاده از مدل سروکوال
- ۱۹۷..... زنان و پاندمی کووید-۱۹



- بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار ۱۹۸
- Survey on the effect of lead concomitant noise on oxidative stress in rats ۱۹۹
- بررسی استرس شغلی به‌رورزان خانه های بهداشت تحت پوشش شبکه بهداشت و درمان شهرستان فومن ۲۰۰
- بررسی تاثیر سر و صدای محیط کار بر مهارت های ارتباطی شاغلین یکی از صنایع فولادی اصفهان ۲۰۱
- بررسی ارتباط بین استرس های شغلی و حوادث ناشی از کار در کارگران صنعت بشکه سازی ۲۰۲
- ارزیابی کنتراست درک موانع جاده ای در ورودی تونل ها ۲۰۳
- عوامل موثر بر فرهنگ ایمنی و راهکارهای ارتقاء آن در صنایع: مروری بر مطالعات انجام شده در ایران ۲۰۴
- بررسی روند اپیدمیولوژیک حوادث ناشی از کار در استان سیستان و بلوچستان ۱۳۹۷ ۲۰۵
- بررسی عوامل موثر بر بروز حوادث شغلی در استان سیستان و بلوچستان ۱۳۹۷ ۲۰۶
- مرور روایتی بر سم شناسی نانوذرات و اثرات بهداشتی آنها بر انسان ۲۰۷
- بررسی رابطه بین استرس شغلی و جو ایمنی بر حوادث ناشی از کار (مطالعه موردی: در یک شرکت سیمان سیستان) ... ۲۰۹
- ارزیابی ریسک خطرات زیست محیطی تجهیزات صنعت نورد گرم فولاد FMEA و William & Fine ۲۱۰
- بررسی میزان مواجهات شغلی و عوامل تاثیر گذار بر آن در کارکنان بیمارستان ۲۱۱
- بررسی شیوع حوادث شغلی ناشی از افزایش دمای هوا (یک مطالعه سری-زمانی) ۲۱۲
- شناسایی و ارزیابی مخاطرات واحد های عملیاتی کارخانه بافندگی با استفاده از روش HAZID ۲۱۳
- بررسی میزان آگاهی و عملکرد کشاورزان شهرستان لردگان از مسائل بهداشت حرفه ای کشاورزی ۲۱۴
- بررسی ارتباط ریسک ابتلا به آسیب های اسکلتی-عضلانی و استرس شغلی در پرستاران ۲۱۵
- تجزیه و تحلیل حوادث شش ماهه دوم سال ۱۳۹۷ یکی از صنایع استان کرمان ۲۱۶
- شناسایی و ارزیابی ریسک خطرات شغل آپاراتی سنگین در یکی از صنایع معدنی استان کرمان JHA به روش ۲۱۷
- وضعیت ایمنی واحدهای تصویربرداری بیمارستان های شهر تبریز ۲۱۸
- رابطه حوادث شغلی بالینی با بهره‌وری کارکنان در بیمارستان‌های آموزشی قزوین ۲۱۹
- بررسی ارتباط بین سروصدا با مقیاس پردازش شناختی (CPI) در کارگران صنعت ذوب آهن ۲۲۰
- شناسایی منابع اصلی صدا و ارائه روش های کنترلی براساس استاندارد ISO9612 در یکی از بیمارستان های خصوصی اصفهان ۲۲۱
- ارزیابی عملکرد ریوی شاغلین صنعت تولید پودرهای معدنی ۲۲۲



- ۲۲۴..... رابطه بین مواجهه صوتی با حالات خلقی در سطوح مختلف بارکاری: مطالعه موردی در یک صنعت کاشی سازی
- ۲۲۴..... بررسی نقش بارکاری در تشدید اثرات روانی نامطلوب ناشی از مواجهه با صدا
- ۱۳۹۷..... شناسایی مولفه های موثر و راه کارهای پیشگیرانه در بروز تصادفات راکبین موتور سیکلت در شهرستان کرمانشاه سال
- ۲۲۵.....
- ۲۲۶..... بررسی کیفیت خواب و عوامل موثر بر آن در رانندگان تاکسی های برون شهری
- ساخت و بررسی اعتباریابی پرسشنامه بررسی میزان رضایت کارکنان از وضعیت سیستم مدیریت بهداشت حرفه ای ، ایمنی و محیط زیست
- ۲۲۷.....
- ۲۲۸..... شناسایی و ارزیابی عوامل موثر در بروز مخاطرات در صنعت ساختمان؛ مروری سیستماتیک
- مروری سیستماتیک بر مطالعات صورت گرفته در زمینه اهمیت فرهنگ ایمنی و ارتباط آن با رضایت شغلی در محیط های کاری
- ۲۳۰.....
- ۲۳۱..... مروری سیستماتیک بر مطالعات صورت گرفته در زمینه ارزیابی خطاهای انسانی در صنایع پیشرفته
- فراتحلیلی بر نقش عملکرد های شناختی کارگران در عوامل موثر بر وقوع حوادث شغلی: مروری بر مطالعات انجام شده
- ۲۳۲..... شناسایی عوامل پنهان آسیب زا در مدارس و میزان توجه به آن ها ، با هدف ارتقای سلامت و امنیت دانش آموزان ابتدایی
- ۲۳۳.....
- ۲۳۴..... ارزیابی همبستگی بروز خطاهای پزشکی با میزان خستگی و بارکاری ذهنی در پرستاران، یک مطالعه ی مروری
- ۲۳۶..... بررسی عوامل موثر بر میزان بهره وری کارکنان سازمان ها و صنایع؛ مروری بر مطالعات گذشته
- ۲۳۷..... تجزیه و تحلیل حوادث خطوط لوله مایعات هیدروکربنی با استفاده از روش **Bow tie**
- ۲۳۶..... ادراک خطر و رفتارهای محافظتی در کارمندان ادارات پرتردد شهر قم در برابر بیماری کووید ۱۹
- ۲۳۹..... بررسی ایمنی تجهیزات زمین بازی کودکان در شهر سبزوار
- نقش آموزش در تغییر نگرش کارکنان نسبت به مسائل ایمنی (مطالعه موردی در یکی از واحدهای فولادسازی استان یزد- ۱۳۹۸)
- ۲۴۰.....
- ۲۴۲..... بررسی ارتباط بین احتمال رخداد خطر و کد ارزیابی ریسک در مدیریت ریسک یک کارخانه تولید روغن نباتی
- طراحی و بررسی ویژگی های روانسنجی پرسشنامه آگاهی و عملکرد کشاورزان پسته کار درباره ایمنی سموم دفع آفات پسته
- ۲۴۳.....
- ۲۴۴..... شناسایی و اولویت بندی علل عدم گزارش دهی خطا در پرستاران: مرور سیستماتیک



- ۲۴۵..... مدل سازی آلودگی هوا با مدل آنالوگ الکتریکی و تاثیر آن بر قلب
- Measurement of the intensity of Solar Ultraviolet A Radiation at Date Harvest Time in Groves**
- ۲۴۸ **around Jiroft City Name of Authors: Times New**
- ۲۴۹..... بررسی خطای دارودهی پرستاران با روش شریا در بیمارستان های وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی تهران
- ارزیابی ریسک حمل بار دستی گروه سنی حساس (کودکان و نوجوانان) شاغل در مزارع کشت گوجه فرنگی در شهرستان
- ۲۵۰..... مرودشت استان فارس
- بررسی عوامل اصلی مؤثر بر ارتقای یادگیری دانشجویان کارشناسی بهداشت حرفه ای در درس ارگونومی (کرمانشاه، ۱۳۹۹)
- ۲۵۱.....
- ۲۵۲..... آنالیز حوادث شغلی در یکی از شرکت های بافندگی فرش ماشینی
- ۲۵۳ بررسی تاثیر رعایت استاندارد های ایمنی و بهداشت در طراحی و انتخاب اسباب بازی ها در کودکان
- ۲۵۴..... بررسی میزان مواجهه افراد با ویروس کرونا در مشاغل: یک مرور سیستماتیک
- A systematic review of the importance of using personal protective equipment (PPE) during the**
- ۲۵۶..... **Coronavirus pandemic in the workplace.**
- ۲۵۷ ... کاربرد روش استخراج فاز جامد برای نمونه برداری و آنالیز فلزات سنگین از ماتریس های مختلف مرور سیستماتیک
- ۲۵۸ بررسی روابط بین ویژگی های شخصیتی و رفتارهای پرخطر رانندگی در رانندگان کامیون های برون شهری
- کاربرد آئروزل های مبتنی بر کربن به عنوان جاذب جدید در تکنیک های آنالیز نمونه های محیطی و بیولوژیکی. مرور
- ۲۵۹..... سیستماتیک
- ۲۶۰ بررسی خطرات جوشکاری قوس الکتریکی به روش آنالیز خطرات شغلی (JHA) در پروژه ساختمانی در شهر کرمان
- ۲۶۱ ارزیابی ریسک شغلی اپراتور دامپ تراک به روش JHA در یکی از معادن رو باز استان کرمان
- ۲۶۲..... بررسی سطح ایمنی آزمایشگاه های دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کرمان با استفاده از چک لیست
- شناسایی و ارزیابی خطاهای انسانی با استفاده از روش SHERPA در عملیات داربست بندی در مرحله ساخت یک مجتمع
- ۲۶۳ پتروشیمی
- ارزیابی ریسک اقدامات کنترلی پیشگیری از شیوع بیماری COVID-19 در مدارس با استفاده از تکنیک SWIFT در سال
- ۲۶۴..... ۱۳۹۹
- ۲۶۵..... بررسی تناسب بین وزن کوله پشتی دانش آموزان دبستانی با ویژگی های تن سنجی آنان
- ۲۶۶..... بررسی آسیب پذیری ناشی از تابش گرمایی در فضای باز بر مبنای تجربه و نرم افزار PHAST



- ۲۶۷..... شناسایی و ارزیابی خطای انسانی اپراتورهای اتاق کنترل پالایشگاه روغن سازی
- ۲۶۸ ... بررسی ارتباط بین WBGT با شاخص‌های انتخاب‌شده آسایش گرمایی: مطالعه موردی در محیط کاری گرم و مرطوب
- ۲۶۹..... ارزیابی ریسک شغلی اپراتور دستگاه تراش TN50 در یکی از معادن روباز استان کرمان با استفاده از روش JHA
- ۲۷۰..... ارزیابی ریسک شغل فرزکاری با استفاده از روش واکاوی خطرات شغلی (JHA)
- ۲۷۱..... ارتباط بین مواجهه شغلی با صدا و عملکرد قلبی در کارگران صنایع کاشی سرامیک بر اساس نتایج الکتروکاردیوگرافی
- تعیین درک مدرسین و دانشجویان پرستاری از رفتار غیر مدنی در آموزش دانشگاه‌های علوم پزشکی جنوب شرق ایران
- ۲۷۲.....
- ۲۷۳ شناسایی و ارزیابی ریسک شغل آتش نشانی منطقه ۲ عملیاتی ایستگاه ۱۰۲ شهر کرج به روش JSA و FMAE
- بررسی عوامل مرتبط با رفتارهای حفاظتی کارگران کارخانجات ریسندگی بافندگی شهر یزد برای پیشگیری از افت شنوایی بر اساس تئوری انگیزش محافظت
- ۲۷۴
- ۲۷۵ بررسی میزان اضطراب سلامت پرستاران بیمارستان روانپزشکی بهاران زاهدان در مواجهه با بحران بیماری کرونا
- ۲۷۶..... مرور روایتی بر نانو تکنولوژی در علوم پزشکی: دستاوردهای نانو تکنولوژی
- ۲۷۷ و انواع نانوذرات بکار رفته در این حوزه
- ۲۷۸ بررسی وضعیت فاکتورهای موثر بر بار ذهنی پرسنل اورژانس در زمان شیوع کرونا
- ۲۷۹..... شناسایی و دسته بندی عوامل مرتبط غیبت از کار با استفاده از مدل درخت تصمیم در یک صنعت فولادی
- ۲۸۱..... مروری بر استاندارد های ملی ایران در ارتباط با جنبه های بهداشت، ایمنی و محیط زیست نانو فناوری
- Investigation of the factors influencing assessment the health, safety and environmental risks of**
- ۲۸۲ **activities involved with nanomaterials**
- Comparative risk assessment of activities involving nanomaterials by NanoTool & Guidance**
- ۲۸۳ **methods**
- بررسی وضعیت اجرای دستورالعمل‌های پیشگیری از بیماری کرونا (COVID19) در کارگاه های ساختمانی، مطالعه موردی در یک هلدینگ ساختمانی
- ۲۸۴
- ۲۸۵ بررسی اپیدمیولوژیکی حوادث ساختمان سازی ثبت شده در سازمان تامین اجتماعی شهرستان قم
- ۲۸۶..... بررسی discomfort glare چراغ خودرو ها در کشور ایران
- بررسی خطاهای انسانی در جمعیت اپراتورهای تاور کرین با استفاده از روش SHERPA و اولویت بندی آن بر اساس تحلیل سلسله مراتبی (AHP)
- ۲۸۷



- ۲۸۸ **سلامت در بلایا و فوریت ها**
- ۲۸۹..... درس آموخته های ایمنی مدیریت مشارکت داوطلبین در بلایای طبیعی؛مطالعه موردی: سیلاب ۱۳۹۸
- ۲۹۰ مدیریت ریسک در صنعت ساخت و ساز؛ چالش ها و راهکارها
- ۲۹۱..... تبیین تعاملات انسانی تاثیرگذار بر تصمیم‌گیری تکنسین‌های فوریت‌های پزشکی: مطالعه کیفی
- ۲۹۳..... اهمیت مشارکت سازمان‌های غیردولتی در شرایط اضطراری بهداشت عمومی
- ۲۹۴..... تجارب و سیاست های سنجش و ارتقای صلاحیت رانندگی در سالمندان: یک مرور گسترده
- ۲۹۵..... چالش های تغذیه ای سالمندان در حوادث و بلایا:مطالعه موردی زلزله کرمانشاه
- ۲۹۶..... فرسودگی شغلی در تکنسین های فوریت پزشکی: مروری سیستماتیک
- ۲۹۷..... بررسی اختلالات بلع ناشی از COVID_19 و مراقبت های بهداشتی مربوط به آن
- ۲۹۸..... بررسی وضعیت بهداشت باروری و سلامت مادران در شرایط بحرانی و بلایای طبیعی
- ۲۹۹..... بررسی تجربیات روانشناختی مراقبین سلامت بیماران مبتلا به کووید-۱۹: مطالعه مروری
- ۳۰۰..... مروری بر سلامت روانی و اجتماعی کودکان در حوادث
- ۳۰۱..... مروری بر علل آسیب پذیری زنان پس از حوادث طبیعی
- ۳۰۲..... مروری بر پیامد های بلایای طبیعی بر سلامت زنان
- ۳۰۳..... راه کارهای پیشگیری و کاهش اثرات سیلاب(مطالعه مروری)
- ۳۰۴..... The effect of natural disasters on leishmaniasis frequency
- ۳۰۵..... استرس شغلی ناشی از بیماری کرونا بر سلامت عمومی کارکنان بیمارستان شهید صیاد شیرازی
- ۳۰۶..... What information do people want to know about COVID-19? A quick online survey
- محبوبترین کانالهای ارتباطی برای دریافت اطلاعات بهداشتی در زمینه پاندمی Covid-19 در جمعیت ایرانی: راهنمایی برای سیاستگزاری های آینده
- ۳۰۷.....
- ۳۰۸..... ابزاری برای سنجش تاب آوری در برابر حوادث و بلایا (مطالعه مروری)
- ۳۰۹..... اهمیت سلامت روانی افراد در مواجهه با حوادث و بلایای طبیعی
- ۳۱۰..... **بهداشت محیط**
- ۳۱۱..... میزان DL-PCBs در نمونههای ماهی صید شده از دریای خزر و ارزیابی ریسک بهداشتی ناشی از مصرف آن



- ۳۱۲..... مدیریت پسماندهای نفتی و روشهای تصفیه آن
- ۳۱۳..... مفاهیم، مبانی و برنامه سیستم پایش زیست محیطی
- ۳۱۴..... بررسی عملکرد تصفیه خانه فاضلاب بیمارستان آیت الله طالقانی تهران در سال ۹۷-۹۸
- ۳۱۵... اثرات سوء بر سلامتی تحت تاثیر فناوری نسل پنجم شبکه تلفن همراه (۵G) در شرایط زندگی واقعی (مطالعه مروری)
- ۳۱۷..... بررسی آلودگی و غلظت برخی از فلزات سنگین در ذرات اتمسفری هوای شهر قزوین
- ۳۱۸..... مروری بر پیامدهای تغییرات اقلیمی بر سلامت روان
- ۳۱۹..... مدیریت پسماند در شهر هوشمند با استفاده از اینترنت اشیا
- ۳۲۰..... بررسی کیفیت آب رودخانه قره سو بر اساس شاخص IRWQI
- ۳۲۱..... بررسی نقش استانداردهای بین المللی ایزو در کاهش تغییرات آب و هوایی
- ۳۲۳ بررسی کیفیت شیمیایی آب شرب شهر نوشهر طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶
- ۳۲۴ اثرات غیرمستقیم COVID-19 بر محیط زیست کشورهای آسیب دیده از اپیدمی کرونا
- ۳۲۵ طراحی و تدوین سامانه نرم افزاری مناسب جهت محاسبه شاخص کیفیت هوا
- ۳۲۶ کارآفرینی و اقتصاد دانش بنیان در رشته مهندسی بهداشت محیط
- ۳۲۷ بررسی کارایی حذف کروم شش ظرفیتی و نیکل از فاضلاب صنایع آبکاری با استفاده از راکتور بیولوژیکی بستر آکنده
- Development and implementation of water safety plans for groundwater resources in the southernmost city of West Azerbaijan Province, Iran**
- ۳۲۸ **Health impacts and burden of disease attributed to long-term exposure to atmospheric PM₁₀/PM_{2.5} in Karaj, Iran: Effect of meteorological factors**
- ۳۳۰..... **PM₁₀/PM_{2.5} in Karaj, Iran: Effect of meteorological factors**
- ۳۳۱..... مطالعه تغییرات غلظت و برآورد میزان مرگ و میر ناشی از سرطان ریه منتسب به ذرات معلق طی ۷ سال در شهر اهواز
- ۳۳۲..... ارزیابی اثرات بهداشتی مواجهه با PM_{2.5} در هوای شهر قزوین با استفاده از مدل AIRQ plus در سال
- ۳۳۳..... مروری بر حذف آرسنیک از آب
- ۳۳۴..... مروری بر کاربرد حسگرهای زیستی (بیوسنسورها) در پایش کیفیت آب و فاضلاب
- ۳۳۵..... بیماری های روانی رتبه دوم بار بیماری در ایران!
- بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان رشته دندانپزشکی و دندانپزشکان در مورد پسماند دندانپزشکی در شهر مقدس مشهد در سال ۱۳۹۶
- ۳۳۶.....



- ۳۳۷..... Microbial Status and Physicochemical Indices of Pools in Baharestan City
- ۳۳۸..... بررسی تاثیر آلودگی هوا بر پیشرفت بیماری های غیرواگیردار
- بررسی تغییرات غلظت و تاثیر آلاینده $pm_{2.5}$ بر تعداد مرگ ومیر ناشی از بیماری حاد تنفسی در کودکان زیر ۵ سال
در شهر اهواز ۹۶-۱۳۹۰.....
- ۳۳۹.....
- ۳۴۰..... بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد آرایشگران نسبت به انتقال بیماری های ایدز و هیپاتیت شهرستان ساوه
- ۳۴۱..... Survey of Waste Management Status in Saveh-Zarandieh Hospitals
- ۳۴۲..... بررسی تصفیه شیرابه زباله سراوان در دو بیورآکتور هوازی و بی هوازی
- ۳۴۳..... بررسی وضعیت بهداشت محیط مدارس شهرستان ساوه و نحوه ارتقا آن در سال ۱۳۹۸
- ۳۴۴... Airborne Particulate Matter Density in Traditional Bakeries of Saveh, Central of Iran, in 2020
- ۳۴۵..... بررسی وضعیت رعایت پروتکل های بهداشتی مرتبط با بیماری کووید ۱۹ در جایگاه های سوخت شهرستان دشتستان
- ۳۴۷..... بررسی کمیت و کیفیت پسماندهای تولیدی شهرک صنعتی خیام نیشابور در سال ۱۳۹۷
- بررسی استراتژی های راهبردی مدیریت زیست محیطی پسماندهای شهر تایباد با استفاده از مدل SWOT و تشکیل
ماتریس QSPM در سال ۱۳۹۷.....
- ۳۴۸..... طراحی اتاقک های ضد عفونی در سیستم بازیافت پسماند خانگی مبتنی بر اصول پیشگیرانه شیوع کووید ۱۹، یک مطالعه
مروری.....
- ۳۴۹..... بررسی تاثیر نزدیکی محل سکونت به منابع آلاینده (صنایع و جاده های پر ترافیک) بر روی وزن کم نوزادان (LBW) در
زمان تولد در شهر بندرعباس در سال ۱۳۹۸.....
- ۳۵۰..... تعیین غلظت فلزات سنگین در پیاز مصرفی شهرستان میناب و ارزیابی خطر سلامت
- ۳۵۱..... کارایی کربن فعال اصلاح شده با محلول کلرید آمونیم در حذف فلز سنگین جیوه (II) از محلول های آبی.....
- ۳۵۲..... بررسی مقایسه ای کارایی کربن فعال تهیه شده از چوب چنار و پسته اصلاح شده با کلرید آمونیوم در حذف سفیکسیم از
محلول های آبی.....
- ۳۵۳..... بررسی شاخص های بهداشت محیط و ایمنی مدارس شهرستان مراغه در سال ۱۳۹۷.....
- ۳۵۴.....
- ۳۵۵..... اپیدمیولوژی
- عوامل مرتبط با پذیرش بیمارستانی در مبتلایان به کووید- ۹۱ در جمعیت تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی مشهد .. ۳۵۶



- بررسی اپیدمیولوژیک ، بالینی و پاراکلینیکی افراد مبتلا به کووید ۱۹ در شهرستان هرسین استان کرمانشاه درشش ماهه
اول سال ۱۳۹۹ ۳۵۷
- بررسی کاهش خطر بیماری های قلبی و عروقی یک سال پس از اجرای برنامه ایراپن در افراد مراجعه کننده به
مراکز بهداشتی و درمانی در مناطق پایلوت ۳۵۸
- بررسی خطر ۱۰ ساله بیماری های قلبی و عروقی در افراد مراجعه کننده به مراکز بهداشتی و درمانی در مناطق پایلوت برنامه
ایر اپن ۳۵۹
- شیوع اعتیاد به شبکه های اجتماعی در میان دانشجویان: یک مطالعه مروری ۳۶۰
- مروری بر حضور کروناویروس ها در هوا ۳۶۱
- برآورد میانگین بار ویروسی در مادران HBSAG مثبت سه ماهه سوم بارداری مراجعه کننده به آزمایشگاه مرجع سلامت
شهید رزمجو مقدم زاهدان ، سال ۱۳۹۸ ۳۶۲
- برآورد شیوع عفونت هپاتیت ب و عوامل مرتبط با آن در مادران باردار مراجعه کننده به آزمایشگاه مرکزی شهرستان
زاهدان ، سال ۱۳۹۸ ۳۶۳
- Cancer of Gastric Cardia Epidemiological Trends and Potential Risk Factors in Iran a Case Study:
Ardabil Province** ۳۶۴
- سقوط آزاد تعداد ایرانیان تا سال ۱۴۳۰ و غفلت ادامه دار مسئولین! : یک مرور روایتی ۳۶۵
- ..Evaluation of clinical symptoms in Covid-19 patients: A hospital-based study in Yazd province**
..... ۳۶۷
- Hospitalized Afghan Refugees with COVID-19 in Yazd province**
..... ۳۶۸
- Knowledge, Attitudes and Practices (KAP) towards COVID-19 in Iran**
..... ۳۶۹
- مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه ی تاثیر زهر عقرب بر درمان سرطان ۳۷۰
- عوامل خطر مرگ کووید-۱۹؛ یک مطالعه مورد-شاهدی ۳۷۱
- Global Prevalence of HIV and/or HBV Co-infections among People Who Inject Drugs and Female
Sex Workers living with HCV: A Systematic Review and Meta-Analysis**
..... ۳۷۲
- بررسی پاندمی های اخیر جهان با عامل ویروس کورونا: پاندمی کووید ۱۹ و سارس تنفسی ۳۷۳
- بررسی علل سرطان پستان _مرور نظام مند ۳۷۴
- مدل سازی اثر فلفل قرمز در جلوگیری از گرفتگی عروق قلب ۳۷۵
- اپیدمیولوژی ناباروری _ مرور نظام مند ۳۷۷
- اپیدمیولوژی ایدز (HIV) _ مرور نظام مند ۳۷۸



- سیمای اپیدمیولوژیک بیماران سرطانی زیر ۱۸ سال دریافت کننده خدمات طب تسکینی در استان گلستان در سال های ۱۳۹۴-۱۳۹۸ ۳۷۹
- ۳۸۱..... **Data-based analysis, modelling and forecasting of the COVID-19 outbreak in Iran**
- ۳۸۲..... **Mental health status in nurses of Bandar Abbas hospital**
- Brucellosis Trend in West of Iran during the last decade; Applying Joinpoint Regression Model to**
۳۸۳..... **Detect the Change in Trend of Brucellosis Incidence rate; 2010-2019**
- ۳۸۴..... تاثیر آموزش به پرستاران در نحوه پیشگیری، کنترل و مقابله با عفونت های بیمارستانی
- ۳۸۵... ۹۸ الی ۹۶ طی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ در استان سیستان و
بررسی عوامل مرتبط با کشندگی بیماری تب مالت شهرستان شهرکرد (استان چهارمحال و بختیاری) طی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ در استان سیستان و
بلوچستان ۳۸۶
- ۳۸۷..... عوامل مرتبط با پیش آگهی بیماری کووید-۱۹: یک مرور ساختار یافته
- ۳۸۸..... ارزیابی اثربخشی غربالگری تلفنی جمعیت در کنترل همه گیری بیماری ناشی از کووید-۱۹
- Age-specific incidence rate of leukemia in children under 14 years of age in Iran: an updated a**
۳۸۹..... **systematic review**
- ۳۹۰..... بررسی راهکارهای جلوگیری از ویروس کرونا
- ۳۹۱..... **The study of esophageal cancer risk factors in Golestan in 1396; A review article**
- Epidemiological Study of Neonatal Mortality in Hospitalized Neonates in The Neonatal Intensive**
۳۹۲..... **Care Unit of Hamadan Medical - educational Hospitals in 2018**
- Epidemiological Study of Mortality Caused by Road Accidents in the Intensive Care Unit of Besat**
۳۹۳..... **Educational-medical Hospital in Hamadan City During Nowrouz Holidays 2018**
- ۳۹۴..... بررسی ارتباط بین سبک زندگی و بیماری های غیر واگیر: مروری سیستماتیک
- ۳۹۵..... فراوانی بیماری لیشمانیوز پوستی مشکان مرکز ایران طی سال های ۲۰۰۸-۲۰۱۸
- تعیین ویژگی های اپیدمیولوژیک بیماران مبتلا به سرطان های دستگاه تناسلی زنانه مراجعه کننده به بیمارستان فرقانی
بهشتی، ایزدی و آزمایشگاه پاتولوژی مادر در بین سالهای ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ ۳۹۶
- Study on epidemiology of cutaneous leishmaniasis in Fars province**
۳۹۷..... **southern Iran, during 2017**



- Can judgments according to case fatality rate be correct all the time during epidemics? Estimated cases based on CFR in different scenarios and some lessons from early case fatality rate of coronavirus disease 2019 in Iran
۳۹۸.....
- بررسی شیوع گلوکوم در ایران: یک مطالعه مرور سیستماتیک و متاآنالیز
۳۹۹.....
- بررسی شیوع هیپاتیت C در بیماران مبتلا به تالاسمی ماژور در ایران: یک مطالعه مرور سیستماتیک و متاآنالیز
۴۰۰.....
- Recommendations for hematopoietic stem cell transplant recipients during the covid 19 pandemic
۴۰۱.....
- Children mortality and Mother's education in Iran findings from the Global Burden of Disease Study 2017: An Ecological Study
۴۰۲.....
- Spending on health and HIV/AIDS: domestic health spending and development assistance in Iran, ۲۰۰۰-۲۰۱۷
۴۰۳.....
- Predicting overweight and obesity prevalence in Iran, 2000-2030
۴۰۴.....
- Comparison of suicide status in Iran with Middle East and North Africa Countries (MENA) from ۱۹۹۰ to 2017
۴۰۵.....
- همبستگی بین حمایت اجتماعی و سلامت روان در دانشجویان پرستاری و مامایی
۴۰۶.....
- شناسایی چالش های مدیریت بهینه منابع انسانی در کمپین فشار خون ایران: یک پژوهش کیفی
۴۰۷.....
- Prevalence, cause of hospitalization and duration of neonatal stay in neonatal intensive care unit of Alhadi Hospital in Shoushtar city in 1397
۴۰۸.....
- مطالعه آگاهی و خطر درک شده کارکنان بیمارستانهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی قزوین در خصوص هیپاتیت B در سال ۱۳۹۸
۴۰۹.....
- بررسی شیوع علائم و مشکلات دستگاه گوارش در بیماران مبتلا به سرطان دستگاه گوارش فوقانی در شهر زاهدان: یک مطالعه مورد - شاهدی
۴۱۰.....
- روند اپیدمی کووید ۱۹
۴۱۱.....
- عوامل تاثیرگذار بر شیوع هیپاتیت B در زنان باردار: یک مرور نظام مند
۴۱۲.....
- بررسی تأثیر سبک زندگی بر بروز افسردگی در سالمندان: یک مطالعه مروری
۴۱۳.....
- بررسی میزان شیوع و عوامل خطر بیماری واژینیت کاندیدیایی (Candidiasis): یک مطالعه مروری
۴۱۵.....
- بررسی عوامل خطر سرطان پستان در زنان: یک مطالعه مروری
۴۱۷.....
- مروری بر عوامل خطر بیماری های قلبی - عروقی
۴۱۸.....



- ۴۱۹..... مروری بر عوامل خطر سندرم پیش از قاعدگی
- ۴۲۰..... مروری بر سیمای سلامت روانی و اجتماعی زنان آواره
- The prevalence and predictors of hypertension in Kherameh cohort study: a population based**
- ۴۲۱.....study on 10663 persons in south of Iran
- Patterns of Tobacco Use in Tuberculosis Patients in Shahid Shatarian Center of Robat Karim 1396**
- ۴۲۲.....
- بررسی اپیدمیولوژی مبتلایان به بیماری کیست هیداتیک در غرب شهرستان اهواز (استان خوزستان) در سال های ۱۳۹۷
- ۴۲۳..... ۱۳۹۸
- ۴۲۴..... بررسی میزان پرداخت از جیب بیماران دیابتی شهرستان زاهدان بعد از طرح تحول نظام سلامت: ۱۳۹۸
- Epidemiologic Study of Tuberculosis in Diabetic Patients Referred to Shahid Shatarian Center of**
- ۴۲۵..... **Robat Karim 1396**
- ۴۲۶..... بررسی سطح لیپید سرمی و هموگلوبین A1C در بیماران دیابتی شهر زاهدان سال ۱۳۹۶
- ۴۲۷..... بررسی شاخص توده بدنی (BMI) و دور کمر بیماران دیابتی شهر زاهدان ۱۳۹۶
- ۴۲۸..... مروری بر اپیدمیولوژی آلودگی به هلیکوباکتر پیلوری در ایران
- ۴۲۹..... بررسی وجود گونه‌های سالمونلا در زنجیره تولید ماهی در ایران: یک مطالعه مروری
- ۴۳۰..... بررسی شیوع مصرف سیگار و علل گرایش در دانش آموزان دبیرستانی شهرستان رباط کریم
- مقایسه خصوصیات بالینی مراجعین واحد غربالگری بیماری کووید ۱۹ در محدوده‌ی تحت پوشش مرکز بهداشت شرق تهران
- ۴۳۱..... در تابستان ۱۳۹۹
- بررسی میزان مهارت‌های اجتماعی و رابطه آن با برخی متغیرهای دموگرافیک دانش آموزان دبیرستانی آبادان در سال ۱۳۹۷
- ۴۳۲.....
- ۴۳۳..... تحلیل رفتارهای خودمراقبتی و تعیین مولفه های موثر بر آن در بیماران دیابتی
- ۴۳۴..... **Epidemiology of breast cancer and it's risk factors**
- ۴۳۵.... **Prevalence of type2 diabetes in population over 30 years old in Varamin province (2017-18)**
- ۴۳۶..... بررسی میزان شیوع بیماران دیابتی مبتلا به کرونا در استان کرمانشاه
- The effect of corticosteroids on the Course of recovery of respiratory disorders in patients with**
- ۴۳۷..... **corona**



- ۴۳۸..... بررسی متوسط نمره رفتار رانندگی پرخاشگرانه و عوامل مرتبط با آن در رانندگان شهر زاهدان در سال ۹۸-۹۷
- ۴۳۹..... بررسی سواد سلامت و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان شهرستان قاین در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸
- ۴۴۰..... مطالعه مورد - شاهدی..... مشکلات دستگاه گوارش در بیماران مبتلا به سرطان دستگاه گوارش فوقانی در شهر زاهدان : یک
- ۴۴۱..... ارتباط عوامل تغذیه ای و سبک زندگی در پیشگیری از سرطان کولورکتال.....
- ۴۴۲..... اپیدمیولوژی سرطان معده در جهان.....
- ۴۴۳..... اپیدمیولوژی بیماری سرطان پستان در زنان.....
- ۴۴۴..... **ارگونومی**.....
- ۴۴۵..... ارزیابی پوسچرهای کاری و بررسی تاثیر مداخلات ارگونومیکی در واحدهای رختشویخانه سه بیمارستان دولتی استان قزوین به روش REBA.....
- ۴۴۶..... تخمین ابعاد آنتروپومتریک کارگران مرد ایرانی به کمک روش RASH.....
- ۴۴۷..... بررسی فاکتورهای موثر بر نیروهای چنگش دست پرسنل یک شرکت تولید مواد غذایی.....
- ۴۴۸..... برآورد میزان ظرفیت هوازی به روش تست پله در کارگران یکی از کارخانجات کاشی شهر یزد در سال ۱۳۹۶.....
- ۴۴۹..... ارزیابی تاثیر بارکاری بر فرسودگی شغلی پرستاران یکی از بیمارستان های روانپزشکی استان تهران.....
- ۴۵۰..... ارزیابی ریسک ابتلا به اختلالات اسکلتی عضلانی به روش RULA و پرسشنامه نوردیک در کاربران IT بیمارستانی.....
- ۴۵۱..... ارزیابی وضعیت ارگونومیکی کارکنان بانک به دو روش RULA و ROSA.....
- ۴۵۲..... بررسی تاثیر گوش دادن به موسیقی سنتی و پاپ اصیل ایرانی بر متغیرهای ذهنی و عملکردی مرتبط با خواب آلودگی در شبیه ساز رانندگی.....
- ۴۵۳..... بررسی بارکار ذهنی و عوامل مؤثر بر آن در کارکنان بخش اداری یک کارخانه صنعتی (صنایع غذایی سحر همدان).....
- ۴۵۴..... بررسی میزان شیوع ابعاد مختلف خستگی در پرستاران بیمارستانهای آموزشی شهید بهشتی.....
- ۴۵۵..... بررسی تاثیر روش های شالیکاری، عوامل دموگرافیکی، سبک زندگی و استئوآرتروز بر اختلالات اسکلتی - عضلانی و کیفیت زندگی شالیکاران گیلانی.....
- ۴۵۶..... تاثیر شیوه های سنتی و نیمه مدرن شالیکاری، عوامل دموگرافیکی و سبک زندگی بر استئوآرتروز و کیفیت زندگی شالیکاران گیلانی.....
- ۴۵۷..... ارزیابی پوسچر بدنی به روش QEC و LUBA و طراحی صندلی ارگونومیک در صنعت پتروشیمی.....



- ۴۵۸..... بررسی ابعاد مختلف خستگی در بین کارکنان صنعت ساخت سازه های فلزی
- ۴۵۹..... بررسی ارتباط بین استرس شغلی و سلامت عمومی با استعداد حادثه پذیری در بین کارکنان صنعت ذوب فلزی
- ۴۶۰..... بررسی پوسچر کاری کشاورزان با استفاده از روش REBA و ارزیابی راهکارهای اصلاحی
- ۴۶۱..... بررسی وضعیت سلامت عمومی شاغلین و ارتباط آن با کار در شیفت های مختلف در بیمارستانهای شهر مریوان
- ۴۶۲..... **مدیریت سلامت ، ایمنی و محیط زیست**
- ۴۶۳..... جنبه های اقتصادی مدیریت بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE) در صنعت ساخت و ساز
- Investigation of the status of health, safety and environmental performance (HSE) and its
۴۶۴..... relationship to job stress
- ۴۶۵..... Job stress and coping strategies in employees of Kermanshah University of Medical Sciences
- ۴۶۶..... ارزیابی تأثیر اجرای برنامه های مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست (HSE) در محیط های کاری: یک مطالعه مروری
- ۴۶۷..... بررسی و ارزیابی ریسک مخاطرات ایمنی، بهداشتی آرایشگاهها و سالنهای زیبایی زنان شهرستان ساوه
- ۴۶۸..... بررسی وضعیت HSE در مدارس شهرستان ساوه در سال ۱۳۹۸
- ۴۶۹..... ارتباط بین پریشانی اخلاقی و شجاعت اخلاقی در پرستاران ایران
- ۴۷۰..... ارزیابی و مدیریت ریسک فعالیت های کاری صنعت سلولزی به روش FMEA
- ۴۷۱..... رویکرد HSE در پیشگیری از کوید ۱۹ و اقدامات بازگشت به کار
- ۴۷۲..... تجارب جهانی در مقابله با اپیدمی های بیولوژیک با تاکید بر بیماری covid-19: رویکردها و راهبردها
- ۴۷۳..... Covid 19 Psychological Responses to Mental Health - A Systematic Review
- تاثیر درمان شناختی- رفتاری (CBT) مبتنی بر اینترنت بر افسردگی بیماران مبتلابه انفارکتوس میوکارد: یک مطالعه مروری
- ۴۷۴..... نظامند



متون سخنرانی

سیزدهمین دوره از همایش تازه های علوم بهداشتی





سیزدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی کشور
دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



بهداشت عمومی



Explaining the experiences and problems of Iranian housewives during the quarantine period related to COVID-19 and their adaptation strategies for it: A qualitative study

Javad Yoosefi lebni¹, Neda SoleimanvandiAzar², Sina Ahmadi³, Arash Ziapour⁴
Goli Soofizad⁵, Seyed Fahim Irandoost⁶

1. Health Promotion Research Center, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
2. PhD candidate in health and social welfare, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran
3. Department of Social Welfare Management, Social Welfare Management Research Centre, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran
4. PhD Student, Health Education and Health Promotion, Health Institute, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran
5. PhD Student, School of public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran
6. Department of Public Health, School of Health, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran
fahim.irandoost@gmail.com

Introduction: Housewives confront many problems during the quarantine period, so the present study was conducted to explain the experiences and problems of Iranian housewives during the quarantine period related to COVID-19 and compatibility strategies for it.

Method: The present study was performed with a qualitative approach and conventional content analysis method among 34 housewives in Tehran who were in quarantine. Participants were accessed through purposeful sampling and snowballing, and data were collected through semi-structured interviews. Guba and Lincoln criteria were also used to evaluate the quality of the research results.

Results: After analyzing the data, 4 main categories and 18 sub-categories were achieved including (1) individual problems (personal health problems, life with fear and anxiety, low mental health, lifestyle imbalance, Internet addiction), (2) family problems (violence and conflict in the family, tension in managing family members, disruption of the educational and economic situation of family members, intensification of domestic tasks and roles), (3) social problems (social isolation, disregard for social customs, restricted access to cyberspace), (4) compatibility strategies (spiritualism, strengthening family relationships, division of tasks between family members, optimal use of leisure, positive use of cyberspace, development of individual skills).

Conclusion: Their problems can be reduced by distributing contraceptives among housewives, raising mental health, and reducing their worries and fears, providing a good model of healthy lifestyle during quarantine, providing solutions to reduce violence and manage tension in the family, and increasing their access to virtual communications.

Keywords: COVID-19, Corona Viruses, Housewives, Quarantine, Challenges, Qualitative Study



طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه آموزشی چند رسانه ای کارآموزی ویژه گروه بهداشت عمومی

علی خانی جیحونی^۱، آسیه یاری^۲، مهدی شرفی^۳، راضیه طغرلی^۴

۱. هیات علمی، دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت شیراز، دانشگاه علوم پزشکی شیراز
۲. کارشناسی ارشد، رشته آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی فسا yarias98@yahoo.com
۳. دانشجوی دکترای تخصصی، رشته اپیدمیولوژی، مرکز پیشگیری و کنترل بیماری CDC، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی فسا
۴. دانشجوی دکترای تخصصی، رشته آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی در ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

زمینه و هدف: برای تحقق ویژگی های حرفه ای و کسب مهارت های تئوری و عملی و افزایش توانمندی، دانشجویان در کارآموزی آموزش می بینند. مطالعه حاضر با هدف طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه آموزشی چند رسانه ای کارآموزی گروه بهداشت عمومی انجام شده است.

مواد و روش ها: این پژوهش از نوع کاربردی و جامعه پژوهش شامل دانشجویان، مربیان کارآموزی، اساتید گروه بهداشت عمومی در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بودند. نمونه های پژوهش شامل همه افراد در دسترس بود. برنامه اتوران طراحی شده در اختیار گروه بهداشت عمومی قرار داده شد. دو ماه پس از مشاهده برنامه اتوران چند رسانه ای، میزان مهارت و رضایت از طریق پرسشنامه محقق ساخته (پس از تایید روایی و پایایی) اندازه گیری شد. داده ها توسط نرم افزار SPSS 22 توسط آزمون های آماری توصیفی و تحلیلی تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: بطور کلی میزان رضایت ۷۳/۵۴ درصد از دانشجویان و ۷۲/۳۴ از مربیان و اساتید از برنامه طراحی شده در سطح زیاد بود. میزان رضایت نمونه های مورد مطالعه نسبت به دوره های آموزشی ذکر شده در برنامه اتوران چند رسانه ای به صورت زیر بود: مراقبت مادران ۷۶/۷۰٪، مراقبت کودکان ۸۰/۲۵٪، واکسیناسیون ۷۹/۳۵٪، مراقبت میانسالان و سالمندان ۸۲/۶۳٪، آموزش مهارت های عملی ۷۸/۶۹٪، مشاوره بیماری ها ۸۲/۵۲٪، بهداشت محیط ۶۶/۸۰٪. میزان اثرگذاری برنامه طراحی شده بر مهارت دانشجویان نیز ۶۳/۴۵ گزارش شد.

نتیجه گیری: برنامه اتوران با تاکید بر پوشش دادن آموزش ارائه خدمت در تمامی واحدهای بهداشتی درمانی طراحی شد. سهولت دسترسی به منابع آموزشی معتبر به صورت چند رسانه ای، منجر به افزایش مهارت های عملی و سطح آموخته های بهداشتی جهت ارائه خدمت و رضایت دانشجویان، مربیان کارآموزی و اساتید از دوره کارآموزی می گردد.

واژگان کلیدی: برنامه آموزشی، چند رسانه ای، کارآموزی، بهداشت عمومی



پیش بینی کننده های شناختی و اجتماعی - اقتصادی رفتار های نایمن عابرین پیاده سالمند در ایران

سمانه نوروزی^۱، شهاب پای^۲

۱. دانشجوی دکتری، رشته آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. samaneh.norouzi1993@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری، رشته سالمند شناسی، دانشجوی موسسه تحقیقاتی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

زمینه و هدف: عابران پیاده سالمند از آسیب پذیرترین گروه ها در حوادث رانندگی به دلیل تغییرات مربوط به سن مانند عملکرد شناختی هستند. این مطالعه با هدف تعیین عوامل رفتار ترافیکی عابران پیاده سالمند انجام شده است.

مواد و روش ها: در این مطالعه مقطعی، رفتار ۷۱۱ نفر از عابرین پیاده سالمند در شهر تبریز، واقع در شمال غرب ایران از مهرماه تا بهمن ماه سال ۱۳۹۸ مورد ارزیابی قرار گرفت. ارزیابی ها با استفاده از پرسشنامه رفتار ترافیکی عابرین پیاده که شامل پنج حیطه از جمله: نقض قوانین ترافیکی، حواس پرتی، تبعیت از قوانین راهنمایی و رانندگی، رفتار خشونت آمیز و رفتار های مثبت بود، صورت گرفت. متغیر های جمعیت شناختی، وضعیت اجتماعی و عملکرد شناختی مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت. نمونه گیری خوشه ای از بین ۳۰٪ از مراکز بهداشتی در هر منطقه از شهر انجام شد، بعد از آن افراد به طور تصادفی از هر مرکز و بسته به جمعیت تحت پوشش آن انتخاب شدند.

نتایج: ۸٪ از عابرین پیاده سالمند رفتار ترافیکی ایمن از خود نشان دادند، بیش از ۷۷٪ از سالمندان دارای حواس پرتی، بیش از ۹۰٪ قوانین راهنمایی رانندگی را رعایت نمی کردند و اکثریت آنها قوانین را نقض می کردند و رفتار های ترافیکی مثبت نشان نمی دادند و نیمی از شرکت کنندگان خشونت آمیز رفتار می کردند. عابرین پیاده با سطح اجتماعی اقتصادی متوسط و بالا و فاقد آسیب شناختی بیش از دیگران رفتار های ایمن داشتند. جنسیت، سطح تحصیلات، پیاده روی روزانه و نوع وسیله نقلیه، وضعیت شناختی اجتماعی و عملکرد شناختی پیش بینی کننده های قابل توجهی از رفتار بودند.

نتیجه گیری: اکثریت عابرین پیاده رفتار های ترافیکی نایمن را نشان می دادند. افراد مسن، وضعیت شناختی پایین، عملکرد شناختی کمتر و کسانی که میزان پیاده روی کمتری داشتند، رفتار نا ایمن بالاتری از خود نشان می دادند. برنامه های آموزشی و مداخله ای به منظور بهبود رفتار ترافیکی در تمام حیطه ها بویژه در زمینه اجتماعی اقتصادی، عملکرد شناختی پایین تر و سایر پیش بینی کننده ها مورد نیاز می باشد.

واژگان کلیدی: عملکرد شناختی، وضعیت اجتماعی - اقتصادی، رفتار ترافیکی، عابرین پیاده سالمند.



Investigating the relationship between knowledge and attitude with home quarantine behavior in Covid 19

khandehroo mansooreh¹, peyman nooshin², Ttavakly blin³

1. PHD CANDIDATE, Department of Health Education and Health Promotion, Faculty of Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran. KhandehrooM1@mums.ac.ir, Social Determinants of Health Research Center, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.

2. Professor, Department of Health Education and Health Promotion, Faculty of Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran. Social Determinants of Health Research Center, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.

3. Department of Health Education and Health Promotion, Faculty of Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Background: basic hygiene principles and measures in public health crisis are vitally important for developing effective control measures. this study aimed to identify the current status of knowledge, attitude and practice regarding COVID-19 pandemic among residents of Suburbs of Iran in to detect related associated sociodemographic variables.

Methods :In this cross-sectional study, simple random sampling method and research measurement tool was a researcher-made questionnaire consists of 20 questions, whose validity and reliability were assessed by experts (CVR=0/593, CVI=0/885). The demographics, mean knowledge, attitude, and practice of the participants were investigated, and the scores were calculated liner regration and ANOVA were used for statistical analysis.

Results :238 questionnaires was completed. mean age 37.4 and standard deviation of 16.1.%57.5 were female and 41.2 were male. 72% of the participants had very well knowledge. But 34.6% had good attitude and 24.6% had acceptable performance. 93.4 They followed social distance. 36.8 Percent washed their hands after each touch, 13.6 before meals, 16.2 before touching eyes and mouth. 58.2 percent obtained their information from television, 13.2 percent from television and social networks. based on ANOVA and liner model, There was a positive relationship between knowledge and attitude and gender with behavior, which was the most important relationship between attitude and behavior.

Conclusion :in our study the association was seen between higher attitudes with higher practice. Further implantation and encouragement from the government is required for the transforming of these well-adjusted attitudes into suitable practice.

Key words: Knowledge, attitude, practice, COVID-19



بررسی ارتباط سواد سلامت و درک از بیماری بر پایداری به رژیم درمانی در سالمندان مبتلا به فشار خون بالا در شهرستان سراب

توحید بابازاده^۱، محدثه صدری^۲، فاطمه حور اسفند^۳، سیمین کامکاری^۳

۱. استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده علوم پزشکی سراب، سراب، ایران، towhid.babazadeh@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی سراب، سراب، ایران

۳. کارشناس بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی سراب، سراب، ایران

زمینه و هدف: شیوع بالای پرفشاری خون موجب افزایش قابل توجه مرگ و میر و ناتوانی در سالمندان می شود. سواد سلامت میزان توانایی فرد در به دست آوردن و استفاده از اطلاعات سلامت بوده و ادراک بیماری عقایدی است که فرد از بیماری خود دارد و می تواند تبعیت او از درمان را تحت تاثیر قرار دهد. لذا این مطالعه با هدف بررسی ارتباط سواد سلامت و درک از بیماری بر تبعیت از رژیم درمانی در سالمندان مبتلا به فشار خون بالا انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه مقطعی بر روی ۳۱۱ نفر از سالمندان مبتلا به فشار خون مراجعه کننده به مراکز بهداشتی شهر سراب با روش نمونه گیری تصادفی سیستمیک خوشه ای در سال ۱۳۹۸ انجام شد. ابزار گرد آوری داده ها پرسشنامه دموگرافیک، پرسشنامه سواد سلامت، مقیاس پایداری به درمان موریسکی (MMAS)، پرسشنامه کوتاه تجدید نظر شده ادراک بیماری (r-BIPQ) بود. پس از جمع آوری داده ها و تکمیل پرسشنامه ها، داده ها وارد نرم افزار SPSS شد و با استفاده از آزمون های آماری توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: آنالیز داده ها نشان می دهد بین متغیر درک از بیماری و متغیر مهارت خواندن در سواد سلامت با پایداری به درمان در سالمندان مبتلا به فشار خون ارتباط معنادار و در جهت مستقیم وجود دارد ($p < 0/05$)، اما بین متغیر های دیگر سواد سلامت (دسترس، فهم، ارزیابی و تصمیم گیری) با پایداری به درمان ارتباط معناداری وجود نداشت ($p > 0/05$). بنابراین هرچه سالمندان درک بالاتری از بیماری و مهارت بیشتری در خواندن داشته باشند پایداری به درمان بیشتری را گزارش خواهند نمود. یافته ها نشان می دهد هرچه سالمندان درک بالاتری از بیماری و مهارت بیشتری در خواندن داشته باشند پایداری به درمان بیشتری را گزارش خواهند نمود، بنابراین انجام مداخلات آموزشی در جهت تقویت ادراک بیماری و ارتقا سواد سلامت با هدف افزایش تبعیت از درمان در سالمندان مبتلا به پرفشاری خون توصیه می گردد.

واژگان کلیدی: پایداری به رژیم درمانی، درک از بیماری، سواد سلامت، سالمندان، فشارخون بالا



چالشها و راهکارهای ایجاد رسانه‌های ارتقاء دهنده سلامت در ایران

سمیرا محمدی^۱، نسترن کشاورز محمدی^۱، علی رمضانخانی^۱، اکبر نصراللهی کاسمانی^۲
علی منتظری^۳

۱. دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران n_keshavars@yahoo.com

۲. دانشکده علوم اجتماعی - ارتباطات و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

۳. مرکز تحقیقات سنجش سلامت، پژوهشکده علوم بهداشتی جهاددانشگاهی، تهران، ایران

زمینه و هدف: با توجه به گسترش رسانه‌ها در عصر حاضر و نقش انکارناپذیر آنها در اطلاع‌رسانی و شکل‌دهی به باور و رفتار مردم، ظرفیت قابل توجه‌ای برای ارتقاء سلامت محسوب می‌شوند که باید مورد توجه قرار گیرند، بنابراین پژوهش حاضر به دنبال ارائه راهکارهایی به منظور ایجاد رسانه‌های ارتقاء دهنده سلامت است.

مواد و روش‌ها: به عنوان بخشی از یک مطالعه ترکیبی مصاحبه عمیق نیمه ساختارمند با ۱۷ نفر از ذیربطان حوزه رسانه و سلامت (مدیران و کارشناسان روابط عمومی سازمان‌های سلامت‌محور، متخصصان سلامت و خبرنگاران سلامت) در مورد چالش‌ها و راهکارهای ایجاد رسانه‌های ارتقاء دهنده سلامت انجام گرفت. مصاحبه‌ها بعد از پیاده شدن به روش تحلیل محتوای قراردادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: چالش‌های شناسایی شده در چهار دسته کلی: تفاوت ماهیت بهداشت و درمان، عوامل سازمانی، اجتماعی و فردی دسته‌بندی شدند. راهکارهای متنوعی نیز شناسایی گردید که در دسته‌های توانمندسازی و توسعه مهارت‌های فردی ذیربطان، تغییرات سازمانی و تغییرات اجتماعی قرار گرفتند.

نتیجه‌گیری: استفاده از ظرفیت بالقوه رسانه در جهت ارتقاء سلامت مردم امری نه تنها ممکن بلکه لازم است. با ایجاد رسانه‌های ارتقاء دهنده سلامت می‌توان از این ظرفیت در جهت ارتقاء سلامت مردم بهره گرفت.

واژگان کلیدی: چالش، راهکار، رسانه، رسانه‌های ارتقاء دهنده سلامت، ایران



The study of eye care behaviors in patients with type 2 diabetes

Elaheh Lael- Monfared¹, Alireza Jafari², Hadi Tehrani³, Zahra Teiho⁴, mansoreh alipooranbarani⁵

1. Student Research Committee, School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran. elm.monfared@gmail.com

2. Social Determinants of Health Research Center, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

3. Department of Health Education and Health Promotion, Social Determinants of Health Research Center, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

4. Torbat Heydariyeh University of Medical Sciences, Torbat Heydariyeh, Iran.

5. Student Research Committee, School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Background: The purpose of present study was to investigate eye care behaviors based on the BASNEF model and Health Locus of Control (HLOC) in patients with type 2 diabetes (T2D).

Material and Methods: This cross-sectional analytical study was carried out on 150 patients with T2D in Iran in 2019. The subjects were selected using simple random sampling. The data collection tools included demographic, eye self-care behavior inventory based on BASNEF model and health locus of control whose validity and reliability were confirmed. Data analysis was carried out using Independent samples-t test ANOVA, and linear regression in SPSS ver. 24.

Results: The results of linear regression showed that knowledge, attitude, subjective norms, enabling factors, internal HLOC, chance HLOC and external HLOC were able to predict 17% of intention to eye self-care behaviors ($P < 0.001$) and attitude was the strongest construct in predicting intention of eye care behavior in patients with T2D ($P < 0.05$). In this study, most people had internal HLOC and mean (\pm SD) of their internal construct was $27.42(\pm 2.73)$. Also, the enabling factors construct showed a significant correlation with the internal HLOC ($r = 0.283$) and behavioral intention ($r = 0.348$) ($P < 0.001$).

Conclusions: The results of this study showed that attitude and enabling factors are effective constructs in predicting the intention to perform preventive behaviors of ocular complications in T2D patients. Therefore, it is recommended to organize training classes, access resources, and educational information, facilitate access to physicians for eye examinations, create new skills for care and prevention of ocular complications

Keywords: Eye care, Type II diabetes, Health locus of control, BASNEF





بهداشت حرفه ای و ایمنی کار



ساخت و بررسی رفتار آکوستیکی کامپوزیت زیست تجزیه پذیر الیاف طبیعی غلاف ذرت

منیره فتاحی^۱، علی خوانین^۱، ویدا زراوشانی^۲، ابراهیم تابان^۳، مهدی فرجی^۴

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس

۲. استاد تمام، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس khavanin@modares.ac.ir

۳. استادیار، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین ۳۳ استادیار، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس

زمینه و هدف: باتوجه به صنعتی شدن جوامع و پیشرفت تکنولوژی در طول دهه های اخیر، بسیاری از محققان بر کاهش آلودگی صوتی متمرکز شده اند و تکنیک های مختلفی برای کنترل یا به حداقل رساندن میزان سر و صدای بیش از حد در محیط های داخلی و خارجی پیشنهاد شده است. از جاذب های صدا به عنوان یکی از تکنیک های کنترل صدا در سالن ها و ساختمان های صنعتی برای بهبود کیفیت زندگی استفاده می شود. هم چنین در سال های اخیر به علت افزایش مشکلات زیست محیطی و هزینه های بالای تولید الیاف مصنوعی و خطرات آن برای سلامتی، تحقیقات گسترده ای بر روی الیاف طبیعی انجام گرفته است، الیاف طبیعی به علت سازگاری خوب با محیط زیست، تجدیدپذیری عالی، مصرف انرژی پایین جهت تولید، فراوانی و غیرسمی بودن به عنوان گزینه مهمی در تولید کامپوزیت ها به عنوان جاذب های طبیعی صدا مطرح هستند. از این رو، هدف این پژوهش بررسی رفتار آکوستیکی نمونه های کامپوزیتی ساخته شده از الیاف طبیعی غلاف ذرت به عنوان جاذب صدا می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه به صورت تجربی و در محیط آزمایشگاهی انجام شد. در این مطالعه، نمونه هایی از الیاف طبیعی غلاف ذرت با دانسیته ی ۱۵۰ و ۲۰۰ کیلوگرم بر متر مکعب در سه ضخامت مختلف و با فاصله های هوایی مختلف ساخته شد. برای اندازه گیری ضریب جذب صوتی نمونه ها در بازه فرکانسی پایین، میانی و بالا از دستگاه لوله ی امپدانس استفاده گردید.

نتایج: نتایج نشان داد که ضریب جذب صوتی نمونه های تهیه شده از الیاف غلاف ذرت به طور قابل توجهی با افزایش فرکانس، بیشتر می شود، افزایش ضخامت مواد تا ۲ سانتی متر در دانسیته ثابت باعث افزایش میزان ضریب جذب صوتی به ویژه در فرکانس های میانی (۲۵۰-۱۶۰۰) هرتز می شود. هم چنین افزایش فاصله هوایی در پشت نمونه تا ۳ سانتی متر، در فرکانس های میانی (۲۵۰-۱۶۰۰) هرتز، افزایش ضریب جذب صوتی را به همراه خواهد داشت.

نتیجه گیری: نمونه های تهیه شده از الیاف طبیعی غلاف ذرت دارای پتانسیل مناسب برای تضعیف انرژی امواج صوتی می باشند و می توانند به عنوان جاذب طبیعی صدا مورد استفاده قرار گیرند.

واژگان کلیدی: ضریب جذب صوت، الیاف طبیعی، لوله امپدانس



مدلسازی غیبت کاری و حوادث ناشی از کار در کارکنان بیمارستان با استفاده از رویکرد تحلیل بقا

هادی علیمرادی^۱، رضا جعفری ندوشن^۲، مهسا نظری^۳، محمد شروین بینا^۴، فرزانه ممدی زاده^۵
علیرضا آجدانی^۶

۱. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران
۲. استادیار و عضو هیئت مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران
۳. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران، nazarimahsa95@yahoo.com
۴. مهندسی تکنولوژی سخت افزار، دانشگاه غیر انتفاعی صفهان
۵. عضو هیات علمی گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران
۶. دکتری پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ایران

زمینه و هدف: نیروی انسانی مسئولیت پذیر و کارآمد به عنوان مهمترین سرمایه یک سازمان محسوب می شود از طرفی در قرن حاضر، بهره وری فردی و سازمانی یکی از دغدغه های اصلی مدیران است. غیبت، تأخیر، سوء استفاده از مرخصی های استعلاجی و حضور نیافتن بر سر کار به هر دلیل، از مهمترین مسائل محیط کار می باشد که مدیران سازمان ها و صنایع با آن روبه رو هستند و از عوامل افزایش هزینه تولید است.

مواد و روش ها: در این مطالعه اطلاعات توصیفی تحلیلی با استفاده از پرسش نامه تدارک دیده شده برای حوادث و غیبت های کاری با اخذ رضایت نامه کتبی از واحد ایمنی و بهداشت صنایع بیمارستان خصوصی اصفهان در سال ۱۳۹۸ تکمیل شد. نوع حوادث و وخامت آنها از نظر آسیب پذیری و درجه بحرانی کد بندی شد. جهت تجزیه و تحلیل آماری پس از جمع آوری داده ها از نرم افزار STATA ورژن ۸ و SPSS استفاده کنیم و مدل سازی آنالیز بقا استفاده شد.

نتایج: از مجموع ۷۶۵ پرسشنامه توزیع شده ۷۲۶ عدد بازگشت داده شدند. به ترتیب، حادثه بریدگی با اشیاء تیز و نوکدار (۷۵٫۶٪) و سوختگی قسمتی از بدن با (۵٫۴٪) بیشترین و کمترین حوادث اتفاق افتاده برای کارکنان را به خود اختصاص دادند. تماس پوست با خون و سایر مایعات بدن بیشترین غیبت کارکنان (۲۵۰ مورد غیبت) حوادثی چون برخورد برانکاردر با بدن، برق گرفتگی در حین انجام کار و سوختگی قسمتی از بدن، کمترین غیبت پرسنل را در پی داشته اند. بین حوادث اتفاق افتاده و غیبت از کار رابطه آماری معناداری دارند.

نتیجه گیری: تماس پوستی با خون و سایر مایعات بیولوژیکی اصلی ترین عامل خطر برای پرسنل محسوب می شود و باعث ایجاد غیبت از کار می گردد. برای بهبود کارایی و اثربخشی، عوامل خطر باید بر حسب تعداد روزهای ایجاد کننده غیبت مورد بررسی قرار گرفته و اقدامات اصلاحی در مورد آنها صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: حوادث شغلی، غیبت از کار، اثر بخشی، آنالیز بقا، بیمارستان



بررسی نقش سیستم تهویه بیمارستانی در پخش یا کنترل ویروس کرونا در بخش نگهداری از بیماران کرونایی

زهرا مرادپور^۱

۱. دانشجوی دکترای مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
z.moradpoor69@gmail.com

زمینه و هدف: در دسامبر سال ۲۰۱۹، ویروسی از خانواده کروناویروس در شهر ووهان، استان هوئی، قطب اصلی حمل و نقل در مرکز چین شناسایی شد. این ویروس از طریق راه‌های تنفسی منتقل می‌گردد. در انتقال از طریق قطرات تنفسی، هنگامی که فرد آلوده سرفه، عطسه، یا مکالمه میکند، ویروس در ترشحات تنفسی رها می‌شود و در صورتی که تماس مستقیم با غشاهای مخاطی وجود داشته باشد، می‌تواند افراد دیگر را آلوده کند. همچنین عفونت در صورت لمس سطح آلوده و سپس لمس چشم، بینی یا دهان می‌تواند رخ دهد. از آنجایی که عملکرد سیستم تهویه بیمارستان‌ها در پخش یا کنترل عفونت‌های بیمارستانی بسیار تاثیرگذار است، مطالعه حاضر با هدف تعیین نقش سیستم تهویه بیمارستانی در پخش یا کنترل COVID-19 در بخش ایزوله عفونت راه‌های هوایی، در بیمارستان منتخب انجام شد.

مواد و روش‌ها: به منظور بررسی نقش سیستم تهویه در پخش یا کنترل ویروس کرونا نمونه برداری از سطح دریچه‌های توزیع هوا و دریچه‌های خروج هوا صورت پذیرفت. نمونه‌های هوا از ۵ دریچه ورودی و ۵ دریچه خروجی تهیه شد. جهت نمونه برداری از سطح دریچه‌های هوا، مطابق استاندارد نمونه برداری از روی سطوح WHO، از یک سواپ و یک شافت پلاستیکی استفاده شد و برای تعیین ویروس covid-19 در نمونه‌ها از روش PCR استفاده شد.

نتیجه‌گیری: نتایج عدم وجود ویروس covid-19 را در نمونه‌های گرفته شده از دریچه‌های ورودی و خروجی سیستم تهویه را نشان داد. اگرچه سیستم تهویه مطبوع بخش ایزوله عفونت راه‌های هوایی، حرکت هوایی مناسبی را فراهم کرده است اما با توجه به علائم تنفسی موجود در بین کارکنان مراقبت بهداشتی، به نظر می‌رسد که این سیستم تهویه نمی‌تواند برای کارکنان مراقبت‌های بهداشتی به اندازه کافی ایمن باشد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد که مطالعات بیشتری با روش‌های مختلف، جهت بررسی عملکرد سیستم‌های تهویه بیمارستانی صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: کرونا ویروس، سیستم تهویه بیمارستانی، COVID-19





سلامت در بلایا و فوریت ها



بررسی میزان آمادگی بیمارستان‌های منتخب دانشگاه علوم پزشکی همدان در برابر حوادث ترافیکی با مصدومین انبوه: ۲۰۲۰

میثم صفی کیکله^۱، حمید صفرپور^۲، زهرا باقری^۳، ایمان فرهی آشتیانی^۴

۱. دانشکده پرستاری ملایر، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.
۲. دانشجوی دکتری سلامت در بلایا و فوریت‌ها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
۳. دانشکده پرستاری همدان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.
۴. ایمان فرهی آشتیانی، دانشجوی دکتری سلامت در حوادث و بلایا، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. iman.farrahi@yahoo.com

مقدمه: بیمارستان‌ها به عنوان عنصر حیاتی ارائه خدمات درمانی و مراقبتی در زمان حوادث و بلایا، به منظور برخورداری از خدمات اثر بخش و مدام، باید آمادگی کافی داشته باشند. آگاهی مدیران از سطوح آمادگی بیمارستان‌ها در برابر حوادث ترافیکی منجر به شناسایی ضعف‌ها و ارتقا سطوح آمادگی به منظور پاسخ بهتر می‌شود. این مطالعه با هدف بررسی میزان آمادگی بیمارستان‌های منتخب دانشگاه علوم پزشکی همدان در برابر حوادث ترافیکی با مصدومین انبوه، انجام شد.

روش انجام کار: این مطالعه به صورت مقطعی در سال ۱۳۹۹ با روش سرشماری در ۴ بیمارستان علوم پزشکی همدان انجام شد. به منظور ارزیابی میزان آمادگی بیمارستان‌ها از ابزار محقق ساخته مشتمل بر ۹ سنجه کلی و چک لیست تجهیزات و وسایل تخصصی مدیریت مصدومین ترومایی استفاده شد. از دو روش نسبت روایی محتوا و شاخص روایی محتوا با دریافت و اعمال نظرات ۱۴ متخصصی که دارای دانش و تجربه در این حوزه بوده، استفاده گردید. میزان ضریب کاپا ۹۳٪ پایایی ابزار را نشان داد. پس از گردآوری، دیتا از طریق نرم افزار SPSS16 با تحلیل آمار توصیفی حداقل و حداکثر مقادیر و درصد آمادگی‌ها تعیین گردید.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که آمادگی کلی بیمارستان‌های مورد مطالعه در برابر حوادث ترافیکی با مصدومین انبوه با امتیاز ۱/۴۷۴ در سطح خوب (۰/۷۳/۷۲) بدست آمد، به طوری که بیمارستان‌های شماره یک (مرکز ترومای شهرستان)، دو (جنرال استان) و چهار (مرکز ترومای استان) به ترتیب با درصد آمادگی‌های ۰/۸۵/۱۹، ۰/۷۱/۷۹، و ۰/۸۶/۷۱ دارای آمادگی خوب و بیمارستان شماره ۳ (جنرال شهرستان) دارای آمادگی سطح متوسط (۰/۵۷/۴۷) بود.

نتیجه گیری: اگر چه برنامه‌ها و تجهیزات بیمارستان‌های مورد مطالعه دارای آمادگی خوبی بودند اما اینکه در عمل، به چه میزان از این تجهیزات استفاده می‌شود و برنامه‌ها چقدر کارا و اثر بخش هستند نیاز به بررسی عملیاتی و عینی دارند که میتوان با انجام مانور و ارزیابی مانور مربوطه تا حدی از عینیت آمادگی مطلع بود، اما از آنجایی که ابزار ملی ارزیابی مانورهای بیمارستانی وجود ندارد، طراحی و تدوین آن ضروری است.

واژگان کلیدی: بیمارستان؛ آمادگی؛ حوادث ترافیکی؛ مصدومین انبوه



پاسخ دانشگاه علوم پزشکی گلستان به سیل فروردین ۹۸

مسلم سارانی^۲، تارا شش انگشت^۳، سیما سارانی^۴، لیلا نورمحمدی^۵، علی صاحبی^۱

حمید صفرپور^۱، داوود پیرانی^۱، دکتر محمد رضا هنرور^۶

۱. دانشجوی دکتری سلامت در بلایا و فوریت‌های دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
۲. مرکز بهداشت شهرستان گرگان دانشگاه علوم پزشکی گلستان sarani.moslem@gmail.com
۳. مرکز مدیریت اطلاعات بلایا در آسیا و اقیانوسیه APDIM اپدیم ایران
۴. مهندسی شیمی دانشگاه کاوش محمودآباد مازندران
۵. کارشناسی ارشد مهندسی کامپیوتر موسسه آموزش عالی صنعتی مازندران بابل
۶. معاون تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی گلستان

زمینه و هدف: سیل فروردین ۱۳۹۸، نقطه عطفی در مدیریت بحران دانشگاه علوم پزشکی گلستان بود چرا که برای اولین بار کلیه مدیران دانشگاه در قالب سامانه فرماندهی حادثه گرد هم آمدند و کمیته های کارگروه با هماهنگی بیشتر به فعالیت پرداختند. طراحی داشبورد "مدیریت سلامت در بلایا" و استفاده از زیرساخت ناب باعث روشن شدن بسیاری از نقاط کوری بود که در حوادث گذشته باعث هدر رفت منابع و نیروی انسانی می شد. از جمله این نقاط کور مشخص شدن جمعیت متاثر، مشخص شدن جمعیت های آسیب پذیر و هدف نظام سلامت در کمپ ها و نظارت بر توزیع خدمات و اقلام مورد نیاز شهروندان اسکان یافته بود.

مواد و روش ها: این مطالعه، یک بررسی مقطعی و ارزیابی اولیه از پاسخ نظام سلامت به سیل فروردین ۹۸ بود

نتایج: از ساعت ۶:۳۰ صبح روز ۲۷ اسفندماه تا جمعه دوم فروردین ۱۳۹۸ مقدار بارش در مینودشت به ۳۵۴ میلی متر رسید. مساحت تقریبی تجمع آب ۸۵۰۰ کیلومتر مربع بود که حدود ۴۰٪ مساحت استان گلستان را تشکیل می دهد. در محدوده اثر سیل، مراکز شهری گنبدکاووس، انبارآلوم، آق قلا و سیمین شهر، حوزه گمیشان با جمعیتی بالغ بر ۲۱۰۰۰ نفر و ۸۲ روستا با جمعیت کل حدود ۱۰۳۵۰۰ نفر واقع شده است. در طی این مدت ۷ نفر جان خودشان را از دست دادند. طبق آمارها، در سیل استان گلستان در مقطع زمانی ۲۹ اسفند ۹۷ تا ۶ فروردین ۹۸ تعداد ۵۹۴۵۰۰ قطعه نیمچه مرغ گوشتی، ۷۸ هزار قطعه مرغ مادر و تخم گذار، ۲۴۴۴ راس دام سبک و ۶۲ راس دام سنگین تلف شده است که در کنار اینها ۵۰۰ هکتار مزرعه پرورش آبزیان نیز خسارت دید. سیل به بخش کشاورزی استان گلستان ۱۰۹۰ میلیارد تومان خسارت زده که از این میزان، ۷۶۰ میلیارد تومان به زیربخش زراعت، ۱۵۰ میلیارد تومان به زیربخش آب و خاک و زیرساخت ها، ۱۲۰ میلیارد تومان به زیربخش باغبانی و ۶۰ میلیارد تومان به زیربخش های دام، طیور و آبزیان خسارت وارد کرده است.

نتیجه گیری: تبیین شرایط حاکم بر محیط و مردم درگیر در سیل و چالش های ایجاد شده و تجارب بدست آمده و درس های آموخته شده از این واقعه می تواند برای جامعه و محققین عرصه بلایا مفید باشد. در این مقاله تلاش شده است وقایع مرتبط با اثرات سیل بر سلامت مردم و اقدامات و ابتکارات نظام سلامت گلستان را ارائه کنیم و تجاربی که از این حادثه بدست آمد را در اختیار مدیران و کارشناسان حوزه سلامت و بلایا بگذاریم.

واژگان کلیدی: دانشگاه علوم پزشکی گلستان، سیل، فروردین ۹۸



چالش های آموزش مجازی در زمان شیوع بیماری Covid-19 در ایران

آتنا رفیعی پور^۱، آرزو دهقانی^۲

۱. دکترای تخصصی، مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت و ایمنی، انجمن علمی دانشجویی دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی dehghani.am64@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری تخصصی، سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده بهداشت و ایمنی، انجمن علمی دانشجویی دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

زمینه و هدف: آموزش مجازی یک روش نوین در ارائه علم و جایگزینی برای شیوه های سنتی تدریس است. مزایای بالقوه آموزش مجازی نیازمند وجود یک زیرساخت مناسب می باشد که در کشورهای در حال توسعه با مشکلاتی روبرو است. مطالعه حاضر با هدف تشخیص چالش های استفاده از سیستم آموزش مجازی در زمان شیوع اپیدمی Covid-19 در کشور ایران انجام شد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر از نوع کیفی با رویکرد تحلیل محتوا است که در سال ۱۳۹۹ انجام شد. ۲۲ نفر از فراگیران و آموزش دهندگان شیوه آموزش مجازی در گروه های تحصیلی و علمی مختلف در این مطالعه شرکت کردند. جمع آوری اطلاعات به روش مصاحبه نیمه ساختارمند انجام شد. پس از انجام هر مصاحبه، پیاده سازی و تحلیل محتوا انجام و سپس توسط تیم تحقیق تم ها، کدها، طبقات و زیرطبقات تبیین شد.

نتایج: تعداد ۵۴/۵٪ و ۴۵/۵٪ مصاحبه شوندگان بترتیب شامل زنان و مردان بودند که از آنها ۱۳/۶٪، ۵۰٪ و ۳۶/۴٪ در گروه های سنی ۷-۱۷، ۱۸-۳۵ و ۳۶-۶۵ سال و تعداد ۲۲/۷٪، ۲۲/۷٪، ۲۲/۳٪ و ۲۷/۳٪ در گروه های تحصیلی کمتر از دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد و بالاتر از کارشناسی ارشد قرار داشتند. ۱ درون مایه، ۴ طبقه اصلی و ۱۶ زیرطبقه از خروجی مصاحبه ها و بررسی متون بدست آمد. نتایج نشان داد که بیشترین مشکلات در استفاده از آموزش مجازی در حیطه های زیرساخت فناوری، فرهنگی، اقتصادی، آموزشی، زمانی و ارتباطی می باشد.

نتیجه گیری: کاربری سیستم آموزش مجازی در زمان شیوع بیماری Covid-19 و بدون آموزش های ابتدایی با اختلالاتی همراه بود. توصیه می شود با بررسی دقیق معایب موجود، اقدامات اساسی در جهت اقدام به موقع در رفع نیازمندی های بستر آموزش مجازی انجام شود.

واژگان کلیدی: آموزش مجازی، پاندمی، Covid-19



درس آموخته های پاسخ مراکز بهداشتی درمانی استان ایلام در سیل فروردین ۱۳۹۸

دکتر کنایون جهانگیری^۱، داود پیرانی^۲، علی صاحبی^۳

۱. دکتری تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشیار، گروه سلامت در بلایا و فوریتها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران

۲. دانشجوی دکتری تخصصی سلامت در بلایا و فوریتها، گروه سلامت در بلایا و فوریتها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران

۳. دانشجوی دکتری تخصصی سلامت در بلایا و فوریتها، گروه سلامت در بلایا و فوریتها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران Ali.sahebi.phd@gmail.com

شرح حادثه: در روز دوشنبه دوازدهم فروردین ماه ۱۳۹۸ به دنبال بارش شدید باران، سیل عظیمی در شهرستان دره شهر واقع در استان ایلام به وقوع پیوست. بارش شدید باران و وقوع سیل همزمان در استان لرستان و از طرفی هم جوار بودن با رودخانه بزرگ سیمره، احتمال وقوع سیل را در این منطقه افزایش داده بود. پیش‌بینی شده بود که بخش مازین در قسمت جنوبی شهرستان های پلدختر و دره شهر که محل ادغام رودخانه‌های بزرگ کشکان لرستان و سیمره ایلام قرار گرفته است در معرض آسیب‌های ناشی از سیل بیشتری قرار دارد. ورود سیل به داخل شهر باعث شد که سیلاب در خیابان‌ها جاری شود و وارد منازل مسکونی و تجاری شود و از طرفی دیگر ۳۲ روستا به‌طور کامل و نسبی تخریب شدند و راه‌های ارتباطی با اکثر روستاها به‌طور کامل تخریب و دسترسی به این مناطق امکان‌پذیر نبود همچنین وقوع سیل باعث قطع شدن آب، برق و تلفن در اکثر مناطق شد و با توجه تاریکی هوا، عملیات امداد و نجات بسیار دشوار بود. به دنبال سیل، ۳۹,۰۰۰ نفر از مردم منطقه متاثر و تعداد ۵ خانه بهداشت تخریب شدند. میزان آسیب سازه ای، غیر سازه ای و عملکردی مراکز بهداشتی درمانی در حدود ۷۰ درصد برآورد شد ولی هیچ موردی از مرگ و مصدومیت و همچنین همه گیری بیماری های واگیر در این مناطق گزارش نشد.

نتیجه گیری: در بررسی حادثه مشخص شد که سازمان هواشناسی چند روز قبل از وقوع سیل، وقوع بارش شدید باران و وقوع حتمی سیل در این مناطق را پیش بینی کرده بود و سازمان های متولی مدیریت بحران در حالت آماده باش کامل بوده اند و مردم منطقه و مسافران نوروزی را از طریق رسانه های ملی، شبکه های مجازی و پیامک ها از وقوع سیل مطلع کرده بودند و توصیه ها و هشدارهای لازم نیز ارائه شده بود. انجام اقدامات پیشگیرانه فوق باعث شده بود که هیچ موردی از مرگ و مصدومیت گزارش نشود اما مراکز بهداشتی درمانی دچار آسیب های ساختاری و عملکردی شدند. بنابراین این مراکز بایستی میزان آمادگی خود را از طریق تدوین و تمرین برنامه های پاسخ به بلایا افزایش دهند. بر اساس مستندات و گزارشات گردآوری شده و مصاحبه با مدیران، پیشنهادات و راهکارهای شامل: استقرار سامانه هشدار اولیه مخاطرات در مراکز بهداشتی و درمانی، اجرای برنامه‌های آموزش تخصصی مدیران و کارکنان بهداشتی درمانی در پاسخ به سیل، لزوم برگزاری نشست یا کارگاه درس آموخته‌های سیل با مشارکت اعضای کمیته بحران، مرور و بازبینی برنامه عملیاتی فوریت بر اساس درس آموخته‌های سیل و ارائه توصیه‌های لازم به اعضای کمیته بحران جهت پاسخ مناسب به سیل مطرح گردید.

واژگان کلیدی: سیل، بلایای طبیعی، مراکز بهداشتی درمانی، ایلام



مستند سازی درس آموخته های کووید-۱۹ در راستای افزایش تاب آوری در برابر خطرات نوپدید آینده

فهیمة شجاعی^۱، جعفر جندقی^۲، علی خداداد^۳، پژمان قرائیان^۴، کنایون جهانگیری^۵

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، رشته سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
۲. معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان
۳. معاون مدیرکل مدیریت بحران استانداری سمنان
۴. کارشناس کاهش خطر بلایا و حوادث دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان
۵. دانشیار گروه سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
katayounjhangiri@yahoo.com

زمینه و هدف: خطرات نوپدید (emerging risk)، یکی از بزرگترین چالش های تاب آوری و تداوم فعالیت های عملکردی در جهان امروز بوده و مدیریت این خطرات همچون کووید-۱۹ در راستای توسعه پایدار امری ضروری بنظر می رسد. مستند سازی اقدامات و تلاش های صورت گرفته، ثبت مشکلات و چالش های موجود و ارائه راهکارها، دستاوردها و نوآوری های ایجاد شده توسط ارگان های مختلف در مواجهه با کووید ۱۹ می تواند در فاز نهایی چرخه تاب آوری نقش به سزایی ایفا کرده و در مدیریت حوادث احتمالی آینده اثر بخش باشند.

مواد و روش ها: نوع مطالعه حاضر موردی و کاربردی است و براساس مشاهدات جهت به اشتراک گذاری تجربیات انجام شده است.

نتایج: مشکلات و چالش ها در مدیریت پاسخگویی به بحران کرونا در ابعاد مختلف: مدیریتی و حاکمیتی، امنیتی و انتظاماتی، بهداشتی و درمانی، اجتماعی و فرهنگی و اطلاع رسانی و آموزشی مطرح و سپس مهمترین اقدامات صورت گرفته در سطح استان سمنان بیان شده است.

واژگان کلیدی: کووید-۱۹، تاب آوری، درس آموخته ها





بهداشت محیط



بررسی میزان تولید پسماندهای عفونی با شیوع بیماری کووید ۱۹ در شهرستان دشتستان

سیده فاطمه حسینی^۱، طیبه سبحانی^۲، سید محمود مهدیان^۳، زهرا همتی^۴، احمد قاسمی^۵
رضا باقرپور^۶

۱. کارشناس مهندسی بهداشت محیط، شبکه بهداشت و درمان دشتستان seyedfatemehh@yahoo.com

۲. کارشناس مهندسی بهداشت محیط، شبکه بهداشت و درمان دشتستان

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

۴، ۵، ۶. کارشناس مهندسی بهداشت محیط، شبکه بهداشت و درمان دشتستان

زمینه و هدف: مراکز ارائه خدمات بهداشتی درمانی (بیمارستانها، درمانگاهها، مطب پزشکان، کلینیک ها، مراکز تحقیقاتی پزشکی، داروخانه ها) یکی از منابع تولید مواد زائد شهری می باشند. مواد زائد تولید شده در این مکان ها را پسماندهای بهداشتی - درمانی و یا اصطلاحاً پسماندهای بیمارستانی می گویند. پسماندهای بیمارستانی حاوی مقادیر زیادی از عوامل بیماریزای واگیر می باشند و تماس افراد مستعد با آنها می تواند موجب ایجاد بیماری های عفونی گردد. با شیوع بیماری کرونا در کشور اهمیت مدیریت پسماندهای عفونی بیش از پیش گردید. تولید پسماند عفونی در منازل بیماران و کاهش حضور افراد در بخشهای درمانی باعث تغییرات در میزان تولید پسماند عفونی گردید. این مقاله با هدف بررسی تغییر میزان تولید پسماندهای عفونی شهرستان دشتستان انجام گرفت.

مواد و روش ها: مطالعه بصورت توصیفی- مقطعی و در شش ماهه اول سال ۹۹ انجام گرفت. مطالعه با توزین و ثبت میزان پسماند بیمارستانی و پسماندهای بخش دولتی ورودی به بیمارستان انجام گرفت. داده های کمی پس از ورود به نرم افزار Excel، محاسبه میانگین و انحراف معیار مقادیر و رسم جداول مربوطه، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: مطابق نتایج به دست آمده، در میزان پسماند عفونی بیمارستان به علت حذف چند ماهه عملهای غیر ضروری، و کاهش حضور افراد در بخشهای غیر مرتبط با کرونا، میزان پسماند عفونی نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۰٪ کاهش داشته و به ۷۰۰۰ کیلوگرم در ماه و در بخش دولتی با توجه به افزایش مراکز منتخب کرونا، آزمایشگاه ویژه کرونا، تحویل پسماندهای عفونی منازل دارای بیمار به مراکز بهداشتی، این آمار نزدیک به ۳۹٪ افزایش و به ۶۵۰ کیلوگرم در ماه رسیده است.

نتیجه گیری: با توجه به طولانی شدن روند بیماری و افزایش پسماندهای بیمارستانی لزوم مدیریت جدی، جمع آوری و امحا و دفن بهداشتی پسماندهای عفونی وجود دارد. برنامه ریزی جهت افزایش دفعات جمع آوری پسماندهای عفونی از سطح مراکز بهداشتی درمانی منتخب و آزمایشگاههای موجود در این مدیریت تاثیر گذاری زیادی خواهد داشت.

واژگان کلیدی: کووید ۱۹، پسماند عفونی، مراکز منتخب کرونا



بررسی کارایی سیستم تلفیقی راکتور بیهوازی دارای راه بند و بیوالکتروشیمیایی در حذف COD، ترکیبات ازت و باکتریهای شاخص از فاضلاب شهری

مرضیه مرادقلی^۱، احمدرضا یزدانبخش^۲، نجمه مسیحی^۳

۱. گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

Marziye.moradgholi@gmail.com

۲. استاد گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. کارشناس ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: هدف از این تحقیق، بررسی کارایی سیستم تلفیقی راکتور بیهوازی دارای راه بند و بیوالکتروشیمیایی در حذف COD، ترکیبات ازت و باکتریهای شاخص از فاضلاب شهری در شرایط آزمایشگاهی بود. در این پژوهش که با راهبری ۲۵۰ روزه در مقیاس پایلوت در دمای محیط در دانشکده بهداشت انجام گرفت، به ترتیب عملکرد سامانه ABR و ABR تلفیق با بیوالکتروشیمیایی مورد مطالعه قرار گرفت.

مواد و روش ها: راکتور مورد نظر با بار آلی ۰/۲۸ - ۱ کیلوگرم بر متر مکعب در روز و زمان ماند هیدرولیکی ۱۴-۲۴ ساعت راهبری شد. تغذیه سیستم به صورت پیوسته با استفاده از فاضلاب خروجی واحد ته نشینی اولیه تصفیه خانه فاضلاب شهرک غرب انجام گرفت. به منظور بررسی عملکرد سیستم، پارامترهای COD، BOD، MPN، TKN، TP در ورودی و خروجی دو سیستم اندازه گیری شد. راندمان حذف پارامترهای خروجی در دو سیستم ABR و ABR+BES با یکدیگر مقایسه گردید.

نتایج: بهترین عملکرد سیستم ABR در زمان هیدرولیکی ۲۴ ساعت و بار آلی 0/28Kg COD /m3.d حاصل شد. راکتور ABR در زمان ماند هیدرولیکی ۱۴ تا ۲۴ ساعت به ترتیب به راندمان حذف ۷۷-۵۸ درصد برای COD و ۲۳/۲۱ تا ۱۰/۷۱ درصد برای TKN و ۳۸/۴۶ تا ۳۰/۷۷ درصد برای TP دست یافت و همچنین میزان باکتریهای کلیفرم پساب خروجی در شرایط بهینه به ۲۷۵۰ در هر ۱۰۰ میلی لیتر رسید. در سیستم تلفیقی در زمان ماند ۲۴ ساعت درصد حذف COD به ۹۱/۰۷ درصد، و TKN به ۸۲/۱۴ درصد و TP به ۶۱/۵۴ درصد رسید و میزان باکتریهای کلیفرم در پساب خروجی در این شرایط به ۲۱۰۰ در هر ۱۰۰ میلی لیتر کاهش پیدا کردند.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که سیستم تلفیقی در زمان ماند هیدرولیکی ۲۴ ساعت کارایی بهتری نسبت به ABR به تنهایی در همان زمان ماند مشابه در حذف آلاینده های مورد نظر دارد.

واژگان کلیدی: راکتور بیهوازی دارای راه بند، بیوالکتروشیمیایی، فاضلاب شهری



بررسی تغییرات سمیت آنتی بیوتیک سفیکسیم طی فرایند سونوالکتروفتون به روش زیست آزمونی با استفاده از سویه های استاندارد میکروارگانیسم ها

کمال حسنی^۱، عبدالله درگاهی^۳، مینا مرادی^۲، مهدی وثوقی نیری^۳

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، ایران
kamalhasani.dudg@gmail.com
۳. گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

زمینه و هدف: تخلیه فاضلاب صنایع دارویی و آنتی بیوتیک سازی اثرات نامطلوبی بر سلامتی انسان و محیط زیست دارد. یکی از این آنتی بیوتیک ها سفیکسیم می باشد که به دلیل استفاده گسترده در محیط سبب ایجاد اثرات سمی و ماندگاری در محلول های آبی می شود. هدف از این مطالعه تعیین اثرات سمیت سفیکسیم در محلول ورودی و پساب خروجی از فرایند سونوالکتروفتون با استفاده از سویه های استاندارد میکروارگانیسم ها می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه بصورت تجربی در مقیاس آزمایشگاهی صورت گرفت. جهت تست سمیت از سویه استاندارد باکتری های اشرشیا کلی (گرم منفی) و استافیلوکوکوس اورئوس (گرم مثبت) استفاده شد. ابتدا محلول استوک ۱۰۰۰ میلی گرم در لیتر حاوی آنتی بیوتیک سفیکسیم تهیه شد و برای هر باکتری (گرم مثبت و گرم منفی) پنج نمونه از محلول ورودی راکتور و پنج نمونه از پساب خروجی تصفیه شده با فرایند سونوالکتروفتون در شرایط بهینه برداشت شد. حجم هر نمونه یک میلی لیتر بود. در نهایت هر نمونه به ۱۰ میلی لیتر محیط کشت لاکتوز برات استریل شده انتقال داده شد و در هر نمونه یک لوپ از باکتری اشرشیا کلی حل شد. این کار برای باکتری استافیلوکوکوس نیز صورت گرفت و در نهایت پس از انکوباسیون جذب نوری محلول ورودی و پساب خروجی در پنج فاصله زمانی ۲ ساعته بصورت متوالی در طول موج ۶۰۰ نانومتر با نمونه شاهد (حاوی محیط کشت لاکتوز برات و یک لوپ باکتری) قرائت شد و با محاسبه درصد بازدارندگی از رشد، تغییرات سمیت بررسی شد.

نتایج: نتایج نشان داد با گذشت زمان ۱۰ ساعته میزان رشد هر دو باکتری در نمونه شاهد و پساب خروجی بیشتر بود در حالیکه رشد باکتری ها در محلول ورودی کمتر بود و میزان سمیت بیشتری داشت. بر اساس نتایج میانگین ۱۰ ساعته میزان بازدارندگی از رشد، میزان سمیت در مورد باکتری اشرشیاکلی از ۷۰٪ در محلول ورودی راکتور به ۹/۳٪ در پساب خروجی از راکتور رسید (کاهش ۸۶/۷٪ سمیت) و در مورد باکتری استافیلوکوکوس اورئوس از ۲۵/۳٪ در محلول ورودی به ۷٪ در پساب خروجی کاهش یافت (کاهش ۷۲/۳ درصدی سمیت).

نتیجه گیری: بر اساس یافته های مطالعه حاضر زیست آزمونی با استفاده از میکروارگانیسم ها یک روش موثر و مفید جهت بررسی تغییرات سمیت سفیکسیم می باشد. همچنین فرایند سونوالکتروفتون می تواند با تصفیه موثر بطور چشمگیری سمیت پساب خروجی را کاهش دهد.

واژگان کلیدی: سمیت، سفیکسیم، سونوالکتروفتون، زیست آزمون، میکروارگانیسم





اپیدمیولوژی



Family history of cancer and risk of Upper gastrointestinal cancer

Fatemeh Zainali¹, Alireza Ansari Moghaddam², Mohammad Ali Mashhadi³, Mehdi Mohammadi⁴, Mostafa Peyvand¹

1.MSc, Epidemiology, Student Research Committee, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran zeynalifatemeh62@gmail.com

2.Professor of Department of Statistics and Epidemiology, Member of Health Promotion Research Center, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran

3.Clinical Specialist of Blood and Cancer, Zahedan University of Medical Sciences

4.Professor of Department of Statistics and Epidemiology, Member of Health Promotion Research Center, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran

Background: Upper gastrointestinal cancer (UGIC) include gastric and esophageal cancers is that one of the major causes of cancer related death in the world. A number of risk factors are now known to be related to the development of the disease. Previous reports indicated that a family history is a serious risk, but there is a little information about this in Iran. The aim of this study was to explore the relation between family history of cancer and the risk of UGIC in Iran.

Material and Methods: The present study was designed case-control, performed on 106 patients with UGIC who referred to Imam Ali Hospital Zahedan during 2016-2017. 106 control Hospital and 106 controls neighborhood that matched, to the cases UGIC of on sex and age. Trained staff interviewed study subjects face-to-face using a standard questionnaire after Maintaining ethical standards, which covers information on demographic characteristics, lifestyles and family history of cancer. We used conditional logistic regression models to estimate the odds ratios (ORs) with 95% confidence intervals (CIs) of UGIC associated with a family history of cancers. The data were entered to SPSS 22 software and used of descriptive statistics and t-test for data analysis.

Results: Of 106 patients with UGIC, 49.2% of women and 50.8% of men and over 70 years of age were the most frequent. 37.7% of urban patients and 62.3% were in rural areas. UGIC risk was associated with Family history of cancer. Associations were significant for history in first-degree relatives in Neighborhood (OR, 5.39, 95% CI 2.59–11.21), and Hospital (OR.4.07, 95% CI 2.04–8.1) Control group. On the other hand, Associations were significant for history in Second-degree relatives in Neighborhood (OR, 3.87, 95% CI 1.4–10.69), and Hospital (OR.2.74, 95% CI 1.07–6.97) Control groups.

Conclusions: In this study showed that family history, increases the risk of development of the UGIC. Further studies are needed to better understand the roles of genetic and environmental factors and their interaction UGIC development in the Iranian community.

Keywords: Upper gastrointestinal cancer (UGIC), family history, Risk



تبیین مشکلات اجتماعی سرطان از دیدگاه بستگان درجه اول بیماران مبتلا به سرطان مری

سکینه گرایلو^۱، محمدعلی مروتی شریف آباد^۲، لیلا جویباری^۳، زهره کریمیان کاکلی^۴

۱. دکترای آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان ایران gerayllo65@yahoo.com
۲. استادگروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات سلامت سالمندی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
۳. دانشیار مرکز تحقیقات پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان ایران
۴. گروه بهداشت دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، شهرکرد، ایران

زمینه و هدف: شمال کشور یکی از مناطق با خطر بالای سرطان مری می باشد. با توجه به ماهیت تهدید کنندگی سرطان و مشکلاتی که برای بیماران و خانواده ها ایجاد می نماید می تواند بر کیفیت زندگی جسمی و روانی آنان تاثیرگذار باشد، هدف این مطالعه تبیین مشکلات اجتماعی سرطان در بستگان درجه اول بیماران مبتلا به سرطان مری در استان گلستان می باشد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر از نوع کیفی با رویکرد تحلیل محتوا است که در استان گلستان در سال ۱۳۹۷ انجام شد. نمونه مورد مطالعه به روش نمونه گیری مبتنی بر هدف می باشد و گروه هدف ۲۳ نفر از بستگان بیماران مبتلا به سرطان مری در مراکز شیمی درمانی انتخاب گردیدند و ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه های نیمه ساختار یافته بود. از سوالات کاوشی برای بدست آوردن عمق اطلاعات استفاده شد و جمع آوری اطلاعات تا اشباع داده ها ادامه یافت هر مصاحبه بر روی نوار ضبط گردید و با استفاده از نرم افزار MAXQDA 10 مطابق رویکرد تحلیل محتوای کیفی گرانهایم و لاندمن تحلیل شدند.

نتایج: درون مایه های اصلی حاصل از تحلیل داده ها شامل «سرطان مختل کننده زندگی، کاهش فعالیت های روزانه، فشار بار مراقبتی در همراهان بیمار، نیازمند مراقبت مداوم با پیشرفت بیماری، از کار افتادگی و خونه نشینی، مانع برقراری تعامل با اطرافیان» حاصل شد.

نتیجه گیری: نتایج نشان می دهد بستگان بیماران فشارهای روانی زیادی ناشی از بیماری را متحمل می شوند و این مطالعه لزوم مداخلات مناسب در زمینه رفتارهای خودمراقبتی و توانمند ساختن آنان برای سلامتی این گروه را تاکید می نماید.

واژگان کلیدی: بستگان بیمار، سرطان مری، مطالعه کیفی، تهدیدات اجتماعی، تحلیل محتوا



بررسی شیوع سل نهفته در بیماران دیابتی مراجعه کننده به کلینیک دیابت شهر زاهدان در سال ۱۳۹۸

حسین حاتمی کیا^۱، ابوالفضل پاینده^۲، مجید سرتیپی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

h.hatameikya@gmail.com

۲. دکتری تخصصی آمار زیستی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۳. دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

زمینه و هدف: سل، بیماری عفونی نکروز دهنده حاد یا مزمنی است که باعث درگیری ارگان‌های مختلف بدن می‌شود و عامل آن مایکوباکتریوم توبرکلوزیس می‌باشد. ورود این باکتری به بدن عموماً در دوران کودکی اتفاق می‌افتد و در سالهای بعد از آن هر عامل منجر به نقص سیستم ایمنی سلولی، باعث فعال شدن عفونت نهفته و ایجاد بیماری سل می‌گردد و از این عوامل می‌توان به انواع بیماری‌های متابولیسمی (از جمله دیابت) اشاره نمود. عفونت سل نهفته، حالتی است که پاسخ سیستم ایمنی بدن به باسیل سل قابل اثبات، ولی هیچ شواهدی از بیماری فعال سل وجود ندارد. مطالعه حاضر با هدف برآورد شیوع سل نهفته در بین بیماران دیابتی مراجعه کننده به کلینیک های دیابت شهر زاهدان در سال ۱۳۹۸ انجام شد.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر بصورت مقطعی (توصیفی - تحلیلی) و بر روی ۱۲۵ بیمار دیابتی که برای انجام معاینات و آزمایشات دوره ای به کلینیک دیابت بوعلی شهرستان زاهدان در بهمن ماه سال ۱۳۹۸ مراجعه کرده بودند، انجام گردید. پرسشنامه ای شامل اطلاعات دموگرافیک، مدت ابتلا به دیابت، سابقه بیماری های زمینه ای، نوع داروی مصرفی پائین آورنده قند خون، سابقه مصرف مواد مخدر تزریقی و غیرتزریقی، اندازه هموگلوبین A1C در سه ماهه گذشته، اندازه نمای توده بدنی (BMI)، سابقه تزریق واکسن ب ث ژ، سابقه تماس با بیمار سلی و اندازه تست توبرکولین تکمیل گردید. عدم رضایت بیماران جهت شرکت در مطالعه و یا سابقه ابتلا به بیماری سل، معیار خروج از مطالعه بود. برای تشخیص موارد عفونت سل، تست توبرکولین برای بیماران دیابتی انجام شد. برای انجام تست PPD از محلول ۵ واحدی PPD تهیه شده توسط موسسه رازی ایران به میزان ۰/۱ سی سی داخل جلدی و در ناحیه حد فاصل یک سوم فوقانی و دو سوم تحتانی ساعد، با سرنگ انسولین اسفاده گردید و نتیجه تست بعد از ۴۸-۷۲ ساعت قرائت شد. اندازه اندوراسیون (قطر سفتی) بر حسب میلیمتر اندازه گیری شد و اندوراسیون کمتر از ۵ میلی متر منفی و اندوراسیون ۱۰ تا ۵ میلی متر مثبت بینابینی و اندوراسیون ۱۰ میلیمتر و بیشتر مثبت (دارای سل نهفته) منظور شده است. برای برآورد شیوع سل نهفته از برآورد نقطه ای استفاده گردید.

نتایج: از ۱۲۵ بیمار دیابتی مورد مطالعه، واکنش بیماران دیابتی به تست PPD شامل ۲۱/۶ درصد منفی (کمتر از ۵ میلی متر)، ۴۸ درصد مثبت بینابینی (۵-۹ میلی متر) و ۳۰/۴ درصد مثبت (بزرگتر مساوی ۱۰ میلی متر) بود.

نتیجه گیری: با توجه به اهداف تعیین شده توسط سازمان جهانی بهداشت جهت حذف بیماری سل و اهمیت شناسایی افراد دارای عفونت سل نهفته، جهت کنترل بیماری سل و دیابت در جامعه و میزان شیوع سل نهفته بدست آمده در این مطالعه، غربالگری بیماران دیابتی از نظر وجود عفونت سل نهفته اکیداً توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: سل نهفته، شیوع، دیابت



بررسی فشار خون و دیابت ناشناخته و شناخته شده در افراد مراجعه کننده به مراکز بهداشتی ودرمانی در مناطق پایلوت برنامه ایران

سمیه درخشان^۱، کورش اعتماد^۲، افشین استوار^۳، داود خلیلی^۴

۱. کارشناسی ارشد، رشته اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
Somayah452derakhshan@gmail.com

۲. گروه آموزشی اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. مرکز تحقیقات استئوپوروز، پژوهشکده علوم بالینی غدد و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۴. مرکز تحقیقات پیشگیری از بیماری های متابولیک، پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: بسته مداخلات اساسی بیماری های غیرواگیر سازمان جهانی بهداشت (WHO-PEN) برای مراقبت های اولیه در مناطق با منابع کم است که امکان شناسایی و مدیریت به موقع بیماری های قلبی و عروقی، دیابت، بیماری های مزمن تنفسی و سرطان را برای جلوگیری از عوارض تهدید کننده زندگی فراهم می کند. در ایران نیز با بومی سازی این برنامه، برنامه ایران (Ira-PEN) طراحی و در ۴ شهرستان نوده، مراغه، شهرضا و بافت به صورت آزمایشی اجرا گردید که در خانه های بهداشت و پایگاه های سلامت میزان احتمال خطر ۱۰ ساله بروز سکته های قلبی و مغزی کشنده و غیرکشنده جمعیت هدف برنامه تعیین می گردد و متناسب با میزان احتمال به دست آمده اقداماتی صورت می پذیرد. هدف از پژوهش حاضر بررسی فشارخون و دیابت ناشناخته و شناخته شده در افراد مراجعه کننده به مراکز بهداشتی و درمانی در مناطق پایلوت برنامه ایران است.

مواد و روش ها: پژوهش حاضریک مطالعه توصیفی است که بر روی داده های سال ۹۵ و ۹۶ برنامه ایران در سال ۱۳۹۸ انجام شد. جامعه مورد مطالعه افراد بالای ۳۰ سال مراجعه کننده به مراکز، پایگاهها و خانه های بهداشت در راستای برنامه ایران هستند که به صورت پایلوت در ۴ شهر ذکر شده اجرا گردید.

نتایج: مطالعه حاضر نشان داد که تعداد افراد مورد مطالعه ۱۶۰۲۲۳ نفر (۶۷۱۴۲ مرد و ۹۳۰۸۱ زن) میباشند. در مردان افراد دیابتی ۴۸۱۳ نفر (۵۵ / ۸٪)، با دیابت ناشناخته ۱۷۷۱ نفر (۱۵ / ۳٪) و با دیابت شناخته شده ۳۰۴۲ نفر (۵/۴۰٪)، در زنان این اعداد به ترتیب ۱۰۱۵۹ نفر (۹۱ / ۱۲٪)، ۳۲۵۷ نفر (۱۴ / ۴٪) و ۶۹۰۲ نفر (۸/۷۷٪) می باشند. در مردان افراد با فشارخون بالا ۹۲۰۷ نفر (۶۲ / ۱۵٪)، با فشارخون بالای ناشناخته ۳۶۱۱ نفر (۱۳ / ۰۶٪) و با فشارخون بالای شناخته شده ۵۵۹۶ نفر (۹/۴۹٪) می باشند، در زنان این اعداد به ترتیب ۱۸۸۰۳ نفر (۲۳ / ۱۹٪)، ۴۰۲۵ نفر (۴ / ۹۶٪) و ۱۴۷۷۸ نفر (۱۸/۲۳٪) می باشند.

نتیجه گیری: با توجه به پژوهش صورت گرفته درصد دیابت کل، شناخته شده و نشده و درصد فشارخون بالای کل، شناخته شده در زنان و درصد فشارخون بالای ناشناخته در مردان بالاتر بود.

واژگان کلیدی: بیماری های قلبی و عروقی، بیماری های غیرواگیر، برنامه ایران



Impact of comorbidity on deaths caused by COVID-19: a hospital-based study in Yazd province

Moslem Taheri Soodejani¹, Saeed Hosseini², Mohammad Hassan Lotfi¹

1. Research Center of Prevention and Epidemiology of Non-Communicable Disease, Department of Biostatistics and Epidemiology, School of Public Health, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran. mhlotfi56359@gmail.com

2. MSc of Epidemiology, Health Monitoring Research Center, School of Medicine, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran

Background: Some of the diseases have the potential to cause death, the most important of which are cardiovascular diseases, Hypertension, Kidney diseases, cancers, and diabetes mellitus. Patients with COVID-19 who have at least one of these diseases are comorbid patient. We would like to examine the outcome of specific comorbidities on COVID-19 based on the data recorded hospital information system of all hospitals in Yazd province which have admitted COVID-19 patients.

Material and Methods: In this ecological study, we have used all data accessible from hospital information systems of Yazd hospitals which were specify to admit COVID-19 patients. For each dead case, demographical and clinical data such as age, sex, cardiovascular diseases, hypertension, kidney diseases, cancers, acquired immunodeficiency syndrome, respiratory diseases and diabetes mellitus were collected. All analysis was done using Stata software

Results: Since the beginning of COVID-19 pandemic, 517 patients have been passed away from COVID-19 in Yazd province until 15th October. The mean and median age of dead cases were 70.45 ± 16.72 and 74 years respectively while 76.2 % of them were older than 60 years. Diabetes mellitus (18%), Coronary heart disease (13%), Cancers (6.6%), and kidney diseases (6.2%) had the most proportions of comorbidity. Finally, statistical analysis showed 41.2% of all dead cases had at least one chronic disease while 84.3% of them had at least one chronic disease or aged over 60 years.

Conclusions: According to the results of this study, it seems that most deaths caused by COVID-19 have been happening in high risk groups. Aging and chronic diseases could be considered as major risk factors causing severe outcomes in patient infected with COVID-19.

Keywords: SARS-COV2, Mortality, Case Fatality, multimorbidity



The association between COVID-19 incidence and mortality with Socioeconomic Development - A Global Ecological Study

Samaneh Torkian¹, Samira Kazami¹, Marzieh Eslahi², Elham Khatooni³, Reza Etesami⁴, Narges Khanjani⁵, Roya Rashti⁶

1. Department of Epidemiology, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
2. Department of Epidemiology and Biostatistics, School of Public Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran
3. Department of Epidemiology, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
4. Department of Statistics, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran
5. Professor, Neurology Research Center, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran. n_khanjani@kmu.ac.ir
6. Social Determinants of Health Research Center, Research Institute for Health Development, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran

Background: There is some evidence about the role of human development in the incidence and mortality of some diseases. The aim of this study was to investigate the relation between COVID-19 incidence and mortality with development indexes in different regions of the world.

Material and Methods: This ecological study was conducted on data from January 11 to August 23, 2020. The development indexes included were Human development index (HDI), Inequality-adjusted HDI (IHDI), the Gini Coefficient, Gender Development Index (GDI), Gender Inequality Index (GII) and their components. The development indexes was obtained from the United Nations Development Program (UNDP). COVID-19 cases and mortality data of the countries involved in the pandemic were obtained from the European Centre for Disease Prevention and Control (ECDC). Data was analyzed by Spearman correlation coefficients and negative binomial regression through SPSS26.

Results: The highest and lowest incidence and mortality rates were in the AMRO and WPRO regions, respectively. The development indexes had no a significant linear correlation with COVID-19 incidence and mortality except in WPRO, where there was direct significant correlation between life expectancy at birth and inequality adjusted life expectancy with COVID-19 incidence and mortality ($P < 0.05$).

Conclusions: Our findings suggests limited evidence that countries level of development may directly influence morbidity and mortality from COVID-19. However, with regard to the ecological nature of this study, the reason for this association is difficult to determine

Keywords: COVID-19, Socioeconomic Development, HDI, IHDI, GII, GDI, Gini Index





ارگونومی



تأثیر اعتیاد به تلفن هوشمند بر توجه دیداری و شنیداری کاربران

نگین طلایی^۱، مهناز صارمی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ارگونومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۲. گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران m.saremi@sbmu.ac.ir

زمینه و هدف: اعتیاد به تلفن های هوشمند در سال های اخیر به شدت افزایش یافته است و منجر به طیف وسیعی از پیامدهای منفی در زندگی افراد شده است. اعتیاد به این ابزار می تواند موجب افزایش بارکاری ذهنی و شناختی کاربر شود. از آنجایی که منابع توجهی محدودی کنترل توجه و سایر فرایندهای شناختی را تأمین می کنند، هدف از این تحقیق بررسی تاثیر اعتیاد به تلفن هوشمند بر توجه دیداری و شنیداری کاربران می باشد.

مواد و روش ها: در این مطالعه در ابتدا با استفاده از پرسشنامه اعتیاد به تلفن هوشمند (SAS)، ۲۰ کاربر دارای اعتیاد به تلفن هوشمند و ۲۰ کاربر بدون اعتیاد به تلفن هوشمند انتخاب شدند. سپس با استفاده از نرم افزار IVA انواع توجه دیداری و شنیداری این افراد مقایسه شد. IVA یک آزمون پیوسته دیداری- شنیداری ۱۳ دقیقه ای است و دو عامل کنترل واکنش و توجه را مورد ارزیابی قرار می دهد.

نتایج: نتایج این مطالعه نشان داد که اعتیاد به تلفن هوشمند بر توجه متمرکز شنیداری ($P < 0.05$)، توجه انتخابی دیداری ($P < 0.05$) و توجه انتخابی شنیداری ($P < 0.05$) اثر معنی داری دارد. بر این اساس معتادین به تلفن هوشمند نسبت به افراد غیر معتاد به طور میانگین به ترتیب ۱۰/۹۳، ۱۱/۰۴، ۹/۷۵ واحد میزان توجه متمرکز شنیداری، توجه انتخابی دیداری و توجه انتخابی شنیداری کمتری داشتند.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج این مطالعه اعتیاد به تلفن هوشمند موجب اختلال در توجه، از جمله توجه متمرکز و انتخابی می شود. لذا نتیجه گیری می شود که منابع شناختی که برای توجه ناخودآگاه به تلفن هوشمند اختصاص داده شده اند، برای سایر فرایندها غیر قابل دسترس بوده و این امر موجب اختلال در توجه فرد می شود.

واژگان کلیدی: اعتیاد به تلفن هوشمند، توجه دیداری، توجه شنیداری، فرآیندهای شناختی



بررسی اثر اعتیاد به تلفن‌های هوشمند بر نقص‌های شناختی روزمره با در نظر گرفتن نقش سن و

جنسیت

طیبه لرستانی^۱، مهناز صارمی^۲، سهیلا خداکریم^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد ارگونومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

tayebhlorestanii@gmail.com

۲. گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: نقص شناختی علت اصلی بروز بسیاری از خطاهای انسانی است. راهکار ارگونومی شناختی برای کاهش خطای انسانی و بهبود عملکرد انسان، کنترل موانع عملکردی است. با توجه به افزایش شیوع استفاده از تلفن‌های هوشمند در میان سنین مختلف افراد جامعه که بعضاً به اعتیاد به این نوع گوشی‌ها منتهی گردیده ضروری است که این نوع اعتیاد، عوارض مختلف ناشی از آن و تاثیر این عوارض در عملکرد و فعالیت‌های روزمره کاربران تلفن هوشمند مورد بررسی قرار گیرد. هدف از این مطالعه، بررسی رابطه اعتیاد به تلفن هوشمند و نقص‌های شناختی روزمره با در نظر گرفتن نقش سن و جنسیت می باشد.

مواد و روش‌ها: ۵۴۸ نفر از کاربران تلفن هوشمند شهر تهران، با میانگین سنی ۳۵٫۷۴ سال در این مطالعه شرکت داشتند که ۶۱/۵٪ زن و ۳۸/۵٪ مرد بودند. از دو پرسشنامه Smartphone Addiction Scale-Short Version (SAS-SV) و Cognitive Failure Questionnaire (CFQ) به ترتیب برای سنجش میزان اعتیاد به تلفن هوشمند و نقص‌های شناختی روزمره استفاده شد. در نهایت تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS25 و آزمون T مستقل انجام شد.

نتایج: بنابر نتایج مطالعه حاضر، میزان اعتیاد به تلفن هوشمند در جامعه مورد بررسی ۳۴/۱٪ می باشد. همچنین بین اعتیاد به تلفن‌های هوشمند با نقص‌های شناختی روزمره ($p\text{-value} = 0.00$) و سن ($p\text{-value} = 0.002$) ارتباط معناداری وجود دارد، به این ترتیب که کاربران جوان‌تر به دنبال استفاده بیشتر از تلفن‌های هوشمند، بیشتر دچار اعتیاد به تلفن هوشمند شده و این امر افزایش نقص‌های شناختی روزمره را در این گروه از کاربران به دنبال دارد. بین اعتیاد به تلفن هوشمند و نقص‌های شناختی روزمره با جنسیت، ارتباط معناداری دیده نشد.

نتیجه گیری: افراد در سنین پایین‌تر به دلیل داشتن ارتباط قوی‌تر با تکنولوژی، باز بودن به روی تجربه‌های جدید و استفاده از کاربردهای متنوع تلفن‌های هوشمند، بیشتر از کاربران با سنین بالاتر، از تلفن‌های هوشمند استفاده می کنند. همین امر این گروه از کاربران را بیشتر در معرض ابتلا به اعتیاد به تلفن هوشمند قرار می‌دهد. از طرفی مطالعات نشان داده اند که استفاده بیش از اندازه از گوشی‌های هوشمند، منجر به کاهش تحریک پذیری سلول‌های عصبی قسمت جلویی نیمکره راست مغز می شود. اختلال در این قسمت از مغز می تواند منجر به اختلال در عملکرد اجرایی، تصمیم گیری، حافظه کاری، سطح توجه، ظرفیت پردازش اطلاعات عددی و تنظیم احساسات شود. همین امر افزایش خطاهای شناختی روزمره را به دنبال دارد. علاوه بر این، طبق نظریه فرار مغز، تلفن هوشمند می‌تواند به عنوان یک اولویت برای افراد وابسته، بخشی از توجه فرد را همواره به خود مشغول کند، حتی زمانی که افراد مشغول انجام فعالیت‌های دیگر هستند. به این ترتیب، با توجه به محدود بودن ظرفیت منابع شناختی، توانایی فرد برای انجام فعالیت‌های دیگر کاهش یافته و عملکرد وی تحت تاثیر قرار می گیرد. این عملکرد تضعیف شده، افزایش خطا و اشتباه را به دنبال خواهد داشت.

واژگان کلیدی: اعتیاد به تلفن‌های هوشمند، نقص شناختی، سن، جنسیت



مداخلات ارگونومی مبتنی بر طراحی مجدد ایستگاه‌های کاری در شعبات بانک

سید میثم مرتضوی^۱، مجید معتمد زاده^۲، سهیلا احمدی چرخابی^۳، جواد فردمال^۴

۱. دانشجوی دکترا ارگونومی، گروه بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران
۲. استاد گروه ارگونومی، گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران
۳. کارشناس ارشد ارگونومی، گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران
ahmadicharkhabi@yahoo.com
۴. دانشیار، مرکز تحقیقات مدل‌سازی بیماری‌های غیر واگیر و گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

زمینه و هدف: ایستگاه کاری هر فرد مهم‌ترین قسمت از محیط کار است که بیشترین زمان خود را در آن می‌گذرانند، بنابراین داشتن یک ایستگاه کاری که بر اساس اصول ارگونومی و تطبیق ابعاد بدنی وی طراحی شده باشد، ضروری به نظر می‌رسد. این مطالعه با هدف طراحی مجدد ایستگاه‌های کاری کارکنان بانکی و اجرای مداخلات ارگونومی در محیط کار و اثر آن بر ناراحتی، اختلالات اسکلتی عضلانی و قابلیت فهم مکالمه اجرا گردید.

مواد و روش‌ها: این مطالعه در ۳ شعبه بانکی با ۲۱ کارمند اجرا شد، مطالعه در سه فاز طراحی شد، فاز یک: گردآوری داده‌ها و بررسی محیط کار: ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه نوردیک، پرسشنامه ناراحتی بدن، دستگاه اندازه‌گیری و آنالیز فرکانس صدا CEL-450 و ارزیابی پوسچر به روش RULA. فاز دوم: آنالیز داده‌های فاز اول و طراحی مجدد ایستگاه‌های کاری بر اساس ابعاد آنتروپومتری، آنالیز وظایف و استاندارد ISO 9921-2003 با استفاده از نرم‌افزار solid works و آموزش افراد جهت اصلاح رفتارهایی که منجر به پوسچر نامطلوب می‌شوند و همچنین مداخلات ارگونومی محیطی. فاز سوم: ارزیابی اثربخشی مداخلات. آنالیز داده‌ها در همه مراحل با استفاده از نرم‌افزار SPSS v.18 انجام گرفت.

نتایج: نتایج نشان داد که بیشترین شیوع اختلالات اسکلتی عضلانی و میانگین شدت ناراحتی قبل از مداخلات مربوط به گردن، شانه‌ها و کمر بود و بعد از مداخلات شاهد کاهش معنادار در کمر و شانه‌ها بودیم، نتایج ارزیابی نمره نهایی RULA نشان داد که بیشتر ایستگاه‌های کاری در سطح اصلاحی ۳ و ۴ قرار دارند که پس از مداخلات نمره نهایی به صورت معنادار کاهش پیدا کرد. میانگین تراز تداخل مکالمه قبل از مداخلات (۴,۰۷) ۵۹,۵ بود که پس از مداخلات به (۵,۵۲) ۵۴,۹۷ کاهش معنادار پیدا کرد و شاهد بهبود قابلیت فهم گفتار بودیم.

نتیجه‌گیری: طراحی محیط کار و ایستگاه‌های کاری بر اساس ویژگی‌های فرد و نیازهای شغلی وی می‌تواند به بهترین تطابق بین فرد و محیط کار او منجر شود که می‌تواند موجب کاهش ناراحتی فیزیکی و بهبود پوسچر اندام‌ها و در نتیجه کاهش شیوع اختلالات اسکلتی عضلانی شود.

واژگان کلیدی: طراحی مجدد، ایستگاه کاری، کارکنان بانک، اختلالات اسکلتی عضلانی، مداخلات ارگونومی



طراحی ترولی صنعتی بر مبنای متغیرهای آنروپومتریکی کارگران ایرانی جهت تسهیل انجام وظایف حمل دستی بار

سحر ناصری^۱، سعید قانع^۲، علیرضا ابوحسین^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ارگونومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
Snaseri354@gmail.com

۲. گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

۳. گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: وظایف حمل دستی بار از متداول‌ترین وظایف صنعتی می‌باشد که منجر به درصد بزرگی از اختلالات اسکلتی-عضلانی در کارگران از جمله کمردرد می‌گردد. باز طراحی ایستگاه کار و یا استفاده از وسایل کمک حمل بار مانند ترولی‌های صنعتی می‌تواند پوسچر نامناسب کارگران را در ایستگاه کاری اصلاح نموده و افراد را در برابر آسیب‌های کم‌ری و سایر مشکلات جسمی ناشی از حمل بار سنگین محافظت نماید. مطالعه حاضر با هدف طراحی ترولی بر مبنای متغیرهای آنروپومتریکی کارگران ایرانی جهت اصلاح پوسچر و نیز تسهیل انجام وظایف حمل دستی بار انجام گردید.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه در ابتدا با استفاده از روش‌های OWAS و RULA پوسچر اپراتور شاغل در ایستگاه کاری مونتاژ و حمل قطعات سنگین قبل از طراحی و به کارگیری ترولی مورد ارزیابی قرار گرفت. سپس میزان مجاز حمل بار توسط جداول اسنوک تعیین گردید. ابعاد آنروپومتریکی کارگران ایرانی بر اساس مطالعات صورت گرفته در این زمینه استخراج گردید. پارامترهای طراحی ترولی بر اساس استانداردهای موجود تعیین و طراحی سه بعدی ترولی با استفاده از نرم افزار Solidworks انجام گردید. در پایان ارزیابی مجدد پوسچر صورت گرفت.

نتایج: نمرات ارزیابی پوسچر به روش RULA و OWAS در ایستگاه کاری مورد نظر بیش از حد مجاز بود که این نمرات نشان دهنده ریسک بالای اختلالات اسکلتی-عضلانی در کارگران می‌باشد و نیاز به طراحی ترولی ارگونومیک را بیش از پیش روشن می‌سازد. نتایج ارزیابی مجدد در پایان طراحی ترولی، موید کارایی ترولی طراحی شده می‌باشد.

نتیجه گیری: یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که طراحی ترولی منجر به کاهش اختلالات اسکلتی-عضلانی و حذف بخش بزرگی از فعالیتهای حمل دستی بار توسط اپراتور می‌گردد.

واژگان کلیدی: حمل دستی بار، ترولی صنعتی، نرم افزار Solidworks، اختلالات اسکلتی-عضلانی، آنروپومتری



بررسی جنبه‌های مختلف زیبایی درک شده در یک وب سایت فروشگاهی ایرانی، از نگاه کاربران دانشجو

مهناز صارمی^۱، وحید صادقی رشبوگری^۲، سهیلا خداکریم اردکانی^۳

۱. گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۳. گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: این مطالعه به بررسی ابعاد مختلف و مهم زیبایی درک شده در یک وب سایت فروشگاهی توسط کاربران ایرانی پرداخته است. از آنجایی که زیبای بصری به عنوان مهمترین فاکتور شناخته شده در ارزیابی صفحات وب فروشگاهی مطرح است، این مطالعه به بررسی چهار جنبه ی اصلی زیباشناختی و عمده در طراحی بصری یک صفحه وب پرداخته است. جنبه های سادگی، گوناگونی، رنگ آمیزی و ماهرانه بودن در این مطالعه بررسی شدند.

مواد و روش ها: برای این منظور شناخته شده ترین وب سایت فروشگاهی ایران و یکی از پنج وب سایت پربازدید ایران بر اساس رتبه بندی الکسا گوگل انتخاب شد. در این مطالعه توصیفی-تحلیلی و از نوع مقطعی ۲۲۰ نفر از دانشجویان دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی انتخاب شدند. ابزار سنجشی در این مطالعه پرسشنامه ارزیابی زیبایی بصری ابداعی فارسی (FV-VisAWI) و پرسشنامه مشخصات دموگرافیک بود. اطلاعات گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ و با استفاده از شاخص های آمار توصیفی، آزمون های آماری و همبستگی تحلیل شد.

نتایج: میانگین سنی آزمودنی‌ها ۲۲،۴ و انحراف معیار ۳،۲ بود. بیشترین میانگین نمرات مربوط به بعد سادگی، ۴،۶ و کمترین میانگین نمرات مربوط به بعد گوناگونی ۴،۱۷ بود. میانگین نمرات به دو بعد رنگ آمیزی و ماهرانه بودن به ترتیب، ۴،۳۷ و ۴،۳۹ بدست آمد. همبستگی بین سن و بعدهای مختلف به ترتیب برابر (سادگی) $r=0.09$ ، گوناگونی $r=0.1$ ، رنگ آمیزی $r=0.02$ و ماهرانه بودن $r=0.07$ بدست آمد.

نتیجه گیری: در نتایج بدست آمده، همبستگی معناداری بین رده ی سنی و بعدهای مختلف زیبایی بصری یافت نشد. نتایج این مطالعه نشان داد که ویژگی مختلف زیبایی بصری یک وب سایت توسط کاربران به خوبی درک شده و کاربران قادر به تفکیک این ابعاد در یک وب سایت فروشگاهی هستند.

واژگان کلیدی: تجربه کاربر، زیبایی، وب سایت، طراحی بصری



بررسی ارتباط مهارت های دستی و هماهنگی چشم و دست ماماها با نوبت کاری و مقایسه آن با

تیپ سیرکادین

سارا اهتمام^۱، سکینه پور احمد^۱، لیلی شمسی^۱، محمد رضا رجبعلی پور^۲، مهران صادقی، زهره فضلی^۴

۱. دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۲. کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۳. کارشناسی ارشد مهندسی کامپیوتر، مؤسسه آموزش عالی بهمینیار، کرمان، ایران

۴. کارشناس ارشد مهندس بهداشت حرفه ای، گروه بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

Zohreh.Fazli@outlook.com

زمینه و هدف: مامایی به عنوان یکی از عناصر اصلی بخش مراقبت های بهداشتی، نقش بسزایی در سلامت جامعه و پیشرفت آن دارد. مهارت های شغلی ماماها تحت تاثیر عواملی چون ویژگی های فردی، شرایط استرس زای زایمان و شیفت های کار طولانی در بیمارستان است. یکی از مشکلات این افراد به هم خوردن اعمال فیزیولوژیک بدن در ۲۴ ساعت است که با عنوان ریتم سیرکادین شناخته می شود. این ریتم در افراد مختلف یکسان نیست و همین امر سبب تفاوت کارایی افراد در شبانه روز می شود. با توجه به اینکه یکی از عواملی که مشاغل کادر درمانی با آن سروکار دارند شیفت های کاری است، چنین به نظر می رسد شیفت های کاری و نوع تیپ سیرکادین در عملکرد ماماها تاثیر گذار باشند. از آنجا پیش از این هیچ گونه مطالعه ای بر روی مهارت دستی و هماهنگی چشم و دست ماماها انجام نشده است در این مطالعه تاثیر پارامتر شیفت کاری را بر مهارت دستی و هماهنگی چشم و دست این افراد مورد مطالعه قرار گرفت.

مواد و روش ها: در این مطالعه با روش سرشماری از میان ۵۰ نفر ماما بیمارستان بم ۳۷ نفر بر اساس معیار های ورود انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده، دو پرسشنامه دموگرافیک و تعیین تیپ سیرکادین CTI و همچنین دستگاه اندازه گیری مهارت دستی PPT مدل RT-911 بود. این آزمون برای هر نفر در دو شیفت شب و روز انجام شد. تست بعد از گذراندن نیمی از زمان شیفت انجام شد. جهت تجزیه و تحلیل آماری از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ استفاده گردید و از آزمونهای تی زوجی و همبستگی برای تحلیل استفاده شد.

نتایج: تفاوت معنی داری در میانگین معیار زمان انجام تست، در دو شیفت روز و شب دیده نشد. انجام تست در دست غالب با زمان کمتری انجام شده بنابراین سرعت آن بیشتر از بقیه موارد است. میانگین و انحراف معیار تعداد خطاها در دو شیفت شب و روز نشان داده است که تعداد خطاهای دست غالب و مونتاز در شیفت شب بیشتر از شیفت روز است ولی دست غیر غالب و هر دو دست تعداد خطاهای روز بیشتر است این تفاوت در دست غیر غالب معنی دار است.

نتایج تعیین تیپ سیرکادین نشان داد که میانگین و انحراف معیار فاکتور "Flexible/Rigid" و عامل "Languid/Vigorous" به ترتیب $4/1 \pm 13/97$ و $3/7 \pm 18/27$ بدست آمد که نشان دهنده غیر قابل انعطاف بودن افراد مورد مطالعه است. از افراد مورد مطالعه ۸ (۲۲٪) نفر سست و ۲۹ (۷۸٪) نفر سرزنده و ۳ (۸٪) نفر انعطاف پذیر و ۳۴ (۹۲٪) نفر غیر انعطاف پذیر بدست آمد.

نتیجه گیری: به نظر میرسد افراد مورد مطالعه افرادی سرزنده محسوب هستند به این معنی که این افراد توانایی غلبه بر خواب آلودگی را دارند. سرعت انجام در تمام موارد تست در شیفت شب بالاتر از شیفت روز بود که میتوان گفت به سرزنده بودن افراد مرتبط است. تعداد خطاهای دست غیر غالب در شیفت روز بیشتر از شب بدست آمد که میتوان به شلوغی شیفت های روز ارتباط داد که تمرکز برای انجام کار با دست غیر غالب کم می شود. با توجه به اینکه کارایی و



توانایی های افراد در طی ساعات شبانه روز متفاوت میباشد و بعضی از افراد دارای احساس هوشیاری، انرژی و توانایی بیشتری در زمان های ویژه ای از شبانه روز هستند که از فردی به فرد دیگر متفاوت بوده و تغییرات منظمی در طول عمر فرد دارد، میتوان نتیجه گرفت به دلیل حساسیت کار مامایی برای شیفتهای شب افراد انعطاف پذیر انتخاب گردد که تعداد خطاها کمتر گردد.

واژگان کلیدی: مامایی، تیپ سیرکارین، زبردستی





مدیریت سلامت ، ایمنی و محیط زیست



Cost Effectiveness Analysis of Safety Interventions Using the DALY Index

Peyman Khaleghi Dehabadi¹, Mohsen Hesami Arani², Behnam Moradi³, Masoud Motalebi Kashani⁴

1.MSc Student of Health, Safety and Environment Management, Kashan University of Medical Sciences, Kashan, Iran. khaleghi-p@kaums.ac.ir

2.PhD Student, Department of Environmental Health Engineering, Faculty of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

3.MSc of Health, Safety and Environment of management, Department of Health, Safety and Environment, School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

4.Social Determinants of Health Research Center and Occupational Health Department, Medicine Faculty, Kashan University of Medical Sciences, Kashan, Iran.

Background: Many workers in various industries and mines suffer from accidents and occupational diseases. Statistics show that the annual incidence of occupational accidents costs around \$ 70 billion. Determination of the amount of work related accidents based on the Daly index is one of the methods used to assess the effectiveness of safety interventions. The aim of this study was to cost effectiveness analysis of safety interventions using the DALY index in mineral powder company.

Materials & Methods: This study is analytic descriptive that has compared the cost effectiveness of two reduction interventions for occupational accidents and training equipment for workers, by using the report form of work-related accidents in the one of the mineral powder companies. The population of this study was all incident personnel that were reported in 1396, and their incident report form was sent to the Labor and Social Welfare Organization. Then we estimated the Years of Life Lost Due to Premature Mortality (YLL), the Years Lived with a Disability (YLD) and the Disability Adjusted Life Years (DALY), by using WHO methodology, and in finally, the analysis and comparison of the cost of interventions and the comparison of interventions and the cost effectiveness of intervention were done.

Results: accidents and Years of Life Lost factors, included: Struck against (49%), Fall from above (24%), caught between or caught in (23%) and contact with hot object and material (4%). the Accident of caught between or caught in by the fracture impact has the highest lost days Lived With accident (1948 days). Also, the results of the studies showed that the index of occupational accidents after the intervention of safety equipment and training was 512.7631687 and 674.41785.

Conclusion: The results of cost-effectiveness analysis showed that the cost-effectiveness ratio in the intervention of safety equipment is 884318.5854 Rials and educational intervention is 2562061.488 Rials per DALY. Therefore, intervention of safety equipment is more cost effective.

Keywords: Occupational Accidents, Cost Effectiveness Analysis, DALY Index



ارزیابی عملکرد ادارات کل مناطق راه آهن در امور بررسی حوادث ریلی با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها

حمید رحیمی^۱، نگین الماسی^۲، سمیرا باباخانی^۳

۱. دانشجوی دکتری، رشته مدیریت صنعتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی h_rahimi57@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد، رشته مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی اصفهان

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

زمینه و هدف: رخداد حوادث در راه آهن در دنیای امروزه اجتناب ناپذیر بوده و عواملی که باعث ایجاد آن می گردد جز عوامل جوی و اتفاقی شناخته شده و قابل پیشگیری هستند که در این راستا می توان به بررسی آنها پرداخت و در جهت کاهش وقوع آنها اقدامات مفید انجام داد. ارزیابی عملکرد یکی از مباحث مهم و توجه به کارایی و کارآمدی ادارات کل از عوامل موفقیت آمیز صنعت حمل و نقل ریلی کشور است. در این خصوص با توجه به جامعه مورد مطالعه و ابعاد و ویژگی های آن، روش های مختلفی وجود دارد. یکی از روش های کارآمد برای ارزیابی عملکرد واحدهای تصمیم گیری، روش تحلیل پوششی داده ها (DEA) است. هدف از این پژوهش ارزیابی عملکرد ادارات کل مناطق راه آهن در امور بررسی حوادث ریلی می باشد.

مواد و روش ها: این پژوهش به لحاظ هدف در زمره تحقیقات کاربردی قرار می گیرد. در پژوهش حاضر، جامعه آماری شامل کلیه حوادث به وقوع پیوسته در طول شبکه ریلی ایران است. برای تجزیه و تحلیل داده ها، دو روش وزن دهی ساده و DEA مورد استفاده قرار گرفت. در روش وزن دهی ساده به هر معیار از طریق نظر خبرگان، ضرایبی بین صفر تا یک تخصیص یافته و با توجه به ضریب معیار و عدد کسب شده، رتبه بندی صورت می گیرد. برای روش DEA سه ورودی (تعداد پرسنل، تعداد حوادث و تعداد معادل حوادث) و سه خروجی (زمان انجام فعالیت، گردآوری اسناد و مدارک مورد نیاز در هر حادثه، تکمیل و صحت اسناد و مدارک گردآوری شده) برای هر منطقه تعیین گردید. پس از محاسبه عدد بهره وری هر یک از ادارات کل ۱۹ گانه، اداراتی که فوق کارآ شناسایی شدند با روش اندرسون - پترسون مورد بررسی مجدد قرار گرفته و رتبه بندی نهایی با این روش انجام شد.

نتایج: در رتبه بندی ارزیابی عملکرد و کارایی به روش تحلیل پوششی داده ها DEA شش ناحیه کارایی قوی، یک ناحیه کارایی ضعیف و دوازده ناحیه ناکارآ شناسایی گردیدند. همچنین رتبه بندی نهایی به روش اندرسون - پترسون برای واحد تصمیم گیری (DMU4) و (DMU5) به ترتیب بالاترین و پایین ترین نتیجه را داشته است.

نتیجه گیری: استفاده از یک روش مناسب جهت تعیین عملکرد ادارات کل در انطباق با دستورالعمل از اهمیت ویژه ای برخوردار است. با ارزیابی و رتبه بندی دقیق ادارات کل مناطق راه آهن جمهوری اسلامی ایران صلاحیت، نقاط قوت و ضعف، کیفیت، میزان مهارت، ظرفیت و کاستی های هر اداره کل در امر رسیدگی به حوادث و تخلفات مشخص می گردد. بر این اساس است که ادارات کل می توانند توانایی های خود را در جهت رسیدن به حد مطلوب ارتقاء داده و اقدامات پیشگیرانه را برنامه ریزی نمایند.

واژگان کلیدی: ارزیابی عملکرد، رتبه بندی، کارایی، راه آهن، تحلیل پوششی داده ها، بررسی حوادث



متون پوسترهای

سیزدهمین دوره از همایش تازه های بهداشتی





بهداشت عمومی



آیا مخاطره جویی جوانان با سلامت معنوی آنان ارتباطی دارد؟ شواهدی از ایران

ثریا نورایی مطلق^۱، محمد حسن ایمانی نسب^۱، زهرا اسدی پیری^۲

۱. استادیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی درمانی گروه مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی

تهران، تهران، ایران Zahra74asadi@gmail.com

زمینه و هدف: شایع ترین رفتارهای پرخطر که دارای اثرات منفی بر سلامت جامعه می باشد، در محیط دانشگاه رخ می دهد. بنابراین توجه به رفتارهای پرخطر و شناسایی عوامل تاثیرگذار بر آن، جهت اصلاح و کاهش این رفتارها از اهمیت ویژه ای برخوردار است. شواهدی از ارتباط بین مذهب و معنویت بر گرایش به رفتارهای پرخطر وجود دارند. با توجه به این که پژوهش های اندکی به بررسی ارتباط بین سلامت معنوی و با رفتارهای پرخطر در بین دانشجویان در سطح کشور انجام گرفته است. این مطالعه به منظور بررسی ارتباط سلامت معنوی با خطر پذیری در بین دانشجویان علوم پزشکی لرستان در سال 1397 انجام شده است

مواد و روش ها: در این مطالعه مقطعی تمام دانشجویان دوره کارشناسی سال دوم به بعد دانشگاه علوم پزشکی لرستان جامعه آماری بودند. تعداد ۲۲۰ دانشجو با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه دموگرافیک، پرسشنامه های سلامت معنوی و مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی که دارای ۳۹ گویه برای رفتارهای پرخطر می باشد، بود. برای بررسی ارتباط ابعاد مختلف مخاطره جویی با هم و با ابعاد سلامت معنوی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. جهت تعیین پیش بینی کننده های مخاطره جویی از رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شد. داده ها با استفاده از نرم افزار stata14 تجزیه و تحلیل گردیدند.

نتایج: میانگین نمره سلامت معنوی و مخاطره جویی به ترتیب (54.19 ± 7.19) و (28.08 ± 18.13) بود. ارتباط منفی معنادار بین بعد سلامت مذهبی و مخاطره جویی $(r = -0.296, P < 0/01)$ و ابعاد آن مشاهده شد. زن بودن $(B = -13.44; p < 0.000)$ و افزایش سلامت مذهبی $(B = -1.3; p = 0.000)$ سبب کاهش و عدم شرکت در مراسمات مذهبی $(B = 5.41; P = 0.02)$ ، افزایش سلامت وجودی $(B = 1.04; P = 0.000)$ و بهبود وضعیت اقتصادی $(B = 3.73; P = 0.01)$ منجر به افزایش مخاطره پذیری در بین دانشجویان می شد.

نتیجه گیری: سلامت مذهبی به طور معناداری با کاهش مخاطره جویی همراه بود. طراحی و اجرای مداخلات مذهبی و ایجاد زمینه های لازم برای انجام فعالیت های مذهبی در دانشگاه ها می تواند به پیشگیری از رفتارهای پرخطر کمک نماید. مداخلات مرتبط از جمله آموزش های مذهبی، مشاوره های دینی در مدارس و دانشگاه ها و ارائه خدمات سلامت معنوی هم مانند سلامت روانی و فیزیکی در بسته ارائه ی خدمات اولیه سلامت پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی: بهزیستی معنوی، مخاطره جویی، دانشجویان، ایران



بررسی سبک زندگی سلامت محور در میان قشر کودکان و نوجوانان

فاطمه خسروی^۱، حامد ارونق نژاد^۲، فاطمه اکبری^۳

۱. دانشجوی کارشناسی رشته پرستاری، دانشکده ی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران

fatemeh.khosravi1378@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی رشته پرستاری، دانشکده ی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران

۳. دانشجوی کارشناسی رشته پرستاری، دانشکده ی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران

زمینه و هدف: بیماری های سبک زندگی سالیانه ۴۱ میلیون نفر از جمعیت جهان را نابود می کند. بر اساس مطالعات، چند عامل خطر: تغذیه ی نامناسب، بی تحرکی و استرس باعث ناسالم تر شدن سبک های زندگی و بروز بیماری شده است. از آنجایی که اساس سبک زندگی سالم از سنین کودکی و نوجوانی پایه ریزی می شود بر حفظ سلامت، انجام تحقیقات در بررسی سبک زندگی سلامت محور در میان قشر کودک و نوجوان را ضروری ساخته است، هدف از انجام این تحقیق را مبین می سازد.

روش شناختی: این مقاله از نوع مروری بوده و اطلاعات مربوط به این تحقیق بر اساس پژوهش های انجام شده در سال های ۹۹-۱۳۹۶ و سایت Google scholar جمع آوری شده است و از کلمات کلیدی "سبک زندگی، سلامت، کودکان، نوجوانان" استفاده شده است.

یافته ها: استفاده ی روز افزون از شبکه های مجازی و تقلید های نا به جا از آن باعث ناسالم تر شدن سبک زندگی کودکان و نوجوانان شده است. گسترش فزاینده ی غذاهای آماده، کم تحرکی حاصل از زندگی شهری و...سبب شده است سبک زندگی، شیوه ی زندگی و رفتار های مصرفی دانش آموزان تغییرات شگرفی را تجربه کند و اصلاح سبک زندگی را در این قشر ضروری سازد.

نتیجه گیری: بین سرمایه ی فرهنگی، شبکه های مجازی، مهارت های اجتماعی، ارائه خدمات فرهنگی، هنری و ورزشی، ارائه خدمات اوقات فراغت و گردشگری با تغییر سبک زندگی سلامت محور رابطه ی معناداری نشان داده شده است. نتایج این تحقیق نشان می دهد با تامین موارد بالا زندگی سالم تری برای این قشر در جامعه فراهم می شود و از بروز بیماری های میان سالی و سالمندی پیشگیری بیشتری خواهد نمود. بنابراین سبک زندگی سلامت محور در میان قشر سلامت محور از اهمیت بالایی برخوردار می باشد که پیشنهاد تحقیقات بیشتر با توجه به اصل پیشگیری بهتر از درمان برای حفظ سلامت آینده ی جامعه می شود.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، سلامت، کودکان، نوجوانان.



تأثیر مداخلات مربوط به سلامت روان بر بهزیستی سالمندان ایران: یک مطالعه مروری روایتی

سمیرا نظری^۱، محدثه صدری^۲

۱. دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی دانشگاه علوم پزشکی سراب

۲. دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی دانشگاه علوم پزشکی سراب m10sadri@gmail.com

زمینه و هدف: با توجه به افزایش طول عمر و رشد جمعیت سالمندان در ایران، برنامه ریزی در جهت بهزیستی سالمندان امری ضروری است. سلامت روانی به عنوان یکی از مؤلفه های اساسی ارتقای کیفیت زندگی می باشد و با توجه به اهمیت این موضوع و لزوم توجه بیش از پیش به بهزیستی سالمندان در این مقاله بر آن شدیم تا مداخلات صورت گرفته در زمینه سلامت روان سالمندان و تأثیر آنها را در چند سال اخیر بررسی کنیم.

مواد و روش ها: در این پژوهش که به صورت مروری روایتی می باشد مقالات با استفاده از ترکیب کلید واژه های فارسی: سالمندان، مداخلات آموزشی و کلید واژه های انگلیسی: elderly, education intervention از پایگاه های اطلاعاتی Google scholar, BMj, jamanetwork و چند پایگاه دیگر بر اساس مطابقت با معیار های زمانی و هدف پژوهشی مقاله همچنین دسترسی به متن کامل مقالات جمع آوری و بررسی گردید

نتایج: در نهایت از ۱۱۰ مقاله بررسی شده ۶۴ مقاله انتخاب گردید که ۲۱ مقاله، مداخلات انجام شده مرتبط با سلامت روان سالمندان در کشور ایران و ۴۳ مقاله موضوعات مرتبط با سلامت روان و مداخلات صورت گرفته بر سلامت روان سالمندی سایر کشور ها را شامل میشد. نتایج نشان داد مداخلات متعددی در زمینه سلامت روان در کشور ایران انجام گردیده با این حال میتوان نوآوری ها و مداخلات جدیدی را در این زمینه شاهد بود

نتیجه گیری: اثر بخشی مداخلات انجام شده در زمینه ارتقا سلامت روان بر بهبود زندگی سالمندان تایید گردیده، لذا میتوان گفت برگزاری دوره های مداخله ای مختلف در زمینه سلامت روان کمک بسزایی در بهزیستی سالمندان خواهد نمود.

واژگان کلیدی: سالمندان، مداخلات آموزشی، مداخلات روانشناسی، elderly, education interventions



New approaches in breast cancer healthcare based on hi-tech artificial intelligence

Mahmoud Shiri¹, Masoumeh Gity², Ali Ameri¹, Mohammad Ali Akhaee³

1. Department of Biomedical Engineering, School of Medicine, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, mahmoudshiri@yahoo.com
2. Department of Radiology, School of Medicine, Tehran University of Medical Sciences
3. Department of Electrical Engineering, University of Tehran

Background: Now a day in early stage of breast cancer, mammography is most sensitive technique for detection and diagnosis. World health organization (WHO) is proposed mammography for reduce the breast cancer mortality. computer aided detection (CAD) has improved radiologists' ability to detect cancers at very early stages. However, recent advances in machine learning and data availability paves the way for further improvement of CAD systems. For this purpose, we have developed a deep learning-based method for early detection of breast cancer from mammograms.

Material and Methods: A model based on faster R-CNNs (Region proposal networks and Convolutional Neural Networks) is proposed to identify suspicious lesions including masses and calcifications, by drawing a bounding box around them. The system then classifies these lesions as benign or malignant. Furthermore, we have leveraged preprocessing techniques to perform contrast enhancement and histogram equalization, which significantly improved the performance of our model. The Digital Database for Screening Mammography (DDSM) containing mammograms from 2620 individuals were employed to train the model. Subsequently, the network was fine-tuned using data collected from 20 subjects at a local hospital.

Results: The proposed scheme was validated using the INbreast database that includes mammograms from 115 persons. The model achieved an AUC (Area Under the ROC Curve) of 0.96, and outperforms previous methods tested on the INbreast dataset.

Conclusions: The strength of the proposed approach highlights the high efficacy of deep learning-based methods for automatic detection of malignant lesions in mammograms. The optimized state-of-the-art architecture along with the effective preprocessing techniques resulted in the higher performance of the proposed model compared to that of previous methods. Nevertheless, higher quality and amount of training data can substantially enhance the success of deep learning systems. In future work, we will focus on collecting additional data to further increase the accuracy of the proposed scheme.

Keywords: Mammogram, Deep learning, CAD, breast cancer, convolutional neural network



تأثیر آموزش بر رفتارهای خودمراقبتی بیماران نارسایی قلبی: مرور موضوعی

محدثه براتی^۱، سارا استیری^۲

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

baratimohadese77@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی، رشته پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

زمینه و هدف: نارسایی قلبی مزمن به دلیل عود مجدد و طولانی بودن فرآیند درمان، یکی از بیماری‌هایی است که برای کاهش عوارض بیماری ضروری است توانایی‌های خودمراقبتی بیماران را تقویت نموده و آنها را تشویق به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، تمرکز بر سلامت روانی آنها و بهبود شرایط اقتصادی آنها کرد. افراد با مشکلات مزمن، شناخت‌هایی متأثر از عوامل بیرونی و درونی از بیماری خود دارند که می‌تواند ادراک بیمار از نیازهای جسمش را تحت الشعاع قرار دهد. این موضوع می‌تواند بر روی اتخاذ اقدامات متناسب توسط بیمار در راستای مدیریت بیماری و نیازها اثر بگذارد. خود مراقبتی با درگیر کردن بیمار و ایجاد حس مسئولیت در او، موجب بروز رفتارهایی در جهت کنترل بیماری، پیشگیری از عوارض و حفظ سلامتی، مدیریت بهتر علائم، احساس بهبودی و تندرستی، افزایش امید به زندگی، بهبود کیفیت زندگی و استقلال بیشتر می‌شود.

مواد و روش‌ها: برای اطمینان از دقت اطلاعات ارائه شده، بررسی جامعی بر روی مقالات از سال ۲۰۲۰-۲۰۱۵ انجام شد. کلیدواژه‌های مرتبط در پایگاه‌های PubMed، Google scholar، SID، Scopus به زبان‌های فارسی و انگلیسی جستجو شد و مقالاتی که بالاترین همپوشانی را با موضوع داشتند، مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: براساس نتایج تحقیقات و تجربیات به دست آمده در حیطه بهداشت، انجام خودمراقبتی علاوه بر کسب استقلال مددجو و صرفه جویی اقتصادی باعث کاهش اثرات بیماری و ناتوانی و کاهش دوره بستری در بیمارستان شده و در نهایت به ارتقای سطح سلامت در جامعه منجر خواهد شد؛ بنابراین به عنوان مؤثرترین استراتژی برای پیشگیری و کنترل بیماری‌های مزمن به شمار می‌رود. نتایج این مطالعه نشان داد اجرای روش‌های آموزشی فعال که با مشارکت و محوریت بیماران انجام شود، می‌تواند رفتارهای خودمراقبتی آنان را بهبود بخشد و منجر به ارتقای خودکارآمدی شود. لذا به کارگیری این مدل آموزشی در مراقبت‌های درمانی کاربردی می‌باشد.

نتیجه گیری: نارسایی قلبی مزمن یکی از شایع‌ترین عوامل بستری، پذیرش اورژانسی و بستری مجدد در بیمارستان در میان افراد ۶۵ سال به بالا است و با توجه به اینکه جوامع در حال مسن تر شدن هستند، شیوع این بیماری رو به افزایش است. طبق تئوری اورم انسان از جمله فرد مبتلا به نارسایی قلبی درجاتی از توانایی مراقبت از خود دارد که با به کارگیری دانش، نگرش و مهارت در رفتار وی بروز می‌کند. بنابراین انجام مداخلاتی جهت ترغیب توانمندسازی بیماران برای انجام رفتارهای خودمراقبتی ضروری است.

واژگان کلیدی: آموزش، رفتار خودمراقبتی، نارسایی قلبی



بررسی و تحلیل وضعیت دانشجویان استعدادهای برتر دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی: یک مطالعه کیفی

الهه رحیمی نیا^۱، شهرام یزدانی^۲، حوریه رحیمی نیا^۳

۱. دانشجوی دکتری آموزش پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده مجازی، آموزش پزشکی و مدیریت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران rahiminia@sbmu.ac.ir

۲. استاد دانشکده مجازی آموزش پزشکی و مدیریت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: در عصر حاضر سرمایه گذاری بر روی نیروی انسانی به ویژه استعدادهای برتر از اهمیت ویژه ای برخوردار است چرا که آنان از توانایی های بالقوه، خلاقیت و ابتکار بالایی در جهت پیشرفت علم برخوردار هستند. از آن جایی که مسائل و چالش های موجود در فعالیت های شناسایی، جذب، توسعه، نگهداری، اداره کردن و برنامه ریزی جانشین پروری مدیریت استعدادهای برتر، نیازمند شناسایی و بررسی وضعیت موجود دانشجویان جهت کمک به رفع موانع می باشد، لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی و تحلیل وضعیت دانشجویان استعدادهای برتر دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی صورت گرفت.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک پژوهش کیفی از نوع آنالیز محتوا است. مشارکت کنندگان شامل دانشجویان استعداد برتر بودند که با روش نمونه گیری مبتنی بر هدف در سال ۱۳۹۸ انتخاب شدند، جمع آوری داده ها با استفاده از مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته فردی انجام شد و تا اشباع داده ها نمونه گیری ادامه داشت. سپس داده ها به روش گرانهمیم و لوندمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: از یافته های مطالعه حاضر چهار درون مایه اصلی حاصل شد که شامل وضعیت آموزشی نامطلوب (روش تدریس نامطلوب، منبع آموزشی ناکافی، امکانات آموزشی نامناسب و برنامه ریزی آموزشی نامناسب)، مشکلات پژوهشی (منبع و بودجه ناکافی، حمایت معنوی ناکافی، ضعف در برنامه ریزی و ضعف عملکرد اساتید با دانشجویان در ایفای نقش پژوهشی)، خدمات رفاهی نامناسب (ضعف در امکانات/ تسهیلات و ضعف در خوابگاه) و ضعف در انجام امور فرهنگی (ضعف در برنامه ریزی امور فرهنگی و کاهش انگیزه فردی) بود.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر مشکلات دانشجویان استعداد برتر را در زمینه های آموزشی، پژوهشی و رفاهی بیش از پیش نشان داد. لذا پیشنهاد می گردد مسئولین و برنامه ریزان در جهت رفع نیازهای این دسته از دانشجویان رسیدگی های بیشتری را مد نظر قرار دهند.

واژگان کلیدی: دانشجویان، استعداد برتر، تحلیل محتوا



توانمند سازی جامعه راهبردی کلیدی در کنترل بیماری همه گیر COVID-19

محمد امین شبانی^۱، زهرا طاهری خرامه^۲

۱. دانشجوی دکتری عمومی، رشته پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قم

۲. استاد یار آموزش و ارتقا سلامت، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قم z.taherikhrame@gmail.com

زمینه و هدف: در حال حاضر، بزرگترین چالش برای سیستم های بهداشتی و اقتصادی در سراسر جهان ظهور بیماری همه گیر -۱۹ است. خطرات مرتبط با این همه گیری فقط مسائل پزشکی نیست، پیامدهای زیان بار گسترده ای را برای مسائل اقتصادی، روانی - اجتماعی، رفتاری، حکمرانی، محیطی و فناوری در پی داشته است. لذا با توجه به پیامدها و مشکلات همه جانبه ناشی از آن، ارائه راهکار مناسب جهت کنترل این بیماری ضروری به نظر می رسد.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر با روش کتابخانه ای و با مرور مقالات مرتبط سعی کرده است به بررسی مبانی نظری و اهمیت نقش توانمند سازی جامعه در کنترل پاندمی COVID-19 بپردازد.

نتایج: توانمند سازی در مفهوم کلی آن، فرآیندی است که در آن افراد، گروه ها و جوامع از وضعیت موجود زندگی و شرایط حاکم بر آن آگاهی پیدا میکنند و برای تغییر شرایط موجود به سمت شرایط مطلوب اقدام آگاهانه و سازمان یافته انجام میدهند. چهار مؤلفه گزارش شده است که برای روند توانمندسازی اساسی است: (۱) دانش کافی که کسب این اطلاعات به سواد بهداشتی کافی، اطلاعات مناسب، معتبر و در دسترس و مهارت بهره مندی از منابع سلامت نیاز دارد. (۲) درک و باور فرد نسبت به توانایی شخص خودش در اعمال این کنترل بر وضعیت سلامت (خودکارآمدی) (۳) افراد مهارت های لازم را برای ارزیابی وضعیت تصمیم گیری و اقدام را کسب نمایند. (۴) در مرحله آخر فردی که از دانش، خودکارآمدی و مهارت کافی برخوردار است نیاز به یک محیط تسهیل کننده و حمایت های محیطی دارد تا بتواند مجموعه فوق را به رفتار سلامت بخش تبدیل نماید. این حمایت می تواند شامل ایجاد تسهیلات لازم برای کسب دانش، مهارت و انگیزش تشویق و ترغیب و افزایش گزینه ها برای انتخاب سلامت باشد.

نتیجه گیری: با توجه به عدم وجود درمان و واکسن مؤثر و احتمال تاثیرات طولانی مدت بیماری، توانمند سازی جامعه راهبردی کلیدی در برنامه ریزی برای کنترل این بیماری همه گیر است. بنابراین برنامه ریزی و سیاست گذاری وزارت بهداشت در شرایط حاضر باید بر بهداشت و پیشگیری، آموزش و توانمندسازی مردم و ایجاد محیط تسهیل متمرکز باشد.

واژگان کلیدی: توانمندسازی، COVID-19، ارتقا سلامت



مراقبت‌های بهداشتی در زندان‌ها و COVID-19: یک مطالعه مروری

نگار حاجی نسب^۱، طیبه صنعتی^۲، مجتبی کریمی^۳، محمد مهدی حاجی نسب^۴

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، تهران، ایران

۲. کارشناس ارشد سلامت سالمندی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی شهید صدوقی، یزد، ایران
tayebesanaty@gmail.com

۳. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی شهید صدوقی یزد، ایران

۴. دانشجوی رشته علوم تغذیه کارشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

زمینه و هدف: ویروس نوظهور SARS-Cov-2 در دسامبر ۲۰۱۹ در چین، شناسایی شد که عامل ابتلا به COVID-19 است و به سرعت در جهان گسترش یافت تا در نهایت سازمان جهانی بهداشت در مارس ۲۰۲۰، پاندمی بیماری را رسماً اعلام کرد. با ادامه شیوع همه‌گیری، تعدادی از کشورها، گزارشی از ابتلای افراد به COVID-19، در زندان‌ها به ثبت رساندند. شرایط اکثر زندان‌ها برای گسترش بیماری مساعد است، و زندانیان در معرض خطر بیش‌تری جهت ابتلا به COVID-19 قرار دارند. با توجه به شیوع گسترده پنومونی کووید ۱۹ در اماکن سرپسته، به خصوص زندان‌ها مطالعه مروری حاضر باهدف بررسی مراقبت‌های بهداشتی زندان‌ها در همه‌گیری کووید ۱۹ مبتنی بر شواهد علمی انجام گردید.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر از نوع مروری (narrative review) می‌باشد که با استفاده از جستجوی کلیدواژه‌های تخصصی COVID-19, health care, prisons, SARS-Cov-2 در پایگاه‌های اطلاعاتی Google scholar, PubMed, Scopus, Web of science, Sid از تاریخ ۲۰ فوریه ۲۰۲۰ الی ۳۰ آگوست ۲۰۲۰ انجام گردید؛ با توجه به معیارهای ورود و خروج از تعداد ۴۸ مقاله به دست آمده تعداد ۳۰ مقاله، مورد مرور نهایی قرار گرفتند و اطلاعات مورد نظر جهت دستیابی به اهداف پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج: در کنار ازدحام جمعیت‌هایی که در سطح جامعه دیده می‌شود که از دلایل اصلی افزایش سرعت انتشار COVID-19 به حساب می‌آیند، یک‌سری تجمعات پنهان در جامعه وجود دارند، که می‌توان یکی دیگر از مهم‌ترین دلایل افزایش شیوع این ویروس دانست. زندان‌ها به‌عنوان یکی از مراکز تجمعی و سرپسته، به دلیل تراکم بالای جمعیت، سلول‌های کوچک با تهویه نامناسب و هم‌چنین عدم رعایت مناسب بهداشت، می‌تواند خطر انتقال ویروس کرونا را به صورت تصاعدی در افراد افزایش دهد. از طرفی تعداد قابل توجهی از زندانیان بیش از ۶۰ سال سن دارند که یکی از عوامل تشدیدکننده ابتلا به COVID-19 می‌باشد. از این رو در وضعیت پر مخاطره فعلی، پیش‌گیری از ورود ویروس به زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها، رعایت نکات بهداشتی و داشتن قرنطینه موثر جهت کاهش تعداد مبتلایان امری ضروری است.

نتیجه‌گیری: زندان‌ها به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مراکز تجمعی، از چالش برانگیزترین اماکن پر ازدحام در جهت کنترل گسترش عفونت و ابتلا به COVID-19 می‌باشند. و از آن‌جا که شرایط اکثر زندان‌ها برای گسترش بیماری مساعد است، ابتلا به کووید ۱۹ در زندان‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است. اما می‌توان با رواج بهداشت عمومی و افزایش اقدامات پیشگیرانه، میزان ابتلا و سرعت انتقال ویروس کرونا، در زندانیان را کاهش داد. امید می‌رود با تدابیر مسئولان، مشارکت آگاهانه و فعال اقشار مختلف جامعه، زنجیره کرونا در جوامع قطع گردد و آمار مبتلایان به این ویروس کاهش یابد.

واژگان کلیدی: COVID-19, prisons, health care, SARS-Cov-2



بررسی میزان رعایت دستور العمل های بهداشتی کووید ۱۹ دانشجویان تکنولوژی اتاق عمل دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در اتاق عمل

زهرا رضایی نژاد^۱

۱. عضو هیئت علمی تمام وقت گروه هوشبری، دانشکده پیراپزشکی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
Zohrehrezaie77@yahoo.com

زمینه و هدف: بیماری کرونا به عنوان یک ویروس جدید همچنان در سراسر جهان رواج دارد و همواره این بیماری به عنوان تهدیدی برای جوامع بشری محسوب می شوند این بیماری سبب نگرانی زیادی شده است. استفاده از ماسک و شستشوی دست و فاصله گذاری اجتماعی از دستور العمل های واجب الاجرا برای کنترل این بیماری هستند.

مواد و روش ها: این مطالعه به روش توصیفی - مقطعی بر روی ۲۲ نفر از دانشجویان رشته هوشبری حاضر بر بالین بیماران دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در سال ۹۹ انجام شد. جهت جمع آوری داده ها از چک لیست محقق ساخته استفاده گردید و هریک از افراد جامعه پژوهش ۳ بار به صورت نا محسوس تحت مشاهده قرار گرفت تحلیل داده ها با نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ انجام شد.

نتایج: نتایج نشان داد از مجموع ۲۴۰ موقعیت رعایت پروتکل های بهداشتی کووید ۱۹، بیشترین سهم مربوط به میزان رعایت استفاده از ماسک (۹۸٪) و کمترین سهم مربوط به میزان رعایت فاصله گذاری اجتماعی (۴۵٪) بود. رعایت بهداشت دست و پوشیدن دستکش در ۹۳٪ موارد رعایت گردید.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج این مطالعه و حضور دانشجویان بر بالین و اهمیت رعایت دقیق پروتکل های کووید ۱۹ و شیوع بالای این ویروس ضرورت نظارت بیشتر بر رعایت این مهم تاکید گردد.

واژگان کلیدی: پروتکل های بهداشتی، کووید ۱۹، اتاق عمل، تکنولوژی اتاق عمل



سالمند آزاری و اپیدمی کووید ۱۹

مرضیه محمدزاده^۱

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، رشته سالمندشناسی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران

Marzieh.mohamadzadeh@yahoo.com

زمینه و هدف: طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی، سالمند آزاری عبارتند از انجام عملی منفرد یا تکرار شونده یا عدم انجام عملی مناسب توسط افراد مورد اعتماد سالمند که باعث ازار یا ضرر به او شود و به اشکال مختلف رها کردن، سو استفاده جسمی، جنسی، عاطفی، غفلت و بهره برداری های مالی و مادی و در مکان های مختلف منزل، بیمارستان، خانه های سالمندی و... ممکن است بروز نماید. شرایط مختلفی بر میزان وقوع آن موثر است. در این مقاله به بررسی سالمند آزاری در منزل در دوره اپیدمی کرونا پرداخته می شود.

مواد و روش ها: این مقاله به صورت مرور روایتی تهیه شده است. بررسی مقالات با کلید واژه های "elder Abuse" and "covid 19" محدود به سال ۲۰۲۰ جستجو و از میان ۷ مقاله مرتبط، ۵ مقاله جهت بررسی انتخاب گردیدند.

نتایج: در دوران اپیدمی کووید ۱۹، یکی از راه های پیشگیری از ابتلا به آن در خانه ماندن است. در نتیجه سالمندان نیز مجبور به گذراندن زمان بیشتری در منزل هستند هرچند که سالمند آزاری در منزل و توسط اعضای خانواده موضوعی ست که به سال ها قبل برمی گردد؛ اما در خانه ماندن اجباری ممکن است احتمال وابستگی سالمندان به دیگر اعضای خانواده را بیشتر و در نهایت احتمال وقوع پدیده سالمند آزاری را نیز در خانواده بیشتر نماید. در خانه ماندن اجباری افراد می تواند باعث افزایش عکس العمل های منفی مانند خشم در مراقبین سالمندان شود. چراکه در این دوران سطح اختلافات خانوادگی به دلایل مختلفی از جمله از دست دادن شغل و فشار اقتصادی، بسته بودن مدارس و افزایش نیاز کودکان به آموزش والدین بیشتر می شود و از طرف دیگر، طولانی شدن زمان قرنطینه و فاصله اجتماعی، ترس از ابتلا، کمبود مواد غذایی لازم، اطلاعات ناکافی، مرگ همسر یا سایر بستگان، مواجهه مکرر با اخبار مربوط به اپیدمی، یادآوری حوادث استرس زای قبلی، مشکل در تعامل با اعضای خانواده و عدم فرصت بیان نگرانی ها می تواند به واکنش های روانی ناسازگارانه در سالمندان منجر و احتمال سالمند آزاری در خانواده را بیشتر نماید.

نتیجه گیری: به دلیل افزایش احتمال سالمند آزاری در دوران اپیدمی کووید ۱۹ و سایر بحران ها، ضروری ست که جهت آرم سازی و آموزش مهارت های مقابله با استرس و اضطراب در خانواده ها برنامه ریزی و همچنین بسترهای حمایتی فعال جهت سالمندان در جامعه ایجاد گردد.

واژگان کلیدی: سالمند، سالمند آزاری، بحران، کووید ۱۹



سلامت روان سالمندان و کووید ۱۹

مرضیه محمدزاده^۱

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، رشته سالمندشناسی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران
Marzieh.mohamadzadeh@yahoo.com

زمینه و هدف: بیماری کووید-۱۹ یک بیماری جدید ویروسی است. هیچ کس در برابر این ویروس نوپدید مصون نیست و هر فردی از هر گروه سنی ممکن است به آن مبتلا شود. همه گیری گسترده این بیماری، بسیاری از جوانب زندگی افراد را تحت تاثیر قرار داده و چالش هایی را ایجاد کرده است که پیامدهای آن را بر سلامت روان افراد می توان مشاهده کرد.

مواد و روش ها: این مقاله به صورت مرور روایتی تهیه شده است. بررسی مقالات با کلید واژه های "elderly" and "covid 19" and "mentale health" محدود به سال ۲۰۲۰ جستجو و از میان ۱۰ مقاله مرتبط، ۶ مقاله جهت بررسی انتخاب گردیدند.

نتایج: سالمندان به دلیل کاهش ظرفیت های ذخیره، فرسودگی دستگاه های بدن، و ابتلا به بیماری های مختلف و متعدد، و همچنین کاهش استقلال مادی و جسمانی در مقایسه با دیگر گروه های سنی بزرگسال بیشتر در معرض اختلال های روانی قرار دارند، لذا توجه به سلامت روان این گروه از اولویت زیادی برخوردار است منابع استرس زای متعدد در دوران بحران کرونا از جمله طولانی شدن زمان قرنطینه و فاصله اجتماعی، ترس از ابتلا، کمبود مواد غذایی لازم، اطلاعات ناکافی، ضررهای اقتصادی، مرگ همسر یا سایر بستگان، تغییر در ساختار خانواده و جابجایی، مواجهه مکرر با اخبار مربوط به اپیدمی، یادآوری حوادث استرس زای قبلی، مشکل در تعامل با اعضای خانواده و عدم فرصت بیان نگرانی های در کنار آسیب پذیری های جسمی و روانی ذکر شده می تواند به واکنش های روانی ناسازگارانه در سالمندان منجر شود. از مشکلات شایع روانشناختی سالمندان در این دوران، احساس تنهایی و جدایی از اجتماع، اختلال خواب و اشتها به دلیل عدم تحرک بدنی در این دوران، اضطراب و افسردگی و در نهایت برخی اختلالات وسواسی است. یاس و ناامیدی در این دوران می تواند به سمت اختلال افسردگی پیشرفت کند. بطور کلی در نهایت ممکن است همراه با قرنطینه کردن افراد با افزایش تعداد اختلالات عاطفی بخصوص در جمعیت حاشیه نشین یا محروم مواجه شویم.

نتیجه گیری: سالمندان در این دوران نیاز به حمایت های عاطفی اعضای خانواده و خدمات متخصصین سلامت دارند. ولی با توجه به اینکه میزان دسترسی یا مهارت سالمندان ایران در استفاده از خدمات روانشناختی و تکنولوژی های آنلاین کم است؛ ضروری است که سالمندان از حمایت و مشارکت کافی خانواده، اطرافیان و مراقبین بهره مند و جهت آموزش، دادن آگاهی و هشدارهای لازم سلامت روان سالمندان به مراقبین، برنامه ریزی های لازم صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: سالمند، سلامت روان، کووید ۱۹



بررسی ارتباط بین ردهی سنی بیماران سرطان پستانی دریافت کننده خدمات طب تسکینی با میزان شفایافتگی آنان در سالهای ۱۳۹۷-۱۳۹۴ در استان گلستان

پویان اسدی^۱، عبدالرحیم حزینی^۲، جلیل شجاعی^۳، معصومه لندران^۴، ملینا مازندرانی^۵، حلیمه درویشی^۶

۱. مرکز تحقیقات بهبود کیفیت مراقبت‌های ویژه، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی شهید بهشتی، تهران، ایران
۲. فوق تخصص انکولوژی و طب تسکینی، مرکز طب تسکینی دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
۳. دانشجوی دکتری تخصصی پژوهشی مرکز تحقیقات علوم بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۴. باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران
۵. گروه روانشناسی بالینی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
۶. باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران halime.darvishii@gmail.com

زمینه و هدف: سرطان پستان یکی از شایع‌ترین بدخیمی‌هایی است که زنان در سراسر جهان به آن مبتلا می‌شوند و بروز آن در جهان و بویژه در کشورهای در حال توسعه، رو به افزایش است. سن، مهم‌ترین و چالش برانگیزترین عامل خطر در اپیدمیولوژی سرطان پستان می‌باشد. میانگین سنی ابتلا به سرطان پستان در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، بیش از یک دهه کمتر از کشورهای توسعه یافته گزارش شده است. مراقبت‌های حمایتی-تسکینی در مبتلایان به سرطان اهمیت بسیار زیادی دارد به طوری که یکی از مراقبت‌های رایج کنترل سرطان در هر کشور محسوب می‌گردد. هدف از این مطالعه، بررسی ارتباط ردهی سنی بیماران سرطان پستانی مراجعه کننده به مرکز خدمات حمایتی-تسکینی در سالهای ۱۳۹۴-۱۳۹۷ در استان گلستان با میزان شفایافتگی آنان بود.

مواد و روش‌ها: این مطالعه از نوع توصیفی-مقطعی بوده و اطلاعات لازم ابتدا با کسب رضایت آگاهانه از بیماران و سپس با مراجعه به پرونده بیماران سرطان پستان که از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ به مرکز خدمات حمایتی-تسکینی کانون مهر گلستان مراجعه کرده بودند، استخراج شده است. برحسب مرور مقالات مختلف، ۱۳ ردهی سنی به برحسب تعداد (درصد) مراجعه به این مرکز به شرح ۲۰ تا ۲۵ سال، ۰ نفر (۰ درصد)، ۲۶ تا ۳۰ سال، ۱۲ نفر (۳/۱۳ درصد)، ۳۱ تا ۳۵ سال، ۴۴ نفر (۱۱/۵ درصد)، ۳۶ تا ۴۰ سال، ۶۴ نفر (۱۶/۶ درصد)، ۴۱ تا ۴۵ سال، ۷۷ نفر (۲۰/۱ درصد)، ۴۶ تا ۵۰ سال، ۷۶ نفر (۱۹/۸ درصد)، ۵۱ تا ۵۵ سال، ۵۲ نفر (۱۳/۶ درصد)، ۵۶ تا ۶۰ سال، ۲۹ نفر (۷/۶ درصد)، ۶۱ تا ۶۵ سال، ۱۴ نفر (۳/۷ درصد)، ۶۶ تا ۷۰ سال، ۶ نفر (۱/۶ درصد)، ۷۱ تا ۷۵ سال، ۵ نفر (۱/۳ درصد)، ۷۶ تا ۸۰ سال، ۲ نفر (۰/۵ درصد) و ۸۱ تا ۸۵ سال، ۲ نفر (۰/۵ درصد) می‌باشد.

نتایج: با بررسی پرونده‌ها، ۳۸۳ بیمار سرطان پستانی یافت شدند که برحسب تفکیک سال تشکیل پرونده، در سال ۱۳۹۴، ۳۸ نفر (۵۰/۶ درصد)، در سال ۱۳۹۵، ۴۱ نفر (۴۱/۸ درصد)، در سال ۱۳۹۶، ۳۱ نفر (۳۵/۲ درصد) و در سال ۱۳۹۷، ۴۱ نفر (۳۳/۶ درصد) شفایافته، شناسایی گردید. بیشترین فراوانی شفایافتگی در بین بیماران سرطان پستانی مربوط به ردهی سنی ۵۰-۴۶ سال (۲۰/۵ درصد) در این ۴ سال می‌باشد. در تمام این ۴ سال در ردهی سنی ۲۶ تا ۳۰



سال، یک شفایافته وجود داشت و سال ۱۳۹۴ در رده‌ی سنی ۷۶ تا ۸۰ و نیز سال ۱۳۹۵ در رده‌ی سنی ۶۶ تا ۷۰ سال، با یک شفایافته، کمترین میزان شفایافتگی را دارا بودند. بطور کلی، از ۱۵۱ شفایافته (۳۹/۴ درصد) ۱۰۷ نفر (۷۰/۸ درصد)، در طیف سنی ۳۶-۵۵ سال در این ۴ سال یافت شدند.

نتیجه گیری: با توجه به ارزیابی آمار شفایافتگان در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷، کمترین میزان اثربخشی خدمات حمایتی-تسکینی برای بیماران سرطان پستانی مراجعه کننده به کانون مهر گلستان، در رده‌ی سنی ۳۰-۲۶ سال و بهترین رده‌ی سنی برای پذیرش و شناسایی خدمات حمایتی-تسکینی، رده‌ی سنی ۴۶-۵۰ سال بدست آمد. لذا پیشنهاد می‌گردد جهت بهینه‌سازی خدمات حمایتی-تسکینی و حصول بیشترین اثربخشی و میزان شفایافتگی در بیماران سرطان پستان، رده‌ی سنی ۴۵-۵۵ سال در اولویت نخست برنامه‌ریزی جهت پذیرش این خدمات حمایتی-تسکینی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سرطان پستان، رده‌ی سنی، خدمات حمایتی-تسکینی، استان گلستان



بررسی کیفیت خواب در بیماران تحت همودیالیزی

شهاب الدین طبایی^۱، فرحناز فرنیآ^۲، محیا عظیمی^۳، امیر محمد صادقیان^۱

۱. دانشجوی پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشکده تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
۲. دکتری تخصصی پرستاری، استادیار، دانشکده پرستاری و مامایی، مرکز تحقیقات پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

زمینه و هدف: در بیماران نارسایی مزمن کلیوی که طیفی از مشکلات جسمی، روانی-اجتماعی و اقتصادی را تجربه میکنند، همودیالیز به عنوان یکی از درمانهای جایگزین کلیه محسوب میشود نارسایی مزمن کلیه و در نهایت دیالیز می تواند کیفیت خواب بیماران را تحت تاثیر قرار دهد. مطالعات اخیر نشان داده اند که بین محرومیت از خواب، خواب کم و در کل اختلالات خواب با کاهش کیفیت زندگی و افزایش مرگ در بیماران همودیالیزی رابطه وجود دارد. لذا با توجه به اهمیت موضوع مطالعه حاضر با هدف توصیف شواهد تحقیقاتی موجود در این زمینه راهبردهای بررسی کیفیت خواب در بیماران تحت همودیالیزی ست.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع مروری نظام دار است. جستجو در پایگاه های اطلاعاتی PubMed, Scopus, SID, Google scholar, با استفاده از کلید واژه های فارسی "همودیالیز" خواب "کیفیت خواب" و معادل انگلیسی آن ها "Sleep" hemodialysis" sleep quality" انجام شد. معیارهای ورود به مطالعه عبارت بود از: مقاله های تحقیقی اصیل تمام متن انگلیسی یا فارسی منتشر شده در مجلات الکترونیکی در بازه زمانی پنج ساله ۲۰۲۰ تا ۲۰۱۴ در مورد موضوع مورد نظر بودند. نهایتاً ۳۲ مقاله حائز شرایط ورود به مطالعه را داشتند.

نتایج: کیفیت خواب عموماً در بیماران همودیالیزی پایین است و در یک مطالعه بیان می کند کیفیت خواب با کیفیت دیالی ارتباطی ندارد. در یک مطالعه بیان می کند کیفیت خواب بر کیفیت زندگی افرار تاثیر گزار است. همچنین کیفیت خواب با وضعیت تاهل و تعداد فرزندان و شیفت دیالیز ازتباط معنا داری دارد. در یک مطالعه ماساژپارا موثر بر کیفیت خواب بیماران می داند. و مصرف خوراکی عصاره گیاه بابونه سبب بهبود کیفیت خواب بیماران همودیالیزی می گردد. و تمرین مقاومتی حین دیالیز باعث بهبود کیفیت خواب و آمادگی عضلانی در بیماران همودیالیزی می شود.

نتیجه گیری: با توجه به یافته ها این چنین استنباط می شود که کیفیت خواب در بیماران همودیالیز پایین است ولی به علت انجام مطالعات اندک، روش های بهبود کیفیت خواب در بیماران همودیالیز انجام مطالعات بیشتر در این زمینه توصیه می شود و همچنین آموزش پرستاران و بیماران نیز بسیار مفید می باشد.

واژگان کلیدی: همودیالیز، خواب، کیفیت خواب، Sleep- hemodialysis, sleep quality



بررسی سندرم پای بی قرار در بیماران تحت همودیالیز

محمد صادقیان^۱، فرحناز فرنیآ^۲، محیا عظیمی^۳، شهاب الدین طبایی^۱

۱. دانشجو پزشکی، دانشکده پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
۲. دکتری تخصصی پرستاری، استادیار، دانشکده پرستاری و مامایی، مرکز تحقیقات پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

زمینه و هدف: نارسایی مزمن کلیوی آخرین مرحله نارسایی مزمن کلیه است که نیاز به درمان جایگزین با دیالیز یا پیوند کلیه دارد. در حال حاضر ۱۴۰۰۰ نفر در ایران همودیالیز می شوند. افراد تحت همودیالیز با مشکلات متعددی از جمله سندرم پای بیقرار (RLS) مواجه هستند. ۶ تا ۸۳ درصد از بیماران تحت همودیالیز با این عارضه روبرو می شوند. RLS عارضه است که فرد در آن احساس ناخوشایندی در اندام ها تحتانی خود دارد که سبب یک اضطراب و نیاز برای حرکت پا ها برای متوقف کردن این احساس می شود. این اختلال حرکتی نورولوژیک با اختلال خواب همراه بوده و به مرور زمان در بیماران تحت همودیالیز ایجاد می شود. لذا با توجه به اهمیت موضوع مطالعه حاضر با هدف توصیف شواهد تحقیقاتی موجود در این زمینه راهبردهای بررسی سندرم پای بی قرار در بیماران تحت همودیالیز است.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع مروری نظام دار است. جستجو در پایگاه های اطلاعاتی PubMed, Scopus, SID, Google scholar. با استفاده از کلید واژه های فارسی "همودیالیز" سندرم پای بی قرار " و معادل انگلیسی آن ها "RLS "Restless Legs Syndrome" انجام شد. معیارهای ورود به مطالعه عبارت بود از: مقاله های تحقیقی اصیل تمام متن انگلیسی یا فارسی منتشر شده در مجلات الکترونیکی در بازه زمانی پنج ساله ۲۰۲۰ تا ۲۰۱۴ در مورد موضوع مورد نظر بودند. نهایتاً ۲۸ مقاله حائز شرایط ورود به مطالعه را داشتند.

نتایج: در یک مطالعه بیان می کند نمره کیفیت زندگی بیماران تحت همودیالیز مبتلا به این سندرم پایین است. همچنین انجام تمرینات ثبات مرکزی، و ورزش های کششی در این سندرم موثر است. در یک مطالعه سطح فرتین را با این سندرم مرتبط نمی داند و سابقه خانوادگی می تواند در ایجاد این سندرم موثر باشد. در یک مطالعه بیان می کند مصرف اسید فولیک به عنوان یک داروی ارزان و کم عارضه می تواند در درمان اصلی و یا مکمل در کنار درمان های دیگر مفید باشد. از روغن گلپسیرین و ماساژ فلورچ نیز می توان به عنوان یک درمان مکمل استفاده کرد.

نتیجه گیری: با توجه به یافته ها این چنین استنباط می شود سندرم پای بی قرار برای بیماران تحت همودیالیز بسیار آزاردهنده بوده و به علت انجام مطالعات اندک، روش های بهبود سندرم پای بیقرار در بیماران تحت همودیالیز انجام مطالعات بیشتر در این زمینه توصیه می شود و همچنین آموزش پرستاران و بیماران نیز بسیار مفید می باشد.

واژگان کلیدی: Restless Legs Syndrome، RLS، hemodialysis، همودیالیز، سندرم پای بیقرار



COVID-19 و سلامت روان در سالمندان: مطالعه مروری

طیبه صنعتی^۱، نگار حاجی نسب^۲، مجتبی کریمی^۳

۱. کارشناس ارشد سلامت سالمندی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی شهید صدوقی، یزد، ایران
۲. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، تهران، ایران Hajinasab.n@iums.ac.ir
۳. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی شهید صدوقی، یزد، ایران

زمینه و هدف: شیوع جهانی ویروس نوظهور SARS-Cov-2، جوامع مختلفی را کاملاً به خود درگیر کرده است. اما سالمندان به دلیل تضعیف سیستم ایمنی بدن و بیماری‌های مزمن زمینه‌ای، از آسیب‌پذیرترین گروه‌های جامعه در برابر ابتلا به COVID-19 هستند. بیش‌ترین میزان مرگ و میر در اثر کرونا نیز به سالمندان اختصاص دارد. با توجه به اثرات روان‌شناختی گسترده پاندمی COVID-19، بر روی افراد جامعه، مطالعه حاضر باهدف بررسی تاثیر همه‌گیری COVID-19 بر سلامت روانی سالمندان، مبتنی بر شواهد علمی انجام شد.

مواد و روش‌ها: در پژوهش حاضر از نوع مروری (*narrative review*) با استفاده از جستجوی کلیدواژه‌های تخصصی Aged/elderly/ COVID-19/SARS-Cov-2/Mental health در پایگاه‌های اطلاعاتی Google scholar، Scopus، Web of science، PubMed، Sid و Magiran از تاریخ ۲۰ فوریه ۲۰۲۰ الی ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۰ انجام شد؛ در مجموع از تعداد ۵۶ مقاله به دست آمده که با توجه به معیارهای ورود و خروج تعداد ۳۵ مقاله، مورد مرور نهایی قرار گرفت و اطلاعات مورد نظر جهت دستیابی به اهداف پژوهش مورد واکاوی قرار گرفت.

نتایج: فشارخون بالا، مشکلات قلبی و عروقی و مشکلات تنفسی، جز شایع‌ترین مشکلات دوران سالمندی است که هر کدام، می‌توانند یک عامل خطر برای ابتلا به COVID-19 قرار گیرند. سالمندان علاوه بر این که از لحاظ جسمی، بیش از دیگران در معرض خطر ابتلا به کرونا هستند، تاثیر پیامدهای روانی اجتماعی بحران کرونا بر کیفیت زندگی آن‌ها نیز بسیار محسوس است. افزایش احتمال ابتلا به کووید ۱۹ و همچنین رعایت فاصله اجتماعی و قرنطینه، به عنوان توصیه‌های اصلی برای سرکوب انتقال ویروس، ممکن است سطح بالایی از اضطراب و استرس روانی، در افراد مختلف جامعه به خصوص سالمندان ایجاد کند. یافته‌ها حاکی از آن است، در طی اپیدمی COVID-19، عدم تعامل و فاصله اجتماعی موجب تشدید افزایش خطر افسردگی و اضطراب در افراد مسن می‌شود. واقعیت انکارناپذیر در شرایط بحرانی فعلی، توجه و حمایت بیش از پیش، از سالمندان هم از نظر جسمی و هم روانی و اقدامات پیشگیرانه در جهت عوارض جبران‌ناپذیر بعدی، به این گروه حساس امری ضروری است.

نتیجه‌گیری: افسردگی جزئی ناگزیر از فرآیند پیرشدن می‌باشد. بنابراین تنهایی به وجود آمده در زمان قرنطینه در دوران پاندمی کرونا، از جمله مسائلی است که می‌تواند باعث زوال عقل و رفتار و افکار خودکشی شده و افسردگی سالمندان را تشدید کند و خطر ابتلا به اختلالات روانی را در این افراد افزایش دهد. بر همین اساس در کنار رعایت توصیه‌های بهداشتی توسط سالمندان، سلامت روان آن‌ها نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: Aged ,elderly ,COVID-19 ,SARS-Cov-2 ,Mental health



خودکار آمدی در مورد بیماری کروناویروس (کووید-۱۹)

محبوبه دادفر^۱، سیامک سندگل^۲

۱. دکتری تخصصی روانشناسی بالینی، دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان و دانشکده بهداشت، کمیته دانشجویی مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی (EDC)، دانشگاه علوم پزشکی ایران mahboubehdadfar@yahoo.com
۲. معاونت دانشجویی و فرهنگی، اداره امور خوابگاه ها، دانشگاه علوم پزشکی ایران

زمینه و هدف: امروزه، بیماری کووید-۱۹ بخش قابل توجهی از بار جهانی بیماری ها را تشکیل می دهد. باورهای خودکار آمدی در مدیریت بیماری به اطمینان و اعتماد افراد در توانایی آنها برای انجام موفقیت آمیز رفتارهای خاص مرتبط با سلامتی اشاره دارد. اهداف این پژوهش عبارتند از: (الف) ایجاد مقیاس خودکار آمدی در مورد بیماری کروناویروس (کووید-۱۹) و (ب) بررسی تأثیر خودکار آمدی بر بیماری کروناویروس (کووید-۱۹).

مواد و روش ها: این پژوهش مقطعی توصیفی بود. در پژوهش حاضر نمونه ای در دسترس و داوطلب از ۶۶ دانشجوی پزشکی ساکن سه خوابگاه دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی ایران در تاریخ ۳۰ تیر ماه ۱۳۹۹ با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شد. ابزار پژوهش مقیاس خودکار آمدی در مورد بیماری کروناویروس (کووید-۱۹) بود. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ تحلیل شدند.

نتایج: میانگین سنی دانشجویان ۲۴/۲۲، انحراف معیار ۲/۴۴ بود. ۶۶/۷ درصد از دانشجویان دختر بودند. یافته ها نشان داد که فقط ۹ دانشجو (۱۳/۶ درصد) عبارت ۱ (من نمی دانم بیماری کووید ۱۹ چگونه بر من تأثیر خواهد گذاشت). را انتخاب کردند که نشانگر کمبود دانش و خودکار آمدی پایین است. ۹ دانشجو (۲۲/۷۳ درصد) عبارات ۳ و ۴ را انتخاب کردند که بیانگر دانش کافی اما خودکار آمدی پایین است. از بین دانشجویان، ۴۲ نفر (۶۳/۶ درصد) عبارت ۵ را تأیید کردند که نشان دهنده دانش کافی و خودکار آمدی بالا است.

نتیجه گیری: این پژوهش شواهدی را در مورد مفید بودن مقیاس خودکار آمدی بیماری کروناویروس (کووید-۱۹) برای ارزیابی خودکار آمدی در دانشجویان ارائه می دهد. به طور کلی ۲۴ دانشجو (۳۶/۴ درصد) خودکار آمدی پایین در باره بیماری کروناویروس (کووید-۱۹) را گزارش کردند. بر اساس این یافته ها آموزش برای ارتقای خودکار آمدی در امور مرتبط با سلامتی طی همه گیری بیماری کووید-۱۹ ضروری بنظر می رسد.

واژگان کلیدی: خودکار آمدی، بیماری کروناویروس (کووید-۱۹)، دانشجویان پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران



ارتقاء حیطة روانی حرکتی دانشجویان پرستاری با ظهور اپلیکیشن های آموزشی: مروری

سیستماتیک

الهه شهبازی^۱، شیلان عزیزی^۲، شکوفه زارعی^۲، زینب السادات موسوی فرد^۲، اشرف بیرامی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، گروه پرستاری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

elahe.shahbazi98@yahoo.com

۲. هیات علمی، گروه پرستاری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

زمینه و هدف: پیشرفت در فناوری اطلاعات و تاثیر آن بر علوم مختلف از جمله علوم پزشکی فرصت هایی را برای ایجاد محیط های یادگیری با تاکید بر یادگیری یادگیرنده محور فراهم نموده است. پرستاری به عنوان یکی از مهم ترین و پرطرفدارترین رشته های علوم پزشکی، سعی داشته از طریق گوسهی های هوشمند و اپلیکیشن های موجود در آن بستر مناسبی برای دسترسی به منابع و اطلاعات گسترده در نظام سلامت ایجاد کرده و به عنوان ابزارهایی برای یادگیری دانشجویان جهت دستیابی به اهداف یادگیری کمک نماید. هدف از این مطالعه مرور سیستماتیک، بررسی وضعیت حیطة روانی- حرکتی دانشجویان پرستاری با بکارگیری اپلیکیشن های آموزشی است.

مواد و روش ها: در این مطالعه مروری سیستماتیک جستجو در پایگاه های اطلاعاتی Scopus، Web of sciences، PubMed، SID، Magiran در فاصله سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ و با استفاده از کلیدواژه های "حیطة روانی- حرکتی"، "مهارت"، "عملکرد"، "دانشجویان پرستاری"، "اپلیکیشن آموزشی" و معادل انگلیسی آن انجام شد جستجوی مقالات بدون محدودیت در نوع مطالعه بود. پس از انجام جستجو اولیه، ۶۷ مقاله، به دست آمد. بعد از بررسی عمیق تر توسط پژوهشگران ۱۲ مقاله داخلی و خارجی متناسب با هدف مطالعه جهت تدوین مطالعه حاضر استفاده شد.

نتایج: مقالات مورد بررسی حاکی از این موضوع بودند که اپلیکیشن های آموزشی رویکرد جدیدی است که امکان یادگیری و دسترسی آسان را برای اکثر موضوعات، در هر شرایط زمانی و مکانی برای هر نوع یادگیرنده ای فراهم نموده است. این اپلیکیشن ها با ایجاد یادگیری نسبتا دائمی و طولانی مدت، دقت و عملکرد دانشجویان را در انجام فعالیت های مهارتی افزایش می دهد. نتایج مطالعات نیمه تجربی نشان از بهبود مهارت های روانی- حرکتی در دانشجویان پرستاری استفاده کننده از اپلیکیشن های آموزشی در مقابل آموزش معمول دارد.

نتیجه گیری: نتایج تحقیقات مبنی بر نقش موثر اپلیکیشن های آموزشی بر مهارت و عملکرد دانشجویان پرستاری در محیط های بالینی، می تواند توجه برنامه ریزان آموزشی را جهت استفاده از این نوع آموزش مکمل جلب نماید. از آنجایی که حیطة روانی- حرکتی در بالین بیش از حیطة شناختی و عاطفی ضرورت دارد توجه به آموزش های مکمل علاوه بر آموزش های روتین پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی: حیطة روانی- حرکتی، مهارت، عملکرد، دانشجویان پرستاری، اپلیکیشن آموزشی



گیاه های دارویی در کاهش درد پس از جراحی (مروری نظام مند)

عارفه خالقی دهشیری^۱، خدیجه نصیریانی^۲، ام لیلی خالقی دهشیری^۳، فاطمه نصیریانی^۴

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
Arefekhaleghi1999@gmail.com

۲. دکتری تخصصی پرستاری، استادیار، دانشکده پرستاری و مامایی، مرکز تحقیقات پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۳. کاردان اتاق عمل، بیمارستان شهید صدوقی یزد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۴. کارشناس بهداشت خانواده، مرکز جامع سلامت حضرت ابوالفضل، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

زمینه و هدف: درد از جمله شکایت های مهم بیماران بعد از عمل جراحی می باشد. مطالعات نشان می دهد که با وجود مسکن های مختلف ۷۷ درصد بیماران بستری در بخش های جراحی دچار درد هستند. برای کاهش این درد می توان از داروهای مختلف از جمله ضد دردهای شیمیایی و یا ضد دردهای گیاهی استفاده کرد که امروزه با توجه به عوارض جانبی ضد دردهای شیمیایی ضد دردهای گیاهی مورد توجه قرار گرفته اند. لذا هدف از مطالعه حاضر مروری بر پژوهش های انجام گرفته در این زمینه است.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع مروری نظام مند است و با جستجو در پایگاه های اطلاعاتی Google ، Pub med

" Medicinal plants" SID.Scholar با استفاده از کلید واژه های گیاه های دارویی، درد، جراحی و کلیدواژه های " "

"the pain " Surgery" می باشد. معیار های ورود به مطالعه عبارت بودند از: مقاله های تحقیقی اصیل تمام متن انگلیسی یا فارسی منتشر شده در مجلات الکترونیکی در بازه زمانی یک ساله ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ در مورد موضوع مورد مطالعه بود و در نتیجه ۵ مطالعه حایز شرایط ورود به مطالعه شدند.

یافته ها: در مطالعاتی با توجه به اثر ضد التهاب و ضد درد نعنا و گل مغربی استفاده از این دوداروی گیاهی به جای مسکن های غیراستروئیدی که عوارض گوارشی دارند در درمان درد پس از جراحی توصیه می شوند. علاوه بر آن استفاده از گیاه گل گاوزبان که به عنوان یکی از گیاهان درمانی مهم در طب سنتی ایرانی است باعث کاهش شدت درد بعد از جراحی و افزایش طول تاج کلینیکی یاد شده است. بیشتر مطالعات نشان داده اند فلاونوئیدها به عنوان یک گروه مولکول ضد التهاب، ضد درد و آنتی اکسیدانی هستند. در مطالعه ی دیگر بیان شده است که عصاره آب پانچ فورون panch phoron که ترکیبی از دانه های گیاهی رازیانه و خردل سیاه، زیره سبز، سیاه دانه، شنبلیله هستند اثرات ضد درد و ضد التهابی قابل توجهی دارد. این رودر کاهش درد پس از جراحی عصب سیاتیک در موش ها موثر بودند که ممکن است بعدها به عنوان مسکن بعد از عمل نیز عمل کند.

نتیجه گیری: با توجه به این که درد پس از جراحی از مشکلات عمده در اعمال جراحی می باشد به علت مطالعات اندک نیاز به انجام مطالعات بیشتر در این زمینه برای یافتن راهی جهت بهبود درد پس از جراحی می باشد.

واژگان کلیدی: گیاه های دارویی، درد، جراحی، Medicinal plants ,the pain, Surgery



بررسی تاثیر موسیقی بر اضطراب بیماران

محمد صادقیان^۱، فرحناز فرنیبا^۲، محیا عظیمی^۳، شهاب الدین طبایی^۱

۱. دانشجو پزشکی، دانشکده پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
۲. دکتری تخصصی پرستاری، استادیار، دانشکده پرستاری و مامایی، مرکز تحقیقات پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

زمینه و هدف: همه ی افراد تقریباً به طور روزمره با اضطراب روبرو می شوند. اضطراب یک پاسخ هیجانی ذهنی به عامل استرس زا میباشد. اضطراب طبیعی یک احساس منتشر، ناخوشایند و اغلب مبهم است که با یک یا چند شاخص فیزیکی مانند احساس خالی شدن سر دل، تنگی قفسه سینه، تپش قلب، تعریق، سردرد، احساس دفع ادرار، بیقراری و میل به حرکت مشخص می شود. موزیک درمانی برای کاهش اضطراب و ناراحتی، قدمتی تاریخی دارد. به طوری که مصریان از موزیک درمانی برای درمان نازایی زنان و ایرانیان از صدای عود برای معالجه بسیاری از بیماری ها استفاده می کردند. همچنین موزیک با انحراف حواس و کاهش تمرکز بیمار از محرک های اضطراب آور باعث کاهش احساس درد و اضطراب بیمار می گردد.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع مروری نظام دار است. جستجو در پایگاه های اطلاعاتی PubMed, Scopus, SID, Google scholar. با استفاده از کلید واژه های فارسی "اضطراب" بیماران "موسیقی" موسیقی درمانی" و معادل انگلیسی آن ها "Anxiety" patients "music therapy" music انجام شد. معیارهای ورود به مطالعه عبارت بود از: مقاله های تحقیقی اصیل تمام متن انگلیسی یا فارسی منتشر شده در مجلات الکترونیکی در بازه زمانی پنج ساله ۲۰۲۰ تا ۲۰۱۴ در مورد موضوع مورد نظر بودند. نهایتاً ۴۱ مقاله حائز شرایط ورود به مطالعه را داشتند.

نتایج: با توجه مطالعات انجام شده در یک مطالعه بیان می کند اضطراب بیماران مبتلا به مولتیپل اسکروزیس بعد از موسیقی درمانی کاهش یافت همچنین در یک مطالعه بیان می کند موسیقی بر علائم حیاتی تأثیری نداشت، ولی باعث کاهش معنی دار اضطراب می شود. موسیقی سبب کاهش خونریزی در طی عمل سزارین می شود. در یک مطالعه موسیقی درمانی جهت کاهش اضطراب و متعادل سازی ضربان قلب بیماران موثر میدانند. از طرفی در پژوهش صورت گرفته ماساژ سوئدی نسبت به موسیقی درمانی مفید تر می داند. همچنین موسیقی، به ویژه از نوع آشنا، می تواند اثرات مثبتی در زمینه کاهش اضطراب، درد و کنترل برخی از علائم حیاتی بیماران داشته باشد.

نتیجه گیری: با توجه به یافته ها این چنین استنباط می شود که موسیقی درمانی بر اضطراب بیماران موثر است همچنین گوش دادن به موسیقی یک عمل ساده، ارزان، ایمن، مؤثر، کارآمد است که ممکن است جایگزین مناسبی برای داروهای ضد اضطراب باشد ولی به دلیل انجام مطالعات اندک در زمینه تاثیر موسیقی بر علائم حیاتی و ... انجام مطالعات بیشتر توصیه میشود آموزش پرستاران و بیماران نیز بسیار مفید می باشد.

واژگان کلیدی: اضطراب بیماران، موسیقی، موسیقی درمانی، music, music therapy, patients Anxiety



coronavirus and post-accident stress disorder: A systematic review

Mohammad amin masoumi¹, Zeinab sadat moosavi fard², Ashraf beirami², Shekufe zaree², Shilan Azizi²

1. BSc in Nursing, Department of Nursing, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran _aminurse2035@yahoo.com

2. Faculty of nursing, Department of Nursing, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

Background: Infectious disease caused by Coronavirus is one of the most unknown and threatening pandemics in the world, which has been associated with many complications and deaths so far. Mental disorders including post-traumatic stress disorder is one of the most important complications of this disease.

Material and Methods: This article is a systematic review article for which 36 related articles are indexed in Google Scholar, Up ToDate, PubMed, Scopus were examined. Among them, 15 articles that were most related to the title of the research were used to write this article.

Results: Half of the people who have faced disasters and accidents suffer from mental disorders, of which post-accident stress disorder is one of these disorders. Findings from the present study showed that in people recovering from coronavirus disease, stress disorder it has increased dramatically since the accident. In healthy people without coronavirus, fear of getting sick, prolonged quarantine, the illness and death of those around them has been a factor in increasing the likelihood of this disorder. Among healthcare professionals, fear of disease transmission, fatigue, prolonged pandemics, frustration, insufficient information about the disease, lack of effective drugs and vaccines, have increased the risk of developing this mental disorder in this group.

Conclusions: Coronavirus disease can have several effects on community mental health, So to reduce complications psychology of this disease on patients, recovering people, health care personnel and other people in the community should be effectively planned for counseling and necessary interventions.

Keywords: Post-accident stress disorder, Coronavirus, mental illnesses



سواد سلامت ، شاخص های کفایت مراقبت های دوران بارداری بر میزان پیامدهای هنگام تولد نوزاد ، در زنان باردار شهر زاهدان سال ۱۳۹۸

مهديه گلشن^۱، محدثه گلشن^۱، فرناز كيخا^۱، حسين انصاری^۲، مریم سراجی^۳

۱. کارشناس بهداشت عمومی - عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان ایران

۲. دانشیار اپیدمیولوژی-مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۳. استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

serajimartam@gmail.com

مقدمه: سواد سلامت مادر، از طریق بهبود کیفیت مراقبت های دوران بارداری بر سرانجام بارداری تاثیرگذار است. توجه به اهمیت سلامت مادران باردار منجر به سلامت نوزاد و در نهایت سلامت جامعه می گردد. سواد سلامت و آگاهی از مراقبتهای دوران بارداری میزان مرگ و میر مادران و نوزادان را کاهش داده، سطح سلامت مادران و نوزادان را افزایش داده، از تحمیل هزینه های اضافی بر دوش سیستم سلامت کاسته و به طور کلی یکی از ارزشمندترین و اقتصادی ترین برنامه های بهداشتی و درمانی اولیه می باشند. از این رو مطالعه حاضر را به منظور بررسی ارتباط بین سواد سلامت و شاخص های کفایت مراقبت های دوران بارداری بر میزان پیامدهای هنگام تولد نوزاد، انجام شده است.

روش کار: این مطالعه توصیفی تحلیلی به روش مقطعی در سال ۱۳۹۸ بر روی ۱۱۳ مادر باردار مراجعه کننده به پایگاه های سلامت شهر زاهدان صورت گرفت. افراد به روش نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از دو پرسشنامه سواد سلامت مادری و نتایج بارداری (MHLAPQ) و یک چک لیست استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های مجذور کای، T مستقل و یا ضریب همبستگی استفاده شد. میزان P کمتر از ۰,۰۵ معنی دار در نظر گرفته شد.

یافته ها: در این مطالعه میانگین سطح سواد سلامت مادران باردار 54.5 ± 6.6 بود و ۳۴,۵ درصد از مادران شرکت کننده در این مطالعه تحصیلات دانشگاهی داشتند. یافته های این مطالعه نشان می دهد که بین سواد سلامت و کفایت مراقبت بارداری رابطه معنا داری وجود دارد ($P\text{-Value} < 0.037$). همچنین رابطه معنا داری بین کفایت مراقبت بارداری و وزن هنگام تولد وجود دارد ($P\text{-Value} < 0.04$).

بحث و نتیجه گیری: براساس نتایج این بررسی به نظر می رسد که شاخص کفایت مراقبت بارداری و سواد سلامت پیش بینی کننده وزن هنگام تولد بودند و سیاستگذاران و برنامه ریزان باید اهمیت تاثیر کفایت مراقبت بارداری بر وزن هنگام تولد و نمره آپگار نرمال را مد نظر داشته باشند و در سواد سلامت افراد برنامه های مداخله ای داشته باشند. با اجرای دقیق برنامه های آموزش بهداشت و ارتقای کیفیت مراقبت های دوران بارداری به نظر می رسد بتواند به میزان قابل توجهی به کاهش پیامد های نامطلوب هنگام تولد نوزاد منجر شود.

واژگان کلیدی: سواد سلامت، شاخص کفایت مراقبت بارداری، مراقبت های دوران بارداری



The effect of educational intervention on health literacy and nutritional performance of female high school students in Zahedan in the academic year 2018-2019

Farnaz Keikha¹, Hossein Ansari², Mahdiah Golshan¹, Mohadeseh Golshan¹, Maryam Seraji³

1. Public Health Expert, Member of Student Research Committee, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran
2. Associate Professor of Epidemiology, Health Promotion Research Center, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran
3. Assistant Professor, Department of Health Education and Health Promotion, Health Promotion Research Center, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran
Serajimaryam@gmail.com

Introduction & Aim: Adolescence is a complex, sensitive and multidimensional period in human development process. One of the factors that plays an essential role in the growth and maturity of adolescents is nutrition. Proper nutrition during this period of life can affect the quality and quantity of growth and especially puberty. In this regard, health literacy of adolescents is of particular importance, because people with high levels of health literacy have better health outcomes than individuals with limited health literacy.

Materials and Methods: The present study is an experimental intervention that was conducted on 15-18 years old female adolescents studying in high schools of Zahedan, Iran. The data collection tools in this study consisted of three questionnaires. Health literacy data were collected by HELMA questionnaire, whose validity and reliability have been proven by Cronbach's alpha coefficient of 0.95. Nutritional performance was assessed by the Nutritional Performance Questionnaire of Jalili et al (2017), whose validity and reliability in this study were evaluated with Cronbach's alpha coefficient of 0.71. Necessary trainings with posters and educational booklets (designed by the researcher) as well as PowerPoint were delivered in 3 sessions of 45 to 60 minutes. One month after the last session, a post-test was carried out in the control and intervention groups. The SPSS software version 26 was used to analyze the data.

Results: The results showed a significant difference between health literacy and nutritional performance of students in the two groups of intervention and control after the intervention (P-value <0.001), so that educational intervention increased the health literacy and nutritional performance of students. Also, a significant and positive relationship was found between students' health literacy and nutritional performance (P-value <0.05).

Conclusion: According to the results of present study, it is necessary for policy makers and planners to improve the health literacy of adolescents and students through intervention programs to promote health literacy, increase awareness and attitude, and improve nutritional behaviors of adolescents.

Keyword: Health literacy, Nutritional performance, Students



ارتقا سلامت پرستاران با شناسایی عوامل موثر بر تنش اخلاقی: مروری سیستماتیک

فاطمه خدانی^۱، شیلان عزیزی^۲، شکوفه زارعی^۲، زینب السادات موسوی فرد^۲، اشرف بیرامی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، گروه پرستاری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران
fatemeh.khandani78@yahoo.com

۲. هیات علمی، گروه پرستاری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

زمینه و هدف: تنش اخلاقی زمانی تجربه می شود که انسان از انجام عملی درست بازداشته شده و یا مجبور به کاری شود که می داند نادرست است. پرستاری از جمله حرفه هایی با شیوع بالای تنش اخلاقی است. با توجه به پیامدهای چون دلسردی از زندگی حرفه ای، نارضایتی شغلی، کاهش اعتماد بنفس و افسردگی؛ لازم است با شناخت عوامل موثر بر آن و اقدام برای ارتقا سلامت پرستاران پیشگیری اولیه انجام گیرد. این مطالعه با هدف ارتقا سلامت پرستاران با شناسایی عوامل موثر بر تنش اخلاقی انجام گرفت.

مواد و روش ها: در این مقاله مروری سیستماتیک، ابتدا ۷۵ مقاله انگلیسی و فارسی جستجو شده در پایگاه های معتبر Web of Science، SID، Magiran، Iranmedex، PubMed، Wiley با کلیدواژه های ارتقا سلامت، پرستار، تنش اخلاقی و اخلاق و معادل انگلیسی آن بدون محدودیت در زمان و نوع مطالعه شناسایی شدند. سپس با بازخوانی مقالات و بررسی بیشتر از ۱۷ مقاله متناسب با موضوع و هدف مطالعه، برای تدوین مقاله حاضر استفاده شد.

نتایج: بررسی مطالعات انجام شده نشان داد پرستاران بخش مراقبت های ویژه دارای بالاترین تنش اخلاقی بودند. رابطه معنی دار نوع بخش و میزان تنش اخلاقی پرستاران نشان دهنده تنش بالاتر در بخش هایی با مراقبت تهاجمی تر است. بنا به خودگزارشی، پرستاران هنگام ارائه مراقبت در شرایط غیرایمن به دلیل کمبود نیرو دچار بیشترین میزان تنش می شوند. همچنین میزان تحصیلات، نوع نوبت کاری و وضعیت شغلی با میزان تنش اخلاقی ارتباط معنی داری را نشان داد. استقلال حرفه ای، سابقه کار، خودکارامدی و تن آرامی با رابطه معکوس، از دیگر عوامل مرتبط با تنش اخلاقی در پرستاران محسوب می گردند.

نتیجه گیری: شیوع بالای تنش اخلاقی در بخش های ویژه، توجه خاص مدیران پرستاری به این گروه از پرستاران را می طلبد. تا با شناسایی عوامل موثر بر آن بر روی راهکارهای مقابله با تنش اخلاقی و عوامل کاهنده آن تمرکز داشته باشند چراکه پیامدهای منفی آن متوجه پرستار، بیمار و در نتیجه کیفیت مراقبت های پرستاری خواهد بود. و این مشکلات نشان دهنده اهمیت بالای ارتقا سلامت پرستاران و انجام اقداماتی برای کاهش تنش اخلاقی در آنها است. لذا ایجاد شرح وظایف منظم برای هر پرستار و جبران کمبود نیرو پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی: ارتقا سلامت، پرستار، تنش اخلاقی، اخلاق



Evaluation of risk factors for depression in the elderly: A Systematic review

Meade Jomehpour Isini¹, Shekufe Zarei², Ashraf Beirami², Shilan Azizi², Zeinab Sadat Moosavifard²

1. Department of Nursing, student of Nursing, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran. maedeh.jomepoor@yahoo.com
2. Department of Nursing, Faculty of Nursing, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

Background: Today, the aging population is growing due to medical advances and rising life expectancy. Studies show an increasing number of psychiatric disorders among the elderly population in different communities. Depression is one of the most common psychiatric disorders in the elderly that affects all aspects of their quality of life and increases the risk of suicide and health care costs. Considering the importance of depression as one of the most common psychiatric disorders in old age and its significant effect on the quality of life of the elderly, the present study was conducted to investigate the risk factors for depression in the elderly.

Material and Methods: The present study was conducted by systematic review. To access the content related to risk factor for depression and elderly, articles indexed in databases Science Direct, PubMed, Scopus, Google scholar, SID, Magiran, ISC were used. Keywords including depression, risk factor, elderly and mental health were searched over 2005 to 2020. According to the defined criteria, finally 15 Full text articles were reviewed in this study.

Results: The results of the present study showed that depression is the most common psychiatric disorder in the elderly. Risk factors of depression in old age include: feeling lonely due to rejection, feeling of anonymity and aimlessness due to retirement, physical problems due to illness and disability and chronic and severe pain, fear of death, worry due to financial problems. Although the rate of depression in old age is higher than in youth, but this disorder is rarely diagnosed in old age and only 10% of patients are treated.

Conclusions: A systematic review of previous research shows that the prevalence of depression in the elderly is increasing. The identification of high-risk persons in the early stages of the disease is very important in reducing the morbidity of depression in the elderly. Therefore, strategies should be developed to reduce the risk factors for depression, prevention, diagnosis and treatment in the elderly, because depression can exacerbate physical illness and lead to premature death. Strategies such as regular screening and increasing psychological and therapeutic services for the elderly can reduce depression and improve their quality of life.

Keywords: Elderly, depression, mental health, risk factor



Social isolation in the elderly due to Covid 19 and provide a solution

Zahra Jokar¹, Shilan Azizi², Shekufe Zarei², Zeinab Sadat Moosavifard², Ashraf Beirami²

1. BSc Nursing Student, Nursing Department, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran zjokar17@gmail.com

2. Member of Faculty, Nursing Department, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran

Background: As the spread of the coronavirus spreads, older people are advised to use strategies such as social isolation to protect themselves. It should be noted that lack of social interaction and isolation for older people who are naturally somewhat depressed can lead to increased anxiety and psychological disorders. The aim of this study was to investigate the social isolation in the elderly due to Covid 19 and provide a solution.

Material and Methods: This systematic review has been done by searching the databases of Web of sciences, Scopus, PubMed using the keywords Elderly, Mental Health, Depression, Corona and Covid 19 in the last 1 year in qualitative and quantitative full text articles. After in-depth review, and application of inclusion criteria, articles appropriate to the subject and purpose of the study were included in the study.

Results: The spread of COVID-19 virus will have a long-term and profound impact on the health of the elderly worldwide. Social distance is an effective way to reduce its prevalence in high-risk groups, but it can lead to social isolation and psycho-emotional disorders, which can weaken the immune system and lead to physical disorders. Solutions such as communication with the family, regular telephone counseling, encouraging fun physical activities, using social media while observing ethical and legal considerations, remote health services, and making people aware of the need for interaction, care and empathy. Keeping the elderly close to the elderly, keeping the elderly away from bad news, can play a major role in reducing the consequences of mental and physical health of the elderly.

Conclusions: In addition to health advice for the elderly, their mental health should also be considered. By developing health care systems, creating suitable conditions for the participation of the elderly in the home and community and providing a suitable supportive environment in all aspects of life, steps can be taken towards a healthy aging.

Keywords: Elderly, Mental Health, Depression, Corona, Covid 19



پانسمان پای دیابتی (مروری نظام مند)

عارفه خالقی دهشیری^۱، خدیجه نصیریانی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران Arefekhaleghi1999@gmail.com

۲. دکتری تخصصی پرستاری، استادیار، دانشکده پرستاری و مامایی، مرکز تحقیقات پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

زمینه و هدف: دیابت با عوارض طولانی مدت و نوروپاتی دیابتی همراه است، که به نوبه خود می تواند منجر به زخم و قطع عضو شود. پای دیابتی ناشی از ایسکمی، نوروپاتی و عفونت است که مطالعات نشان داده است که بیش از ۱۵٪ از افراد دیابتی از پای دیابتی رنج می برند. عدم بهبودی پای دیابتی می تواند منجر به عفونت، گانگرن، قطع عضو و حتی مرگ شود. پای دیابتی به ندرت بهبود می یابد و بر سبک زندگی، فعالیت های اجتماعی، سلامتی و... فرد اثر دارد و همچنین می تواند باعث افزایش هزینه های مراقبت های بهداشتی شود. لذا هدف از مطالعه حاضر مروری بر پژوهش های انجام گرفته در این زمینه است.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع مروری نظام مند است و با جستجو در پایگاه های اطلاعاتی Google، Pub med، SID، Scholer با استفاده از کلید واژه های پانسمان، زخم دیابتی، پای دیابتی و کلیدواژه های "Diabetic bandage" یا "Diabetic Foot ulcer" می باشد. معیار های ورود به مطالعه عبارت بودند از: مقاله های تحقیقی اصیل تمام متن انگلیسی یا فارسی منتشر شده در مجلات الکترونیکی در بازه زمانی ۵ ساله ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ در مورد موضوع مورد مطالعه بود و در نتیجه ۸ مطالعه حایز شرایط ورود به مطالعه شدند.

یافته ها: در مطالعات مختلف ذکر شده که برخی از روشهای مختلف درمانی از جمله دستگاه های شوک موجی و همچنین درمان سلول های بنیادی در بهبود پای دیابتی موثر است از طرفی کاربرد داروی مکمل و جایگزین در ترمیم زخم طی دهه های گذشته افزایش یافته است. و استفاده از عصاره های گیاهی، مانند آلوئه ورا، یا استفاده از محصولات طبیعی مانند عسل یا زیتون که دارای فعالیت ضد میکروبی بیولوژیکی است به این موضوع کمک کردند. تحقیقات نشان داد که روغن زیتون احتمالاً جریان خون کلی بافت را بهبود می بخشد و التهاب را کاهش می دهد، بنابراین منجر به بهبود زخم می شود. مطالعه دیگری نشان داد که عسل دارای خواص ضد باکتری طیف گسترده ای است، به مدیریت عفونت زخم کمک می کند، تکثیر اپیتلیوم را افزایش می دهد و ادم اطراف زخم را جذب می کند در یک مطالعه بیان شده است که ضماد عسل به ویژه عسل مانوکا ممکن است در کاهش زمان درمان کلی و میانگین زمان پاکسازی زخم ها و افزایش میزان ترخیص باکتری و منطقه بهبود یافته زخم ها موثر باشد.

نتیجه گیری: از آن جا که نشان داده شده است درمان مناسب و مقرون به صرفه پای دیابتی می تواند کیفیت زندگی را در بیماران دیابتی به طور قابل توجهی بهبود بخشد بنابراین، برای تأیید اثربخشی روشهای درمانی جایگزین، نیاز به انجام مطالعات گسترده در این زمینه می باشد.

واژگان کلیدی: پانسمان، زخم دیابتی، پای دیابتی، Diabetic ulcer, Diabetic Foot bandage



ارتقا سلامت سالمندان با رویکرد آموزش محور: مروری سیستماتیک

مریم سلمانی^۱، شیلان عزیزی^۲، شکوفه زارعی^۲، زینب السادات موسوی فرد^۲، اشرف بیرامی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، گروه پرستاری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

maryamsalmani137373@yahoo.com

۲. هیات علمی، گروه پرستاری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

زمینه و هدف: بیش از دوسوم جمعیت سالمندان در کشورهای در حال توسعه بویژه آسیای شرقی ساکن هستند که ایران نیز یکی از آنهاست. نتایج آخرین سرشماری آماری در ایران نیز موید این موضوع است. سالمندان به دلیل قرارگیری در دوره حساسی از زندگی دارای نیازهای خاص و نیازمند توجه می باشند. اگرچه بخش عمده ای از این نیازها مثل وابستگی، ناکارآمدی و ناتوانی افراد سالمند نادیده گرفته می شود. مطالعات متعددی نشان داده است آموزش نقش مهمی در رفع مشکلات سالمندان داشته است. هدف از انجام این پژوهش مروری سیستماتیک بر اثربخشی مداخلات آموزشی بر سلامت سالمندان می باشد.

مواد و روش ها: در این مطالعه مروری سیستماتیک جستجو در پایگاه های اطلاعاتی Scopus، Web of sciences، PubMed، SID، Magiran در فاصله سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ و با استفاده از کلیدواژه های "سالمندی"، "مداخله آموزشی"، "سلامتی" و معادل انگلیسی آن انجام شد. پس از انجام جستجو اولیه، ۱۵۴ مقاله، به دست آمد. بعد از اعمال معیارهای ورود ۱۶ مقاله نیمه تجربی که با موضوع و هدف مطالعه تناسب داشتند برای بررسی وارد مطالعه شدند.

نتایج: همه مقالات مورد بررسی از نوع نیمه تجربی بودند. مداخلات آموزشی عمدتاً شامل انجام حرکات ورزشی، شناساندن دوره سالمندی، آشنایی با تهدیدات، فعالیت فیزیکی، تغذیه و روابط اجتماعی در این دوره بود که به صورت عملی، حضوری، پمفلت و CD ارائه گردید. نتایج مداخلات موردنظر تاثیر مثبت بر تغذیه، فعالیت فیزیکی، ارتباطات بین فردی، مسئولیت پذیری سلامتی، سبک زندگی، کیفیت زندگی، سلامت جسمی و روانی را نشان داده است.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که آموزش و شناساندن دوره سالمندی به سالمندان نقش موثری بر ابعاد مختلف سلامتی آنان داشته است. با توجه به افزایش جمعیت سالمندی، نتایج مثبت تحقیقات و کم هزینه بودن اقدامات آموزشی مورد بررسی اجرای این آموزش ها و روش ها در جمعیت سالمندان پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی: سالمند، مداخله آموزشی، سلامتی



Teaching children self-care at home during the coronavirus outbreak: systematic review

Alireza hajizadeh¹, Zeinab sadat moosavi fard², ashraf beirami², shilan Azizi²

1. BSc in Nursing, Department of Nursing, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran. alirezahajizadehshz@gmail.com

2. Faculty of nursing, Department of Nursing, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

Background: The spread of coronavirus has disrupted family life around the world. School closures, telecommuting, Social distance is one of the things that everyone, especially parents, should consider. So this study with Objective, Home self-care training was performed on children during the coronavirus outbreak.

Material and Methods: This study was a comprehensive and in-depth descriptive review of the texts. The desired data using Persian keyword search Coronavirus, children, took care of themselves.

Results: Parents should pay attention to these care points in order to teach self-care to their children:

1-Develop a regular daily schedule together: Try to have a regular schedule that includes educational programs based on the age of the children and can be followed online, on TV or on the radio. Also time include games as well as reading books in this program. Use daily activities as learning opportunities for children. Do not forget to create these daily programs together as much as possible.

2-Talk comfortably: Encourage the child to ask questions and express feelings. Remember that the child may react differently to stress, so be patient and understand their situation. Begin by inviting the child to discuss the issue. See how much he knows and let him lead the conversation. About talk about proper health measures. They can use everyday moments to emphasize the importance of actions such as regular washing full hand use. Make sure they are in a safe environment and allow the child to speak freely. Painting, stories and other activities can help open the discussion.

3-Get in touch with your child's education center. Know how they can contact their child's teacher or school for information, questions and guidance. Parent groups or local groups can be a good way to support each other during home schooling.

4-Take care of children online: Digital platforms provide an opportunity for children to continue learning, Give, play and keep in touch with their friends. But increasing access to online space poses risks to safety, care and creates children's privacy. Talk to your child about the Internet to find out what kind of environment it is, from what they need to be aware of how appropriate behavior is on the platforms they use, such as video calling.

Conclusions: Although creating a regular and structured program is vital for children and young people, but it is intended children need a level of flexibility during this time. Change activities for the better. If time who follow an online learning program, the child seems restless, another option that more activity asks the child to choose. Do not forget that planning and doing homework together is a good exercise to strengthen motor functions are small and large body.

Keywords: Education, Self-care at home, Children, Corona virus outbreak





Epidemiological and Maternal Features of Maternal Mortality in the West of Iran: Hamadan, 2011-2019

Fatemeh Shahbazi¹

1. PhD student in Epidemiology, Department of Epidemiology, School of Public Health, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran Shahbazif2017@gmail.com

Background: Maternal mortality is an important public health problem, and is perceived as a sensitive indicator of the socioeconomic status and healthcare services in a given country. This study aims to describe epidemiological features of maternal mortality in Hamadan province in western Iran.

Material and Methods: In this cross-sectional study, 50 maternal deaths that occurred in all hospitals and delivery places in the Hamadan province from March 2011 to January 2019 were studied for epidemiological feature and history of pregnancy care of maternal death. Finally, the extracted data were analyzed using descriptive statistics in Stata software version 14.

Results: Our findings show that the mortality due to pregnancy and childbirth was 18.07 per 100,000 live birth. Majority of maternal death occurred in women aged 20-34 years living in urban areas who were mostly housewives. Kabudar Ahang and Razan townships had the highest maternal rate.

Conclusions: The present study revealed that maternal mortality is higher among women aged 20-34 years that living in urban areas who were mostly housewives. Cesarean delivery, having a history of abortion, and gestational age under 37 weeks were other factors associated with maternal death. We suggest that pregnancy cares and training programs should be focused in these high risk groups.

Keywords: Maternal Mortality, Maternal death, Epidemiology, Iran



Evaluation of the effect of vitamin C consumption in the treatment of patients with Covid-19: A systematic review

Ghoncheh khalili¹, Zeinab sadat moosavi fard², ashraf beirami², shilan Azizi²

1. BSc in Nursing, Department of Nursing, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran khalili_ghoncheh@gmail.com

2. Faculty of nursing, Department of Nursing, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran

Background: To date, approximately 32 million people worldwide have been infected with COVID (19). In infection, the surface of Vitamin C is reduced. Vitamin C is used in septic shock and severe infections. Inflammatory mediators in COVID-19 increase, and evidence suggests that vitamin C may reduce inflammatory mediators. So, the aim of the present study was to determine the effect of vitamin C in the treatment of patients with COVID-19.

Material and Methods: The present review study was conducted in 1299. To conduct this study from databases web of science, Science Direct, Google Scholar, PubMed, Scopus and SID database And by using English keywords COVID-19, Coronavirus infection, vitamin C, clinical trial and interventional study with no time limit. After searching for articles related to Persian and English studies, that the keywords were not included in the title or abstract or the full text of the article was not available and were duplicates, from the study was excluded. Out of 735 articles obtained after reviewing the title, abstract and the whole article, 5 articles related to English (one case series article and a clinical trial article) were included in the study.

Results: The results of a case series study on 23 patients with a mean age of 66 ± 4 years showed that after consuming one gram of vitamin C each eight hours to three days in patients in the ICU who were in the severe stage of the disease, Level of D-dimer ($p=0/033$) And ferritin ($p=0/004$) decreased significantly. But despite the reduced need for FiO₂ after taking vitamin C, the difference was not statistically significant. In a clinical trial performed on 65 patients with a mean age of 66 ± 7 years vitamin C was administered at a dose of 13 g every 13 hours for seven days. In this study reduced mortality in ICU ($p=0/04$), Decrease in interleukin-6 ($p=0/01$), Decreased total bilirubin ($p=0/01$), Increase the ratio PaO₂/FiO₂ ($p=0/02$) was seen. While SOFA score and index of number of days of separation from aggressive mechanical ventilation ($p=0/61$) did not change significantly.

Conclusions: According to the results of improvement studies on mortality, inflammatory criteria, coagulation, oxygen level indices, vitamin C may have a positive effect on the recovery of patients with COVID-19 who are in the severe stage of the disease. On the other hand, the medication regimen that has been administered to patients along with vitamin C and other indicators such as age, underlying disease and pulmonary involvement ratio may be influential in the outcome, hence the design of more accurate clinical trials, it is recommended to perform statistical tests to modify confounding variables.

Keywords: Infection, Coronavirus, Vitamin C, Inflammatory index



A review of the role of traditional and herbal medicine in the COVID-19 epidemic

Ghoncheh khalili¹, Zeinab sadat moosavi fard², Ashraf beirami², Shilan Azizi²
Shekufe zaree²

1. BSc in Nursing, Department of Nursing, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran. khalili ghoncheh@gmail.com
2. Faculty of nursing, Department of Nursing, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

Background: The World Health Organization welcomes countries' experience in treating COVID-19 with traditional medicine. For this reason, it is working with some institutions to select traditional drugs after clinical trials if they are effective. This article was written to investigate the role of traditional and herbal medicine in the treatment of coronavirus.

Material and Methods: This is a systematic review study. Keywords traditional medicine, herbal medicine with Covid 19 and English words Covid 19, traditional Medicine, Herbal Medicine Search the database, PubMed, google scholar and Scopus. First, related topics were selected, then abstracts of study articles, and finally 32 articles were entered into the research.

Results: Traditional medicine treatment consists of two parts. The first part is getting away from polluted environments, observing quarantine and And lifestyle modification, improving nutrition (reducing the volume of food, prohibiting the consumption of bulky foods), exercise (with breathing techniques such as Yoga), avoidance of stress and adequate sleep at night (between 8 and 15 hours, no sleep in the afternoon) is recommended. The second part, consumption Fruits and vegetables such as asparagus, garlic, ginger, ginseng and incense plants such as sandalwood and roses that boost the immune system Strengthen and improve the function of vital organs.

Conclusions: Traditional and herbal medicine along with modern medicine can be effective in treating COVID-19.

Keywords: COVID-19 Corona, Traditional medicine, Herbal medicine



تأثیر معنویت در ارتقای سلامت جسم و روان افراد در بحران کرونا

مأده جمعه پور ایسینی^۱، شکوفه زارعی^۲، اشرف بیرامی^۲، شیلان عزیزی^۲، زینب السادات موسوی فرد^۲

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان واحد بندرعباس دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس، ایران
maedeh.jomepoor@yahoo.com

۲. هیات علمی، گروه پرستاری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

زمینه و هدف: در پی انتشار ویروس کرونا، اضطراب گسترده ای در سطح جامعه ایجاد شده و در بسیاری از سطوح بر سلامت جسم و روان افراد تأثیر منفی گذاشته است. یکی از راهکارهای مقابله با استرس و اضطراب افزایش معنویت در خود می باشد. لذا پژوهش حاضر با هدف مروری سیستماتیک بر تأثیر معنویت در ارتقای سلامت جسم و روان افراد در بحران کرونا انجام شده است.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر به روش مرور سیستماتیک انجام گرفت. جهت دستیابی به مطالب مرتبط با تأثیر معنویت و ارتقای جسم روان در بحران کرونا از مقالات نمایه شده تا ابتدای اکتبر ۲۰۲۰ در پایگاه های اطلاعاتی، Science Direct, PubMed, Scopus, Google scholar, SID استفاده گردید. کلمات کلیدی شامل معنویت، سلامت جسم، سلامت روان و کرونا ویروس می باشد. با توجه به معیارهای تعیین شده در نهایت ۱۵ مقاله در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج: با توجه به مشخص شدن تأثیر مثبت معنویت بر ارتقای سلامت جسمی و روانی افراد در بحران کرونا پیشنهاد می شود که آموزش های معنوی و حمایت های معنوی در این دوران افزایش یابد تا شاهد تأثیر مثبت آن در جامعه باشیم.

نتیجه گیری: با توجه به مشخص شدن تأثیر مثبت معنویت بر ارتقای سلامت جسمی و روانی افراد در بحران کرونا پیشنهاد می شود که آموزش های معنوی و حمایت های معنوی در این دوران افزایش یابد تا شاهد تأثیر مثبت آن در جامعه باشیم.

واژگان کلیدی: معنویت، سلامت جسم، سلامت روان، کرونا ویروس



رابطه کیفیت زندگی عمومی با کیفیت زندگی اختصاصی کاری بهورزان زن؛ با نقش واسط تعارض کار-خانواده

محترم ذبیحی^۱، قهرمان محمودی^۲، قاسم عابدی^۳، حسین اسمعیلی گلسفید^۴

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
Elhamzabih213@yahoo.com

۲. دانشیار مرکز تحقیقات مدیریت بیمارستان، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

۳. دانشیار مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۴. کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی مازندران، شبکه بهداشت و درمان، چالوس، ایران

زمینه و هدف: موضوع کیفیت زندگی عمومی و تأثیر آن بر کیفیت زندگی اختصاصی کاری از مقوله های مهم و حیاتی در سازمانهای امروزی است همچنین تعارض کار- خانواده پدیده مهمی است که هم کارمندان و هم کارفرمایانشان را تحت تأثیر قرار میدهد. بهورزان نیز از نیروهای کلیدی در محیطی ترین واحد ارائه خدمات نظام شبکه های بهداشتی درمانی کشور محسوب می شوند که در تماس مستقیم با مردم بوده و نقش آن ها در ارائه خدمات پیشگیری و تندرستی به جامعه بسیار ارزشمند است چرا که وضعیت کیفیت زندگی این گروه بر نحوه ارائه خدمات در جامعه هدف بسیار مهم و تأثیرگذار خواهد بود. این مطالعه به تعیین رابطه کیفیت زندگی عمومی با کیفیت زندگی اختصاصی کاری در بهورزان زن با نقش واسط تعارض کار- خانواده می پردازد.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی بوده که در سال ۱۳۹۶ انجام شد. جامعه پژوهش، بهورزان زن شاغل در معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی مازندران بودند که ۱۰۱ نفر به روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه های استاندارد کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت (WHOQOL-BREF)، کیفیت زندگی کاری کاسیو و تعارض کار خانواده کارلسون جمع آوری و نتایج با کمک نرم افزار SPSS 24 و AMOS 22 تحلیل شد.

نتایج: رابطه کیفیت زندگی عمومی با کیفیت زندگی اختصاصی کاری در بهورزان زن معنی دار بوده ($t=3/592$, $P=0/0009$) و بین کیفیت زندگی عمومی با تعارض کار نیز رابطه منفی معنی داری وجود داشت ($t=-4/414$, $P=0/0009$). در بررسی ها اثر میانجی گری متغیر تعارض کاری، بین کیفیت زندگی عمومی و کیفیت زندگی اختصاصی کاری، معنی دار نبود ($P=0/16$). (=

نتیجه گیری: از آنجا که کیفیت زندگی عمومی اثر مستقیمی بر کیفیت زندگی اختصاصی کاری بهورزان زن داشته با برنامه ریزی صحیح و برگزاری دوره های آموزشی مدون در راستای توانمندسازی، افزایش مهارت های زندگی و مدیریت زمان و قدرت تطابق بهورزان جهت افزایش کیفیت زندگی عمومی، می توان شاهد افزایش کیفیت زندگی کاری و کاهش تعارض کار آنان بود.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی عمومی، کیفیت زندگی کاری، تعارض کار - خانواده، بهورزان زن



کنترل اضطراب ناشی از کرونا ویروس در سالمندان: مرور سیستماتیک

مهتاب ناصری^۱، شکوفه زارعی، اشرف بیرامی، زینب سادات موسوی فرد، شیلا عزیزی

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس، ایران

Moonlightmahtab14@gmail.com

۲. هیات علمی، گروه پرستاری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

زمینه و هدف: سالمندی دوران حساسی از زندگی بشر است. بیماری کرونا که یک بیماری عفونی با شیوع بالا می باشد در این گروه به دلیل ضعف جسمی، شدیدتر و نرخ مرگ بیشتری دارد. به همین دلیل شیوع این ویروس سبب افزایش اضطراب در بین عموم مردم بلاخص سالمندان شده است. با توجه به ارتباط بین اضطراب و تاثیر منفی آن بر سیستم ایمنی، پژوهش حاضر با هدف کنترل اضطراب ناشی از کرونا بر زندگی سالمندان انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه به روش مرور سیستماتیک انجام شده است. در این پژوهش شواهد منتشر شده تا اول اکتبر ۲۰۲۰ از طریق جستجو در پایگاه های اطلاعاتی PubMed، Scopus، Google Scholar و SID به دو زبان انگلیسی و فارسی و با کلیدواژه های کووید ۱۹، سالمندان، اضطراب و کرونا ویروس مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج: نتایج مطالعات پیشین نشان می دهد که راهکارهای کنترل اضطراب ناشی از کرونا ویروس در سالمندان عبارتند از: آموزش درباره ماهیت ویروس و راههای پیشگیری از آن، پاسخ به هرگونه سوالاتی درباره بیماری، تحرک کافی و ورزش در خانه و یا قدم زدن در مکان های خلوت، کسب اطلاعات دقیق از منابع معتبری چون وزارت بهداشت یا سازمان جهانی بهداشت، دنبال نکردن اخبار منفی و داشتن نگرش مثبت، حفظ ارتباط خود با دیگران از طریق تلفن همراه و شبکه های اجتماعی معتبر، صحبت کردن در مورد نگرانی های خود و روش های پیشگیری، رعایت پروتکل های بهداشتی، تکنیک های آرام سازی، تنفس عمیق، خواب کافی و با کیفیت شبانه و مصرف کمتر کافئین و نیکوتین.

نتیجه گیری: شناخت موقعیتهایی که به کاهش استرس سالمندان کمک کرده و سازگاری آنان را در پیشگیری یا مبارزه با بیماری تقویت می کند، حائز اهمیت است. پاسخ های سیستم ایمنی در سالمندان کندتر می باشد و از کارایی کمتری برخوردار است. لذا توجه به این گروه از افراد، جهت اقدامات پیشگیری و مراقبتی لازم است. یکی از راههای مهم پیشگیری از بیماری، رعایت فاصله گذاری اجتماعی است. همچنین باید به سالمندان آموزش داد که بسیاری از افراد ممکن است دچار علائم خفیف بیماری شوند که هیچ گونه عارضه ای هم برای فرد برجا نمی گذارد. با توجه به فراموشی ناشی از پدیده سالمندی و نقش حمایت اجتماعی خانواده در رفتارهای خودمراقبتی سالمندان، آموزش خانواده در کنار این گروه از بیماران ضرورت دارد.

واژگان کلیدی: کووید ۱۹، سالمندان، اضطراب و کرونا ویروس



مروری سیستماتیک بر چالش های کادر درمان در زمان بیماری کرونا ویروس

الناز حاجیان^۱، شکوفه زارعی^۲، زینب السادات موسوی فرد^۲، اشرف بیرامی^۲، شیلان عزیزی^۲، محمدامین

معصومی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس

aminurse2035@yahoo.com , Elnazhajian7999@gmail.com

۲. هیات علمی، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس

زمینه و هدف: بیماری کووید ۱۹ چالشی اساسی برای سیستم های مراقبت بهداشتی در سراسر جهان است. کادر درمان یکی از گروه های اصلی است که در طی شیوع بیماری کرونا ویروس تحت فشار زیاد با منابع و امکانات ناکافی قرار گرفتند. با توجه به جدید بودن بیماری و پررنگ تر شدن نقش کادر درمان در درمان و پیشگیری این بیماری، پژوهش حاضر با هدف مروری سیستماتیک بر چالش های کادر درمان در زمان بیماری کووید ۱۹ انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه به روش مرور سیستماتیک انجام شد. در این مطالعه، شواهد منتشر شده تا اول اکتبر ۲۰۲۰، از طریق جستجو در پایگاه های اطلاعاتی PubMed، Scopus، Google scholar و با کلیدواژه های "Coronavirus 2019"، "COVID-19"، "Healthcare workers"، "Challenges" بدست آمده اند.

نتایج: نتایج پژوهش ها نشان می دهد که چالش های کادر درمان در مواجهه با کرونا ویروس عبارتند از: آشفتگی روانی و هیجان های منفی، فشار کاری، کمبود متخصصان سلامت روان و مهارت های روانشناختی، عدم آمادگی کافی در مقابله با بیماری، کمبود دانش تخصصی و تجربه کافی در ارتباط با این بیماری، اختلاف نظر و تعارض با اعضای خانواده، کاهش روابط بین فردی و استیگمای کرونا ویروس، تجربه تعارض شغلی و تجربه ناکامی و درماندگی به علت ماهیت بیماری. همچنین کمبود پرستار باتجربه در بیمارستان ها و کلینیک ها، کمبود تجهیزات محافظت شخصی برای جلوگیری از شیوع عفونت مانند ماسک، در دسترس نبودن امکانات اقامتی و حمل و نقل برای کارکنان مراقبت های بهداشتی، کمبود امکانات کافی برای قرنطینه برای کارکنان مراقبت های بهداشتی، فرسودگی جسمی و استرس ذهنی به دلیل کار در یک موقعیت غیرقابل پیش بینی، نگرانی در مورد ایمنی و امنیت شخصی در محل کار و جامعه و همچنین نگرانی در مورد ایمنی اعضای خانواده، خدمات حمایتی ناکافی مانند غذا و سایر امکانات هنگام انجام وظیفه از دیگر چالش های کادر درمان در زمان بیماری کووید ۱۹ می باشد.

نتیجه گیری: چالش ها هنوز به پایان نرسیده اند. برنامه ریزی های دقیق چون افزایش کادر درمانی و حمایت های مادی و معنوی از کادر درمانی، آموزش و دادن اطلاعات لازم در مورد بیماری، افزایش متخصصین روانشناسی در بیمارستان ها و توانمند سازی کادر درمان با آموزش و مهارت صحیح در زمینه مقابله با بحران در مدیریت چالش ها موثر می باشند.

واژگان کلیدی: چالش ها، کادر درمان، کووید ۱۹



Clinical signs of coronavirus in the elderly: A systematic review

Mohammad amin masoumi¹, elnaz Hajian¹, Zeinab sadat moosavifard², ashraf beirami², shilan azizi², shekufe zaree²

1.BSc in Nursing, Department of Nursing, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran. Aminurse2035@yahoo.com, Elnazhajian7999@gmail.com

2.Faculty of nursing, Department of Nursing, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

Background: Coronavirus is one of the pandemic diseases that was first diagnosed in Wuhan, China, Hubei Province, and then spread throughout China to other countries such as Thailand, Japan, Korea, the United States and even Iran. It is a beta-coronavirus, an orthocoronavirine virus, and an RNA virus that infects the respiratory tract and has symptoms similar to the common cold, flu, SARS, and measles. The main symptoms of this disease are fever, cough, shortness of breath, chest pain and accumulation of fluid in the pleural space (space between the lungs and ribs), but symptoms such as chills, body aches, sore throat, headache, runny nose, hypoxemia (Decreased oxygen delivery to the arteries on average) and other symptoms have also been observed. Given that the elderly are one of the high-risk groups, it was decided to examine the clinical symptoms of the elderly with Cronab.

Material and Methods: In this study, which is a kind of systematic review, for receiving the necessary information and downloading the required Persian articles, the sites were referred to SID, GOOGLE SCHOLAR, ISC and for English language articles to google scholar, pub med scopus, ISI sites and Among the received articles, we collected relevant and necessary information and presented it as a review article.

Results: The results showed that the elderly due to physical weakness, immune system problems and underlying diseases such as hypertension, diabetes, hyperlipidemia, kidney disease; There may be several symptoms. Studies show that the onset of symptoms to death was lower in the elderly than in the middle-aged and young (less than 14 days). Elderly people are also more likely to have multiple lobes of the lung than others. But involvement lesions in the lobes are no different from other groups. They may also present with symptoms of sputum, headache, bleeding, diarrhea, and indigestion for a variety of reasons. Affected elderly also show more severe pneumonia than middle-aged and young people. Also, in terms of paraclinical findings, elderly people with coronary heart disease have lower lymphocyte counts and higher CRP levels than other groups, but in terms of neutrophil count, hematocrit Hemoglobin, platelets did not change significantly.

Conclusions: The results showed that in the elderly with coronary heart disease with different underlying diseases, symptoms, diagnosis, course of treatment and prognosis are different from other groups, so that they need more accurate and different care.

Keywords: Corona virus, Elderly, Underlying disease, Clinical symptoms



بررسی میزان اضطراب ناشی از کرونا (مروری نظام مند)

محیا عظیمی^۱، فرحناز فرنی^۲، شهاب الدین طبایی^۳، امیر محمد صادقیان^۳، محمد علی خبیری^۳

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۲. دکتری تخصصی پرستاری، استادیار، دانشکده پرستاری و مامایی، مرکز تحقیقات پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۳. دانشجو پزشکی، دانشکده پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

زمینه و هدف: Covid-19 نوعی بیماری ایجاد شده توسط کرونا ویروس جدید SARS-COV-19، که سبب بروز همه گیری و بحران جهانی شده است. این ویروس ابتدا در دسامبر ۲۰۱۹ در ووهان چین شناسایی شده و تاکنون در سراسر جهان گسترش یافته است. کرونا ویروس جدید نه تنها موجب تهدید سلامت جسمانی جامعه و در برخی از موارد مرگ می شود بلکه با توجه به پاندمی شدن اغلب سبب عدم اطمینان و سردرگمی نیز می گردد. سیاست های بهداشتی علیرغم پیامد های مثبت، موجب اثرات منفی روان شناختی در سطح جامعه شده است، در زمان همه گیری یک بیماری مانند کرونا ترس از بیماری و ترس از مرگ همراه با آشفتگی های فعالیت ها سبب شده تا افراد سالم نیز با اضطراب بیماری درگیر شوند. اضطراب کرونا اضطراب ناشی از مبتلا شدن به ویروس که بیشتر به دلیل ناشناخته بودن و ایجاد ابهام شناختی درباره ان می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع مروری نظام دار است. جستجو در پایگاه های اطلاعاتی PubMed, Scopus, SID, Google scholar، با استفاده از کلید واژه های فارسی "اضطراب" کرونا ویروس جدید ۲۰۱۹ " کووید ۱۹" و معادل انگلیسی آن ها "Anxiety" Corona virus 2019 "COVID-19" stress " disaster" انجام شد. معیارهای ورود به مطالعه عبارت بود از: مقاله های تحقیقی اصیل تمام متن انگلیسی یا فارسی منتشر شده در مجلات الکترونیکی در بازه زمانی ۲۰۲۰ تا ۲۰۱۹ در مورد موضوع مورد نظر بودند. نهایتاً ۶۲ مقاله حائز شرایط ورود به مطالعه را داشتند.

نتایج: در اکثر مطالعات صورت گرفته میزان اضطراب ناشی از کرونا به دلیل پاندمیک شدن، اعمال قرنطینه و محدودیت های اجتماعی، ترس از بیماری و ترس از مرگ همراه با آشفتگی های فعالیت ها و ... بالا بیان شده است.

نتیجه گیری: با توجه به یافته ها این چنین استنباط می شود که میزان اضطراب کرونا به دلیل ناشناخته بودن بسیار بالاست است ولی به علت انجام مطالعات در ایران و یافتن روش های جهت کنترل اضطراب انجام مطالعات بیشتر در این زمینه توصیه می شود.

واژگان کلیدی: اضطراب، کرونا ویروس جدید ۲۰۱۹، کووید ۱۹، Anxiety.COVID-19, stress, disaster



تاثیر برنامه مداخله آموزشی مرتبط با مکمل یاری آهن در نوجوانان دختر: کاربرد نظریه رفتار برنامه ریزی شده

علیرضا جعفری^۱، علی عالمی^۲، زهرا حسینی^۳، هادی طهرانی^۴، سیده بلین توکلی ثانی^۴، الهه لعل منفرد^۵

۱. دانشجوی دکتری، رشته آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، jafari.ar94@gmail.com
۲. دانشیار، رشته اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد
۳. کارشناس ارشد، رشته علوم تغذیه، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد
۴. مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
۵. دانشجوی دکتری، رشته آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

زمینه و هدف: کم خونی یکی از مشکلات شایع در میان دختران می باشد. این مطالعه با هدف تعیین تاثیر برنامه مداخله آموزشی بر اساس نظریه رفتار برنامه ریزی شده مرتبط با مکمل یاری آهن در نوجوانان دختر انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه نیمه تجربی روی ۱۷۷ نفر از دانش آموزان دختر دبیرستانی در دو گروه آزمون (۸۵ نفر) و کنترل (۹۲ نفر) انجام گردید. اطلاعات با استفاده از یک پرسشنامه محقق ساخته روا و پایا شده جمع آوری گردید. تجزیه و تحلیل با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ و آزمون های آماری تی مستقل و تی زوجی انجام شد.

نتایج: بر اساس نتایج بدست آمده میانگین نمرات سازه های آگاهی، نگرش، هنجار انتزاعی، کنترل رفتاری درک شده و قصد رفتاری قبل از مداخله به ترتیب برابر با ۲۰/۶۵، ۲۵/۸۸، ۲۵/۸۲، ۲۰/۱۲، ۱۱/۰۲ و بعد از مداخله به ترتیب برابر با ۲۳/۷۴، ۲۵/۴۸، ۲۷/۱۸، ۲۳/۱۱، ۱۱/۸۲ بود که تمام سازه ها به جزء نگرش در گروه آزمون نسبت به گروه کنترل بعد از آموزش افزایش معنی داری پیدا کرده بودند ($p < 0.001$).

نتیجه گیری: بر اساس نتایج بدست آمده مداخله آموزشی بر اساس نظریه رفتار برنامه ریزی شده می تواند باعث افزایش مصرف مکمل های آهن توسط دانش آموزان دختر شود و یکی از نظریه های موثر و قابل استفاده در این زمینه می باشد.

واژگان کلیدی: نظریه رفتار برنامه ریزی شده، نوجوانان، دانش آموزان، مکمل آهن، کم خونی



Fear of hospitalization and coping strategies in hospitalized children: A systematic review

Mohammad Mehdi mohammadi¹, Zeinab sadat moosavi fard²

1. BSc in Nursing, Department of Nursing, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran. mm.mohammadi76@gmail.com

2. Faculty of nursing, Department of Nursing, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

Background: Illness and hospitalization of children have a profound psychological effect on children. On the other hand, being hospitalized in a boring hospital environment causes isolation and fear of hospitalized children. Fear and anxiety of hospitalized children are effective in communicating with the nurse, lack of cooperation, the formation of long-term fear of the nurse and many other things. The aim of this study was to determine the level of fear and anxiety of hospitalized children and strategies to deal with it.

Material and Methods: In this article, a systematic review, by searching the reputable databases of Scopus, PubMed, SID, Wiley, Magiran Iranmedex using the keywords fear, anxiety, child, hospitalization, play therapy without restrictions in the type of study in Persian and English articles were identified in the last 10 years. Then, by reviewing the full text of the articles, those that were relevant to the subject and purpose of the study were used.

Results: The highest fear of hospitalized children is fear of pain and stress in the hospital environment, pain from injections and treatment steps and medical staff. Finding new friends and peers, play therapy, using toys and dolls appropriate for the age group of children, getting to know and explaining about the treatment process and changing the staff uniform to a colorful and happy one from this fear and anxiety to some extent in reducing this fear and anxiety.

Conclusions: Since the main cause of children's fear is the hospital environment and unfamiliar treatment measures, it is recommended to prepare children before hospitalization and at the beginning. Also, methods such as providing playrooms with equipment suitable for different ages and wearing colored clothes by the staff of children's wards as non-pharmacological and effective methods to reduce anxiety and fear in children.

Keywords: fear, anxiety, child, hospitalization, play therapy



درمان اختلالات شناختی در سالمندی

ریحانه سادت اخلاقی^۱، علی بوعدار^۲، پروانه رحیمی فر^۳

۱. دانشجوی کارشناسی گفتار درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

reyhaneh.akhlaghi98@gmail.com

۲. کارشناس گفتار درمانی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

۳. عضو هیئت علمی گروه گفتار درمانی، مرکز تحقیقات توانبخشی عضلانی و اسکلتی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

زمینه و هدف: بنابر تعریف سازمان بهداشت جهانی افراد بالای ۶۰ سال سالمند تلقی می شوند. سالمندان به دلیل کاهش ظرفیت های فیزیولوژیک و تعداد نورون های مغزی مستعد انواع بیماری ها و ناتوانی ها می شوند که یکی از این ناتوانی ها اختلالات شناختی است. در اختلالات شناختی مهارت توجه، حافظه، جهت یابی، عملکرد اجرایی، قضاوت و حل مسئله آسیب می بیند و به دنبال آن کیفیت زندگی سالمندان مختل می شود. با توجه به روند روبه افزایش جمعیت سالمندان و حائز اهمیت بودن کیفیت زندگی آن ها با توجه به اینکه مداخله زودهنگام و پیشگیری از بروز مشکلات بیشتر برای سالمندان مورد توجه است، در این پژوهش برآن شدیم تا درمان اختلال شناختی در سالمندان را مورد بررسی قرار دهیم.

مواد و روش ها: مقاله مروری حاضر بر تحقیقات منتشر شده بین سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۹ در پایگاه های اطلاعاتی pubmed، elsevier، google scholar و همچنین جستجو در منابع کتابخانه ای بوده است. بمنظور انجام پژوهش مطالعات با معیار سالمندی، نقص شناختی در سالمندی، درمان های شناختی در سالمند انتخاب و استفاده گردید.

نتایج: گفتاردرمانگران در تشخیص و درمان اختلالات شناختی در سالمندان نقش بسزایی ایفا می کنند. یکی از شیوه های درمان شناختی، درمان شناختی ارتباطی است، که این نوع درمان ها از دو رویکرد جبرانی و ترمیم کننده تشکیل شده است. رویکرد های درمانی جبرانی (compensatory treatment) برآموزش روشها و مهارت های خاص فردی برای جبران یا غلبه بر نقص ها تمرکز دارد. در درمان های ترمیمی (restorative treatment) شامل درمان مستقیم با هدف بهبود یا ترمیم عملکرد (های) مختل شده از طریق آموزش مجدد است.

نتیجه گیری: هدف از درمان شناختی-ارتباط (cognitive communication treatment) به حداکثر رساندن کیفیت زندگی و موفقیت در برقراری ارتباط است، استفاده از هر روش به طور مجزا یا ترکیبی به بهبود فرد یا پیشگیری از بدتر شدن مشکل می شود.

واژگان کلیدی: سالمندی، نقص شناختی، درمان نقایص شناختی، گفتاردرمانی



علائم نوظهور در مبتلایان به ویروس کرونا: مطالعه مروری

سبحان سیناء^۱

۱. دانشجوی پزشکی دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران Sinasobhan90@yahoo.com

زمینه و هدف: این روزها جهان درگیر پاندمی COVID-19 ناشی از ویروس SARS-COV-2 (sever acute respiratory syndrome 2) می باشد که تا کنون منجر به درگیری ۲۱۶ کشور و منطقه و ابتلا ۲۸/۳۲۹/۷۹۰ نفر شده است. از علائم اصلی این بیماری می توان به سرفه، تب و تنگی نفس اشاره کرد اما در بعضی از موارد، علائمی مانند کوفتگی بدن، سردرد، مشکلات گوارشی و از بین رفتن حس بویایی و چشایی نیز گزارش شده است. بر اساس گزارشات، فقدان حس بویایی و چشایی در مراحل اولیه ابتلا بروز می کند که از این ویژگی می توان برای کنترل بهتر و سریعتر بیماری، نظیر قرنطینه سازی استفاده کرد. هدف از این مطالعه بررسی دلایل ایجاد فقدان حس بویایی و چشایی در افراد مبتلا به کرونا است.

مواد و روش ها: این مطالعه در سال ۱۳۹۹ و با جست و جو کلید واژه هایی نظیر 'smell'، 'taste'، 'covid-19'، 'coronavirus' و 'ACE2' در پایگاه های داده ای مانند PubMed، Medline و Google Scholar انجام شده است.

نتایج: از دست دادن حس بویایی و چشایی ممکن است در بیماران دارای علائم اصلی و یا بدون این علائم بروز کند. ویروس کرونا برای ورود به سلول از گیرنده های ACE2 (angiotensin converting enzyme 2) استفاده می کند. تعداد و نسبت سلول های بیان کننده ACE2 در بافت بینی و دهانی، قابل مقایسه با بافت ریوی و کولون است. مطالعات نشان می دهد که ACE2 در مخاط دهانی، مخصوصا در سلول های اپی تلیال زبان بیان می شود. همچنین بر اساس برخی گزارشات، سلول های پشتیبان اپی تلیال بویایی، سلول های بنیادی و اپی تلیوم تنفسی بینی، ۲ ژن به نام های ACE2 و TMPRRS2 را بیان می کنند که می تواند مکانیسم بالقوه ای برای ایجاد فقدان حس بویایی و چشایی باشد. از طرفی این ویروس مانند ویروس آنفولانزا نوع A، فلج اطفال و هرپس ویروس ها، می تواند از اعصاب بویایی به عنوان مسیری برای نفوذ به سیستم عصبی مرکزی استفاده کند.

نتیجه گیری: آسیب به سلول های اپی تلیال مخاط بینی و دهانی، ناشی از ورود ویروس کرونا به این سلول ها از طریق گیرنده های ACE2 و همچنین تخریب عصب بویایی در هنگام تهاجم ویروس کرونا، می تواند منجر به از دست رفتن حس بویایی و چشایی در افراد مبتلا شود.

واژگان کلیدی: ویروس کرونا، حس چشایی، حس بویایی، ACE2



بررسی تاثیر سبک زندگی سلامت محور بر کیفیت گذران دوران سالمندی

فاطمه اسمعیلی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری ارتش، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران
dina.esmaeely@gmail.com

زمینه و هدف: سبک زندگی اصطلاحی است که از دهه ۱۹۵۰ به بعد به صورت بسیار جدی وارد ادبیات علوم اجتماعی، اقتصادی و روان شناسی شد. این اصطلاح به الگوهای نسبتاً پایدار رفتار افراد در سطح فردی و اجتماعی در شئون مختلف زندگی اشاره دارد. جوهره تعریف سبک زندگی سلامت محور، انسجام در انجام دادن مجموعه ای از رفتارهای مرتبط با بهداشت و سلامتی است. از طرفی افزایش جمعیت سالمندان در حال حاضر در حال تبدیل شدن به یک بحران جهانی می باشد به صورتی که سازمان جهانی بهداشت اعلام کرده است که انقلاب بزرگی در جمعیت شناسی در حال وقوع است این در حالی است که سرعت وقوع این پدیده در کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما چندین برابر است. هدف از این مطالعه، بررسی تاثیر سبک زندگی سلامت محور بر کیفیت گذران دوران سالمندی می باشد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر، مطالعه مروری بوده و از سایت ها و نشریه علمی معتبر مثل SID و موتور جستجوگر گوگل اسکولار از ۱۰ مقاله که مرتبط با موضوع بود و از کلمات کلیدی "سبک زندگی"، "سلامت محور"، "سالمندی" در بازه ی زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ استفاده شده است.

نتایج: با توجه به این که عمده درگیری سالمندان با بیماری های مزمن است که نیاز به مراقبت های طولانی مدت نیز دارند، این دسته از افراد عمده ترین مصرف کننده خدمات بهداشتی شناخته شده اند. از طرفی از سالمندی نیز نمی توان پیشگیری کرد لذا بهترین راه حل اصلاح سبک زندگی و ارتقا وضعیت بهداشت فردی می باشد در همین راستا سبک زندگی سلامت محور به عنوان یک پدیده چند بعدی به الگوهای رفتاری ای مربوط می شوند که می توانند برای جلوگیری از مشکلات مربوط به سلامت و تضمین کننده سلامت برای فرد کارآمد باشند. این سبک از ابعاد متنوعی چون ورزش، تغذیه مناسب، خود کنترلی و رفتارهای پیشگیرانه تشکیل شده اند در واقع سبک زندگی مجموعه ای کم و بیش جامع و منسجم از عملکرد های روزمره یک فرد است.

نتیجه گیری: اتخاذ سبک زندگی سالم در دوران سالمندی به دلیل قابلیت در پیشگیری از بیماری ها، ارتقای سطح کیفیت زندگی و بهبود سلامت جسم و روان و امید به زندگی بسیار اهمیت دارد. ارتقای وضعیت سلامت سالمندان باعث افزایش امید به زندگی و بهبود کیفیت زندگی آنان می شود به طوری که در سالمندان با سبک زندگی سالم تر، شاهد دوران سالمندی سالم و با کیفیت تری خواهیم بود.

کلمات کلیدی: سبک زندگی، سلامت محور، سالمندی



Factors Affecting on Sexual Health and Family - A Systematic Review

Zahra Alimoradi¹, Ashraf Beirami², Shilan Azizi³, Shokoofeh Zarei³,
ZeinabSadat Mousavifard³

1. BSc Nursing student, Young, and Elite Researchers Club, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University of Bandar Abbas, Iran hani_alimoradi@yahoo.com

2. Assistant Professor, Nursing Department, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran

3. Faculty Member of Nursing Department, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran

Background: Sexual health is an important and effective indicator of the quality of life and family. This study aims to review the factors affecting sexual health and family.

Material and Methods: The present study is a systematic review study, the researcher using the search for keywords sexual health, quality of life and family in reputable Persian and English databases, PubMed, Scopus Magiran, Database Information Scientific, a web of Science, Google Scholar from 1395 to 1398, related articles were extracted and after studying the titles and abstracts of articles and leaving out unrelated studies, finally 22 articles were used for writing.

Results: Systematic review of related studies shows the importance of balanced sexual health in maintaining and promoting the physical and mental health of the individual and family. Factors such as 1) creating a positive attitude towards sexual relations, 2) explaining the difference between sexual desire between men and women, 3) explaining common sexual duties specific to couples, 4) disciplining sexual relations, 5) avoiding illicit sexual success are effective in promoting family health. Also, sexual dysfunction can lead to a low quality of life by affecting various aspects of life.

Conclusions: Considering the impact of sexual dysfunction on various aspects of life and the need to improve sexual health in improving the quality of life and strengthening the family foundation, sex education will play an effective role in family health.

Keywords: Effective factors, Sexual, health, Family



بررسی میزان آگاهی و عملکرد زائران اربعین حسینی سال ۹۸ در خصوص پیشگیری از بیماری های رایج و اقدامات درمانی

همایون سحشور فرد^۱، محمد رضا حیدری^۲، فاطمه محمودی مجدآبادی^۳

۱. کارشناس بهداشت محیط اداره بهداشت و درمان دانشگاه شاهد salahshoor@shahed.ac.ir

۲. دکترای پرستاری و رئیس اداره بهداشت و درمان دانشگاه شاهد

۳. کارشناس بهداشت اداره بهداشت و درمان دانشگاه شاهد

زمینه و هدف: سنت حسنه پیاده روی اربعین ضمن اینکه ضرورت نظارت و ارائه خدمات بهداشتی و درمانی را ایجاب می کند، فرصت بسیار مناسبی برای مطالعات اپیدمیولوژیک و انواع مداخلات پیشگیرانه و آموزش سلامت است. لذا با استفاده از چنین فرصتی و پس از بررسی بیماری ها و عوارض شایع در بین زائران پیاده روی اربعین در سال ۹۵، این بار پس از مراجعت جمعی از دانشجویان و کارکنان دانشگاه شاهد از پیاده روی اربعین سال ۹۸، ضمن بررسی مجدد وضعیت شیوع بیماری ها و عوارض شایع به صورت اجمالی، به بررسی انواع رفتارها در اقدامات پیشگیرانه و درمانی پرداخته شد و همچنین منابع کسب آگاهی های بهداشتی گروه های هدف نیز مورد بررسی قرار گرفت.

مواد و روش ها: در این تحقیق توصیفی، توسط پرسشنامه محقق ساخته، اطلاعات مربوط به وضعیت ابتلا یا عدم ابتلاء به بیماری ها و عوارض احتمالی در طول سفر زیارتی پیاده روی اربعین و همچنین نحوه درمان افراد، نوع اقدامات پیشگیرانه و منابع کسب آگاهی آنان گردآوری شد.

نتایج: روند بیماری ها و عوارض شایع نسبت به پژوهش قبلی قدری متفاوت بود و این بار به ترتیب از بیشترین به کمترین موارد شامل عوارض پوستی (۸،۸۱٪)، سرماخوردگی (۹،۴۸٪) بیماری های گوارشی (۲،۳۵٪) و مشکلات عضلانی و اسکلتی (۸،۳۱٪) بوده است که ۵،۳۲٪ از این افراد اقدام به خود درمانی کرده اند، ۸،۳۳٪ به مراکز خدمات درمانی (هلال احمر و سایر موبک های درمانی) مراجعه کرده اند و ۳،۱۴٪ نیز اقدام خاصی را برای درمان خود انجام نداده اند و یا این که پس از مراجعت به کشور به پزشک مراجعه کرده اند. ۷،۴۷٪ از افراد انواعی از اقدامات پیشگیرانه (نظیر به همراه داشتن برخی داروها، پمادها، مرطوب کننده ها، خوراکی ها و داروهای تقویتی، استفاده از برخی دمنوش ها، عسل، آبلیمو، عرقیات گیاهی، دقت در انتخاب و استفاده از کفش مناسب، همراه داشتن ژل ضدعفونی دست ها و ...) را برای سفر لحاظ کرده اند و سایر افراد نیز هیچگونه اقدام پیشگیرانه خاصی را در نظر نگرفته اند. همچنین ۷۵٪ افراد به طرق مختلف برخی آگاهی های بهداشتی را برای این سفر کسب کرده اند که منابع کسب آگاهی آنان به ترتیب از بیشترین به کمترین عبارت بوده از: سایت ها و خبرگزاری ها، اطرافیان (خانواده و دوستان)، فضای مجازی، رسانه ملی و رسانه های چاپی (نظیر ویژه نامه های آموزشی، پمفلت ها و بنرهای بین راه)

نتیجه گیری: نتایج این پژوهش نشان می دهد که علی رغم در دسترس بودن و رایگان بودن خدمات درمانی، تعداد قابل توجهی از افراد مبتلا، اقدام به خود درمانی کرده و یا ترجیح دادند بیماری یا عارضه خود را نادیده بگیرند و پس از



مراجعت به کشور به مراکز درمانی مراجعه کنند. همچنین بیش از نیمی از افراد هیچگونه اقدام پیشگیرانه ای را برای این سفر در نظر نگرفته اند و افرادی هم که اقداماتی را در این زمینه ذکر کرده اند، تدابیر آن ها مبتنی بر یک اصول علمی مشخص نبوده است و ۲۵٪ از افراد نیز اصولاً به دنبال کسب آگاهی های برای پیشگیری و اتخاذ رفتاری های مبتنی بر حفظ و ارتقاء سلامت خود نبوده اند. لذا با توجه به اصل تقدّم پیشگیری بر درمان، بهتر آن است که فعالیت های خدماتی به زائران عزیز منحصر به حیطه های درمانی نشود و با استفاده از ظرفیت کارشناسان بهداشتی، اقدام به بیماریابی در بین زائران و آموزش اصول پیشگیرانه شود و بهره گیری بیشتر از ظرفیت رسانه ها و فضای مجازی نیز مد نظر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: پیاده روی اربعین، آموزش سلامت، بیماری ها، پیشگیری، درمان



بررسی ارتباط سلامت روانی بر رضایت زناشویی در زوجین سالمند قوچان در سال ۱۳۹۹

فاطمه رضانی برسلانی^۱، محمد واحدیان شاهرودی^۲، هادی طهرانی^۳، طاهره خوش باش^۴

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته آموزش بهداشت و ارتقا سلامت دانشگاه علوم پزشکی مشهد Ramezanibf981@mums.ac.ir
۲. دکتری آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشیار گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
۳. دکتری آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، استادیار گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
۴. کارشناسی مشاوره و راهنمایی، معاون پژوهشی، اداره آموزش و پرورش شهرستان قوچان

زمینه و هدف: یکی از مسائلی که امروزه در دوران سالمندی به آن توجه ویژه ای شده است رضایت از زندگی زناشویی می باشد که تاثیر زیادی بر سلامت زوجین در کهن سالی دارد. بنابراین هدف از این مطالعه بررسی ارتباط سلامت روانی بر رضایت زناشویی در زوجین سالمند قوچان در سال ۱۳۹۹ می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه بر روی ۶۰۰ فرد بالای ۶۰ سال (۳۰۰ زوج) انجام گرفت پس از اخذ رضایت از افراد و ثبت اطلاعات دموگرافیک، سلامت روانی بر اساس پرسشنامه SCL90 و رضایت زناشویی بر اساس پرسشنامه انریچ ثبت شد. آزمونهای کای اسکویر و من ویتنی جهت مقایسه داده ها استفاده شد.

نتایج: نتایج مطالعه ما نشان داد که میانگین رضایت زناشویی در افراد سالمند پایین می باشد و ارتباط مستقیمی با تحصیلات پایین، جنسیت زن دارد. از طرفی مشخص شد که سلامت روان در زنان تنها تحت تاثیر رضایت زناشویی می باشد ($P < 0.05$) که این امر نشان دهنده اهمیت رضایت زناشویی در افراد سالمند می باشد. ($P > 0.05$)

نتیجه گیری: بنابراین با توجه به ارتباط معناداری سلامت روانی بر رضایت زناشویی در زوجین سالمند، آموزشهای لازم جهت افزایش رضایت زناشویی در سالمندان امری مهم و ضروری است تا سبب افزایش سلامت روان شویم.

واژگان کلیدی: سلامت روان، رضایت زناشویی، سالمند



چرا پوشش رسانه‌ای اخبار درمان بیشتر از بهداشت و ارتقاء سلامت است؟

سمیرا محمدی^۱، علی رمضانخانی^۱، نسترن کشاورز محمدی^۱، علی منتظری^۲، اکبر نصراللهی

کاسمانی^۳

۱. دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. aramezankhani@sbmu.ac.ir

۲. مرکز تحقیقات سنجش سلامت، پژوهشکده علوم بهداشتی جهاددانشگاهی، تهران، ایران

۳. دانشکده علوم اجتماعی - ارتباطات و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

زمینه و هدف: نتایج مطالعات ایران و جهان نشان می‌دهد که رسانه‌ها گرایش بیشتری به پوشش اخبار "بیماری" بجای بهداشت و ارتقاء سلامت دارند. نظرات متفاوتی در مورد علل ایجاد کننده این وضعیت وجود دارد. این مطالعه برای رسیدن به درک جامع علل ایجاد کننده در اولویت قرار گرفتن پوشش اخبار درمان نسبت به بهداشت، دیدگاه ذیربطان حوزه رسانه و سلامت را مورد بررسی قرار داده است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه بخشی از یک مطالعه ترکیبی است که داده‌ها با مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته با ۱۷ نفر از ذیربطان حوزه رسانه و سلامت (مدیران و کارشناسان روابط عمومی سازمان‌های سلامت‌محور، متخصصان سلامت و خبرنگاران حوزه سلامت) جمع آوری شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوای قراردادی انجام گرفته است.

نتایج: یافته‌های حاصل از این مطالعه به عوامل مختلفی اشاره دارند از جمله: رویکردهای سازمانی بخش سلامت و به تبع آن رویکردهای سازمانی حوزه رسانه، تسلط رویکرد پزشکی در بین مردم و مدیران، جذابیت محتوای درمان، گرایش بیشتر مردم به اخبار حوزه درمان، فوریت درمان، مزیت اقتصادی پوشش اخبار بخش درمان، تعامل بیشتر پزشکان به ارتباط با رسانه‌ها است.

نتیجه گیری: با توجه به عوامل ذکر شده، ایجاد رسانه‌های ارتقاء دهنده سلامت فرایندی پیچیده اما ضروری است. برای تغییر در وضعیت موجود نیازمند درک جامع و عمیق از وضعیت موجود برای طراحی مداخلات مؤثر هستیم.

واژگان کلیدی: پوشش اخبار بهداشت، پوشش اخبار درمان، رسانه، ایران



مروری بر سطح سواد سلامت بیماران دیابتی تیپ ۲

فاطمه خباز زاده^۱

۱. کارشناس ارشد پرستاری، مربی دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران

fatemeh.khabazadeh@yahoo.com

زمینه و هدف: دیابت نوع ۲ یک از مهمترین چالش های سلامت عمومی است. سطح سواد سلامت بهداشتی در مراقبت و درمان بیماری های مزمن مانند دیابت تأثیر دارد. سواد سلامت ظرفیت افراد برای کسب، پردازش و درک اطلاعات و خدمات بهداشتی پایه مورد نیاز برای تصمیم گیری های مناسب بهداشتی است. میزان سواد سلامت علمکردی در طول رویارویی بیمار با ارائه دهندگان خدمات سلامت نقش مهمی بازی می کند و سطح کارآمدی ارتباط افراد با اهداف نظام مراقبت بهداشتی را تعیین می کند. مطالعه حاضر با هدف مروری بر سواد سلامت در بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ انجام شد.

مواد و روش ها: تعداد مقالات به دست آمده همه از نوع توصیفی بودند. ابتدا تمام پژوهش های مرتبط با سواد سلامت بیماران دیابتی ۲ از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۸ با استفاده از کلید واژه هایی نظیر "سواد سلامت"، "بیمار"، "دیابت تیپ ۲" در پایگاه های اطلاعاتی نظیر: اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، بانک اطلاعات مقالات ایران (Iran Medex) و Google و Pubmed و Google scholar صورت گرفته است. از ۴۰ مورد مقاله دریافتی از کلید واژه های "سواد سلامت" و "دیابت تیپ ۲" فقط ۲۸ مورد مرتبط با این عنوان مروری می باشد.

نتایج: این مورد مقاله دریافتی از نوع توصیفی می باشد. در این مقاله، سواد سلامت در سطح پایین و مرزی قرار داشت. و هیچ کدام در سطح کافی قرار نداشت. در مطالعه ی منصوری و همکاران میانگین میانگین نمره کل سلامت عمومی در افراد مورد پژوهش $11/72 \pm 58/13$ بود که در سطح مرزی قرار داشت.

نتیجه گیری: یافته های این پژوهش ها روشن ساخت که سطح سواد سلامت در بیماران دیابتی پایین می باشد. از آن جا که سواد سلامت پایین مانع درک اطلاعات بهداشتی و دستورالعمل های پزشکی می شود، لذا ضروری است که جهت افزایش سواد سلامت بیماران تدابیری سنجیده گردد.

واژگان کلیدی: سواد سلامت، دیابت تیپ ۲، بیمار، ایران.



ارزیابی عملکرد بیمارستان های دوستدار کودک تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی

شهید بهشتی: ۱۳۹۸

شهناز دلبرپور احمدی^۱، پروین محمدقاسم پور^۲، فاطمه تاج الدینی^۳، دکتر فرناز اهدائی وند^۴

۱. کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی، MPH، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران، sh_delbarpoor@yahoo.com
۲. کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، MPH، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران
۳. کارشناس مامایی، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۴. متخصص زنان و زایمان، مدیر گروه سلامت خانواده، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: شیر مادر بهترین غذا برای شیرخواران محسوب می شود، زیرا نیازهای اساسی نوزاد را برطرف می کند. راه اندازی بیمارستان های دوستدار کودک یک نهضت جهانی است که توسط یونیسف و سازمان جهانی بهداشت آغاز شده و هدف آن اعطاء بهترین شروع زندگی به هر نوزاد از طریق برقراری و ارائه مراقبت های بهداشتی مناسب برای حمایت از تغذیه با شیر مادر به عنوان یک رفتار معمول در جوامع مختلف است. مطالعه حاضر با هدف ارزیابی عملکرد بیمارستان های دوستدار کودک تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در زمینه اجرای ۱۰ اقدام در سال ۱۳۹۸ انجام شد.

مواد و روش ها: این بررسی به صورت مقطعی در کلیه بیمارستان های دوستدار کودک (۴۰ بیمارستان) وابسته به دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۹۸ انجام شد. داده ها با استفاده از چک لیست استاندارد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و توسط کارشناسان ستاد شبکه ها و مراکز بهداشت جمع آوری گردید. سپس وارد نرم افزار آماری SPSS و با استفاده از روش های توصیفی تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: طبق یافته های بدست آمده امتیاز ۱۰ اقدام به ترتیب تدوین سیاست مدون تغذیه با شیر مادر و نصب آن در در معرض دید کلیه کارمندان (۹۵ درصد)، آموزش تمامی کارمندان به منظور کسب مهارت های لازم برای اجرای سیاست های فوق (۹۵ درصد)، آموزش مادران باردار در زمینه مزایای ترویج تغذیه با شیر مادر و چگونگی شیردهی (۹۴،۱۱ درصد)، کمک به مادران جهت تماس پوست با پوست و شروع تغذیه با شیر مادر ظرف یک ساعت (۹۰ درصد)، آموزش مادران در مورد روش تغذیه با شیر مادر و چگونگی حفظ و تداوم شیردهی حتی هنگام جدا شدن از نوزاد (۹۲،۵ درصد)، تغذیه انحصاری نوزاد سالم با شیر مادر و منع استفاده از غذا یا مایعات دیگر (۹۷،۵ درصد)، اجرای برنامه هم اتافی مادر و نوزاد در طول شبانه روز (۹۲،۵ درصد)، تشویق مادران برای تغذیه با شیر مادر بر حسب میل و تقاضای شیرخوار (۹۷،۵ درصد)، منع کامل استفاده از شیشه شیر و پستانک (۹۷،۵ درصد)، تشکیل گروه های حمایت از مادران شیرده و پیگیری آن و معرفی مادران به هنگام ترخیص به این گروه ها (۱۰۰ درصد) می باشد.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه حاضر، اجرای اقدامات ده گانه در حد مطلوب (بالای ۹۰ درصد) است. با این حال با توجه به اهمیت تغذیه با شیر مادر بایستی دستورالعمل ترویج تغذیه با شیر مادر در بیمارستان های دوستدار کودک به طور کامل اجرا شود. طراحی مداخلاتی جهت آموزش مادران باردار در زمینه مزایای ترویج تغذیه با شیر مادر و چگونگی شیردهی، کمک به مادران جهت تماس پوست با پوست و شروع تغذیه با شیر مادر ظرف یک ساعت، آموزش مادران در



مورد روش تغذیه با شیر مادر و چگونگی حفظ و تداوم شیردهی حتی هنگام جدا شدن از نوزاد، اجرای برنامه هم اتاقی مادر و نوزاد در طول شبانه روز در این زمینه لازم به نظر می رسد.
واژگان کلیدی: شیر مادر، ارزیابی، بیمارستان دوستدار کودک



بررسی ۱۰ ساله مرگ خارج بیمارستانی کودکان ۱ تا ۵۹ ماهه تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی: ۸۹-۹۸

شهناز دلبرپور احمدی^۱، پروین محمدقاسم پور^۲، فاطمه تاج الدینی^۳، دکتر فرناز اهدائی وند^۴، شهلا شیخی نژاد^۵، سوزان وجدانی^۶

۱. کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی، MPH، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
sh_delbarpoor@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، MPH، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. کارشناس مامایی، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۴. متخصص زنان و زایمان، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۵. کارشناس ارشد آموزش پزشکی، شبکه بهداشت و درمان شمیرانات، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۶. دانشجوی کارشناسی، رشته مامایی، شبکه بهداشت و درمان شمیرانات، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال یکی از شاخص های مهم توسعه و سلامت در کشورها بوده و در تعیین رشد جمعیت نقش مهمی دارد. بنابراین ترسیم دقیق چهره مرگ و میر کودکان در جامعه، به منظور شناسایی علل بروز و یا عوامل قابل اجتناب جهت طراحی مداخلات و جلوگیری از مرگ های مشابه، از جمله مهمترین راهکارها برای کاهش این میزان است. مطالعه حاضر با هدف بررسی مرگ خارج بیمارستانی کودکان ۱ تا ۵۹ ماهه تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه مقطعی و توصیفی کلیه مرگ های خارج بیمارستانی کودکان ۱ تا ۵۹ ماهه تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ که از فرم اطلاعات اداره سلامت کودکان وزارت بهداشت استخراج شده بود مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: تعداد مرگ ها ۲۰۲ مورد بود. بیش از نیمی از کودکان فوت شده (۵۲.۹٪) دختر، ملیت ایرانی (۶۸.۸٪)، محل سکونت شهر (۶۱.۸٪) بودند. در بین گروه های سنی به ترتیب ۱ تا ۱۲ ماه (۶۵٪)، ۱۲ تا ۲۴ ماه (۱۵.۸٪)، ۲۴ تا ۳۶ ماه (۸.۹٪)، ۳۶ تا ۴۸ ماه (۷.۴٪) و ۴۸ تا ۵۹ ماه (۲.۹٪) بودند. بیشترین علل فوت کودکان به ترتیب ناهنجاری مادرزادی و کروموزومی (۳۹.۱٪)، سوانح و حوادث (۲۰.۷٪)، بیماری سیستم تنفسی (۶.۴٪)، بیماری سیستم گوارشی (۳.۴٪)، بیماری سیستم قلبی و عروقی (۳.۴٪) و بیماری متابولیک (۳.۴٪) گزارش شد. در بین مرگ های ناشی از حوادث نیز شایع ترین علل به ترتیب انسداد تنفسی (۲۸.۵٪)، غرق شدگی در استخر و کانال های آب (۲۶.۱٪)، حمل و نقل (۲۳.۸٪)، مسمومیت (۱۱.۹٪)، برق گرفتگی (۹.۵٪) و سقوط (۴.۷٪) بدست آمد.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج بدست آمده، طراحی و اجرای مداخلاتی در زمینه انجام مراقبت های پیش از بارداری و غربالگری های دوران بارداری، پیشگیری از حوادث و ایمن سازی محل سکونت در کاهش میزان مرگ کودکان موثر می باشد. هم چنین دراستای کاهش مرگ و میر کودکان، آموزش مادران دارای کودک زیر ۵ سال بالاخص زیر ۲ سال توسط کارکنان بهداشتی از اولویت خاصی برخوردار است.

واژگان کلیدی: مرگ کودکان، ناهنجاری مادرزادی، حوادث



The effect of self-care on people's health: A systematic review of the evidence

ahmad tahmasebi ghorrabi¹, moslem khajavi²

1.MSc in health services administration, School of health, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran

2. Student Research Committee, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran

Back ground and Aim: Health-promoting self-care has been recognised as a promising strategy in preventative health. This systematic review study aimed to investigate the impact of self-care among healthy individuals.

Search Method: The study method was a systematic and narrative review. The Search words were (self-care, healthy people, effect self-care, public health) .The search was performed through a PubMed ,Scopus and Science Direct database and reference tracking of selected articles. The review, selection, screening and evaluation of the articles were independently reviewed by the researchers.

Findings: Initial survey found 34 studies. Thirteen studies were analyzed after meeting the inclusion criteria. The results showed that self-care behaviors, changing health promoting behaviors, and use of medical care were the main outcomes evaluated in the studies. Increased self-care behaviors and health-promoting behaviors had limited or mixed effects on health, beliefs, and use of health services. The main points of this study were the lack of clear definition of the word "self care" and the inconsistency in the terms used in self care.

Conclusion: Health-promoting preventative self-care interventions show promise in increasing the well-being of healthy people. Therefore, it is suggested to promote self-care practices among healthy people by health care systems.

keywords: public health, self-care, people's health, systematic review



Factors the Facilitators of Health Policy Making: A Systematic Review

ahmad tahmasebi ghorrabi¹, aboozar darvishi²

1. MSc in health services administration, School of health, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran

2. Student Research Committee, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran

Back ground and Aim: Understanding the facilitating factors is important in properly analyzing policies and understanding the relationships among the factors influencing policy outcomes. This issue is more important in the health system because of the specific nature of decision making in this system and its effects on public health. The purpose of this study was to identify factors that facilitate health policy making.

Search Method: Scoping technique and thematic content analysis were used in this study. Combined and empirical findings were used to identify facilitating factors in health policy. The keywords (health policy maker, Health Policy Making, health policy facilitator, health policy facilitator) were searched in my and you databases.

Findings: A total of 10 studies and 15 experimental studies were included in the analysis. These were coded thematically and the reported factors were evaluated as possible for use in research. The 10 main categories that drive the use of research in political organizations are: (1) individual factors, (2) research integration management, (3) organizational systems and research utilization infrastructures, (4) institutional structures and related laws. (5) organizational features, (6) comprehensive and detailed studies, (7) the use of educated, (8) economic, cultural, political, and social considerations, (9) financial resources. And human, (10) sound and efficient management.

Conclusions: In spite of efforts and research in this area, it is necessary to set up a framework and consider facilitating factors to develop better and healthier policies for the health system.

Keywords: Health Policy, Health Policy Making, health policy facilitator, Systematic Review



بررسی تأثیر آموزش کارکنان صنایع فلزی در اجرای اقدامات بهداشتی به منظور مقابله با کرونا ویروس (کووید-۱۹)

بهنام مرادی^۱، سمیرا برکات^۲

۱. کارشناسی ارشد، مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
۲. کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان Samirabarakat.ohs@gmail.com

زمینه و هدف: در اواخر دسامبر سال ۲۰۱۹ در ووهان چین بیماری نوپدید کروناویروس که به عنوان سندرم حاد تنفسی مطرح است، شیوع پیدا کرد؛ به طوری که این بیماری در سطح بین المللی به وضعیت اضطراری بهداشت عمومی تبدیل گردید و سپس به صورت پاندمیک گسترش یافت. هدف از این مطالعه تعیین تأثیر آموزش کارکنان صنایع فلزی در اجرای اقدامات بهداشتی به منظور مقابله با کرونا ویروس بود.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی که از لحاظ زمانی، مقطعی بود؛ ۳ صنعت فلزی در استان اصفهان در فروردین و اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۹ با روش سرشماری بررسی شدند. از چک لیست محقق ساخته برای ارزیابی بهداشت فردی و اصول بهداشتی کارکنان برای جمع آوری داده ها استفاده گردید. در حین بررسی، به کارکنان در مورد بیماری کرونا و روش های پیشگیری از آن آموزش داده شد. آنالیز داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS-21 و آزمون آماری Paired-Samples T-test انجام شد.

نتایج: مجموع کارکنان ۳۵۸ نفر که از این تعداد ۷/۸۲٪ زن و ۹۲/۱۸٪ مرد بودند. استفاده توأم کارکنان از ماسک و دستکش بهداشتی در حین کار قبل آموزش ۲۰/۶۷٪ و بعد از آموزش ۳۱/۲۸٪ و ۷۳/۷۴٪ آنان قبل آموزش از وسایل شخصی (ابزار کار، خودکار و...) استفاده میکردند؛ در حالی که بعد از آموزش استفاده از وسایل شخصی کارکنان به ۸۴/۰۸٪ افزایش یافت. همچنین قبل آموزش ۷۶/۲۶٪ کارکنان فاصله اجتماعی را با سایرین رعایت میکردند در حالی که بعد از آموزش رعایت فاصله اجتماعی ۷۹/۳۳٪ به دست آمد. قبل و بعد از آموزش به ترتیب ۲۷/۳۷٪ و ۷۵/۱۴٪ کارکنان دارای محلول ضدعفونی کننده دست بودند. رعایت موارد بهداشت فردی قبل و بعد از آموزش رابطه معناداری داشت. ($PValue < 0.001$)

نتیجه گیری: نتایج مطالعه بیانگر این موضوع بود که رعایت اصول بهداشتی پس از آموزش افزایش بیشتری یافت که نشان دهنده نقش بسیار مهم آموزش در افزایش آگاهی و رعایت بهداشت فردی کارکنان دارد. از آنجایی که اطلاعات در مورد این بیماری کامل نیست با آموزش مداوم طبق اطلاعات به روز در مورد این بیماری و افزایش سطح آگاهی کارکنان میزان رعایت اصول بهداشتی افزایش می یابد که همین امر در پیشگیری از شیوع کرونا مؤثر می باشد.

واژگان کلیدی: کرونا ویروس (کووید-۱۹)، ماسک، فاصله اجتماعی، آموزش



عوامل مؤثر در بهبود ارتباط پزشک - بیمار: مرور سیستماتیک

احمد طهماسبی قرابی^۱، امین ترابی پور^۲

۱. کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران
۲. استادیار، گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

زمینه و هدف: ارتباط بین پزشک و بیمار محور همه اقدامات درمانی، اساس مراقبت های با کیفیت پزشکی و عامل تشخیص های صحیح و کارآمد است. این مطالعه با هدف بررسی عوامل مؤثر در بهبود ارتباط پزشک - بیمار انجام گرفت.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع مروری و جستجوی نظام مند بود. در مهر سال ۱۳۹۸ مرور مقالات فارسی و انگلیسی در پایگاه های پای مد، وب آو ساینس، بانک اطلاعات نشریات کشور، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و با کلید واژه های ارتباط پزشک- بیمار، بهبود بیمار، عوامل بهبود ارتباط پزشک - بیمار و رضایت بیمار انجام شد. با توجه به معیارهای ورود و خروج، مقالات مرتبط در بازه زمانی سال ۱۳۹۸ و ۲۰۱۹ وارد این پژوهش شدند.

یافته ها: با جستجوی نظام مند و غربالگری عنوان، ۱۶ مقاله وارد مطالعه شد. نتایج حاصل از مرور اطلاعات نشان داد، رعایت حقوق بیمار، رعایت زمان استاندارد ویزیت، کاهش زمان انتظار، داشتن مدل بومی و متناسب با فرهنگ ارتباط پزشک - بیمار، آگاهی دادن به بیماران در مورد بیماری و روند درمان، آموزش مهارت های ارتباطی به پزشکان، تقویت ارتباط کلامی و غیر کلامی، فضای فیزیکی مناسب، حفظ حریم بیمار در هنگام معاینه، در نظر گرفتن شرایط روحی و جسمی بیمار، جذب اعتماد بیمار، طرح سوالات اجتماعی، در دسترس بودن پزشک، صداقت و راز داری، گوش دادن فعال، توجه به جنسیت، عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بیمار، همدلی و استفاده از جملات آسان و زبان قابل فهم از عوامل مؤثر در بهبود ارتباط بین پزشک و بیمار می شود.

نتیجه گیری: با بهبود شرایط محیطی و توانمندسازی پزشکان جهت برقراری ارتباط مؤثر با بیمار می توان شاهد رضایت مندی بیماران، پیشرفت در روند درمان، کاهش هزینه ها، بکارگیری مؤثر امکانات و استفاده بهتر از زمان بود.

واژگان کلیدی: بهبود، ارتباط پزشک - بیمار، پزشک، بیمار، مرور سیستماتیک



The relationship between exposure to Secondhand Smoke and Self-Efficacy and Perceived Barriers of Pregnant Women

Zohreh Karimiankakolaki¹, Sakineh Gerayllo²

1. Associate Professor, Department of Health, Faculty of Medical Sciences, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran zohrehkarimian68@gmail.com

2. Ph.D Health Education and Promotion, Department of health education and promotion, School Of Health, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran

Background: The inability of women to demand from their husbands, for not smoking, has been reported as a factor in exposure to cigarette smoke. The aim of this study was to investigate the perceived barriers and self-efficacy of pregnant women regarding secondhand smoke at home

Material and Methods: This is cross-sectional study and the sample size was 255 pregnant women who visited the Isfahan health care center from Jul 2018 to Sept 2018. A questionnaire was designed to collect the data about the exposure to smoke, perceived barriers and self-efficacy. The data were analyzed by SPSS 18, and Mann-Whitney test.

Results: The mean score self-efficacy in the exposure group was lower than the other group ($p=0.000$). The mean score perceived barrier was not a significant difference ($p=0.449$). The item Lack of "Ban smoking law" at home had the highest mean score in barriers questions. And this item that "a pregnant woman can, when her husband smoke, is not around him", has the highest mean score in self-efficacy questions.

Conclusions: It is necessary to develop training programs to increase self-efficacy to avoid exposure to cigarette smoke and for both pregnant women and their husbands. Also set up "smoking ban law" at home in our country to protect pregnant women.

Keywords: Self-Efficacy, Perceived Barriers, Pregnant Women, Secondhand Smoke



Knowledge and perceptions about Second-Hand Smoke in Pregnant Women

Zohreh Karimiankakolaki¹, Laleh Rastak², Parvin Mohammadi³, Maryam Khadibi³

1. Associate Professor, Department of Health, Faculty of Medical Sciences, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran zohrehkarimian68@gmail.com

2. Department of Midwifery, Faculty of Medical Sciences, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran

3. Department of Nursing, Faculty of Medical Sciences, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran

Background: The fetus health is of high importance in pregnant women and since exposure to second-hand smoke (SHS) endangers the maternal and fetal health. Therefore, in this study we examined the exposure rate of SHS in pregnant women at home and its related factors.

Material and Methods: This cross-sectional study was conducted on 255 pregnant women who referred to the Isfahan health care center from July to September 2018. A researcher-made questionnaire was applied to collect data about the participants' exposure rate, attitude-emotional dimension, perceived susceptibility and perceived severity. The validity and reliability of the questionnaire were confirmed by a panel of experts. The Cronbach's alpha of attitude-emotional dimension, perceived susceptibility, perceived severity were also calculated as 0.81, 0.91 and 0.92, respectively. The data were analyzed by Chi-Square and Mann-Whitney test.

Results: A total number of 255 pregnant women were investigated with a mean age of 29.63 ± 7.87 years. The mean age of the participants' husbands was 33.40 ± 5.14 years. We found that the exposure rate to SHS in pregnant women was 23.1 percent. The mean scores of knowledge and perceptions were lower in women exposed to smoke than the non-exposed women ($P < 0.05$).

Conclusions: The rate of SHS exposure was high in pregnant women. The knowledge and perception scores of exposed women to SHS were lower than those of non-exposed women. Therefore, related training programs should be designed to educate the pregnant women and their husbands.

Keywords: Health belief, pregnant women, Exposure to smoke, Smoking men



Related Factors with Exposure to Second-Hand Smoke in Pregnant Women at Home

Zohreh Karimiankakolaki¹, Bahareh Motaghi², Sakineh Gerayllo³

1. Associate Professor, Department of Health, Faculty of Medical Sciences, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran zohrehkarimian68@gmail.com

2. MS.c Midwifery, Department of Midwifery, Shahrekord University of Medical Sciences, Shahrekord, Iran

3. Ph.D Health Education and Promotion, Department of health education and promotion, School Of Health, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran

Background: The importance of fetus health in pregnant women is an important factor in understanding the risks of secondhand smoke. Therefore, this study focused on evaluating the exposure rate of secondhand smoke in pregnant women in house and the effective factors.

Material and Methods: This was a cross-sectional and a sample consisted of 255 pregnant women who visited the Isfahan's health care center to receive health care during pregnancy. A questionnaire was designed to collect the data about Related Factors with Exposure to Second-Hand Smoke. The data was analyzed by SPSS 18, Chi-Square and Mann-Whitney test.

Results: The husbands' age ($p=0.041$), education level of the smoking husbands ($p = 0.005$), the education level of pregnant women ($p=0.002$), employment status of men ($p=0.010$), and women's type of pregnancy ($p=0.010$) had significant association with the participants' exposure rate to smoke. In other words, older age of husbands, lower education levels of men and women, unwanted pregnancy, and unemployment of husbands caused more exposed to smoke.

Conclusions: Low levels of education in men and women, unemployment and higher age in men, and unwanted pregnancy were considered as the health risk factors. Training programs should be designed to educate the pregnant women and their husbands.

Keywords: Secondhand Smoke, pregnant women, Exposure to smoke, Smoking men



Designing A Clinical Trial Protocol About The Impact Of Family-Based Multimedia Education Based On Telephone Tracking (Tele Nursing) To Improve The Quality Of Life And Self-Efficacy In Patients With Myocardial Infarction

Shirin Madadkar Dehkordi¹, Forogh Okhovat¹, Zohreh Karimiankakolaki²

1. Department of Nursing, Faculty of Medical Sciences, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran

2. Associate Professor, Department of Health, Faculty of Medical Sciences, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran Zohrehkarimian68@gmail.com

Background: Provision of education to a person with myocardial infarction and an active family member, who takes care of the patient can prevent or delay the onset of the disease. Telephone tracking is a very useful and inexpensive way to assess the patients' needs and help them with their care problems. This clinical trial (interventional) protocol was conducted over the impact of family-based multimedia education based on the telephone tracking (tele-nursing) to improve the quality of life and self-efficacy in patients with myocardial infarction

Material and Methods: Two phases are identified to design this study; the first phase includes designing a curriculum by investigating various studies and the panel of experts' opinions. This phase will be conducted in the form of multimedia training and telephone contact. Multimedia training (including audio, video, image, and animation) over the patients' lifestyle, nutrition, and care will be conducted through a one-day workshop in 2-3 hours for patients and one of their active family members. The active family member is defined as the primary caregiver, who spends more time with the patient. The educational course will be conducted at a coordinated date and time in the ward where the patients are hospitalized. The researcher will make telephone calls as the educational intervention and continue the follow-ups once a week for one month. The second phase of the intervention will contain a pre/ post-test design along with application of Minnesota quality of life and Scherer general self-efficacy standard questionnaires in the intervention (with training) and control (without training) groups. The target participants will include all patients (and their active family members) admitted to CCUs of hospitals affiliated to Shahrekord University of Medical Sciences.

Results: The present study provides useful data for designing a family-based multimedia educational intervention using the telephone-tracking method (tele-nursing) to improve the quality of life and self-efficacy in patients with myocardial infarction. It can also reduce their medical and treatment costs.

Conclusions: The strategies of this program could be important and cost effective, and therefore we hope that the success of such a program is a step forward in improving cardiovascular patient's health status.

Keywords: Education, Family- Centered, Tele Nursing, Quality Of Life, Self-Efficacy, Myocardial Infarction



بررسی تاثیر آموزش خود مراقبتی بر بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲

محمد واحدیان شاهرودی^۱، ناهید رزمخواه^۲

۱. دانشیار گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد. VahedianM@mums.ac.ir
۲. کارشناسی ارشد رشته آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

زمینه و هدف: بیماری دیابت به عنوان یکی از بیماری های شایع اختلال متابولیسم، از معضلات بهداشت عمومی در جهان محسوب می شود. مهم ترین عامل زمینه ساز مرگ و میر بیماران دیابتی عدم انجام خودمراقبتی می باشد. مطالعه حاضر با هدف بررسی خودمراقبتی بیماران مبتلا به دیابت نوع دو انجام شد.

مقدمه: بیماری دیابت از بیماریهای مزمن نسبتا شایع در جهان است که به طور متفاوتی تمام نژادها را درگیر می سازد. شیوع و بروز بیماری در بسیاری از جوامع به ویژه در کشورهای در حال توسعه رو به افزایش دارد. طی دهه های اخیر، مطالعات همه گیر شناختی (اپیدمیولوژیک) متعددی درباره شیوع دیابت نوع ۲ در کشور ایران به انجام رسیده و این بیماری به سرعت در حال رشد است و تا سال ۱۴۱۹ بیش از ۹ میلیون ایرانی به این بیماری مبتلا خواهند بود.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر مطالعه ای توصیفی تحلیلی و به صورت مقطعی است که بر روی ۳۲۰ نفر از بیماران دیابتی نوع دو صورت گرفت. این بیماران از مراجعان مراکز سلامت جامعه دانشگاه علوم پزشکی مشهد بودند که شرط ورودشان در این پژوهش رضایت داشتن برای شرکت در مطالعه و مبتلا بودن به دیابت بود. معیارهای خروج از مطالعه نیز تکمیل نکردن پرسش نامه ها و تمایل نداشتن به ادامه همکاری بود. نمونه گیری به روش تصادفی چندمرحله ای انجام شد؛ به این صورت که از میان مراکز بهداشتی و درمانی ۴ مرکز و از هر مرکز ۸۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند.

نتایج: دامنه سنی بیماران بین ۳۶ تا ۸۴ سال با میانگین سنی ۵۶٫۷ بود و ۶۰٫۹ درصد از بیماران زن، ۹۳٫۴ درصد متاهل، ۲۲٫۵ درصد دبیسواد و ۱۰٫۳ درصد با تحصیلات دانشگاهی بودند. ۶۰٫۳ درصد اضافه وزن، ۴۸٫۴ درصد فشار خون و ۹٫۴ درصد سابقه مصرف دخانیات داشتند. همچنین بر اساس نتایج پژوهش بین جنسیت، وضعیت تأهل، شغل، تحصیلات، نمایه توده بدنی، فشارخون، سابقه مصرف دخانیات، نوع درمان، سابقه شرکت در کلاس آموزشی، گروه های سنی، سابقه ابتلا به دیابت، مدت مصرف دخانیات با خودمراقبتی ارتباط معنی داری وجود ندارد.

نتایج حاصل از مدل نهایی پیشگوی یکننده های سازه های مدل شناختی اجتماعی بر انجام خودمراقبتی نشان داد که بیشترین میزان همبستگی مربوط به حیطة سازگاری عاطفی (ضریب بتا: ۰/۲۸۳) است که همبستگی مثبت و معنی داری با خودمراقبتی دارد و بعد از آن حیطة غلبه بر موانع و خودتنظیمی با ضریب بتای ۰/۲۳۶ و ۰/۱۴۱ نیز همبستگی مثبت و معنی داری با خودمراقبتی دارد.

نتیجه گیری: از اهداف عمده علم آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، بهبود کیفیت و استانداردهای زندگی با افزایش مشارکت آن ها در فعالیت های مرتبط با سلامت و آموزش خود مراقبتی به طور مستقیم و غیرمستقیم است. این مهم با به کارگیری روش های سلامتی، با انتخاب شیوه های صحیح زندگی و رفتارهای سلامتی قابل دسترس است. کاربرد نتایج حاصل از این پژوهش در حوزه های آموزش، پژوهش، بالینی و در عرصه درمان بیماری مزمن دیابت قابل تأمل است.

واژگان کلیدی: خودمراقبتی، دیابت، تئوری شناختی اجتماعی، آموزش بهداشت



Identification of adaptive experiences of patients' offspring with a history of myocardial infarction: A qualitative study

Tahere Hashemifard¹, Badri Jaafari²

1. PhD in health education and health promotion, Department of Nursing, Kazeroun Islamic Azad University Hashemifardt99@gmail.com
2. Msc in nursing, Department of Nursing, Kazeroun Islamic Azad University

Background: Cardiovascular diseases are the main reason of mortality in Iran and in the world. These diseases are rooted in the unhealthy lifestyle. This study was designed to understand and perceive factors that affect the preventive behaviors of people at risk of heart disease (HD).

Material and Methods: This qualitative study is a purposive content analysis. Eighteen children more than 18 years old of patients with the history of myocardial infarction participated and were chosen with purposive sampling. Data were collected through deep and semi structure interview based on Protection Motivation Theory and were analyzed along with their collection and with usage of Lundman and Graneheim method.

Results: During content analysis process 220 codes were extracted. After reviewing several times and summarizing, codes were categorized based on the similarity and proportion, and finally 13 subcategories and three categories were elicited including efforts to perform self care in order to prevent HD, Poor life style as a factor not to do preventive HD and health continuation with positive changes in life style.

Conclusions: Most participants despite being aware of the consequences of making positive changes in lifestyle and intending to do self-care behaviors to prevent HD, because of factors such as time constraint, high costs, laziness, impatience and prioritizing other life affairs, did not pay attention to their health. Therefore, results suggest knowledge and awareness alone cannot influence on practice and self care. Thus providing life skills training programs can play an important role in reducing perceived response cost and promoting health.

Keywords: qualitative content analysis, protection motivation theory, coping appraisal, heart disease



Identification of the process of threat appraisal in patients' offspring with a history of myocardial infarction: A qualitative study

Tahere Hashemifard¹, Badri Jaafari²

1. PhD in health education and health promotion, Department of Nursing, Kazeroun Islamic Azad University Hashemifardt99@gmail.com
2. Msc in nursing, Department of Nursing, Kazeroun Islamic Azad University

Background: CVDs are the main reason of mortality in Iran and in the world. These diseases are rooted in the unhealthy lifestyle. This study was designed to understand and perceive factors that affect the preventive behaviors of people at risk of heart disease. Cardiovascular diseases are the main reason of mortality in Iran and in the world. These diseases are rooted in the unhealthy lifestyle. This study was designed to understand and perceive factors that affect the preventive behaviors of people at risk of heart disease.

Material and Methods: This qualitative study is a purposive content analysis. Eighteen children more than 18 years old of patients with the history of myocardial infarction (MI) participated and were chosen with purposive sampling. Data were collected through deep and semi structure interview based on Protection Motivation Theory (PMT) and were analyzed along with their collection and with usage of Lundman and Graneheim method.

Results: During content analysis process 140 codes were extracted. After reviewing several times and summarizing, codes were categorized based on the similarity and proportion, and finally 11 subcategories and four categories were elicited including poor life style as a Predisposing factor of HD, going down quality of life, imposing cost to families with HD and internal or external rewards

Conclusions: Findings of this study suggest that perceived reward and severity of not performing HD preventive behaviors in participants were high while perceived sensitivity in younger people is low. Thus reducing the perceived rewards and increasing perceived threat of risky behaviors with the goal of performing HD preventive behaviors can be considered as a principle in education.

Keywords: qualitative content analysis, protection motivation theory, threat appraisal process, people at risk of heart disease



بررسی رفتارهای خود مراقبتی بهداشت دهان و دندان مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی

لیلا بخشش^۱، سید محمد رضا ربیعی^۲، نسرین مرفوع^۳، شوکت فارجی^۴، محمد صادق لولو^۵

۱. کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، ایران I.bakhshesh@yahoo.com
۲. دکتری دندان پزشکی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، ایران
۳. کارشناس بهداشت عمومی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، ایران
۴. کارشناس بهداشت محیط، گروه بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، ایران
۵. کارشناس ارشد آمار زیستی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، ایران

زمینه و هدف: بیماری های دهان و دندان از جمله شایع ترین بیماری های مردم دنیاست که معمولاً از سنین نوجوانی آغاز می شود. رعایت بهداشت دهان و دندان در طی این دوران تاثیر بسیار زیادی بر کاهش این بیماری دارد و جزء بیماری هایی هست که ارتباط تنگاتنگی با رفتار دارد. دستیابی به اطلاعات یا وضعیت موجود می تواند زمینه ساز مداخلات بهبود وضعیت بهداشت دهان و دندان باشد. الگوی اعتقاد بهداشتی رابطه بین برخی سازه های مربوط به ادراکات شخصی و راهنمایی عمل و خود کار آمدی با رفتار را نشان می دهد. این مطالعه با هدف بررسی رفتارهای خود مراقبتی بهداشت دهان و دندان مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی در دانش آموزان شهرستان بهبهان در سال انجام گرفت.

مواد و روش ها: این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی بر روی ۳۶۰ نفر از دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه اول شهرستان بهبهان به روش نمونه گیری خوشه ای دو مرحله ای در سال تحصیلی ۱۳۹۶ انجام گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه طراحی شده براساس الگوی اعتقاد بهداشتی، رفتارهای بهداشتی دهان و دندان و چک لیست DMFT بود. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ با استفاده از آزمون های همبستگی در سطح معنی داری $P < 0.05$ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: نتایج مطالعه نشان داد که میانگین و انحراف معیار شاخص DMFT دانش آموزان مورد پژوهش $1/94 \pm 2/16$ می باشد که میانگین آن در دانش آموزان دختر ($2 \pm 2/55$) بیشتر از میانگین آن در دانش آموزان پسر ($1/61 \pm 2/18$) بوده است و تفاوت معنی داری بین جنسیت مشاهده گردید ($P = 0/001$).

میانگین نمره عملکرد دانش آموزان در خصوص رفتارهای بهداشت دهان و دندان $1/76 \pm 0/485$ بود. در این مطالعه بین رفتارهای بهداشتی دهان و دندان با حساسیت درک شده ($r = 0/175$, $P = 0/001$)، شدت درک شده ($r = 0/175$, $P = 0/001$) و خود کار آمدی ($r = 0/226$, $P = 0/001$) ارتباط و همبستگی معنی داری وجود داشت. بین موانع درک شده در خصوص انجام رفتارهای مراقبت بهداشت دهان و دندان و عملکرد در این زمینه ارتباط معکوس مشاهده گردید ($r = -0/271$, $P = 0/001$).

نتیجه گیری: در این مطالعه بین متغیرهای مدل اعتقاد بهداشتی با رفتارهای بهداشتی دهان و دندان ارتباط معنی داری وجود داشت. بنابراین مداخلات آموزشی مناسب با استفاده از تئوری ها و مدل ها از جمله مدل اعتقاد بهداشتی پیشنهاد می گردد تا باعث افزایش آگاهی و عملکرد آنان نسبت به رفتارهای پیشگیری از پوسیدگی دندان و بهداشت دهان و دندان در این گروه گردد.

واژگان کلیدی: رفتارهای بهداشتی دهان و دندان، مدل اعتقاد بهداشتی، دانش آموزان، بهبه



بررسی تاثیر مداخله آموزشی بر فاکتورهای بیوشیمیایی خون، شاخص توده بدنی و فشار خون فرزندان مبتلایان به سکته قلبی

طاهره هاشمی فرد^۱، بدری جعفری^۲، گلسا دانش^۳

۱. استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی کازرون، کازرون، ایران
hashemifardt99@gmail.com

۲. مربی، دانشکده پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی کازرون، کازرون، ایران

۳. دانشجوی دکتری مدیریت خدمات بهداشتی درمانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ایران

زمینه و هدف: در میان بیماریهای غیر واگیر بیماریهای قلبی عروقی شایع ترین علت مرگ و میر در بیشتر کشورهای جهان و مهمترین علت از کارافتادگی می باشند. طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت پنج عامل خطر اصلی برای مرگ و میر در جهان، فشارخون بالا، مصرف دخانیات، قندخون بالا، عدم فعالیت فیزیکی، اضافه وزن و چاقی هستند. این عوامل مسئول افزایش خطر ابتلا به بیماریهای مزمن مانند بیماریهای قلبی - عروقی هستند. با اطمینان می توان گفت که جهت کاهش ابتلا و مرگ و میر ناشی از بیماریهای قلبی عروقی یکی از روشهای بسیار موثر، پیاده سازی استراتژیهای آموزشی است. قدم اول برای دستیابی به این هدف ارزیابی میزان شناخت عوامل خطر ایجاد کننده این بیماریهاست. بمنظور مواجهه با این موضوع لازم است عوامل خطر متعددی که بر بروز بیماریهای قلبی نقش دارند، در افراد مختلف با نگرش ها، ارزشها، عقاید، انتظارات و انگیزه های متفاوت شناسایی شود. این مطالعه با هدف تعیین میانگین فاکتورهای بیوشیمیایی خون (Chol, LDL, HDL, TG, FBS)، شاخص توده بدنی و فشارخون قبل و بعد از مداخله آموزشی در گروههای مداخله و کنترل انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه یک مطالعه مداخله ای از نوع کارآزمایی بالینی می باشد. جامعه مورد بررسی شامل ۲۰۰ نفر از فرزندان بالای ۱۸ سال بیماران با سابقه سکته قلبی بودند که طی یک سال گذشته یکی از والدین شان بدلیل ابتلا به سکته قلبی در بیمارستانهای آموزشی شهر شیراز بستری شده بودند. این افراد به شکل تصادفی در دو گروه کنترل و آزمون قرار گرفتند. جمع آوری داده ها از طریق انجام آزمایشات بیوشیمیایی، اندازه گیری فشارخون و نمایه توده بدنی قبل از مداخله آموزشی و ۴ ماه پس از مداخله انجام گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها نیز توسط نرم افزار SPSS ۲۲ انجام شد.

نتایج: در خصوص میانگین فاکتورهای بیوشیمیایی خون، نمایه توده بدنی و فشارخون قبل از مداخله و ۴ ماه پس از آن در گروه مداخله، نتایج حاصله نشان داد که کاهش معناداری در نمایه توده بدنی، فشارخون دیاستولیک، تری گلیسرید، کلسترول، ال دی ال و قندخون ناشتا و افزایش معنادار در اچ دی ال حاصل گردید. همچنین فشارخون دیاستول، کلسترول و قندخون ناشتا بین دو گروه مداخله و کنترل بعد از مداخله معنادار بود. مقایسه تغییرات میانگین فاکتورهای خونی، نمایه توده بدنی و فشارخون در دو گروه مداخله و کنترل قبل و بعد از مداخله آموزشی نشان داد همه فاکتورها به استثنای فشارخون سیستولیک و LDL دارای تغییرات معنادار بوده اند و این تغییرات در گروه مداخله بیشتر از گروه کنترل بوده است.

نتیجه گیری: در مجموع نتایج مطالعه حاضر از اثربخشی مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری انگیزش محافظت در پیشگیری از بیماری قلبی حمایت می کند.

واژگان کلیدی: مداخله آموزشی، سکته قلبی، فاکتورهای خونی، شاخص توده بدنی



تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری انگیزش محافظت بر انجام رفتارهای پیشگیری کننده از بیماری قلبی

طاهره هاشمی فرد^۱، بدری جعفری^۲

۱. استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی کازرون، کازرون، ایران

hashemifardt99@gmail.com

۲. مربی، دانشکده پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی کازرون، کازرون، ایران

زمینه و هدف: بار بیماریهای غیرواگیر در حال افزایش است و تقریباً نیمی از بار جهانی بیماری را برای همه سنین شامل می شوند. در میان بیماریهای غیر واگیر بیماریهای قلبی عروقی شایعترین علت مرگ ومیر در بیشتر کشورهای جهان و مهمترین علت از کارافتادگی است و قابل پیشگیری ترین بیماری غیرقابل انتقال مزن انسان به شمار می روند. مطالعه حاضر به منظور بررسی تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری انگیزش محافظت بر انجام رفتارهای پیشگیری کننده از بیماریهای قلبی عروقی انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه یک مطالعه مداخله ای از نوع کارآزمایی بالینی می باشد. جامعه مورد بررسی شامل ۲۰۰ نفر از فرزندان بالای ۱۸ سال بیماران با سابقه سکته قلبی بودند که طی یک سال گذشته یکی از والدین شان بدلیل ابتلا به سکته قلبی در بیمارستانهای آموزشی شهر شیراز بستری شده بودند. این افراد به شکل تصادفی در دو گروه کنترل و آزمون قرار گرفتند. جمع آوری داده ها توسط پرسشنامه محقق ساخته که روایی و پایایی آن تایید شده بود، انجام گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها توسط نرم افزار SPSS ۲۲ انجام شد.

نتایج: نتایج نشان داد که بعد از مداخله بین تمامی سازه های دو گروه آزمون و کنترل به جز سازه هزینه پاسخ درک شده تفاوت آماری معنی داری وجود دارد. در گروه آزمون میانگین نمرات تمامی سازه های تئوری انگیزش محافظت بعد از مداخله آموزشی بطور معنی دار افزایش یافته اما هزینه پاسخ درک شده و پاداش درک شده به طور معنادار کاهش یافت.

نتیجه گیری: اگر چه ۸۷ درصد افراد جامعه مورد بررسی از رفتارهای پیشگیری کننده از بیماری قلبی اطلاع داشتند اما ۶۲ درصد آنها رفتارها را انجام می دادند، که نشان دهنده لزوم مداخله آموزشی می باشد. با توجه به نتایج، تئوری انگیزش محافظت با انگیزش حس محافظت از خود در انجام رفتارهای پیشگیری کننده در جامعه موثر است. لذا می توان از تئوری انگیزش محافظت به عنوان چارچوبی در طراحی برنامه های آموزشی بمنظور ارتقاء رفتارهای پیشگیری از بیماریهای قلبی و عروقی استفاده کرد.

واژگان کلیدی: بیماری قلبی عروقی، تئوری انگیزش محافظت، مداخله آموزشی



بررسی سواد سلامت و ارتباط آن با فاکتورهای بیوشیمیایی خون، شاخص توده بدنی و فشارخون در فرزندان مبتلایان به سگته قلبی در شیراز

طاهره هاشمی فرد^۱، بدری جعفری^۲، خدیجه جعفری^۳

۱. استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی کازرون، کازرون، ایران
hashemifardt99@gmail.com

۲. مربی، دانشکده پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی کازرون، کازرون، ایران

۳. گروه بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی هرمزگان، بندرعباس، ایران

زمینه و هدف: بار بیماریهای غیرواگیر در حال افزایش است و تقریباً نیمی از بار جهانی بیماری را برای همه سنین را شامل می شوند طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت پنج عامل خطر اصلی برای مرگ و میر در جهان، فشارخون بالا، مصرف دخانیات، قندخون بالا، عدم فعالیت فیزیکی، اضافه وزن و چاقی هستند. این عوامل مسئول افزایش خطر ابتلا به بیماریهای مزمن مثل بیماریهای قلبی - عروقی می باشند. از آنجا که سواد سلامت مقوله بسیار مهم و یکی از تعیین کننده های امر سلامت است و نظر به اینکه افراد با سواد سلامت ناکافی اقدامات پیشگیرانه را کمتر انجام می دهند، فلذا در مطالعه حاضر به بررسی سواد سلامت و ارتباط آن با فاکتورهای خونی (LDL, HDL, TG Cholesterol, FBS)، فشارخون و نمایه توده بدنی در دو مرحله قبل و بعد از مداخله در گروههای مداخله و کنترل پرداخته شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه یک مطالعه مداخله ای از نوع کارآزمایی بالینی می باشد. جامعه مورد بررسی شامل ۲۰۰ نفر از فرزندان بالای ۱۸ سال بیماران با سابقه سگته قلبی بودند که طی یک سال گذشته یکی از والدین شان بدلیل ابتلا به سگته قلبی در بیمارستانهای آموزشی شهر شیراز بستری شده بودند. این افراد به شکل تصادفی در دو گروه کنترل و آزمون قرار گرفتند. برای سنجش سواد سلامت این افراد از فرم کوتاه پرسشنامه سواد سلامت عملکردی بزرگسالان استفاده شد. در این پرسشنامه ۴ سوال برای بخش محاسبات و ۳۶ سوال برای بخش درک خواندن وجود دارد. بر اساس این پرسشنامه نمرات بین ۰-۵۳ نشان دهنده سواد سلامت ناکافی، نمرات بین ۶۶-۵۴ نشان دهنده سواد سلامت مرزی و نمرات بین ۱۰۰-۶۷ نشان دهنده سواد سلامت کافی است. ضمناً در دو مرحله قبل و بعد از مداخله آموزشی افراد از نظر فاکتورهای خونی، فشارخون و نمایه توده بدنی نیز مورد بررسی قرار گرفتند و ارتباط سطوح سواد سلامت با این فاکتورها بررسی شد و تجزیه و تحلیل داده ها نیز توسط نرم افزار ۲۲ spss انجام شد .

نتایج: نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که میانگین نمره سواد سلامت جمعیت مورد مطالعه با استفاده از پرسشنامه فرم کوتاه سواد سلامت عملکردی بزرگسالان، $16/19 \pm 75/51$ بود. ۷۳ درصد مشارکت کنندگان دارای سواد سلامت کافی و ۲۷ درصد آنها سواد سلامت مرزی و ناکافی داشتند. بعد از مداخله آموزشی در گروه مداخله میانگین نمره شاخصهای تری گلیسیرید،



کستروول و نمایه توده بدنی و LDL در افراد با سطح سواد سلامت پایین و شاخص HDL نیز در افراد با سطح سواد سلامت بالا ، بیشتر بوده است.

در گروه کنترل نیز بعد از مداخله آموزشی میانگین نمره شاخصهای بیوشیمیایی خون مانند FBS , LDL و Cholestrol در افراد با سطح سواد سلامت بالا ، کمتر و شاخص HDL در افراد با سطح سواد سلامت بالا، بیشتر بوده است. در مورد تغییرات میانگین نمره فاکتورهای خونی، نمایه توده بدنی و فشارخون در افراد با سطوح مختلف سواد سلامت در گروه مداخله، تغییرات میانگین نمره شاخصهای FBS, TG , LDL, Cholestrol و در گروه کنترل نیز تغییرات میانگین نمره شاخصهای FBS, TG , LDL, Cholestrol HDL, BMI معنادار بوده است.

نتیجه گیری : سواد سلامت یکی از راههای بهبود سلامت و کاهش ابتلا و مرگ و میر ناشی از بیماریهای قلبی عروقی است پایین بودن سواد سلامت اثرات زیان آوری بر سلامت افراد دارد. در مجموع نتایج مطالعه حاضر از اثربخشی سواد سلامت در پیشگیری از بیماری قلبی حمایت می کند.

واژگان کلیدی: سواد سلامت،سکته قلبی،فاکتورهای خونی،شاخص توده بدنی



بررسی تأثیر آموزش بر اساس نظریه خودکارآمدی و سازه مراحل تغییر بر ارتقاء رفتار فعالیت

فیزیکی در زنان میانسال

ناهید رزمخواه^۱، محمد واحدیان شاهرودی^۲

۱. کارشناسی ارشد رشته آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۲. دانشیار گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد. VahedianM@mums.ac.ir

زمینه و هدف: کمبود فعالیت فیزیکی یکی از مهم‌ترین مسائل بهداشت عمومی در سراسر دنیاست. بسیاری از رفتارها از جمله داشتن فعالیت بدنی منظم به رغم آن که نقش مهمی در سلامت انسان دارند و فرد نیز انگیزه کافی برای داشتن این گونه رفتارها دارد ولی، تداوم و حفظ آن‌ها مشکل بوده و نیازمند برنامه ریزی و انتخابی آگاهانه هستند. به عبارتی، اتخاذ چنین رفتارهایی به صورت خودکار و از روی عادت صورت نمی‌گیرد، بلکه نیازمند برنامه ریزی و انتخابی آگاهانه است. بنابر این طراحی مداخلات مؤثر به منظور ترغیب افراد برای انجام فعالیت بدنی منظم از اهمیت ویژه برخوردار است. تحقیقات نشان داده است که مؤثرترین مداخلات آموزشی، مبتنی بر رویکردهای نظریه محوری هستند که از الگوهای تغییر رفتار ریشه گرفته اند. با کمک نظریه‌ها می‌توان عوامل مؤثر بر ایجاد و تداوم رفتار را مورد بررسی قرار داد.

مواد و روش‌ها: جامعه آماری پژوهش زنان غیرسالمند زیر 60 سال بود. برای رسیدن به هدف، پس از ارائه معرفی نامه جهت انجام کار پژوهشی، 402 نمونه همسان از نظر شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای از میان زنان مناطق شهرداری ۱، ۳ و ۸ شهرداری به صورت تصادفی انتخاب شدند. پرسشنامه‌ها در اختیار کلیه زنان علاقه‌مند به شرکت در مطالعه، قرار گرفت.

نتایج: یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد هر یک از سازه‌ها بطور معنادار با فعالیت بدنی ارتباط داشتند بطوری که بیشترین تأثیر به ترتیب مربوط به سازه راهنما برای عمل، خودکارآمدی و خودتنظیمی بود. در این مطالعه موانع درک شده کمترین تأثیر را بر فعالیت بدنی داشتند.

همچنین خودکارآمدی از طریق تأثیر گذاری بر خودتنظیمی، اثر غیر مستقیم بر رفتار فعالیت بدنی داشته است. به ازای هر واحد خودکارآمدی، ۳۹ درصد بر خودتنظیمی افزوده شده است. یعنی سطح بالایی از خودکارآمدی باعث ارتقای خودتنظیمی و در نتیجه افزایش میزان رفتار شده است.

نتیجه‌گیری: درک فرایندهای منجر به اتخاذ رفتارهای بهداشتی برای طراحی و اجرای مداخلات مؤثر است. بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر در طراحی مداخلات مبتنی بر اساس خودکارآمدی به منظور افزایش فعالیت بدنی، علاوه بر اصلاح باورهای سلامت باید به اهداف فردی نیز توجه شود. همچنین تقویت سازه‌هایی که قدرت پیش‌بینی کننده بیشتری با رفتار دارند، می‌تواند مداخلات مؤثر تری را طراحی کرد.

واژگان کلیدی: خودکارآمدی، فعالیت فیزیکی، آموزش



نقش آموزش خودآزمایی پستان در زنان میانسال شهر نیشابور: کاربردی از تئوری انگیزش محافظت

زکیه سادات حسینی^۱، حمید توکلی قوچانی^۲، حمید رضا محدث حاکاک^۳، علی مهري^۴، مهدی خانکلابی^۵

۱. کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران
۲. استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
tavakoli_44@yahoo.com
۳. استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۴. استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران.
۵. استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

زمینه و هدف: در بین کلیه سرطان ها، سرطان پستان درصد زیادی از مرگ و میر را به خود اختصاص داده است و در دنیا و در ایران نیز رتبه نخست را در بین سرطان های زنان دارا است و شیوع این بیماری به طور تقریبی سالانه ۲ درصد در حال افزایش می باشد، از آنجا که انجام خودآزمایی صحیح پستان نقش مهمی در تشخیص زودرس و کاهش مرگ و میر ناشی از سرطان پستان دارد این مطالعه با هدف تعیین نقش آموزش در انجام خودآزمایی پستان در زنان میانسال شهر نیشابور انجام شد.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر یک مطالعه مداخله ای از نوع قبل و بعد، بر روی ۱۲۰ نفر از زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهر نیشابور که به روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب و به دو گروه مداخله (۶۰ نفر) و کنترل (۶۰ نفر) تقسیم شده بودند، انجام گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی آن از طریق روایی صوری و محتوایی و پایایی آن از طریق آلفا کرونباخ ($\alpha = 0.75$) سنجیده و به روش خودگزارش دهی تکمیل گردید، بلافاصله ۲ ماه بعد از مداخله آموزشی، اطلاعات در دو گروه کنترل و مداخله جمع آوری و با استفاده از نرم افزار SPSS 19 و آزمون های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: میانگین سنی کل زنان شرکت کننده در مطالعه $38/39 \pm 7/83$ بود، حداکثر نمره قابل اکتساب شرکت کنندگان در انجام رفتار خودآزمایی پستان ۱۹/۲۵٪ بود، بیش از نیمی از زنان تا کنون اصلا اقدام به انجام خودآزمایی پستان نداشتند، با وجود اینکه قبل از مداخله آموزشی بین دو گروه در میانگین نمره انجام خودآزمایی پستان اختلاف آماری معناداری وجود نداشت با این حال بلافاصله و دوماه بعد از انجام مداخله آموزشی میانگین نمره خودآزمایی پستان در گروه مداخله به طور معناداری بیشتر از گروه کنترل بود ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: برنامه آموزشی طراحی شده بر اساس تئوری انگیزش محافظت در ارتقاء انجام خودآزمایی پستان در زنان موثر است، بنابراین طراحی مداخلات آموزشی ساختار یافته جهت ارتقاء رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پستان ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: سرطان پستان، خودآزمایی پستان، تئوری انگیزش محافظت، آموزش



پیشگویی کننده های رفتارهای ایمن در دانشجویان موتور سوار شهر سبزوار: کاربردی از تئوری انگیزش محافظت

ابوالفضل داورزنی^۱، زکیه سادات حسینی^۲، معصومه هاشمیان^۳، علی مهتری^۴

۱. کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
 ۲. کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران
 ۳. استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
 ۴. استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
- iran hadimehri1386@gmail.com

زمینه و هدف: آسیبهای ناشی از وسایل نقلیه جاده ای یکی از بزرگترین مشکلات بهداشتی می باشد که در بین سایر مسائل بهداشتی مورد غفلت واقع شده است و همه ساله موتور سواران با انجام رفتارهای مخاطره آمیز سلامت خود و سایرین را به خطر می اندازند. از آنجا که بکارگیری رفتارهای ایمن نقش موثری در کاهش حوادث و آسیب های ناشی از آن دارد، این پژوهش با هدف تعیین پیشگویی کننده های رفتارهای ایمن در دانشجویان موتور سوار در شهر سبزوار انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی تحلیلی به صورت مقطعی تعداد ۱۰۰ نفر از موتورسواران شهر سبزوار در سال ۱۳۹۷ به صورت نمونه گیری خوشه ای از ۵ بخش شهر به طور تصادفی انتخاب شدند. داده ها از طریق پرسشنامه محقق ساخته براساس تئوری انگیزش محافظت بعد از روایی و پایایی جمع آوری گردید. پرسشنامه های تکمیل شده به صورت کد وارد کامپیوتر شد. داده ها بوسیله نرم افزار آماري SPSS18 به وسیله آزمونهای توصیفی و تحلیلی تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: میانگین سنی شرکت کنندگان در مطالعه $4/23 \pm 19/17$ سال بود، بیش از ۹۰٪ شرکت کنندگان مجرد بودند و ۶۲٪ از شرکت کنندگان در مطالعه اظهار داشتند که سابقه جریمه شدن توسط پلیس را دارند، نتایج نشان داد سازه های تئوری انگیزش محافظت در مجموع ۴۰٪ از واریانس انگیزش رفتارهای ایمن را پیش بینی می کنند که در این میان نقش خودکارآمدی درک شده ($\beta=0/852$) و حساسیت درک شده ($\beta=0/436$) بیش از سایر متغیرها بود و سازه انگیزش محافظت ۳۶٪ از واریانس رفتار ایمن را در دانشجویان پیش بینی نمود.

نتیجه گیری: با توجه به اثر بخشی سازه های تئوری انگیزش محافظت در پیش بینی رفتار های ایمن در موتور سواران به نظر می رسد، بکارگیری این تئوری در طراحی برنامه های آموزشی در ارتقاء رفتارهای ایمن در دانشجویان موتور سوار ضروری می باشد.

واژگان کلیدی: رفتار ایمن، موتور سوار، انگیزش محافظت، سبزوار



رابطه هنجارهای انتزاعی با عملکرد شیردهی انحصاری در زنان باردار نخست زا

مریم حیدری^۱، زکیه سادات حسینی^۲، حمید جوینی^۳، علی مهري^۴

۱. کارشناس ارشد آموزش بهداشت بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

۲. کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران

۳. استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

۴. استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

hadimehri1386@gmail.com

زمینه و هدف: امروزه شیردهی انحصاری به عنوان یک راهبرد اساسی در تامین رشد و بقای کودک مورد توجه است، تغذیه انحصاری با شیر مادر در شش ماه نخست زندگی سبب کاهش مرگ و میر شیرخوار شده و آنها را در مقابل بسیاری از بیماری های محافظت می نماید، متأسفانه هنوز بسیاری از مادران بنا به دلایل مختلف شیردهی خود را زودتر از موعد قطع کرده و یا همراه با آن از مایعات غیرضروری و تغذیه اضافی استفاده می کنند، با توجه به نقش افراد موثر در زندگی زنان در بکارگیری رفتار شیردهی انحصاری این پژوهش با هدف تعیین رابطه هنجارهای انتزاعی با عملکرد شیردهی انحصاری در زنان باردار نخست زا در شهر کاشمر انجام شد.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر مطالعه نیمه تجربی بوده که ۱۰۰ نفر از زنان باردار نخست زای مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهر کاشمر در سال ۱۳۹۵ به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند، ابزار گرد آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته و روا و پایا شده بر اساس سازه های تئوری رفتار برنامه ریزی شده توسعه یافته بود، داده ها با استفاده از آزمون های توصیفی و تحلیل در نرم افزار SPSS 16 تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: بیشترین فراوانی (۵۷/۸٪) سن مادران در رده سنی کمتر از ۲۴ بود، اکثر زنان (۴۱/۱٪) تحصیلات دبیرستان و دیپلم داشتند، میانگین نمره هنجارهای انتزاعی $2/65 \pm 17/17$ از مجموع ۲۰ نمره بود، ۷۷٪ مادران عنوان نمودند طبق تفکرات پرسنل مراکز بهداشتی و درمانی عمل می کنند، هنجار انتزاعی رابطه مستقیم و معنادار با قصد رفتار شیردهی انحصاری در مادران باردار داشت ($t=+0/384$ و $p<0/000$)، سازه های تئوری رفتار برنامه ریزی شده توسعه یافته ۱۶٪ واریانس قصد رفتار را پیشگویی کردند که در این بین سازه هنجارهای انتزاعی ($\beta=0/289$ ، $p=0/012$) بیشترین تاثیر را بر قصد رفتار شیردهی انحصاری داشت.

نتیجه گیری: با توجه به اثر بخشی سازه های تئوری رفتار برنامه ریزی شده توسعه یافته در عملکرد شیردهی انحصاری و نقش موثر هنجارهای انتزاعی در قصد رفتار، طراحی برنامه های آموزشی ساختار یافته در ارتقاء رفتار شیردهی انحصاری در زنان باردار ضروری است.

واژگان کلیدی: شیردهی، تئوری رفتار برنامه ریزی شده، هنجارهای انتزاعی، زنان باردار



پیشگویی کننده های اتخاذ رفتار های خود مراقبتی در بیماران مبتلا به فشارخون: کاربرد ی از مدل پرسید

مرضیه عابدی^۱، محبوبه برهانی^۲، حسن رحیم زاده^۳، علی مهری^۴، زکیه سادات حسینی^۵

۱. کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

۲. دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران
borhani.mahboobe@yahoo.com

۳. دکتری پزشکی، مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

۴. دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

۵. کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران

زمینه و هدف: فشار خون بالا به عنوان یک مشکل مزمن در زمینه بهداشت جهانی و عامل خطر مهم برای بیماری های قلبی و عروقی و مغزی می باشد، در ایران میزان فشار خون بالا ۱۱ تا ۴۶ درصد برآورد شده است، از آنجا که آموزش رفتارهای مراقبت از خود علاوه بر پیشگیری از تشدید علائم و نشانه ها در کاهش دفعات بستری، کاهش مرگ و میر، احساس سلامت بیشتر در بیماران و کاهش هزینه های درمان آنان ضروری و حیاتی است، مطالعه حاضر با هدف تعیین پیشگویی کننده های رفتارهای خود مراقبتی در بیماران مبتلا به فشار خون بر اساس مدل پرسید در شهرستان گالیکش انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه کارآزمایی کنترل شده تصادفی ۱۰۲ نفر از بیماران فشارخونی به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه ی استاندارد براساس سازه های مدل پرسید بود که به صورت مصاحبه تکمیل گردید تجزیه و تحلیل داده ها در نرم افزار spss19 با استفاده از آزمون های آماری توصیفی و تحلیلی انجام پذیرفت.

نتایج: میانگین سنی شرکت کنندگان در مطالعه ۵۱/۵۹±۱۱/۹۵ سال و نمایه توده بدنی آن ها ۲۳/۳۰±۸/۳۸ بود. نتایج نشان داد ۵۳/۹٪ از بیماران تلفیقی از روغن های جامد و مایع در رژیم غذایی خود داشتند و بیش از نیمی (۶۵/۰۷٪) از آنها در حین طبخ به غذا نمک اضافه می نمودند، همچنین نزدیک به نیمی از شرکت کنندگان فعالیت فیزیکی منظم نداشتند، آگاهی، نگرش و عوامل قادر کننده و تقویت کننده در مجموع ۲۰ درصد واریانس رفتارهای خود مراقبتی را در بیماران مبتلا به فشار خون تبیین می کنند که از بین این متغیرها عوامل قادر کننده ($\beta=0/396$) و نگرش ($\beta=0/256$) بیشترین تاثیر را بر رفتارهای خود مراقبتی نشان می دهد.

نتیجه گیری: بر اساس یافته ها نگرش و عوامل قادر کننده مهم ترین پیشگویی کننده ها در پژوهش حاضر بودند، طراحی و انجام مداخلات آموزشی مبتنی بر مدل پرسید و با تاکید بر سازه های فوق در گروه های هدف ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: رفتار خود مراقبتی، مدل پرسید، فشار خون، پیشگویی کننده



بررسی عوامل مرتبط با کیفیت زندگی در دوران یائسگی

منصوره خنده رو^۱، دکتر محمد واحدیان^۲، دکتر نوشین پیمان^۳

۱. دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد
۲. دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
۳. استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. peymann@mums.ac.ir

زمینه و هدف: یائسگی مرحله ای طبیعی از زندگی زنان است. با توجه به افزایش وسیع تغییرات دموگرافیکی یائسگی یکی از بزرگترین فرایندهایی است که بر سلامتی زنان میان سال در کشورهای پیشرفته تاثیر میگذارد عوامل متعددی از قبیل عوامل روانی-اجتماعی با کیفیت زندگی در دوران یائسگی مرتبط هستند. هدف از این مطالعه بررسی عوامل مرتبط با کیفیت زندگی در یائسگی در زنان شهر مشهد می باشد.

مواد و روشها: در این مطالعه، ۱۶۰ زن بالای ۴۰ سال، بر اساس نمونه گیری مبتنی بر هدف از بین مراجع کنندگان به مراکز بهداشتی درمانی مشهد انتخاب شدند. پرسشنامه بررسی کیفیت زندگی دوران یائسگی ابزار اندازه گیری پژوهش بود. نتایج این بررسی با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۸ تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: در پرسشنامه کیفیت زندگی یائسگی که توسط شرکت کنندگان تکمیل گردید ۹۳/۱ درصد اختلالات وازوموتور شامل گرفتگی، تعریق و تعریق شبانه را ذکر کرده اند و ۸۹/۴ درصد علائم روحی روانی شامل احساس اضطراب، احساس افسردگی یا دلتنگی، بی حوصلگی در مقابل دیگران، تمایل به تنها بودن، راداشته اند. ۹۳/۸ درصد نیز علائم جسمانی مثل درد عضلات و مفاصل، احساس کوفتگی و خستگی، مشکلات خواب، درد پشت و گردن، خشکی پوست و... را ذکر کرده اند. ۷۵ درصد از شرکت کنندگان نیز مشکلات جنسی شامل خشکی واژن هنگام نزدیکی، کاهش تمایلات جنسی، تکرر ادرار و... را داشته اند. در دسته بندی کیفیت زندگی یائسگی بر اساس نمره کسب شده ۲۶/۹ درصد دارای کیفیت زندگی مناسب بوده اند و ۲۶/۹٪ دارای کیفیت زندگی متوسط بوده اند و ۴۶/۳٪ دارای کیفیت زندگی نامناسب بوده اند.

نتیجه گیری: این رخداد مهم در فرایند زندگی زنان با تغییرات جسمی و روانی و اجتماعی و علائمی نظیر گرفتگی، تغییر خلق و خوی و طپش قلب، دردهای استخوانی و عوارضی مثل پوکی استخوان همراه است. اختلالات وازوموتور و علائم روحی روانی شایع ترین علائم در گروه مورد مطالعه بود.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، یائسگی، علائم یائسگی، اختلالات یائسگی



بررسی ارتباط بین سلامت روان و صبر در زنان باردار بستری در بخش زایشگاه بیمارستان علی ابن ابیطالب زاهدان

مهر انگیز قبیعی، معصومه شهدادی^۲

۱. دانشجوی کارشناس ارشد پرستاری داخلی جراحی، دانشکده پرستاری مامایی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران

۲. کارشناس هوشبری، بیمارستان خاتم الانبیا زاهدان، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران

مقدمه و هدف: سلامت روانی لازمه حفظ دوام عملکرد اجتماعی، شغلی و تحصیلی افراد جامعه و تأمین آن هدف اصلی اجرای برنامه‌های بهداشت روان در جامعه می‌باشد صبر از جمله مفاهیم اخلاقی است که در اخلاق اسلامی مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. آنچه از این واژه به ذهن می‌آید، حالتی است نفسانی که برای افراد خاصی هنگام شداید، مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها رخ می‌دهد. بنابراین هدف مطالعه حاضر تعیین ارتباط بین سلامت روان و صبر در زنان باردار بستری در بخش زایشگاه بیمارستان علی ابن ابیطالب زاهدان می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش یک مطالعه توصیفی-تحلیلی می‌باشد که به شکل مقطعی در سال ۱۳۹۸ انجام گرفت. جامعه مورد مطالعه ۸۲ نفر از زنان باردار بستری در بخش زایشگاه بیمارستان علی ابن ابیطالب زاهدان بودند. که از طریق آسان و در دسترس وارد مطالعه شده بودند. داده‌ها از طریق اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه‌ی استاندارد سلامت روان (GHQ) که دارای ۲۸ سوال است و شامل ۴ زیرمقیاس علائم جسمانی، اضطراب و بی‌خوابی، اختلال در کارکرد اجتماعی، علائم افسردگی، همچنین پرسشنامه‌ی استاندارد سنجش میزان صبر پرسشنامه سنجش میزان صبر توسط خرمایی و همکاران طراحی شد. این پرسشنامه حاوی ۲۵ سوال است که متعالی شدن، شکیبایی، رضایت، استقامت، و درنگ پنج مولفه را شامل می‌شود داده‌ها پس از جمع آوری با استفاده از آمارهای توصیفی میانگین، انحراف معیار و دامنه تغییرات و آزمون‌های استنباطی T test مستقل، onova، ضریب همبستگی پیرسون در نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که میانگین سنی زنان باردار شرکت کننده $26/23 \pm 2/4$ می‌باشد. ۳۶/۵۸ درصد آنها را زنان نخست زا تشکیل میدادند. ۲۴/۳۹ درصد آنها سابقه سقط را ذکر میکردند. همچنین ۴۱/۶۴ درصد آنها تحصیلات کارشناسی تشکیل می‌دادند. میانگین مدت زمان بستری در این بیماران $2/31$ می‌باشد. میانگین نمره سلامت روان $104/87 \pm 5/42$ و میانگین نمره صبر $64/03 \pm 6/54$ می‌باشد. بین سن با زیر مولفه‌ی استقامت رابطه معنی داری وجود داشت ($p < 0/005$). طول مدت بستری با اضطراب و بی‌خواب رابطه معنی وجود داشت ($p < 0/005$). همچنین سابقه سقط با زیر مولفه علائم افسردگی رابطه معنی وجود داشت ($p < 0/005$) همچنین بین میانگین نمره سلامت روان و صبر ارتباط مستقیم وجود داشت. ($p < 0/005$)

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد نمره سلامت روان و صبر در حد خوب بود. همچنین سن با زیر مولفه‌ی استقامت رابطه داشت. به طوری که با افزایش سن استقامت زنان باردار افزایش می‌یابد. همچنین طول مدت بستری با اضطراب و بی‌خوابی رابطه داشت به شکلی که با افزایش مدت زمان بستری اضطراب و بی‌خوابی ناشی از آن افزایش می‌یابد. زنان بارداری که سابقه سقط داشتند افسردگی بیشتری نسبت به سایر زنان داشتند. همچنین زنان بارداری که از نمره سلامت روان بالاتری برخوردار بودند مقایسه صبر آنها نیز بیشتر می‌باشد. بنابراین می‌توان با اقدامات مناسب در قالب کارگاه‌های آموزش برای زنان باردار در زمان دریافت مراقبت‌های قبل از زایمان در مراکز بهداشتی سطح سلامت روان این افراد را افزایش داد تا زنان باردار از آثار آن در مراحل زایمان و بعد از آن استفاده کنند.

واژگان کلیدی: سلامت روان، صبر، زنان باردار، بخش زایشگاه



سازمان یادگیرنده محور ارتقای کیفیت نظام سلامت

دکتر مجتبی سپندی^۱، باقرصادقیان^۲، حبیب شیرازی ساتلو^۳، فاطمه نریمانی^۴

۱. استادیار، متخصص اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، تهران، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، مدیریت خدمات بهداشت و درمان، دانشکده بهداشت، تهران، ایران bsadegian@yahoo.com
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، مدیریت خدمات بهداشت و درمان، دانشکده بهداشت، تهران، ایران
۴. کارشناس مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران

زمینه و هدف: گسترش بسیار سریع اطلاعات در عصر حاضر موجب ایجاد تغییراتی حیرت انگیز در همه عرصه های جوامع بشری گردیده و همین مسئله سازمان ها را مجبور به استفاده از ابزار آموزش، جهت ادراک و انتخاب رفتار متناسب با تغییرات کرده است. بنابراین مراکز درمانی و دانشگاه های علوم پزشکی و آموزشی نیز به عنوان یک سازمان، می بایست مزیت رقابتی در جریان یادگیری و آموزش کسب نمایند و زودتر و سریع تر و بهتر از سایر رقبا یاد بگیرند و این یادگیری و آموخته ها را در فرآیند های کاری نشان داده و از قابلیت ها، تعهد و ظرفیت یادگیری افراد در کلیه سطوح بهداشتی و درمانی به نحو احسن بهره برداری نمایند و عملکرد سازمان خود را از طریق آگاهی و درک بهتر، بهبود و اصلاح نمایند و به عنوان سازمان یادگیرنده مطرح گردند. این مقاله میکوشد تا با بیان ویژگی های سازمان یادگیرنده، به بررسی نقش آن بعنوان محور ارتقای کیفیت نظام سلامت بپردازد.

مواد و روش ها: به منظور بررسی موضوع مورد نظر، سایت ها و پایگاه های اطلاعاتی مختلفی مانند Proquest

، All the web Emeralled, Eric ,Irandoc ,Pub med ,Google, Alta vista و دانشیار مورد جستجو قرار گرفت و از بین بیش از شصت مقاله پژوهشی، حدود سی و دو مقاله انتخاب و مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت.

نتایج: پنج اصل اساسی سازمان های یادگیرنده عبارتند از: تسلط فردی، مدلهای ذهنی، یادگیری تیمی، ایجاد دورنمای مشترک و تفکر سیستمی. بهترین و بروزترین مدل جهت ارزیابی سازمان به عنوان سازمان یادگیر می بصورت اختصار به آن INVEST گفته میشود و مواردی همچون وجود فراگیران با انگیزه، فرهنگ پرورش دهنده، دورنمایی برای یادگیری، یادگیری افزایش یافته (بهبود یافته)، مدیریت حمایتی و ساختارهای قابل تغییر. راهکارهای عملی جهت رسیدن به سازمان یادگیرنده و استراتژی هایی برای ایجاد و ساخت زیر سیستم های یادگیری در نظام سلامت کشور بیان شده است.

نتیجه گیری: ارتقاء کیفیت نظام سلامت تلاشی برای برنامه ریزی و اجرای تحول سازمانی در راستای ارتقاء کیفیت نظام سلامت است و سازمان های یادگیرنده به سبب ویژگی ذاتی خود سبب ارتقاء خود و سازمانشان می گردند بدین ترتیب لازم است وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان های مرتبط علی الخصوص بیمارستان ها به سمت تبدیل شدن به سازمان یادگیرنده حرکت کنند ولی نباید است از این نکته غافل شد که، تفکر سازمان یادگیرنده، تفکر نوینی است که برای بکارگیری آن در مراکز درمانی دولتی و خصوصی باید آن را بومی نمود و بومی نمودن آن، به اندازه پذیرش ضرورت آن اهمیت دارد.

واژگان کلیدی: سازمان یادگیرنده، مراکز درمانی و نظام سلامت



تبیین نقش مدیریت اطلاعات سلامت در کنترل هزینه های بهداشت و درمان کشور

دکتر مجتبی سپندی^۱، باقرصادقیان^۲، سجادقلمی^۳، فاطمه نریمانی^۴

۱. استادیار، متخصص اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، تهران، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، مدیریت خدمات بهداشت و درمان، دانشکده بهداشت، تهران، ایران bsadeghian@yahoo.com
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، مدیریت خدمات بهداشت و درمان، دانشکده بهداشت، تهران، ایران
۴. کارشناس مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

زمینه و هدف: بخش سلامت به عنوان یکی از مهم ترین بخش های خدماتی جامعه و یکی از شاخص های توسعه و رفاه اجتماعی، به تنهایی یکی از بزرگترین بخش های اقتصاد جهان را تشکیل می دهند. امروزه افزایش سریع و روزافزون هزینه های بخش سلامت در سراسر جهان، متخصصین را در راستای یافتن شیوه های نوین برای محدود سازی هزینه ها و افزایش کارایی به چالش کشیده است. موفقیت در حل این چالش، نیازمند جمع آوری دقیق و صحیح داده و تجزیه و تحلیل آنها و ارائه اطلاعات و شواهد درست در خصوص هزینه ها و منشاء اصلی این هزینه ها و ارائه راهکارهای عملیاتی و مناسب در خصوص حل و کاهش هزینه ها و ایجاد اصلاحاتی جهت افزایش کارایی می باشد. ابزار موجود جهت تحقق این موارد تکنولوژی اطلاعات و مدیریت باکیفیت اطلاعات می باشد. هدف از نگارش این مقاله مروری تبیین نقش مدیریت اطلاعات سلامت و راهبردهای آن در کاهش هزینه های نظام سلامت و تشریح مزایای آن است.

مواد و روش ها: مطالعه ی حاضر به صورت مروری و با مرور منابع کتابخانه ای و منابع علمی دیجیتال و چاپی از ژورنال های مختلف علمی و همچنین جستجوی وب سایت های معتبر انجام گردید و در مجموع ۵۲ مقاله پژوهشی بازیابی شد. و از بین بیش از پنجاه و دو مقاله پژوهشی، حدود سی و نه مقاله انتخاب و مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت.

نتایج: در سال ۲۰۰۰ میلادی شبکه های یکپارچه ای از سیستم های تبادل اطلاعات سلامت، در کشور های مختلف راه اندازی شد و این شبکه به عنوان یکی از عناصر اصلی تشکیل دهنده شبکه ملی اطلاعات سلامت، توانستند مراکز درمانی و مؤسسات سلامت عمومی را قادر سازند تا وضعیت سلامت افراد جامعه را مورد پایش قرار دهند و هزینه های پایش سلامت جامعه کاهش یابد. این سیستم ها نقش مهمی در پردازش مناسب اطلاعات دارویی، آزمایشگاهی و رادیولوژی داشتند و ایمنی مراقبت از بیماران را افزایش یافت و به واسطه قابلیت دسترسی آنی به نتایج آزمایشگاهی و سایر داده های الکترونیکی خارج از مرکز درمانی، بهبود فرایندهای ارجاع، پردازش مطالبات و کاهش نفر ساعت موردنیاز برای مدیریت این فرایندها، نقش مهمی در افزایش کارایی و گردش کار داشت و فرایند تصمیم گیری بالینی بهبود یافت و طول مدت اقامت بیمار در بیمارستان کاهش یافت.

نتیجه گیری: بنابراین می توان نتیجه گرفت که ایجاد و سازماندهی پرونده ی سلامت فردی و الکترونیکی و تهیه ی یک قالب منسجم برای سیستم تبادل اطلاعات سلامت نقش بسزایی در کاهش هزینه های سلامت را دارا می باشد. لذا امروزه توسعه و بستر سازی زیرساخت های فناوری اطلاعات در حوزه سلامت کشور ضروری است. هماهنگی و تبادل اطلاعات سلامت بین ذینفعان حوزه مراقبت سلامت موضوع مهمی است که نویدبخش افزایش کیفیت و ایمنی مراقبت سلامت و رشد و تعالی سلامت جامعه را فراهم میکند.

واژگان کلیدی: مدیریت اطلاعات سلامت، هزینه های بهداشت و درمان و نظام سلامت



مروری نظام مند بر راه های کاهش هزینه و افزایش درآمد بیمارستان ها

سید مرتضی حسینی شکوه^۱، باقر صادقیان^۲، سجاد قلمی^۳، سعیده علیاری^۴، فاطمه نریمانی^۵

۱. استاد یار اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بقیه اله (عج)، تهران، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، مدیریت خدمات بهداشت و درمان، دانشکده بهداشت، تهران، ایران
bsadegian@yahoo.com
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، مدیریت خدمات بهداشت و درمان، دانشکده بهداشت، تهران، ایران
۴. دانشجوی کارشناسی ارشد، مدیریت خدمات بهداشت و درمان، دانشکده بهداشت، تهران، ایران
۵. کارشناس مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

زمینه و هدف: بیمارستان بعنوان بزرگترین و پرهزینه ترین واحد عملیاتی سیستم بهداشتی و درمانی از اهمیت خاصی برخوردار است و حجم بسیار زیادی از منابع بخش بهداشت و درمان را به خود اختصاص می دهند افزایش سریع و روز افزون هزینه های بیمارستانها، سبب گردیده تا متخصصان اقتصاد سلامت در سراسر جهان در پی یافتن راهکاری بمنظور کاهش هزینه ها و افزایش درآمد بیمارستانها باشند. هدف مطالعه حاضر ارائه همین راهکارها برای بیمارستانها می باشد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر بصورت مروری_سیستماتیک با جستجوی سیستماتیک در Data base های Science, PubMed, SID, Medlib و ابر جستجوگر Google Scholar با استفاده از کلیدواژه های Increase revenue و Reduce costs و Hospital و increment و profit و income و معادل های فارسی آنها از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ صورت پذیرفت. ۲۵۱ مقاله بدست آمده بصورت مرحله به مرحله مطالعه و پالایش شده و در نهایت ۲۰ مقاله مرتبط با هدف مطالعه انتخاب و ارائه گردید.

نتایج: براساس یافته های مطالعات چنین برمی آید که بر اساس ابعاد و زوایای مختلف کیفیت، اصول و مهارت های مدیریتی و الزامات کارآیی فنی و تخصیصی می توان وضعیت موجود بیمارستانها را ارتقاء داد. و با توجه به برنامه استراتژیک هر بیمارستان و شرایط و چالش هایی که در پیش رو دارد، می توان در رابطه با راهکارهای ارائه شده تصمیم گیری نمود. راهکارهای افزایش درآمد (الف) و کاهش هزینه (ب) شامل: الف) ۱- افزایش بهره وری نیروی انسانی (مبحث توانمندسازی، تطبیق حجم کاری با نیروی انسانی) ۲- استفاده صحیح از منابع (نیروی انسانی، فضای فیزیکی، سرمایه گذاری ها و تجهیزات و پول) ۳- رعایت کدهای خدمات کتاب ارزش نسبی خدمات ۴- بازبینی کتاب ارزشهای نسبی خدمات در کمیته بیمارستانی کسورات ۵- اعمال کسورات واقعی در دریافتی پزشکان ۶- استفاده از ظرفیت های خالی بیمارستان ۷- نظرسنجی از پزشکان متخصص در خصوص راهکارهای افزایش درآمد ۸- شناسایی ظرفیت های بالقوه و به فعل درآوردن آنها مثل آزمایشگاه، نسخ سرپایی داروخانه و ... و همچنین در خصوص ب) ۱- نگاه افزایش درآمد به جای کاهش هزینه ها ۲- تهیه فهرست هزینه ها ۳- اولویت بندی هزینه ها ۴- تدوین فرایند رصد کردن تعمیرات در بیمارستانها ۵- ساماندهی منابع انسانی و بکارگیری افراد در جاهای مناسب ۶- بازنگری قرار دادها ۷- دخیل شدن مدیران و روسای بیمارستانها در نظارت بر قراردادها ۸- بالفعل درآمدن تخصص ها و توانایی های موجود در بیمارستانها (استفاده بهینه از نیروها) ۹- پرداخت بر اساس عملکرد پرسنل در بخش و ... بود.

نتیجه گیری: مدیریت بیمارستان می تواند از تجارب متخصصان و مشاوران به خصوص از مدیران با تجربه و موفق در زمینه فعالیت در بیمارستانها و مراکز بهداشتی درمانی استفاده کند. مدیریت بیمارستان ها می توانند همچنین استفاده از نتایج تحقیقات و پژوهش های انجام شده در داخل و خارج کشور، در خصوص بکارگیری هر کدام از موارد مطالعات بومی شده و مختص بیمارستان خود را با مطالعات موردی مفیدی را انجام دهند.

واژگان کلیدی: افزایش درآمد، کاهش هزینه، بیمارستان





How we can improve Quality of Life in Elders with Cognitive Disorder?

Behnam Honarvar¹, Elahe Khaksar¹, Fatemeh Jafari², Mohammadhassan zahedroozegar³, Sanaz Amiri²

1. Health Policy Research Center, Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

2. MSc Candidate of Epidemiology in Shiraz University of Medical Science, Shiraz, Iran
m.jafarii4319@gmail.com

3. MD student of Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Background: Alzheimer disease (AD) is one of the prevalent disabling disorders in aging. Since this disease has an important role in the quality of life of the elderly and their caregivers and few studies have been conducted in this area, the aim of this study was to evaluate the quality of life in these patients.

Material and Methods: This cross-sectional study was performed on 182 elder people who were selected through available sampling from February to April 2019. MoCA and LEIPAD were the questionnaires used to assess AD and quality of life (QOL) of subjects. Data analysis was done by path analysis and IBM Spss and MPLUS software.

Results: A total of 182 elders with a mean age of 67 ± 5.05 years were interviewed. Among these elders, 95 (52.2%), 161 (88.5%) and 130 (71.4%) elders were females, educated, and married, respectively. The results indicated that 46 (25.28%) of the elders had low-to-moderate QOL whereas 132 (72.5%) of them suspected AD. QOL and AD were found to be inversely associated ($\beta = -0.30$) while men ($\beta = -0.31$) were more affected than women ($\beta = -0.29$). In addition, age and AD were the most important factors of QOL. Further, QOL was highly indirect associated with physical activity through AD. Moreover, AD was highly related to the cognitive functioning component of QOL.

Conclusions: One-fourth of the elders had no desirable QOL and about three-fourth suspected AD. Thus, AD seems to have an inverse relationship with the QOL. Therefore, we recommend for policy making and for better care of this important group of population.

Keywords: Alzheimer Disease, Quality of Life, Elderlies



ترجیح بیماران کدام است؛ بیمارستان دولتی یا خصوصی؟

علی اسمعیلی^۱، روح اله کلهر^۲، محمد زکریا کیایی^۳، حسین ترنج^۴، سعیده موسوی^۵، مهدی زینالی^۶

۱. دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران ali32024@gmail.com
۲. دانشیار، دکتری مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، پژوهشکده بیماریهای غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
۳. مربی گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی - دانشکده بهداشت - دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.
۴. واحد مدیریت برنامه ریزی مالی و بودجه، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
۵. کارشناس بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
۶. کارشناس ارشد مهندسی صنایع، معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

زمینه و هدف: عوامل متعددی در انتخاب بیمارستان توسط بیماران موثرند، که این عوامل می توانند از یک طرف کیفیت ارائه خدمات و هزینه های بیمارستانی و از طرف دیگر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیمار باشد. لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین عوامل تاثیرگذار بر انتخاب بیمارستان (دولتی یا خصوصی) توسط بیماران در بیمارستان های قزوین انجام گرفت.

مواد و روش کار: در این پژوهش توصیفی، در مجموع ۲۰۰ بیمار بستری شده در ۳ بیمارستان خصوصی و ۳ بیمارستان دولتی تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال ۱۳۹۶ به شیوه نمونه گیری در دسترس وارد مطالعه شدند. ابزار گرد آوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر دو قسمت، قسمت اول حاوی اطلاعات زمینه ای (سن، جنس، محل سکونت، شغل، برخورداری از بیمه و نحوه ی مراجعه به بیمارستان) و قسمت دوم شامل ۲۰ سوال برای تعیین عوامل موثر در انتخاب بیمارستان از جمله: وجود پزشک مجرب، هزینه بیمارستانی، شهرت بیمارستان و... بود، روایی پرسشنامه با بهره گیری از نظر اساتید فن بررسی و پس از جمع آوری نظرات آنان و انجام اصلاحات به صورت نهایی تدوین گردید. پایایی پرسشنامه با محاسبه آلفای کرونباخ (۰/۸۵) بدست آمد که نشان دهنده پایایی مناسب پرسشنامه می باشد. برای تعیین عوامل موثر بر انتخاب نوع بیمارستان از آزمونهای کای دو، من ویتنی و آزمون t استفاده شد.

یافته ها: براساس نتایج حاصله مهمترین عوامل موثر بر انتخاب بیمارستانهای دولتی: دسترسی به پزشک معالج بعداز عمل جراحی، وجود پزشک مجرب، برخورد کارکنان با بیماران، شاغل بودن خویشاوندان در بیمارستان و مهمترین عوامل موثر بر انتخاب بیمارستانهای خصوصی: هزینه بیمارستان، تجهیزات و امکانات بیمارستان و درآمد افراد بود.

نتیجه گیری: بیمارستانهای دولتی و خصوصی می توانند با برنامه ریزی بهتر بر روی مزیت های رقابتی خود و عوامل اصلی موثر در انتخاب آنها که در این پژوهش به آنها اشاره شد به سمت مشتری مداری و ارائه خدمات مطلوب بیماران حرکت نمایند.

واژه های کلیدی: ترجیح بیماران، بیمارستان دولتی، بیمارستان خصوصی، انتخاب بیمارستان



رابطه سبک رهبری و عوامل انگیزشی موثر بر بهره وری پرسنل بیمارستان های آموزشی

قزوین

روح اله کلهر^۱، احسان زینالی^۲، شقایق موسوی^۳، سعیده موسوی^۴، علی اسمعیلی^۵

۱. دانشیار مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، پژوهشکده بیماریهای غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران r.kalhor@gmail.com
۲. کارشناس ارشد مدیریت اجرایی، دانشگاه آزاد اسلامی شعبه قزوین، قزوین، ایران
۳. کارشناس ارشد میکرو بیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
۴. کارشناس بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
۵. دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

زمینه و هدف: تمامی مدیران در جستجوی راه هایی به منظور ایجاد تلاش بیشتر در کارکنان به جهت ارتقاء عملکرد آنان می باشند. سبک رهبری و عوامل انگیزشی از عوامل موثر بر بهره وری نیروی انسانی به شمار می روند. هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک رهبری و عوامل انگیزشی موثر بر بهره وری پرسنل بیمارستان های آموزشی قزوین است.

مواد و روش ها: این پژوهش از نوع توصیفی _ تحلیلی است، جامعه مورد مطالعه را کارکنان بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی قزوین تشکیل داده اند که کارکنان از طریق روش نمونه گیری طبقه ای چندمرحله ای وارد پژوهش شدند. ابزار جمع آوری داده ها سه پرسشنامه ی سبک رهبری، عوامل انگیزشی و میزان بهره وری کارکنان بود که روایی و پایایی آن تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده ها به کمک آمار توصیفی و آزمون های آماری (ضریب همبستگی، تی مستقل، آنوا و...) و تحلیل معادلات ساختاری SEM به انجام رسید. نرم افزار های مورد استفاده جهت تحلیل SPSS و AMOS بود.

نتایج: نتایج تحلیل مسیر مدل معتبر شده نشان می دهد که سبک رهبری بر انگیزش پرسنل و همچنین سبک رهبری بر بهره وری پرسنل تاثیر مستقیم و معنی داری ندارد. اما نتایج تحلیل مسیر مدل معتبر شده نشان می دهد که انگیزش بر بهره وری پرسنل تاثیر مستقیم و معنی داری دارد ($p \leq 0/05$).

نتیجه گیری: با توجه به وضعیت سبک رهبری در بیمارستانهای مورد مطالعه که سبک وظیفه مدار بوده، و تاثیری روی انگیزش و بهره وری پرسنل نداشته به نظر تجدید نظر در سبک رهبری می تواند عاملی در جهت افزایش انگیزش و بهره وری پرسنل باشد.

واژگان کلیدی: بیمارستان آموزشی، سبک رهبری، انگیزش، بهره وری، کارکنان بیمارستان، ایران



ارزیابی تصمیم گیری مبتنی بر شواهد بین مدیران دانشگاه علوم پزشکی قزوین: کاربرد تئوری رفتار برنامه ریزی شده

احمد فریدونی^۱، روح اله کلهر^۲، محمد حسن ایمانی نسب^۳، محمد زکریا کیایی^۴، علی اسمعیلی^۵
سعیده موسوی^۶

۱. کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
a.fereydouni1981@gmail.com

۲. دانشیار مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، پژوهشکده بیماریهای غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

۳. مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

۴. مربی گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

۵. دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

۶. کارشناس بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

زمینه و هدف: هنگامی که تصمیم گیری براساس نتایج قابل پیگیری و اطلاعات واقعی (شواهد) باشد، طبیعتاً دستیابی به خروجی موردنظر سهل تر خواهد بود. مهمترین هدف تصمیم گیری مبتنی بر شواهد بر اساس تئوری رفتار برنامه ریزی شده، تاثیرگذاری بر رفتارهای افراد به منظور اصلاح و بهبود نگرش ها و افزایش پذیرش یک ایده منطقی می باشد. لذا هدف مطالعه حاضر، ارزیابی وضعیت تصمیم گیری مبتنی بر شواهد بین مدیران دانشگاه علوم پزشکی قزوین بر اساس تئوری رفتار برنامه ریزی شده می باشد.

مواد و روش کار: این مطالعه توصیفی- تحلیلی در بین ۳۰۷ نفر از مدیران رده های ستادی و اجرایی در سطح دانشگاه و واحدهای زیر مجموعه علوم پزشکی قزوین (به صورت کلی شماری) در سال ۱۳۹۷ انجام شد. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه تصمیم گیری مبتنی بر شواهد بر اساس تئوری رفتار برنامه ریزی شده بود. برای آزمون روابط ساختاری بین متغیرهای مورد مطالعه از الگوسازی معادلات ساختاری استفاده شد. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS20 و هم چنین AMOS-22 انجام شد.

یافته ها: ۲۴/۹٪ از پاسخ دهندگان مرد و ۸۸/۵٪ متاهل هستند. نتایج تحلیل مسیر مدل معتبر شده نشان می دهد که هنجار ذهنی و نگرش رفتاری بر روی قصد رفتاری و همچنین قصد رفتاری بر روی رفتار افراد مورد مطالعه تاثیر مستقیم و معنی داری دارد. (p≤0/05) اما نتایج تحلیل مسیر مدل معتبر شده نشان می دهد که کنترل رفتاری درک شده بر روی قصد رفتاری و رفتار افراد مورد مطالعه تاثیر مستقیم و معنی داری ندارد. (p≥0/05) هم چنین برازش مدل به دست آمده در این مرحله حکایت از برازش مناسبی دارد.

بحث و نتیجه گیری: قدرت پیش گویی رفتار تصمیم گیری مبتنی بر شواهد توسط تئوری رفتار برنامه ریزی شده نشان داد، اولویت عوامل تبیین کننده قصد به ترتیب عبارتند از: هنجار ذهنی و نگرش به رفتار. سازه های پیش گوی قصد قادر بود ۴۱ درصد تغییرات قصد و سازه قصد توانست ۶۱ درصد رفتار تصمیم گیری مبتنی بر شواهد را تبیین کند.

واژگان کلیدی: تصمیم گیری مبتنی بر شواهد، مدیران دانشگاه علوم پزشکی قزوین، تئوری رفتار برنامه ریزی شده



عوامل اجتماعی اقتصادی موثر بر تمایل به زایمان سزارین: شواهدی از ایران

جواد سجادی خسرقی^۱، ثریا نورایی مطلق^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۲. استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و تغذیه، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، لرستان، ایران mania0508@yahoo.com

زمینه و هدف: سزارین غیر ضروری دارای اثرات منفی بر سلامت مادر و کودک است، همچنین منجر تحمیل بار اقتصادی قابل توجه بر نظام سلامت می گردد. در سالهای اخیر میزان سزارین در سراسر جهان و ایران افزایش یافته است و یکی از چالش های مهم سیاست های جمعیتی حال حاضر کشور است مطالعه حاضر با هدف بررسی نرخ سزارین و عوامل مؤثر بر آن در استان لرستان در سال ۱۳۹۸ انجام گردید.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی بود. کلیه زنان باردار در سه ماهه دوم و سوم بارداری مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی استان لرستان در سال 2019 جامعه ی پژوهش بودند. روش نمونه گیری، خوشه ی چند مرحله ای بود. پایگاه های بهداشتی شهرهای استان به عنوان خوشه در نظر گرفته شده و از طریق نمونه گیری سیستماتیک پایگاه ها انتخاب گردیدند سپس حجم نمونه برآورد شده به تعداد ۳۲۰ به صورت تصادفی از بین افراد مراجعه کننده به پایگاه های بهداشتی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها شامل پرسشنامه "دانش و نگرش" و ترس از درد (FPQ) بود. برای تحلیل داده ها از نرم افزار stata14، آمار توصیفی مدل های رگرسیونی لاجستیک تک متغیره و چند متغیره استفاده گردید.

نتایج: نرخ تمایل به سزارین در این مطالعه ۴۴/۴۸٪ بود. میانگین نمرات ترس از درد در گروه سزارین (39.98±8.21) به طور معناداری بالاتر از گروه زایمان واژینال بود (46±8.62). افزایش سن مادر (OR=۱/۰۶)، سطح تحصیلات (OR=۲/۲۴) و همسر (OR=۲/۶۲)، درآمد بالا (OR=۶/۲۴) ترس از درد زایمان (OR=۱/۰۴)، داشتن سابقه سزارین احتمال گرایش به سزارین را افزایش می دهد. در مقابل جنسیت دختر (OR=۰/۳۶)، افزایش BMI (OR=۰/۷۴) و بهبود نگرش نسبت به زایمان واژینال تاثیر کاهنده ای بر گرایش زنان به سزارین دارد.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های مطالعه علیرغم اینکه بسیاری از مادران زایمان واژینال را ترجیح می دهند، نرخ تمایل به سزارین در استان لرستان بالا است که نشان دهنده لزوم طراحی و اجرای مداخلات و برنامه های موثر در کاهش سزارین های غیر ضروری و ترویج زایمان طبیعی می باشد. با در نظر گرفتن عوامل دخیل در تمایل به سزارین، اقدامات زیادی را جهت کاهش نرخ سزارین های غیر ضروری می توان به کار گرفت. این اقدامات شامل: آموزش خانواده ها و مخصوصا زنان باردار در مورد منافع و مضرات روش های مختلف تولد نوزادشان، توانمندسازی مادران برای غلبه بر ترس از درد زایمان از طریق رسانه های جمعی و ارائه دهندگان خدمات سلامت در مراکز بهداشتی درمانی، ترویج و استفاده از روش های جدید زایمان طبیعی با درد کم و افزایش شرکت زنان در کلاس آمادگی زایمان می باشد

واژگان کلیدی: سزارین، زایمان واژینال، بارداری، ایران



بررسی نگرش دانشجویان رشته بهداشت عمومی دانشگاه علوم پزشکی لرستان نسبت به رشته تحصیلی و آینده شغلی در سال ۱۳۹۷

زهرا اسدی پیری^۱، ثریا نورایی مطلق^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۲. استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و تغذیه، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، لرستان، ایران mania0508@yahoo.com

زمینه و هدف: نگرش مثبت دانشجویان نسبت به رشته تحصیلی و آینده شغلی از عوامل مهم در موفقیت دانشجویان می باشد بنابراین رشته‌ی تحصیلی و اشتغال آینده همواره از نکات مهم و مورد توجه بخش آموزش بوده است. هدف مطالعه حاضر تعیین نگرش دانشجویان رشته بهداشت عمومی دانشگاه علوم پزشکی لرستان نسبت به رشته تحصیلی و آینده شغلی و تعیین عوامل مؤثر بر دیدگاه آنها بود.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی است. تعداد ۷۸ نفر از دانشجویان مشغول به تحصیل ترم سوم تا ترم هشتم رشته بهداشت عمومی در سال ۱۳۹۷ جامعه پژوهش بودند که با روش سرشماری انتخاب شدند. پرسشنامه بکارگرفته شده در این مطالعه برگرفته از پرسشنامه سنجش نگرش در دانشگاه مینه سوتای امریکا می باشد؛ که در دو بخش (سوالات دموگرافیک و ۱۷ سوال در مورد نگرش دانشجویان) طراحی شده بود. تحلیل داده‌ها از طریق آزمون t مستقل، تحلیل واریانس یک طرفه، آزمون همبستگی پیرسون انجام گرفت.

نتایج: میانگین نمره نگرش دانشجویان نسبت به رشته تحصیلی و آینده شغلی به ترتیب برابر با $27/14 \pm 5/1$ (میانگین نظری آزمون=۲۷) و $22/79 \pm 5/25$ (میانگین نظری آزمون=۲۴) بود. بین نگرش دانشجویان نسبت به رشته تحصیلی و آینده شغلی، همبستگی مستقیم و معناداری مشاهده شد ($p < 0/001$ و $r = 0/472$). عوامل مهمی که سبب نگرش منفی نسبت به آینده شغلی می گردد، نگرانی نسبت به آینده‌ی شغلی، مزایای حقوقی نامناسب این رشته، عدم تناسب سرفصل و دروس ارائه شده با نیازهای جامعه می باشند. همچنین مهمترین عوامل نگرش منفی نسبت به رشته تحصیلی، دیدگاه منفی جامعه و دانشجویان سایر رشته ها نسبت به رشته می باشد.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که بیشتر از نیمی از دانشجویان مورد مطالعه از نگرش منفی نسبت به رشته تحصیلی و آینده شغلی خود برخوردار بودند. تقویت برنامه‌های آموزشی، بازنگری سرفصل و دروس ارائه شده، بهبود کارآموزی دانشجویان و پذیرش دانشجویان با توجه به نیاز جامعه و فراهم کردن شرایط استخدامی از عواملی است که می‌تواند در افزایش سطح رضایت از رشته تحصیلی و دیدگاه دانشجویان نسبت به آینده شغلی اثرگذار باشد.

واژگان کلیدی: نگرش، رشته تحصیلی، آینده شغلی، بهداشت عمومی



به کارگیری برنامه های کاربردی سلامت همراه در ارتقای سطح سلامت سالمندان

بهادر کمر آبی^۱، مبین متحدی^۱، آرمین صلواتیان^۱، مجیدحیدرپور^۱، سعیده زرگانی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشکده پیراپزشکی، کرمانشاه، ایران Bahadork981@gmail.com

زمینه و هدف: گسترش فناوری های همراه در حوزه ی سلامت، شاخه ی جدیدی از سلامت الکترونیک را به عنوان، سلامت همراه ایجاد کرده است. سلامت همراه، بیشتر بر ارتباط بین فرد با تیم ارائه دهنده مراقبت سلامت از طریق فناوری های همراه، تأکید دارد. سالمندی یکی از دوران بسیار مهم در زندگی افراد می باشد که مشکلات متعددی می تواند سلامتی فرد را تهدید کند. بنابراین، هدف پژوهش حاضر، بررسی به کارگیری برنامه های کاربردی فناوری سلامت همراه در ارتقای سطح سلامت سالمندان بود.

مواد و روش ها: این پژوهش به صورت مروری در سال 1398 و از طریق جستجو در پایگاه های اطلاعاتی Web of Science، ScienceDirect، PubMed و Scopus انجام گردید. در نهایت 39 مقاله از سال 2000 تا 2020 پیدا شد که پس از بررسی عنوان، چکیده و کلیدواژه ها، 23 مقاله انتخاب گردید. سپس مقالات توسط پژوهشگران به منظور تحلیل، مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: نتایج پژوهش حاضر نشان داد که به کارگیری برنامه های کاربردی سلامت همراه می تواند نقش مثبتی در ارتقای سطح سلامت سالمندان داشته باشد. اکثر مطالعات بیان کردند به کارگیری برنامه های کاربردی سلامت همراه می تواند منجر به توانمندسازی سالمندان در جهت مراقبت از خود در برابر بیماریهای مزمنی همچون دیابت، فشار خون و غیره شود. علاوه براین، این فناوری می تواند روابط بین سالمندان با تیم ارائه دهنده مراقبت سلامت را بالا برده و همچنین، کاهش هزینه ها، دریافت مراقبت سلامت در هر زمان و هر مکانی، بهبود کیفیت ارائه ی مراقبت سلامت، صرفه جویی در زمان و تسهیل پایش و پیگیری مداوم بیماری، شکل گیری سبک زندگی سالم، کنترل فشار خون، بهبود میزان مصرف دخانیات از قبیل سیگار، کاهش وزن، کنترل دیابت، کاهش کلسترول خون، پیشگیری از بیماری های قلبی -عروقی و ورزش های روزانه را دربرداشته باشد.

نتیجه گیری: امروزه با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و همچنین تولید روزافزون علم و دانش در حوزه ی علوم پزشکی، ارائه ی مراقبت سلامت از شکل سنتی به شکلی مدرن تغییر پیدا کرده است. استفاده از برنامه های کاربردی سلامت همراه، فرصتی را برای کاهش هزینه ها و ارائه ی مراقبت سلامت در هر زمان و هر مکانی و همچنین، برقراری ارتباط بهتر با تیم ارائه دهنده مراقبت سلامت را برای سالمندان جامعه فراهم می کند.

واژگان کلیدی: سلامت همراه، برنامه های کاربردی، سالمندان، خودمراقبتی، سلامت



بررسی رفتارهای ارتقا دهنده سلامت در بیماران مبتلا به سرطان پستان: مطالعه مروری

نجمه زمانی^۱، زهره خاوری^۲، عهدیه بحری^۱

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری میبد، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
ahdie.bahri.96@gmail.com

۲. دانشجوی دکترای تخصصی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران و عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری میبد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

زمینه و هدف: سرطان سینه یکی از مشکلات مهم بهداشتی در سراسر جهان محسوب میشود. که یکی روشهای موثر در کاهش عوارض و مرگ و میر و بهبود کیفیت زندگی این بیماران، رفتارهای ارتقا دهنده سلامتی است. لذا باتوجه به تاثیر چشم گیری که این رفتارها بر کاهش هزینه های بهداشتی، سلامتی افراد در مراحل درمان، پیشگیری از عود مجدد علائم بیماری و نیز افزایش طول عمر این افراد دارند این مطالعه با هدف تعیین رفتارهای ارتقاسلامت در بیماران مبتلا به سرطان پستان، با مروری بر مطالعات گذشته انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه مروری با استفاده از کلید واژه های فارسی سرطان پستان 1، رفتارهای ارتقاسلامت 2، در پایگاه های اطلاعاتی اس آی دی 3، اسکوپوس 4، پابمد 5، گوگل اسکولار 6 در محدوده زمانی ۲۰۱۹-۲۰۱۰ مرور انجام شد. ۲۶ مقاله مورد بررسی قرار گرفت. از این مقالات ۳ مورد که حجم نمونه و روش نمونه گیری نامشخص بود یا به متن کامل مقاله دسترسی وجود نداشت حذف شدند.

نتایج: یافته های این چند مقاله نشان داد؛ در اکثر افراد مبتلا به سرطان پستان، رفتار های فعالیت بدنی یا ورزش کردن و رعایت رژیم غذایی؛ کم نمک، کم چرب، مصرف شیرو لبنیات، غذاهای گوشتی، میوه و سبزیجات تازه نسبت به دیگر ابعاد رفتارهای ارتقا دهنده سلامت کمتر مورد توجه قرار داشت، لذا با توجه به نتایج مطالعات مختلف میتوان گفت که به طور کلی تغذیه سالم و انجام فعالیت بدنی در افراد مبتلا به سرطان پستان به میزان کم تا متوسط مورد توجه قرار داشت. همچنین نتایج نشان داد که رابطه معناداری بین رفتارهای ارتقا دهنده سلامت و مشخصات دموگرافیک افراد مثل سن، سطح تحصیلات، اشتغال، وضعیت اقتصادی و ... وجود دارد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه رفتارهای ارتقا دهنده سلامتی در کشور ما مورد غفلت واقع شده اند؛ آموزش این رفتارها در جهت افزایش آگاهی و رفتارهای ارتقاسلامت در بیماران مبتلا به سرطان ضروری می باشد.

واژگان کلیدی: سرطان پستان. رفتارهای ارتقا سلامت



بررسی ارتباط خودپنداره جنسی و طلاق زوجین: مطالعه مروری

نجمه زمانی^۱، عهدیه بحری^۱، زهره خاوری^۲

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری میبد، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
najmehzamani788@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری میبد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

زمینه و هدف: یکی از عوامل موثر بر عملکرد جنسی زوجین، خودپنداره جنسی می باشد؛ که بیانگر تصورات و باورهایی است که فرد در مورد روابط جنسی دارد؛ که براساس آن رفتارهای خود را تنظیم می کند. باتوجه به اینکه عملکرد جنسی یکی از جنبه های مهم کیفیت زندگی زناشویی است؛ و کسانی که خودپنداره جنسی منفی دارند دچار مشکلاتی در زندگی زناشویی و امور جنسی خود می شوند این مطالعه باهدف بررسی ارتباط خودپنداره جنسی و طلاق زوجین با مروری بر مطالعات گذشته انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه مروری با استفاده از کلید واژه های فارسی عملکرد جنسی^۱، خودپنداره جنسی^۲ و طلاق^۳ در پایگاه های اطلاعاتی جهاد دانشگاهی^۴، اسکوپوس^۵، پابمد^۶، گوگل اسکولار^۷ در محدوده زمانی ۲۰۱۹-۲۰۱۰ مرور انجام شد. ۲۹ مقاله مورد بررسی قرار گرفت. از این مقالات ۳ مورد که حجم نمونه و روش نمونه گیری نامشخص بود یا به متن کامل مقاله دسترسی وجود نداشت حذف شدند.

نتایج: نتایج این چند مقاله نشان داد؛ خودپنداره جنسی مثبت بر عملکرد جنسی زوجین تاثیر قابل ملاحظه و چشمگیری دارد و بین این دو مولفه ارتباط معنادار وجود دارد. همچنین با مروری که صورت گرفت متوجه شدیم که ایجاد اختلال در عملکرد جنسی منجر به بروز مشکلات شدید و ازهمگسستگی زندگی زناشویی و درنهایت طلاق زوجین می شود. در ۳ مورد از مقالات مورد بررسی ارتباط معناداری میان خودپنداره جنسی و طلاق یافت نشده بود.

نتیجه گیری: با توجه به افزایش میزان طلاق در جامعه و همینطور شرم متقاضیان طلاق از بیان مشکلات جنسی به عنوان یکی از دلایل طلاق؛ ضرورت دارد مسئولان نسبت به این موضوع توجه بیشتری داشته باشند و اقداماتی جهت بهبود خودپنداره جنسی و عملکرد جنسی انجام دهند.

واژگان کلیدی: عملکرد جنسی، خودپنداره جنسی، طلاق



بررسی رفتارهای تغذیه ای زنان باردار: مطالعه مروری

نجمه زمانی^۱، زهره خاوری^۲، عهدیه بحری^۱

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری میبد، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
ahdie.bahri.96@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری تخصصی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران و عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری میبد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

زمینه و هدف: بارداری، از پرمخاطره ترین دوره های زندگی زنان است که با افزایش نیازهای تغذیه ای همراه می باشد. تغذیه این دوران، سلامت مادر و جنین را تحت تأثیر قرار می دهد. بنابراین داشتن رژیم غذایی ناکافی و ناسالم در دوران بارداری، می تواند منجر به بروز مشکلات برای مادر و جنین شود. لذا با توجه به اهمیت این موضوع، مطالعه باهدف تعیین رفتارهای تغذیه ای زنان باردار با مروری بر مطالعات گذشته انجام شد

مواد و روش ها: این مطالعه مروری با استفاده از کلید واژه های فارسی بارداری^۱، رفتارهای تغذیه ای^۲، در پایگاه های اطلاعاتی اس آی دی^۳، اسکوپوس^۴، پابمد^۵، گوگل اسکولار^۶ در محدوده زمانی ۲۰۲۰-۲۰۱۰ مرور انجام شد. ۳۷ مقاله مورد بررسی قرار گرفت. از این مقالات ۵ مورد که حجم نمونه و روش نمونه گیری نامشخص بود یا به متن کامل مقاله دسترسی وجود نداشت حذف گردید.

نتایج: نتایج این چندمقاله نشان داد؛ آگاهی اکثر زنان باردار درمورد تغذیه در سطح متوسط قرار دارد و علیرغم اهمیت تغذیه در سلامت زنان باردار و حضور ماهانه در مراکز سلامت، اکثر زنان از عملکرد مناسبی در زمینه تغذیه برخوردار نیستند و مصرف نان و غلات، سبزیجات و میوه جات، گوشت و حبوبات در حد نامطلوب بود. اما مصرف شیر و لبنیات در حد مطلوب بود بنابراین دریافت مواد مغذی و انرژی در زنان باردار ناکافی و یا نادرست می باشد. بعلاوه یافته های این مطالعات نشان داد که رابطه ی معناداری بین سن، سطح درآمد، سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال وجود دارد و یکی از مهم ترین عوامل تأثیرگذار منفی بر عملکرد تغذیه ای زنان باردار، بارداری ناخواسته بود.

نتیجه گیری: لذا با توجه به اهمیت تغذیه در زنان باردار بایستی آموزش و حمایت تغذیه ای با به کارگیری برنامه های آموزشی هدفمند و موثر با کمک کارکنان بهداشتی و اطلاع رسانی از طریق رسانه ها، به منظور بهبود آگاهی و عملکرد زنان درمورد رژیم غذایی مناسب دوران بارداری، صورت گیرد

واژگان کلیدی: بارداری، رفتار های تغذیه ای



مداخلات مبتنی بر توانمندسازی در بیماران مبتلا به دیابت: یک مطالعه مروری

فاطمه خباز زاده^۱، مینا زارع حسین آبادی^۲، فاطمه زارع حسین آبادی^۳، رضوان مریدا^۴

۱. کارشناس ارشد پرستاری، مربی دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران
۲. کارشناسی ارشد مشاوره در مامایی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
۳. دانشجوی پرستاری، دانشکده علی بن ابی طالب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران
۴. دانشجوی پرستاری، دانشکده علی بن ابی طالب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران rezvan2057@gmail.com

زمینه و هدف: دیابت بیماری مزمن و پیشروندهای است که به دلیل شروع تدریجی و بهبودی غیرقابل پیشبینی، مشارکت بیمار در امر مراقبت از خود را می طلبد. این بیماری با صنعتی شدن و گسترش شهرنشینی روند رو به رشدی پیدا کرده است. در روش های نوین آموزش به بیمار، موضوع توانمندسازی مطرح شده است. توانمندسازی بیمار به عنوان یک برنامه مؤثر در راستای بهبود عملکرد بیماران دیابتی محسوب می شود. هدف از مطالعه حاضر بررسی مداخلات مبتنی بر توانمندسازی در بیماران مبتلا به دیابت است.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر از نوع مروری ساده بود و جستجوی مقالات در پایگاه های اطلاعاتی ایرانی و بین المللی، Google Scholar، Iranmedex، Scopus، PubMed، Science Direct با کلید واژه های توانمندسازی (Empowerment)، رویکرد توانمندسازی (Empowerment Approach)، برنامه توانمندسازی (Empowerment Program)، توانمندسازی بیماران (Empowerment Patient)، توانمندسازی و دیابت (Empowerment and Diabetes) و بیماران دیابتی (Diabetic Patients) و در محدوده زمانی سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ میلادی انجام گردید. پس از جستجو ۲۰ مقاله بر اساس معیارهای پژوهش انتخاب شدند.

نتایج: بررسی مطالعات نشان دهنده عدم استفاده از چارچوب نظری خاص توانمندسازی، فقدان توجه به همه ابعاد توانمندسازی، بی توجهی به تأثیر متغیرهای جمعیت شناختی بر توانمندسازی بیماران و عدم پیگیری برنامه می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به محدودیت های تعیین شده در مداخلات توانمندسازی، پیشنهاد می شود که در اجرای مداخلات توانمندسازی بیماران دیابتی به همه ابعاد توانمندسازی توجه گردد.

واژگان کلیدی: توانمندسازی، دیابت، مطالعه مروری، بیمار



عدم توانایی تسلط بر حرکات دست و تقارن عملکردی در سالمندان

بهاره دریابار^۱، پریرضا رضایی^۲

۱. دانشجوی ترم چهار کارشناسی اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد Bahareh.daryabar@gmail.com

۲. دانشجوی ترم چهار کارشناسی اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

زمینه و هدف: اندامهای فوقانی، به ویژه دستها، نقش فعال و حیاتی در زندگی روزمره دارند. دستها در معرض تغییرات فیزیولوژیکی و آناتومیکی وابسته به سن هستند که این مسئله می تواند به کاهش یا اختلال در عملکرد آنها منجر شوند. این مشکلات می تواند ناشی از اثرات پاتولوژیک، نقص در توده عضلانی اسکلتی و کاهش کنترل عصبی بر عملکرد حرکتی باشد. عدم توانایی در کنترل حرکت دستها، تأثیر غیرقابل انکاری بر کیفیت زندگی افراد مسن دارد. تغییراتی که به دلیل کهنسختی در ساختارهای مختلف یا فیزیولوژی مغز ایجاد می گردد می تواند به اختلالاتی تبدیل شود که بر عملکرد اندام فوقانی تأثیر بگذارد. انجام یک کار مشخص با دست در افراد مسن نیاز به فعال شدن سهم بیشتری در مغز دارد. لذا زمان واکنش و تصحیح یک فعالیت مشخص در این افراد طولانی تر شده و نگهداشتن یا جابجا کردن اشیاء و انجام کارهای مختلف با مشکل مواجه می گردد. این موضوع به نوبه خود، مغز را وادار به ایجاد مکانیسم های جبرانی می کند تا از خطاهای بیشتر جلوگیری نماید تا آنجاییکه با پیشرفت این بیماری این مشکل تا حد بی ثبات شدن عملکرد دستها پیش خواهد رفت.

هدف: هدف از این مطالعه بررسی تأثیر افزایش سن بر تغییر حرکات دست غالب و غیر غالب در مرد و زن و بررسی عواملی همچون عدم تقارن عملکرد نیمکره های مغز می باشد. در سال ۲۰۱۴ مقاله ای از 1 Gonzales, 2 paizis درباره چگونگی این تغییر با پرسشنامه های ادینبورگ و واترلو به میان آمد و ادراک دوبعدی و سه بعدی میان محیط و اشیاء را مورد بررسی قرار داد. اما او میگوید این عدم تقارن با افزایش سن بوجود نیامده است و ما قصد داریم در این مقاله به بررسی صحت این موضوع بپردازیم.

مواد و روش ها: این مطالعه در ۱۸ فوریه ۲۰۰۹ با شماره پرونده 075337 N404 در آزمایشگاه بیوکینتیک در دانشگاه تربیت بدنی و ورزشادو لهستان انجام شد.

نمونه متشکل از ۶۳۵ نفر (۱۴۴ مرد و ۴۹۱ زن) از سن ۲۰ تا ۹۰ سال با مشاغل مختلف از منطقه اسلیوای لهستان انتخاب شد. آزمایش به وسیله تست باتری سری و ثبت عملکرد دست در چهار مرحله انجام میشود. (۱) قلم هایی که از سوراخ های عمودی عبور داده شده اند: در صورت برخورد با دیواره میزان لرزش دست محاسبه میشود (۲) هدف گذاری ۲۰ نقطه ای: لمس کردن قسمت های مشخص در زمان معین که میزان تمرکز حرکت دست بررسی میشود (۳) ضربه زدن به سطح مربع ۴۰،۴۰: به منظور جلوگیری از انجام حرکات تکراری مچ دست و انگشتان (۴) بیرون کشیدن ۲۵ پین از جایگاه هایشان در مدت زمان ۲۳ ثانیه و برای هردست به صورت جداگانه

نتایج: بررسی های انجام شده در گروه های سنی و هر دو جنسیت مرد و زن نشان میدهد که با افزایش سن ضعف عملکردی دست غالب بیشتر می باشد و عوامل محیطی، وراثتی، اختلالات عصبی ناشی از بیماریهای حسی و ادراکی و عدم تقارن عملکرد نیمکره های مغز بر میزان مشکلات حرکتی دستها نیز تأثیر گذار می باشند. در ضمن این بررسی ها مشخص گردید عملکرد حرکات دست در خانم ها با دقت بیشتری انجام می شود که میتواند ناشی از فعالیت های روزمره آنها در سنین جوانی شان باشد.

واژگان کلیدی: دست غالب، تقارن عملکردی، کیفیت زندگی، اختلالات عصبی



بررسی سبک زندگی بیماران مبتلا به پرفشاری خون

عهدیه بحری^۱، زهره خاوری^۲، نجمه زمانی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری میبد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
۲. عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری میبد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری میبد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
najmehzamani788@gmail.com

زمینه و هدف: شیوع پرفشاری خون و عوارض ناشی از آن به یک مشکل اساسی در سراسر دنیا تبدیل شده است که می توان گفت از اصلی ترین عوامل تاثیر گذار در ابتلا به پرفشاری خون سبک زندگی نامناسب افراد است. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین سبک زندگی بیماران مبتلا به پرفشاری خون با مروری بر مطالعات گذشته انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه مروری با استفاده از کلید واژه های فارسی سبک زندگی^۱ و بیماری پرفشاری خون^۲ در پایگاه های اطلاعاتی اس آی دی^۳، اسکوپوس^۴، پابمد^۵، گوگل اسکولار^۶ در محدوده زمانی ۲۰۱۹-۲۰۱۰ مرور انجام شد و ۳۰ مقاله با در نظر گرفتن معیار های ورود و خروج مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج: نتایج مطالعات مورد بررسی، سبک زندگی بیماران مبتلا به فشار خون را در حد نامطلوب گزارش کردند. بطور کلی سبک زندگی بیماران در زمینه ورزش و فعالیت بدنی، عادات غذایی، شاخص توده بدنی و سازگاری با استرس از وضعیت مناسبی برخوردار نبود؛ اما عواملی نظیر مصرف دخانیات، پیروی از دستورات پزشک و مصرف داروها از وضعیت مطلوب تری داشتند.

نتیجه گیری: عادات رفتاری نامناسب در بیماران مبتلا به پرفشاری خون منجر به ایجاد سبک زندگی نامطلوب در آنها شده است. بنابراین توصیه می شود مراقبین سیستم بهداشت و درمان، برنامه های آموزشی مناسب پیرامون سبک زندگی سالم و عادات رفتاری صحیح، در اختیار بیماران قرار دهند و حمایت های مناسب از آنها صورت گیرد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، بیماری پرفشاری خون



بررسی وضعیت تغذیه ای بیماران مبتلا به سرطان

عهدیه بحری^۱، زهره خاوری^۲، نجمه زمانی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری میبد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۲. عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری میبد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری میبد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

najimehzamani788@gmail.com

زمینه و هدف: سوء تغذیه یک عارضه شایع در بیماران مبتلا به سرطان به شمار می رود و می تواند منجر به عوارضی نظیر اختلال در روند درمان، ابتلا به عفونت های بیمارستانی، ناخوشی ها و در نهایت مرگ و میر بیماران بشود. لذا باتوجه به اهمیت وضعیت تغذیه ای بیماران در ادامه ی حیات و بهبود روند درمان برآن شدیم تا پژوهش حاضر را با هدف تعیین وضعیت تغذیه ای بیماران مبتلا به سرطان با مروری بر مطالعات گذشته انجام دهیم.

مواد و روش ها: این مطالعه مروری با استفاده از کلید واژه های فارسی وضعیت تغذیه ای^۱، سوء تغذیه^۲ و سرطان^۳ در پایگاه های اطلاعاتی اس آی دی^۴، اسکوپوس^۵، پابمد^۶، گوگل اسکولار^۷ در محدوده زمانی ۲۰۱۹-۲۰۱۰ مرور انجام شد و ۳۲ مقاله با در نظر گرفتن معیار های ورود و خروج مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج: نتایج این چند مقاله نشان داد؛ سوء تغذیه در بیماران مبتلا به سرطان از شیوع بالایی برخوردار است و درصد قابل توجهی از بیماران، دچار سوء تغذیه شدید و متوسط بودند. نتایج نشان داد بیشترین اختلالات تغذیه ای در سرطان های گوارشی و کمترین آن در سرطان پستان و پروستات بود. همچنین بین کاهش وزن، محل درگیری و مرحله بیماری با سوء تغذیه ارتباط معنی داری وجود داشت.

نتیجه گیری: باتوجه به شیوع بالای سوء تغذیه در بیماران، می توان گفت، عدم برآورد نیاز های تغذیه ای توسط مراقبین بهداشت و درمان و خانواده بیماران، منجر به افزایش نیاز به خدمات بیمارستانی و به دنبال آن افزایش هزینه های تحمیلی بر خانواده بیمار، بیمارستان و جامعه می شود لذا شناسایی بیماران و حمایت تغذیه ای از آنان از اهمیت بالایی برخوردار می باشد.

واژگان کلیدی: وضعیت تغذیه ای، سوء تغذیه، سرطان



بررسی سبک زندگی سالمندان و عوامل موثر بر آن: مطالعه مروری

فائزه میری^۱، هانیه شاهونوند^۲، نجمه زمانی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری دزفول، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، اهواز، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی علوم آزمایشگاهی، دانشکده پیراپزشکی دزفول، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی دزفول،

اهواز، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری میبد، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد،

ایران

مقدمه: با افزایش طول عمر انسان ها و اضافه شدن جمعیت سالمندان، اهمیت سبک زندگی با توجه به حفظ کارکرد و استقلال افراد روز به روز بیشتر آشکار می شود. از آنجایی که سالمندان قشر آسیب پذیر یک جامعه به حساب می آیند با معطلاتی مربوط به افزایش سن، از جمله بیماری های مزمن و به دنبال آن درمان های مداوم، ناتوانی های فیزیکی، حساسیت های روحی، تغذیه و... روبه رو می شوند؛ که با اصلاح سبک زندگی قابل پیشگیری خواهند بود. با توجه به اهمیتی که سبک زندگی در ابعاد مختلف زندگی سالمندان از قبیل: افزایش امید به زندگی، بهبود کیفیت زندگی و افزایش سلامت جسم و روان دارد؛ مطالعه حاضر با هدف تعیین سبک زندگی سالمندان و عوامل موثر بر آن با مروری بر مطالعات گذشته انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه مروری با استفاده از کلید واژه های فارسی سالمندان، سبک زندگی، در پایگاه های اطلاعاتی جهاد دانشگاهی اسکوپوس، پابمد و گوگل اسکولاردر محدوده زمانی ۲۰۱۹-۲۰۱۰ انجام شد. ۵۰ مقاله دریافت شد که ۲۷ مقاله مورد بررسی قرار گرفت. از این مقالات ۳ مورد که حجم نمونه و روش نمونه گیری نامشخص بود حذف شدند.

نتایج: یافته های اکثر این مقالات که از نوع توصیفی-تحلیلی است نشان می دهد؛ میزان نمره ی کسب شده سالمندان در سبک زندگی در حد متوسط و همچنین در سه مقاله، این میزان در حد مطلوب گزارش شده است. نتایج این چندمقاله نشان داد؛ که سبک زندگی سالم به عوامل متعددی از قبیل: ورزش و تفریح، مدیریت استرس، تغذیه، وضعیت همزیستی، جنسیت، وضعیت اقتصادی، وضعیت تاهل، میزان تحصیلات، سرمایه و حمایت های اجتماعی و وضعیت سلامتی در این دوران وابسته است که درمورد مولفه ی سلامتی جسم و روان می توان خاطر نشان کرد در صورت عدم توجه سالمندان به سبک زندگی سالم پیامد های منفی مانند بیماری و به طبع آن افزایش هزینه های درمانی و اشغال شدن هر چه بیشتر تخت های بیمارستان اشاره نمود بنابراین عدم رعایت سبک زندگی سالم کیفیت زندگی سالمندان را تحت الشعاع قرار میدهد و چه بسا بسیاری از افراد این قشر آسیب پذیر مجبور به سپری کردن آخرین مرحله ی زندگی خود بر روی تخت های بیمارستان باشند

نتایج: لذا با توجه به نتایج این مطالعات توصیه میشود مراقبت دهنده های بهداشتی از راه هایی مانند آموزش به قشر سالمند و بالا بردن سطح سواد سلامت زمینه را جهت بهبود سبک زندگی سالمندان، از طریق برنامه های سلامتی مثل رژیم غذایی صحیح، ورزش منظم، بررسی دوره ای وضعیت جسمانی و همچنین آموزش به فرد سالمند برای تقویت اعتماد به نفس و مهم پنداشتن نقش خود به عنوان عامل اصلی ارتقا دهنده ی سبک زندگی و مشارکت اجتماعی مهم تلقی میشود باشد که از این طریق گامی مهم در جهت حفظ و بهبود کیفیت زندگی سالمندان برداشته شود.

واژگان کلیدی: سالمندان، سبک زندگی



مروری بر عوامل ارتقاء دهنده سلامت روانی در زنان و راهکار های موثر بر آن

سیده زینب رضوی^۱، حانیه رحیمی^۲، زهره خلجی نیا^۳

۱. دانشجوی دکتری عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران zainabrizvi@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

۳. دکترای تخصصی سلامت باروری، کمیته تحقیقات دانشجویی/دپارتمان پرستاری/دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زمینه و هدف: طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی (WHO) سلامت جسم و روان از یکدیگر متمایز نیست. در واقع سلامت روانی لازمه حفظ دوام عملکرد اجتماعی، شغلی و تحصیلی افراد جامعه می باشد و از آنجایی که زنان به عنوان رکن اصلی هر جامعه ای محسوب می شوند نقش بسیار پراهمیتی در کانون خانواده دارند. مطالعه حاضر با هدف بررسی عوامل ارتقاء دهنده سلامت روانی در زنان و راهکار های موثر بر آن انجام شد.

روش کار: این مطالعه ی مروری با بررسی در پایگاه های اطلاعات علمی شامل Pub med ، Scopus ، sid ، و همچنین با استفاده از موتور جستجوگر Google Scholar و کلمات کلیدی سلامت روان، عوامل ارتقاء دهنده، زنان و دختران انجام گرفت. بدین ترتیب مقالات فارسی جمع آوری، به دقت مطالعه، و یافته های آنها دسته بندی و گزارش گردید.

یافته ها: نتایج حاصله از ۱۸ مقاله ی گردآوری شده حاکی از این است که سبک زندگی سالم در زنان در توجه فراوان به تغذیه سالم، ورزش و فعالیت بدنی برنامه ریزی شده، خواب کافی و منظم خلاصه می شود که به همراه حمایت اجتماعی رابطه معکوس و منفی با ابعاد افسردگی دارد. همچنین برخورداری از رفاه مالی و رسیدن به استقلال، احساسات و هیجانات مثبت، متاهل بودن و تعمیق ارتباط ها از طریق مناسب تر شدن ارتباط با همسر و گسترده شدن ارتباطات اجتماعی و خانوادگی، پرهیز از رفتار های پر خطر نظیر مصرف دخانیات و داشتن یک زندگی راکد از دیگر عوامل موثر بر سلامت روان می باشد.

نتیجه گیری: جمع بندی مطالعات نشان می دهد که افزایش سطح تحصیلات ، آگاه سازی به وسیله آموزش، فرهنگسازی صحیح سبک زندگی، دینداری، تامین نیاز های عاطفی و ایجاد محیطی مناسب و مجهز برای زنان در سلامت روان آنان بسیار موثر می باشد. همچنین پیشنهاد می شود که طرحی مشابه پزشک خانواده، با نام مشاور خانواده جهت غربالگری و ارائه راهکار های موثر جهت بهبود سلامت روانی زنان انجام شود.

واژگان کلیدی: سلامت روان، عوامل ارتقا دهنده، زنان و دختران



نقش مداخلات آموزشی با استفاده از الگوها و تئوری های آموزش، در سلامت روان سالمندان: مطالعه مروری

زهرا رضائی^۱، علی زارع شاهی^۱ نجمه زمانی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری میبد، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد،
ایران najmehzamani788@gmail.com

زمینه و هدف: سالمندان گروهی اند که نه تنها از نظر جسمی، بلکه از نظر روانی هم در معرض آسیب هستند و لازم است در زمینه سلامت روان آنها نیز برنامه ریزی مناسبی انجام شود. آگاهی از وضعیت روانی سالمندان، باعث دستیابی به نیازهای واقعی آنها شده و به برنامه ریزان کمک می کند تا با توجه به نیاز آنها برنامه ریزی نمایند؛ از آنجایی که بیماری های روحی و روانی حاصل از این دوران، می تواند تاثیر مهمی بر بهداشت و سلامت فرد و جامعه بگذارد. این مطالعه با هدف تعیین نقش مداخلات آموزشی با استفاده از الگوها و تئوری های آموزش در سلامت روان سالمندان با مروری بر مطالعات گذشته انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه ی مروری با استفاده از کلید واژه های فارسی آموزش، سلامت روان سالمندان و کیفیت زندگی سالمندان در پایگاه های اطلاعاتی جهاددانشگاهی، اسکوپوس، پابمد، گوگل اسکولار، ایران ژورنالز و ایران داک در محدوده زمانی ۲۰۱۰-۲۰۱۹ انجام شد. ۵۶ مقاله دریافت شد و ۴۷ مقاله مورد بررسی قرار گرفت. ۸ مورد که حجم نمونه و روش نمونه گیری نامشخص بود یا به متن کامل مقاله دسترسی وجود نداشت حذف شدند.

نتایج: سالمندی یکی از مراحل اجتناب ناپذیر زندگی می باشد؛ که می توان از طریق مداخلات آموزشی موثر، از عوارض و مشکلاتش کاست و آن را به دوره ای مطلوب و لذت بخش تبدیل کرد. از طرفی میتوان گفت اکثر مشکلات این دوره نتیجه ی شیوه ی زندگی ناسالم می باشد که با توجه به نتایج این چند مقاله؛ به کارگیری برنامه های آموزشی سبب پیشگیری و کاهش مشکلات این دوران و در نتیجه کاهش هزینه های این دوران می شود. یافته های مقالات بررسی شده بیانگر تاثیر مثبت مداخلات آموزشی بر کیفیت زندگی سالمندان می باشد؛ در اکثر این مقالات وضعیت سلامت روان سالمندان مورد مطالعه بعد از مداخله نسبت به ابعاد دیگر کیفیت زندگی بالاترین نمره را داشت.

نتیجه گیری: مداخلات آموزشی در افزایش سطح آگاهی و عملکرد سالمندان نقش برجسته ای دارد و اگر این مداخلات به صورت علمی، برنامه ریزی شده و از طریق الگوهای جامع با صرف زمان مناسب صورت گیرد، مطمئناً نتایج بهتری حاصل می شود. لذا باتوجه به اهمیتی که این مداخلات در تغییر شیوه ی زندگی و بهبود سلامت روان سالمندان دارند توصیه می شود توسط کارکنان بهداشتی بیشتر مورد توجه قرار گیرند.



بررسی سلامت روان زنان نابارور

ریحانه رضایی حسن آبادی^۱، سید محمد مهدی حاجی سعید^۱، زینب السادات موسوی مبارکه^۱، علیرضا تاج آبادی^۱، فاطمه باغستانی میبدی^۱، عهديه بحري^۱

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری میبد، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
ahdie.bahri.96@gmail.com

زمینه و هدف: ناباروری یکی از عمده ترین وقایع منفی برای زوجین و به خصوص برای زنان می باشد. این مشکل چهارمین واقعه ی پراسترس زندگی پس از مرگ مادر، مرگ پدر و خیانت همسر مطرح شده است. ناباروری تحولی پرتنش برای زندگی خانوادگی و زناشویی بشمار می رود. این تجربه ی تلخ با استرس های روانشناختی، فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی همراه است به گونه ای که ابعاد مختلف زندگی فرد را تحت تأثیر قرار میدهد. لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین سلامت روان زنان نابارور با مروری بر مطالعات گذشته انجام شده است.

روش جستجو: این مطالعه مروری با استفاده از کلید واژه های فارسی سلامت روان، نابارور^۲، زنان نابارور، درپایگاه های اطلاعاتی اس آی د^۴، اسکوپوس، پابمد، گوگل اسکولار^۳ در محدوده زمانی ۲۰۱۹_۲۰۰۳ انجام شد و ۳۱ مقاله با در نظر گرفتن معیار های ورود و خروج مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته ها: نتایج این چند مقاله نشان داد؛ ناباروری بر سلامت روان زنان تأثیر منفی داشته و زنان نابارور علایم روانشناختی شدیدی را تجربه می کنند و از نظر روانی آسیب پذیر تر هستند. نتایج نشان داد، افسردگی، اضطراب، نارضایتی جنسی، گرایش های وسواسی فکری _ عملی و همچنین احساس حقارت در زنان نابارور زیاد دیده می شود و میتوان گفت این پیامد های روان شناختی، نشانه پایین بودن سطح سلامت روان در زنان نابارور می باشد. در مقاله های مورد بررسی، نتایج ۴ مطالعه با نتایج حاضر ناهمسو بود.

نتیجه: طبق مطالعات انجام شده، اکثر بیماران نابارور از جنبه سلامت روان در معرض خطر بوده و پرداختن به جنبه های روانی این بیماران در کنار سایر اقدامات درمانی و پزشکی امری اجتناب ناپذیر و ضروری است. همچنین به نظر می رسد که حضور روانشناسان بالینی و روان پزشکان در مراکز تشخیص و درمان نازایی می تواند امری موثر در کمک به افراد نابارور در سازگاری بیشتر با مشکلات ناشی از نازایی باشد.

واژگان کلیدی: سلامت روان، ناباروری، زنان نابارور



مروری بر ابعاد سبک زندگی سلامت محور در سالمندان

سمانه حکم الهی^۱، حانیه رحیمی^۲

۱. دانشجوی دکتری عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران samaneh1377@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زمینه و هدف: رشد فزاینده جمعیت سالمندان در سال های اخیر لزوم توجه به ارتقای کیفیت زندگی آنان همراه با توجه به سبک زندگی سلامت محور را نشان می دهد. سبک زندگی سالم تلاش برای دستیابی به حالت رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی است. این مطالعه با هدف بررسی ابعاد سبک زندگی سلامت محور در سالمندان انجام گرفت.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر از نوع مروری روایی است. جستجوی مطالعات در پایگاه های اطلاعات علمی شامل Pub Scopus, SID, med و همچنین با استفاده از موتور جستجوگر Google Scholar و کلمات کلیدی سالمندان، ابعاد سبک زندگی سلامت محور، سلامت جسمی و سلامت روانی انجام گرفت. بدین ترتیب مقالاتی که در طی سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ منتشر شده بودند جمع آوری، به دقت مطالعه و یافته های آن ها دسته بندی و گزارش گردید.

نتایج: بر اساس یافته های ۱۵ مقاله گرد آوری شده، از ابعاد زندگی سلامت محور در سالمندان تحرک روزانه و ورزش، عدم مصرف دخانیات و الکل، سلامت روانی، عادت خواب مناسب، استفاده از توصیه های پزشکی، روابط بین فردی صحیح، سلامت محیطی، رشد معنوی، آگاهی از وضعیت جسمانی، مسئولیت پذیری سلامتی و کنترل استرس را نام برد. همچنین زندگی سلامت محور موجب تغذیه مناسب شده که در پیشگیری از بیماری های مضمّن به خصوص بیماری های قلبی، فشار خون و دیابت در سالمندان نقش بسزایی دارد.

نتیجه گیری: مشکلات مربوط به دوران سالمندی با ایجاد بی تحرکی و اختلال در کیفیت زندگی، باعث شیوع بیماری های جسمی و روانی در بین سالمندان می شود لذا برای پیشگیری از بیماری، انجام ورزش های ساده ای مثل پیاده روی، مشاوره های تغذیه و معاینات پزشکی منظم توصیه می شود. همچنین شرکت در جمع های گروهی باعث می شود سالمند همچنان در جمع مردم قرار گیرد و با پیشگیری از افسردگی سبک زندگی وی را مطلوب تر می سازد.

واژگان کلیدی: سالمندان، ابعاد زندگی سلامت محور، سلامت جسمی، سلامت روانی



مروری بر تعیین کننده های سبک زندگی سلامت محور در جوانان

سمانه حکم الهی^۱، حانیه رحیمی^۲

۱. دانشجوی دکتری عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران samaneh1377@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زمینه و هدف: سبک زندگی سالم در موفقیت جوانان در عرصه های مختلف زندگی آن ها نقش بسزایی دارد. سبک زندگی سلامت محور به عنوان پدیده ای چند علیتی، به الگوهای جمعی رفتار مربوط می شود که به مسائل تهدید کننده سلامت افراد می پردازد تا از این طریق بتواند تضمین کننده سلامت ایشان باشد. این مطالعه با هدف بررسی تعیین کننده های سبک زندگی سلامت محور در جوانان انجام گرفت.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر از نوع مروری روایی است. جستجوی مطالعات در پایگاه های اطلاعات علمی شامل Pub Scopus, SID, med و همچنین با استفاده از موتور جستجوگر Google Scholar و کلمات کلیدی جوانان، تعیین کننده های سبک زندگی سلامت محور، سرمایه های انسانی و مذهب انجام گرفت. بدین ترتیب مقالاتی که در طی سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ منتشر شده بودند جمع آوری، به دقت مطالعه و یافته های آن ها دسته بندی و گزارش گردید.

نتایج: بر اساس یافته های ۱۵ مقاله گردآوری شده، از تعیین کننده های سبک زندگی سلامت محور در جوانان می توان به متغیرهای زمینه ای همچون جنسیت، سن، وضعیت تاهل، اشتغال، زمینه های آموزشی و طبقه اجتماعی اشاره کرد. سرمایه های انسانی شامل سرمایه اجتماعی همچون امکان مشورت، روابط و معاشرات، سرمایه فرهنگی مثل تحصیلات و سرمایه اقتصادی نیز از تعیین کننده های اصلی سبک زندگی سلامت محورهستند. مذهب نیز به عنوان متغیر مداخله گر در بالابردن سبک زندگی سالم تر به ویژه در بعد اعتیاد به موادمخدر و الکل نقش تعیین کننده ای دارد.

نتیجه گیری: با توجه به نقش مهم جوانان به عنوان آینده سازان کشور، توصیه می شود ایجاد زمینه تحصیل، اشتغال و ازدواج آسان برای جوانان در برنامه ریزی های مربوط به سلامت مورد توجه برنامه ریزان کشور قرار بگیرد. همچنین برگزاری کلاس های آموزشی میتواند در ایجاد سبک زندگی سالم در جوانان کمک کننده باشد.

واژگان کلیدی: جوانان، تعیین کننده های سبک زندگی سلامت محور، سرمایه ها انسانی، مذهب



مروری بر روش های طب مکمل موثر در بهبود خواب سالمندان

مهدی کلهرنیا^۱، علی مستانی جهرودی^۱، اشرف خرمی راد^۲

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران m.kalhor1379@gmail.com

۲. دکتری روانشناسی سلامت، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

مقدمه: امروزه جمعیت سالمندان در اکثریت کشورها رو به افزایش است و اختلالات خواب یکی از شایع ترین اختلالات این قشر جامعه می باشد. از این رو این پژوهش با هدف مرور مطالعات در زمینه راهکارهای موثر در بهبود خواب سالمندان صورت گرفت.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر از نوع مروری است که با استفاده از کلیدواژه های کیفیت خواب و سالمندان در پایگاه های اطلاعاتی Google scholar و SID و Magiran مقالات جمع آوری گردید و پس از غربالگری تعداد ۱۴ مقاله مرتبط وارد مطالعه شده و مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج: براساس یافته ها گوش دادن به آوای قرآن قبل از خواب، ماساژ نقاط فشاری، تمرینات هوازی با شدت متوسط، ماساژ پشت به روش افلوراژ، برنامه آموزش ارتقا خواب، رایحه درمانی با بهارنارنج، حمام پا و بازتاب درمانی، ورزش های ایروبیکی و مقاومتی، تمرین یوگای خنده، فعالیت های فیزیکی گروهی، رایحه درمانی با اسانس اسطوخودوس، رفلکسولوژی و درمان با محدودیت خواب از جمله روش های طب مکمل موثر بر بهبود کیفیت خواب در سالمندان به شمار می روند.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های به دست آمده و تاثیر گذاری روش های مختلف طب مکمل در بهبود کیفیت خواب سالمندان به کادر درمان و کارکنان آسایشگاه های سالمندان توصیه می شود این موارد را در دستور کار خود قرار دهند. همچنین تحقیقات جامع تری در آینده به منظور مقایسه این روش ها با هم و تعیین موارد با بیشترین تاثیر و کمترین عوارض توصیه می گردد.

واژگان کلیدی: کیفیت خواب، سالمندان، روش های طب مکمل



مروری بر آموزش های موثر بر کاهش افسردگی در سالمندان

مهدی کلهرنیا^۱، علی مستانی جهرودی^۱، الهام گلفشان^۲

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران m.kalhor1379@gmail.com

۲. مربی، دانشکده پرستاری و مامایی قم، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

مقدمه: اختلال افسردگی یک اختلال بسیار شایع در قرن اخیر است. با توجه به اینکه افسردگی تحت عنوان یک بیماری روانی رایج در بین افراد سالمند باعث کاهش کیفیت زندگی این افراد شده و خطر خودکشی و هزینه های مراقبت بهداشتی را افزایش می دهد، این پژوهش با هدف بررسی آموزش های موثر بر کاهش افسردگی در سالمندان صورت گرفته است.

مواد و روش ها: برای رسیدن به اهداف مطالعه با استفاده از کلید واژه های آموزش، افسردگی و سالمندان در پایگاه داده ای SID و موتور جستجو گر Google scholar مقالات جمع آوری گردید و پس از غربالگری تعداد ۷ مقاله مرتبط و مربوط به سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ وارد مطالعه شد و مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: بر اساس یافته های به دست آمده از مقالات بررسی شده؛ آموزش های تصویر سازی ذهنی، راهبرد های شناختی مبتنی بر حل مسأله، هوش هیجانی، تکنیک های مدیریت استرس، آموزش مبتنی بر مرور خود و آموزه های دینی مثل توکل به خدا از جمله آموزش های موثر بر کاهش میزان افسردگی در سالمندان به شمار می روند .

نتیجه گیری: با توجه به یافته های به دست آمده و تاثیر گذاری موثر این آموزش ها بر کاهش میزان افسردگی سالمندان به کادر درمان و کارکنان آسایشگاه های سالمندان توصیه می شود برنامه های آموزش را در دستور کار خود قرار دهند.

واژگان کلیدی: آموزش، افسردگی، سالمندان



عوامل پیشگویی کننده رفتارهای پیشگیرانه از سرطان پوست در دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر کرد: کاربرد ی از الگوی پرسید

آیدا امیری پور^۱، الهه توسلی^۲، فهیمه شکوهی^۱

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد، شهر کرد، ایران

۲. گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد، شهر کرد، ایران

زمینه و هدف: در سال های اخیر، میزان شیوع سرطان پوست در ایران افزایش یافته است، این مطالعه با هدف تعیین عوامل پیشگویی کننده رفتارهای پیشگیرانه از سرطان پوست در دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر کرد: کاربرد ی از الگوی پرسید انجام گردید

مواد و روش ها: مطالعه مقطعی از نوع توصیفی- تحلیلی به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای روی ۲۵۴ نفر از دانش آموزان دختر متوسطه دوره دوم شهر کرد در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ انجام شد. ابزار جمع آوری داده ها، پرسشنامه استاندارد مبتنی بر الگوی پرسید شامل اطلاعات دموگرافیک، آگاهی، نگرش، خودکارآمدی درک شده، عوامل قادر کننده، عوامل تقویت کننده و رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پوست بود. رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پوست به عنوان متغیر وابسته و سازه های الگوی پرسید به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شد. تحلیل آماری با استفاده از آزمون های توصیفی و تحلیلی با کمک نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ انجام گردید

نتایج: میانگین نمره رفتارهای پیشگیری کننده $17/48 \pm 6/61$ بود، تحلیل رگرسیون نشان داد به ترتیب متغیرهای خودکارآمدی درک شده ($p < /0.01$)، عوامل تقویت کننده ($p = /0.03$) و نگرش ($p = /0.07$)، رابطه معنی داری با رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پوست در نوجوانان دختر دارند. از طرفی، خودکارآمدی درک شده (قوی ترین پیشگویی کننده) فقط بصورت مستقیم و عوامل تقویت کننده و نگرش بصورت مستقیم و غیرمستقیم، بر رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پوست تأثیر دارند.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه حاضر خودکارآمدی درک شده و بعد از آن عوامل تقویت کننده و نگرش برای انجام رفتارهای پیشگیرانه از سرطان پوست، مهم تلقی می شوند. بنابراین در مداخلات ارتقاء رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پوست، تمرکز بر افزایش و بهبود این عوامل به عنوان یک راهبرد دارای اولویت پیشنهاد می شود

واژگان کلیدی: الگوی پرسید، سرطان پوست، خودکارآمدی درک شده، نگرش، عوامل تقویت کننده



بررسی ارتباط عوامل دموگرافیک و سبک زندگی با هیرسوتیسم زنان

ساجده رحمتی^۱، زهرا عسگریان مقدم^۲، اشرف خرمی راد^۳

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران sajederahmaty@gmail.com
۲. دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران
۳. هیئت علمی گروه (پرستاری / مامایی) دانشکده پرستاری و مامایی/دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زمینه و هدف: هیرسوتیسم به معنی رویش غیر طبیعی موهای زبر و خشن با الگویی مردانه می باشد که بر زیبایی زنان تاثیر گذاشته و منجر به کاهش اعتماد به نفس، افسردگی و اضطراب در ایشان میگردد. با توجه به اینکه هیرسوتیسم مشکلی شایع در بین زنان است و عوامل دموگرافیک و سبک زندگی تاثیر بسزایی در این بیماری دارند مطالعه حاضر با هدف بررسی عوامل دموگرافیک و سبک زندگی مرتبط با هیرسوتیسم انجام شد.

مواد و روش ها: مطالعه به شکل مروری و از طریق جست و جو در پایگاه های اطلاعاتی google scholar, sid, civilica, pubmed magiran, با کلیدواژه های سبک زندگی، هیرسوتیسم زنان و سندرم تخمدان پلی کیستیک انجام شد. از میان مقالات متعدد در این زمینه سرانجام ۳۷ مقاله مرتبط از سال های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۸ انتخاب و نتایج آن به دقت مورد بررسی گردید.

نتایج: نتایج نشان داد از بین عوامل دموگرافیک تفاوت های منطقه ای و نژادی، رنگ مو و پوست، نمایه توده بدنی، مواجهه با عوامل استرسزا، سلامت روانی، معنوی و عاطفی، اعتقادات مذهبی و از بین رفتارهای مرتبط با سبک زندگی ورزش منظم و تمرینات ورزشی آرامبخش نظیر پیلاتس و یوگا، مصرف میوه و سبزیجات و لبنیات، مصرف مناسب ویتامین دی و کلسیم و منیزیم اثر محافظتی و کاهش دهنده و مصرف بی رویه ی دارو ها، خود ارضایی و مصرف زیاد نوشابه و شیرینی جات اثر تشدید کننده بر بیماری هیرسوتیسم در زنان دارند.

نتیجه گیری: با توجه به مطالعات انجام شده، سبک زندگی زنان تاثیر بسزایی در هیرسوتیسم دارد. بنابراین به منظور پیشگیری و کاهش علائم و عوارض هیرسوتیسم رژیم غذایی صحیح، جلوگیری از اضافه وزن و چاقی و داشتن نمایه توده بدنی مناسب و انجام ورزش های آرامش بخش مثل یوگا و پیلاتس توصیه میشود.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، هیرسوتیسم زنان، سندرم تخمدان پلی کیستیک



بررسی همبستگی وضعیت شادکامی و موفقیت تحصیلی در دانشجویان پرستاری و مامایی

آسیه نمازی^۱، سبانه کوچک زاده طالعی^۲، سارا محجوبیان لنگرودی^۳

۱. دانشجوی دکتری سلامت و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران، عضو هیأت علمی گروه مامایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران anamazi55@yahoo.com

۲. عضو هیأت علمی، گروه پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران

۳. دانشجوی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ایران

زمینه و هدف: یکی از نیازهای روانی بشر شادی و نشاط است که به دلیل تأثیر عمده ای که بر زندگی افراد دارد، همواره ذهن انسان را به خود مشغول کرده است. محققین معتقدند که شادکامی موجب بهزیستی و کارکرد بهتر اجتماعی دانشجویان می شود. به نظر می رسد بین عملکرد تحصیلی به عنوان یک رفتار شاخص در بین دانشجویان، و شادکامی یک رابطه منطقی باشد. مطالعه حاضر با هدف بررسی وضعیت شادکامی در دانشجویان پرستاری و مامایی و تعیین همبستگی آن با موفقیت تحصیلی در آنها انجام گرفته است.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی همبستگی به شیوه نمونه گیری تصادفی سهمیه ای در دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت انجام شد. ۱۵۰ نفر از دانشجویان درترم های تحصیلی مختلف انتخاب و یک نسخه از پرسشنامه شادکامی آکسفورد با پنج حیطه (رضایت زندگی، حرمت خود، بهزیستی فاعلی، رضایت خاطر و خلق مثبت)، به همراه مشخصات جمعیت شناختی شامل معدل ترم گذشته (معیار موفقیت تحصیلی)، در اختیار آنان قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS، نسخه ۲۳ و روش های آماری تی مستقل و همبستگی پیرسون انجام گرفت.

نتایج: میانگین سنی دانشجویان مورد بررسی $20/55 \pm 2/81$ سال و اکثریت واحدهای مورد پژوهش (۶۴/۷) مؤنث بودند. میانگین نمره شادکامی به تفکیک رشته تحصیلی در دانشجویان پرستاری، $40/32 \pm 14/19$ و در مامایی $41 \pm 9/86$ بدست آمد. میانگین معدل در آنها $16/48 \pm 1/42$ بود. بین نمره شادکامی و حیطه های آن با موفقیت تحصیلی در دانشجویان همبستگی آماری معنی دار مشاهده نشد. اگرچه شادکامی بالاتر با موفقیت تحصیلی بیشتر همراه بود.

نتیجه گیری: بدیهی است که شادکامی عاملی خواهد بود که فرد میتواند از حداکثر ظرفیت ذهنی و توانمندی بالقوه خود بهره مند شده و با نگرش مثبت به خود و محیط اطراف، انگیزه ای قوی برای تلاش و کوشش داشته باشد که این خود سبب بالاتر رفتن احساس توانایی برای برخورد با مشکلات و انجام وظایف محول در سطح مطلوب و در نتیجه بهبود عملکرد در آنان خواهد شد.

واژگان کلیدی: شادکامی، سلامت روان، موفقیت تحصیلی، دانشجویان پرستاری و مامایی



بررسی عوامل عفونت ادراری در افراد مسن

محیا عظیمی^۱، دکتر فرحناز فرنیبا،^۲ عارفه خالقی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران. Mahyaazimi1998@yahoo.com

۲. دکتری تخصصی پرستاری، استادیار، دانشکده پرستاری و مامایی، مرکز تحقیقات پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران.

مقدمه: عفونت دستگاه ادراری شایع ترین عفونت اکتسابی از بیمارستان است. سالمندان به دلیل کاهش عملکرد سیستم ایمنی، وضعیت تغذیه ای ناکافی، از بین رفتن مقاومت نسبت به عفونتها و استفاده از روشهای درمان تهاجمی مانند کاتترهای ادراری، بیشتر در معرض ابتلا به عفونتهای ادراری قرار دارند. عفونت های ادراری اکتسابی در بیمارستان پیامد های ناخواسته مانند افزایش مرگ و میر و هزینه های بیمارستانی را به دنبال دارند. لذا هدف از مطالعه حاضر مروری بر پژوهش های انجام گرفته در این زمینه است.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع مروری نظام مند است با جستجو در پایگاه های اطلاعاتی Google ، PubMed ، scholar ، SID با استفاده از کلید واژه های فارسی " عفونت ادراری " سالمندان و کلید واژه های انگلیسی "UTI" . " elderly " Urinary tract infection معیارهای ورود به مطالعه عبارت بود از: مقاله های تحقیقی اصیل تمام متن انگلیسی یا فارسی منتشر شده در مجلات الکترونیک در بازه زمانی پنج ساله ی ۲۰۱۹ تا ۲۰۱۴ در مورد موضوع مورد نظر بود. و در نتیجه ۱۸ مقاله حائز شرایط ورود به مطالعه را بودند.

یافته ها: در اکثر مطالعات از اشریشیا کلی به عنوان شایع ترین باکتری که منجر به عفونت ادراری می شود یاد شده است. همچنین میزان عفونت ادراری با کار گذاری کاتتر ارتباط مثبت دارد. در یک مطالعه بیشترین حساسیت دارویی را به سیپروفلوکساسین نسبت داده شده و در مطالعه ی دیگر به ایمی پنم نسبت می دهند. قابل ذکر است که مصرف پروبیوتیک ها در سالمندان می تواند راهی برای جلوگیری از عفونت ادراری به حساب بیاید. همچنین در یک مطالعه بیان شده بیشترین اختلال توام با عفونت ادراری در مردان بزرگی پروستات و در بانوان بیماری زنان است و همچنین عفونت ادراری بدون علامت در مورتالیتی افراد تاثیر ندارد.

نتیجه گیری: با توجه به یافته ها این چنین استنباط می شود عفونت ادراری یکی از مشکلات شایع سالمندان است که ولی به علت انجام مطالعات اندک، نیاز به انجام مطالعات بیشتر در این زمینه با توجه به مقاومت های آنتی بیوتیکی و شیوع بالا توصیه می شود.

واژگان کلیدی: عفونت ادراری ، سالمندان، UTI , elderly, Urinary tract infection



بررسی ارتباط سردرد میگرن با یائسگی (مروری نظام مند)

محیا عظیمی،^۱ فرحناز فرنیا،^۲ امیرمحمد زارع بیدکی^۳، عارفه خالقی^۴

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
۲. دکتری تخصصی پرستاری، استادیار، دانشکده پرستاری و مامایی، مرکز تحقیقات پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
۴. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

زمینه و هدف: میگرن اختلالی عصبی-عروقی مغزی است که با سردرد های مکرر و اتفاقی مشخص می شود و در زنان سه برابر مردان گزارش شده است. یائسگی به معنای قطع دائم قاعدگی است و با تغییرات هورمونی همراه است احتمالاً عواملی در یائسگی بر این عارضه تأثیرگذار است. لذا هدف از مطالعه حاضر مروری بر پژوهش های انجام گرفته در این زمینه است.

مواد و روش ها: این مطالعه ای مروری است با جستجو در پایگاه های اطلاعاتی Scopus, Science Direct, PubMed, Google scholar با استفاده از کلید واژه های فارسی "میگرن" "یائسگی" "زنان" و کلید واژگان انگلیسی "Migraine" "Menopause" "Women" در بازه زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ انجام شد. مقالاتی که به زبان غیرانگلیسی بودند و یا هدف اصلی آن ها سردرد بود از مطالعه خارج شدند. در نتیجه ۳۹ مقاله شرایط ورود به مطالعه را یافتند.

نتایج: در اکثر مطالعات بین میگرن و یائسگی ارتباط معنا دار و مثبتی وجود دارد. به طور کلی به دلیل پایداری هورمون استروژن در طول یائسگی احتمال بهبود میگرن وجود دارد البته نوع یائسگی (طبیعی - القایی) نیز در این امر دخیل است و افراد با یائسگی خود به خودی (طبیعی) دوران مطلوب تری از میگرن را تجربه می کنند و در مرحله گذراز یائسگی (perimenopause) به دلیل نوسانات هورمونی احتمال حملات میگرنی افزایش می یابد. در یک مطالعه تأثیر یائسگی بر میگرن را به آسیب پذیری افراد در این دوره نسبت می دهد و در مطالعه دیگر بیان شده که بسیاری از زنان بر این باورند که سردردشان به ویژه میگرن بعد از یائسگی پایان می یابد که در بسیاری از موارد این گونه نیست.

نتیجه گیری: با توجه به یافته ها این چنین استنباط می شود که در دوران یائسگی تعداد حملات کاهش یافته اما در مرحله گذر از یائسگی این تعداد افزایش می یابد ولی به علت انجام مطالعات اندک، نیاز به انجام مطالعات بیشتر در این زمینه است.

واژگان کلیدی: میگرن، یائسگی، زنان، Migraine, Menopause, Women



خواب در بیماران دیابتی (مروری نظام مند)

عارفه خالقی دهشیری^۱، فرحناز فرنیاز^۲، محیا عظیمی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
Arefekhaleghi1999@gmail.com

۲. دکتری تخصصی پرستاری، استادیار، دانشکده پرستاری و مامایی، مرکز تحقیقات پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

زمینه و هدف: خواب یک نیاز اساسی انسان است کمبود خواب باعث ایجاد مشکلاتی اعم از بیماریهای قلبی عروقی، مشکلات متابولیکی، افزایش وزن و... شده و لذا هدف از مطالعه حاضر مروری بر پژوهش های انجام گرفته در این زمینه است.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع مروری نظام مند است و با جستجو در پایگاه های اطلاعاتی Google، Pub med، SID، Scholer با استفاده از کلید واژه های بیماری دیابت، خواب، کیفیت خواب و کلیدواژه های "sleep" "diabet" "quality" می باشد. معیار های ورود به مطالعه عبارت بودند از: مقاله های تحقیقی اصیل تمام متن انگلیسی یا فارسی منتشر شده در مجلات الکترونیکی در بازه زمانی پنج ساله ی ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ در مورد موضوع مورد مطالعه بود و در نتیجه ۲۰ مطالعه حایز شرایط ورود به مطالعه شدند .

یافته ها: شیوع اختلال خواب در بیماران دیابتی یک مشکل شایع بوده که بین سندرم پای بیقرار با اختلالات خواب ارتباط معناداری وجود دارد. استفاده از رایحه بهار نارنج عاملی جهت بهبود کیفیت خواب بوده است. به نقش اثر طب فشاری به عنوان یک مداخله ی غیر دارویی بر مدیریت اختلال خواب اشاره شده و استفاده از رژیم غذایی گیاهی نسبت به رژیم حیوانی بر بهبود خواب موثرتر بوده است. همچنین به نقش ورزش منظم اعم از تمرینات هوازی، مقاومتی و کششی به عنوان یک اقدام سودمند بر بی خوابی اشاره شده که باید خاطر نشان کرد که ورزش یوگانکش پررنگ تری را ایفا می کند.

نتیجه گیری: با توجه به این که ابتلا به دیابت کمیت و کیفیت خواب فرد را تحت تاثیر قرار میدهد و به علت مطالعات اندک نیاز به انجام مطالعات بیشتر در این زمینه برای یافتن راهی جهت بهبود کیفیت خواب می باشد.

واژگان کلیدی: بیماری دیابت، خواب، کیفیت خواب، diabet, sleep, quality sleep



مروری بر آموزش های موثر بر ارتقا کیفیت زندگی سالمندان

علی مستانی جهرودی^۱

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زمینه و هدف: سالمندی دوران حساسی از زندگی است و از آنجا که مسائل و نیازهای این مرحله ممکن است. کیفیت زندگی سالمندان را به راحتی تهدید کند، توجه به این مسائل مهم به شمار میرود. سازمان جهانی بهداشت نیز کیفیت زندگی را درک هر فرد از زندگی، ارزش ها، اهداف، استانداردها و علایق تعریف کرده است؛ در سال های اخیر نیز مفهوم کیفیت زندگی به عنوان شاخص مهمی برای قضاوت در مورد سلامت کلی جامعه استفاده میشود. از این رو هدف این مطالعه بررسی آموزش های موثر بر ارتقا کیفیت زندگی سالمندان میباشد.

مواد و روش ها: در این مطالعه مروری متداول با استفاده از کلید واژه های آموزش، سالمندان، کیفیت زندگی و با بهره گیری از موتور جستجوگر گوگل اسکولار، چهارده مقاله فارسی مرتبط با موضوع پس از غربالگری جمع آوری و آموزش های موثر بر ارتقا کیفیت زندگی سالمندان استخراج شد.

نتایج: بر اساس نتایج بدست آمده از مطالعات آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، آموزش برنامه خود مراقبتی، آموزش شیوه زندگی سالم، آموزش الگوی توانمند سازی خانواده محور، آموزش مصون سازی در برابر استرس، آموزش مثبت نگری، آموزش معنویت درمانی، آموزش گروهی امیدمحور، آموزش به سبک همتا میتواند به شیوه های مختلف باعث ارتقا کیفیت زندگی سالمندان گردد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج مثبت آموزش های مختلف بر ارتقا کیفیت زندگی سالمندان، توصیه میشود بستر مناسب برای آموزش جامعه سالمندان در جهت ارتقا سلامت و کیفیت زندگی مورد توجه مسئولان سلامت قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سالمندان، آموزش، کیفیت زندگی



تأثیر جینسنگ بر بهبود علائم بالینی تب مالت

بهاره فلاح^۱، محیا عظیمی^۲

۱. عضو هیئت علمی پرستاری، بیمارستان شهید رهنمون، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی شهید صدوقی، یزد، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
mahyaazimi1998@yahoo.com

مقدمه و هدف: بروسلوز شایع ترین عفونت مشترک بین دام و انسان در سطح جهان می باشد. تجویز برخی گیاهان دارویی سبب تسریع علائم بهبود این بیماری می شود. هدف از این مطالعه مروری بررسی تأثیر جینسنگ بر بهبود علائم بالینی تب مالت و میزان عود آن می باشد.

مواد و روش ها: جهت دستیابی به مستندات فارسی و انگلیسی مرتبط، پایگاه های الکترونیکی PubMed, Scopus, Google Scholar با استفاده از کلیدواژه های تب مالت، گیاهان دارویی، جینسنگ در محدوده زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ جستجو شدند.

نتایج: گیاه جینسنگ بر کاهش تب و تعریق و بهبود ضعف و بی حالی و آرتريت و آرتراالژی تأثیر مثبت داشته است.
نتیجه گیری: استفاده از جینسینگ به عنوان درمان کمکی باعث بهبود علائم بالینی بیماران و پذیرش ادامه درمان را بهتر می کند.

واژگان کلیدی: تب مالت، گیاهان دارویی، جینسنگ



بررسی ارتباط بین آگاهی از علم ارگونومی و شرایط محیط کار با میزان ناراحتی های عضلانی

اسکلتی در پرستاران

بهاره فلاح^۱، محیا عظیمی^۲

۱. عضو هیئت علمی پرستاری، بیمارستان شهید رهنمون، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی شهید صدوقی، یزد، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی پرستاری، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی شهید صدوقی، یزد، ایران

مقدمه و هدف: اختلالات عضلانی- اسکلتی یکی از عوامل شایع آسیب های شغلی و ناتوانایی در کشورهای صنعتی و در حال توسعه است و پرستاری از جمله مشاغلی است که دارای بالاترین میزان صدمات عضلانی- اسکلتی می باشد. هدف از این مطالعه تعیین رابطه بین آگاهی از علم ارگونومی و شرایط محیط کار با میزان ناراحتی های عضلانی- اسکلتی در پرستاران بود.

مواد و روش ها: در این مطالعه مروری، با جستجوی هر یک از کلمات کلیدی پرستاران، ناراحتی های عضلانی- اسکلتی، ارگونومی در منابع گوناگون (HIB, SID, Irandoc, iranmedex, googlscholare, sciencedirec.pubmed) و متون مختلف علمی، طی سال های ۲۰۱۹-۲۰۰۹ مقاله مورد مطالعه قرار گرفت.

نتایج: نتایج مطالعه حاکی از آن بود که هر چه سطح آگاهی فرد از اصول ارگونومی محیط کار بیشتر باشد، میزان آسیب ها و مشکلات شغلی پایین تر می باشد.

نتیجه گیری: پیشنهاد می شود برنامه های آموزشی برای کادر پرستاری، جهت آشنا شدن با مشکلات ارگونومیکی محیط کار و تصحیح روش های کاری آن ها، همچنین به منظور کاهش مشکلات و آسیب های شغلی و افزایش راندمان کاری صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: پرستاران، ناراحتی های عضلانی- اسکلتی، ارگونومی



ارتباط سبک مقابله با استرس پذیرش با نیم رخ مشکلات روانی: یک مطالعه مقطعی بر روی نمونه‌ای بزرگ از بزرگسالان اصفهان

پریسا پورنظری^۱، آوات فیضی^۲، عمار حسن‌زاده کشتلی^۳، حمید افشار^۴، پیمان ادیبی^۶

۱. کارشناسی ارشد آمار زیستی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران
۲. استاد، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات روان‌تنی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران
awat_feiz@hlth.mui.ac.ir
۳. گروه پزشکی، دانشگاه آلبرتا، ادمونتون، آلبرتا، کانادا
۴. مرکز تحقیقات جامع‌نگر عملکرد گوارش، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران
۵. استاد، گروه روانپزشکی، مرکز تحقیقات روان‌تنی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران
۶. استاد، گروه گوارش و کبد، مرکز تحقیقات جامع‌نگر عملکرد گوارش، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

زمینه و هدف: در مطالعه حاضر، ارتباط پذیرش مساله که یکی سبک‌های مقابله با استرس است با اضطراب، افسردگی، پریشانی روانی و ترکیب این سه متغیر به‌عنوان نیم‌رخ مشکلات روانی، به‌طور هم‌زمان با استفاده از روش‌های آماری پیشرفته ارزیابی شده است.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر، مبتنی بر داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های مربوط به ۴۷۶۳ شرکت‌کننده است که به‌صورت مقطعی در مورد "اپیدمیولوژی مشکلات روانی، سلامت غذایی و تغذیه" انجام شده است. سبک‌های مقابله با استرس پرسشنامه‌ی چند مولفه‌ای SLE، پریشانی روانی با پرسشنامه GHQ-12 و اضطراب و افسردگی با استفاده از مقیاس بیمارستانی HADS ارزیابی شدند. از رگرسیون عامل پنهان پیوسته مبتنی بر پاسخ‌های چندگانه، در نرم‌افزار R برای تحلیل و ارتباط‌سنجی‌ها استفاده شد.

نتایج: در نمونه‌ی مورد بررسی، میانگین (انحراف معیار) سن افراد مورد مطالعه (۸/۰۹) ۳۶/۵۸ سال و ۵۵/۸ درصد جمعیت را زنان تشکیل می‌دادند. نتایج مدل رگرسیون عامل پنهان پیوسته مبتنی بر پاسخ‌های چندگانه نشان داد که سبک مقابله با استرس "پذیرش" در کل جمعیت بررسی شده و در زنان و مردان ارتباط معکوس و معناداری ($P < 0.001$) با اضطراب، افسردگی، پریشانی روانی و نیم رخ آن‌ها داشت.

نتیجه‌گیری: مطالعه حاضر نشان داد، سبک مقابله‌ای پذیرش می‌تواند عاملی در جهت تخفیف مشکلات روانی محسوب شود. در این رابطه پیشنهاد می‌شود علاوه بر انجام مطالعه‌ای طولی، عوامل تاثیرگذار دیگر بر این ارتباطات نیز بررسی شوند. با توجه به ارتباطات مذکور توصیه به آموختن طرق سودمند مرتبط با حل مسائل و مشکلات روانی مانند مهارت‌های سبک زندگی به‌ویژه در حوزه مقابله با استرس‌ها برای پیشگیری و تضعیف مشکلات روانی می‌شود.

واژگان کلیدی: اضطراب، افسردگی، پریشانی روانی، مشکلات روانی، مقابله با استرس، رگرسیون عامل پنهان



بررسی ارتباط اختلالات خواب با الگوی غذایی و برخی شاخص های تن سنجی در مراجعه کنندگان به کلینیک خواب قزوین در سال ۹۶

احمد آفاقی^۱، مریم جوادی^۲، فاطمه ویسی همپا^۳، فاطمه دهقان بنادکی^۴، فائزه دهقان بنادکی^۵

۱. گروه تغذیه، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
۲. مرکز تحقیقات کودکان، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
۳. گروه تغذیه، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
۴. دانشجوی کارشناسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران Fatemeh.dhg77@gmail.com
۵. دانشجوی کارشناسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

زمینه و هدف: کیفیت خواب نقش مهمی در سلامتی جسمی و روانشناختی انسان دارد و می تواند تحت تأثیر دریافت های غذایی و چاقی قرار گیرد. اختلالات خواب با اختلالات متعدد جسمی و رفتاری همراه است. خواب ضعیف بر خلق و خو، شناخت، تصمیم گیری و استدلال تأثیر منفی می گذارد

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی مقطعی از اسفند ماه سال ۱۳۹۶ تا اسفند ماه سال ۱۳۹۷ در بیمارستان قدس قزوین انجام شد. افراد با لحاظ کردن معیارهای ورود و خروج در مورد آنها و پس از اطلاع از اهداف و روش اجرای مطالعه و اطمینان از محرمانه ماندن اطلاعات و اختیاری بودن همکاری و امضا نمودن فرم رضایت نامه وارد مطالعه شدند. ۸۰ نفر به طور تصادفی انتخاب شدند. پرسشنامه بسامد خوراک و یاد آمد ۲۴ ساعته تکمیل گردید و شاخص توده بدنی، دور کمر، نسبت دور کمر به دور باسن و نسبت دور کمر به قد در بیماران اندازه گیری شد. در این مطالعه مقطعی کلیه بیماران تحت آزمون پلی سومنوگرافی شبانه قرار گرفتند و شاخص آپنه-هیپوپنه، میانگین و حداقل اکسیژن خون و شاخص اختلال تنفسی ثبت گردید. داده ها جهت تجزیه و تحلیل آماری وارد نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ استفاده شد. برای بررسی نرمال و غیر نرمال بودن داده ها از آزمون Kolmogorov-Smirnov استفاده شد. داده ها با استفاده از آمار توصیفی و آزمون های آماری رگرسیون خطی، تی تست مستقل، تحلیل عاملی، ضریب همبستگی اسپیرمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته شد. سطح معنی داری برای آزمون ها کم تر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج: شرکت کنندگان شامل ۴۷ نفر مرد (۵۸/۸ درصد) و ۳۳ نفر زن (۴۱/۲ درصد) با محدوده سنی ۲۱-۸۳ سال بودند. همبستگی معنی داری بین شاخص آپنه-هیپوپنه با نمایه توده بدنی ($I=0/516, P<0/001$) و نسبت دور کمر قد ($I=0/477, P=0/002$) و دور کمر ($I=0/333, P=0/024$) و نسبت دور کمر به دور باسن ($I=0/302, P=0/042$) در مردان وجود داشت. همبستگی معنی داری بین اندازه های تن سنجی و شاخص آپنه-هیپوپنه در زنان مشاهده نشد. نتایج رگرسیون خطی نشان داد که افزایش نمایه توده بدنی بیشترین تأثیر را در شدت آپنه-هیپوپنه در مردان دارد

($\beta = 0/469, P=0/021$). دو الگوی غذایی عمده در مراجعه کنندگان وجود داشت که به صورت الگوی غذایی سالم و الگوی غذایی ناسالم است و همچنین میانگین شاخص آپنه-هیپوپنه در دو گروه الگوی غذایی سالم و ناسالم متفاوت بود ($P<0/001, mean=90/86$). به طوری که افرادی که الگوی غذایی ناسالم داشتند، شدت آپنه بالاتری داشتند

نتیجه گیری: نمایه توده بدنی به عنوان شاخص مهم چاقی است که با اختلال تنفسی در خواب در ارتباط است. نمایه توده بدنی شاخصی مناسب از اندازه دور کمر و یا نسبت دور کمر به قد برای پیش بینی اختلال خواب می باشد. پیشنهاد می شود. از طریق اصلاح رژیم غذایی و استفاده از الگوی غذایی سالم، وزن افراد مراجعه کننده کنترل می شود تا کنترل وزن روند بهبودی اختلالات خواب تسریع شود.

واژگان کلیدی: اختلال خواب، الگوی غذایی، نمایه توده بدنی، شاخص آپنه-هیپوپنه، چاقی



بررسی تأثیر مداخله آموزشی بر تغییر رفتار تغذیه ای زنان باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر قزوین

مریم جوادی^۱، فاطمه ویسی همپا^۲، فاطمه دهقان بناذکی^۳، فائزه دهقان بناذکی^۴

۱. مرکز تحقیقات کودکان، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
۲. گروه تغذیه، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران Fatemeh.dhg77@gmail.com
۴. دانشجوی کارشناسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

زمینه و هدف: تامین نیازهای تغذیه ای مادران برای بهبود سلامت مادر و جنین ضروری است. رفتارهای تغذیه ای بر اساس نیازهای مادران اهمیت زیادی دارد. بنابراین، مطالعه حاضر با هدف تغییر رفتار تغذیه ای زنان باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر قزوین انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه نیمه تجربی، ۶۲ نفر از زنان باردار که برای دریافت مراقبت های دوران بارداری در سال ۱۳۹۶ به مراکز بهداشتی-درمانی شهر قزوین، به روش نمونه گیری طبقه ای-خوشه ای انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها شامل یک پرسشنامه محقق ساخته از دو بخش اصلی بود. پرسشنامه حاوی سه بخش سوالات مربوط به مشخصات فردی - اجتماعی، سوالات مربوط به آگاهی تغذیه ای و سوالات مربوط به رفتار تغذیه ای بود. داده ها در نرم افزار SPSS وارد و توسط شاخص های مرکزی و پراکندگی بررسی و جهت تعیین معناداری آموزش در قبل و بعد از مداخله، از آزمون t زوجی استفاده شد.

نتایج: دو گروه از نظر سن، شاخص توده ی بدنی، سطح تحصیلات و سن حاملگی اختلاف معنی داری نداشتند. اختلاف نمره ی آگاهی و عملکرد تغذیه ای زنان باردار در دو گروه پس از مداخله از نظر آماری معنی دار بود ($p < 0.001$). در گروه مداخله مصرف کلسیم و پروتئین و آهن بعد از انجام مداخله بهتر از گروه کنترل بود ($p < 0.05$).

نتیجه گیری: نتایج تحقیق نیاز فوری به مادران برای آموزش در حوزه های مختلف تغذیه را نشان می دهد.

واژگان کلیدی: آموزش، رفتار تغذیه ای، زنان باردار



بررسی الگوی غذایی و ارتباط آن با پارامترهای اختلال خواب در بیماران مراجعه کننده به کلینیک خواب قزوین

مریم جوادی^۱، فاطمه ویسی همپا^۲، فاطمه دهقان بنادکی^۳، فائزه دهقان بنادکی^۴

۱. مرکز تحقیقات کودکان، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
۲. گروه تغذیه، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران Fatemeh.dhg77@gmail.com
۴. دانشجوی کارشناسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

زمینه و هدف: خواب از مهم ترین چرخه های شبانه روزی و از نیازهای اساسی انسان است و از الگوی پیچیده زیست شناختی تبعیت می کند. کیفیت پایین خواب و چاقی مسئله مهم بهداشتی جوامع می باشد. در این مطالعه شدید، به بررسی الگوی غذایی و ارتباط آن با پارامترهای اختلال خواب در بیماران مراجعه کننده به کلینیک خواب قزوین پرداختیم.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک پژوهش توصیفی-تحلیلی-مقطعی بوده که از اسفند ماه سال ۱۳۹۶ تا اسفند ماه سال ۱۳۹۷ در قزوین انجام شد. افراد مشارکت کننده در این مطالعه ۸۰ نفر بودند. افراد با لحاظ کردن معیارهای ورود و خروج در مورد آنها و پس از اطلاع از اهداف و روش اجرای مطالعه و اطمینان از محرمانه ماندن اطلاعات و اختیاری بودن همکاری و امضا نمودن فرم رضایت نامه، پرسشنامه های اطلاعات عمومی تکمیل شد و بعد از انجام تست خواب، اطلاعات لازم از پرونده افراد برداشته شد. بسامد خوراک و یادآمد نوبت اول را پر کردند و طی مراجعات بعدی نیز دو نوبت بعدی پرسشنامه یادآمد خوراک تکمیل گردیده شد

نتایج: تست خواب از ساعت ۲۳ تا ۵ صبح انجام شد. شرکت کنندگان شامل ۴۷ نفر مرد (۵۸/۸ درصد) و ۳۳ نفر زن (۴۱/۲ درصد) با محدوده سنی ۲۱-۸۳ سال بودند. دو الگوی مشخص عادات غذایی را بر اساس پرسشنامه بسامد (الگوی غذای سالم و ناسالم) را شناسائی کردیم. میانگین شاخص آپنه-هیپوپنه در دو گروه الگوی غذایی سالم و ناسالم متفاوت بود (mean=۹۰/۸۶، P<۰/۰۰۱)، به طوری که افراد دارای شاخص آپنه-هیپوپنه بالا دارای الگوی غذایی ناسالم بودند. **نتیجه گیری:** ما پیشنهاد می کنیم در صورت تأیید یافته ها توسط مطالعات آینده نگر، می توان از الگوی غذایی سالم در طراحی سیاست های آموزشی مناسب به منظور ارتقای آگاهی تغذیه ای بهره برد.

واژگان کلیدی: الگوی غذایی، پارامترهای اختلال خواب، الگوی غذای سالم و الگوی غذای ناسالم



Various Anthropometric Measures and Sleep Disturbance Breathing in Iranian Obstructive Sleep Apnea Patients

Maryam javadi¹, Fateme veisi hampa², Fateme Dehghan Banadaki³
Faeze Dahghan Banadaki⁴

1. Children's Research Center, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran.¹

2. Department of Nutrition, School of Health, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran

3. Undergraduate student of environmental health, Faculty of Health, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran Fatemeh.dhg77@gmail.com

Background: To investigate the correlation between different anthropometric measures and sleep disorder breathing (SDB) as measured by apnea / hypopnea index (AHI) in obstructive sleep apnea (OSA) patients. Also to find out the most correlated anthropometric measure with SDB.

Material and Methods: We evaluated 80 patients with suspected OSA. They underwent polysomnography and anthropometric measurements including body mass index (BMI), waist-hip ratio (WHR), waist to height ratio (WHtR), waist, and hip circumference.

Results: A statistically significant correlation was found between the anthropometrics variables (BMI, WHtR, W, and WHR) relative to the AHI ($r = 0.516$, $p < 0.001$; $r = 0.477$, $p = 0.002$; $r = 0.333$, $p = 0.024$; and $r = 0.302$, $p = 0.042$ respectively) in men. These correlations were confirmed by observed significant negative correlation of the mentioned anthropometrics variables and oxygen saturations (SMED, SMIN). No significant correlation was found between anthropometrics and SDB in women. The step-wise linear regression showed that increasing BMI has the most effect on severity of AHI followed by WHR in men (Beta = 0.469, and 0.22 respectively).

Conclusions: BMI is the most reliable obesity indicator that significantly correlated with SDB. BMI is a more appropriate indicator than WHtR or W to predict SDB

Keywords: Anthropometric measures, obstructive sleep Apnea, sleep disorder breathing, apnea / hypopnea index



بررسی عوامل موثر در بروز اختلال رشد کودکان زیر ۵ سال شهر زاهدان در سال ۱۳۹۷

فاطمه ستوده زاده^۱، محمد خمر نیا^۲، اذر ابول پور^۳، شیواکارگر^۴

۱. استادیار اقتصاد سلامت، گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۲. دکترای تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۳. کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۴. کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران shivakargar@yahoo.com

زمینه و هدف: اختلال رشد یکی از مشکلات مهم سلامت کودکان در دنیا و کشورهای در حال توسعه می باشد. عدم رسیدگی به این اختلال باعث بروز عوارض جدی تری همچون مرگ و میر، افزایش سایر بیماری های مرتبط، کاهش یادگیری و ناتوانی و معلولیت ذهنی، عاطفی یا جسمی در کودکان می شود. بنابراین مطالعه حاضر با هدف تعیین عوامل موثر در بروز اختلال رشد کودکان زیر ۵ سال شهر زاهدان انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع مقطعی به روش توصیفی-تحلیلی است که جامعه مورد بررسی کودکان زیر ۵ سال مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر زاهدان در سال ۱۳۹۷ انجام شد. تعداد ۷۸۴ کودک با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای وبا توجه به معیارهای ورود که عبارتند از عدم بیماری بیهای خاص هنگام تولد و مراجعه منظم به مراکز درمانی، به عنوان نمونه انتخاب شدند. پس از جمع آوری اطلاعات از پرونده الکترونیکی موجود در سامانه سیب و بعضاً از پرونده کاغذی خانوار این کودکان، ارزیابی اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS-v16 و آزمون های آماری Chi-square، logistic Regression صورت گرفت.

نتایج: بر اساس نتایج مطالعه، تعداد ۳۷۸ نفر (۴۸،۲٪) نمونه مورد مطالعه را پسران و ۴۰۶ نفر (۵۱،۷٪) را دختران تشکیل دادند. فراوانی اختلال رشد در پسران ۵۴٪ و در دختران ۵۱،۲٪ بود. میانگین وزن زمان تولد کودکان مبتلا به اختلال رشد ۵،۵۸±۲،۷۵ کیلوگرم و میانگین وزنی کودکان سالم ۷،۷۱±۲،۹۵ کیلو گرم بوده است. میانگین سنی مادران کودکان مبتلا به اختلال رشد، ۶،۱۰±۲۷،۹۸ و میانگین سنی مادران کودکان سالم، ۶،۰۷±۲۹،۱۹ بود. ۶۴۳ نفر (۸۲٪) از مادران خانه دار بودند و ۳۷۴ نفر (۴۷،۷٪) آن ها تحصیلاتی پایین تر از سطح دیپلم داشتند و همچنین ۱۸ نفر (۲،۲٪) از مادران سابقه مصرف مواد دخانی و ۱۳۹ نفر (۱۷،۷٪) از مادران سابقه ابتلا به بیماری زمینه ای را داشتند. اختلال رشد کودک با بیماری زمینه ای مادر، سن مادر، سواد مادر، وزن زمان تولد کودک، مرتبه تولد، ارتباط آماری معناداری داشت ولی با جنس کودک، سابقه مصرف مواد دخانی مادر و مدت زمان تغذیه انحصاری با شیر مادر ارتباط آماری معنا دار دیده نشد.

بحث و نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر حاکی از تأکیدی مجدد بر این امر می باشد که اختلال رشد یک اختلال مولتی فاکتور می باشد. لذا، عوامل شناخته شده به تنهایی برای پیش بینی اختلال رشد کودکان کافی نبوده و ویژگی های فردی کودکان و عوامل ژنتیکی و محیطی نیز در بروز اختلال رشد موثر است. با توجه به عوارض فراوان و جدی این اختلال در آینده کودک و بالا بودن میزان شیوع اختلال رشد در کودکان زیر ۵ سال، لزوم رسیدگی به این اختلال کاملاً احساس می شود.

واژگان کلیدی: عوامل موثر، اختلال رشد، کودکان زیر ۵ سال



چالش های گردشگری سلامت در استان سیستان و بلوچستان: (مبتنی بر رویکرد تحلیل

(مضمون)

محمد خمرنیا^۱، عزیزالله اربابی سر جو^۲، عزیزالله بلیده ای، مصطفی پیوند^۴

۱. دکترای تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
۲. دانشیار پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، مرکز تحقیقات پرستاری جامعه، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
۳. کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشت و درمانی، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
۴. کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران mp.peyvand@yahoo.com

زمینه و هدف: گردشگری سلامت در بسیاری از کشورها، نیروی اصلی بهبود و رشد اقتصادی کشور محسوب می شود. به رغم تلاش های صورت گرفته در سال های اخیر، گردشگری سلامت هنوز در ساختار کشور و استان سیستان و بلوچستان جایگاه مناسبی نداشته است، پژوهش حاضر در تلاش است با اتخاذ رویکرد کیفی به این پرسش ها پاسخ دهد که گردشگری سلامت در کشور با کدام چالش ها در عرصه قانون گذاری و اجرا مواجه شده است. لذا پژوهش حاضر با هدف چالش های گردشگری سلامت در استان سیستان و بلوچستان انجام گردید.

مواد و روش ها: این مطالعه با روش تحقیق کیفی و با رویکرد تحلیل محتوا در سال ۱۳۹۸ در استان سیستان و بلوچستان انجام شد. جامعه پژوهش شامل ۱۷ نفر از مدیران بیمارستان و مدیران گردشگری استان بودند که به روش هدفمند انتخاب شدند. مدت زمان مصاحبه ها بین ۴۵ الی ۶۰ دقیقه متغیر بود، تمامی مصاحبه ها ضبط شده و سپس بر روی کاغذ و فایل کامپیوتر پیاده سازی شد. تحلیل مصاحبه ها با استفاده از روش تحلیل محتوای سنتی انجام شد که جهت تعیین مفاهیم اصلی، مصاحبه ها به دقت بررسی و کدگذاری اولیه شد. این کدها چندین بار مورد بازبینی و ارزیابی و طبقه بندی قرار گرفت و در نهایت زیر مضمون و مضمون بدست آمد.

نتایج: در این مطالعه چالش های سیاست گذاری گردشگری سلامت در دو مضمون اصلی (تمهیدات قانونی، قضایی و مسائل امنیتی) و شش زیر مضمون (مشکلات ورود گردشگر در مبادی مرزی، شرایط وقت گیر برای اخذ ویزای درمان، بروکراسی اداری و شرایط سیاسی، با سایر کشور ها شایعات و تبلیغات منفی نسبت به امنیت استان، نبود اعتماد در کیفیت خدمات) تقسیم بندی شد. همچنین تغییر فرهنگ و باورها، تغییر ساختار و تشکیلات و آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی، هماهنگی بین بخشی به عنوان راهکارهای عبور از چالش ها بیان شد.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که صنعت گردشگری با چالش های متعددی روبرو می باشد. به رغم تلاش های صورت گرفته در سال های اخیر گردشگری سلامت هنوز در ساختار نهادی کشور و مقررات موجود جایگاه مناسبی نداشته و با هدف تبیین شده در سند چشم انداز که جایگاه نخست گردشگری سلامت ایران در میان کشورهای منطقه را ترسیم کرده است فاصله دارد. افزایش ارتباط بیمارستان با مراکز گردشگری، جذب سرمایه گذار، تربیت نیروی انسانی متخصص، استفاده از ظرفیت بخش خصوصی، افزایش تبلیغات، از پیشنهاد کاربری این مطالعه می باشد.

واژگان کلیدی: گردشگری سلامت، توریسم، سیاست گذاری



بررسی تاثیر انجام فعالیت بدنی بر کیفیت زندگی سالمندان

سید محمد مهدی حاجی سعید^۱، زهره خاوری^۲، عهدیه بحری^۱، سیده فاطمه حاجی سعید^۱

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری میبد، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد،

ایران m.mehdi138042@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری میبد، دانشگاه علوم پزشکی، شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

زمینه و هدف: سالمندی دوره حساسی از زندگی بشری است و توجه به مسائل و نیازهای این مرحله از زندگی یک ضرورت اجتماعی در جهت ارتقای کیفیت زندگی سالمندان به شمار میرود. با در نظر گرفتن نیازهای خاص این دوران، توجه به رفتارهای ارتقا دهنده سلامت و کیفیت زندگی در سالمندان امر مهمی است. انجام فعالیت بدنی یکی از عواملیست که نقش مهمی در ایجاد و حفظ سلامتی و کیفیت زندگی در تمام سنین بازی میکند، لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین تاثیر انجام فعالیت فیزیکی بر کیفیت زندگی سالمندان با مروری بر مطالعات گذشته انجام شده است.

روش جستجو: این مطالعه مروری با استفاده از کلید واژه های فارسی فعالیت فیزیکی^۱، کیفیت زندگی^۲، سالمندان^۳، در پایگاه های اطلاعاتی اس آی دی^۴، اسکوپوس^۵، پابمد^۶، گوگل اسکولار^۷، بدون محدودیت زمانی انجام شد و ۳۳ مقاله با در نظر گرفتن معیارهای ورود و خروج مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته ها: طبق نتایج مطالعات انجام شده، انجام فعالیت بدنی بر کیفیت زندگی سالمندان تاثیر بسیار زیادی دارد. و همبستگی مثبت و معناداری بین متغیر کیفیت زندگی و انجام فعالیت بدنی روزانه وجود دارد. نتایج نشان داد که انجام فعالیت بدنی باعث افزایش عملکرد بدنی، سلامت جسمانی، سلامت عاطفی، انرژی و سرزندگی، سلامت روانی و در نهایت سلامت عمومی می شود. بنابراین تغییرات مثبت در فعالیت های جسمانی و فیزیکی می تواند باعث افزایش کارایی و استقلال سالمندان شده و آنان را در کنترل عوارض متعدد سالمندی و درمان های مختلف کمک کند. نتایج تمام مقالات مورد مطالعه در یک راستا بود و ارتباط مثبت و معنی داری بین دو مولفه فعالیت فیزیکی و کیفیت زندگی سالمندان را گزارش کردند.

نتیجه گیری: فعالیت بدنی یک عامل ارتقا دهنده سلامت و کیفیت زندگی محسوب می شود که بر سلامت جسمی و روانی افراد و از جمله سالمندان می تواند بسیار تاثیر گذار باشد. بنابراین می توان ورزش و فعالیت جسمانی مخصوص سالمندان که بسیار کم خرج و از نظر اجرا مقرون به صرفه است را در کانون های فعالیت سالمندان، مراکز مراقبتی سالمندان و مجتمع ها و حتی سطوح جامعه به عنوان عاملی در جهت افزایش کیفیت زندگی سالمندان انجام شود.

واژگان کلیدی: فعالیت بدنی، کیفیت زندگی، سالمندان



تأثیر ماستکتومی بر عملکرد جنسی در زنان مبتلا به سرطان پستان

سحر سلیمان آبادی^۱، فاطمه سلیمان آبادی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری داخلی جراحی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، تهران، ایران. fsoleimanabadi@gmail.com

زمینه و هدف: سرطان پستان شایعترین سرطان زنان است که هر ساله ۱/۵ میلیون زن در سراسر جهان به آن مبتلا می شوند و جنبه های مختلف سلامت فردی، روانی و کیفیت زندگی و عملکرد جنسی آنها را به مخاطره می اندازد. از آنجا که این بیماری یکی از مهمترین اندام های جنسی بانوان را مورد هدف قرار می دهد و مستقیماً با هویت جنسی زنان در ارتباط است بنابراین بررسی روابط جنسی و زناشویی در مبتلایان به سرطان پستان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر ماستکتومی بر عملکرد جنسی در زنان مبتلا به سرطان پستان انجام شد.

مواد و روش ها: مطالعه مروری حاضر با جستجوی مقالات در پایگاه های اطلاعاتی: Mag Iran، SID و Iran doc با کلیدواژه های ماستکتومی، سرطان پستان و عملکرد جنسی، در سال های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ انجام شد.

یافته ها: نتایج مطالعات نشان داده است که بین ۶۰٪ تا ۷۰٪ بیماران مبتلا به سرطان پستان اختلال عملکرد جنسی دارند. از آنجا که وقتی افراد به خاطر ظاهرشان دچار حواس پرتی می شوند، نمی توانند روی لذت جنسی خود تمرکز کنند و این عامل بر عملکرد جنسی آنها تأثیر منفی می گذارد. این بیماران به یائسگی زودرس مبتلا می شوند که در نتیجه کاهش استروژن و آندورژن، سبب آتروفی واژن و کاهش میل جنسی در این افراد می شود.

نتیجه گیری: به علت تأثیر روابط زناشویی بر سلامت روان و کیفیت زندگی، توصیه می شود جهت این بیماران کارگاه های آموزشی و مشاوره در حضور همسر بیمار برگزار شود و در آن تأکید بر رابطه جنسی برای کاهش رنج و آلام روحی و جسمانی آنان انجام شود. گروه درمانی نیز در اصلاح تصویر بدنی و افزایش عزت نفس بیماران، و در نتیجه بهبود عملکرد جنسی آنان موثر است.

واژگان کلیدی: ماستکتومی، سرطان پستان، عملکرد جنسی.



راه‌های پیشگیری از ابتلاء به ویروس کرونا

سحر سلیمان آبادی^۱، فاطمه سلیمان آبادی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری داخلی جراحی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، تهران، ایران. fsoleimanabadi@gmail.com

زمینه و هدف: ویروس کرونا با بروز علائم تنفسی در ووهان چین در دسامبر ۲۰۱۹ با شیوع و مرگ و میر بالا شناخته شد و به سرعت ۲۰۲ کشور را فراگرفت. این بیماری که دوره کمون این بیماری ۱ تا ۱۴ روز و در بیشتر موارد ۳ تا ۷ روز است و از طریق ترشحات تنفسی (خصوصاً عطسه و سرفه)، تماس با سطح یا فرد آلوده و همچنین قطرات موجود در هوا منتقل می‌شود. بنابراین با توجه به تعدد راه‌های انتقال ویروس کرونا مطالعه حاضر با هدف شناسایی راه‌های پیشگیری از ابتلاء به ویروس کرونا انجام شد.

مواد و روش‌ها: مطالعه مروری حاضر با جستجوی مقالات در پایگاه‌های اطلاعاتی: Pubmed و Scopus با کلید واژه‌های پیشگیری، کووید ۱۹، کرونا ویروس و سارس-کووید ۲ به زبان‌های فارسی و انگلیسی در سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ انجام شد.

یافته‌ها: بیماری کرونا می‌تواند علائمی مانند سرماخوردگی تا بیماری‌های شدیدتر (MERS-CoV) و (SARS-CoV) را ایجاد کند. علائم شایع بیماری کرونا شامل: تب، سرفه، تنگی نفس، خستگی و اسهال است. کرونا در افراد مسن و یا دارای بیماری‌های زمینه‌ای می‌تواند منجر به اختلال عملکرد کلیه، کبد و سایر اندام‌ها و در نهایت مرگ شود. با توجه به اینکه تاکنون درمانی قطعی برای این بیماری شناخته نشده، توجه به پیشگیری و کنترل عفونت می‌تواند راه‌حلی مفید در جهت کاهش آمار مبتلایان به این بیماری و مرگ حاصل از آن باشد.

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعات نشان می‌دهد بهترین راه‌های پیشگیری از بیماری کرونا حفظ فاصله ایمن، استفاده از تهویه مناسب، شستن منظم دست‌ها و استفاده از ضد عفونی کننده‌های با پایه‌ی الکلی، استفاده از وسایل حفاظت شخصی، مدیریت مناسب پسماندها، عدم تماس با حیوانات اهلی، عدم مسافرت به مناطق اپیدمی بیماری، ضد عفونی کردن محیط، جداسازی و قرنطینه بیمار و انجام مراقبت‌های درمانی در منزل برای افراد در معرض خطر و بیماران دارای بیماری‌های مزمن است. همچنین تقویت برنامه‌های آموزش بهداشت در جهت افزایش دانش و نگرش نسبت به شناخت هرچه بیشتر بیماری کرونا و راه‌های پیشگیری موثر است.

واژگان کلیدی: پیشگیری، کووید ۱۹، کرونا ویروس و سارس-کووید ۲.



سواد سلامت در دانشجویان غیر علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

آسیه نمازی^۱، زهرا تقدس نژاد^۲، هاله غلامرضازاده^۲

۱. دانشجوی دکترای سلامت و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، عضو هیئت علمی گروه مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، گیلان، ایران. anamazi55@yahoo.com

۲. دانشجویان کارشناسی مامایی، انجمن علمی گروه مامایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ایران

زمینه و هدف: سواد سلامت نتیجه عوامل اجتماعی و فردی است که به ابعاد سواد در زمینه سلامتی می پردازد. ظرفیت یک فرد که شامل پتانسیل ذاتی و مهارت های فردی است، جزء اساسی این مفهوم است که می تواند رفتارهای مرتبط با سلامت و استفاده از خدمات بهداشتی را تحت تاثیر قرار داده و همچنین بر پیامدهای سلامتی و هزینه های سلامتی در اجتماع، اثرگذار باشد. با توجه به اینکه دانشجویان علوم پزشکی در واحدهای مختلف درسی خود هم در تئوری و هم در واحدهای عملی به این مهارت دست پیدا می کنند که چگونه از خدمات بهداشتی جامعه استفاده کنند یا پیشگیریهایی لازم در مواقع ضروری را انجام دهند، لذا گروه هدف ما در این مطالعه دانشجویان غیر علوم پزشکی هستند که کمتر با این موارد سرو کار دارند.

مواد و روش ها: این مطالعه با رویکرد توصیفی-همبستگی بر روی ۲۵۰ نفر از دانشجویان غیر علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ انجام شد. افراد مورد بررسی از طریق نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه سواد سلامت (منتظری، ۱۳۹۳) بهره گرفته شد که شامل ابعاد دسترسی، مهارت خواندن، فهم، ارزیابی، تصمیم گیری و به کارگیری اطلاعات سلامت است. دامنه نمرات برای رتبه های حیطه ها ۰-۱۰۰ و به صورت (۰-۵۰/۱) ناکافی، (۵۰-۶۶/۱) نه چندان کافی، (۶۶-۸۴/۱) کافی و (۸۴/۱-۱۰۰) عالی بود. داده های به دست آمده با نرم افزار SPSS و آمارهای توصیفی و آزمون کای دو و همبستگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: میانگین و انحراف معیار نمره سواد سلامت ۱۳/۰۷ ± ۵۰/۶۹ از ۱۰۰ بود. ۵۳/۴ درصد افراد سواد سلامت کافی، و ۱۲/۹ درصد از سواد سلامت عالی برخوردار بودند. ابعاد درک (۷۶/۷۸) و دسترسی (۷۲/۰۲) بیشترین میانگین نمره و بعد تصمیم گیری و کاربرد اطلاعات سلامت (۶۲/۱۴) کمترین میانگین نمره را به خود اختصاص دادند. اینترنت (۵۶/۹) و پزشک و کارکنان بهداشتی (۲۵/۰)، مهمترین منابع اطلاعاتی بودند که دانشجویان شرکت کننده به صورت معمول مطالب مربوط به بیماری و سلامت خود را از طریق آنها به دست می آوردند

نتیجه گیری: براساس نتایج به دست آمده، بیشتر دانشجویان، اطلاعات مربوط به بیماری و سلامتی را از طریق اینترنت دریافت میکردند. لذا با توجه به تمایل بالای دانشجویان، میتوان برنامه ها و مطالب مرتبط با سلامت را از طریق شبکه های اجتماعی مجازی در اختیار آنها قرار داد.

واژگان کلیدی: اطلاعات سلامت، سواد سلامت، دانشجویان



سلامت اجتماعی و ارتباط آن با عوامل دموگرافیک در دانشجویان پرستاری و مامایی

آسیه نمازی^۱، مائده بابایی عاشورآبادی^۲، سیده کبری بقایی^۲

۱. دانشجوی دکترای سلامت و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، عضو هیئت علمی گروه مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، گیلان، ایران. anamazi55@yahoo.com

۲. دانشجویان کارشناسی مامایی، انجمن علمی گروه مامایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ایران

زمینه و هدف: سلامت اجتماعی به چگونگی ارزیابی فرد از عملکردش در جامعه و محیطی که در آن زندگی می کند، گفته می شود که بر همه افکار، هیجانات، آرزوها و اهداف شخصی او نفوذ داشته و به نوعی کلید رفتار محسوب می شود. این امر اثبات شده است که سلامت اجتماعی و روانی تحت تاثیر دامنه های از عوامل جمعیت شناختی و جامعه شناختی قرار می گیرند. این مطالعه به بررسی وضعیت سلامت اجتماعی و ارتباط آن با عوامل دموگرافیک در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی رشت می پردازد.

مواد و روش ها: این مطالعه به روش همبستگی و مقطعی، بر روی ۲۰۰ نفر از دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ انجام شد. برای انتخاب افراد، از روش نمونه گیری احتمالی (تصادفی) طبقه ای و متناسب با جمعیت دانشجویان دانشکده استفاده شد. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه سلامت اجتماعی کیز بهره گرفته شد که دارای ۳۳ گویه است. ۷ گویه مربوط به انسجام اجتماعی، ۷ گویه برای پذیرش اجتماعی، ۶ گویه مربوط به مشارکت اجتماعی، ۶ گویه برای سنجش انطباق اجتماعی و ۷ گویه مربوط به ارزیابی شکوفایی اجتماعی است. دامنه ای نمرات به دست آمده به سه گروه با افراد دارای سلامت اجتماعی پایین، متوسط و بالا تقسیم می شود. داده های به دست آمده با نرم افزار SPSS و آمارهای توصیفی و آزمون کای دو و همبستگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: میانگین سنی افراد $25/28 \pm 6/36$ سال بود. میانگین نمره سلامت اجتماعی $64/99 \pm 9/57$ بدست آمد. اکثریت دانشجویان در این مطالعه در گروه با سلامت اجتماعی متوسط قرار داشتند. بین سن دانشجویان با نمره کل سلامت اجتماعی همبستگی آماری معنی دار وجود داشت ($p=0/006, r=0/192$). اما بین جنسیت و سطح تحصیلات با میزان سلامت اجتماعی ارتباط آماری معنی داری به دست نیامد.

نتیجه گیری: برخورداری دانشجویان از سلامت اجتماعی مناسب باعث ایمنی آنها در برابر مشکلات می شود و آنان به راحتی می توانند با شرایط متغیر زندگی و رو به تکامل فناوری با شیوه هایی که خانواده و جامعه آنان را مثبت می دانند انطباق یابند براساس نتایج به دست آمده، بیشتر دانشجویان، در سطح متوسط یا پایین سلامت اجتماعی قرار داشتند که این امر ضرورت توجه به این مسئله را یادآور می شود.

واژگان کلیدی: سلامت، سلامت اجتماعی، دانشجویان پرستاری و مامایی



بررسی وضعیت سلامت جسمی_روانی سالمندان: مطالعه مروری

نجمه زمانی^۱، عهدیه بحری^۱

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته پرستاری، دانشکده پرستاری میبد، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران najmehzamani788@gmail.com

زمینه و هدف: سالمندی فرایندی طبیعی، پیش رونده و برگشت ناپذیر است؛ که فرد، خانواده و یک جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد. با توجه به افزایش تعداد سالمندان کشور و همچنین با توجه به اهمیت سلامت سالمندان، این مطالعه باهدف تعیین وضعیت سلامت جسمی_روانی سالمندان بامروری بر مطالعات گذشته انجام گرفته است.

مواد و روش ها: این مطالعه مروری با استفاده از کلید واژه های فارسی سالمندان^۱، وضعیت سلامت^۲، سلامت جسمی_روانی^۳، در پایگاه های اطلاعاتی جهاد دانشگاهی^۴، اسکوپوس^۵، پایمد^۶، گوگل اسکولار^۷ در محدوده زمانی ۲۰۱۹-۲۰۱۰ انجام شد. ۶۰مقاله دریافت شد که بعد از بازبینی ۳۸مقاله با در نظر گرفتن معیارهای ورود و خروج مورد بررسی قرار گرفتند. از این مقالات ۵مورد که فایل کامل مقاله در دسترس نبود حذف شدند.

نتایج: در اکثر مقالات بررسی شده؛ جهت سنجش وضعیت سلامت جسمی سالمندان، شاخص های انجام فعالیت های روزمره (حمام کردن، لباس پوشیدن، توالت رفتن، جابه جا شدن در منزل و غذا خوردن بدون کمک و نظارت دیگران) و عملکرد فیزیکی (توان فردی سالمند برای انجام فعالیت) مورد بررسی قرار گرفته بودند و جهت سنجش وضعیت سلامت روانی شاخص های اضطراب، افسردگی، غم، عصبی بودن، ناامیدی، احساس بی ارزشی و تنهایی مورد بررسی قرار گرفته بودند. یافته های اکثر این مقالات نشان داد که وضعیت سلامت سالمندان در حد متوسط می باشد و اکثر سالمندان به دلیل زندگی ساده تر، توقعات پایین تر و همچنین داشتن باورهای دینی از سلامت روانی بالاتری برخوردار هستند. همچنین یافته ها نشان داد که مشکلات بینایی و افسردگی بیشترین تهدید کننده وضعیت سلامت سالمندان میباشد. بعلاوه نتایج نشان داد که مشخصات دموگرافیک سالمندان (سن، جنسیت، میزان تحصیلات، وضعیت تاهل، وضعیت اقتصادی و محل سکونت (شهر یا روستا) با وضعیت سلامت جسمی_روانی آنها رابطه معناداری دارد.

نتیجه گیری: لذا با توجه به نتایج بدست آمده از مطالعات انجام شده توصیه میشود ارائه دهندگان مراقبت بهداشتی، زمینه را جهت بهبود وضعیت سلامت جسمی_روانی سالمندان، از طریق اجرای برنامه های مرتبط با سلامتی مانند آموزش رژیم غذایی صحیح، ورزش منظم، بررسی دوره ای وضعیت جسمانی و... به بهبود وضعیت سلامت سالمندان و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی سالمندان کمک کنند.

واژگان کلیدی: سالمندان، وضعیت سلامت، سلامت جسمی_روانی



رابطه مدت اقامت نوزادان با جنسیت بر حسب علل مختلف بستری در بخش مراقبت های ویژه نوزادان

رامین منجزی^۱، مریم پاپی^۲، اعظم جهانگیری مهر^۳

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران
۲. کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران mp.asemani@yahoo.com
۳. کارشناس ارشد آمار زیستی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

زمینه و هدف: طول مدت اقامت نوزادان در بخش مراقبت های ویژه نوزادان (NICU) می تواند تحت تاثیر عوامل گوناگونی قرار داشته باشد. این پژوهش با هدف بررسی رابطه مدت اقامت نوزادان با جنسیت در بخش NICU بر حسب علل مختلف بستری انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه تحلیلی- مقطعی پس از کنار گذاشتن پرونده های ناقص، ۴۶۱ پرونده مربوط به نوزادان بستری در بخش NICU بیمارستان الهادی شهرستان شوشتر در سال ۱۳۹۷ مورد بررسی قرار گرفت و سه متغیر جنسیت، مدت اقامت و علت بستری از هر پرونده استخراج و ثبت گردید. ثبت هر سه متغیر مربوطه در پرونده معیار ورود و عدم ثبت متغیرها معیار خروج پرونده ها از مطالعه ما بودند. در نهایت داده ها با استفاده از آزمون های آماری T-test و کای دو بوسیله نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: از ۴۶۱ نوزادان بستری، ۲۸۳ (۶۱ درصد) نافر، پسر بودند. سن درم دیسترس تنفسی، تولد زودرس و تیک مکنیوم نیز دلایل عمده بستری شدن نوزادان بودند. از طرفی بطور میانگین طول مدت اقامت در نوزادان پسر $5/21 \pm 5/75$ روز و در نوزادان دختر $5/63 \pm 6/75$ روز بود و در سطح $0/05$ ، رابطه معناداری بین طول مدت بستری و جنسیت دیده نشد ($p=0/471$). همچنین بیشترین و کمترین مدت بستری نیز در هر دو جنس به ترتیب برای علت بستری تولد زودرس و تیک مکنیوم بدست آمد.

نتیجه گیری: طبق یافته های بدست آمده هر چند تعداد نوزادان پسر بستری بیشتر بود ولی بر حسب علل مختلف بستری رابطه معناداری میان جنسیت و طول مدت اقامت در NICU یافت نشد.

واژگان کلیدی: نوزادان، طول مدت اقامت، جنسیت، بستری شدن



رابطه سن ختم حاملگی و وزن هنگام تولد با طول مدت بستری نوزادان در بخش مراقبت های ویژه نوزادان

رامین منجزی^۱، مریم پاپی^۲، اعظم جهانگیری مهر^۳

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران
۲. کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران mp.asemani@yahoo.com
۳. کارشناس ارشد آمار زیستی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

زمینه و هدف: با توجه به نقشی که سن ختم حاملگی و وزن هنگام تولد می تواند در میزان سلامت نوزادان داشته باشند، این پژوهش با هدف بررسی رابطه سن ختم حاملگی و وزن هنگام تولد با طول مدت اقامت نوزادان در بخش مراقبت های ویژه نوزادان (NICU) انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه تحلیلی - مقطعی پس از کنار گذاشتن پرونده های ناقص، ۴۶۱ پرونده مربوط به نوزادان بستری در بخش NICU بیمارستان الهادی شهرستان شوشتر در سال ۱۳۹۷ مورد بررسی قرار گرفت و سه متغیر وزن هنگام تولد، سن ختم حاملگی و طول مدت بستری از هر پرونده استخراج و ثبت گردید. ثبت هر سه متغیر مربوطه در پرونده معیار ورود و عدم ثبت این متغیرها معیار خروج پرونده ها از مطالعه ما بودند. داده ها با استفاده از آزمون های آماری آنووا و همبستگی بوسیله نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: وزن هنگام تولد، سن ختم حاملگی و طول مدت بستری نوزادان به ترتیب $3757 \pm 874/34$ گرم، $35/3 \pm 70/14$ هفته و $5/39 \pm 6/17$ روز بدست آمد و بین وزن هنگام تولد ($r = -0/450$ و $p < 0/001$) و سن ختم حاملگی ($r = -0/485$ و $p < 0/001$) با طول مدت اقامت رابطه ای معنادار و معکوس وجود داشت، همچنین رابطه ی بین وزن هنگام تولد با سن ختم حاملگی معنا دار و مستقیم بود ($r = 0/528$ و $p < 0/001$).

نتیجه گیری: طبق نتایج بدست آمده بین سن ختم حاملگی و وزن هنگام تولد مطلوب با میزان سلامتی بالاتر و طول مدت اقامت کمتر در بخش NICU، رابطه معنی داری وجود دارد.

واژگان کلیدی: طول مدت اقامت، سن حاملگی، وزن تولد، نوزادان



نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران نسبت به آموزش الکترونیکی در دوره کرونا

محمد رضا شیخی چمان^۱، میترا بذرافشان^۲، توفیق مبادری^۳، الهام میان کوهی^۴، امین محمدی^۵

۱. دانشجوی دوره دکتری تخصصی اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران
Sheikhy-m@razi.tums.ac.ir
۲. دانشجوی دوره دکتری تخصصی اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران
۳. دانشجوی دوره دکتری تخصصی آمار زیستی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس
۴. دانشجوی دوره کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد
۵. دانشجوی دوره دکتری تخصصی اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

زمینه و هدف: یادگیری الکترونیکی به عنوان یکی از روش‌های نوین آموزشی از پتانسیل بالقوه‌ای برای ورود به عرصه آموزش علوم پزشکی و آموزش مداوم برخوردار است، لذا ارزیابی نگرش افراد نسبت به این روش آموزشی به منظور بهبود سطح کیفی و کمی دانشگاه‌ها ضروری به نظر می‌رسد. هدف از مطالعه حاضر تعیین نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران نسبت به آموزش الکترونیکی در نیمه اول سال ۱۳۹۹ می‌باشد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی، تعداد ۲۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند، ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد سنجش نگرش نسبت به آموزش الکترونیک می‌شرا بود و داده‌ها در دو بخش توصیفی (تعداد، درصد، میانگین، انحراف معیار)، تحلیلی (من‌ویتنی، کروسکال‌والیس، همبستگی اسپیرمن) و در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بوسیله نرم‌افزار R تحلیل گردید.

نتایج: میانگین نمره نگرش شرکت‌کنندگان نسبت به آموزش الکترونیکی $3/07 \pm 0/64$ از ۵ بود. همچنین ارتباط معناداری بین متغیرهای جنسیت، رشته تحصیلی و تجربه گذراندن واحد به صورت الکترونیکی با نمره نگرش دانشجویان وجود داشت ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران سطح نگرش مثبتی نسبت به آموزش الکترونیکی داشتند، لذا پیشنهاد می‌شود در ایام کرونایی با بسترسازی مناسب این روش یادگیری در کنار روش‌های سنتی حضوری آموزش مورد استفاده مدرسین محترم قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: کرونا، آموزش الکترونیکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران



عوامل موثر بر طلاق در ایران با تاکید بر متغیرهای اقتصادی

محمد رضا شیخی چمان^۱، مریم سلیمانی موحد^۲، تورج هراتی خلیل آباد^۳، الهام میانکوهی^۴
محمد ویسی^۵

۱. دانشجوی دوره دکتری تخصصی اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران
Sheikhy-m@razi.tums.ac.ir
۲. استادیار گروه اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران
۳. دانشجوی دوره دکتری تخصصی اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران
۴. دانشجوی دوره کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد
۵. دانشجوی دوره دکتری تخصصی اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

زمینه و هدف: تحولات اجتماعی دهه‌های اخیر در سطح ملی و بین‌المللی، نهاد خانواده را با چالش‌های جدیدی مواجه کرده است، به طوری که با توجه به تغییرات ایجاد شده، این نهاد مهم به شکلی فزاینده‌ای در معرض تهدید و فروپاشی قرار گرفته است. هدف از انجام این تحقیق تعیین عوامل موثر بر طلاق در ایران با تاکید بر متغیرهای اقتصادی می‌باشد.

مواد و روش‌ها: پژوهش اقتصادسنجی حاضر، اسنادی و بر پایه تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری مرکز آمار ایران، بانک اطلاعات سری‌زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک اطلاعات سری‌زمانی مرکز آمار ایران، سازمان ثبت احوال و سازمان ثبت اسناد کشور بوده که این داده‌ها به صورت سری‌زمانی از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۹۷ وارد پژوهش شدند. متغیرهای مستقل مطالعه شامل ضریب جینی، نرخ بیکاری، نرخ تورم، درصد تولید ناخالص داخلی، میزان درآمد سرانه و هزینه ماهانه خانوار بوده و متغیر مستقل نیز نرخ طلاق بود. تخمین مدل‌ها با استفاده از رهیافت اقتصادسنجی داده‌های سری‌زمانی در نرم‌افزار Python صورت گرفت.

نتایج: بین توزیع درآمد و نرخ طلاق رابطه معناداری وجود دارد، به این صورت که با بدتر شدن نحوه توزیع درآمد، تعداد طلاق‌های اتفاق افتاده نیز افزایش داشته است که این نتیجه با معیار ضریب جینی تأیید شد، همچنین ارتباط مستقیمی میان نرخ بیکاری، نرخ تورم، هزینه ماهانه خانوارهای ایرانی و نرخ طلاق وجود دارد. ارتباطی میان سایر متغیرهای مستقل و نرخ طلاق مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: سیاست‌گذاران کشور برای کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی همچون طلاق، علاوه بر توجه به مسائل و مشکلات فرهنگی و اجتماعی، می‌بایست نگاهی جدی به مسائل اقتصادی نیز داشته باشند و برنامه‌ریزی‌های لازم در این زمینه را انجام دهند.

واژگان کلیدی: طلاق، اقتصاد سنجی، عوامل اقتصادی



ارزیابی کارایی فنی بیمارستان‌های تهران با روش تحلیل پوششی داده‌ها

محمدرضا شیخی چمان^۱، سعید باقری^۲، مجتبی حسومی^۳، نسرین ابوالحسن بیگی^۴، الهه پرنیان^۵

۱. دانشجوی دوره دکتری تخصصی اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران
Sheikhy-m@razi.tums.ac.ir

۲. دکتری تخصصی اقتصاد سلامت، اداره اقتصاد درمان، معاونت درمان، دانشگاه علوم پزشکی ایران

۳. دانشجوی دوره دکتری تخصصی اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

۴. دانشجوی دوره دکتری تخصصی اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

۵. دانشجوی دوره دکتری تخصصی اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

زمینه و هدف: با وجود ناکافی بودن منابع تخصیص یافته به بخش سلامت، در بیشتر کشورهای در حال توسعه، تخصیص و به کارگیری مناسب همین منابع محدود نیز بر مبنای برنامه ریزی درستی صورت نمی‌گیرد و غالباً کارایی بخش سلامت، کمتر از حد انتظار است. مطالعه حاضر با هدف ارزیابی کارایی فنی بیمارستان‌های تهران با روش تحلیل پوششی داده‌ها در سال ۱۳۹۹ انجام شد.

مواد و روش‌ها: پژوهش گذشته‌نگر حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت، پیمایشی و توصیفی بود و از تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها با ماهیت ورودی و فرض بازدهی متغیر نسبت به مقیاس در راستای محاسبه کارایی فنی بیمارستان‌های مورد بررسی استفاده شد. روش تحلیل پوششی داده‌ها امکان ارزیابی عملکرد سازمان‌هایی با چندین ورودی و خروجی را بدون تعیین نوع تابع فراهم می‌کند که در این مطالعه شاخص‌های تعداد تخت، تعداد پزشک عمومی، تعداد پزشک متخصص، تعداد پرستار، تعداد سایر پرسنل و هزینه سالیانه به عنوان متغیرهای ورودی و شاخص‌های تعداد بیمار سرپایی، تعداد بیمار مرخص شده، تعداد روز بستری، تعداد عمل جراحی، ضریب اشغال تخت و متوسط طول اقامت به عنوان متغیرهای خروجی در نظر گرفته شدند. جامعه پژوهش شامل ۲۰ بیمارستان عمومی شهر تهران در طول سال‌های ۹۷-۱۳۹۵ بود و داده‌های مورد نیاز نیز با بکارگیری فرم محقق ساخته توسط پژوهشگر با مراجعه به بیمارستان‌های مورد مطالعه جمع‌آوری شدند. در نهایت از نرم افزار GAMS برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده گردید.

نتایج: میانگین کارایی بیمارستان‌های مورد بررسی طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۹ و ۰/۸۳ بوده که نشان از صعودی بودن این میزان در سال‌های مختلف دارد. همچنین بین مدرک تحصیلی مدیر بیمارستان با میزان کارایی مرکز درمانی رابطه معناداری وجود داشت ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: اغلب بیمارستان‌ها به صورت کارا عمل نمی‌کنند که این مراکز می‌توانند با الگوبری از بیمارستان‌های مرجع و با مدیریت بهتر منابع مالی و انسانی، به مرز کارایی نزدیک شوند. در نهایت سیاست‌گذاران سلامت می‌توانند از شاخص کارایی در راستای تخصیص بودجه و اعتبارات به مراکز مراقب سلامت کشور بهره بگیرند.

واژگان کلیدی: کارایی، تهران، تحلیل پوششی داده‌ها



بررسی رابطه سلامت عمومی با کیفیت زندگی سالمندان شهر یزد در سال ۱۳۹۸

محمدرضا شیخی چمان^۱، سعید حسینی برقزن^۲، روح‌الله میرشفیعی^۳، الهام میان‌کوهی^۴، سجاد معینی^۵

۱. دانشجوی دوره دکتری تخصصی اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران
Sheikhy-m@razi.tums.ac.ir

۲. دانشجوی دوره دکتری تخصصی اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

۳. دانشجوی دوره کارشناسی ارشد اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

۴. دانشجوی دوره کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

۵. دانشجوی دوره کارشناسی ارشد اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

زمینه و هدف: ارتقای بهداشت و تامین سلامت سالمندان که در سال‌های آتی بخش بزرگی از جمعیت کشور را به خود اختصاص خواهند داد، از ارکان مهم پیشرفت جوامع است، لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه سلامت عمومی با کیفیت زندگی سالمندان شهر یزد در سال ۱۳۹۸ انجام شد.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر توصیفی-تحلیلی و از نوع مقطعی بود، جامعه آماری را آن ۱۵۰ نفر از سالمندان بالای ۶۰ سال شهر یزد فاقد هرگونه مشکلات شناختی تشکیل می‌دادند که به شکل تصادفی از ۵ محدوده شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب وارد مطالعه شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه ۲۸ سوالی سلامت عمومی GHQ و پرسشنامه کیفیت زندگی سالمندان لپیاد موردی بود که از طریق مصاحبه حضوری و تلفنی تکمیل گردید. داده‌ها در دو بخش توصیفی (تعداد، درصد، میانگین، انحراف معیار)، تحلیلی (واریانس یک طرفه، تی‌تست، ضریب همبستگی پیرسون) و در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بوسیله نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: از جمعیت ۱۵۰ نفری این تحقیق، ۷۵ نفر را مردان و ۷۵ نفر را زنان سالمند و با میانگین سنی ۶۹/۳ سال تشکیل می‌دادند. میانگین نمره سلامت عمومی و میانگین نمره کیفیت زندگی سالمندان به ترتیب ۳۱/۲۵ و ۴۹/۷۴ بود و بین سلامت عمومی با کیفیت زندگی سالمندان رابطه آماری معناداری وجود داشت ($P < 0/05$). همچنین سالمندانی که متاهل بودند و تحصیلات بالاتری داشتند از کیفیت زندگی بالاتری نیز برخوردار بودند.

نتیجه‌گیری: عوامل مختلفی بر کیفیت زندگی سالمندان تاثیرگذار بوده که شناخت این عوامل جهت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب در راستای رفع مسائل و مشکلات و توانمندسازی آنان از اهمیت خاصی برخوردار است. همچنین با توجه به یافته‌های پژوهش مبنی بر رابطه بین سلامت عمومی و کیفیت زندگی سالمندان، توصیه می‌شود سیستم‌های بهداشتی-درمانی و متولیان امر، اقداماتی برای ارتقای سلامت عمومی سالمندان انجام دهند.

واژگان کلیدی: سالمندان، کیفیت زندگی، سلامت



عدالت در مشارکت مالی خانوارها در نظام سلامت: مطالعه موردی کلانشهر ارومیه

محمد رضا شیخی چمان^۱، علی ابوترابی^۲، عزیز رضا پور^۳، محمد هادیان^۴، وحید علی پور^۵

۱. دانشجوی دوره دکتری تخصصی اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران
Sheikhy-m@razi.tums.ac.ir

۲. استادیار گروه اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

۳. دانشیار گروه اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

۴. استادیار گروه اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

۵. استادیار گروه اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

زمینه و هدف: یکی از اهداف اصلی همه نظام‌های سلامتی که به دنبال حمایت جامعه از مخاطرات مالی می‌باشند مشارکت عادلانه خانوارها در تامین مالی هزینه‌های نظام سلامت است، لذا هدف از پژوهش حاضر بررسی عدالت در مشارکت مالی خانوارها در نظام سلامت کشور ایران در سال ۱۳۹۸ می‌باشد.

مواد و روش‌ها: در پیمایش حاضر ۱۵۰ خانوار کلانشهر ارومیه وارد مطالعه شدند. نمونه‌گیری در منطقه شهری به صورت طبقه‌ای و در منطقه روستایی به صورت خوشه‌ای انجام گرفت و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه پیمایش جهانی سلامت بود. در نهایت هزینه‌های کمرشکن بر اساس توانایی پرداخت خانوار محاسبه و علل مواجهه با هزینه‌های کمرشکن نیز با استفاده از رگرسیون لجستیک در محیط نرم‌افزار Stata تعیین گردید.

نتایج: شاخص مشارکت مالی عادلانه در مناطق روستایی ۵۳ و در مناطق شهری ۶۱ درصد بود و ۹ درصد از خانوارها در سال گذشته با هزینه‌های کمرشکن مواجهه داشته‌اند که این مواجهه در تمامی آستانه‌ها با متغیرهای وضعیت اقتصادی خانوار، وجود فرد با بیماری مزمن در خانوار، اقامت در روستا، مصرف خدمات دندانپزشکی و وضعیت بیمه پایه و تکمیلی سرپرست خانوار ارتباط آماری معناداری نشان داد ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: مداخلات سیاستی دولت در نظام سلامت همانند اجرای برنامه معافیت از پرداخت برای گروه‌های هدف خاص، محافظت از فقرا و محرومین و در نهایت گسترش مکانیسم‌های پیش پرداخت و بیمه‌های پایه می‌تواند عدالت در مشارکت مالی خانوارهای کشور را افزایش دهد.

واژگان کلیدی: ارومیه، تامین مالی، عدالت در سلامت



چالش‌های گردشگری سلامت کلانشهر ارومیه به روش دلفی

محمد رضا شیخی چمان^۱، میترا بذرافشان^۲، مجتبی حسومی^۳، الهه پرنیان^۴، حبیبه میر^۵

۱. دانشجوی دوره دکتری تخصصی اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران
Sheikhy-m@razi.tums.ac.ir
۲. دانشجوی دوره دکتری تخصصی اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران
۳. دانشجوی دوره دکتری تخصصی اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران
۴. دانشجوی دوره دکتری تخصصی اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران
۵. دانشجوی دوره دکتری تخصصی اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

زمینه و هدف: امروزه گردشگری سلامت از رو به رشدترین بخش‌های صنعت گردشگری در جهان بوده که به دلیل کم‌هزینه بودن ارائه خدمات بهداشتی و درمانی در کشور ایران، از بهترین وجوه توسعه اقتصادی به‌شمار می‌آید و فرصتی مناسب جهت ارائه خدمات مراقبت سلامت به گردشگران خارجی و ارتقای اعتبار و اقتصاد سلامت کشور است، لذا هدف از پژوهش حاضر تعیین چالش‌های گردشگری سلامت کلانشهر ارومیه، مرکز استان آذربایجان غربی می‌باشد.

مواد و روش‌ها: برای انجام این پژوهش، ابتدا از طریق مرور متون جامع شناخت کاملی از ادبیات موجود در این زمینه حاصل شد و فهرست مقدماتی از چالش‌های گردشگری سلامت کشور در قالب یک پرسشنامه تهیه شد. در ادامه ۲۰ نفر از مدیران بهداشت و درمان و اقتصاد سلامت کلانشهر ارومیه به روش دلفی در یک نوبت به پرسشنامه مذکور پاسخ دادند و چالش‌های گردشگری کلانشهر ارومیه را رتبه‌بندی نمودند که این افراد با روش نمونه‌گیری غیراحتمالی برگزیده شده بودند.

نتایج: محورهایی که از منظر صاحب‌نظران به‌عنوان چالش گردشگری بالاترین رتبه را به خود اختصاص دادند، به ترتیب عبارت بودند از ضعف در سیستم بازاریابی و اطلاع‌رسانی مراکز مراقبت سلامت، ضعف سیستم پذیرش الکترونیکی بیماران، مشکلات زبانی و نبود پشتیبانی زبان‌های خارجی در بیمارستان‌ها (به‌خصوص زبان کردی)، و در نهایت مشکلات رفاهی و عوامل مرتبط با حمل و نقل درون شهری.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه اقتصاد ایران عمدتاً متکی به نفت است، گردشگری سلامت می‌تواند نقش حائز اهمیتی در رونق بخشی به اقتصاد سلامت کشور و به تبع آن کلانشهر ارومیه ایفا کند، لذا پیشنهاد می‌شود با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های مناسب در این زمینه، چالش‌های موجود رفع و اقدامات مناسبی در تقویت حیطه‌های مختلف بازاریابی، رفاهی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور انجام گیرد.

واژگان کلیدی: ارومیه، گردشگری سلامت، اقتصاد سلامت



نقش دانش پوسیدگی و ارزش های خودمراقبتی در زمینه بهداشت دهان و دندان نوجوانان مراجعه کننده به بخش ارتودنسی مراکز دولتی دندانپزشکی یزد

سکینه گرایلو^۱، علیرضا حائریان^۲، مهدیه خالقی^۳، زهره کریمیان کاکلکی^۴، نفیسه میزانی^۵

۱. دکترای آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گلستان
۲. استادیار گروه ارتودنسی، دانشکده دندانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران
۳. کارشناس بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران mah.khaleghi.ph@gmail.com
۴. گروه بهداشت دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، شهرکرد
۵. کارشناس بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

زمینه و هدف: بهداشت دهان و دندان یکی از مهمترین شاخه های بهداشت عمومی به حساب آورده می شود و یک ضرورت و بخشی از سلامت عمومی بوده و به میزان قابل توجهی کیفیت زندگی افراد را تحت تاثیر قرار می دهد، لذا این مطالعه با هدف بررسی نقش دانش پوسیدگی و ارزش های خودمراقبتی در زمینه بهداشت دهان و دندان نوجوانان مراجعه کننده به بخش ارتودنسی مراکز دولتی دندانپزشکی شهر یزد در سال ۹۸ انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی از نوع همبستگی می باشد که بر روی نوجوانانی که بخش ارتودنسی مراکز دولتی شهر یزد مراجعه می کردند، انجام شد. روش نمونه گیری بصورت تصادفی بود و جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه استاندارد شده ادراکات خودمراقبتی دهان و دندان که شامل حیطه دانش پوسیدگی، ارزش ها می باشد استفاده شد. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS18 و آزمون های آماری توصیفی و تحلیلی تی تست، آنوا و همبستگی پیرسون در سطح معنی داری کمتر ۰/۰۵ بررسی و تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: طبق یافته ها، ۷۴٪ گروه هدف دختر و میانگین سنی افراد مورد پژوهش $15/15 \pm 2/55$ سال بود. میانگین نمره دانش پوسیدگی افراد $11/77 \pm 2/28$ از ۱۵ و نمره ارزشهای خودمراقبتی بیماران $17/55 \pm 2/74$ از ۲۰ نمره بود. نتایج حاصل از آزمون تی تست در متغیر جنسیت تفاوت معناداری مشاهده نشد ولی براساس آزمون آنوا، بر حسب متغیر تحصیلات و وضعیت اقتصادی در حیطه دانش پوسیدگی، ارزش های خودمراقبتی اختلاف معنی داری وجود داشت. براساس نتایج همبستگی پیرسون، بین حیطه های دانش پوسیدگی و ارزش های خودمراقبتی همبستگی مثبت وجود داشت ($p \leq 0/05$)

نتیجه گیری: براساس یافته می توان با فراهم سازی مداخلات آموزشی جهت افزایش دانش و بهبود نگرش در زمینه خودمراقبتی بهداشت دهان و دندان، علاوه بر توجه به زیبایی ظاهری از طرف نوجوانان و خانواده هایشان، به حفظ و ارتقای سلامت بهداشت دهان و دندان و پیشگیری از بیماری های مرتبط با آن، سبب کاهش هزینه های مستقیم و غیرمستقیم در سطح جامعه شد.

واژگان کلیدی: نوجوانان، بهداشت دهان و دندان، نگرش، ارتودنسی



کیفیت خواب سالمندان ایران: یک مطالعه مروری

آيسان امراهی تابه^۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته سلامت سالمندی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز Aysan.amrahi73@gmail.com

زمینه و هدف: در سال های اخیر جمعیت سالمندان جهان و ایران در حال افزایش است. عوامل مختلفی بر سلامت سالمندان اثر گذار هستند و کیفیت خواب یکی از عوامل موثر بر سلامت سالمندان می باشد. هدف این مطالعه مروری بر کیفیت خواب سالمندان ایران می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع مرور روایتی می باشد. مقالات کیفیت خواب چاپ شده انگلیسی و فارسی از ابتدا تا شهریور ۱۳۹۹ با کلید واژه های "sleep", "elder", "aged", "older", "aging", "geriatric", "Iran", "Iranian", "Persian", "خواب", "سالمند", "مسن", "پیر" و بازنشسته در پایگاه های اطلاعاتی pubmed, Iranpsych, Irandoc, SID, magiran و google scholar بر اساس معیار های ورود و خروج مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج: با جستجو و حذف مقالات تکراری و غیر مرتبط حدود ۴۰ مقاله در دو حوزه؛ وضعیت کیفیت خواب و عوامل تعیین کننده دموگرافیک (۱۰ مقاله) و مداخله های کیفیت خواب (۳۰ مقاله) قرار گرفتند. به طور متوسط بیش از ۷۰٪ سالمندان ایرانی کیفیت خواب نامطلوبی دارند و کیفیت خواب سالمندان ساکن سرای سالمندی نسبت به سالمندان ساکن بیمارستان و جامعه در وضعیت بدتری قرار دارد. هم چنین از عوامل دموگرافیک تعیین کننده کیفیت خواب سن، جنسیت، تاهل مورد بررسی قرار گرفته اند و نتایج متناقض است. مداخلات کیفیت خواب به طور کلی در ۵ دسته بزرگ شامل؛ ۱-آموزش بهداشت ۲-مداخله های روان شناختی ۳-طب مکمل و سنتی ۴-ورزش و فعالیت بدنی و ۵-تغذیه قرار گرفتند.

نتیجه گیری: به طور کلی وضعیت کیفیت خواب سالمندان ایرانی نامطلوب می باشد. می توان از مداخلات غیر دارویی که اجرایی ساده، ارزان و موثر دارند در بهبود کیفیت خواب سالمندان به خصوص در سالمندان ساکن سرای سالمندان که نسبت به سایرین وضعیت کیفیت خواب نامطلوب تری دارند استفاده نمود.

واژگان کلیدی: کیفیت خواب، سالمند، مروری



رابطه تعهد سازمانی و فرسودگی شغلی پرستاران: یک مطالعه موردی

محمد رنجبر^۱، محمدرضا شیخی چمان^۲، الهام میانکوهی^۳

۱. استادیار، مرکز تحقیقات مدیریت و سیاست گذاری سلامت، گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۲. دانشجوی دوره دکتری تخصصی اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

۳. دانشجوی دوره کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد elham.89415@gmail.com

زمینه و هدف: فرسودگی شغلی یکی از مشکلات قابل توجه در کارکنان سازمان های بهداشت و درمان به ویژه پرستاران است. با توجه به ماهیت حرفه پرستاری و نقش کلیدی آن، این پژوهش با هدف بررسی رابطه تعهد سازمانی و فرسودگی شغلی پرستاران شاغل در بیمارستان شهید صدوقی یزد در سال ۱۳۹۶ صورت گرفت.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی- همبستگی، ۱۹۵ پرستار شاغل در بیمارستان شهید صدوقی یزد، به روش نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها شامل پرسشنامه فرسودگی شغلی Maslach و تعهد سازمانی Allen Meyer بود که روایی پایایی آن در مطالعات مختلف به اثبات رسیده است. داده ها با استفاده از نرم افزار spss، رگرسیون خطی، آزمون های آماری و همبستگی Pearson تجزیه تحلیل شدند.

نتایج: در این پژوهش ۶۶/۲ درصد افراد مورد مطالعه زن بودند. ۴۱/۲ درصد دارای سابقه کاری ۱۰-۵ بودند. میانگین نمره تعهد سازمانی (۷۵/۴۲)، فرسودگی شغلی (۸۱/۷۰) و درحد متوسط گزارش شد. بین تعهد سازمانی و بعد مقیاس عاطفی و مقیاس مستمر با فرسودگی شغلی رابطه معنی دار و مستقیم مشاهده شد ($P < 0.01$). همچنین رابطه معنی داری بین فرسودگی شغلی با جنسیت وجود داشت و فرسودگی شغلی در بین زنان بیشتر از مردان بود ($P < 0.01$).

نتیجه گیری: مدیران پرستاری با آگاهی از این نتایج می توانند با برقراری ارتباط صحیح و مطلوب با پرستاران ضمن تدوین استراتژی های حمایت رسمی و غیررسمی، از عوارض جدی کمی و کیفی فرسودگی شغلی پرستاران جلوگیری کنند. هم چنین برنامه مصونیت از استرس و فرسودگی شغلی را می توان در واحدهای دانشگاهی رشته پرستاری و آموزش ضمن خدمت کارکنان بیمارستان ها قرار داد.

واژگان کلیدی: تعهد سازمانی، فرسودگی شغلی، پرستار



سرنوشت شغلی رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی از دیدگاه دانش‌آموختگان

روح اله عسکری^۱، محمدرضا شیخی چمان^۲، الهام میانکوهی^۳

۱. دانشیار، گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۲. دانشجوی دوره دکتری تخصصی اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی

ایران

۳. دانشجوی دوره کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

elham.89415@gmail.com

زمینه و هدف: شناسایی وضعیت فعلی اشتغال، اطلاعات مفیدی برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران نظام آموزشی کشور به منظور انجام برنامه‌ریزی در زمینه تعیین ظرفیت پذیرش دانشجوی و شرایط استخدام و اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف فراهم می‌کند. این مطالعه با هدف تعیین سرنوشت شغلی رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی از دیدگاه دانش‌آموختگان آن انجام پذیرفته است.

مواد و روش‌ها: مطالعه توصیفی حاضر از نوع مقطعی می‌باشد و در نیمه دوم سال ۱۳۹۷ بر روی ۱۰۸ نفر از دانش‌آموختگان رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد که طی سال‌های ۹۱ تا ۹۵ فارغ‌التحصیل شده بودند انجام گرفت. مشارکت‌کنندگان با روش نمونه‌گیری از نوع سرشماری وارد تحقیق شدند و ابزار گردآوری داده‌ها نیز پرسشنامه سرنوشت شغلی بود. همه تجزیه و تحلیل‌های آماری در محیط نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و با استفاده از آمار توصیفی انجام گرفت.

نتایج: ۵۸ درصد از دانش‌آموختگان رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی در زمان انجام مطالعه شاغل بودند و در ۶۳ درصد آنان، شغل فعلی با رشته تحصیلی‌شان تناسب داشت. همچنین نمره کلی سرنوشت شغلی در مطالعه حاضر ۳/۰۴ با انحراف معیار ۰/۶۱ بود که از میان ابعاد آن، بالاترین و پایین‌ترین نمره میانگین به ترتیب مربوط به بعد توانمندی‌های تخصصی و حرفه‌ای خود ($3/69 \pm 0/65$) و بعد ایجاد تمهیدات لازم برای اشتغال توسط دانشگاه ($2/59 \pm 0/63$) بود.

نتیجه‌گیری: پیشنهاد می‌شود با بازنگری مجدد در اهداف آموزشی، محتوای برنامه درسی و دوره‌های کارآموزی و کارورزی رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی مبتنی بر نیازمندی‌های بازار کار کشور تغییر داده شوند و همچنین مراکز آموزشی نقش پررنگ‌تری در زمینه معرفی قابلیت‌های دانش‌آموختگان و یاددهی مهارت‌های کارآفرینی به آنان ایفا کنند.

واژگان کلیدی: سرنوشت شغلی، مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانش‌آموختگان



تأثیر شیوع بیماری کووید-۱۹ بر سلامت روانی و جسمی سالمندان مبتلا به بیماری های قلبی-عروقی : مطالعه مروری

سارا توکلی^۱، محدثه کوهی سعدی^۲

۱. دانشجوی دکتری، رشته داروسازی، دانشکده داروسازی و علوم دارویی، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان tavakolisaraa@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، رشته پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

زمینه و هدف: شیوع بیماری ویروس کرونا (کووید-۱۹) سبب ایجاد نگرانی جهانی شده است. سالمندان مبتلا به بیماری های قلبی عروقی یکی از گروه های پرخطر ابتلا به کووید-۱۹ هستند؛ بیماری های قلبی عروقی نه تنها باعث افزایش ابتلا و شدت عفونت ویروس کرونا شده بلکه آسیب قلبی ناشی از ویروس سبب افزایش ریسک مرگ و میر می شود. علاوه بر این، این بیماری می تواند سبب بروز تعدادی از بیماریهای روانشناختی از جمله اضطراب، ترس، تغییرات هیجانی و اختلال استرس پس از سانحه شده و سبب تشدید بیماری های قلبی-عروقی سالمندان شود.

مواد و روش ها: در این مطالعه مروری به بررسی مقالات اخیر در سایت پایمد، اسکوپوس و گوگل اسکولار پیرامون سلامت روانی و جسمی سالمندان مبتلا به بیماری های قلبی-عروقی در شرایط اپیدمی کووید-۱۹ پرداخته شده است.

نتایج: سالمندان مبتلا به بیماری های قلبی عروقی به علت ضعف سیستم ایمنی و کندتر بودن فعالیت های ایمنولوژیک در مقابله با عفونت، تغییرات فیزیولوژیک مرتبط به سن، کاهش آگاهی، کم توانی در رعایت اصول بهداشتی و مراقبت از خود، یکی از گروه های پرخطر ابتلا به کووید-۱۹ هستند.

نتیجه گیری: پنهان بودن بروز علائم بیماری از جمله تب، سرفه و تنگی نفس در بسیاری از سالمندان، تشخیص بیماری را دشوار می سازد. بنابراین نیاز است تا اقدامات حمایتی و پیشگیرانه، آموزش رعایت اصول بهداشتی و افزایش آگاهی برای کاهش میزان اضطراب سالمندان بیش از پیش صورت بگیرد.

واژگان کلیدی: بیماری قلبی عروقی، سالمندان، سلامت روان، کووید-۱۹



بررسی تأثیر امیددرمانی بر کیفیت زندگی بیماران مبتلا به کروناویروس

صدیقه سلگی^۱، زینب السادات موسوی فرد^۲، اشرف بیرامی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته پرستاری، گروه پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس s.sedigheh01@gmail.com

۲. هیات علمی، گروه پرستاری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

زمینه و هدف: کووید-۱۹ بیماری عفونی نوظهور ناشی از SARS-CoV-2 با قابلیت همه‌گیری در انسان است و یکی از مهم‌ترین علل اصلی ناتوانی در دنیا است که با سیر پیشرونده خود می‌تواند کیفیت زندگی بیماران در ابعاد مختلف را تحت تأثیر قرار دهد. یکی از شاخص‌های موفقیت مداخلات درمانی در بیماران بهبود کیفیت زندگی است. هدف از این پژوهش، بررسی امیددرمانی بر کیفیت زندگی بیماران مبتلا به کروناویروس می‌باشد.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر یک طرح نیمه تجربی می‌باشد که در سال ۱۳۹۹ در مراکز بهداشتی-درمانی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان انجام شد. تعداد ۳۰ نفر از بیماران مبتلا به کروناویروس بصورت تصادفی در دو گروه کنترل (۱۵ نفر) و گروه آزمایش (۱۵ نفر) قرار داده شدند. شرکت کنندگان گروه آزمایش، امیددرمانی را طی ۶ جلسه بمدت ۶۰ دقیقه دریافت نمودند، اما گروه کنترل مداخله‌ای دریافت نکرد. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه دموگرافیک و پرسشنامه کیفیت زندگی SF36 استفاده شد. پرسشنامه کیفیت زندگی در سه مرحله قبل و بعد و یک ماه پس از مداخله (مرحله پیگیری) در دو گروه، مورد استفاده و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: افراد مبتلا به کروناویروس با میانگین سنی 3 ± 65 سال در این ارزیابی شرکت کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که فرضیه پژوهش مبنی بر تأثیر امید درمانی بر بهبود کیفیت زندگی بیماران مبتلا به کروناویروس مورد تأیید قرار گرفته است و شرکت کنندگان گروه آزمایش نسبت به شرکت کنندگان گروه کنترل، در پس‌آزمون بطور معنی‌داری کیفیت زندگی بهتری داشتند و اثرات درمان نیز پس از یک ماه از پایان مداخله هنوز برقرار بوده است ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاکی از تأثیر امیددرمانی بر کیفیت زندگی بیماران مبتلا به کروناویروس می‌باشد. با توجه به نتایج این تحقیق؛ استفاده از رویکرد تیمی، لزوم همکاری متخصصان داخلی و روانشناسان و توجه به مداخلات روانشناختی علاوه بر درمانهای جسمی به منظور ارتقای کیفیت زندگی بیماران مبتلا به کروناویروس پیشنهاد می‌گردد. بنابراین بهره‌گیری از این رویکرد درمانی در بیماران مبتلا به کروناویروس و سایر بیماران توصیه می‌گردد.

واژگان کلیدی: کروناویروس، کیفیت زندگی، امید درمانی



بررسی عوارض جنینی کرونا ویروس در دوران بارداری: مروری سیستماتیک

سیده زهرا حسینی اصل^۱، زینب السادات موسوی فرد^۲، اشرف بیرامی^۲، شکوفه زارعی^۲، شیلان عزیزی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته پرستاری، گروه پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس zahrahosseini77828@gmail.com

۲. هیات علمی، گروه پرستاری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

زمینه و هدف: کرونا ویروس خانواده بزرگی از ویروس‌ها هستند که بیماری‌های مختلفی را از سرماخوردگی تا سندرم حاد تنفسی ایجاد می‌کنند. این بیماری عفونی نوظهور یکی از مشکلات جهان امروز است که سلامت انسان‌ها را به شدت تهدید می‌کند و زنان باردار که از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه هستند نیز از صدمات و عوارض آن مصون نیستند و یکی از نگرانی‌ها، عوارض این بیماری برای جنین در دوران بارداری است. مطالعه حاضر باهدف بررسی عوارض جنینی کروناویروس در دوران بارداری انجام گردید.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه مروری، کلیه مقالات چاپ‌شده تا آگوست ۲۰۲۰ درزمینه عفونت کروناویروس مورد بررسی قرار گرفتند. این مقالات از طریق جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی PubMed، Scopus، Google scholar با استفاده از کلیدواژه‌های fetal، Coronavirus، congenital defect و pregnancy به دست آمده‌اند.

نتایج: نتایج نشان داد که هنوز درزمینه بسیاری از رفتارهای کروناویروس اطلاعات کافی وجود ندارد، اما از آنجایی که این ویروس شبیه ویروس خانواده سارس و مرس است و قبلاً در مورد آن‌ها تحقیقات کامل انجام شده، به نظر می‌آید عفونت حاد و شدید با کروناویروس می‌تواند روی جنین تأثیر بگذارد. ویروس کرونا و تب طولانی مدت ناشی از این بیماری می‌تواند باعث سقط جنین، تأخیر رشد داخل رحمی، پارگی کیسه آب، زایمان زودرس، بیماری‌های قلبی و کلیوی مادرزادی و یا مشکل در تکامل عصبی جنین را ایجاد کند.

نتیجه گیری: کرونا ویروس یک بیماری چالش‌برانگیز است که به راحتی در مکان‌های عمومی قابل سرایت می‌باشد؛ بنابراین آمادگی خانم‌های باردار جهت مواجهه با این بیماری مسری و مقابله و کنترل بیماری شدید ناشی از کرونا ویروس در مکان‌هایی که موارد مشکوک یا قطعی بیماری وجود دارد بسیار ارزشمند خواهد بود.

واژگان کلیدی: کروناویروس، دوران بارداری، عوارض جنینی



مروری سیستماتیک بر راهکار های کنترل کننده بی اختیاری ادراری در زنان سالمند

رامین منجری^۱

دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران raminnm8120@gmail.com

زمینه و هدف: بی اختیاری ادراری (UI) یکی از شایعترین نگرانی های بهداشتی در حیطه سلامت زنان بالای ۶۰ سال است که تا ۵۵٪ از زنان این گروه سنی را درگیر خود می کند. با توجه به گستردگی UI در این افراد و عواقب گوناگونی که می تواند برای آنان داشته باشد، درمان این وضعیت همواره مورد توجه بوده است. مطالعه حاضر با هدف بررسی راهکارهای کنترل کننده بی اختیاری ادراری در زنان سالمند انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه مروری سیستماتیک با جستجوی واژگان کلیدی older, urinary incontinence women, adults و معادل های فارسی آنها بی اختیاری، سالمندان، زن در بانک های اطلاعاتی غیر ایرانی Scopus، Web of Science، Scince Direct، Pubmed، موتور جستجوی Google scholar و بانک های اطلاعاتی ایرانی SID و Magiran در محدوده زمانی ۲۰۲۰-۲۰۰۵ انجام گرفت. مقالات یافت شده با توجه به معیار های ورود (ارتباط موضوعی و انتشار بین سالهای مورد نظر) و خروج (عدم دسترسی به متن کامل) بررسی و از ۲۴۸ مقاله، تعداد ۹ مقاله در این مطالعه استفاده گردید.

نتایج: طبق بررسی انجام گرفته، امروزه جهت کنترل و درمان بی اختیاری ادراری در زنان سالمند از اقدامات متنوعی بهره برده می شود که بطور کلی می توان به مداخلات جراحی، دارو درمانی، فیزیوتراپی و رفتار درمانی اشاره کرد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج، راهکار های متنوع و گوناگونی جهت درمان UI در زنان سالمند وجود دارد که با در نظر گرفتن مزایا و معایب هر کدام از آن اقدامات و هم چنین شرایط خود فرد می توان یک یا ترکیبی از آن ها را بکار برد.

واژگان کلیدی: بی اختیاری ادراری، سالمندان، زن



بررسی وضعیت سواد سلامت و ارتباط آن با رفتار های خود مراقبتی از پای دیابتی در بیماران

دیابتی نوع ۲ بر اساس مدل فرآیند موازنه توسعه یافته

علیرضا جعفری^۱، الهه لعل منفرد^۲، زهرا عصمتی مقدم^۳، افسانه اسماعیلی^۳، هادی طهرانی^۴، مریم تاتاری^۵

۱. دانشجوی دکتری، رشته آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
jafari.ar94@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، رشته آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۳. کارشناس بهداشت، رشته بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه

۴. استادیار، رشته آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۵. دانشجوی دکتری، رشته آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه

زمینه و هدف: بیماری دیابت یکی از بیماری های غیر واگیر مهم می باشد که به واسطه سبک زندگی افراد در حال گسترش در جهان می باشد. این مطالعه با هدف تعیین وضعیت سواد سلامت و ارتباط آن با رفتار های خود مراقبتی از پای دیابتی بر اساس مدل فرآیند موازنه توسعه یافته در بیماران دیابتی نوع ۲ انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه مقطعی- تحلیلی با نمونه ۴۰۴ بیمار دیابت نوع ۲ مراجعه کننده به کلینیک دیابت شهر خواف به روش نمونه گیری تصادفی از انجام شده است. ابزار های جمع آوری اطلاعات در این مطالعه پرسشنامه سواد سلامت ایرانیان (HELIA) و پرسشنامه رفتار خود مراقبتی بر اساس مدل فرآیند موازنه توسعه یافته بود. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ و آزمون آماری همبستگی پیرسون انجام گردید.

نتایج: در این مطالعه در این مطالعه بیشتر افراد زن (تعداد= ۲۳۸، ۵۹/۵٪) و متاهل (تعداد= ۳۶۰، ۹۶/۵٪) بودند. در این مطالعه میانگین (انحراف معیار) سواد سلامت ۴۳/۵۹ (۲۸/۱۶) از نمره ۱۰۰ بود. بر اساس نتایج بدست آمده ۱۵/۸٪ (۶۳ نفر) دارای سطح سواد عالی، ۹٪ (۳۶ نفر) سطح سواد کافی، ۵٪ (۲۰ نفر) سطح سواد ناکافی و ۷۰/۲٪ (۲۸۱ نفر) سطح سواد نا مطلوب داشتند. بر اساس نتایج بین سواد سلامت و رفتار های خود مراقبتی همبستگی مستقیم و معنی داری وجود داشت (۲=۰/۶۵۰، $p<0/001$). همچنین سازه های حساسیت درک شده (۲=۰/۱۴۶، $p<0/05$)، شدت درک شده (۲=۰/۱۹۱، $p<0/05$)، کارآمدی پاسخ (۲=۰/۳۳۱، $p<0/001$) و خودکار آمدی (۲=۰/۲۵۰، $p<0/001$) با رفتار خود مراقبتی همبستگی مستقیم و معنی داری داشتند ($p<0/05$).

نتیجه گیری: بر اساس نتایج بدست آمده بیشتر بیماران از سطح سواد سلامت نامطلوبی برخوردار هستند و با توجه به همبستگی مثبت و معنی دار سواد سلامت در انجام رفتار های خود مراقبتی لازم است تا به موضوع سواد سلامت توجه بیشتری صورت گیرد و برنامه های آموزشی مناسبی در جهت افزایش سطح سواد بیماران دیابتی طراحی و اجرا گردد.

واژگان کلیدی: سواد سلامت، EPPM، رفتار خود مراقبتی، دیابت نوع ۲



تأثیر برنامه مداخله آموزشی بر میزان تفکر مثبت نوجوانان پسر: کاربرد نظریه رفتار برنامه

ریزی شده

علیرضا جعفری^۱، لیلا قهرمانی^۲، محمد حسین کاوه^۲

۱. دانشجوی دکتری، رشته آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، jafari.ar94@gmail.com

۲. دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

زمینه و هدف: اندیشه های انسانی احساسات، عملکرد، هویت و تفکر مثبت را در افراد شکل می دهند و باعث ایجاد احساسات شاد زیستن در افراد می گردند. این مطالعه با هدف تعیین تأثیر مداخله آموزشی بر اساس نظریه رفتار برنامه ریزی شده بر میزان تفکر مثبت دانش آموزان پسر انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه کارآزمایی بالینی تصادفی ساده بر روی ۲۴۰ نفر از دانش آموزان پسر مقطع دبیرستان شیراز انجام شد. نمونه پژوهش به روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب شدند. داده ها با استفاده از سه پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی، پرسشنامه جهت گیری زندگی (مقیاس خوشبینی) و پرسشنامه تفکر مثبت بر اساس نظریه رفتار برنامه ریزی شده (محقق ساخته) جمع آوری گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ و آزمون های آماری تی مستقل و تی زوجی انجام شد.

نتایج: بر اساس نتایج بدست آمده، میانگین نمرات تفکر مثبت و سازه های نگرش، هنجار انتزاعی، کنترل رفتاری درک شده و قصد رفتاری قبل از مداخله به ترتیب برابر ۱۳/۶۴، ۱۹/۹۳، ۵۶/۱۵، ۹۴/۲۳، ۹۶/۲۵ و بعد از مداخله به ترتیب برابر با ۱۳/۱۶، ۱۶/۱۰، ۷۸/۱۱، ۶۵/۲۶، ۳۸/۲۹ بود. تمام سازه ها به جزء سازه نگرش در گروه آزمون نسبت به گروه کنترل بعد از آموزش افزایش معنی داری پیدا کرده بودند ($p < 0/001$).

نتیجه گیری: مداخله بر اساس نظریه رفتار برنامه ریزی شده می تواند باعث افزایش میزان تفکر مثبت، نگرش، کنترل رفتار درک شده و قصد رفتاری دانش آموزان در ارتباط با تفکر مثبت گردد.

واژگان کلیدی: تفکر مثبت، نظریه رفتار برنامه ریزی شده، نوجوانان، دانش آموزان



بررسی نظامند کاربرد نظریه ها / الگو های آموزش بهداشت و ارتقای سلامت در مطالعات مداخله ای در بیماران دیابتی نوع ۲

علیرضا جعفری^۱، سیده بلین توکلی^۲

۱. دانشجوی دکتری رشته آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، jafari.ar94@gmail.com
۲. استادیار مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

زمینه و هدف: بیماری دیابت یکی از بیماری های غیر واگیر مهم می باشد که به واسطه سبک زندگی افراد در حال گسترش در جهان می باشد. پژوهش حاضر مطالعات مداخله ای انجام شده مبتنی بر الگو ها/ نظریه های آموزش بهداشت و ارتقای سلامت در بیماران دیابتی نوع ۲ را به شیوه نظامند مورد بررسی قرار داده است.

مواد و روش ها: به منظور دستیابی به مستندات فارسی و انگلیسی مرتبط بانکهای اطلاعاتی داخلی (SID, Iranmedex, Magiran, IranDoc)، خارجی (ProQuest, Scopus, Web of Science, Medlib, PubMed) و همچنین موتور جستجو گر Google Scholar در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ اقدام به جستجو گردید. در ابتدا ۲۶۰ مقاله در این زمینه استخراج گردید که در نهایت ۲۶ مقاله که دارای معیار ورود به مطالعه بودند، مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج: در این مقاله مرور سیستماتیک ۲۶ مقاله با حجم نمونه ۳۸۷۹ نفر مورد استفاده قرار گرفت. در این مقالات مداخلات به سه دسته مطالعات نیمه تجربی (۱۸ مقاله)، مطالعات کارآزمایی تصادفی کنترل شده (۵ مقاله) و مطالعات کارآزمایی بالینی (۳ مقاله) انجام شده بودند. نتایج نشان داد که ۷ مقاله از مدل پرسید (۲۶/۹۲ درصد)، ۷ مقاله از مدل اعتقاد بهداشتی (۲۶/۹۲ درصد)، ۳ مقاله از نظریه رفتار برنامه ریزی شده (۱۱/۵۲ درصد)، ۲ مقاله مدل مهارت رفتاری و انگیزه اطلاعاتی (IBM) (۷/۶۹ درصد)، ۱ مقاله از نظریه خود کار آمدی (۳/۸۵ درصد)، ۱ مقاله از مدل ارتقای سلامت (۳/۸۵ درصد)، ۱ مقاله از محور کنترل سلامت LOC (درصد)، ۱ مقاله از نظریه شناختی- اجتماعی (۳/۸۵ درصد)، ۱ مقاله مدل مراحل تغییر (۳/۸۵ درصد)، ۱ مقاله از مدل منظم آموزش بهداشت (Systematic health education model) (۳/۸۵ درصد) و ۱ مقاله از مدل رفتار خود مراقبتی اووم (۳/۸۵ درصد)، استفاده کرده بودند.

نتیجه گیری: نتایج بدست آمده نشان داد که به طور کلی برای ارتقای و مدیریت رفتارهای خودمراقبتی، استفاده از نظریه ها و مدل ها در مداخلات آموزشی تأثیرگذار هستند و از این نظریه ها و مدل ها می تواند به عنوان ابزاری مفید برای ارتقای و مدیریت رفتارهای خودمراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ استفاده نمود.

واژگان کلیدی: مرور نظامند، دیابت نوع ۲، رفتار خود مراقبتی



بررسی الگوی فیلوژنتیکی کرونا ویروس جدید شیوع یافته در دنیا

علی ریوندی^۱، محمد رشیدی فرد^۲، مهدی عظیمی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی علوم آزمایشگاهی، کمیته تحقیقات دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران
alirivandi53@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران

زمینه و هدف: ویروس کرونا (corona virus) متعلق به خانواده بزرگی از ویروس هایی است که عامل ایجاد بیماری های تنفسی هستند. بسیاری از انسان ها حداقل در زندگی خود یکبار به این ویروس مبتلا شده اند که اغلب باعث ایجاد بیماری های کم خطری از جمله ذات الریه یا برونشیت میشود. کرونا ویروس جدیدی در اواخر سال ۲۰۱۹ میلادی در شرق آسیا شیوع پیدا کرد که به این خاطر در سرتاسر دنیا افراد بسیار زیادی جان خود را از دست دادند. هدف از انجام این مطالعه بررسی الگوی فیلوژنتیکی (تکامل زیستی) در کرونا ویروس جدید شیوع یافته و رسم درخت فیلوژنتیکی این ویروس میباشد.

مواد و روش ها: ۱- جمع آوری سکانس ها: سکانس های مرجع ویروس کرونای SARS: خفاش و کرونا ویروس جدید شیوع یافته در دنیا از بانک اطلاعاتی ژنوم به همراه ژنوم ویروس کرونای خاورمیانه (MERS) به صورت فایل FASTA دانلود گردید.
۲- هم ردیف کردن: جهت رسم درخت فیلوژنی در مرحله اول سکانس ها دانلود و سپس توسط نرم افزار مگا ۶ هم ردیف گردیدند.
۳- رسم درخت فیلوژنی: جهت رسم درخت فیلوژنی از نرم افزار مگا ۶ و روش Maximum like lihood با تکرار ۱۰۰۰ بار جهت تعیین صحت درخت رسم شده استفاده گردید.

نتایج: رسم درخت فیلوژنی براساس روش Maximum like lihood و با تکرار ۱۰۰۰ برابر تکرار انجام گرفت. درخت فیلوژنتیکی نشان داد که کرونا ویروس جدید شیوع یافته در زیر شاخه کرونای خفاش قرار دارد.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که کرونا ویروس جدید شیوع یافته در زیر شاخه کرونا ویروس خفاش قرار دارد و از خفاش به انسان منتقل شده است و شباهت و نزدیکی ژنتیکی بسیار زیادی بین کرونا ویروس خفاش با کرونا ویروس جدید شیوع یافته وجود دارد و این احتمال بسیار زیاد است که در آینده هم ویروس هایی از خانواده کرونا که در جامعه حیوانی در حال چرخش هستند امکان ایجاد عفونت در جامعه انسانی را پیدا کنند.

واژگان کلیدی: کرونا ویروس، خفاش، درخت فیلوژنتیکی



بررسی ارتباط رضایت جنسی و طلاق زوجین: مطالعه مروری

عهديه بحري^۱، زهره خاوري^۲، نجمه زماني^۳

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری میبد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
ahdie.bahri.96@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری میبد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری میبد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

زمینه و هدف: یکی از مهمترین عوامل از هم گسیختگی زندگی و سازگاری زناشویی در زوجین، روابط جنسی لذت بخش است. عدم رضایت از روابط جنسی منجر به احساس ناامنی در زوجین و در نهایت طلاق و از هم گسستگی زندگی می شود. نارضایتی جنسی در بسیاری از موارد در طلاق نقش مهمی دارد. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط رضایت جنسی و طلاق زوجین با مروری بر مطالعات گذشته انجام گرفته است.

مواد و روش ها: این مطالعه مروری با استفاده از کلید واژه های رضایت جنسی^۱، مشکلات جنسی^۲ و طلاق^۳ در پایگاه های اطلاعاتی اس آی دی^۴، اسکوپوس^۵، پابمد^۶، گوگل اسکولار^۷ در محدوده زمانی ۲۰۱۹-۲۰۱۰ انجام شد و ۳۶ مقاله با در نظر گرفتن معیار های ورود و خروج مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج: نتایج مطالعات نشان داد بین عدم رضایتمندی از مسائل جنسی و طلاق ارتباط مثبت و معنا داری وجود دارد به این معنی که عدم رضایت از رابطه منجر به افزایش آمار طلاق بین زوجین خواهد شد. همچنین نتایج نشان داد مشکلات جنسی باعث دوری بیشتر زوجین از یکدیگر شده و زمینه را برای طلاق فراهم می کند. در چهار مورد از مطالعات انجام شده بین رضایت زناشویی و طلاق ارتباط معنا داری یافت نشد.

نتیجه گیری: رضایت جنسی، از مهمترین عوامل موثر بر طلاق بوده و عامل مهمی جهت برطرف کردن اختلافات در ابعاد دیگر زندگی می باشد. اما با توجه به حجب و حیا در بیان مشکلات جنسی، این مشکل تداوم یافته است لذا روانشناسان حوزه سلامت می بایست در راستای برطرف شدن این مشکل اقدامات لازم و مطالعات بیشتری را به عمل آورند.

واژگان کلیدی: رضایت جنسی، مشکلات جنسی، طلاق



The effect of alcohol consumption and the risk of kidney disease in diabetics

Fatemeh Bahoosh Feyz Abadi¹, Mohammad Salari², Fahime shokouhi³

1. Research committee of Islamic azad university of shahrood- Iran bahoosh78fatemeh@gmail.com
2. Biology Department, Faculty of Basic Science, Islamic Azad University, Mashhad, Iran
3. Student Research Committee, Shahrekord University of Medical Sciences, Shahrekord, Iran

Background: Diabetes is a global health problem and its prevalence is increasing and the incidence of diabetes has more than doubled in less than 25 years. Diabetes causes a variety of complications, including kidney problems such as papillary necrosis, ESRD (End Stage Renal Disease) and so on. Alcohol consumption is a common practice in most countries. And it has effects on the organs of the body. In this study, we investigate the effect of diabetes on the process of alcohol consumption and the risk of kidney disease.

Material and Methods: By entering keywords and time constraints into scientific databases, we analyze the information as follows: review of 13 Google Scholar articles and 7 articles from Science direct and 11 articles from Pub med with Abstract Title Filter. We analyzed their data directly.

Results: Alcohol consumption is associated with a decrease in the prevalence of type 2 diabetes. Long-term alcohol consumption can cause changes in the tissue and function of the kidneys. Alcohol consumption has an inverse relationship with ESRD. Alcohol polyphenols enhance renal antioxidant defense and protective effect on renal ischemia and also inhibits apoptosis of mesangial cells and heavy alcohol consumption with a high risk of RHF (Renal Hyper filtration) and it speeds up the CKD (Chronic Kidney Disease) process and in diabetics, it can slow the process of nephropathy. Of course, in relation to these effects, other factors such as body mass, smoking and geographic area and consider the other.

Conclusions: Given the effects of diabetes on the kidneys as well as the effects of alcohol on the kidney tissue, it can be deduced that alcohol consumption in people with diabetes should be treated with caution and require more careful examination.

Keywords: diabetes, alcohol consumption, renal disease



بررسی شیوه های مراقبتی بهداشت دهان و دندان در دانش آموزان دبیرستان های شهرستان آبادان در سال ۱۳۹۷

راضیه شیرزادگان^۱، طاهره طولابی^۲، نوراله طاهری^۳، پویان افضلی^۴، علی خانی جیحونی^۵

۱. کارشناسی ارشد پرستاری داخلی جراحی، مربی و عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری-مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران razieshirzad07@gmail.com

۲. دانشیار، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی خرم آباد، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

۳. دکتری پرستاری، استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران

۴. دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، دانشکده بهداشت، گروه بهداشت عمومی

۵. دانشگاه علوم پزشکی شیراز، دانشکده بهداشت، گروه بهداشت عمومی، دانشیار آموزش بهداشت

زمینه و هدف: در جوامع امروزی با توجه به افزایش ارتباطات و حضور افراد جامعه در موقعیت های اجتماعی گوناگون، لزوم رعایت بهداشت دهان و دندان بیش از گذشته احساس می شود. بهداشت دهان و دندان به تمامی جنبه های سلامت و عملکرد دهان به ویژه لثه و دندان ها اشاره دارد. مهمترین راه کاهش پوسیدگی دندان روی آوردن به امر پیشگیری و نخستین گام در پیشگیری نیز ارتقای فرهنگ بهداشت و پیشگیری در مردم است. در زمینه مراقبت از دهان و دندان روشهای مختلفی از قبیل مسواک زدن، خمیر دندان، مراجعه منظم به دندانپزشک، رعایت بهداشت و تغذیه مناسب پیشنهاد شده و استفاده ی ترکیبی از آن ها دارای نقش مضاعف می باشد و در مقایسه با روش های درمانی، شیوه های مراقبتی معمولاً بی خطر، مطمئن، کم هزینه، و در دسترس می باشد. این مطالعه با هدف بررسی شیوه های مراقبتی بهداشت دهان و دندان در دانش آموزان دبیرستان های شهرستان آبادان در سال ۱۳۹۷ انجام پذیرفت.

مواد و روش ها: جامعه پژوهش در این مطالعه را تمامی دانش آموزان دبیرستانی مشغول به تحصیل در شهر آبادان در زمان

$$Z_1^2 - \frac{g}{d^2} \times p(1-p)$$

مطالعه تشکیل دادند. حجم نمونه با استفاده از فرمول برآورد نسبت $N = \frac{Z_1^2 - \frac{g}{d^2} \times p(1-p)}{d^2}$ دست آمد که در آن با توجه به در دسترس نبودن هیچ نسبتی از قبل ($p=0/5$) در نظر گرفته شد و سطح معنا داری در مطالعه $0/05$ و دقت مطالعه ($d=0/5$) در نظر گرفته شده که با محاسبه کردن، حجم نهایی نمونه ۳۸۴ نفر بدست آمده است. نمونه گیری به روش تصادفی خوشه ای چند مرحله ای طبقه بندی شده بود. در این مطالعه به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای و با استفاده از پرسشنامه دو قسمتی (ویژگی های فردی شرکت کنندگان شامل ۷ سوال و شیوه های مختلف رعایت بهداشت دهان و دندان نیز ۷ سوال) شیوه های مراقبتی بهداشت دهان و دندان ۳۸۴ دانش آموز دبیرستانی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: میانگین سنی شرکت کنندگان 16 ± 0.7 سال بود. از نظر ابتلا به پوسیدگی دندان ۱۷،۲ درصد بیان کرده اند که پوسیدگی دندان دارند، ۵۶ درصد نداشته اند و مابقی از نظر ابتلا اظهار بی اطلاعی کرده اند. در ۶ ماه قبل از انجام مطالعه، ۳۲ درصد واحد های مورد پژوهش بیان کرده اند که حداقل یکبار دچار دندان درد، ۱۵،۲٪ دچار عفونت لثه، ۳۹،۳٪ دچار خونریزی لثه هنگام مسواک زدن شده اند. بر اساس عملکرد بعد از مصرف نوشیدنی و غذاهای شیرین، ۴۹/۶ درصد از افراد مورد مطالعه به شستن دهان با آب اشاره کردند. بر اساس شیوه ها مراقبتی بهداشت دهان، ۲۶ درصد اشاره کردند که به طور



منظم از مسواک استفاده نمیکنند، ۱۳/۶ درصد نیز به طور منظم روزانه سه بار از مسواک استفاده میکرده اند. سایر شیوه های مراقبتی همچون استفاده از دهان شویه، نخ دندان و مکمل فلوراید، به ترتیب ۵۹/۲ درصد، ۴۹/۴ و ۷۳/۲ درصد فراوانی را به خود اختصاص دادند.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد، بیشترین شیوه ی مراقبتی به کارگرفته شده توسط دانش آموزان استفاده از مکمل فلوراید بوده است که به کارگیری عملکردهای مراقبتی دانش آموزان، در سطح متوسطی بوده، لذا با توجه به اهمیت این موضوع ارتقای سلامت دهان و دندان جزء تلاش هایی است که جهت افزایش سلامت و پیشگیری از بیماری های دهان و دندان از طریق سه عنصر آموزش بهداشت، پیشگیری و حفظ سلامتی باید انجام گیرد. انجام پژوهش های بیشتر در زمینه، نحوه مسواک زدن، سایر روشهای غیر دارویی. پیشنهاد می شود.

واژگان کلیدی: بهداشت دهان و دندان، شیوه های مراقبتی



مروری بر عملکرد کارکنان مراکز بهداشتی: اجرای طرح پکیج پیشگیری

زهراشکور کیایی^۱، صالحه چیری^۲

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران Zahra.kiayi77@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

زمینه و هدف: مراکز بهداشتی و درمانی از مهم ترین سازمان هایی هستند که با ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به مردم نقش مهمی در تامین سلامتی افراد جامعه برعهده دارند. در این مقاله ما با بررسی میزان عملکرد کارکنان در حیطه های مختلف در مراکز بهداشتی درمانی و بررسی عوامل اثرگذار بر افزایش این سطح از عملکرد، در نهایت ایده ای را تحت عنوان پکیج پیشگیری جهت بهبود عملکرد، ایجاد انگیزه در کارکنان و افزایش کیفیت در مراکز و خانه بهداشت عنوان می کنیم. با اجرای این طرح هم کارکنان از حالت سکون و پیروی از یک سری خط مشی های تعریف شده و یکنواختی خارج می شوند و مراکز به مکانی برای پرورش ایده و کارآفرینی در این حیطه تبدیل شده و هم شاهد پیشرفت کشور در زمینه پیشگیری و بهداشت خواهیم بود.

مواد و روش ها: در این مطالعه ما مقالاتی که در داخل کشور به بررسی عملکرد کارکنان در مراکز و خانه های بهداشت پرداخته اند و مقالاتی که لزوم کارآفرینی را در مراکز عنوان کرده اند در طی سال های ۱۳۹۹-۱۳۸۵ می پردازیم. با استفاده از کلیدواژه های کارآفرینی، مراکز بهداشتی، خانه بهداشت، عملکرد شغلی کارکنان ابتدا ۷۸ مقاله از سرچ در پایگاه های SID, google scholar, magiran, pubmed بدست آمد که پس از مطالعه و اعمال محدودیت های ورود به مطالعه که شامل موارد زیر هستند در نهایت ۳۰ مقاله مرتبط با عنوان و هدف مطالعه بدست آمد. محدودیت های اعمال شده شامل: (۱) کلمات کلیدی در عنوان یا چکیده حتما درج شده باشد (۲) مطالعات منتشره در قالب پایان نامه، کتب و چکیده مقالات کنگره و همایش ها از مطالعه حذف شدند

نتایج: یافته های حاصل از مقالات نشان داد که کارایی و عملکرد کارکنان بهداشتی در زمینه های مختلف فعالیت در مراکز در سطح متوسطی قرار دارد بنابراین جهت بهبود سطح عملکرد آنها با اجرای پکیج پیشگیری که در این مقاله ارائه می شود هم کارکنان از حالت سکون و پیروی از یک سری خط مشی های تعریف شده و یکنواختی خارج می شوند و مراکز نیز به مکانی برای پرورش ایده و کارآفرینی در این حیطه تبدیل شده و هم شاهد پیشرفت کشور در زمینه پیشگیری و بهداشت خواهیم بود

واژگان کلیدی: عملکرد، مراکز بهداشتی، پیشگیری



ارتباط بین گرایش به فرزندآوری و سواد سلامت در زنان

الهام چارچچیان خراسانی^۱، زهره زاده احمد^۲، محبوبه عبدالهی^۳، سیده بلین توکلی ثانی^۴، محمد مقضی^۵

۱. دانشجوی دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. ایمیل: echaroghchian@yahoo.com

۲. گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران

۳. گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران

۴. عوامل تعیین کننده اجتماعی مرکز تحقیقات بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۵. کارشناس بهداشت عمومی، مرکز بهداشت شهرستان چناران، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

زمینه و هدف: بررسی عواملی که در گرایش به فرزندآوری تأثیر دارند می تواند راه گشا جهت انجام مداخلات برای فرزندآوری باشد. هدف این مطالعه تعیین ارتباط بین گرایش به فرزندآوری با سواد سلامت در زنان شهرستان تربت حیدریه در سال ۱۳۹۷ می باشد.

مواد و روش ها: مطالعه ای از نوع توصیفی مقطعی در سال ۱۳۹۷ بر روی ۲۶۹ نفر از زنان شهرستان تربت حیدریه که به مراکز خدمات جامع سلامت این شهرستان مراجعه می کردند، انجام شد. روش نمونه گیری بصورت تصادفی خوشه ای بود و ابزار گردآوری داده ها دو پرسشنامه شامل پرسشنامه گرایش به فرزندآوری و پرسشنامه سواد سلامت هلیا بود. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمون های آنالیز آماری توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون در نرم افزار آماری spss23.0 انجام گردید.

نتایج: بین گرایش به فرزندآوری و سواد سلامت ($r=0/04, p=0/57$) ارتباط آماری معنی داری مشاهده نشد.

نتیجه گیری: عدم ارتباط بین گرایش به فرزندآوری و سواد سلامت جهت برنامه ریزی برای مداخلات افزایش فرزندآوری در جامعه موثر می باشد.

واژگان کلیدی: گرایش به فرزندآوری، سواد سلامت، زنان، مرکز جامع خدمات سلامت



ارزیابی عملکرد یک بیمارستان بر اساس بیمارستان های ارتقا دهنده سلامت

الهام چارقچیان خراسانی^۱، نوشین پیمان^۲، محمد مقضی^۳، شاپور بدیعی اول^۴

۱. دانشجوی دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. ایمیل: echaroghchian@yahoo.com

۲. عوامل تعیین کننده اجتماعی مرکز تحقیقات بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳. کارشناس بهداشت عمومی، مرکز بهداشت شهرستان چناران، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴. استادیار، طب سنتی، دانشکده طب مکمل و طب چینی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

زمینه و هدف: رسالت بیمارستانهای ارتقا دهنده سلامت، تغییر نگرش درمان محور به نگرش سلامت محور است. لذا هدف این مطالعه تعیین عملکرد یک بیمارستان تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی مشهد براساس بیمارستان های ارتقا دهنده سلامت در سال ۱۳۹۷ می باشد.

مواد و روش ها: در مطالعه ای از نوع کاربردی، وضعیت یک بیمارستان تخصصی تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی مشهد با استفاده از چک لیست استاندارد خود ارزیابی بیمارستانهای ارتقا دهنده سلامت سازمان جهانی بهداشت بررسی شده است. ارزیابی در پنج استاندارد شامل سیاست مدیریت، بیمارسنجی، اطلاعات بیمار و مداخلات درمانی، ارتقای محیط کاری سالم و استمرار در درمان و همکاری انجام شد.

نتایج: نتایج نشان داد که بیمارستان در زمینه خط مشی مدیریت از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده است.

نتیجه گیری: با توجه به اهمیت بیمارستانهای ارتقا دهنده سلامت در ارتقا سلامت جامعه، لازم است مدیران بیمارستانها درخصوص جایگاه و اهمیت این بیمارستانها در نظام سلامت توجیه شوند تا خط مشی مناسبی در جهت حرکت بیمارستانهایشان به سمت ارتقا سلامت را اتخاذ نمایند.

واژگان کلیدی: بیمارستان، سازمان جهانی بهداشت، ارتقا سلامت



عوامل تسهیل کننده و بازدارنده فعالیت فیزیکی پس از زایمان در بین زنان شهرستان سراب در سال ۹۷

صفیه کنعانی کنده^۱، عزیز کنعانی کنده^۲، منیره احدی شعار^۳، فاطمه علی نواز^۳، مهسا رجبی^۳
آیلار رشدی^۳

۱. دانشجوی دکتری، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس kanani.safieh@yahoo.com
۲. کارشناس ارشد مدیریت اماکن و تأسیسات ورزشی، آموزش و پرورش شهرستان پارس آباد
۳. کارشناس بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی سراب

زمینه و هدف: با وجود این که ورزش و فعالیت جسمانی یکی از ابعاد مهم زندگی سالم است و اغلب مردم جهان نیز بی تحرک اند. هدف از این مطالعه تعیین عوامل تسهیل کننده و بازدارنده فعالیت فیزیکی زنان پس از زایمان در شهرستان سراب بود.

مواد و روش ها: مطالعه ی توصیفی- مقطعی حاضر به طور تصادفی ساده در میان ۱۷۲ نفر از زنان مراجعه کننده به هر چهار مراکز بهداشتی درمانی شهرستان سراب که ۶ هفته الی ۱۲ ماه از زایمان آن ها گذشته بود، بوسیله پرسشنامه محقق ساخته ای شامل متغیرهای دموگرافیک، عوامل تسهیل کننده فعالیت فیزیکی (حمایت خانوادگی، آگاهی از نقش ورزش در جلوگیری از مشکلات بعد زایمان، لذت بردن از فعالیت فیزیکی و تشویق مادران) و عوامل بازدارنده فعالیت فیزیکی (خستگی، نداشتن انگیزه کافی، نداشتن اعتماد به نفس، نداشتن اطلاعات کافی از انواع ورزش های بعد زایمان، دسترسی نداشتن به سیستم حمل و نقل، نداشتن وقت کافی به دلیل مراقبت از نوزاد، نبود مشوق ها و همکاری های اجتماعی) بود و به شیوه خود گزارش دهی انجام شد. پس از بررسی نرمال بودن داده ها، با استفاده از نرم افزار SPSS16 و آزمون های Independent T-test Test و Pearson Corelation test تحلیل شد.

نتایج: برطبق یافته ها، تنها عامل عدم دسترسی به سیستم حمل و نقل، ارتباط معناداری بر انجام فعالیت فیزیکی زنان پس از زایمان داشت ($P>0.05$) و بین نوع زایمان با عوامل بازدارنده فعالیت فیزیکی ارتباط معناداری نیز یافت شد ($P<0/05$).

نتیجه گیری: با توجه به اینکه عدم دسترسی به سیستم حمل و نقل به عنوان تنها عامل معنادار بر فعالیت فیزیکی یافت شد، لذا با ایجاد زیر ساخت مناسب برای ایجاد حمل و نقل مناسب، تدابیر لازم جهت سهولت رفت و آمد زنان بایستی اخذ شود.

واژگان کلیدی: فعالیت فیزیکی، پس از زایمان، عوامل تسهیل کننده، عوامل بازدارنده



Fear of hospitalization and coping strategies in hospitalized children: A systematic review

Mohammad Mehdi mohammadi¹, Zeinab sadat moosavi fard²

1. BSc in Nursing, Department of Nursing, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran. mm.mohammadi76@gmail.com

2. Faculty of nursing, Department of Nursing, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

Background: Illness and hospitalization of children have a profound psychological effect on children. On the other hand, being hospitalized in a boring hospital environment causes isolation and fear of hospitalized children. Fear and anxiety of hospitalized children are effective in communicating with the nurse, lack of cooperation, the formation of long-term fear of the nurse and many other things. The aim of this study was to determine the level of fear and anxiety of hospitalized children and strategies to deal with it.

Material and Methods: In this article, a systematic review, by searching the reputable databases of Scopus, PubMed, SID, Wiley, Magiran Iranmedex using the keywords fear, anxiety, child, hospitalization, play therapy without restrictions in the type of study in Persian and English articles were identified in the last 10 years. Then, by reviewing the full text of the articles, those that were relevant to the subject and purpose of the study were used.

Results: The highest fear of hospitalized children is fear of pain and stress in the hospital environment, pain from injections and treatment steps and medical staff. Finding new friends and peers, play therapy, using toys and dolls appropriate for the age group of children, getting to know and explaining about the treatment process and changing the staff uniform to a colorful and happy one from this fear and anxiety to some extent in reducing this fear and anxiety.

Conclusions: Since the main cause of children's fear is the hospital environment and unfamiliar treatment measures, it is recommended to prepare children before hospitalization and at the beginning. Also, methods such as providing playrooms with equipment suitable for different ages and wearing colored clothes by the staff of children's wards as non-pharmacological and effective methods to reduce anxiety and fear in children.

Keywords: fear, anxiety, child, hospitalization, play therapy



نگاهی به کیفیت مراقبت هاو دستاورد های برنامه ملی پیشگیری و کنترل دیابت در مناطق روستایی شمال ایران

ایروان مسعودی اصل^۱، محبوبه اسدزاده^۲، الهه یازرلو^۳، وحید بای^۲

۱. دانشیار مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
۲. دانشجوی دکتری، رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
Aramiyan3@yahoo.com
۳. کارشناس ارشد میکروبیولوژی، باشگاه پژوهشگران جوان ونخبگان، گرگان، ایران

زمینه و هدف: دیابت یک بیماری مزمن و پیش رونده است که بعنوان یک بحران بهداشتی شناخته می شود. اما افرادی که دیابت دارند با مدیریت خوب بیماری می توانند زندگی طولانی و با کیفیتی داشته باشند. این مطالعه با هدف بررسی کیفیت مراقبت و وضعیت کنترل دیابت در بیماران دیابتی نوع ۲ مناطق روستایی استان گلستان در شمال ایران در مقایسه با استانداردهای وزارت بهداشت و انجمن دیابت آمریکا انجام شد

مواد و روش ها: این مطالعه بصورت مقطعی و براساس داده های ۳۰۸ بیمار مبتلا به دیابت نوع ۲ مناطق روستایی استان گلستان که به روش نمونه گیری دو مرحله ای طبقه ای و تصادفی انتخاب شده بودند انجام شد. داده های این پژوهش با استفاده از پرسشنامه (تکمیل شده توسط مصاحبه کننده) و اندازه گیری فشار خون، شاخص نمایه توده بدنی، قند خون و پروفایل چربی و اطلاعات حاصل از پرونده بیماران بدست آمد. و با روش های آمار توصیفی (مانند میانگین، انحراف معیار...) و با استفاده از نرم افزار SPSS نگارش ۱۹، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: میانگین سنی بیماران 57 ± 15 سال و ۸۸ نفر (۲۹٪) از شرکت کنندگان مرد بودند. ۵۵ درصد بیماران دارای سابقه خانوادگی دیابت بوده و ۷۹ درصد بیماران در محدوده اضافه وزن و چاقی قرار داشتند. موارد کنترل شده هموگلوبین گلیکوزیله، فشار خون، تری گلیسرید، LDL، HDL به ترتیب ۲۷، ۹۱، ۳۱، ۴۱ و ۵۵٫۵ درصد بود. همچنین تنها ۲۴٪ از بیماران حداقل یک نوبت در سال توسط متخصص چشم ویزیت شده و ۳۱٪ حداقل ۲ نوبت در سال آزمایش هموگلوبین گلیکوزیله را انجام داده بودند

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که سطح کنترل و مراقبت بیماران دیابتی در وضعیت چندان مطلوبی قرار نداشته و با استانداردهای مطرح شده وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی کشورمان و انجمن دیابت آمریکا فاصله دارد

واژگان کلیدی: دیابت نوع ۲، کنترل کیفیت، کیفیت مراقبت بهداشتی



شاخص های مراقبت سالمندی در سالمندان شهرستان اسدآباد سال ۱۳۹۷

دکتر لیلا نجفی^۱، مریم ولایی عزیز^۲، زینب خالدیان^۳

۱. استادیار گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران؛ معاونت بهداشتی دانشکده علوم

پزشکی اسدآباد Inajafikia@gmail.com

۲. کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، رییس گروه بهداشت خانواده دانشکده علوم پزشکی اسدآباد

۳. عضو هیأت علمی گروه مامایی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

زمینه و هدف: امروزه پدیده افزایش جمعیت سالمندان به یکی از چالش های جدی نظام های سلامت جهت تأمین خدمات سلامت مورد نیاز این افراد تبدیل شده است. هدف از این مطالعه تعیین شاخص های مراقبت سالمندی در سالمندان شهرستان اسدآباد در سال ۱۳۹۷ می باشد.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر یک مطالعه مقطعی و توصیفی - تحلیلی می باشد. به منظور انجام این پژوهش تعداد ۱۰۱۲۳ نفر از سالمندان ثبت شده در سامانه سیب انتخاب شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرونده سالمندان ارجاع شده به پزشک بود که کلیه شاخص های مراقبت سالمندی و اطلاعات بیماریهای جسمی و روانی آنها با توجه به عوامل دموگرافیکی از طریق این پرونده ها بدست آمده، تحلیل های لازم انجام شد.

نتایج: از بین افراد نمونه، ۱۲/۶۵ در صد زن و ۹/۳۹ در صد مرد بودند. سالمندان از نظر فشارخون، تغذیه، دیابت، سقوط و عدم تعادل و افسردگی توسط پزشک مورد بررسی قرار گرفتند. درصد خدمات ارائه شده توسط پزشک ۵۵،۲۴ درصد، سالمندان مراقبت شده ۱۸،۶۷ درصد، میانگین تعداد خدمات ۲،۹۵ می باشد. شاخص مراقبت فشارخون ۱۱،۸۳، دیابت ۵،۹۹، سقوط و عدم تعادل ۱۲،۱۰ و افسردگی ۹،۸۲ درصد می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به رشد فزاینده جمعیت سالمندان در کشور، حفظ و بهبود وضعیت سلامت و کیفیت زندگی در دوران سالمندی بیش از گذشته اهمیت پیدا می کند. همچنین نظر به گسترش بیماریهای غیرواگیر، این گروه نیازمند توجه خاص می باشند. بنابراین جهت ارتقاء سلامت سالمندان و افزایش شاخص های مراقبت سالمندی نیاز به برنامه ریزی و مشارکت همه جانبه می باشد.

واژه های کلیدی: شاخص، مراقبت سالمندی، سالمند، اسدآباد



سنجش شکاف بین انتظارات و ادراکات بیماران بستری شده در بیمارستان شفاء سمنان در سال ۹۷ و ارتباط آن با وفاداری بیماران با استفاده از مدل سروکوال

دکتر لیلا نجفی^۱، علی زیاری^۲، زینب خالدیان^۳، هنگامه بیدختی^۴

۱. استادیار گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران؛ معاونت بهداشتی دانشکده علوم پزشکی اسداب Inajafikia@gmail.com

۲. کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، بیمارستان شفاء تامین اجتماعی سمنان

۳. عضو هیأت علمی گروه مامایی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

۴. عضو هیأت علمی گروه مامایی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

زمینه و هدف: بیمارستان‌ها و مراکز درمانی را می‌توان به عنوان یکی از مهمترین واحدهای ارائه خدمات در نظام سلامت به شمار آورد و درک انتظارات و ادراکات بیماران یکی از الزامات برای بهبود کیفیت ارائه خدمات می‌باشد. یکی از ابزارهای مناسب برای سنجش کیفیت خدمات بیمارستانی، پرسش نامه SERVQUAL است. هدف از این پژوهش بررسی کیفیت خدمات بهداشتی-درمانی در بیمارستان شفاء تامین اجتماعی سمنان بر مبنای مدل سروکوال و بر اساس ادراکات و انتظارات دریافت کنندگان خدمات می‌باشد. به علاوه، هدف دیگر این پژوهش سنجش ارتباط موضوع پژوهش با وفاداری بیماران با این مرکز درمانی است و در نهایت آگاه نمودن مدیران و سیاست‌گذاران این مرکز درمانی از نقاط قوت و ضعف کیفیت خدمات بهداشتی درمانی از دیدگاه بیماران می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این بررسی مقطعی با تکمیل ۲۰۰ پرسش نامه در بیمارستان شفاء سمنان با نمونه‌گیری تصادفی ساده و بر اساس فرمول محاسبه حجم نمونه انجام شد. طبق محاسبات انجام شده و بر مبنای مطالعه pilot، ۱۷۱ پرسش‌نامه‌ها توسط خود بیماران بستری در بخش و ۲۹ پرسش‌نامه توسط همرا یا والدین، بیماران تکمیل گردید. جمع‌آوری داده‌ها بر مبنای پرسش‌نامه استاندارد سروکوال بود که پایایی و روایی آن توسط محققین تایید شده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد و پس از آن آنالیز اطلاعات صورت گرفت.

نتایج: در این مطالعه، به منظور محاسبه شکاف بین ادراکات و انتظارات بیماران و ارتباط آن با وفاداری بیماران که در مدل سروکوال از آن به عنوان رضایت یاد می‌شود، در هر حیطه نمره‌ی مربوط به ادراکات بیماران از نمره‌ی مربوط به انتظارات آن‌ها کسر گردید. نتایج مطالعه‌ی ما نشان داد در همه‌ی گویه‌های مربوط به تمامی حیطه‌های ملموسات (Tangible)، اعتبار (Reliability)، پاسخگویی (Responsiveness)، اطمینان (Assurance) و همدلی (Empathy)، میانگین شکاف بین انتظارات و ادراکات بیماران به طور معنی‌داری کوچک‌تر از صفر بوده و به این ترتیب، در همه حیطه‌های مورد بررسی، رضایت بیماران مراجعه‌کننده برآورده شده است.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد در تمام گویه‌های مربوط به تمامی حیطه‌های ملموسات، اعتبار، پاسخگویی، اطمینان و همدلی و حس وفاداری، رضایت بیماران مراجعه‌کننده برآورده شده است. بالاتر بودن ادراکات بیماران از انتظارات آنان و برآورده شدن رضایت بیماران نشان می‌دهد که تلاش‌های انجام شده در جهت رسیدگی به بیماران و افزایش کیفیت خدمت‌رسانی تا حد زیادی موثر بوده است و قوت بخشیدن به این خدمت‌رسانی در کادر درمانی و عوامل وابسته مانند محیط بیمارستان و ... می‌تواند نتایج بهتر و درخشان‌تری را به ارمغان آورد.

واژه‌های کلیدی: انتظارات بیماران، ادراکات بیماران، انتظارات بیماران، بخش‌های بستری، وفاداری، بیمارستان شفاء.



زنان و پاندمی کووید-۱۹

فاطمه السادات رهنمائی^۱

۱. کارشناسی ارشد مامایی، مرکز تحقیقات مامایی و بهداشت باروری، گروه مامایی و بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. F_rahnemaie@yahoo.com

زمینه و هدف: پاندمی کووید-۱۹ زنان و مردان را به طور منحصر به فرد تحت تاثیر قرار می دهد. در بحران ها زنان آسیب پذیری بیشتری دارند. هر چند بر اساس آمارها میزان ابتلای مردان به کووید-۱۹ بیشتر است اما این پاندمی می تواند زنان را به شکل ویژه تحت تاثیر قرار دهد؛ لذا هدف مطالعه ی حاضر بررسی تاثیرات پاندمی کووید-۱۹ بر زنان و درس هایی از تاثیرات اپیدمی های گذشته بر زنان است.

مواد و روش ها: بررسی دیتابیس های google scholar, pubmed و وبسایت های معتبر که به بررسی تاثیرات پاندمی کووید-۱۹ و اپیدمی های گذشته بر زنان پرداخته بودند.

نتایج: آسیب پذیری بیشتر زنان در بحران ها بیشتر به دلیل وضعیت اقتصادی پایین و فقر، دستمزد پایین تر، شغل های پاره وقت بیشتر، وضعیت تاهل (بیوه، سالخورده) و سایر عوامل نژادی، قومیتی، فرهنگی و اجتماعی است به علاوه زنان با شرایط ویژه مانند زنان باردار، معلول، پناهنده، زنان سرپرست خانوار، زنان فقیر و زنان سالمند از آسیب پذیری بیشتری برخوردار هستند. طبق گزارش ها میزان خشونت خانگی و بارداری ناخواسته در پاندمی کووید-۱۹ افزایش یافته بود که این خود نیز به نوعی می تواند سلامت جسمی و روانی زنان را تحت تاثیر قرار دهد. در زمان خودقرنطینگی اختلالات روانپزشکی مانند افسردگی، استرس، اضطراب و وسواس فکری-عملی شیوع بیشتری پیدا می کند که زنان بیشتر از مردان تحت تاثیر این اختلالات قرار می گیرند که این خود می تواند به عنوان تهدیدی برای سلامت زنان باشد. در این بحران میزان فعالیت زنان در کارهای داخل منزل، نگهداری از افراد سالمند کودکان و فرزندپروری بیشتر شده بود.

نتیجه گیری: اهمیت سلامت جسمی و روانی زنان در بحران ها به عنوان گروه آسیب پذیر و نیمی از افراد جامعه باید مد نظر قرار گیرد و در برنامه های حوزه سلامت به سلامت زنان در بحران ها به طور ویژه ای پرداخته شود و حمایت اجتماعی از زنان در این مواقع به عمل آید تا ضمن عبود از برهه های حساس زندگی، سلامت افراد، خانواده، جامعه و نسل آتی ارتقا یابد.

واژگان کلیدی: زنان، بحران، پاندمی، کووید-۱۹





بهداشت حرفه ای و ایمنی کار



Survey on the effect of lead concomitant noise on oxidative stress in rats

Batol Masruri¹, Azadeh Ashtarinezhad³, Parvaneh Yekzamani^{1,2}

1. Msc student, Occupational health Department, Public Health School, Iran University of Medical Sciences.
2. Student Research Committee, Faculty of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. P.yekzamani1371@gmail.com
3. Assistant professor, Occupational health Department, Public Health School, Iran University of Medical Sciences

Background: Exposure to chemical and physical factors occur in many occupations. Exposure to ambient pollutants such as noise, heavy metals, and drugs enhance free radicals and can cause oxidative stress. The aim of the present project was to investigate noise and lead as two workplace stressors in rats.

Material and Methods: 20 male rats were assigned into 4 groups randomly. Rats in control group was not exposed to any stressor agent, while the first group was exposed to noise (105 dB, 4 KHz), the second group was exposed to lead acetate (gavage, 4 mg/kg), and the last group was exposed to both lead and noise. In order to assess oxidative stress, the serum levels of malondialdehyde (MDA), as a product of lipid peroxidation was measured by thiobarbituric acid and also total antioxidant capacity (TAC) was measured by using ELISA kits.

Results: Our research showed significant enhancement in levels of malondialdehyde in exposed groups compares to the control group. Also, our results showed considerable decrease in levels of TAC in exposed groups compared to the control group. Lead and noise exposure for 30days caused a statistically significant enhancement in MDA level and significant decrease in the serum TAC level. On the other hand, statistically no significant difference was observed between the MDA and TAC levels between exposed groups. Moreover, body weight between exposed groups have decreased compared to control group.

Conclusions: The outcomes of this study confirms the effect of noise and lead on lipid peroxidation. However, further studies are needed to clarify the mechanisms of oxidative stress through lead and noise exposure.

Keywords: lipid peroxidation, malondialdehyde, oxidative stress, lead acetate, noise



بررسی استرس شغلی بهورزان خانه های بهداشت تحت پوشش شبکه بهداشت و درمان شهرستان فومن

رشید فتحی^۱، سکینه ورمزیار^۲، رعنا علی مرادی^۳، پیام حیدری^۴، فائزه دهقان بنادکی^۵

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای دانشگاه علوم پزشکی قزوین
۲. استاد یار گروه مهندسی بهداشت حرفه ای دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین sepidevar2005@yahoo.com
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای دانشگاه علوم پزشکی قزوین
۴. مربی گروه مهندسی بهداشت حرفه ای دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین
۵. دانشجوی کارشناسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

زمینه و هدف: یکی از محیطی ترین واحد ارائه خدمات در نظام شبکه بهداشتی- درمانی، خانه بهداشت است. مواجهه با استرس شغلی باعث اثرات زیان آوری روی سلامت جسمی-روانی افراد و بهره وری سازمان میگردد. لذا مطالعه حاضر به منظور تعیین شیوع استرس شغلی و عوامل مرتبط آن در میان بهورزان شهرستان فومن در سال ۱۳۹۶ انجام گرفت.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر به صورت توصیفی-مقطعی است که بر روی ۸۵ نفر از بهورزان شهرستان فومن به روش سرشماری انجام شد. جهت ارزیابی استرس شغلی از پرسشنامه استاندارد HSE انگلستان بهره گرفته شد. تجزیه و تحلیل داده های آماری با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۴، و آزمون های همبستگی پیرسون، T-Test و A NOVA استفاده شده است.

نتایج: میانگین سنی افراد مورد پژوهش $40 / 29 \pm 6 / 50$ سال بود. نتایج این مطالعه نشان داد که بیش از ۵۰٪ بهورزان از استرس شغلی شدید و خیلی شدید برخوردار بودند که از شیوع بالای آن حکایت دارد. همچنین از نظر آماری، اختلاف معنی داری بین سن، جنس و وضعیت اقتصادی با استرس شغلی یافت شد ($p < 0/05$)

نتیجه گیری: در نهایت وضعیت استرس شغلی بهورزان مورد پژوهش مثبت ارزیابی نشد. با توجه به اینکه بهورزان به طور مستقیم با سلامت جسمی و روانی عموم روستاییان در ارتباط میباشند، لذا توجه جدی مسئولین مربوطه را در خصوص شناسایی عوامل ایجاد استرس در بین بهورزان را ایجاد می نماید

واژگان کلیدی: بهورز، استرس شغلی، پرسشنامه HSE، ریسک فاکتور



بررسی تأثیر سر و صدای محیط کار بر مهارت های ارتباطی شاغلین یکی از صنایع فولادی اصفهان

علیرضا آجدانی^۱، هادی علیمرادی^۲، مهسا نظری^۳

۱. دکتری پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ایران
۲. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران
۳. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران nazarimahsa95@yahoo.com

زمینه و هدف: سروصدای شغلی یکی از مهترین علل ناتوانی و کاهش شنوایی در سراسر جهان است. آثار فیزیولوژیکی و روانی صدا بر روی انسان غالباً به صورت تدریجی ظاهر می شود. در جوامع امروزی اهمیت ارتباطات بیشتر شده است و در چنین جوامعی ارتباطات یکی از مهم ترین عوامل توسعه، تعالی و موفقیت انسان است. هدف از انجام این پژوهش، اندازه گیری صدا به روش ISO 9612 و بررسی تفاوت و ارتباط بین اثرات سروصدا با مهارت های ارتباطی در کارگران صنعت فولادی می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه مورد شاهی در سال ۱۳۹۸ روی ۳۰۰ نفر از کارگران صنعت فولاد سازی اصفهان انجام گرفت. جهت سنجش تراز فشار صوت از استاندارد ISO 9612 و دستگاه تراز سنج صوت K&B استفاده شد. در عین حال براساس مدل های ارتباطی، با استفاده از پرسش نامه ارتباطی که توسط جرابک منتشر گردید اطلاعاتی که فرد از طریق حواس پنجگانه خود به دست می آورد جمع آوری گردید. تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و آزمون های آماری کای اسکور و فیشر صورت گرفت.

نتایج: براساس یافته های پژوهش عامل سن بر روی درک پیام، عامل وضعیت تاهل بر روی مولفه گوش دادن و عامل شیفت کاری بر روی مولفه تنظیم عواطف اثرگذاری معناداری نشان داد ($p < 0.05$). اختلاف معناداری در متغیرهای بینش و قاطعیت بین دو گروه مورد و شاهد مشاهده نشد ($p > 0.05$). اما میانگین متغیر درک پیام در گروه مورد (14.40 ± 1.66) به طور معناداری بیشتر از گروه شاهد (12.89 ± 1.59) بود ($p < 0.001$) که این موضوع نشان دهنده اثرگذاری تراز شدت صوت بر روی افزایش میزان درک پیام کارگران است.

نتیجه گیری: با توجه به بالا بودن تراز فشار صوت در برخی از واحدهای کاری صنایع فولادسازی و همچنین معناداری ارتباط مولفه درک پیام در گروه شاهد، اقدامات مدیریتی پیشگیرانه مؤثر در جلوگیری از خسارات اقتصادی و سلامتی و بهداشتی پیشنهاد گردیده است.

واژگان کلیدی: ISO 9612، تراز فشار صوت، مهارت ارتباطی، درک پیام



بررسی ارتباط بین استرس های شغلی و حوادث ناشی از کار در کارگران صنعت بشکه سازی

هادی علیمرادی^۱، علیرضا آجدانی^۲، مهسا نظری^۳، محمد شروین بینا^۴

۱. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

۲. دکتری پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ایران

۳. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران nazarimahsa95@yahoo.com

۴. کارشناسی ارشد دانشگاه غیر انتفاعی صفهان اصفهان

زمینه و هدف: خطاهای انسانی عمده ترین علت رخداد حوادث شغلی هستند که عمدتاً به دلیل استرس های شغلی رخ می دهند. ارتباط بین استرس های شغلی و حوادث حین کار کم تر مورد توجه قرار گرفته و در کارکنان صنایع بشکه سازی تا کنون مطالعه ای در این مورد منتشر نشده است. هدف این مطالعه تعیین ارتباط بین استرس های شغلی و حوادث ناشی از کار در کارکنان شرکت بشکه سازی، که یکی از مهم ترین شرکت های مربوطه در کشور و خاورمیانه محسوب می شود، است.

مواد و روش ها: در این مطالعه ۱۰۰ فرد دارای سابقه حادثه شغلی طی یک سال قبل از مطالعه به عنوان گروه مورد و ۵۰۸ نفر فرد فاقد حادثه ی شغلی در همان زمان به عنوان گروه شاهد از میان ۱۹۹ نفر کارکنان در معرض خطر حوادث شغلی شرکت سایپا انتخاب شدند. برای سنجش استرس شغلی استفاده و اعتبار **Belkic Occupational Stress Index: OSI** از پرسش نامه ی نمایه ی استرس شغلی بل کیک داده های مربوطه با استفاده از آزمایش کراتینین، کورتیزول و ۱۷ کتواستروئید ادرار ۲۴ ساعته در گروهی از افراد مورد مطالعه سنجیده شد. انواع عوامل استرس زای شغلی مشخص و نسبت شانس رخداد حادثه ی شغلی در جمعیت مورد مطالعه در ارتباط با استرس شغلی تعیین شد.

نتایج: میزان شیوع استرس شغلی در جمعیت شاهد ۲۵،۵ درصد و در جمعیت مورد ۴۵،۱ درصد بود. مهمترین عوامل استرس زای شغلی فشار زمان ۸۸،۱ درصد، نحوه ی پرداخت و ارزیابی کارکنان ۶۶،۴ درصد و تعامل کارکنان با سایر هم کاران یا ماشین آلات ۵۵،۳ درصد بود. نسبت شانس رخداد حادثه ی شغلی در گروه در معرض استرس بیشتر معادل ۳ درصد (حدود اطمینان ۹۵ درصد معادل ۱،۲ تا ۲،۳) بود. افراد جوان تر و کارکنان کم تجربه تر بیشتر در معرض استرس شغلی بودند.

نتیجه گیری: با توجه به افزایش تولید بشکه سازی در کشور و بالا بودن میزان شیوع استرس شغلی در کارکنان این صنایع، لزوم پرداختن به روش های کنترل و پیشگیری این گونه استرس ها ضروری است. کاهش استرس شغلی کارکنان این صنایع علاوه بر کاهش حوادث شغلی، به میزان حداقل ۱۲ درصد موارد در افزایش رضایت مندی شغلی و بهره وری نیز تأثیر قابل توجهی خواهد داشت. ضمن آن که در کاهش سایر بیماریهای شغلی که ارتباط آنها با استرس های شغلی ثابت شده است نیز مؤثر خواهد بود.

واژگان کلیدی: استرس شغلی، حوادث شغلی، بهره وری، بشکه سازی



ارزیابی کنتراست درک موانع جاده ای در ورودی تونل ها

احمد مهري^۱

۱. دانشجوی دکترا مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان ahmadmehri10@yahoo.com

زمینه و هدف: کنتراست درک از اصطلاحات فیزیولوژیکی می باشد که در اثر اختلاف درخشندگی بین شی و زمینه در شبکه چشم ایجاد می گردد. در حین رانندگی، برخی از عوامل محیطی همچون درخشندگی ناشی از سطوح انعکاسی و منابع نوری سبب کاهش کنتراست درک موانع جاده شده که چنانچه از حد معینی بالاتر رود باعث ایجاد خیرگی ناتوان کننده می گردد که نتیجه آن ناتوانی راننده در دیدن اشیا و موانع احتمالی در جاده ها می باشد.

مواد و روش ها: در این مطالعه با استفاده از دستگاه لوکس متر مدل EC1 و دستگاه لومینانس متر مدل S3 شرکت HAGNER، مانعی با ضریب انعکاس ۲۰ درصد تهیه شد. مانع مورد نظر در ورودی تونل قرار گرفت و درخشندگی ذاتی مانع و جاده اندازه گیری شد. سپس با توجه به شرایط محیطی تونل و عملکرد ذهنی و حرکتی رانندگان فاصله توقف ایمن تعیین و با استفاده از دستگاه لومینانس متر در فاصله توقف ایمن از ورودی تونل، عواملی محیطی ایجاد کننده خیرگی ناتوان کننده (درخشندگی اتمسفری، شیشه خودرو، درخشندگی معادل) اندازه گیری شد.

نتایج: در این مطالعه کنتراست درک مانعی با ضریب انعکاس ۲۰ درصد و به فاصله توقف ایمن از ورودی تونل ۲/۸ درصد تعیین شد.

نتیجه گیری: مقایسه کنتراست درک مانع مورد نظر (۲/۸ درصد) در ورودی تونل مورد مطالعه با حداقل کنتراست توصیه شده CIE (۲۸ درصد)، نشان دهنده عدم درک مانع توسط رانندگان می باشد. بنابراین پیشنهاد می گردد که با اقدامات اصلاحی از افزایش پتانسیل حوادث رانندگی در ورودی تونل مورد مطالعه جلوگیری بعمل آید.

واژگان کلیدی: کنتراست درک، مانع، تونل های جاده ای، درخشندگی



عوامل موثر بر فرهنگ ایمنی و راهکارهای ارتقاء آن در صنایع: مروری بر مطالعات انجام شده در ایران

مهدی جعفری ندوشن^۱، محمد محمدی^۲، معین نعمتی^۳، مهدی قدسی^۴

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یزد mjn495@gmail.com
۲. دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یزد
۳. دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یزد
۴. دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یزد

زمینه و هدف: با وجود پیشرفت های زیاد در علم ایمنی، هنوز نرخ حوادث غیرقابل قبول می باشد. بررسی حوادث نشان می دهد که بیش از ۹۰ درصد حوادث صنعتی به عامل انسانی مربوط است. تجارب دهه های اخیر نشان می دهد برای بهبود وضعیت موجود، استفاده از تجهیزات ایمنی به تنهایی کافی نمی باشد. در همین راستا فرهنگ ایمنی یکی از چندین ایده ای است که میتواند به سازمان ها در دستیابی به استانداردهای بالاتری از ایمنی کمک کند. مطالعه حاضر با هدف مرور مطالعات گذشته و به اشتراک گذاشتن یافته های مفید مطالعات در زمینه عوامل موثر بر فرهنگ ایمنی و راهکارهای ارتقاء آن انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه به منظور یافتن مطالعات مرتبط، جستجو از طریق پایگاه های اطلاعاتی معتبر داخلی شامل Magiran، SID، IranMedex و پایگاه های بین المللی انگلیسی زبان شامل Google Scholar، Scopus، PubMed و Science Direct با کلید واژه های فارسی فرهنگ ایمنی، ایمنی، ارتقا فرهنگ ایمنی و کلید واژه های انگلیسی "Safety culture" و "Safety" انجام شد.

نتایج: پس از جستجو، ۵۹ چکیده مقاله یافت شد. ۲۷ عنوان مقاله به دلیل اینکه در راستای اهداف مطالعه و معیار های ورود به مطالعه نبودند، حذف شدند. پس از بررسی ۳۲ چکیده به صورت مستقل، ۲۵ متن مقاله انتخاب و با مطالعه دقیق آنها در نهایت ۲۰ مقاله در راستای کامل موضوع مورد مطالعه انتخاب شدند.

نتیجه گیری: با تحلیل نتایج مشخص شد چهار عامل تعهد مدیریت (۱۷،۴٪)، سابقه کار (۱۷،۴٪)، داشتن سابقه حادثه (۱۳٪) و تحصیلات (۸،۷٪) از مهم ترین عوامل موثر بر فرهنگ ایمنی در صنایع ایران بودند. همچنین اغلب مطالعات به منظور ارتقاء فرهنگ ایمنی عواملی نظیر باور و تعهد مدیران به ایمنی و ایمن کار کردن (۳۹،۳٪)، اجرای برنامه های مناسب آموزشی (۳۹،۳٪) و تدوین دستورالعمل های ایمنی مناسب (۱۷،۹٪) را پیشنهاد نموده اند.

واژگان کلیدی: فرهنگ ایمنی، ایمنی، ارتقاء فرهنگ ایمنی، صنایع، ایران



بررسی روند اپیدمیولوژیک حوادث ناشی از کار در استان سیستان و بلوچستان ۱۳۹۷

محمد ذاکر شیخ زاده^۱، محمد امیر زارع هرفته^۲، مصطفی پیوند^۳

۱. کارشناس ارشد مدیریت محیط زیست (HSE)، اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی زاهدان، ایران
۲. کارشناس ارشد مدیریت محیط زیست (HSE)، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران amir.khashi.1000@gmail.com
۳. کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

زمینه و هدف: امروزه با پیشرفت و توسعه جوامع صنعتی، وقوع حوادث ناشی از کار نیز رو به افزایش است. آسیب ناشی از کار یکی از مشکلات مهم کشورهای در حال توسعه است. پیشگیری و کنترل حوادث مستلزم بررسی و تحلیل به موقع و اجرای اقدام کنترلی لازم می باشد، اولین قدم در زمینه تصمیم گیری در حل این مشکل، بررسی وضعیت آسیب های ایجاد شده ناشی از کار و مشخصات آن است. از این رو، تحقیق حاضر با هدف تعیین روند اپیدمیولوژیک حوادث ناشی از کار در استان سیستان و بلوچستان انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی است که روند حوادث شغلی را در استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۹۷ مورد بررسی قرار داد. پس از اخذ مجوزهای لازم و رعایت ملاحظات اخلاقی مرتبط، پژوهشگران به صورت حضوری به اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی مراجعه نموده و تمام آمار ثبت شده در بازه زمانی ۱۳۹۷/۱/۱ لغایت ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ به صورت سرشماری و طبق گزارش حوادث شغلی، موجود در سامانه ثبت اطلاعات استخراج و سپس شاخص های حادثه محاسبه گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار spss-16 مورد تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: از ۵۷ مورد حادثه ثبت شده در سامانه، بیشترین حوادث در ساعت ۱۰-۱۳ روی داده بود (۳۸٪/۵). شرکت های فردی و غیر رسمی بیشترین سهم بروز حوادث ۳۷ (۶۵٪) را داشتند نوبت کاری کارگاه اول ۴۷ (۸۲٪/۴) بیشترین گروه سنی آسیب دیده ۲۵-۲۹ سال و ۴۰-۴۴ سال (۱۷٪/۵) بود. بالاترین میزان حادثه در شهر زاهدان با ۳۱ مورد و کمترین آن در شهر زابل رخ داده بود. بیشترین فراوانی حوادث ناشی از کار بر حسب عوامل وقوع به ترتیب، آتش سوزی، خفگی، تماس با مواد شیمیایی خطرناک، گیرکردن داخل یا بین اشیاء و ماشین، مسمومیت حاصل از مواد شیمیایی، انفجار، تماس با اجسام و سطوح داغ و سقوط بود.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های مطالعه حاضر، بروز حوادث شغلی رو به افزایش است، لذا توجه کارفرمایان و متصدیان مشاغل به الزام دستورالعمل ها بهداشتی، تامین وسایل حفاظت فردی و تشویق کارگران در مورد استفاده از عینک های محافظ و افزایش آگاهی آنان در مورد استفاده صحیح وسایل ایمنی ضروری بنظر می رسد و نیاز به یک برنامه جامع ملی پیشگیری از حوادث و کاهش خسارات ناشی از آنها دارد. از جمله این برنامه می توان به تدوین برنامه های آموزشی، بهداشتی، مدیریتی و پژوهش های زیر بنایی طرح ریزی اشاره کرد تا بتوان، تاثیر تدابیر بهداشت حرفه ای را در قالب کاهش سوانح شغلی در سطح کشور و استان شاهد بود.

واژگان کلیدی: حادثه شغلی، حادثه، کارگران، حوادث حین کار



بررسی عوامل موثر بر بروز حوادث شغلی در استان سیستان و بلوچستان ۱۳۹۷

محمد ذاکر شیخ زاده^۱، محمد امیر زارع هرفته^۲، مصطفی پیوند^۳

۱. کارشناس ارشد مدیریت محیط زیست (HSE)، اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی زاهدان، ایران
۲. کارشناس ارشد مدیریت محیط زیست (HSE)، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران. amir.khashi.1000@gmail.com
۳. کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

زمینه و هدف: حوادث شغلی به عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل معلولیت‌ها، مرگ و میر و تحمیل خسارت‌های انسانی و مالی در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. آسیب‌های شغلی از مشکلات جوامع بشری بوده‌اند، که با صنعتی شدن جوامع خصوصاً در کشورهای در حال توسعه، تشدید شده‌اند. شناسایی محتمل‌ترین عوامل خطر در بروز حوادث ناشی از شغل می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای پیشگیری و یا کاهش شدت آن در نظر گرفته شود. لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین عوامل موثر بر بروز حوادث شغلی در استان سیستان و بلوچستان انجام شد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه توصیفی-تحلیلی به روش داده‌کاوی انجام شد. پس از اخذ مجورهای لازم پژوهشگران به صورت حضوری به سازمان تعاون، کار و رفاه اجتماعی مراجعه نموده و تمام آمار ثبت شده سامانه جامع در بازه زمانی ۱۳۹۷/۱/۱ لغایت ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ به صورت سرشماری استخراج و وارد نرم افزار spss-ver 16 شد و با استفاده از تست‌های توصیفی نظیر فراوانی و درصد و آزمون‌های پارامتریک و ناپارامتریک تحلیل شد. سطح معنی‌داری آماری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج: در مجموع تعداد ۵۷ کارگر حادثه دیده در سامانه ثبت شده بودند. که ۵۶ (۹۸/۲٪) مرد بودند. حوادث ناشی از ساختمان سازی بیشتر وقوع حادثه ۳۰ (۵۲/۶٪) را داشت. بیشترین اندام آسیب دیده دست ۲۰ (۳۵/۰٪) و سر ۱۱ (۱۹/۲٪) بود. فراوانی حوادث ناشی از کار بر حسب علت وقوع حادثه به ترتیب، عدم نظارت بر کارگاه توسط کارفرما، عدم آموزش کارگر، دستگاه بدون حفاظ یا دارای نقض فنی سهل‌انگاری و بی‌احتیاطی حادثه دیده، عدم استفاده از وسایل استحفاظی فردی توسط کارگر، عدم تهیه و تحویل دستورالعمل‌های بهداشتی و وسایل حفاظت فردی بود. نتایج نشان داد که بین، جنس، سن و شیفت کاری ارتباط معنی‌دار وجود دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد که بروز حوادث شغلی رو به افزایش است. لذا توصیه می‌شود برنامه‌های ایمنی و راهکارهای پیشنهادی بیشتر در صنعت مورد توجه قرار گیرد و نیاز است سیاست‌گذاران، مدیران و شرکت‌های بیمه با بهره‌گیری از چنین الگوهای می‌توانند راهکارهای مناسب جهت جلوگیری از وقوع حوادث ارایه نمایند. انجام برنامه‌های آموزشی عمومی و تخصصی مداوم برای حفاظت از کارگران در مقابل حوادث حین کار هم‌چنین نزدیک کردن نوع وظیفه محوله با آموزش حرفه‌ای افراد نیز در پیشگیری بسیار موثر و ضروری است.

واژگان کلیدی: حوادث ناشی از کار، روند اپیدمیولوژیک، پیشگیری از حوادث



مرور روایتی بر سم شناسی نانوذرات و اثرات بهداشتی آنها بر انسان

نگین رستگار^۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران
negin.rastegar93@gmail.com

زمینه و هدف: فناوری نانو تولید مواد در مقیاس نانو و بهره‌برداری از خواص توسعه‌یافته آن‌ها است. یک نانوذره به ذره‌ای گفته می‌شود که ابعادی کمتر از ۱۰۰ نانومتر داشته باشد. امروزه نانوذرات کاربرد گسترده‌ای در علوم مختلف از جمله الکترونیک، مکانیک، زیست‌شناسی، پزشکی و شیمی دارند. بسته به نوع تولید، نانوذرات می‌توانند از طریق استنشاقی، پوستی و گوارشی وارد بدن شوند که به دلیل تنوع زیاد نانوذرات و خصوصیات آن‌ها اطلاعات اندکی در مورد اثرات سم‌شناسی و زیستی نانوذرات، خصوصاً در رابطه با راه‌های تماس و انتقال آن‌ها به بدن و پاسخ بدن به نانوذرات وجود دارد. اندازه ذره، سطح ناحیه‌ای و سطح شیمیایی به عنوان عوامل کلیدی در ایجاد اثرات بهداشتی و سم‌شناسی مطرح هستند و افرادی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در معرض آلودگی نانوذرات هستند ممکن است به بیماری‌های التهابی، گوارشی، پوستی، سرطان و بیماری شدید ریوی مبتلا شوند. تحقیقات در زمینه نانو و توسعه و ارتقای این فناوری به‌طور گسترده‌ای در دهه‌های اخیر افزایش یافته است ولی اطلاعات کمی در زمینه خطرات بالقوه انسانی وجود دارد. گرچه فناوری نانو باعث انقلاب و تحول گسترده‌ای در بسیاری از زمینه‌ها شده است، با این حال کاهش سمیت و خطرات مواجهه با نانوذرات از اهداف اصلی این حوزه است.

مواد و روش‌ها: مروری روایتی حاضر با استفاده از مقالات و کتاب‌های چاپ شده در پایگاه داده‌های PUBMED ، Google Scholar ، سایت فناوری نانو و مجلات علمی معتبر در این حوزه و... از ۳۴۰ پژوهش، ۵ کتاب و ۵۵ مقاله انتخاب شده را که در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ به چاپ رسیده بودند، برای نگارش مرور حاضر وارد مطالعه کردیم. کلیدواژه‌های استفاده شده برای جستجوی مقالات انگلیسی و فارسی زبان عبارت بودند از: سم‌شناسی نانوذرات، نانوذرات فلزی، نانوتکنولوژی در بهداشت حرفه ای، اثرات سمی نانو ذرات و... ، و سپس صحت انتخاب آنها را در سیستم آنلاین MeSH (Medical Subject Headings) ، مجموعه واژگانی است که توسط کتابخانه ملی پزشکی ایالات متحده ایجاد شد تا در نمایه‌سازی مقالات نشریات و فهرستگان کتاب‌های علوم زیستی به کار برده شود ، با استفاده از چکیده انگلیسی پژوهش حاضر بررسی کردیم.

نتیجه‌گیری: در سال‌های اخیر فناوری نانو به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد خود پیشرفت وسیعی در بسیاری از علوم و صنایع داشته است و این پیشرفت موجب نگرانی‌هایی در زمینه اثرات مضر نانوذرات بر انسان، دام و محیط آن‌ها ایجاد کرده است. راه‌های اصلی مواجهه جمعیت با نانوذرات از طریق پوست، تنفس و گوارش است که به دلیل داشتن ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی جدید در بعد نانو، به عنوان یکی از آلاینده‌های مهم در ایجاد سمیت بر عضوهای مختلف بدن مطرح هستند، ارزیابی نوع مواجهه و شناسایی ویژگی‌های خطر برای نانوذرات، نیازمند در نظر گرفتن ایمنی افراد در طی تماس شغلی برای تولید نانوذرات، بسته به شرایط ساخت (synthesis) ، فرمول‌بندی (formulation) ، حمل‌ونقل، ذخیره و



طول مدت زمان تماس در مصرف‌کنندگان دارد . بررسی نتایج مطالعات نشان دادند: پوست انسان به دلیل وسعت زیاد، یکی از راه‌های در دسترس برای ورود نانومواد به بدن است که می‌تواند به بخش‌های عمقی و درونی بدن نفوذ کنند و منجر موجب جهش در ژن‌های سلول‌های لایه‌های مختلف پوست شود، علاوه براین، نانوذرات قابلیت ورود به اعماق ریه و ناحیه آلوئولی را داشته و توانایی جذب و انتقال مستقیم به سامانه عصبی مرکزی و مغز را از طریق ناحیه بویایی دارند، مواجهه با نانوذرات نیز منجر به تأثیرات مخربی بر سیستم قلبی‌عروقی، از جمله: عملکرد غیرطبیعی قلبی و عروقی، تشکیل لخته‌های خونی و... می‌شود و همچنین اثرات جهش‌زایی و ناقص‌الخلقه‌زایی (تراژوژنیسیته) نانوذرات نیز گزارش شده است.

واژگان کلیدی : سم شناسی نانوذرات، ایمنی نانوذرات، مرور روایتی، سمیت پوستی، سمیت تنفسی، اثرات تراژوژنی، اثرات قلبی



بررسی رابطه بین استرس شغلی و جو ایمنی بر حوادث ناشی از کار (مطالعه موردی: در یک شرکت سیمان سیستان)

محمد امیر زارع هرفته^۱، سمیه یدالهی فر^۱، حسین یاوریان^۲، مریم کیوانی پور^۳، مصطفی پیوند^۴

۱. کارشناس ارشد مدیریت محیط زیست (HSE)، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران. amir.khashi.1000@gmail.com

۲. کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۳. کارشناس مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۴. کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

زمینه و هدف: جو ایمنی، مفهوم چند بعدی سازمانی است، که بر رفتارهای ایمن کارگران در سطوح سازمانی، گروهی و فردی اثرگذار است، از طرفی استرس شغلی، نوعی اختلال مزمن روانی است که در اثر شرایط سخت کاری به وجود می آید و روی عملکرد فردی و سلامت جسمی و ذهنی افراد تاثیر می گذارد. لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه بین استرس شغلی و جو ایمنی بر حوادث ناشی از کار در شرکت سیمان سیستان انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی، تعداد ۱۳۹ نفر از کارکنان شاغل در شرکت سیمان به روش نمونه گیری آسان و در دسترس در سال ۱۳۹۶ با رعایت موازین اخلاقی، شامل محرمانه بودن اطلاعات و امکان ترک مصاحبه در هر زمان وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری داده با استفاده از چک لیست استاندارد جمع آوری شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ver 19 و آمار توصیفی، آزمون های آزمون های پارامتریک و ناپارامتری مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج: تعداد ۱۳۹ نفر مرد با میانگین سنی $33/76 \pm 7/156$ سال وارد مطالعه شدند، میانگین نمره جو ایمنی $30/51 \pm 121/11$ استرس شغلی میانگین نمره $45/84 \pm 9/39$ بدست آمد و نتایج نشان داد که بین استرس شغلی و جو ایمنی با حوادث ناشی از کار رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد ($p < 0.05$). همچنین در گروهی از کارگران که سابقه حادثه داشتند، میانگین نمرات استرس بالاتر بود و با بالا رفتن میزان استرس شغلی، میانگین جو ایمنی روند کاهشی نشان می داد. توزیع فراوانی حوادث در این مطالعه به تفکیک علت حادثه نشان داد که $61/9$ درصد بر اثر بی احتیاطی، $21/4$ درصد بر اثر شرایط نا ایمن و $17/3$ درصد بر اثر عدم استفاده از وسایل حفاظت فردی بوده است.

نتیجه گیری: براساس یافته های مطالعه بین استرس شغلی جو ایمنی و ایجاد حادثه شغلی در این کارخانه ارتباط وجود داشت. لذا نیاز است کارفرمایان و سیاستگذاران سلامت اقدامات موثر را در جهت بهبود جو ایمنی در این کارخانه ایجاد نمایند، از جمله این سیاست ها می توان به آموزش مسائل ایمنی، برگزاری کلاس های تخصصی ایمنی، تنظیم زمان استراحت، کار و... اشاره نمود.

واژگان کلیدی: استرس شغلی، جو ایمنی، حوادث ناشی از کار



ارزیابی ریسک خطرات زیست محیطی تجهیزات صنعت نورد گرم فولاد FMEA و William &

Fine

هادی علیمرادی^۱، مجید مکاری^۲، محمد مهدی میر صالحیان^۳، مهسا نظری^۴

۱. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران
۲. کارشناسی ارشد، مدیریت ایمنی بهداشت و محیط زیست HSE دانشگاه آزاد نجف آباد، اصفهان
۳. کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران
۴. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران nazarimahsa95@yahoo.com

زمینه و هدف: سر منشاء بسیاری از مخاطرات، ریسک ها و نارسایی های قابل توجهی نیز بوده اند. ارزیابی خطر روشی سازمان یافته و نظام مند جهت شناسایی خطرات و برآورد خطر برای رتبه بندی تصمیمات، در راستای کاهش خطر به حدی قابل قبول است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی مخاطرات موجود در پروژه خط ریلی واحد نورد ۶۵۰ صنعت فولاد اصفهان و با استفاده از روش FMEA و William & Fine که هر دو کمی می باشند، انجام گرفت.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر بصورت مقطعی (توصیفی) در سال ۱۳۹۸ در نورد ۶۵۰ فولاد اصفهان انجام گرفت. جامعه مورد بررسی شامل چندین رده شغلی متفاوت در واحد نورد ۶۵۰ است که بصورت تصادفی انتخاب شدند. به منظور شناسایی ریسک ها به کمک گروه اجرایی متشکل از نمایندگان بخش ها و ادارات طرح حاضر انجام گرفت. در این مطالعه داده ها در واحدهای مختلف با استفاده از فرم مشخص شناسایی خطرات و ارزیابی ریسک مشاهده و ثبت گردید. این دو روش با استفاده از شدت پیامد، احتمال وقوع و میزان مواجهه، ریسک ها را ارزیابی و محاسبه می کند.

نتایج: در این مطالعه بیش از دویست ریسک شغلی شناسایی شد که از این تعداد ۲۰ ریسک (۱/۳۲) در وضعیت اضطراری نیاز فوری به فعالیت های تصحیحی، ۹۴ ریسک (۱۲/۸۹) در وضعیت غیر طبیعی که نیازمند بررسی و توجه هر چه سریعتر می باشند هم چنین ۸۶ ریسک (۸۹/۹۲) در سطح ریسک طبیعی (بایستی حذف شوند) قرار گرفتند.

نتیجه گیری: عمده خطراتی که کارکنان نورد ۶۵۰ واحد فولاد اصفهان را تهدید می کرد و از میزان ریسک بیشتری برخوردار بود می توان به خطرات مربوط به کار در ارتفاع و استنشاق گاز و بخارات سمی را اشاره کرد، لذا بهتر است اقدامات فنی مهندسی در واحدهای مختلف ذوب آهن به منظور کاهش سطح ریسک انجام شود.

واژگان کلیدی: ارزیابی ریسک، روش ویلیام فاین، روش Fmea، صنایع تولیدی



بررسی میزان مواجهات شغلی و عوامل تأثیر گذار بر آن در کارکنان بیمارستان

علیرضا آجدانی^۱، هادی علیمرادی^۲، مهسا نظری^۳

۱. دکتری پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ایران

۲. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

۳. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران nazarimahsa95@yahoo.com

زمینه و هدف: آسیب های ناشی از فرو رفتن سرسوزن و اجسام تیز به عنوان یکی از مخاطرات شغلی در بین کارکنان بهداشتی- درمانی شناخته شده است. عفونت های زیادی از جمله عفونت های منتقله از طریق خون همچون HIV (ویروس نقص ایمنی انسانی) و هپاتیت های B و C می توانند از طریق تماس تصادفی با خون یا سایر ترشحات فرد آلوده انتقال یابند. هدف مطالعه حاضر بررسی فراوانی مواجهات شغلی و عوامل مرتبط با آن در کارکنان یکی از بیمارستان های خصوصی اصفهان بود.

مواد و روش ها: این مطالعه مقطعی با حجم نمونه ۱۸۹ نفر در سال ۱۳۹۸ در بیمارستان خصوصی اصفهان انجام شد. شرکت کنندگان شامل پرستاران، بهیاران، نیروهای کمکی و ماماها بودند. در آنالیز داده ها علاوه بر روش های توصیفی از روش رگرسیون لجستیک برای بررسی ارتباط متغیرهای مختلف با مواجهات شغلی استفاده گردید. **نتایج:** براساس نتایج بدست آمده، شیوع مواجهه شغلی در بین کارکنان این بیمارستان ۷۹٫۹۲٪ بود. تحلیل چند متغیره رگرسیون لجستیک نشان داد مردان به نسبت زنان و افراد با سابقه کار بین ۱۰ تا ۱۵ سال به طور معنی داری بیشتر دچار مواجهه شغلی (آسیب با سوزن) شده بودند. ۶۱٫۳۶٪ از شرکت کنندگان هم در مورد مواجهات شغلی و نحوه برخورد با آن آگاهی صحیح داشتند.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد رخداد آسیب ناشی از سرسوزن یا مواجهات شغلی در این بیمارستان بالا می باشد. می توان نتیجه گرفت پیشگیری از مواجهات شغلی به عنوان یک جز لاینفک برنامه های پیشگیری در محل های کار ضروری و حیاتی است و آموزش کارکنان ارائه دهنده خدمات بهداشتی درمانی در مورد شیوه های ایمنی باید یک فعالیت مداوم باشد.

واژگان کلیدی: مواجهه شغلی، آسیب بیمارستانی، کارکنان بهداشتی، خدمات درمانی



بررسی شیوع حوادث شغلی ناشی از افزایش دمای هوا (یک مطالعه سری-زمانی)

هادی علیمرادی^۱، علیرضا آجدانی^۲، مهسا نظری^۳

۱. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

۲. دکتری پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ایران

۳. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران nazarimahsa95@yahoo.com

زمینه و هدف: تغییرات آب و هوایی و به خصوص گرم شدن زمین خطرناک ترین عامل تهدیدکننده سلامتی برای انسان است. حوادث شغلی به عنوان یک فاکتور موثر در نشان دادن نقش تغییرات دمایی در بروز اختلالات بر سلامتی انسان مطرح شده است. هدف از انجام مطالعه تعیین ارتباط بین دمای هوا و رطوبت با تعداد حوادث شغلی ثبت شده در صنایع فولادی استان اصفهان بود.

مواد و روش ها: در این مطالعه پس از جمع آوری داده های حوادث شغلی، داده های هواشناسی از جمله دما، رطوبت و سرعت جریان هوا را در بازه زمانی مشخص ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ از اداره هواشناسی استان اصفهان و داده های حوادث محیط کار صنایع فولاد، تجزیه و تحلیل آماری بر روی داده ها با استفاده از نرم افزار STATA انجام گرفت.

نتایج: در این مطالعه تعداد ۲۲۸۵ حوادث از تاریخ ۲۱ مارچ ۲۰۱۱ تا ۲۱ ژوئن ۲۰۱۷ در سیستم اطلاعات ایمنی بهداشت صنعت فولادی استان اصفهان ثبت شده است. میانگین روزانه تعداد حوادث بدون در نظر گرفتن سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۷ به دلیل عدم همپوشانی ماه های سال، در سال ۲۰۱۶ بیشترین ($1/41 \pm 0/001$) و در سال ۲۰۱۴ کمترین ($1/0 \pm 22/001$) تعداد مشاهده شد. بیشترین تعداد حوادث در ماه می (۲۰۱۷) و کمترین تعداد در ماه فوریه (۲۰۱۷) مشاهده شد. در آنالیز امواج گرمایی افزایش معناداری نسبت به روزهای بدون امواج گرمایی ($RR 1.21; CI \%95 1.08$) نشان داده شده است.

نتیجه گیری: در این مطالعه با گذشت از سال ۲۰۱۵ روند تاثیر گذاری دمای هوا بر بروز حوادث مستقیم بود و متغیر سرعت جریان باد نیز از سال ۲۰۱۶ بر میزان حوادث محیط کار تاثیرگذار بوده است. لذا فراهم کردن هرچه بیشتر تمهیدات مدیریتی با توجه به افزایش دمای هوای منجر به کاهش حوادث و هزینه های ناشی از کار می شود.

واژگان کلیدی: دمای هوا، حوادث، مطالعه سری زمانی، اصفهان



شناسایی و ارزیابی مخاطرات واحد های عملیاتی کارخانه بافندگی با استفاده از

روش HAZID

بیمان خالقی ده آبادی^۱، بهنام مرادی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان
۲. کارشناسی ارشد، مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران
b.moradi@sbm.ac.ir

زمینه و هدف: فعالیت های صنعتی دارای مخاطراتی می باشند که باید به درستی شناسایی، ارزیابی و کنترل شوند. چرا که یکی از مهمترین چالش هایی است که سازمان ها و مدیران با آن درگیرند. بنابراین سازمانها نیازمند روشی هستند که بتوانند مخاطرات را مدیریت و از بروز حوادث فاجعه بار جلوگیری کنند. این پژوهش با هدف شناسایی و ارزیابی مخاطرات واحدهای عملیاتی یک کارخانه بافندگی با استفاده از روش شناسایی خطر (HAZID) انجام شد.

مواد و روش ها: در این پژوهش، واحدهای عملیاتی ۴ سالن مجزا یک کارخانه بافندگی در سال ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار گرفت. پس از تشکیل تیم ارزیابی ریسک، مخاطرات تمامی فعالیت های پر خطر موجود در واحدهای مدنظر شناسایی شد. عدد ریسک با حاصل ضرب سه پارامتر احتمال وقوع، شدت پیامد و میزان تماس محاسبه شد که جهت تعیین پارامترهای ذکر شده از مشاهده، مصاحبه، بررسی مستندات و تکمیل چک لیست ها استفاده شد. پس از آن با تعیین ریسک های غیر قابل قبول اقدامات پیشگیرانه و اصلاحی جهت کاهش سطح آنها پیشنهاد و اجرا گردید. تمامی محاسبات با استفاده از نرم افزار Excel انجام شد.

نتایج: یافته ها نشان داد در ۴ سالن مورد بررسی مجموعاً ۹۲ مخاطره شناسایی شد که از این تعداد ۷۳ (۷۹/۳۴٪) ریسک در سطح غیر قابل قبول، ۱۵ (۱۶/۳۰٪) در سطح نامطلوب، ۳ (۳/۲۶٪) قابل قبول با تجدید نظر و ۱ (۱/۰۸٪) جزئی بودند. همچنین سطح ریسک اکثر مخاطرات شناسایی شده در سطح بسیار بالا قرار دارد که برای هر کدام از مخاطرات شناسای شده اقدامات اصلاحی مناسبی ارائه گردید.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد، با توجه به بالا بودن سطح ریسک اکثر مخاطرات شناسایی شده، باید هرچه سریعتر اقدامات تدوین شده به منظور مدیریت آنها در دستور کار قرار گیرد چرا که اجرای اقدامات اصلاحی منجر به کاهش سطح ریسک مخاطرات موجود به سطح قابل قبول خواهد شد و این امر به نوبه خود باعث پیشگیری و کاهش بروز حوادث ناگوار می شود.

واژگان کلیدی: ارزیابی ریسک، شناسایی مخاطره، HAZID، اقدامات اصلاحی



بررسی میزان آگاهی و عملکرد کشاورزان شهرستان لردگان از مسائل بهداشت حرفه ای کشاورزی

بیژن امیری ابراهیم محمدی^۱، سمیرا برکات^۲، یزدان محمودیان^۳، یحیی احمدی آموئی^۴، بهنام مرادی^۵

۱. کارشناسی، مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایلام
 ۲. کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
 ۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز
 ۴. دانشجوی کارشناسی ارشد، مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
 ۵. کارشناسی ارشد، مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران
- b.moradi@sbmu.ac.ir

زمینه و هدف: حرفه کشاورزی به عنوان یکی از قدیمی ترین مشاغلی است که با بسیاری از عوامل زمینه ساز خطر آفرین به طور همزمان همراه می باشد. بنابراین کشاورزان به دلیل مواجه با عوامل زیان آور شغلی در معرض ابتلا به انواع بیماریها و صدمات قرار دارند. این مطالعه با هدف بررسی میزان آگاهی و عملکرد کشاورزان شهرستان لردگان از مسائل بهداشت حرفه ای کشاورزی انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی- مقطعی، ۱۲۸ نفر از کشاورزان شهرستان لردگان به صورت نمونه گیری تصادفی انتخاب و بررسی شدند. به منظور گردآوری داده ها پس از تهیه لیست کشاورزان از اداره جهاد کشاورزی شهرستان از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که روایی و پایایی آن با کمک متخصصان اثبات شد. کلیه اطلاعات از طریق مصاحبه و با نظارت محقق جمع آوری و ثبت شد. داده های جمع آوری شده از طریق نرم افزار آماری SPSS با آزمون های آماری مناسب تجزیه و تحلیل شد ($p \leq 0.05$).

نتایج: یافته ها نشان داد که از افراد مورد بررسی ۹۰/۶۰٪ متاهل و ۹/۴۰٪ مجرد و میانگین سابقه کاری آنها $(13/92 \pm 7/33)$ سال است. از کل افراد مورد مطالعه ۵۶/۲۰٪ باسواد و ۴۳/۸۰٪ بی سواد بود. همچنین از لحاظ سطح آگاهی از مسائل بهداشت حرفه ای ۱۲/۵۰٪ دارای آگاهی ضعیف، ۷۵٪ دارای آگاهی متوسط و ۱۲/۵٪ دارای سطح آگاهی خوب و از منظر عملکرد، ۱۶/۴۰٪ دارای عملکرد ضعیف، ۷۰/۳۰٪ عملکرد متوسط و ۱۳/۳٪ عملکرد خوب داشتند. در کل در بین کشاورزان میانگین آگاهی و عملکرد از مسائل بهداشت حرفه ای به ترتیب $(100/56 \pm 3/55)$ و $(32/47 \pm 3/98)$ بود.

نتیجه گیری: مطابق یافته ها کشاورزان از آگاهی و عملکرد متفاوتی در خصوص مسائل مرتبط با بهداشت حرفه ای کشاورزی برخوردار هستند. بنابراین لازم است به منظور بالا بردن سطح آگاهی و عملکرد کشاورزان، نهاد های مرتبط بر آموزش های مناسب و شیوه های درست آموزشی متمرکز و کشاورزان را بصورت برنامه ریزی شده پایش نمایند.

واژگان کلیدی: آگاهی و عملکرد، بهداشت حرفه ای، کشاورزی، شهرستان لردگان



بررسی ارتباط ریسک ابتلا به آسیب های اسکلتی - عضلانی و استرس شغلی در پرستاران

سمیرا برکات^۱، بهنام مرادی^۲

۱. کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

۲. کارشناسی ارشد، مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران

b.moradi@sbmu.ac.ir

زمینه و هدف: آسیب های اسکلتی - عضلانی و استرس شغلی یکی از شایع ترین عوارض در محیط های کاری محسوب می شوند و پرستاران به دلیل ماهیت کاریشان از این عوارض مستثنی نیستند. این مطالعه با هدف تعیین ارتباط ریسک ابتلا به آسیب های اسکلتی - عضلانی و استرس شغلی در پرستاران انجام شد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر توصیفی- تحلیلی است و بر روی ۹۰ نفر از پرستاران شاغل در یکی از بیمارستان های شهر اصفهان انجام شد. ابتدا برای تعیین شیوع آسیب های اسکلتی - عضلانی از پرسشنامه نوردیک استفاده شد؛ سپس ارزیابی ریسک ابتلا به آسیب های اسکلتی - عضلانی در بین کارکنان به روش QEC با مشاهده مستقیم محقق به مدت ۲۰ تا ۳۰ دقیقه صورت گرفت؛ برای بررسی دقیق تر از هر وضعیت بدن، یک یا چند عکس نیز تهیه شد. همچنین با استفاده از پرسشنامه استاندارد استرس شغلی HSE، استرس پرستاران مورد بررسی قرار گرفت. داده های جمع آوری شده از طریق نرم افزار آماری SPSS- 21 تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: پرستاران در طی ۱۲ ماه گذشته در نواحی کمر (۶۶/۶٪)، گردن (۵۵/۴۵٪)، شانه (۴۷/۶۷٪) و در طی ۷ روز گذشته در نواحی مچ دست (۶۲/۷٪)، کمر (۵۱/۵٪) و گردن (۴۷/۶٪) بیشترین شیوع آسیب های اسکلتی - عضلانی را داشتند. میانگین نمره QEC، $109/22 \pm 6/9$ و میانگین نمره استرس شغلی $1/62 \pm 0/186$ بود. نمره نهایی QEC با استرس شغلی دارای رابطه معنادار و غیر مستقیم بود ($R = -0/65$ و $P\text{value} < 0/001$).

نتیجه گیری: با افزایش نمره QEC که به معنای افزایش ریسک ابتلا به آسیب های اسکلتی - عضلانی است؛ نمره استرس کاهش یافت که بیانگر شرایط نامطلوب و استرسزای پرستاران می باشد. بنابراین باید اقدامات اصلاحی ارگونومیکی هر چه سریع تر تدوین و اجرا گردد؛ همچنین برای شناخت منابع استرسزا و بهینه سازی شرایط فیزیکی و روانی محیط کار و اجرای برنامه های مداخلاتی مناسب به منظور پیشگیری و کاهش آسیب های اسکلتی - عضلانی و استرس شغلی لازم است در جهت افزایش سطح آگاهی پرستاران اقدامات لازم انجام گیرد.

واژگان کلیدی: آسیب اسکلتی - عضلانی، استرس شغلی HSE، ریسک، پرستاران



تجزیه و تحلیل حوادث شش ماهه دوم سال ۱۳۹۷ یکی از صنایع استان کرمان

زهرا غفاری^۱، زهره مرتضی زاده^۲، مریم مفیدی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان zahraghaffari118@yahoo.com

۲. کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان

۳. کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان

زمینه و هدف: حوادث شغلی علاوه بر تحمیل خسارت بر منابع انسانی، هزینه های اقتصادی زیادی را نیز سبب میشود. جراحات شغلی در اثر فاکتورهای سازمانی و فردی رخ میدهد. تجزیه و تحلیل حادثه جهت پیشگیری از وقوع حوادث مشابه در آینده بکار می رود. همچنین به شناسایی عوامل موثر در حادثه کمک میکند. عواملی که در صورت شناسایی، میتوانند منجر به پیشگیری از وقوع حوادث مشابه در آینده شوند. در طی این فرایند علل حادثه شناسایی میگردد. لذا این مطالعه باهدف تجزیه و تحلیل حوادث ثبت شده در یکی از صنایع استان کرمان انجام شد

مواد و روش ها: جمع آوری داده ها از روش بررسی اسناد موجود در صنعت مورد مطالعه جمع آوری و ثبت گردیده. پس از بازدید اولیه از بخشهای مختلف کارخانه و ارزیابی مقدماتی شرایط محیط کار، پرونده پرسنلی کلیه افراد حادثه دیده به همراه برگه ثبت حوادث که شامل اطلاعات درباره زمان وقوع حادثه، مشخصات شخص حادثه دیده، گزارش مختصر از حادثه به همراه علل وقوع حادثه در آن ثبت شده بود مورد بررسی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS صورت پذیرفت. برای آنالیز از آمار توصیفی و برای مقایسه بین متغیرها از آزمون کای دو استفاده شده و سطح معنی داری را 0/05 در نظر گرفتیم.

نتایج: طبق بررسیهای آمار حوادث 6 ماه دوم سال 97 مشخص شد که بیشترین حوادث مربوط به شیفت صبح و عصر، کمترین حوادث مربوط به شیفت شب است همچنین مشخص شد که با افزایش سابقه کار میزان حوادث هم بیشتر شده است، با توجه به تحصیلات افراد مشخص شد که افرادی تحصیلات پایینتری دارند حوادث بیشتری برای آنها اتفاق افتاده است. آزمون همبستگی نشان داد بین شیفت، سابقه کاری، تحصیلات و حوادث ارتباط معنادار وجود ندارد.

نتیجه گیری: مطابق این پژوهش اصلی ترین علل بروز حوادث دخالت مهندسی در کار روتین کارگران در شیفت صبح و همچنین با افزایش سابقه کار به دلیل اینکه افراد فکر میکنند در کار خود ماهر هستند و ایمنی را رعایت نمیکنند و افراد با تحصیلات پایین تر به علت دانش محدود درباره ی پروسه کاری باعث ایجاد حوادث میشوند. اما به دلیل ثبت نکردن همه ی حوادث به طور قطع نمیتوان این عوامل را به عنوان علل حادثه برشمرد.

واژگان کلیدی: تجزیه و تحلیل، حوادث شغلی، صنایع، SPSS



شناسایی و ارزیابی ریسک خطرات شغل آپاراتی سنگین در یکی از صنایع معدنی استان کرمان به روش JHA

زهرة مرتضی زاده^۱، زهرا غفاری^۲، مریم مفیدی^۳

۱. کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان zohreh.mortezazadeh1394@gmail.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان
۳. کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان

زمینه و هدف: با توجه به خطرات و حوادث گزارش شده هنگام تعویض لاستیک ماشین آلات سنگین نظیر تراک و دامپتراک، با شناسایی این خطرات می توان از حوادث پیشگیری کرد. با این توصیف امروزه برای شناسایی و بررسی خطرات روش های متفاوتی وجود دارد که از آن جمله می توان به روش آنالیز ایمن شغلی اشاره کرد. این مطالعه با هدف شناسایی خطرات و ارزیابی ریسک شغل آپاراتی سنگین با استفاده از تکنیک آنالیز ایمنی شغلی در یکی از صنایع معدنی استان کرمان انجام شد.

مواد و روش ها: شناسایی خطرات بالقوه و ارزیابی سطح ریسک شغل آپاراتی از طریق مصاحبه با افراد انجام دهنده کار یا سرپرست وی، مشاهده نحوه انجام کار توسط کارگر، همچنین مطالعه شرح و دستورالعمل های شغلی و بررسی فیلم های ویدیویی و عکس های گرفته شده صورت گرفت و سپس آن شغل را به مراحل پی در پی شکسته، سطح ریسک با توجه به دو پارامتر شدت و احتمال خطر زایی آنها به دست آمد و در نهایت با توجه به کد ارزیابی ریسک و الویت بندی آنها، اقدامات کنترلی ارائه شد.

نتایج: بر اساس نتایج حاصل از مطالعه ۶ وظیفه و ۲۴ زیر وظیفه شغل آپاراتی، از مجموع ۱۱۲ خطر شناسایی شده با احتساب تکرار که پس از آنالیز خطرات و ارزیابی ریسک آنها، به دست آمد که ۴۱/۹۶ درصد از خطرات شناسایی شده در سطح غیر قابل تحمل و ۵۸/۰۴ درصد از خطرات در سطح قابل تحمل قرار گرفته اند و مشخص گردید که نقش اعمال ناایمن در خطرهای مربوط به شغل مهم تر است.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه انتظار می رود با فراهم کردن ابزار کار مناسب، وسایل حفاظت فردی، برگزاری کلاس های آموزشی، تعیین کنترل ها و نظارت ها و همچنین با اجرای اقدامات پیشنهادی بتوان سطح ریسک های موجود را به طور چشمگیری کاهش داد.

واژگان کلیدی: ارزیابی ریسک، آپاراتی سنگین، JHA، صنایع معدنی.



وضعیت ایمنی واحدهای تصویربرداری بیمارستان های شهر تبریز

جواد سجادی خَسرقی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
javadsajjadi_hsm@yahoo.com

زمینه و هدف: کیفیت همواره از موضوعات مورد توجه در سازمانهای بهداشتی بوده است. یکی از مهمترین ابعاد کیفیت، کیفیت فیزیکی می باشد که شامل تامین محیطی ایمن و سالم برای بیماران و کارکنان است با توجه به گسترش استفاده از تجهیزات تصویربرداری در تشخیص بیماری ها و اهمیت حفظ و ارتقای ایمنی بیماران و کارکنان در این بخش ها، مطالعه حاضر با هدف بررسی وضعیت ایمنی واحدهای تصویربرداری بیمارستان های شهر تبریز در سال ۱۳۹۷ انجام شد.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر یک مطالعه مقطعی است. کلیه بیمارستان های دولتی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تبریز و بیمارستان های خصوصی جامعه مورد مطالعه بودند. روش نمونه گیری سرشماری بود به طوری که تمام بیمارستان های دولتی و خصوصی شهر تبریز (۱۴ بیمارستان) وارد مطالعه شدند. ابزار مورد استفاده چک لیست محقق ساخته بود که پایایی و روایی آن (به ترتیب با آلفای کرونباخ 0/82 و 0/86 مورد تایید قرار گرفت. وضعیت ایمنی بخش های در قالب ۹ حیطه ارزیابی شد. برای تحلیل داده از نرم افزار SPSS ورژن ۱۶ و آزمون های آماری توصیفی و Mann Whitney استفاده گردید.

نتایج: میانگین نمره ایمنی واحدهای تصویربرداری $79/7 \pm 5/91$ و بیمارستان های خصوصی $79/8 \pm 7/29$ به دست آمد. حیطه ایمنی اشعه بیشترین نمره را در بیمارستان های دولتی ($92/85 \pm 8/09$) و خصوصی ($95/8 \pm 9/17$) کسب کرد. کمترین میزان رعایت استانداردها در بیمارستان های دولتی مربوط به حیطه ایمنی الکتریکی ($69/28 \pm 10/96$) بود. در بیمارستان های خصوصی، ایمنی کارکنان کمترین نمره ($62/96 \pm 9/07$) را به خود اختصاص داد. بین میانگین نمره ایمنی کارکنان با نوع بیمارستان (دولتی و خصوصی) تفاوت معناداری مشاهده گردید ($p.value = 0/019$). به طوری که در بیمارستان های خصوصی وضعیت ایمنی کارکنان بهتر بود.

نتیجه گیری: هیچکدام از بیمارستان ها استانداردها را بطور کامل رعایت نمی کردند. حیطه ایمنی کارکنان، کمترین امتیاز را به خود اختصاص داده بود که لازم است اقدامات لازم در راستای پرداخت فوق العاده کار با اشعه، کاهش ساعات کار، افزایش مرخصی سالانه و نیز تهیه لوازم حفاظت فردی انجام گیرد. از طرفی با توجه به اینکه وضعیت ایمنی کارکنان در بیمارستان های خصوصی بهتر از دولتی است که ممکن است سبب افزایش انگیزه کارکنان برای کار در بیمارستان های خصوصی شود، بنابراین باید بیشتر مورد توجه مدیران و روسای بیمارستان های دولتی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ایمنی، رادیولوژی، بیمارستان، تبریز



رابطه حوادث شغلی بالینی با بهره‌وری کارکنان در بیمارستان‌های آموزشی قزوین

روح اله کلهر^۱، اصغر ترابی^۲، مهدی صفدری^۳، سعیده موسوی^۴، علی اسمعیلی^۵، حسین ترنج^۶

۱. دانشیار، دکتری مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، پژوهشکده بیماریهای غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران r.kalhor@gmail.com

۲. کارشناس ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

۳. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

۴. کارشناس بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

۵. دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران (مسئول مکاتبات)

۶. واحد مدیریت برنامه ریزی مالی و بودجه، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران

زمینه و هدف: امروزه بیماری‌ها و حوادث ناشی از کار به یکی از نگرانی‌های اجتماعی جامعه کارکنان و متصدیان مسائل بهداشت و ایمنی محیط کار تبدیل شده است. یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار در شاخص‌های کمی و کیفی تولید و خدمات، خطاهای انسانی و حوادث است. هدف از پژوهش حاضر بررسی علل و میزان حوادث شغلی و رابطه آن با بهره‌وری کارکنان در بیمارستان‌های آموزشی قزوین است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است، جامعه مورد مطالعه را کارکنان بخش‌های کلینیکی و پاراکلینیکی بیمارستان‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی قزوین تشکیل داده‌اند که کارکنان از طریق روش نمونه‌گیری طبقه‌ای چندمرحله‌ای وارد پژوهش شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها سه پرسشنامه‌ی میزان حوادث شغلی، علل حوادث شغلی و میزان بهره‌وری کارکنان بود که روایی و پایایی آن تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار آماری SPSS و به کمک آمار توصیفی و آزمون‌های آماری نا پارامتریک ضریب همبستگی کرامر، ضریب همبستگی توافق (Cکای دو) و ضریب همبستگی اسپیرمن و کندال تاو b-به انجام رسید.

نتایج: یافته‌ها نشان داد که مؤلفه تماس پوستی با خون یا سایر مایعات بدن به میزان (۲۰،۴) درصد میانگین بیشترین فراوانی حوادث شغلی و خستگی و شیفت‌های طولانی با میانگین (۳،۷۴) درصد مهم‌ترین علت حوادث شغلی در بین کارکنان مورد مطالعه بود. نتایج همبستگی میزان بهره‌وری کارکنان با فراوانی و علل حوادث شغلی رابطه منفی و معنی‌داری نشان داد. ($p \leq 0/05$)

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که وجود علل حوادث شغلی و همچنین میزان فراوانی آن در مکانی همچون بیمارستان با توجه به ماهیت خدماتی که ارائه می‌دهد اجتناب ناپذیر است. این امر لزوم توجه به عوامل ایجاد کننده حوادث شغلی و برنامه ریزی دقیق از طرف مدیران را جهت هر چه امن تر نمودن فضای کاری در بیمارستان را می‌طلبد که در نهایت می‌تواند بر میزان بهره‌وری در بیمارستان اثر گذار باشد.

واژگان کلیدی: بیمارستان آموزشی، حوادث شغلی، خطرات شغلی، علل حوادث شغلی، بهره‌وری، کارکنان بیمارستان،

ایران



بررسی ارتباط بین سروصدا با مقیاس پردازش شناختی (CPI) در کارگران صنعت ذوب آهن

هادی علیمرادی^۱، علیرضا آجدانی^۲، مهسا نظری^۳

۱. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

۲. دکتری پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ایران

۳. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران nazarimahsa95@yahoo.com

زمینه و هدف: از مهم ترین عوامل زیان آوری که در صنایع به دلیل وجود ماشین آلاتی با دور بالا و حرکت های مکانیکی با سرعت های بالا وجود دارد، صدا می باشد. اختلالات روانشناختی ناشی از صدا شامل اضطراب، استرس، بی قراری، اختلال در خواب و اختلال در عملکرد ذهنی و پردازش اطلاعات (شناسایی محرک، گزینش پاسخ و برنامه ریزی پاسخ) می باشد. هدف از مطالعه بررسی پردازش شناختی و مقایسه فرآیند های تغییر اطلاعات موجود به صورت پردازش ذهنی در مغز است.

مواد و روش ها: این مطالعه مورد شاهی در سال ۱۳۹۸ روی ۳۰۰ نفر از افراد که نیمی از آن ها با صدای بالاتر از حد مجاز (۸۵ dB) مواجهه دارند و بقیه افراد با صدای مجاز (کمتر از ۸۵ dB) دارند انجام شده است. برای همسان سازی داده ها از روش همسان سازی گروهی استفاده شد به این جهت که نسبت سن و متغیرهای دموگرافیک در هر دو گروه به یک نسبت برقرار شد. داده های اندازه گیری صدا بر طبق ISO 9612 استراتژی مبتنی بر شغل انجام گرفت. هر یک از خرده مقیاس های پرسش نامه پردازش شناختی CPI شامل شش حوزه عمومی (بینایی، شنوایی، پردازش متوالی/منطقی، مفهومی/انتزاعی، سرعت پردازش، توجه) جهت سنجش پردازش شناختی بود. تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و با استفاده از آمار توصیفی و آزمون های آماری T-TEST، ANOVA صورت گرفت.

نتایج: در این مطالعه به بررسی حوزه های مختلف پردازش شناختی و ارتباط آن با سر و صدا بین کارگران شرکت ذوب آهن اصفهان پرداختیم. نتایج نشان داد در هر ۶ حوزه ی پردازش شناختی که شامل پردازش بینایی، پردازش شنوایی، پردازش متوالی/منطقی، پردازش مفهومی/انتزاعی، سرعت پردازش و توجه می باشد، نمرات گروه مورد به شکل معناداری کمتر از گروه شاهد بود ($p < 0.001$).

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد سروصدا از جمله عوامل تاثیرگذاری است که می تواند اثرات مخربی بر روی ابعاد مختلف پردازش شناختی کارگران مشغول به کار در محیط های پرسر و صدا بگذارد. لذا لازم است اقدامات لازم جهت پیشگیری از بروز مشکلات احتمالی در این حوزه برای این گروه از افراد صورت گیرد.

واژگان کلیدی: استاندارد ۹۶۱۲، پردازش شناختی، تراز فشار صوت، عملکرد ذهنی، ذوب آهن



شناسایی منابع اصلی صدا و ارائه روش های کنترلی براساس استاندارد ISO9612 در یکی از بیمارستان های خصوصی اصفهان

هادی علیمرادی^۱، علیرضا آجدانی^۲، مهسا نظری^۳

۱. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

۲. دکتری پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ایران

۳. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

nazarimahsa95@yahoo.com

زمینه و هدف: مشاهدات نشان داده اند که سروصدا در رأس فهرست شکایاتی است که توسط کارکنان و نیز از سوی بیماران گزارش شده است. بیمارستان ها از مراکز مهم و حیاتی خدمات عمومی هستند که ماهیت فعالیت در آنها و نوع خدمات ارائه شده ایجاب می کند تا محیطی آرام، بی صدا و ساکت داشته باشند هدف پژوهش حاضر شناسایی منابع اصلی صدا و ارائه روش های کنترل صدا در بیمارستان خصوصی شهر اصفهان بود.

مواد و روش ها: به منظور اندازه گیری آلودگی صوتی در بیمارستان از روش شبکه ای استفاده گردید. در مجموع در ۲۴۳ ایستگاه مطابق با الگوی ISO ۹۶۱۲ تراز فشار صوتی با رعایت زمان ۳۰ دقیقه اندازه گیری شد. به منظور پی بردن به منابع اصلی آلودگی صوتی، پرسشنامه استاندارد شده CPI توسط ۵۰۰ نفر از کارکنان تکمیل شد. داده ها بوسیله نرم افزارهای SPSS- EXCEL تجزیه و تحلیل گشت. در نهایت پیشنهادهای عملی جهت کنترل صدا پیشنهاد گردید.

نتایج: بیشترین تراز معادل صدا برابر با ۶۶/۸، ۶۰/۶ و ۷۴/۱ دسی بل به ترتیب در بیمارستان خصوصی اصفهان بود. منابع اصلی صدا در این بیمارستان، پرسنل و مراجعین، صدای درب، تهویه مطبوع، تجهیزات درمانی و تخت ها بودند. نتیجه گیری: به منظور کاهش صدا، تعدادی راهکارهای قابل اجرا پیشنهاد شده که شامل برنامه ریزی فضایی، انتخاب مصالح مناسب، کنترل آلودگی صوتی مربوط به خارج از ساختمان، کنترل آلودگی صوتی مربوط به داخل ساختمان و آموزش است.

واژگان کلیدی: آلودگی صدا، کنترل صدا، سر و صدا؛ پرسنل درمان، بیمارستان



ارزیابی عملکرد ریوی شاغلین صنعت تولید پودرهای معدنی

محسن حسامی آرانی^۱، بهنام مرادی^۲، پیمان خالقی ده آبادی^۳

۱. دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت محیط، مرکز تحقیقات بهداشت محیط دانشکده بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی ایران
۲. کارشناسی ارشد، مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان
khaleghi-p@kaums.ac.ir

زمینه و هدف: ماهیت فرآیندهای کاری معادن به گونه ای است که باعث تولید گردوغبار (سیلیس) می شود که علاوه بر آلوده سازی محیط کار منجر به ایجاد مشکلات حاد تنفسی در بین کارکنان شاغل در این صنایع می شود. بنابراین توجه به مسائل بهداشتی و سلامتی کارکنان این صنایع از اهمیت خاصی برخوردار است. این مطالعه با هدف ارزیابی عملکرد ریوی شاغلین صنعت تولیدکننده پودرهای معدنی انجام شد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر توصیفی- تحلیلی است و بر روی ۹۹ نفر از پرسنل شاغل در یکی از صنایع تولیدکننده پودرهای معدنی انجام شد. افراد مورد بررسی در این مطالعه به صورت تصادفی ساده و با معیار حداقل یک سال سابقه کاری از ۱۷ واحد شغلی انتخاب شدند. در این پژوهش ابتدا جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه تنفسی سنت جورج (Saint George Respiratory Questionnaire: SGRQ) استفاده و پس از آن اسپیرومتری و گرافی قفسه سینه انجام گرفت. کلیه نتایج توسط رادیولوژیست و پزشک متخصص طب کار بر مبنای سابقه استنشاق گردوغبار سیلیس و بر اساس استاندارد ILO مورد تفسیر قرار گرفت. در نهایت داده های جمع آوری شده با نرم افزار آماری SPSS-19 تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: یافته ها نشان داد میانگین سنی و سابقه کاری افراد مورد مطالعه به ترتیب ۴۲،۳۸ سال (۶۰-۲۵) و ۱۷،۰۲ سال (۱۹-۲) بود. همچنین یافته ها نشان داد که ۴۲/۴۲٪ شاغلین به صورت مستقیم و ۵۷/۵۸٪ از آنها به صورت غیر مستقیم با گردو غبار سیلیس و با غلظت های متفاوت در تماس بوده و از مجموع ۹۹ اسپیروگرام بررسی شده، ۸۲ نفر (۸۲٪) عملکرد ریوی نرمال داشته و ۱۵ نفر (۱۵٪) دارای مشکلات تحدیدی ریه و ۳ نفر (۳٪) با مشکلات انسدادی بودند.

نتیجه گیری: نتایج حاکی از آن است که افراد شاغل در صنعت تولید پودرهای معدنی با تغییر قابل توجهی در پارامترهای عملکرد ریوی مواجه بوده و احتمال ابتلا به اختلالات ریوی در آن ها بالاست. بنابراین لازم است به منظور پیشگیری و کنترل اختلالات ریوی علائم بالینی و شکایات تنفسی کارکنان در این صنایع مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اختلالات ریوی، گردوغبار، پرسشنامه SGRQ، پودرهای معدنی



رابطه بین مواجهه صوتی با حالات خلقی در سطوح مختلف بار کاری: مطالعه موردی در یک صنعت کاشی‌سازی

روح الله فلاح مدواری^۱، سمیه فرهنگ دهقان^۲، غلامحسین پور تقی^۳، میلاد عباسی^۴، فریدون لعل^۵

حمیده بیدل^۶

۱. استادیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران
۲. استادیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۳. مرکز تحقیقات سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، تهران، ایران
۴. دانشجوی دکترا، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۵. دانشجوی دکترا، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
۶. کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. hamidebidel@gmail.com

زمینه و هدف: صدا از جمله عوامل محیطی است که می تواند بر عملکرد ذهنی و جسمی افراد در محیط کار اثرگذار باشد. همین منظور این مطالعه با هدف بررسی مواجهه صوتی و حالات خلقی با توجه به سطوح مختلف بار کاری در کارگران صنعت کاشی سازی انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه مقطعی بر روی کارگران صنعت کاشی سازی انجام شد که بر اساس معیارهای ورود به مطالعه در نهایت ۵۰ نفر افراد مواجهه یافته با تراز بالای صدا از بخش تولید و ۵۰ نفر مواجهه نیافته از بخش اداری (گروه شاهد) انتخاب شدند. میزان مواجهه فردی با صدای محیط کار با استفاده از دزیمتری انجام شد. جهت ارزیابی حالات خلقی از چک لیست SACL استفاده شد. همچنین افراد پرسشنامه حساسیت به صدا را نیز تکمیل نمودند. جهت اندازه گیری بار کاری در بین کارگران از شاخص بار کاری NASA Task Load Index استفاده شد. از آزمون t و همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط بین متغیرها در سطوح مختلف بار کاری استفاده شد.

نتایج: میزان مواجهه صوتی در گروه های بار کاری کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد به ترتیب میانگین ۵۸، ۶۶، ۸۵ و ۸۷ دسی بل A بود. میانگین نمره حالات خلقی به ترتیب برابر با ۶۹، ۷۰، ۷۹ و ۷۶ در گروه های بار کاری کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد بود. ضریب همبستگی بین صدا و حالات خلقی بر اساس سطوح بار کاری از ۰/۳ در بار کاری متوسط تا ۰/۵۷ در بار کاری خیلی زیاد است.

نتیجه گیری: بار کاری از جمله فاکتورهای تاثیرگذار بر میزان اثرگذاری صدا بر عملکرد ذهنی و جسمی در افراد است. سطوح بالای بار کاری باعث افزایش اثرات نامطلوب صدا و تغییرات حالات خلقی در افراد می شود.

واژگان کلیدی: استرس صوتی، بار کاری، حساسیت به صدا، حالات خلقی، NASA TLX



بررسی نقش بارکاری در تشدید اثرات روانی نامطلوب ناشی از مواجهه با صدا

روح الله فلاح مدواری^۱، سمیه فرهنگ دهقان^۲، غلامحسین پور تقی^۳، میلاد عباسی^۴، فریدون لعل^۵
حمیده بیدل^۶

۱. استادیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران
۲. استادیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۳. مرکز تحقیقات سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، تهران، ایران
۴. دانشجوی دکترا، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۵. دانشجوی دکترا، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
۶. کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. hamidebidel@gmail.com

زمینه و هدف: صدا بعنوان یکی از متداول ترین عوامل زیان آور شغلی باعث اثرات نامطلوب شنیداری و غیرشنیداری در انسان می شود. بارکاری، بعنوان نیازهای چندگانه ذهنی و فیزیکی یک وظیفه است. هدف این مطالعه بررسی نقش بارکاری در اثرات روانی ناشی از مواجهه با صدا است.

مواد و روش ها: در این مطالعه مقطعی ۵۰ نفر از کارگران صنعت سرامیک که تحت مواجهه با صدای بالاتر از حد مجاز قرار داشتند مورد بررسی قرار گرفتند. اندازه گیری میزان مواجهه با صدا در محیط کار با استفاده از روش دزیمتری انجام شد. حالات خلقی افراد شامل دو زیرمقیاس استرس و تحریک با استفاده از چکلیست Stress-Arousal Checklist اندازه گیری شد. جهت اندازه گیری بارکاری در بین کارگران از پرسشنامه بارکاری NASA Task Load Index استفاده شد. از آزمون همبستگی پیرسون و پارشیال برای بررسی ارتباط بین متغیرها در سطوح مختلف بارکاری استفاده شد.

نتایج: دوزیمتری نشان میدهد که افراد در طول شیفت کاری خود با میانگین تراز صدای ۸۷ dBA مواجهه دارند که بیشتر از حد مجاز می باشد. بر اساس امتیاز بارکاری، افراد به دو گروه بارکاری متوسط (امتیاز ≥ 50) و بارکاری زیاد (امتیاز < 50) تقسیم شدند. در سطح متوسط امتیاز بارکاری نمره سه متغیر حالات خلقی، استرس و تحریک به ترتیب برابر با ۰/۷۸، ۳/۸۰ و ۴/۴۷ بوده و در سطح بالای امتیاز بارکاری به ترتیب برابر با ۰/۷۹، ۴/۴۵ و ۴/۶۹ میباشد که نشان میدهد افزایش بارکاری باعث افزایش اثرات نامطلوب صدا می شود ($P\text{-value} < 0.05$).

نتیجه گیری: بارکاری به عنوان یک عامل تشدید کننده اثرات نامطلوب روانی مواجهه با صدا عمل می کند. افراد در سطوح بالای بارکاری سطح بیشتری از استرس، عدم تمرکز و در نتیجه کاهش راندمان و خطای عملکردی را تجربه می کنند. بهینه سازی بارکاری بعنوان یک راهکار کنترلی کاهش اثرات نامطلوب غیرشنیداری صدا توصیه می شود.

واژگان کلیدی: بارکاری، اثرات غیرشنیداری صدا، دزیمتری، استرس



شناسایی مولفه های موثر و راه کارهای پیشگیرانه در بروز تصادفات راکبین موتور سیکلت در شهرستان

کرمانشاه سال ۱۳۹۷

وحید جلیلی^۱، زهرا پیرمرادی^۲

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید

بهشتی، تهران، ایران vahidjalili@sbmu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

مقدمه: تصادفات بویژه در کشورهای در حال توسعه نظیر کشور ما از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا علاوه بر اینکه همه ساله منجر به مرگ و مصدومیت تعداد زیادی از افراد جامعه می شود خسارات شدیدی را نیز بر اقتصاد ملی کشور وارد می سازد. موتور سیکلت سواران سهم قابل توجهی در بروز حوادث ترافیکی داشته و بیشتر از سایرین در معرض خطر آسیب و مرگ و میر قرار دارند. با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش با هدف شناسایی مولفه های موثر و راه کارهای پیشگیرانه در بروز تصادفات راکبین موتور سیکلت در شهرستان کرمانشاه انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع توصیفی- مقطعی بوده که در آن راکبین موتور سیکلت که به دلیل تصادف به بیمارستان آیت الله طالقانی کرمانشاه مراجعه کردند، مورد مطالعه قرار گرفتند. در این مطالعه داده ها با استفاده از یک پرسشنامه که توسط محققین تکمیل شد، جمع آوری گردید. برای تهیه این پرسشنامه از مقالات مرتبط، اطلاعات کتابخانه ای و همچنین اطلاعات مأمورین راهنمایی و رانندگی استفاده شد که روایی و پایایی آن نیز مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS در سطح معنی داری $P \leq 0/05$ صورت گرفت.

نتایج: در این مطالعه ۴۸۰ راکب موتور دارای شرایط مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج نشان داد عمده تصادفات مربوط به رده سنی ۳۴-۱۸ سال و در بین مردان بوده است. در ۶۶/۸٪ تصادفات افراد فاقد تجهیزات ایمنی از جمله کلاه ایمنی بودند. ۴۱٪ افراد مورد مطالعه سیگار و ۱۳/۸٪ مواد مخدر استعمال کردند. بیشترین جراحات مربوط به دست ها و اندام های تحتانی بود. همچنین بین جنس، نوبت کاری، نوع پوشش ایمنی، نداشتن تجربه رانندگی با موتور سیکلت، مصرف مواد مخدر و سیگار با نحوه آسیب دیدگی رابطه آماری معنی داری وجود داشت ($P < 0/05$). علاوه بر این عمده تصادفات در بازه زمانی ۵ غروب تا ۸ شب به وقوع پیوسته است.

نتیجه گیری: شدت بالای حوادث، کمبود امکانات و تجهیزات ویژه امداد و همچنین خستگی ناشی از کار و خواب آلودگی از جمله مولفه های مهم در افزایش تصادفات موتور سیکلت و جراحات ناشی از آن می باشد. بخشی از عوامل نیز زمینه های فرهنگی دارند از جمله پای بند نبودن به مقررات، چالش با نیروی انتظامی، فرار از کلاه ایمنی، ترک سوار و غیره. در راستای رفع این عوامل می توان از دوره های آموزش اختصاصی، ارتقای سطح آگاهی، سختگیری بیشتر در رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی، وضع قوانین واضح جهت رانندگی با موتور سیکلت، استفاده اجباری از تمامی وسایل حفاظتی استفاده کرد. همچنین وضع قوانین جدید در خصوص کنترل هر چه بیشتر مواد افیونی و مشروبات الکلی از جمله راهکارهایی است که در کاهش آمار حوادث ترافیکی می تواند نقش مهمی را ایفا نماید.

واژگان کلیدی: موتور سیکلت، حوادث ترافیکی، راه کارهای پیشگیرانه



بررسی کیفیت خواب و عوامل موثر بر آن در رانندگان تاکسی های برون شهری

وحید جلیلی^۱، زهرا پیرمرادی^۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران vahidjalili@sbmu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

مقدمه: حوادث ترافیکی یکی از مهمترین مشکلات در رانندگان وسایل نقلیه عمومی است که می تواند خسارات کلان مالی و جانی را بر جامعه تحمیل کند. یکی از مهمترین عوامل بوجود آمدن تصادفات مرگبار در جاده های کشور خستگی و خواب آلودگی رانندگان است. از مهمترین عواقب کیفیت خواب نامطلوب در رانندگان، کاهش توانایی عملکرد مناسب و به موقع است. بنابراین، هدف از انجام این پژوهش بررسی کیفیت خواب و عوامل موثر بر آن در رانندگان تاکسی های برون شهری کرمانشاه می باشد.

روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی و به روش مقطعی بوده که در آن ۸۵ نفر از رانندگان تاکسی برون شهری پایانه مسافری شهرستان کرمانشاه مورد مطالعه قرار گرفتند. انتخاب این رانندگان بصورت تصادفی ساده انجام گرفت. جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه ای شامل اطلاعات دموگرافیک و برای بررسی کیفیت خواب از پرسشنامه استاندارد کیفیت خواب پیترزبورگ (PSQI) استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۶ انجام شد.

یافته ها: نتایج دموگرافیک نشان داد میانگین سنی رانندگان $43 \pm 9/7$ سال و ۸۹/۴ درصد از رانندگان متأهل و ۱۱/۶ درصد از رانندگان مجرد بودند. حدود ۴۸٪ رانندگان، سابقه مصرف سیگار را گزارش کردند. نتایج حاکی از این واقعیت است که ۳۷/۲ درصد از رانندگان مورد مطالعه دارای کیفیت خواب مطلوب و ۶۲/۸ درصد از آنها از کیفیت خواب نامطلوب رنج می برند. همچنین بین کیفیت خواب نامطلوب، رضایت شغلی، تعداد شب های اقامت در منزل در مدت یک ماه، مصرف سیگار ارتباط معناداری از نظر آماری وجود دارد ($P < 0.05$). علاوه بر این نتایج نشان داد رانندگان با سن بالاتر کیفیت خواب پایین تری دارند.

نتیجه گیری: مطالعه حاضر در مجموع کیفیت خواب رانندگان تاکسی های برون شهری در پایانه های کرمانشاه را در وضعیت نامطلوبی نشان می دهد. باتوجه به این که خواب نامطلوب یکی از عواملی است که می تواند بر سلامت افراد و همچنین بروز حوادث رانندگی تاثیر بسزایی بگذارد، بنابراین پیشنهاد می شود که در مورد راه کارهای بهبود کیفیت خواب رانندگان مطالعات بیشتری انجام شود. همچنین باتوجه به تاثیر قابل توجه کیفیت خواب بر عملکرد افراد و وضعیت سلامت روانی آنها لازم مطالب مرتبط با بهداشت خواب به رانندگان آموزش داده شود. همچنین توصیه می شود برای رانندگی در جاده ها محدودیت سنی اعمال شده و برای رانندگان با سن بالاتر تعداد شیفت های کمتری در نظر گرفته شود.

کلمات کلیدی: کیفیت خواب، حوادث ترافیکی، رانندگان تاکسی برون شهری



ساخت و بررسی اعتباریابی پرسشنامه بررسی میزان رضایت کارکنان از وضعیت سیستم مدیریت بهداشت حرفه ای ، ایمنی و محیط زیست

فائزه عباسی بلوچخانه^۱، روح الله فلاح مدواری^۲، سمیه فرهنگ دهقان^۳

رعنا مستدام^۴، عباس پروانه^۵

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد ، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای ،دانشکده بهداشت ،دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
 ۲. دانشجوی دکترا ،رشته مهندسی بهداشت حرفه ای ، دانشکده بهداشت ، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
 ۳. هیئت علمی ، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای ،دانشکده بهداشت ،دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
 ۴. دانشجوی کارشناسی ، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای ،دانشکده بهداشت ،دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
 5. دانشجوی کارشناسی ، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای ،دانشکده بهداشت ،دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
- prwanhbas43@gmail.com

زمینه و هدف : در حال حاضر با توجه به توسعه شهرنشینی و افزایش رشد واحد های صنعتی اهمیت موضوعات بهداشت ، ایمنی و محیط زیست اهمیت بسیاری دارد . با توجه به عدم وجود پرسشنامه استاندارد در زمینه بررسی میزان رضایت کارکنان از وضعیت سیستم مدیریت بهداشت حرفه ای ، ایمنی و محیط زیست (HSE_MS) پژوهش حاضر با هدف طراحی و روان سنجی این ابزار صورت گرفته است.

مواد و روش ها : در این پژوهش پرسشنامه اولیه شامل ۶۰ سوال با کمک منابع علمی و نظرمتخصصان طراحی شد پس برای استاندارد سازی و اعتباریابی پرسشنامه ارزشیابی ، از ۱۲ نفر متخصصین در زمینه بهداشت حرفه ای و زمینه بهداشت ، ایمنی و محیط زیست (HSE) استفاده گردید . جهت تعیین اعتبار پرسشنامه از شاخص روایی محتوایی (CVI) و نسبت روایی محتوایی (CVR) و شاخص روایی صوری استفاده شد.

جهت بررسی پایایی پرسشنامه از روش آزمون آلفا کرونباخ و جهت بررسی همبستگی مقیاس های پرسشنامه از آزمون پیرسون و جهت تعیین کفایت مقدار داده و ماتریس همبستگی بین متغیرها از شاخص KMO و آزمون کرویت - بارتلت و برای تعیین میزان تکرار پذیری نسبی از شاخص ICC استفاده میشود و تمامی داده ها با استفاده از نرم افزار Exel و Spss15 تجزیه و تحلیل میشود .

نتایج : مقدار شاخص روایی محتوایی و نسبت روایی محتوایی در این پرسشنامه به ترتیب ۰,۸۵ و ۰,۸۱ گزارش شد و همچنین نتیجه همبستگی درونی برای تعیین پایایی با توجه به ضریب آلفا کرونباخ ۰,۸۲ گزارش شده است و نتیجه تکرار پذیری نسبی (ICC) برای کل پرسشنامه ۰,۸۷ بدست آمد و برای بخش های مختلف ۰,۶۸ تا ۰,۸۹ متغیر بوده است که در محدوده قابل قبول است. نتیجه آزمون پیرسون ۰,۷۵ و نتیجه شاخص روایی صوری (Impact score) نمره مساوی یا بیشتر از ۱,۵ داده شده است . و علاوه براین ، نتایج آزمون کرویت - بارتلت نشان داد که بین متغیرها همبستگی معنی داری وجود دارد و میزان آمار KMO

برابر با ۰,۸۴ می باشد .



نتیجه گیری: نتایج این پژوهش نشان داد پرسشنامه طراحی شده از لحاظ شاخص روایی محتوایی و نسبت روایی محتوایی بالاتر از حد استاندارد و به ترتیب ۰,۷۹ و ۰,۵۶ میباشد همچنین ضریب آلفا کرونباخ بدست آمده نشان دهنده آن است که پرسشنامه از نظر سازگاری درونی قوی میباشد. در نتیجه پرسشنامه طراحی شده جهت بررسی میزان رضایت کارکنان از وضعیت سیستم مدیریت بهداشت حرفه ای، ایمنی و محیط زیست با توجه به مناسب بودن روایی و پایایی آن می تواند در صنایع حال حاضر مفید واقع شود.

واژگان کلیدی: پرسشنامه، روایی و پایایی، سیستم مدیریت بهداشت حرفه ای، ایمنی، محیط زیست.



شناسایی و ارزیابی عوامل موثر در بروز مخاطرات در صنعت ساختمان؛ مروری سیستماتیک

فاطمه رجبی^۱، رعنا مستدام^۲، محمد امین جعفری کاشی^۳، عباس پروانه^۴

۱. کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، جهاد دانشگاهی، تهران، ایران

۲. کارشناسی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، جهاد دانشگاهی، تهران، ایران

۳. کارشناسی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، جهاد دانشگاهی، تهران، ایران

۴. کارشناسی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، جهاد دانشگاهی، تهران، ایران prwanhbas43@gmail.com

زمینه و هدف: از عوامل موثر اقتصادی و تولید ناخالص ملی هر کشور صنعت ساخت و ساز آن کشور محسوب می شود. صنعت ساختمان یکی از خطرناکترین صنایع از نظر تلفات مربوط به کار نرخ آسیب دیدگی و غرامت به کارگران شناخته شده است. رفتار غیر ایمن کارگران، نقش اصلی را در بروز حوادث در صنعت ساختمان بر عهده دارد. و بر طبق گزارش سازمان بین المللی کار نزدیک به ۴۵ درصد حوادث شغلی در دنیا را شامل می شود. لذا صیانت از نیروی انسانی فعال در این صنعت توجه ویژه ای را می طلبد. از این رو شناسایی و ارزیابی ریسک ها و فاکتورهای ایمنی گامی کلیدی و مهم در جهت بهبود حوادث می باشد. از این رو با مرور مطالعات گذشته، سعی در شناسایی یافته های مفید و مشخص نمودن گرایشات مطالعات آتی می باشد.

مواد و روش ها: در این پژوهش با هدف تجزیه و تحلیل داده های بدست آمده در زمینه بررسی فاکتورهای موثر بر عملکرد ایمنی و شناسایی موثر مخاطرات در صنعت ساختمان از طریق جستجو در پایگاههای اطلاعاتی از جمله google scholar، SID در بازه زمانی ده ساله از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ با استفاده از کلید واژه های ایمنی ساختمان، ارزیابی ریسک و.. مورد بررسی قرار گرفت. در مجموع تعداد ۴۵ مقاله جمع آوری گردید که از این تعداد ۳۲ مورد با موضوع مورد بررسی، تناسب داشته و مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

نتایج: تجزیه و تحلیل نتایج نشان داد علت اصلی بروز حوادث در صنعت ساخت و ساز، اعمال نایمن است از این رو بهبود درک خطر و آگاهی ایمنی در حد متوسط و همچنین ارتقاء سطح آموزش نیروی انسانی، راه کار اصلی در جهت کاهش بروز حوادث در این صنایع می باشد و اصل مهم دیگر، اعمال قوانین و مقررات سخت گیرانه تر در جهت بهبود وضعیت فعلی می باشد.

واژگان کلیدی: صنعت ساخت و ساز، ایمنی، ارزیابی ریسک



مروری سیستماتیک بر مطالعات صورت گرفته در زمینه اهمیت فرهنگ ایمنی و ارتباط آن با رضایت شغلی در محیط های کاری

محمد امین جعفری کاشی^۱، فاطمه رجبی^۲

۱. کارشناسی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، جهاد دانشگاهی، تهران، ایران

۲. کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، جهاد دانشگاهی، تهران، ایران rajabifateme90@yahoo.com

زمینه و هدف: فاکتورهای شغلی بر سطح سلامتی افراد تاثیر گذار می باشد. افراد در محیط های کاری با درجات متفاوتی از استرس های شغلی مواجهه دارند. در نتیجه این معضل شغلی، نیروی انسانی درگیر رفتارهای نایمن می شود که هر دوی این عوامل، در نتیجه عدم وجود برنامه ای مدون و کارآمد در زمینه فرهنگی ایمنی در محیط های کاری می باشد. در مطالعه حاضر به اهمیت جایگاه فرهنگ ایمنی و ارتباط آن با رضایت شغلی پرداخته شده است.

مواد و روش ها: این مقاله نوعی مطالعه مروری است که در آن جمع آوری اطلاعات از طریق جستجو در اینترنت (SID, google scholar) محدود به زبان فارسی بدون محدودیت زمان و با استفاده از کلمات کلیدی فرهنگ ایمنی و رضایت شغلی صورت گرفت. از بین مراجع، مقالات و کتب مرتبط، مواردی که مولفین صاحب نام و مجرب داشتند و بارها مورد استفاده قرار گرفته بودند، انتخاب گردیدند.

نتایج: با توجه به نتایج بدست آمده محیط کاری از عوامل تاثیرگذار بر کاهش نمره فرهنگ ایمنی می باشد. همچنین به دلیل رابطه مستقیم مشاهده، بین برنامه های مدیریت HSE و رضایت شغلی، بایستی این برنامه ها هر چه بیشتر و منسجم تر و با کیفیت بیشتری اجرا شوند.

نتیجه گیری: از این رو لازم است با برنامه ریزی و پیگیری های لازم برای بهبود و ارتقاء سطح ایمنی و بهداشت حرفه ای مانند استقرار سیستم های مدیریت ایمنی، بهداشت و محیط زیست در تمامی محیط های کاری، نیروی انسانی را تا حد توان از آسیب های شغلی محافظت نماییم.

واژگان کلیدی: فرهنگ ایمنی، رضایت شغلی، سلامت عمومی



مروری سیستماتیک بر مطالعات صورت گرفته در زمینه ارزیابی خطاهای انسانی در صنایع

پیشرفته

فاطمه رجبی^۱، محمدامین جعفری کاشی^۲

۱. کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، جهاد دانشگاهی، تهران، ایران

۲. کارشناسی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، جهاد دانشگاهی، تهران، ایران

aminjafari58@yahoo.com

زمینه و هدف: مطالعات انجام شده در زمینه حوادث صنعتی نشان می دهد عامل انسانی، اصلی ترین و مهم ترین نقش را در بروز حوادث دارد. و این عامل علت اصلی بروز ۷۰ تا ۹۰ درصد حوادث ناشی از کار در صنایع بشمار می رود. هر چند دستاوردهای حاصل از انقلاب صنعتی و پیشرفت های روز افزون در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات به شدت از حضور فیزیکی نیروی انسانی در محیط های کاری کاسته است ولی نقش و اهمیت عامل انسانی در کنترل و هدایت سیستم های کاری افزایش یافته است. و با وجود تلاش های مداوم برای کاهش خطاهای انسانی در سیستم های مختلف، اشتباهات و رفتارهای نا ایمن علت اصلی حوادث در محیط کار می باشد. بنابراین یک مرور سیستماتیک مطالعات گذشته، بهترین راه برای شناسایی یافته های مفید مطالعات گذشته و مشخص نمودن گرایشات مطالعات آینده در زمینه خطای انسانی می باشد.

مواد و روش ها: در این پژوهش با هدف بررسی مطالعات صورت گرفته در زمینه خطای انسانی در صنایع حساس و پیشرفته (پتروشیمی، فولاد و...) از طریق جستجو در پایگاه های اطلاعاتی (SID، google scholar) بدون محدودیت زمان با کلید واژه های خطای انسانی، پتروشیمی و ... با روش جستجوی موضوعی بررسی شد. در مجموع ۳۵ مقاله جمع آوری گردید که از این تعداد ۲۸ مورد مرتبط با موضوع بود و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: در مجموع خطاهای شناسایی شده پس از بررسی مقالات، خطاهای عملکردی در جایگاه اول، و سایر خطاها به ترتیب شامل خطاهای بازدید، خطاهای بازیابی، خطاهای ارتباطی و در نهایت خطاهای مربوط به انتخاب گزارش می باشد. و همچنین پیامد اکثر حوادث در این نوع صنایع شدید و بحرانی می باشد.

نتیجه گیری: با بررسی نتایج مشخص شد علت اصلی بروز حوادث در صنایع حساس و پیشرفته، اعمال نا ایمن اپراتورها می باشد که به دلیل عدم مهارت کافی و اشتباه در تصمیم گیری و همچنین درک نادرست از شرایط رخ می دهد. از این رو برای کاهش نرخ بروز حوادث در صنایع، بهبود دو عامل استخدام افراد با مهارت بالا و همچنین آموزش نیروی انسانی توصیه می شود.

واژگان کلیدی: خطای انسانی، صنعت فولاد، پتروشیمی، ارزیابی خطای انسانی



فرا تحلیلی بر نقش عملکرد های شناختی کارگران در عوامل موثر بر وقوع حوادث شغلی: مروری بر مطالعات انجام شده

معین نعمتی^۱، مهدی جعفری ندوشن^۲، محمد محمدی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوق یزد
Moein.nemati78@yahoo.com
۲. دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوق یزد

زمینه و هدف: حوادث شغلی به عنوان یکی از اصلی ترین علت های آسیب و مرگ در کشورهای در حال توسعه است. شناسایی عوامل وقوع خطر و حادثه در مشاغل و محیط های کاری می تواند در جهت ارتقای سلامت کارگران و پیشگیری از وقوع حوادث باشد. خطای انسانی و فاکتورهای مرتبط با آن یکی از عوامل وقوع حوادث است که می توان به عملکردهای شناختی مانند درک، توجه، دقت و تمرکز اشاره کرد. هدف از انجام مطالعه بررسی میزان توجه به عملکرد های شناختی در میان دیگر موارد ثبت شده به عنوان عوامل وقوع حادثه است.

مواد و روش ها: این مطالعه با مرور و تحلیل مقالات و مستندات جست و جو شده در پایگاه های داده معتبر فارسی زبان SID, MAGIRAN, و خارجی زبان PUBMED, GOOGLE SCHOLAR و با استفاده از سرواژه های فارسی حوادث شغلی، عملکرد شناختی، کارگران و انگلیسی "Accidents", "Cognitive Factors" انجام شده است. سپس با استفاده از جدول های موجود در مقالات، عوامل مرتبط با عملکردهای شناختی انسان شناسایی و مورد بررسی و مقایسه قرار گرفتند.

نتایج: در مجموع تعداد ۷۰ متن در جست و جوی اولیه شناسایی شد؛ پس از بازبینی و مطالعه عناوین و حذف موارد بی ربط تعداد ۱۸ مقاله با موضوع مورد نظر بدست آمد که مورد مطالعه دقیق قرار گرفت. در میان عواملی که به عنوان حادثه شغلی گزارش شده بودند، در محیط های کاری صنعتی اغلب به شرایط نایمن، نقص دستگاه، بی احتیاطی و نداشتن آموزش کافی اشاره شده بود. در محیط های بهداشتی درمانی عوامل ارتباط بیشتری با فاکتور های انسانی مانند عدم آگاهی، عدم دقت و خستگی، داشت.

نتیجه گیری: همانطور که گفته شد در فاکتورهای انسانی موثر بر وقوع حوادث بیشتر به خطای انسانی و اعمال نایمن اشاره شده است و به جایگاه عملکرد های شناختی و روانی در ثبت گزارشات کمتر توجه گردیده است. عواملی مانند حجم زیاد کار، کار طولانی، کمبود خواب و عجله بر متغیرهای شناختی انسان مانند دقت، تمرکز و توجه تاثیرگذار است و احتمال وقوع حوادث با این عوامل مرتبط است لذا لازم است در شغل هایی که به صورت شیفت های چرخشی و شیفت شب هستند به عوامل شناختی بیشتر توجه گردد.

واژگان کلیدی: حوادث شغلی، عملکرد شناختی، کارگران، خطای انسانی



شناسایی عوامل پنهان آسیب زا در مدارس و میزان توجه به آن ها ، با هدف ارتقای سلامت و امنیت دانش آموزان ابتدایی

معین نعمتی^۱، محمد محمدی^۲، سیده نجمه تقوی نسب^۳

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد
Moein.nemati78@yahoo.com
۲. دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد
۳. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، کارشناس پژوهش اداره آموزش و پرورش فارس

زمینه و هدف: دانش آموزان دوره ابتدایی به عنوان کودک در دسته افراد آسیب پذیر در جامعه و گروه حساس شناخته می شوند. خانه و مدرسه محیط هایی هستند که یک کودک بیشتر زمان زندگی خود را در آن می گذراند. این مکان ها باید از نظر وضعیت ایمنی و بهداشتی به گونه ای مدیریت و بهینه شوند تا سلامت و امنیت این گروه حساس تامین گردد. در این میان توجه به ایمنی مدارس به دلیل حضور جمع کثیری از دانش آموزان در زمان واحد حائز اهمیت بالایی است. بنابر این شناسایی خطرات و عوامل زیان آور در مدارس می تواند اقدامی موثر در این جهت باشد.

مواد و روش ها: در این مقاله برای تشخیص عوامل آسیب زا و زیان آور در مدارس از تکنیک های متفاوت در ارزیابی و شناسایی خطرات استفاده شده است. سپس در پنج دسته عوامل زیان آور فیزیکی، شیمیایی، ارگونومی، بیولوژیکی و ایمنی از دیدگاه بهداشت حرفه ای طبقه بندی شده و مورد بررسی قرار گرفتند. در ادامه عوامل تهدیدکننده سلامت و امنیت در کودکان و در مدارس در دسته های نام برده ثبت شدند. سپس با استفاده از روش الویت بندی تعدادی از موارد در مرحله اول براساس فاکتور مواجهه حذف گردید و در مرحله بازمینی با استفاده از نظر تعدادی کارشناس خبره، لیست نهایی رتبه بندی شد.

نتایج: پس از تهیه لیست نهایی در پنج دسته، ۷۳ مورد عامل آسیب زا به سلامت و امنیت دانش آموزان شناسایی گردید. در عوامل زیان آور فیزیکی ۱۴ مورد، شیمیایی ۶ مورد، ارگونومی و بیولوژیکی هر کدام ۹ مورد تشخیص داده شد. در حوزه ایمنی، ۳۵ مورد تهدید کننده در دو گروه شرایط نا ایمن و اعمال نا ایمن به ترتیب ۲۵ و ۱۰ مورد ارزیابی شدند.

نتیجه گیری: نتایج بدست آمده از این تحقیق نشان می دهد که طبق نمره های دریافتی، به عوامل فیزیکی زیان آور کمترین توجه صورت می گیرد. در حوزه ایمنی، بیشترین تعداد خطرات تهدید کننده سلامت ثبت گردید که درصد بالایی از آن در گروه شرایط نا ایمن قرار داشت. نمره دریافتی به موارد گروه ایمنی نشان می دهد که در شرایط نرمال توجه به عوامل مربوط به این حوزه در الویت مدارس قرار دارد و آموزش و کنترل در عوامل ایمنی به طور جدی دنبال می شود. اما در این میان آنچه که اهمیت دارد، لزوم توجه به موارد پنهانی عوامل زیان آور فیزیکی و ارگونومی مانند رفع خیرگی چشم در بازتاب نور از تابلو، آموزش استفاده صحیح از کیف و کوله و... است.

واژگان کلیدی: مدرسه، دانش آموز، کودک، عوامل زیان آور، ایمنی، خطرات



ارزیابی همبستگی بروز خطاهای پزشکی با میزان خستگی و بارکاری ذهنی در پرستاران

، یک مطالعه ی مروری

شمس الدین ساعد موچشی^۱

۱. کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته ی تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز
shams1392@yahoo.com

زمینه و هدف: سازمان ملی بهداشت و ایمنی شغلی آمریکا، شغل پرستاری را در فهرست ۴۰ چهل شغل با میزان بالای بیماری های مربوط به فشار ناشی از بارکاری اعلام کرده است، بارکاری به لحاظ ساختار از ابعاد و پیچیدگی خاصی برخوردار است به نحوی که تحت تاثیر فاکتورهای ساختار - سازمانی، نیازمندی های فراتر از وظیفه، محیط کار، فاکتورهای روانی - اجتماعی و توانمندی های شناختی و اداری است. ارزیابی خستگی شغلی و بارکاری ذهنی کارکنان در محیط کار یکی از مباحث مهم WHO و از جمله دغدغه های مهم برنامه ریزان و سیاستگذاران نظام سلامت است چرا که خستگی شغلی و بارکاری ذهنی عامل بالقوه در افزایش بروز خطاهای پزشکی در مراکز درمانی است.

مواد و روش ها: در این مطالعه مروری به ارزیابی همبستگی بروز خطاهای پزشکی با میزان خستگی و بارکاری ذهنی در پرسنل وکادر درمانی و بیمارستان ها پرداخته شده است و از مجموع ۳۷ مقاله جمع آوری شده از پایگاه های داده: Web of science, Google Scholar, Pub Med, SID, Magiran, Iran Medex, Scopus science در مجموع ۱۱ مقاله به زبان های فارسی و انگلیسی و از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹، مطابق با هدف مطالعه انتخاب و اطلاعات مربوطه استخراج گردید.

نتایج: نتایج ۱۱ مقاله انتخاب شده نهائی نشان داد که در بیشتر مراکز درمانی، کارکنان بالاخص اغلب پرستاران واحدشان را از نظر میزان بارکاری ذهنی و خستگی شغلی و ایمنی دارای مشکل اعلام کرده اند، پرستاران در راس کادر درمان بیمارستان محسوب می شوند که جهت انجام وظایف خود با میزان بالایی از بارکاری ذهنی مواجهه دارند، پژوهش های انجام شده نشان می دهد که بارکاری زیاد کیفیت و کمیت مراقبت های درمان را کاهش داده و همکاری پرستار و پزشک و ارتباط بیمار و پرستار را تضعیف می نماید، طبق آمار اعلام شده وزارت بهداشت، حدود هشتاد درصد جمعیت پرسنل کادر درمان در بیمارستان های کشور را پرستاران تشکیل می دهند و از جمله علل استرس شغلی در پرستاران بارکاری ذهنی فراتر از توان اعلام شده است، نیز بارکاری عامل تنش زا در رفتار و عملکرد پرستاران محسوب شده و اثرات منفی برجای می گذارد. بنابر مطالعات انجام شده بین سه تا هفده درصد از بیماران در طول دوره ی درمان در معرض خطای پزشکی قرار می گیرند که این میزان از خطا با ارائه ی آموزش های ایمنی و کاهش بارکاری ذهنی و خستگی شغلی قابل کاهش است، رابطه خستگی با ایمنی، عملکرد و آسیب در پرستاران در مطالعات مختلف تایید شده است به عبارتی خستگی عامل بالقوه در افزایش بروز خطای انسانی است نیز میزان خستگی و بارکاری ذهنی ارزیابی شده در زنان نسبت به مردان بیشتر اعلام شده است، از جمله فاکتورهای تاثیر گذار در بروز بارکاری ذهنی زیاد و



خستگی کارکنان در محیط کار می توان به استرس های شغلی مزمن و حاد ، حجم کار زیاد ، وجود امکانات و منابع انسانی ناکافی ، شیفت کاری زیاد ، عدم انگیزه و ناکامی در محیط کار ، پایین بودن دستمزد ، حمایت شغلی ضعیف ، عدم مهارت لازم در حرفه ، عدم امنیت و استقلال شغلی ... اشاره کرد.

نتیجه گیری: با توجه به مطالعات انجام شده ، بررسی عوامل مؤثر بر خستگی در پرستاران حائز اهمیت است. عوامل فیزیولوژیکی مثل : ریتم شبانه روزی ، عوامل روانی مانند استرس، هوشیاری، خواب آلودگی، عوامل رفتاری ، الگوی کار، عادات خواب، عوامل زیست محیطی و مطالبات کاری خستگی را تحت تأثیرقرار می دهد، بنابر نتایج انجام شده ، مابین افزایش مرگ و میر و بارکاری وارده بر پرستاران رابطه ی معنی دار وجود دارد . مشکلات روحی و پایین بودن کیفیت زندگی کاری با میزان بارکاری وارده به پرستاران رابطه ی مستقیم دارد .

مهندسی فاکتورهای انسانی از جمله عوامل مؤثر در بوجود آمدن آسیب ها و سوانح کاری را نبود تناسب مابین بارکاری وارده به فرد و توانمندی ها و محدودیتهای او ذکر می کند ، ازجمله عوامل اثرگذار بر بهداشت شغلی و سلامت و امنیت و آسایش افراد بارکاری ذهنی وارده به آنها می باشد.

به منظور کاهش بارکاری ذهنی و خستگی در میان کارکنان شاغل در مراکز درمانی افزایش تعداد پرستار نسبت به بیمار ، ممانعت از شیفتهای پی در پی خارج از توان پرستاران و انجام آزمون های پیش از استخدام و بدو استخدام و گزینش افراد مناسب ضروری است .

واژگان کلیدی: خطاهای پزشکی ، خستگی شغلی ، بارکاری ذهنی ، بیمارستان



بررسی عوامل موثر بر میزان بهره وری کارکنان سازمان ها و صنایع؛ مروری بر مطالعات گذشته

حسین ضامنی^۱، وحید میرزائی^۲، الهه چوبینه^۳، ثریا مهرزاده^۴، علی بنی نصرت^۵

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز Hossein.zameni78@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

۳. دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

۴. دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

۵. دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

زمینه و هدف: توسعه و سرعت رشد صنایع در دهه های اخیر نشانگر آن است که کشورمان در حال گذر از یک اقتصاد نیمه صنعتی به صنعتی است. توجه به نیروی کار و بهره وری بودن آن می تواند ضمن سرعت بخشیدن به رشد و توسعه صنعتی، آن را در مسیری صحیح و اصولی هدایت کند. لذا در این پژوهش با استفاده از مطالعات انجام شده به بررسی عوامل موثر بر میزان بهره وری کارکنان در سازمان ها و صنایع مختلف در قالب یک مطالعه مروری پرداخته شده است.

مواد و روش ها: در مطالعه حاضر جهت دستیابی به مقالات انجام شده از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰، جستجو از پایگاه های اطلاعاتی شامل SID، IranMedex، Google scholar، Science Direct، PubMed، با استفاده از واژگان فارسی: بهره وری، عملکرد، استرس شغلی، فرسودگی، ارگونومی، صدا، روشنایی، استرس های محیطی (گرما- سرما) و واژگان انگلیسی Productivity، Performance، Job stress و انجام پذیرفت.

نتایج: به طور کلی ۵۰ مقاله از بین ۱۲ مجله برای مطالعه انتخاب شدند. ۴۰٪ (۲۰ مقاله) مطالعات به بررسی تاثیر استرس شغلی بر بهره وری عملکرد نیروی کار پرداخته بودند. ۱۰٪ (۵ مورد) مقالات به بررسی تاثیر فرسودگی شغلی بر بهره وری نیروی کار، ۳۰٪ (۱۵ مقاله) به تاثیر عوامل فیزیکی محیط کار بر بهره وری کارکنان و ۲۰٪ (۱۰ مقاله) به بررسی تاثیر عوامل ارگونومیکی بر روی بهره وری کار پرداخته اند.

نتیجه گیری: نتایج پژوهش های انجام شده نشان داد ارتباط مستقیمی بین استرس شغلی بالا در محیط های کاری و میزان بهره وری نیروی کار وجود دارد. به طوری که هرچقدر در فعالیت های کاری استرس شغلی بالا بود به همان نسبت از میزان بهره وری و عملکرد کارکنان کاسته شده است. ولی به نظر می رسد در آینده جهت حصول نتایج دقیق تر نیاز به مطالعات تحلیلی با کنترل متغیرهای مداخله کننده لازم است. همچنین نتایج نشان داد محیط های کاری طولانی مدت و فرسایشی باعث افت عملکرد کارکنان و به دنبال آن کاهش بهره وری نیروی کار شده است. در نهایت مواجهه با سطوح زیان بار عوامل فیزیکی و شرایط نامناسب ارگونومیکی بر پارامترهای عملکردی و بهره وری اثرات سوء داشته و با بدتر شدن شرایط و تماس، اثرات سوء افزایش می یابد.

واژگان کلیدی: بهره وری، استرس شغلی، ارگونومی، فرسودگی، صدا، استرس های گرما- سرما



تجزیه و تحلیل حوادث خطوط لوله مایعات هیدروکربنی با استفاده از روش Bow tie

الهام محمودی^۱، عمران احمدی^۲، سیدباقر مرتضوی^۳، حسن اصیلیان مهابادی^۴

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس

۲. عضو هیئت علمی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس

۳. عضو هیئت علمی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس Mortaza@modares.ac.ir

۴. عضو هیئت علمی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس

زمینه و هدف: امروزه سهم زیادی از انتقال مایعات خطرناک از جمله مایعات هیدروکربنی بر عهده خطوط لوله انتقال می‌باشد. با وجود اینکه خطوط لوله، ایمن ترین و اقتصادی ترین راه انتقال می‌باشند، اما گستردگی خطوط در مناطق مختلف عملیاتی و حتی مسکونی و همچنین پتانسیل بالای آسیب پذیری، اهمیت پیشگیری از حوادث خطوط لوله را روشن می‌سازد. جهت پیشگیری از اینگونه حوادث، شناسایی، ارزیابی و تجزیه و تحلیل علل به وجود آورنده این حوادث، جهت طراحی استراتژی‌های پیشگیرانه ضروری است که به این منظور تجزیه و تحلیل حوادث رخ داده، می‌تواند بسیار مفید واقع شود. در این مطالعه، برخی از حوادث رخ داده در جهان، با استفاده از رویکرد گذشته نگر روش Bow Tie مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه، ۸۲ حادثه خطوط لوله مایعات هیدروکربنی جهان از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸، با استفاده از رویکرد گذشته نگر روش Bow Tie، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. به این صورت که در هر حادثه با در نظر گرفتن رویداد اصلی، براساس منطق مخصوص نمودار، علل اصلی و فاکتورهای مشارکت کننده در یک سمت نمودار و همچنین علل شکست موانع ایمنی و پیامدها در سمت دیگر، شناسایی و طبقه بندی شد.

نتایج: براساس حوادث آنالیز شده، پرتکرارترین حادثه، انفجار بوده است و از بین هجده نوع مایع هیدروکربنی مختلف در حال انتقال، خطوط لوله نفت خام بیشترین تعداد حوادث را داشته است. همچنین بیشترین علت مربوط به خوردگی و خرابکاری بوده است. در بین فاکتورهای مشارکت کننده، بیشترین سهم مربوط به فاکتورهای مدیریتی و بعد از آن به ترتیب مربوط به فاکتورهای عملیاتی، تعمیر و نگهداری، تجهیزاتی و محیطی بوده است. در فاکتورهای مدیریتی، نبود نظارت و بازرسی، مدیریت ناصحیح و آموزش ناکافی، و در فاکتورهای عملیاتی، خطای انسانی به هنگام عملیات، بیشترین سهم را در وقوع حوادث داشته اند. همچنین پیامدها در حوادث حریق و انفجار، به طور متوسط هر حادثه ۸ کشته و ۵ مجروح، و در نشت و پارگی، متوسط خسارت مالی در هر حادثه ۴۷/۹۳۵ میلیون دلار بوده است. همچنین در ۱۶ حادثه گزارش شده، به طور کلی ۱۷۸،۷۰۹ بشکه از مایعات، از دست رفته است.

نتیجه گیری: براساس این مطالعه، علل حوادث خطوط لوله، به دو گروه علل ریشه‌ای و فاکتورهای مشارکت کننده تقسیم بندی می‌شوند که فاکتورهای مشارکت کننده شامل پنج زیرگروه فاکتورهای مدیریتی، عملیاتی، تعمیر و نگهداری، تجهیزاتی و محیطی می‌شود. این مطالعه نشان می‌دهد که شناسایی فاکتورهای مشارکت کننده به اندازه علل ریشه‌ای اهمیت دارد. نتایج این مطالعه می‌تواند به متخصصین و مدیریت جهت کنترل و پیشگیری از حوادث خطوط لوله مایعات هیدروکربنی کمک کند.

واژگان کلیدی: تجزیه و تحلیل حوادث، خطوط لوله انتقال، روش Bow Tie.



ادراک خطر و رفتارهای محافظتی در کارمندان ادارات پرتردد شهر قم در برابر بیماری کووید ۱۹

محمدرضا آزاده^۱، طاهره رضانی^۲، زهرا طاهری خرامه^۳

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران
۲. مرکز تحقیقات سالمندی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران
۳. استادیار، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران، قم: بلوار غدیر، روبروی ورزشگاه یادگار امام، مجتمع پردیس دانشگاه، دانشکده پیراپزشکی ztaheri@muq.ac.ir

زمینه و هدف: امروزه بیماری کووید-۱۹ به صورت پاندمی جهانی مطرح است و رفتارهای محافظتی در پیشگیری از بیماری مؤثرند. هدف از مطالعه حاضر، تعیین عوامل مؤثر بر رفتارهای محافظتی با استفاده از تئوری انگیزش محافظت در کارمندان ادارات دولتی پرتردد شهر قم می باشد.

مواد و روش ها: در این مطالعه مقطعی (توصیفی-تحلیلی)، ۲۳۲ کارمند ادارات دولتی پرتردد شهر قم با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها شامل پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و رفتارهای محافظت-کننده از بیماری کووید-۱۹ و مقیاس سازه های تئوری انگیزش محافظت بود. داده ها با استفاده از آمار توصیفی، معادلات ساختاری در محیط نرم افزار آماری اسمارت پی ال اس تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: میانگین و انحراف معیار سن شرکت کنندگان $39/8 \pm 8/7$ بود و $90/1$ درصد از ایشان را مردان تشکیل می دادند. بیش از نیمی از شرکت کنندگان ($53/8\%$) رفتارهای محافظتی بالاتر از میانگین داشتند. ارزیابی تهدید و ترس با انگیزش محافظت ($P < 0/05$ و $\beta = -0/060$) رابطه معنی داری نداشت. همچنین رابطه مثبت معنی دار بین انگیزش محافظت ($P < 0/05$) و $\beta = 0/214$ با رفتارهای محافظتی مشاهده شد. شاخص های برازش مدل مطلوب بود و مدل در مجموع توانسته ۵ درصد از تغییرات قصد انجام رفتارهای محافظتی را پیش بینی کند.

نتیجه گیری: یافته ها نشان داد که بین ادراک خطر و رفتارهای محافظتی ارتباط معناداری جود نداشته است. از نتایج مطالعه حاضر می توان در تدوین برنامه های آموزشی به منظور بهبود رفتارهای محافظتی در کارمندان شاغل در ادارات استفاده نمود.

واژگان کلیدی: رفتارهای محافظتی، کووید-۱۹، انگیزش محافظت، کارمندان



بررسی ایمنی تجهیزات زمین بازی کودکان در شهر سبزوار

مریم صالح آبادی^۱، فاطمه ابارشی^۲، محدثه نوری گلخندان^۳

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
۲. گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار fateme.abareschi@gmail.com
۳. دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

زمینه و هدف: حوادث ناشی از تجهیزات زمین های بازی کودکان، تهدیدی جدی برای سلامت آن ها محسوب می شود. امروزه زیان های ناشی از حوادث باعث توجه به ایمنی شده است و رعایت استاندارد های ایمنی در تجهیزات زمین بازی امری ضروری است. با توجه به اهمیت نقش کودکان در آینده جامعه، این مطالعه با هدف تعیین میزان ایمنی تجهیزات زمین بازی کودکان در شهر سبزوار انجام شده است.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر از نوع کاربردی است که در تمام زمین های بازی شهر سبزوار که دارای تجهیزاتی از قبیل تاب، سرسره و الاکلنگ هستند در مقطع زمانی پاییز و زمستان سال ۱۳۹۸ انجام شد. ارزیابی میزان ایمنی تجهیزات، با استفاده از چک لیست و بر اساس استاندارد های ۲-۶۴۳۶، ۳-۶۴۳۶ و ۶-۶۴۳۶ موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران انجام شد.

نتایج: بر اساس نتایج مطالعه حاضر در ۲ مورد از الزامات استاندارد ۲-۶۴۳۶ عدم انطباق وجود دارد و فاصله تاب از نرده ایمنی و حداقل فاصله تاب در حال سکون تا زمین رعایت نشده است. نتایج بررسی ایمنی سرسره ها نشان داد که در ۸ مورد از الزامات استاندارد ۳-۶۴۳۶ عدم انطباق وجود دارد و بخش خروج مناسب در سرسره ها، حداقل طول در بخش شروع سرسره و... رعایت نشده است. ارزیابی الاکلنگ ها نشان داد که در ۳ مورد از استاندارد های ملی ایران (شماره ۶-۶۴۳۶) عدم انطباق وجود دارد. همچنین بررسی ایمنی در زمین های بازی نشان داد مواردی از قبیل عدم وجود شکاف در تجهیزات، روشنایی استاندارد در زمین های بازی در طول شبانه روز، وجود کفپوش اسفنجی مناسب، مجاورت ورودی زمین بازی با خیابان اصلی، نصب برجسب سنی و دسترسی به آبخوری و توالت در تعدادی از زمین های بازی رعایت نشده است.

نتیجه گیری: نتایج به دست آمده از این مطالعه بر لزوم ارتقای ایمنی در زمین های بازی موجود در شهر سبزوار تاکید دارد. اصلاح نواقص موجود در تجهیزات زمین های بازی کودکان بر طبق استاندارد ها باید در اولویت قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ایمنی، تجهیزات، زمین بازی، کودکان



نقش آموزش در تغییر نگرش کارکنان نسبت به مسائل ایمنی (مطالعه موردی در یکی از واحدهای فولادسازی استان یزد-۱۳۹۸)

مهديه شفيعي زاده بافقي^۱، مجتبي مقدسي^۲، رضا جعفري ندوشن^۳، ابراهيم غلامرضا پور^۴
محمود دهقانزاده^۵

۱. کارشناس ارشد بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد
۲. کارشناس ارشد HSE، شرکت سنگ آهن مرکزی ایران، سرپرست واحد HSE سه چاهون motabahse@yahoo.com
۳. دکترای بهداشت حرفه ای، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، مدیر گروه HSE
۴. کارشناس ارشد مهندسی محیط زیست، مدیر واحد HSE شرکت سنگ آهن مرکزی ایران
۵. مدیر واحد آموزش و پژوهش شرکت سنگ آهن مرکزی ایران

زمینه و هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش آموزش در تغییر نگرش کارکنان نسبت به مسائل ایمنی در یک واحد صنعتی در استان یزد صورت گرفته است. بنابراین در ابتدا ابعاد و گویه های آموزش ایمنی، بهداشت و محیط زیست شناسایی شده و سپس وضعیت متغیرهای شناسایی شده ارائه گردیده است. در این تحقیق ابعاد آموزش HSE شامل واکنش به برنامه های آموزشی، تقویت یادگیری، تغییر رفتار و نتایج آموزش می باشد.

مواد و روش ها: برای گردآوری داده های مربوط به سنجش متغیرهای تحقیق از یک پرسشنامه محقق ساخته طیف لیکرت استفاده شده است که در مجموع شامل ۴ بعد و ۲۲ سؤال است. برای بررسی روایی پرسشنامه از روش اعتبار محتوا استفاده شده است. برای محاسبه پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید و پایایی پرسشنامه برابر ۰,۸۴۲ بوده که بسیار مطلوب ارزیابی گردیده است. جامعه آماری این تحقیق شامل بخشی از کارکنان یک واحد صنعتی در استان یزد است. پس از اطمینان از روایی و پایایی مقیاس های طراحی شده براساس محاسبات انجام شده با استفاده از فرمول کوکران، پرسشنامه ها در نمونه ای به حجم ۳۶۶ نفر توزیع شد.

نتایج: برای تجزیه و تحلیل داده های گردآوری شده و تعیین وضعیت متغیرها نیز از T تک نمونه بهره گرفته شده است. همچنین تجزیه و تحلیل داده های بدست آمده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS 23 صورت گرفته است. طبق تجزیه و تحلیل های صورت گرفته در رابطه با فرضیات پژوهش، اثربخشی برنامه های آموزش ایمنی، بهداشت و محیط زیست در این واحد صنعتی به ترتیب با میانگین ۳,۶۳۱ و آماره T برابر ۹,۴۶۸ از وضعیت مطلوبی برخوردار است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت وضعیت اثربخشی آموزش ایمنی، بهداشت و محیط زیست در این واحد صنعتی مطلوب است. همچنین وضعیت واکنش به برنامه های آموزش، تقویت یادگیری، تغییر رفتار کارکنان در اثر آموزش در این واحد صنعتی مطلوب است.

نتیجه گیری: بر اساس فرضیه وضعیت تغییر رفتار کارکنان در اثر آموزش در این واحد صنعتی مطلوب است، بنابراین می توان گفت: این شرکت باید از تیم HSE مستقر در شرکت بخواهد به صورت مستمر خطرات و حوادث ایجاد شده در شرکت و عوامل بروز آن ها را به صورت لیستی جمع آوری نمایند، این موارد را به عنوان عناوین مورد لزوم برای آموزش HSE معرفی نموده و



در صورت تغییر رفتار در هر بخش و تغییر رویه کاری بر اثر آموزش شرکت آن واحد یا فرد را مورد تشویق قرار دهد و کارکنان را ترغیب نمایند تا از سایر همکاران خود بخواهند موارد ایمنی را رعایت نمایند تا حادثه ای برای کل مجموعه رخ ندهد و بدین صورت از هم پشتیبانی نمایند.

واژگان کلیدی: آموزش HSE، واکنش به برنامه های آموزشی، تقویت یادگیری، تغییر رفتار



بررسی ارتباط بین احتمال رخداد خطر و کد ارزیابی ریسک در مدیریت ریسک یک کارخانه تولید روغن نباتی

محمد محمدی^۱، غلامحسین حلوانی^۲، معین نعمتی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد
mammadmammadian1998@gmail.com
۲. استادیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد
۳. دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

زمینه و هدف: همگام با رشد و توسعه صنایع در نیم قرن اخیر انجام اقدامات با رویکرد پیوسته و مستمر در مدیریت ریسک، رخداد رویدادها به میزان زیادی کاهش یافته است. در این مطالعه به منظور میزان تاثیر اقدامات کنترلی که در کاهش احتمال رخداد تاثیرگذار است اثر بخشی آن را در کد ارزیابی ریسک مطالعه می کنیم.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی است که به منظور انجام مدیریت ریسک و تعیین آیت‌های مربوط به معادله ریسک به صورت نیمه کمی در یک کارخانه روغن نباتی به دست آمده است. در این مطالعه از استاندارد صنایع نظامی به منظور تعیین ماتریس ریسک استفاده شده است و در ضمن کد ارزیابی ریسک و تغییرات آن قبل و بعد از پیشنهاد اقدامات کنترلی بویژه احتمال رخداد خطر مقایسه گردیده است.

نتایج: بین متغیر احتمال قبل و بعد از اقدامات کنترلی در واحد قوطی سازی با $(P=0.157)$ ارتباط معنی داری وجود نداشت ولی بین کد ارزیابی ریسک قبل و بعد از اقدامات کنترلی در واحد قوطی سازی ارتباط معنادار آماری وجود داشت و در واحد خنثی سازی قبل و بعد از اقدامات کنترلی با احتمال خطر و نمره ریسک ارتباط معنی داری وجود داشت.

نتیجه گیری: بر اساس یافته های این مطالعه و ارزیابی ریسک با روش نیمه کمی به منظور افزایش قابلیت اطمینان سخت افزاری با تعیین میزان اثربخشی کاهش احتمال رخداد در کد ارزیابی ریسک، اقدامات بهینه در کنترل ریسک مورد و سنجش قرار خواهد گرفت.

کلمات کلیدی: مدیریت ریسک، کنترل خطر، احتمال خطر، کارخانه روغن نباتی



طراحی و بررسی ویژگی های روانسنجی پرسشنامه آگاهی و عملکرد کشاورزان پسته کار در باره ایمنی سموم دفع آفات پسته

بتول مسروری^۱، طاهره دهداری^۲، آزاده اشتری نژاد^۳، پروانه یکزمانی^۱

۱. کارشناسی ارشد، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران

۲. دانشیار، مرکز تحقیقات ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران

۳. استادیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی ایران Azadeh_Ashtarinezhad@yahoo.com

زمینه و هدف: با استفاده روز افزون از سموم و به کارگیری انواع آفت کش ها در کشاورزی و به خطر افتادن سلامت افراد سنجش آگاهی و عملکرد افراد در جهت طراحی مداخلات آموزشی مناسب برای پیشگیری از تولید سموم بر محصول پسته یک اصل اساسی است. این مطالعه با هدف طراحی و اعتبارسنجی یک پرسشنامه در جهت تعیین آگاهی و عملکرد کشاورزان پسته کار در مورد ایمنی سموم دفع آفات پسته انجام شد.

مواد و روش ها: جهت انجام این مطالعه ابتدا با کمک متخصصین، کشاورزان و بررسی پیشینه تحقیقات پرسشنامه طراحی شد. از طریق مصاحبه با کشاورزان اعتبار صوری گویه های پرسشنامه و با استفاده از نظر متخصصان، اعتبار محتوای کمی آن ها بررسی شد. با استفاده از آزمون مجدد، پایایی سوالات ارزیابی شد.

نتایج: شاخص روایی محتوا و نسبت روایی محتوای همه سوالات پرسشنامه به ترتیب $\geq 0/79$ و $\geq 0/62$ بود. روایی صوری سوالات توسط کشاورزان مورد مطالعه تایید و برخی از اصلاحات اعمال شد. نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن نشان داد که پرسشنامه آگاهی ($r=1, p<0/0001$) و عملکرد ($r=0/99, p<0/0001$) دارای پایایی مناسبی بود. در نهایت، پرسشنامه طراحی شده شامل ۳۹ سوال آگاهی و ۲۲ سوال عملکرد بود.

نتیجه گیری: این پرسشنامه می تواند در زمینه سنجش آگاهی و عملکرد کشاورزان در مورد عوارض، شرایط نگهداری، حمل و نقل و دفع سموم دفع آفات پسته و طراحی مداخلات آموزشی مناسب برای کشاورزان مورد استفاده قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: آگاهی، عملکرد، کشاورزان، سموم دفع آفات پسته، روانسنجی



شناسایی و اولویت بندی علل عدم گزارش دهی خطا در پرستاران: مرور سیستماتیک

مهدی جعفری ندوشن^۱، علی مقصودی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یزد mjn495@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یزد

زمینه و هدف: ارائه خدمات مراقبتی مناسب و ایمن از حقوق اولیه بیماران و از وظایف اصلی سیستم ارائه خدمات سلامت محسوب می گردد. به همین جهت گزارش خطا های حرفه ای برای ارتقاء امنیت بیمار در بیمارستان امری ضروری می باشد. مطالعه حاضر با هدف مرور سیستماتیک مطالعات گذشته و به اشتراک گذاشتن یافته های مفید مطالعات در زمینه علل عدم گزارش خطا در پرستاران انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه به منظور یافتن مطالعات مرتبط، جستجو از طریق پایگاه های اطلاعاتی معتبر داخلی شامل Magiran، SID، IranMedex و پایگاه های بین المللی انگلیسی زبان شامل Google Scholar، Scopus، PubMed و Science Direct با کلید واژه های فارسی موانع گزارش دهی، خطای پرستاری، پرستاران و کلید واژه های انگلیسی "Nursing Errors"، "Barrier to Reporting"، "Nurses" و "Error" انجام شد.

نتایج: پس از جستجو، ۲۳۸ چکیده مقاله یافت شد. ۸۶ عنوان مقاله به دلیل اینکه در راستای اهداف مطالعه و معیار های ورود به مطالعه نبودند، حذف شدند. پس از بررسی ۱۵۲ چکیده به صورت مستقل، ۷۵ متن مقاله انتخاب و با مطالعه دقیق آنها در نهایت ۳۰ مقاله در راستای کامل موضوع مورد مطالعه انتخاب شدند.

نتیجه گیری: با تحلیل نتایج مشخص شد چهار عامل ترس از پیگرد های قانونی، عوامل مدیریتی، نگرانی از سوء سابقه و مشخص نبودن سیستم و فرآیند ثبت خطا از مهم ترین علل عدم گزارش خطا توسط پرستاران می باشد. همچنین بیشترین و کمترین علل عنوان شده به ترتیب عوامل مدیریتی (۲، ۲۴٪) و واضح نبودن تعریف اشتباهات (۲، ۳٪) بود.

واژگان کلیدی: خطا، گزارش دهی خطا، پرستاران، مرور سیستماتیک



مدل سازی آلودگی هوا با مدل آنالوگ الکتریکی و تاثیر آن بر قلب

وحید صفری دهنوی^۱، مهران صفری دهنوی^۲

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، رشته مهندسی برق، دانشکده برق، دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک) v.safari@aut.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری حرفه‌ای، رشته پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد نجف آباد

زمینه و هدف: آلودگی هوا و آلودگی محیط نه تنها برای سلامت افرادی که دچار بیماری‌های قلبی هستند، مضر هست؛ بلکه برای افراد سالم نیز خطرات بسیار جدی را در پی دارد. اغلب مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته است، نشان داده میزان مرگ و میر ناشی از عارضه قلبی در افرادی که در شهرهای آلوده زندگی می‌کنند، نسبت به کسانی که در هوا و محیط سالم‌تر قرار دارند، بیشتر است؛ اما موضوع قابل توجه اینکه آلودگی شدید هوا و محیط در کوتاه مدت، احتمال خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی و مرگ ناشی از آن‌ها را به خصوص در افرادی که مستعد این بیماری‌ها هستند و یا سابقه اینگونه بیماری‌ها را به هر دلیلی دارند، افزایش می‌دهد. ذرات معلق هوا، جز اصلی آلودگی هوا، به عنوان عامل اصلی اثرات زیان‌آور آلودگی هوا بر سلامت انسان در نظر گرفته شده است. هدف این پژوهش بررسی و مدل‌سازی آلودگی هوا و محیط به عنوان یک عامل ریسک مستقل برای بیماری‌های قلبی هست. در این پژوهش با مدل‌سازی قلب و آلودگی هوا و محیط به روش مدار معادل آنالوگ الکتریکی می‌توان اثرات آلودگی را روی قلب بررسی کرد. در عمل انجام بسیاری از آزمایشات روی موجود زنده از جمله قلب انسان خطرناک، هزینه‌بر و خلاف اصول هست. یکی از اهداف اصلی مدل‌سازی این است که می‌توان آزمایشاتی که بر روی سیستم اصلی تاثیرگذار هست، را روی مدل که شبیه سیستم اصلی هست را با کمترین هزینه انجام داد. در این خصوص می‌توان با مدل‌سازی قلب با المان‌های الکتریکی، آزمایشات مختلف را روی مدل که شبیه سیستم اصلی (در این پژوهش قلب انسان) انجام داد و با کمترین هزینه اثرات روی مدل که شبیه سیستم اصلی است را بررسی کرد.

مواد و روش‌ها: در این پژوهش برای مدل‌سازی قلب انسان و بررسی تاثیر آلودگی بر قلب از روش معادل آنالوگ استفاده شده است. در این خصوص می‌توان از مدار معادل الکتریکی (مقاومت، سلف و خازن) یا معادل مکانیکی (جرم، فنر و دمپر) استفاده کرد. در این پژوهش به علت اینکه مدار معادل آنالوگ الکتریکی کاربردی و متداول‌تر است، برای مدل‌سازی قلب از روش مدار معادل آنالوگ الکتریکی استفاده می‌شود.

آلودگی هوا نه تنها برای سلامت افرادی که دچار بیماری‌های قلبی هستند، مضر هست؛ بلکه برای افراد سالم نیز خطرات بسیار جدی را در پی دارد. اغلب مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته است، نشان داده میزان مرگ و میر ناشی از عارضه قلبی در افرادی که در شهرهای آلوده زندگی می‌کنند، نسبت به کسانی که در هوای سالم‌تر قرار دارند، بیشتر است؛ اما موضوع قابل توجه اینکه آلودگی شدید هوا در کوتاه مدت، احتمال خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی و مرگ ناشی از آن‌ها را به خصوص در افرادی که مستعد این بیماری‌ها هستند و یا سابقه اینگونه بیماری‌ها را به هر دلیلی دارند، افزایش می‌دهد. ذرات معلق هوا، جز اصلی آلودگی هوا، به عنوان عامل اصلی اثرات زیان‌آور آلودگی هوا بر سلامت انسان در نظر گرفته شده است. هدف این پژوهش بررسی و مدل‌سازی آلودگی هوا به عنوان یک عامل ریسک مستقل برای



بیماری های قلبی هست. در این خصوص در این پژوهش ابتدا قلب با المان های الکتریکی مدل می شود، سپس با مدل سازی آلودگی هوا با مدل آنالوگ الکتریکی، تاثیر آلودگی هوا روی قلب مورد بررسی قرار می گیرد. در این پژوهش، برای مدل سازی قلب و آلودگی هوا ابتدا به تعریف متغیرهای اصلی و ثانویه پرداخته می شود، سپس متغیرهای عرضی و عبوری معرفی می شود؛ پس از آن درجه اعتبار مدل، فرضیات مدل مورد بررسی قرار می گیرد و در نهایت مدل قلب و آلودگی هوا به صورت توامان بررسی می شود و تاثیر آلودگی هوا بر قلب مورد بررسی قرار می گیرد. در نهایت با توجه به مدل به دست آمده راهکارهایی برای کاهش تاثیر آلودگی هوا بر قلب مورد اشاره قرار می گیرد.

نتایج: ۱- مدل سازی قلب انسان با روش مدار معادل آنالوگ الکتریکی. **۲-** تعریف متغیرهای اصلی، ثانویه، عرضی و عبوری برای قلب انسان. **۳-** مدل سازی قلب انسان با المان های الکتریکی. **۴-** مدل سازی آلودگی هوا و محیط و بررسی تاثیر آلودگی روی سیستم قلب انسان. **۵-** بررسی راهکارهای کاهش اثر آلودگی روی قلب انسان. **۶-** یکی از اهداف اصلی مدل سازی پیش بینی رفتار سیستم اصلی هست. در این خصوص با ایجاد مدل آنالوگ الکتریکی می توان عملکرد قلب را پیش بینی کرد. هدف اصلی مدل سازی، انجام تست هایی هست که انجام آن ها روی سیستم اصلی هزینه بر و خطرناک است و با انجام این تست ها روی مدل می توان هزینه را کاهش داد. در این خصوص می توان به جای تست روی قلب انسان، انواع تست را روی مدل قلب انجام داد و نتیجه را مشاهده کرد.

نتیجه گیری: در این پژوهش در ابتدا تاریخچه ای از تاثیر آلودگی هوا بر بیماری های قلبی مورد اشاره قرار گرفت؛ سپس نحوه کلی مدل سازی مورد بررسی قرار گرفت پس از آن نحوه عملکرد قلب و مدل سازی قسمت های قلب با المان های الکتریکی مورد بررسی قرار گرفت. در قسمت بعدی با استفاده از روابط ریاضی و تشابه این روابط در قلب و المان های الکتریکی، المان های الکتریکی مشابه قلب معین شد. در این حالت مدل کامل الکتریکی قلب به دست آمد. در این حالت تاثیر آلودگی هوا با استفاده از مدار معادل آنالوگ الکتریکی مورد بررسی قرار گرفت و آلودگی هوا روی قلب مدل شد. در این حالت مشاهده شد که آلودگی هوا می تواند موجب کاهش حجم خون عبوری شود؛ چراکه آلودگی موجب اشغال حجم قلب و رگ می شود و کاهش سطح مقطع رگ باعث افزایش مقاومت و کاهش خون رسانی به بدن می شود. در این حالت برای اینکه بدن حجم خون قبل از آلودگی را به اندام های بدن برساند، باید فشار خون را بالا ببرد. در این حالت آلودگی در کوتاه مدت باعث افزایش کوتاه مدت فشار خون می شود و در صورتی که آلودگی به صورت بلند مدت برقرار باشد، می تواند باعث افزایش دائم فشار خون می شود که خطرناک است. به علاوه در این مدل سازی بیان شد که افزایش آلودگی موجب افزایش اینرسی در قلب می شود و این افزایش موجب تغییر نوع جریان از لایه ای به گردابی می شود که باعث کاهش خون رسانی می شود. مورد بعدی این است که افزایش آلودگی موجب کاهش ظرفیت قلب می شود که باعث کاهش خون رسانی به اندام ها می شود. در نتیجه آلودگی تاثیرات بسیار گسترده ای روی قلب دارد. در این حالت تاثیر این آلودگی در بلند مدت بسیار گسترده تر هست. در این حالت اولین و ساده ترین راهکار برای کاهش اثرات آلودگی برای کلیه افراد این است که آلودگی هوا و محیط کاهش یابد. ممکن است هر نفر در آلودگی هوا تاثیر نداشته باشد؛ ولی با کاهش آلودگی محیط می توان اثرات آلودگی را کاهش داد. راهکار دوم این است که در زمان های مشخص خون از آلودگی پاک شود و رسوبات قلبی و عروقی با استفاده از داروهای مناسب کاهش یابد. استفاده از ماسک باعث کاهش ورود آلودگی به بدن



می شود که موثر است. در استفاده از ماسک باید دقت داشت که ذرات معلق در بدن از نظر اندازه به سه نوع ریز، متوسط و درشت تقسیم می شوند. استفاده از ماسکها معمولاً در برابر ذرات ریز تاثیر زیادی ندارند؛ مگر اینکه از ماسکهای نانو یا فیلتر دار استفاده شود؛ لذا با این راهکارها می توان تا حدود زیادی از تاثیر آلودگی هوا روی قلب کاست و با استفاده از شبیه سازی مدل به دست آمده تاثیر هر کدام از عوامل را بررسی کرد.

واژگان کلیدی: مدل سازی، قلب انسان، مدار معادل آنالوگ الکتریکی، آلودگی هوا.



Measurement of the intensity of Solar Ultraviolet A Radiation at Date Harvest Time in Groves around Jiroft City Name of Authors: Times New

Mostafa Mohammadian¹, Esmail Charkhloo²

1. PhD student of Ergonomics, Department of Ergonomics, Faculty of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran mmohamadian63@gmail.com

2. Department of Environment Health Engineering, Faculty of Health, Jiroft University of Medical Sciences, Jiroft, Iran

Background: Solar Ultraviolet radiation type A leads to many skin disease. As workers such as peasants and other ones whose job is in uncovered places has exposure with this radious, in this study we aimed at measourment of the intensity of cosmic UV type A in palm-groves at wich workers gather date in the vicinity of Jiroft.

Material and Methods: This is a descryptive-analitical cross-sectional study through wich data were gathered from six different regions of Jiroft suburbs comprise of AnbarAbad, Qaleh Ganj, Fariab, Jiroft, Roodbar and Blook randomly. According to the date harvest time, we did our study through July and September 2017. The Hagner Digital Radiometer (EC1 UV-A) instrument was used to evaluate the intensity of UV radiation and then data was compared with standard tresholds advised by ACGIH. Moreover, altitude from sea level and latitude, elements which may have influence on UV radiation, were analysed.

Result: Our study showed that the average of UV radiation in Jiroft palm-groves is around 23.6 w/m^2 . Moreover, besed on our findings all UV radiations exceed permissible range announced by ACGIH during all work-hours except between 6-7 AM which is job start time (table2). However there was no significant correlation between UV-A and lattitude or height from sea level.

Conclusion: The range of UV-A, workers have exposure with during date-harvest is higher than permissible range advised by ACGIH.

Key words: UV measurements, Ultraviolet type A, Sunlight, Outdoor workers



بررسی خطای دارودهی پرستاران با روش شریا در بیمارستان های وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی تهران

مهديه مطيعي^۱، محمد اسلامي وقار^۲، خليل كلواني^۳، زينب عباسي^۴

۱. کارشناسی ارشد پرستاری، دانشگاه آزاد پزشکی تهران، تهران، ایران، mahdiehmotie71@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه آزاد پزشکی تهران، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری مدیریت خدمات بهداشت و درمانی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

۴. استادیار دانشگاه آزاد پزشکی تهران، تهران، ایران

زمینه و هدف: خطای انسانی جز لاینفک عملکرد انسان محسوب می شود که هیچ وقت به صفر نمی رسد لذا نیازمند این است که با استفاده از مدیریت ریسک، آن را به کمترین حد خود رساند تا بتوان گام های مهمی در ایمنی و رضایتمندی بیماران برداشت.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی- مقطعی در سال ۱۳۹۸ و در بیمارستان های منتخب شهر تهران انجام شد و مبتنی بر روش شریا و معرفی کاربرگ های این روش، با تاکید بر عملکرد دارودهی در پرستاران می باشد.

نتایج: از بین وظایف شناسایی شده در حیطه های مختلف مورد مطالعه، ۱۱۱ خطا شناسایی شد که از این تعداد، ۶۷ خطا (۶۰٪) خطای عملکردی، ۲۴ خطا (۲۴٪) خطای بازدید، ۴ خطا (۴٪) خطای بازیابی، ۸ خطا (۸٪) خطای ارتباطی و ۴ خطا (۴٪) خطای انتخابی بودند. همچنین خطاها در هر گروه بدین صورت بودند که خطاهای روند کلی دارودهی در تمامی بخش ها ۳۸، خطاهای دارودهی داروهای تزریقی و عضلانی ۲۱، خطاهای دارودهی داروهای افشانه، چشمی، پوستی، استنشاقی، مقعدی ۱۴، خطاهای دارودهی بخش های ICU و CCU ۲۱ و نهایتا خطاهای دارودهی در بخش دیالیز ۱۷ مورد بودند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعه، برگزاری آموزش های لازم و استفاده از رویکرد های پیشگیرانه خطر جهت شناسایی خطرات بالقوه و کنترل خطاها احساس می شود. در این خصوص با تدوین برنامه منسجم در راستای استقرار استانداردهای ملی اعتباربخشی در حیطه مدیریت خطا، گامی در جهت شناسایی و کنترل عوامل مستعد کننده بروز خطاهای انسانی در بیمارستان بردارند.

واژگان کلیدی: ارزیابی خطا، خطای انسانی، ریسک، شریا



ارزیابی ریسک حمل بار دستی گروه سنی حساس (کودکان و نوجوانان) شاغل در مزارع کشت گوجه فرنگی در شهرستان مرودشت استان فارس

ملیکا هوشمندی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان

mhhhsh.mh@gmail.com

زمینه و هدف: سازمان‌های خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO) و انستیتوی ملی ایمنی و بهداشت کار آمریکا (NIOSH)، کشاورزی را جزء خطرناک‌ترین مشاغل در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، عنوان کرده‌اند. بر اساس گزارش این سازمان‌ها، ۶۰ درصد کودکان در سراسر جهان در مزارع کشاورزی کار می‌کنند. کودکان انواع وظایف فرایند کاشت، داشت و برداشت محصولات را به عهده دارند، در مطالعه‌ی حاضر، به حمل سبدهای پلاستیکی سنگین پر شده از نشاء در مرحله‌ی کاشت، حمل سبدهای پلاستیکی سنگین پر شده از محصولات گوجه‌فرنگی در مرحله‌ی برداشت و همچنین به حمل مجموعه‌ای از سبدهای پلاستیکی خالی به صورت همزمان پرداخته می‌شود که غالباً به علت گرمای شدید هوای تابستان، کودکان و نوجوانان همراه بزرگسالان از هنگام سحر تا نزدیک ظهر (۸ ساعت) و بنا به نیاز در ساعات عصرگاهی نیز کار می‌کنند. این مطالعه با هدف ارزیابی ریسک حمل بار دستی گروه سنی حساس (کودکان و نوجوانان) شاغل در مزارع کشت گوجه‌فرنگی شهرستان مرودشت در تابستان سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

مواد و روش‌ها: مطالعه‌ی حاضر مقطعی و با جامعه‌ی آماری ۶۷ کارگر می‌باشد که به علت سن و سطح سواد کودکان، پرسشنامه به صورت مصاحبه‌ی حضوری انجام شد. در این مقاله از روش شاخص کلیدی KIM و پرسشنامه طراحی شده توسط سازمان بین‌المللی کار (ILO) که در سال ۲۰۰۴ منتشر شده، استفاده گردیده است. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS 16 تحلیل شدند. **نتایج:** نتایج این مطالعه نشان داد که در حمل سبدهای پلاستیکی سنگین پر شده از نشاء در مرحله‌ی کاشت، حمل سبدهای پلاستیکی سنگین پر شده از محصولات گوجه‌فرنگی در مرحله‌ی برداشت و در حمل مجموعه‌ای از سبدهای پلاستیکی خالی به صورت همزمان، ۴۹٫۶۵ درصد از افراد با ریسکی بیش از متوسط حمل بار دستی مواجه هستند، همچنین طبق محاسبات انجام شده بر اساس پرسشنامه مذکور، انحراف معیار ۰٫۸۳ و میانگین ۱٫۶۰ از ۳ می‌باشد.

نتیجه‌گیری: این شغل به علت فصلی بودن به صورت موقت و چند ماهه می‌باشد به همین علت افزایش آگاهی و آموزش تمارینات ورزشی، اصول ارگونومی در حمل بار (کاهش حمل مجموعه‌ای سبدهای پلاستیکی خالی یا پر، استفاده از تجهیزات حمل بار مناسب برای حمل سبدهای پر شده، استفاده از سبدهای با سایز کوچکتر و سبکتر و . . .)، به ویژه برای افراد گروه سنی حساس که به علت BMI کمتر نسبت به بزرگسالان نیازمند توجه ویژه هستند، توصیه می‌گردد.

واژگان کلیدی: حمل بار، مزارع گوجه‌فرنگی، ارگونومی، کودکان و نوجوانان



بررسی عوامل اصلی مؤثر بر ارتقای یادگیری دانشجویان کارشناسی بهداشت حرفه‌ای در درس ارگونومی (کرمانشاه، ۱۳۹۹)

مرضیه مرادی^۱، محمد رسول خزاعی^۲، نرگس شکر بیگی^۳، فرامرز قره گوزلو^۴، محمد امین رضایی^۵

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه lovelystars9797@yahoo.com

۲. استادیار، مرکز تحقیقات باروری و ناباروری، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

۳. استادیار، گروه معارف اسلامی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

۴. استادیار، گروه بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

۵. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

مقدمه و هدف: امروزه عدم توجه به اصول ارگونومی و رعایت نکردن آنها در محیط کار، صدمات اقتصادی بسیار زیادی را هم برای کارکنان و هم برای سازمان/شرکت ها به دنبال خواهد داشت. بررسی عوامل و معیارهای اصلی تعیین کننده ارتقای یادگیری دانشجویان از چالش‌های پیش رو محققان است. در این میان، استفاده از ابزارهای دقیق و بومی و اختصاصی برای دروس دانشگاهی بسیار حائز اهمیت است. بدین منظور، مطالعه حاضر با هدف بررسی عوامل اصلی مؤثر بر ارتقای یادگیری دانشجویان کارشناسی بهداشت حرفه‌ای در درس ارگونومی (کرمانشاه، ۱۳۹۹) صورت پذیرفت.

مواد و روش‌ها: این مطالعه توصیفی بر روی ۶۰ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی پیوسته رشته مهندسی بهداشت و ایمنی کار دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ انجام شد. در نهایت بر اساس روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۴۴ نفر در مطالعه شرکت کردند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته‌ای بود که ۱۵ گویه مرتبط با معیارهای اهمیت درس ارگونومی، کاربردهای آن در آینده کاری و عوامل مؤثر بر ارتقای میزان یادگیری آن را در مقیاس لیکرت چهارتایی دربرمی‌گرفت. روایی صوری و پایایی پرسشنامه توسط ۱۰ نفر از خبرگان تأیید شد و به صورت پایلوت توسط ۱۵ نفر از دانشجویان تکمیل و پس از رفع نقایص اجرا گردید. پس از جمع‌آوری داده‌ها، تعداد ۴ پرسشنامه ناقص حذف گردیدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS 26 و روش آمار توصیفی (فراوانی، میانگین) انجام گردید.

یافته‌ها: بیش از ۷۰٪ دانشجویان در ۱۰ گویه از ۱۵ گویه نظر کاملاً موافق و یا موافق داشتند. معیارهای اصلی انتخاب شده توسط دانشجویان در ارتقای یادگیری درس ارگونومی شامل: نگرش کاربردی بودن درس ارگونومی در آینده کاری، استفاده از تصاویر آموزشی و اینفوگرافی، پویانمایی، اشاره به خاطرات و تجربیات کاری اساتید در موضوعات درس، صمیمیت استاد با دانشجو، پرسش و پاسخ در کلاس، برنامه‌ریزی و زمان‌بندی فرستادن فایل‌های آموزشی، تدریس اساتید شاخص، مرور نکات کلیدی و جمع‌بندی در کلاس و کارگروهی بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به دست آمده، آشنایی اساتید مربوط به درس ارگونومی با روش‌های آموزشی متنوع موجود و استفاده از الگوهای تعاملی پویا و شیوه‌های مشارکتی می‌توانند در راستای بررسی عوامل اصلی دخیل در ارتقای یادگیری دانشجویان رشته‌ی بهداشت حرفه‌ای مؤثر واقع شود.

واژگان کلیدی: ارگونومی، بهداشت حرفه‌ای، آموزش، کرمانشاه



آنالیز حوادث شغلی در یکی از شرکت های بافندگی فرش ماشینی

پیمان خالقی ده‌آبادی^۱، سمیرا برکات^۲، بهنام مرادی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

۲. کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

۳. کارشناسی ارشد، مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران

b.moradi@sbm.ac.ir

زمینه و هدف: سالانه حوادث متعددی در صنایع رخ می‌دهد که هر کدام از این حوادث پیامدهای نامطلوبی از قبیل آسیب به تجهیزات، توقف تولید، زیان های اقتصادی، نقص عضو و حتی مرگ نیروی انسانی را به دنبال خواهند داشت. بنابراین پیشگیری از بروز حوادث و مدیریت آنها به یکی از مهمترین چالش های صنایع تبدیل شده است. این پژوهش با هدف آنالیز حوادث شغلی در یکی از شرکت های بافندگی فرش ماشینی انجام شد.

مواد و روش ها: مطالعه موجود یک مطالعه ی توصیفی - مقطعی است که در سال ۱۳۹۸ در یکی از شرکت های بافندگی فرش ماشینی انجام گرفت. در این مطالعه تمامی کارگرانی که در این شرکت طی سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ مشغول به کار بوده و دچار حادثه شغلی شدند، مورد بررسی قرار گرفتند. به منظور جمع آوری اطلاعات مربوط به حادثه دیده‌گان از فرم های گزارش حادثه موجود در شرکت و اداره کار و امور اجتماعی شهرستان استفاده شد. کلیه شاخص های توصیفی با استفاده از نرم افزار Excel بدست آمد.

نتایج: یافته ها نشان داد که افراد حادثه دیده حداقل ۱۷ سال و حداکثر ۴۶ سال سن داشتند و میانگین سن حادثه دیدگان ۳۲/۶۶ سال بود. همچنین از این تعداد ۷۵ درصد متاهل و ۲۵ درصد مجرد بودند. در این بررسی گروه سنی ۴۵-۴۰ سال بالاترین درصد حوادث را به خود اختصاص دادند. همچنین بیشترین درصد حادثه دیده گان با ۳۳/۳۳٪ متعلق به افرادی بود که در قسمت بافندگی مشغول به فعالیت بودند. از طرفی میانگین سابقه کاری حادثه دیدگان ۳۸/۵۲ سال بود که بیشترین افراد حادثه دیده در گروه با سابقه کاری یکسال و زیر یکسال قرار داشتند. در این مطالعه برخورد اشیاء با اندام های فرد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داد که در این میان بالاترین آسیب دیدگی مربوط به دست و به ویژه انگشتان بود. مطابق فرمول OSHA ضریب تکرار حادثه (Accident Frequency Rate: AFR) از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ به ترتیب ۲، ۴، ۱۴، ۱۳/۳۳، ۶۳ می باشد که نشان دهنده بدتر شدن وضعیت شرکت از لحاظ رعایت اصول ایمنی می باشد. از نظر ساعات وقوع حادثه به ترتیب بیشترین حوادث در ساعات ۱۸-۱۶ عصر با ۳۸/۸۸٪ و ساعات ۱۰-۸ صبح با ۳۰/۵۰٪ رخ داد که بالاترین نرخ بروز حوادث در شیفت عصر و کمترین آن مربوط به شیفت شب می باشد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد، با توجه به بالا بودن AFR و وضعیت نامطلوب ایمنی و همچنین رخداد حوادث گوناگون در طول این چند سال لازم است هرچه سریعتر مدیران مربوطه اقدامات ضروری را به منظور بهبود شرایط ایمنی تدوین و اجراء نمایند، چرا که این امر به خودی خود منجر به کاهش حوادث خواهد شد. همچنین پیشنهاد می شود که کمیته ای تحت عنوان کمیته تجزیه و تحلیل حوادث در صنایع مختلف به منظور ارزیابی و علت یابی دلایل بروز حوادث مختلف تشکیل شود تا مدیران از خروجی آن در جهت پیشگیری از وقوع حوادث بهره‌مند شوند.

واژگان کلیدی: حادثه شغلی، AFR، بافندگی فرش، آنالیز حوادث



بررسی تأثیر رعایت استاندارد های ایمنی و بهداشت در طراحی و انتخاب اسباب بازی ها در کودکان

زهرا علی قلی طایفه^۱

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته ایمنی صنعتی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

zahraagt7798@gmail.com

زمینه و هدف: یکی از شاخص های سطح سلامت یک جامعه، ارتقا سلامت کودکان می باشد و از آن جا که اسباب بازی ها نقش اساسی در رشد و سلامت کودکان را دارند رعایت برخی از استانداردها در طراحی و انتخاب آن ها به منظور ارتقای کیفیت سلامت و رشد کودک اهمیت زیادی پیدا میکند. استاندارد ها می توانند از طریق استفاده از تخصص فنی برای طراحی، کنترل تولید و الزام مقررات و ایمنی از طریق نماد ها و هشدار ها و دستوالعمل ها، نقش اساسی در کاهش و پیشگیری از آسیب ها را داشته باشند. از آن جا که کودکان اغلب قادر به درک خطرات پیرامون خود نبوده و در برابر بسیاری از خطرات آسیب پذیری بیشتری تری دارند، علاوه بر رعایت استانداردها های طراحی و تولید، آموزش و آگاهی والدین در انتخاب اسباب بازی ایمن اهمیت ویژه ای پیدا می کند.

مواد و روش ها: با انجام جستجوی نظام مند در پایگاه های الکترونیک Sid، Google Scholar به دو زبان فارسی و انگلیسی، مقالات مرتبط با ایمنی و بهداشت اسباب بازی های کودکان مورد بررسی قرار گرفته است. کلید واژه های جستجو شامل toy، Child safety و مترادفات آن ها بوده است. پس از بررسی عناوین و خلاصه یافته ها نتیجه گیری صورت گرفته است.

نتایج: بررسی مقالات و خلاصه ها پیرامون ایمنی کودکان نشان دهنده عدم رعایت برخی از استانداردها پیرامون مواد شیمیایی و سمی و خصوصیات فیزیکی، ابعاد استاندارد در اسباب بازی ها می باشد و در کنار مسائل مرتبط با رعایت نکات ایمنی و بهداشتی در طراحی و تولید، مطالعات نشان دهنده آگاهی ناکافی والدین در انتخاب اسباب بازی مناسب می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه عدم رعایت نکات ایمنی و بهداشتی در طراحی و انتخاب آن ها توسط والدین نقش مخربی در سلامت جسمانی و روانی همچون پرخاشگری و اضطراب در کودک و به دنبال آن در بزرگسالی می شود به منظور جلوگیری از عواقب آن می بایست مدیریت و کارشناسی های بیشتری بر نحوه تولید و واردات و هم چنین افزایش میزان آگاهی والدین در انتخاب اسباب بازی ایمن صورت بگیرد.



بررسی میزان مواجهه افراد با ویروس کرونا در مشاغل: یک مرور سیستماتیک

پریسا مهدوی^۱، سجاد گودرزی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی

شهید بهشتی، تهران، ایران Pmhdavi494@yahoo.com

۲. کارشناس پرستاری، مدیر اتحادیه علمی سلامت جامعه، شبکه جهانی آموزش و پرورش علمی (یوسرن)، تهران، ایران

زمینه و هدف: بیماری covid-19 یک بیماری تنفسی است که توسط ویروس SARS-COV-2 ایجاد می شود و نخستین بار در اواخر سال ۲۰۱۹ در شهر ووهان چین دیده شد. سازمان جهانی بهداشت با توجه به همه گیری سریع این ویروس در جهان، انجام کارهایی را در ارتباط با بهداشت فردی و عمومی در اجتماع و محیط های کار برای کاهش این همه گیری پیشنهاد داده است. محیط های کار متناسب با نوع و گستردگی هر شغل، دارای میزان متفاوتی از ریسک مواجهه با ویروس کرونا هستند؛ از این رو دستور العمل ها و ضرورت های بهداشتی با میزان متفاوتی از حساسیت و دقت برای انواع مشاغل تدوین شده است. هدف از این مطالعه، بررسی مشاغل مختلف از نظر میزان مواجهه با ویروس کرونا در محیط کار و جمع آوری اطلاعات موجود در مقالات و نشریات معتبر در خصوص این موضوع می باشد.

مواد و روش ها: در این مطالعه سیستماتیک بر اساس کلیدواژه های ویروس کرونا، کووید-۱۹، محل کار و ویروس کرونا، مشاغل و ویروس کرونا، مواجهه با ویروس کرونا در پایگاه های اطلاعاتی گوگل اسکالر، اس.آی.دی، مگیران، سایت رسمی سی.دی.سی و سایت رسمی سازمان بهداشت جهانی در بازه زمانی اوایل دسامبر ۲۰۱۹ تا کنون (اواسط اکتبر ۲۰۲۰) جست و جو پیشرفته انجام گرفت، که بر اساس معیارهای ورود و خروج مطالعه نهایتاً ۱۱ مطالعه مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفتند.

نتایج: در تمامی مشاغل، خطر مواجهه با ویروس کرونا در محیط کار به عواملی چون فاصله میان کارکنان، مدت زمان تماس و نوع تماس وابسته است؛ علاوه بر کارکنان مراقبتی و درمانی که در رأس مشاغل پرخطر هستند؛ دندان پزشکان و آرایشگران نیز به علت نوع تماس با افراد (که چهره به چهره می باشد و در معرض بزاق، خون و نفس بازدم افراد قرار میگیرند) در گروه مشاغل پرخطر هستند. علاوه بر آنها کارکنان در خطوط تولیدی کاخانه ها (که شیفت های طولانی و در فواصل کم با دیگر کارکنان در محیط بسته را میگذرانند)، کشاورزان (به علت عدم دسترسی به آب پاکیزه جهت شست و شو مداوم) و کارگران فرآوری محصولات دامی (البته هیچ گزارشی مبنی بر انتقال ویروس از فرآورده های دامی به کارگران وجود ندارد)، نیروهای آتش نشانی و پلیس، خدمه پرواز و هتل ها، کارکنان بخش های اداری که در ارتباط زیاد با ازباب رجوع هستند، کارگران حمل بار (البته امکان انتقال ویروس از بار آلوده به آنان اتفاق نمی افتد مگر در صورت تماس دست آلوده با چشم، دهان و بینی) و همچنین کارکنان گورستان ها و خانه های تدفین، کارکنان مراقبت از سالمندان و کودکان، راننده های وسایل حمل نقل صنعتی و عمومی (مترو، اتوبوس و تاکسی) و افرادی که در بخش های غیر رسمی، کم مهارت و کم درآمد جامعه مشغول به کار هستند؛ در دسته مشاغلی هستند که مواجهه و ارتباط بیشتری با ویروس کرونا دارند. یکی از شایع ترین انواع تماس ها با ویروس کرونا، قرارگیری در معرض آبروسولهای تولیدی از عطسه، سرفه و یا بازدم معمولی افراد است که ممکن است بیمار و یا حامل ویروس کرونا باشند.



نتیجه گیری: باتوجه به همه گیری بیماری کووید-۱۹ اقدامات زیست محیطی باید به صورت مرتب اجرا شود و همانطور که توصیه میشود سطوح (به عنوان مثال پیشخوان) مرتباً تمیز شوند، باید از وجود تهویه مناسب در محیط های کار اطمینان حاصل شود، اشتراک وسایل و استفاده از رختکن ها و اتاق های استراحت مشترک به حداقل برسند، قرار دادن موانع شفاف که بر جریان هوا، تهویه و توزیع آبروسلهای خطرناک اثرمی گذارد میان کارکنان، کارکنان و مشتری ها و همچنین افزایش فاصله بین نیروهای خطوط تولید یا کاهش تعداد آنها، افزایش زمان دورکاری و کاهش شیفت کاری. محیط های کار متناسب با نوع و گستردگی مشاغل، دارای میزان متفاوتی از ریسک مواجهه با ویروس کرونا هستند ضروری است که کارفرمایان در ساعات حضور در محیط کار از اجرای نکات بهداشتی مستقیماً یا توسط نیروی بهداشت حرفه ای مستقر در محل کار مطلع و مطمئن شوند.

واژگان کلیدی: ویروس کرونا، کووید-۱۹، محل کار و ویروس کرونا، مشاغل و ویروس کرونا، مواجهه با ویروس کرونا



A systematic review of the importance of using personal protective equipment (PPE) during the Coronavirus pandemic in the workplace.

Mahdieh Sohanian¹, Elham Parvaz¹

1. Undergraduate student, Occupational health department, School of public health, Shahid Beheshti University of Medical Science. sohanianmahdieh@gmail.com

Background: Coronavirus Disease 2019 (Covid-19) was identified on 31 December 2019 in China. The spreading rate of this disease has been so fast. The symptoms of Covid-19 are fever, cough, runny nose, and respiratory problems. This virus could be transmitted by exposing to droplets, having close contact, and touching contaminated surfaces. Since most workplaces have been recently opened, this is essential to protect workers' health to control the spread of Coronavirus in the world. The aim of this review study was to discern how much using PPE could be effective in controlling of expansion of Coronavirus.

Material and methods: In this systematic review according to keywords such as PPE, workplace, Covid19, worker, prevention and control; Published papers about ways in which we can control the spreading of Coronavirus in the workplace were gathered from PubMed, Scopus, Google scholar, also organizational websites such as WHO and CDC, since this virus became pandemic until now. All data were reviewed, arranged, and categorized based on inclusion and exclusion criteria; in the end, we used 11 papers of 27 papers in this review study.

Results: The type of personal protective equipment that should be used is varied from one workplace to another. For instance, health care workers who have direct contact with patients must use goggles or face shields, gloves, gowns, respirators (N95 or FFP2 standard, or equivalent). We could use the hierarchy of hazard control in this situation.

Conclusion: In conclusion, personal protective equipment could be useful, but they should be used with other hazard control methods, such as administrative controls or engineering controls.

Keywords: Coronavirus, Workplace, PPE, prevention, control, worker.



کاربرد روش استخراج فاز جامد برای نمونه برداری و آنالیز فلزات سنگین از ماتریس های مختلف مرور سیستماتیک

وحید جلیلی^۱

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
vahidjalili92@yahoo.com

زمینه و هدف: براساس سازمان بهداشت جهانی (WHO)، فلزات سنگین مانند کادمیوم، سرب، جیوه و آرسنیک به عنوان عوامل بسیار سمی، سرطان زا و جهش زا در نظر گرفته می شوند. همچنین حتی در غلظت های کم نیز نمی توانند در بدن انسان متابولیزه شوند و در نتیجه، آنها به تدریج در بدن تجمع پیدا می کنند. این عوارض ناخوشایند اهمیت تعیین آنها در ماتریس های مختلف را دو چندان می کند. آماده سازی نمونه یکی از مراحل مهم در تجزیه و تحلیل شیمیایی است. با توجه به ماتریس های پیچیده، این امر به ویژه در نمونه های بیولوژیکی مهم است. علاوه بر این، آماده سازی نمونه مهمترین مرحله در غلظت بسیار کم آنالیتها است. استخراج فاز جامد (SPE) یک روش شناخته شده برای پیش غلظت و جداسازی آنالیز در نمونه های مختلف است. این تکنیک دارای مزایایی از جمله فاکتور غنی سازی بالا، جداسازی سریع، هزینه کم و توانایی ترکیب با ابزارهای آنالیز است. این مطالعه به بررسی کاربرد استخراج فاز جامد (SPE) در پیش تغلیظ و نمونه برداری فلزات سنگین انجام شده است. علاوه همچنین، کاربرد این روش در نمونه های پیچیده واقعی مانند ماتریس های محیطی، غذایی و بیولوژیکی بحث می شود.

مواد و روش ها: در این تحقیق جستجو در پایگاه های اطلاعاتی معتبر داخلی و خارجی شامل SID، Magiran، Science Direct، PubMed، Scopus، Google Scholar، IranMedex استفاده شامل استخراج فاز جامد، فلزات سنگین، توسعه های جدید در استخراج فاز جامد، روش های آنالیز فلزات سنگین و غیره می باشد

نتایج: پس از جستجو، ۸۵ مقاله مرتبط انتخاب شده را که در سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ به چاپ رسیده بودند، در نهایت ۲۶ مقاله در راستای کامل موضوع مورد مطالعه انتخاب شده و برای نگارش مرور حاضر وارد مطالعه شد.

نتیجه گیری: مرحله جداسازی و یا پیش تغلیظ نمونه مهمترین مرحله برای آنالیز و نمونه ها و تعیین فلزات سنگین است. امروزه، روش استخراج فاز جامد یک تکنیک کاملاً شناخته شده است و به دلیل مزیت های آن نسبت به سایر تکنیک های آماده سازی نمونه، برای تجزیه و تحلیل ترکیبات در ماتریس های مختلف استفاده شده است. به طور کلی، روش استخراج فاز جامد و نسخه های به روز شده آن جایگاه ویژه ای را در میان سایر روش های استخراج پیدا کرده اند. آنها از کارایی بالا، اجزای ساده، سرعت بالا، ایمنی، هزینه کم و امکان اتوماسیون برخوردار هستند. از طرف دیگر، کاهش مداخلات نمونه و دستیابی به دقت و حساسیت بالا به راحتی امکان پذیر است. همچنین، با طراحی فازهای استخراج سازگار با محیط زیست و با قدرت انتخاب بالا می توان تعیین فلزات سنگین را بهبود بخشید و به طور قابل توجهی با اصول شیمی تحلیلی سبز مطابق کرد.

واژگان کلیدی: استخراج فاز جامد، فلزات سنگین، مرور سیستماتیک



بررسی روابط بین ویژگی های شخصیتی و رفتارهای پرخطر رانندگی در رانندگان کامیون های برون شهری

وحید جلیلی^۱، زهرا پیرمرادی^۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، vahidjalili92@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

زمینه و هدف: در سال های اخیر، صدمات ناشی از حوادث ترافیکی، که به شدت سلامت جامعه را مورد تهدید قرار میدهد، موجب انجام پژوهشهای متعددی در جهت بررسی عوامل روانشناختی مؤثر در آن گردیده است. به ادعان پژوهشهای انجام شده مولفه های گوناگونی در بروز حوادث رانندگی نقش دارند که فاکتورهای روان شناختی از جمله ویژگی های شخصیتی افراد یکی از مهمترین آنهاست. ویژگیهای شخصیتی بر نحوه رانندگی و میزان تصادفات اثر میگذارد. باتوجه به اینکه رانندگان کامیون های برون شهری بخش عمده ای از عمر خود را به رانندگی می پردازند لذا بررسی ویژگی های شخصیتی آنها و ارتباط آن با حوادث می تواند در برنامه ریزی های کنترلی برای کاهش حوادث بسیار مفید باشد.

مواد و روش ها: در این تحقیق ۳۲۰ آزمودنی مورد بررسی قرار گرفتند که میانگین سنی مردان ۳۶,۴ (انحراف معیار ۱۱,۴) بود. آزمودنی ها از طریق نمونه گیری و با مراجعه به مکان هایی چون پایانه ی حمل بار و چند شرکت حمل و نقل بار در کرمانشاه انتخاب گردیدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه دموگرافیک، پرسشنامه رفتار رانندگی منچستر و پرسشنامه شخصیت نئو FFI بوده است. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش های تحلیل واریانس و همبستگی استفاده گردید.

نتایج: نتایج نشان داد که بین نمرات شاخص عصبیت آزمون نئو با انجام اعمال غیر قانونی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین نشان داده شد که بین نمرات شاخص توافق با دیگران و برون گرایی در آزمون نئو با انواع خطا و انجام اعمال غیر قانونی رابطه معکوس معناداری وجود دارد. بین نمرات شاخص وجدانی بودن با میزان انواع خطا و انجام اعمال غیر قانونی رابطه ای دیده نشد. سن و سال های تجربه رانندگی با انجام اعمال غیر قانونی غیر خشونت آمیز رابطه منفی معنا دار وجود دارد.

نتیجه گیری: نتایج تحقیق نشان دادند که ویژگی های شخصیتی با رفتار رانندگی رابطه معناداری دارد. بنابراین با توجه به اهمیت رفتار رانندگی در میزان تصادفات، پیشنهاد می شود جهت بهبود وضعیت رانندگی و کاهش میزان تصادفات، ارزیابی های روان شناختی در هنگام آرایه گواهینامه پایه یکم و پس از آن به طور دوره ای صورت پذیرد و می توان آموزش ویژه ای را برای انجام دهندگان رفتارهای پرخطر رانندگی در نظر گرفت.

واژگان کلیدی: ویژگی شخصیتی، رفتارهای پرخطر، رانندگان کامیون



کاربرد آئروژل های مبتنی بر کربن به عنوان جاذب جدید در تکنیک های آنالیز نمونه های

محیطی و بیولوژیکی. مرور سیستماتیک

وحید جلیلی^۱

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
vahidjalili92@yahoo.com

زمینه و هدف: در سال های اخیر، استفاده از جاذب های آئروژل در آنالیز نمونه های مختلف به طرز چشمگیری افزایش یافته است. این مواد دارای خصوصیات منحصر به فردی هستند و به عنوان جاذب در تکنیک های مختلف آماده سازی نمونه نتایج خوبی را نشان داده اند. این ویژگی های منحصر به فرد شامل مساحت سطح بالا، چگالی کم، تخلخل زیاد و پایداری حرارتی است که باعث می شود آئروژل ها در کاربرد تحلیلی به عنوان جاذب مناسب باشند. علاوه بر این، به خوبی شناخته شده است که کارایی تکنیک های استخراج به طور عمده به فاز استخراج بستگی دارد. جاذب های آئروژلی به عنوان گزینه ی مناسب برای بهبود استخراج و تکنیک های آماده سازی نمونه برای ترکیبات مختلف موجود در ماتریس های پیچیده در نظر گرفته شده اند. این مقاله مروری بر روی تکنیک های استخراجی است که از آئروژل های مبتنی بر کربن برای نمونه گیری و تجزیه و تحلیل ترکیبات مختلف استفاده می کنند. در این مقاله مروری، خصوصیات منحصر به فرد جاذب های آئروژلی در تکنیک های آنالیز نمونه و روند های آینده آنها مورد بررسی قرار می گیرد.

مواد و روش ها: مرور سیستماتیک حاضر با استفاده از جستجو در پایگاه های اطلاعاتی معتبر داخلی و خارجی شامل Magiran، SID، Science Direct، PubMed، Scopus، Google Scholar، IranMedex با کلید واژه های زیر انجام شد.

کلید واژه: آئروژل ها، جاذب های جدید در استخراج ترکیبات، تکنولوژی های تهیه جاذب های نانو ساختار
review on analytical chemistry, critical review of extraction methods, recent developments in analytical chemistry, applications of carbon based aerogel

نتایج: پس از جستجو، از ۳۴۰ پژوهش، ۵ کتاب و ۱۵۵ مقاله انتخاب شده را که در سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ به چاپ رسیده بودند، در نهایت ۳۲ مقاله در راستای کامل موضوع مورد مطالعه انتخاب شده و برای نگارش مرور حاضر وارد مطالعه کردیم.

نتیجه گیری: در این مطالعه، ما تحقیقات جدید در مورد استفاده از جاذب های آئروژل مبتنی بر کربن در تکنیک های مختلف استخراج برای نمونه گیری و آنالیز ترکیبات مختلف را مرور کردیم. برای غلبه بر مشکلات مربوط به استفاده از تکنیک های استخراج معمولی از جمله ظرفیت جذب محدود، از بین رفتن نمونه و هزینه بالای جاذب های تجاری، تکنیک های استخراج و ریز استخراج مبتنی بر استفاده از جاذب های آئروژل مبتنی بر کربن معرفی شده اند. استفاده از آئروژل مبتنی بر کربن در تکنیک های استخراج و ریز استخراج پیشرفت های چشمگیری را در ارزیابی ترکیبات مختلف نشان داده است و می تواند به عنوان یک روش جایگزین برای نمونه گیری و تجزیه و تحلیل ترکیبات ظهور یابد. تلاش های تحقیقاتی در پیشرفت تکنیک های استخراج و ریز استخراج در ترکیب با جاذب های آئروژل مبتنی بر کربن کمک شایانی کرده است. با این وجود، هنوز هم نیاز به توسعه تکنیک های استخراج در جداسازی و غنی سازی آلاینده های هدف وجود دارد.

واژگان کلیدی: تکنیک های استخراج، آماده سازی نمونه، جاذب های آئروژل، مرور سیستمات



بررسی خطرات جوشکاری قوس الکتریکی به روش آنالیز خطرات شغلی (JHA) در پروژه ساختمانی در شهر کرمان

صابره السادات مصلائی^۱، زهرا ایثاری^۱

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان
sabereh.mosallaei1997@yahoo.com

زمینه و هدف: شغل جوشکاری به علت گسترده فعالیت زیادی که در صنعت دارد، حوادث جانی و مالی بیشماری را به همراه دارد. هدف از مطالعه حاضر، شناسایی خطرات و ارزیابی ریسک فعالیت ها و عوامل زیان آور شغل جوشکاری قوس الکتریکی به روش آنالیز خطرات شغلی (JHA) در یک پروژه ساختمان سازی در شهر کرمان می باشد.

مواد و روش ها: داده های این مطالعه حاصل مستندات و مصاحبه با افراد مرتبط (جوشکار و کارفرما) می باشد. به جهت ارزیابی شغل جوشکاری قوس الکتریکی به روش آنالیز خطرات شغلی (JHA) این شغل با استفاده از نمودار واکاوی سلسه مراتبی شغل (HTA) به ۱۱ مرحله وظایف شغلی تقسیم شده و مورد بررسی قرار گرفته است و خطرات بالقوه در هر مرحله شناسایی و ارزیابی شده اند و در نهایت میزان ریسک اولیه آنها محاسبه شده است. بر طبق مطالعات انجام شده راه کارهایی جهت کاهش ریسک اولیه ارائه شد و در نهایت برای اقدامات اصلاحی ریسک ثانویه محاسبه گردید. در این مطالعه جهت محاسبه میزان ریسک از ماتریس ISO27001 و برای ترسیم نمودار از نرم افزار ۲۰۱۳ Excel استفاده شده است

نتایج: بر اساس مطالعه انجام شده از طریق ماتریس ISO27001 و نمودار محاسبه ریسک در مراحل جوشکاری قوس الکتریکی میزان ریسک اولیه محاسبه شده ۳۷٪ بالا و ۴۰٪ غیر قابل تحمل می باشد. بعد از اقدامات اصلاحی انجام شده ریسک ثانویه محاسبه گردید و میزان ریسک به دست آمده ۵۰٪ متوسط و ۴۰٪ قابل تحمل می باشد.

نتیجه گیری: به منظور کاهش ریسک شغل جوشکاری قوس الکتریکی باید اقداماتی از جمله استفاده از تجهیزات و وسایل حفاظت فردی و آموزش به کارگران انجام شود. بعد این اقدامات انجام شده ریسک ثانویه محاسبه گردید و به میزان ۱۰٪ غیرقابل تحمل و ۱۰٪ بالا کاهش یافته است.

واژگان کلیدی: جوشکاری قوس الکتریکی، JHA، وسایل حفاظت فردی



ارزیابی ریسک شغلی اپراتور دامپ تراک به روش JHA در یکی از معادن رو باز استان کرمان

مهرناز ترابی پاریزی^۱، مینا پاس^۱، سحر سلیم پور^۱، الهه نجاتی^۱

۱. گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان

torabimehrnaz@gmail.com

زمینه و هدف: حوادث معدنی سالیانه پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی فراوانی را بر جای می گذارد. شناسایی و ارزیابی ریسک خطرات در معادن روباز می تواند از بسیاری از حوادث پیشگیری کند. هدف از مطالعه ی حاضر، شناسایی خطرات و ارزیابی ریسک فعالیت های اپراتور دامپ تراک با استفاده از روش آنالیز خطرات شغلی (JHA) در یکی از معادن رو باز استان کرمان می باشد.

مواد و روش ها: داده های این مطالعه حاصل گزارش ها و مستندات منتشر شده و همچنین، مصاحبه با اپراتورهای دامپ تراک می باشد. به جهت ارزیابی ریسک شغلی اپراتور دامپ تراک به روش JHA، شغل به ۱۳ مرحله تقسیم شد و هر مرحله از شغل بررسی شده است و خطرات بالقوه در هر مرحله شناسایی و ارزیابی گردیدند؛ در نهایت ریسک آن ها محاسبه شد و بهترین راهکار جهت کاهش ریسک ارائه گردید. در این مطالعه به منظور تخمین عدد ریسک از ماتریس ISO 27001 و برای ترسیم نمودارها از نرم افزار Excel 2013 استفاده شده است.

نتایج: بر اساس مطالعه انجام شده، ریسک به دست آمده در اکثر مراحل شغلی اپراتور دامپ تراک شدید و غیر قابل تحمل بوده است.

نتیجه گیری: جهت کاهش ریسک و خسارات وارده به معدن آموزش کارآمد، نظارت و تعمیرات دوره ای پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: آنالیز خطرات شغلی، ارزیابی ریسک، دامپ تراک، اپراتور دامپ تراک



بررسی سطح ایمنی آزمایشگاه های دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کرمان

با استفاده از چک لیست

مینا پاس^۱، مهرناز ترابی پاریزی^۱، مرجان پورمیرزایی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، گروه آموزشی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان Minapas1998@gmail.com

زمینه و هدف: آزمایشگاه‌ها از جمله محیط‌های کاری مخاطره‌آمیز برای افراد بوده‌اند؛ که رعایت ایمنی برای کاهش این مخاطرات الزامی است. دلیل اصلی نیاز به ایمنی در آزمایشگاه‌ها سالم و زنده ماندن است. اما دلایل دیگری مانند ارزان تر بودن هزینه‌ی جبران خسارت، مسئولیت در برابر محیط زیست و جلوگیری از هدر رفتن مواد شیمیایی نیز حائز اهمیت است.

هدف از این مطالعه بررسی سطح ایمنی آزمایشگاه‌های دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کرمان و ارائه‌ی راهکارهایی جهت ارتقاء ایمنی و کاهش مخاطرات می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه در ده آزمایشگاه مربوط به رشته‌های علوم تغذیه، بیولوژی و کنترل ناقلین بیماری‌ها، مهندسی بهداشت حرفه ای و محیط انجام شده است. اطلاعات لازم به وسیله‌ی چک‌لیست با روش مصاحبه گردآوری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل آماری گردید و شاخص‌های آموزش ایمنی به کارکنان آزمایشگاه، ایمنی محیط آزمایشگاه و ایمنی حریق آزمایشگاه مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: بر اساس این آمار شاخص آموزش ایمنی به کارکنان با نمره‌ی میانگین و انحراف معیار $85/71 \pm 5/83$ از سطح قابل قبول برخوردار است. و از نظر شاخص ایمنی محیط آزمایشگاه نیز با نمره میانگین و انحراف معیار $50 \pm 8/48$ در سطح متوسط بوده و از ایمنی مطلوبی برخوردار نیستند. همچنین نمره میانگین و انحراف معیار شاخص ایمنی در برابر حریق $23/61 \pm 2/77$ به دست آمده است، که نشان می‌دهد در این زمینه بسیار ضعیف عمل شده‌است.

نتیجه‌گیری: در این راستا با بررسی‌های صورت گرفته برای رسیدن به سطح ایمنی قابل قبول در این آزمایشگاه‌ها باید با پیاده کردن روش‌های نوین مدیریتی در بحث ایمنی آزمایشگاه‌ها در جهت ارتقای سطح آن در بخش‌های مختلف آزمایشگاه‌ها اقدام نمود.

واژگان کلیدی: آزمایشگاه، ایمنی، چک لیست، آموزش ایمنی، ایمنی محیط آزمایشگاه، ایمنی حریق



شناسایی و ارزیابی خطاهای انسانی با استفاده از روش SHERPA در عملیات داربست بندی در مرحله ساخت یک مجتمع پتروشیمی

امیر لطف علی پور^۱، دکتر سجاد زارع^۲، دکتر محمد داستانیپور^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته HSE، موسسه آموزش عالی کرمان amirlotfalipour6@yahoo.com

۲. دکتری تخصصی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی کرمان، دانشکده بهداشت، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای

۳. دکتری تخصصی، زمین شناسی، استاد موسسه آموزش عالی کرمان

زمینه و هدف: خطر سقوط از ارتفاع در وظیفه داربست بندی در صنایع پتروشیمی در حال ساخت و حوادث ناگوار ناشی از آن که عمدتاً ناشی از خطاهای انسانی است، اهمیت بررسی خطاهای (انسانی) کارکنان داربست بند را نشان می دهد. در این ارتباط، پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تجزیه و تحلیل خطاهای انسانی با استفاده از روش SHERPA رویکرد سیستماتیک پیش بینی و کاهش خطای انسانی) خطاهای انسانی مربوط به داربست بندی در پروژه ساخت یک مجتمع پتروشیمی مورد بررسی قرار گرفت و راهکارهای کنترلی مناسب به منظور پیش بینی، پیشگیری و کاهش خطاهای شناسایی شده پرسنل داربست بند ارائه شد.

مواد و روش ها: در این پژوهش، شغل (وظیفه) داربست بندی با استفاده از روش تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی وظیفه HTA (Hierarchical Task Analysis) آنالیز شده و وظایف و زیر وظایف مربوط به داربست بندی مشخص گردید و سپس برای هر زیر وظیفه شناسایی شده کاربرد SHERPA تکمیل شده است.

نتایج: بر اساس نتایج به دست آمده در مجموع تعداد ۶۹۷ خطا مربوط به کارکنان داربست بند شناسایی شد که ۵۷۸ خطا از نوع عملکردی (۸۳ درصد)، ۷۷ خطا از نوع بازدیدی (۱۱ درصد)، ۱۰ خطا از نوع بازیابی (۱ درصد)، ۱ خطا از نوع اطلاعات (تقریباً ۰ درصد) و ۳۱ خطا مربوط به انتخاب (۴ درصد) بودند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده می توان گفت خطاهای عملکردی بیشترین درصد فراوانی را داشتند که این امر بر ضرورت به کارگیری راه کارهای کنترلی در قالب آموزش کافی و موثر نظری و عملی به کارکنان داربست بند، تهیه و تدوین دستورالعمل ها، نظارت موثر و کافی بر اجرای کار توسط پرسنل HSE تاکید می کند.

واژگان کلیدی: داربست بندی، خطای انسانی، SHERPA، HTA



ارزیابی ریسک اقدامات کنترلی پیشگیری از شیوع بیماری COVID-19 در مدارس با استفاده از تکنیک SWIFT در سال ۱۳۹۹

فاطمه شهربابکی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان
fatemeh_shahrbabaki@yahoo.com

زمینه و هدف: COVID-19: بیماری ناشی از یک نوع جدید از ویروس کرونا است. با همه گیری این بیماری وضعیت اضطراری بهداشت عمومی در سطح بین المللی اعلام شده است و ویروس آن اکنون در کشورها و مناطق زیادی منتشر شده است. مطالعه حاضر با هدف ارزیابی ریسک پیامدهای هر یک از اقدامات کنترلی پیشگیری از شیوع بیماری COVID-19 در مدارس با استفاده از تکنیک SWIFT انجام پذیرفت.

مواد و روش ها: این مطالعه با بررسی اقدامات کنترلی پیشگیری از بیماری COVID-19 در سال ۱۳۹۹ به صورت توصیف کیفی انجام گردیده است. به این منظور از تکنیک SWIFT استفاده شد. در واقع SWIFT تلفیقی از خلاقیت موجود در What if و ساختار نظام مند Check list است که سبب به دست آمدن نتایج بهتر شد.

نتایج: به طور کلی اقدامات کنترلی از نظر توالی و موثر بودن به پنج گروه تقسیم می شوند:
حذف (elimination)، جایگزینی (substitution)، کنترل مهندسی (Engineering control) کنترل مدیریتی (Administrative control) و لوازم حفاظت فردی. (Personal Protective Equipment)
در مجموع ۵ نوع اقدام کنترلی و ۱۱ زیرمجموعه اقدامات کنترلی شناسایی شد که با توجه به رتبه بندی ریسکها تعداد ۸ پرسش چه می شود اگر...؟ با سطح ریسک "غیرقابل قبول" و ۳ مورد با سطح ریسک "انجام اقدامات کاهش ریسک" حاصل شد.
نتیجه گیری: انجام اقدامات کنترلی برای پیشگیری از بیماری ضروری است؛ اگرچه که هر کدام از اقدامات، پیامدهای منفی به همراه داشته و دارای سطح ریسک بالایی می باشند، با اجرای راهکارهایی می توان سطح ریسک را کاهش داده و به دنبال آن با حفظ سلامتی از تحصیل بهره کافی برد.

واژگان کلیدی: اقدامات کنترلی، مدارس، COVID-19، SWIFT



بررسی تناسب بین وزن کوله پشتی دانش آموزان دبستانی با ویژگی های تن سنجی آنان

علیرضا جعفری^۱، علی عالمی^۲، فرخ شریفی مقدم^۳، الهه لعل منفرد^۴، غلام حیدر تیموری^۵

۱. دانشجوی دکتری، رشته آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

jafari.ar94@gmail.com

۲. دانشیار، رشته اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد

۳. کارشناس ارشد، رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد

۴. دانشجوی دکتری، رشته آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۵. کارشناس ارشد، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدری

زمینه و هدف: بیشتر دانش آموزان از کوله پشتی برای حمل وسایل خود به مدرسه استفاده می کنند. مطالعه حاضر با هدف تعیین ویژگی های کوله پشتی و کیف دانش آموزان دبستانی و تناسب آن با ویژگی های تن سنجی آنان انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه مقطعی-تحلیلی روی ۷۲۱ دانش آموز مقطع ابتدایی انجام شده است. جمع آوری اطلاعات با استفاده از یک چک لیست محقق ساخته روا و پایا شده انجام شده است. تجزیه و تحلیل با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ و آزمون آماری کای دو انجام شد.

نتایج: در این مطالعه ۵۶٪ (۴۰۵ نفر) دختر و ۴۴٪ (۳۱۶ نفر) پسر بودند. در این مطالعه بیشتر دانش آموزان (۸۹/۹٪، ۶۴۸ نفر) از کوله پشتی استفاده می کردند و وزن کوله پشتی ۵۸/۳٪ (۴۲۰ نفر) دانش آموزان بیشتر از ۱۰٪ وزن بدنشان بود. بر اساس نتایج بدست آمده تنها در ۴۰/۱٪ (۲۹۰ نفر) دانش آموزان، تناسب بین اندازه های دانش آموز با کوله پشتی وجود داشت. بین جنسیت و نسبت وزن کوله پشتی به وزن بدن دانش آموزان ارتباط معنی داری مشاهده گردید و دختران کوله پشتی های سنگین تری نسبت به پسران حمل می کردند. ($P > 0.001$)

نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه حاضر بیشتر دانش آموزان از کوله پشتی ها و کیف های غیر استاندارد استفاده می کنند و وزن کوله پشتی های آنان بیشتر از مقدار استاندارد توصیه شده می باشد.

واژگان کلیدی: دانش آموزان، مقطع ابتدایی، کوله پشتی، آنتروپومتری



بررسی آسیب‌پذیری ناشی از تابش گرمایی در فضای باز بر مبنای تجربه و نرم افزار PHAST

امیر عباسی گرمارودی^۱

۱. مرکز پژوهش‌های علمی دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران و کارشناس ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران Abbasi.amir829@gmail.com

زمینه و هدف: این مطالعه به تجزیه و تحلیل نتایج انفجارهای تصادفی LNG مربوط می‌شود که اغلب برای ارزیابی پیامد بلند مدت و آسیب‌پذیری سیستم خط لوله حمل و نقل گاز انجام می‌شود. هدف از این مطالعه این است که شدت تشعشع گرمایی فرآیند انفجار در فضای باز را پیش‌بینی کنیم.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه، یک روش تئوری-تجربی برای انفجار در فضای باز ایجاد شد و یک آزمایش در مقیاس کامل شامل گاز LNG در خط لوله انتقال انجام شد. پیش‌بینی نظری قابل توجه، آزمایش تجربی و تحلیل کمی با شبیه‌سازی عددی، منجر به درک بهتر خطر تابش گرمایی ناشی از انفجار لوله شد. برای بررسی احتمال خطر بالقوه برای انسان‌ها و محیط، آنالیز خطر این مورد بر روی شبیه‌سازی PHAST انجام شد.

نتایج: پارامترهای شدت انفجار گاز LNG با داده‌های آزمایشی با مقیاس کامل مقایسه و مشخص شد که پیش‌بینی‌های نظری با داده‌های تجربی بخوبی انطباق دارند.

نتیجه‌گیری: براساس معیار آسیب حرارتی مربوطه، می‌توان نتیجه گرفت که نزدیک به ۱۰۰٪ از تلفات در محدوده ۱۹۰ متر باشد و هیچ آسیبی در زمانی که افراد با قطر بیضی ۷۲۰ متر فاصله دارند، وجود ندارد.

واژگان کلیدی: تابش گرمایی، PHAST، LNG.



شناسایی و ارزیابی خطای انسانی اپراتورهای اتاق کنترل پالایشگاه روغن سازی

مهدی اخلاق دوست^۱

۱. کارشناس ارشد، رشته HSE، دانشکده محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
Mahdi_akhlag@yahoo.com

زمینه و هدف: در بسیاری از محیط‌های شغلی با وجود فن آوری های حساس و پیچیده، خطاهای انسانی به دلیل منتهی شدن به حوادث ناگوار از اهمیت بالایی برخوردار است. به همین دلیل جهت پیش‌گیری و محدود ساختن پیامدهای ناشی از خطاهای انسانی، شناسایی و علت‌یابی آن‌ها لازم است. هرچند نقش خطاهای انسانی در بروز حوادث بسیار آشکار بوده و از طرف دیگر نتایج فاجعه بار ناشی از عدم بررسی خطای انسانی در هنگام محاسبه ریسک، کاملاً اثبات شده است، ولی متأسفانه در اغلب صنایع در هنگام ارزیابی پارامترهای ایمنی به بررسی خطاهای انسانی پرداخته نمی‌شود. هدف این مطالعه شناسایی و ارزیابی خطای انسانی اپراتورهای اتاق کنترل پالایشگاه روغن سازی می‌باشد.

مواد و روش‌ها: انجام این پژوهش مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی، شناسایی شغل و تحلیل سلسله مراتبی به روش HTA، مصاحبه با سرپرستان و مسوولین و اپراتورهای اتاق کنترل و استفاده از آمار حوادث می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش رئیس عملیات، سرپرستان نوبتکاری، اپراتورهای اتاق کنترل و اپراتورهای سایت بودند. سپس نسبت به تکمیل کاربرگ‌های شریبا با استفاده از کلیه وظایف و زیر وظایف به دست آمده از HTA اقدام شد و به تفکیک هر شغل خطاها، سطح ریسک و طبقه بندی سطح ریسک تعیین گردید و توسط نرم افزار SPSS آنالیز شده‌اند.

نتایج: بر اساس نتایج این مطالعه، در مجموع ۳۷۲ مورد خطای انسانی شناسایی گردید. عمده خطاهای شناسایی شده از نوع عملکردی ۲۹۵ مورد (۷۹/۳٪) بودند. خطای بازدید ۳۹ مورد (۱۰/۴۸٪)، خطای ارتباطی ۳۲ مورد (۸/۶۰٪)، خطای انتخابی ۴ مورد (۱/۰۷٪) و خطای بازبینی با ۲ مورد (۰/۵۳٪) به ترتیب در رتبه‌های بعدی بودند. بیشترین خطای عملکردی به ترتیب مربوط به اپراتور سایت (۴۸/۴۸٪)، اپراتور اتاق کنترل (۲۷/۴۶٪)، سرپرست نوبتکاری (۱۳/۲۲٪) و رئیس عملیات (۱۰/۸۴٪) بودند. از کل خطاهای نامطلوب شناسایی شده بیشترین خطا مربوط به اپراتور سایت و کمترین خطای نامطلوب مربوط به رئیس نوبتکاری بود. همچنین بیشترین میزان خطاهای عملکردی و بازدید مربوط به اپراتور سایت بودند.

واژگان کلیدی: خطای انسانی، اپراتور، پالایشگاه، روش SHERPA



بررسی ارتباط بین WBGT با شاخص های انتخاب شده آسایش گرمایی: مطالعه موردی در محیط کاری گرم و مرطوب

قاسم حسام^۱، زهرا مرادپور^۱

۱. دانشجوی دکترای مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
z.moradpoor69@gmail.com

زمینه و هدف: در محیط های با استرس گرمایی بالا، اثر گرمای محیطی و گرمای متابولیکی ایجاد شده در نتیجه ی فعالیت فرد باهم ترکیب شده و متعاقب آن دمای عمقی بدن از حد طبیعی خود فراتر رفته و ایجاد اثرات فیزیولوژیکی و در نتیجه ایجاد تنش گرمایی می نماید. مطالعه حاضر باهدف تعیین همبستگی بین شاخص WBGT و شاخص های انتخاب شده آسایش گرمایی و انتخاب مناسب ترین شاخص آسایش گرمایی برای محیط کاری گرم و مرطوب، انجام شده است.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی تحلیلی در ابتدا پارامترهای استرس حرارتی به شکل محیطی در ۱۵ نقطه سالن در کشتارگاه مرغ در قبل و بعد از کنترل رطوبت، اندازه گیری شد. سپس شاخص های WBGT، PMV، PPD، ET، SET، DIThompson، DISohar، DIKyle، MDI و Humidex محاسبه شدند. پس از محاسبه شاخص های مورد نظر، ارتباط بین شاخص های آسایش گرمایی با شاخص WBGT با استفاده از همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی در نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ تعیین گردید.

یافته ها: نتایج نشان داد به جز پارامتر سرعت جریان هوا، مابقی پارامترها همبستگی خوبی با شاخص های آسایش گرمایی انتخاب شده دارند و ارتباط بین آن ها معنادار می باشد. بعلاوه بعد از اجرای سیستم تهویه موضعی و کاهش رطوبت تمامی شاخص ها همبستگی بالایی را با شاخص WBGT نشان دادند.

نتیجه گیری: شاخص MDI در هر دو شرایط رطوبت بالا و رطوبت متوسط بیشترین همبستگی را با شاخص WBGT دارد و می تواند جایگزین خوبی برای شاخص WBGT باشد. شاخص Humidex نیز در شرایط رطوبت بالا همبستگی بالایی با شاخص WBGT دارد و می تواند در شرایط رطوبت بالا شاخص مناسبی برای پیش بینی آسایش گرمایی باشد.

واژگان کلیدی: استرس حرارتی، آسایش گرمایی، کشتارگاه مرغ، تهویه موضعی، شاخص DI



ارزیابی ریسک شغلی اپراتور دستگاه تراش TN50 در یکی از معادن روباز استان کرمان با استفاده

از روش JHA

هانیه صمدانی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان haniyeh2725@gmail.com

زمینه و هدف: حوادث معدنی باتمام جوانب وملاحظاتى كه در نظر گرفته مى شوند، گریزناپذیر هستند و هر ساله تعداد زیادی پیامدهای اجتماعی واقتصادی نه تنها در کشور ما بلکه در کشورهای پیشرفته نیز، به جای مى گذارند. هدف از مطالعه حاضر، شناسایی خطرات و ارزیابی ریسک فعالیت های اپراتور دستگاه تراش TN50 با استفاده از روش آنالیز خطرات شغلی (JHA) در یکی از معادن روباز استان کرمان می باشد.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی تحلیلی، آنالیز خطرات شغلی اپراتور دستگاه تراش TN50 در طی ۴ مرحله که شامل: کار با دستگاه، استارت دستگاه، قراردادن قطعه، قراردادن قطعه روی نظام می باشد، انجام شد. برای ارزیابی ریسک از ماتریس احتمال_شدت MIL-STD882D به جهت تخمین ریسک، استفاده شده است که بهترین راه حل کنترلی جهت حذف یا کاهش خطرات ارائه گردید. برای ترسیم نمودار نیز از اکسل ۲۰۱۶ استفاده شده است.

نتایج: ارزیابی نتایج به دست آمده از آنالیز خطرات شغلی اپراتور دستگاه تراش TN50 در معادن روباز نشان می دهد که در شرایط موجود، بیشتر خطرهای شناسایی شده، با پتانسیل خطر متوسط به بالا هستند.

نتیجه گیری: پیشنهاد می گردد از راه های کنترلی نظیر: استفاده از وسایل حفاظت فردی مناسب، دستگاه های مجهز به حفاظ ثابت و اینترلاک و سیستم توقف اضطراری، آموزش، نظارت، تعمیرات دوره ای و حتی قراردادن استراحت در بین شیفت کاری، استفاده شود که این راه های کنترلی، نقش قابل توجهی در کاهش ریسک داشته اند.

واژگان کلیدی: شناسایی خطرات، ارزیابی ریسک، آنالیز خطرات شغلی



ارزیابی ریسک شغل فرزکاری با استفاده از روش واکاوی خطرات شغلی (JHA)

مرضیه آموزنده^۱ زهرا قدیر نسب^۲ فاطمه السادات بهادر^۳ شیما نخعی^۴

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان

Best556545@gmail.com

زمینه و هدف: پدیده تلفیق تکنولوژی با علوم فنی، دستگاه های جدیدی را به این علم عرضه کرد. یکی از مهم ترین این دستگاه ها، دستگاه سنگ فرز می باشد. خطرات گوناگون، اپراتورهای این قبیل دستگاه ها از جمله فرزکاران را بیشتر مورد تهدید قرار می دهد هدف از این مطالعه، تجزیه و تحلیل ایمنی شغل اپراتور سنگ فرز (فرزکار) و ارزیابی ریسک آن، در جهت شناسایی خطرات و خطاهای انسانی موجود در این شغل می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه با استفاده از روش واکاوی خطرات شغلی (JHA) با تمرکز بر شغل فرزکار و با استفاده از مشاهدات غیر مستقیم، نظرات افراد خبره در شغل فرزکار به صورت توصیفی-تحلیلی، به شکل گروهی (متشکل از سرگروه (یکی از دانشجویان کارشناسی بهداشت حرفه ای آشنا با روش کار)، افراد فرزکار و تعدادی از دانشجویان کارشناسی رشته ایمنی و بهداشت حرفه ای) در اردیبهشت و خردادماه سال ۱۳۹۹ انجام گردید. این مطالعه با استفاده از جداول ریسک استاندارد X10 انجام گردید. هم چنین در ادامه ریسک باقیمانده، از طریق پیش بینی کردن، تخمین زده شد

نتایج: در این مطالعه، شغل فرزکاری در قالب ۵ وظیفه کاری (Task) شامل نصب کردن متعلقات فرز، آماده کردن ابزارآلات، روشن کردن مینی فرز، بریدن قطعه کار و خاموش کردن مینی فرز و ۱۷ مرحله شغلی (Step) به شکل سلسله مراتبی تقسیم بندی شده است. هم چنین بیش از ۵۰ خطر در مرحله های مختلف کاری در شغل فرزکار شناسایی شد و میزان ریسک خطر تخمین زده شد. در این مطالعه هم چنین مشخص شد که خطراتی از جمله: یک دستی گرفتن مینی فرز، انجام حرکات تکراری، ایجاد و پرتاب شدن براده ها، فشار وارد کردن مینی فرز و ارتعاش دست، دارای بیشترین میزان ریسک خطر هستند و مرحله (Step) کاری "حرکت دادن مینی فرز" و وظیفه (Task) شغلی "بریدن قطعه" از شغل فرزکاری دارای بیشترین میزان ریسک خطر است. در انتها مقایسه ای بین ریسک خطر و ریسک باقیمانده خطر بعد از انجام اقدامات کنترلی به دست آمد و در آخر، راهکارهای کنترلی نیز ارائه گردید.

نتیجه گیری: در این مطالعه مشخص شد که روش JHA می تواند به عنوان روشی مناسب در ارزیابی ریسک شغل فرزکار به کارگرفته شود و از این طریق بیشتر خطراتی که کارگران را مورد تهدید قرار میدهد شناسایی شوند. در این راستا پیشنهاداتی تحت عنوان "راهکار کنترلی پیشنهادی" در سه بخش مهندسی، مدیریتی و PPE (لوازم حفاظت فردی) ارائه گردید.

واژگان کلیدی: سنگ فرز، ریسک، JHA



ارتباط بین مواجهه شغلی با صدا و عملکرد قلبی در کارگران صنایع کاشی سرامیک بر اساس نتایج الکتروکاردیوگرافی

حکیمه زمانی بادی^۱، محمدجواد زارع سخویدی^۲، سیدجلال مروجی^۳، فاطمه قنائی خالدآبادی^۴

۱. کارشناس ارشد مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست HSE-MS، گروه مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست HSE-MS، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کاشان، کاشان، ایران.
۲. دانشیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی یزد، یزد، ایران.
۳. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی یزد، یزد، ایران.
۴. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی یزد، یزد، ایران.

زمینه و هدف: صدا شایع ترین مواجهه شغلی است که مواجهه طولانی مدت با آن به ویژه در محیط های شغلی با افزایش خطر بیماری عروق کرونری قلب و فشارخون بالا همراه است. این مطالعه باهدف تعیین ارتباط مواجهه با صدا و عملکرد قلبی عروقی بر اساس نتایج الکتروکاردیوگرافی در صنعت کاشی و سرامیک انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه مقطعی تحلیلی، ۹۴ کارگر سالم با حداقل یک سال سابقه کار در یکی از صنایع کاشی سرامیک یزد، به روش نمونه گیری ساده انتخاب و بررسی شدند پس از تکمیل پرسشنامه دموگرافیک و شغلی برای شرکت کنندگان، الکتروکاردیوگرافی و صداسنجی انجام شد و سپس داده ها، توسط آزمون کلموگراف-اسمیرنوف و آزمون همبستگی با استفاده از نرم افزار SPSS 21 مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج: در این مطالعه تمام شرکت کنندگان مرد بودند. میانگین و انحراف معیار سن و سابقه کار جمعیت مورد مطالعه به ترتیب $35/10 \pm 6/03$ و $9/95 \pm 4/62$ سال بود هیچ گونه ارتباط معنادار آماری بین سن و سابقه کار با پارامترهای الکتروکاردیوگرافی مشاهده نشد. اگرچه بین صدا با فاصله PR ارتباط معناداری مشاهده شد اما با سایر پارامترها ارتباط معناداری مشاهده نشد.

نتیجه گیری: در مطالعه حاضر، فقط بین صدا با فاصله PR ارتباط معناداری مشاهده شد. همچنین اگرچه ارتباط بین مواجهه با صدا و ضربان قلب از نظر آماری معنادار نشد، اما از نوع معکوسی بود.

واژگان کلیدی: مواجهه با صدا، عملکرد قلب، الکتروکاردیوگرافی، صنعت کاشی



تعیین درک مدرسین و دانشجویان پرستاری از رفتار غیر مدنی در آموزش دانشگاههای علوم پزشکی جنوب شرق ایران

لیلا ملکیان^۱، محمد غضنفرآبادی^۱، سعیده وارسته^۲، معصومه فولادوندی^۱

۱. گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

l.malkyan@gmail.com

۲. دکترای سلامت در بلايا، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

۳. کارشناسی ارشد پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

زمینه و هدف: رفتار غیر مدنی مسئله جدی در آموزش پرستاری در سراسر جهان است، وغالباً مدرسین و دانشجویان با آن روبرو می شوند. این نوع رفتار در محیط های آموزشی می تواند به شدت یاددهی و یادگیری را مختل نماید و به ایجاد تناقض و اضطراب بین استاد و دانشجو منجر گردد. از آنجا که مطالعه کمی در رابطه با تعیین درک مدرسین و دانشجویان پرستاری در آموزش پرستاری ایران وجود دارد، بررسی بیشتر این موضوع و به دست آوردن شواهد پژوهشی برای مدیریت آن ضروری است. هدف از این مطالعه تعیین درک مدرسین و دانشجویان پرستاری از رفتار غیر مدنی در آموزش دانشگاههای علوم پزشکی جنوب شرق ایران میباشد.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی - مقطعی ۵۲ مدرس و ۲۴۰ دانشجوی پرستاری با روش نمونه گیری در دسترس به سوالات مربوط به پرسشنامه رفتار غیر مدنی در آموزش پرستاری معصوم پور و همکاران در سه حیطه رفتار های مخرب فضای ارتباطی، اخلاقی و یادگیری پاسخ دادند. اطلاعات با استفاده از آمار توصیفی از قبیل میانگین، انحراف معیار، فراوانی و فراوانی نسبی و آمار استنباطی نظیر آزمون های آنالیز واریانس (ANOVA)، تی مستقل و ضریب همبستگی پیرسون و با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: نتایج نشان داد که مدرسین و دانشجویان پرستاری رفتارهای غیرمدنی را در ابعاد مختلف فضای ارتباطی، اخلاقی و یادگیری تجربه کرده اند. مدرسین در این مطالعه بیشترین رفتار غیر مدنی دانشجویان پرستاری را در رفتارهای مخرب فضای اخلاقی شناسایی کردند. همچنین بیشترین رفتار مخرب مدرسین در حیطه رفتارهای مخرب فضای یادگیری بود **نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه حاکی از این است که مدرسین و دانشجویان به تنهایی در بروز این رفتارهای غیرمدنی نقش ندارند و این رفتارها در تعامل دوطرفه شکل می گیرد با توجه به اینکه رفتار غیر مدنی حتی در حد کم می تواند به طور محسوس بر محیط آموزش اثر گذارد، لذا ضروری است مدیران آموزش پرستاری، تدابیر و برنامه ریزی مناسب برای جلوگیری یا به حداقل رساندن این چنین رفتارهایی را اتخاذ نمایند و راهکارهای جهت به حداقل رساندن چنین رفتارهایی در جامعه آموزشی پرستاری تدوین نمایند.

واژگان کلیدی: رفتار غیر مدنی، آموزش پرستاری، مدرسین پرستاری، دانشجویان پرستاری



شناسایی و ارزیابی ریسک شغل آتش نشانی منطقه ۲ عملیاتی ایستگاه ۱۰۲ شهر کرج به روش

FMAE و JSA

منوچهر قوجالو^۱، جواد نریمانی^۲، آرش سلطانیپور^۳

۱. کارشناس ایمنی صنعتی و آتش نشان سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی کرج، a.aliyy@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد (MA) گرایش مدیریت ارشد و مدیر منطقه عملیاتی ۲ سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی کرج،

۳. کارشناس بهداشت حرفه ای و آتش نشان سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی تهران

زمینه و هدف: آتش نشانان در هر مأموریت در تماس با چندین خطرات از جمله خطر دود و گاز های سمی، استرس، سقوط از ارتفاع و... قرار دارند. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف شناسایی خطرات و ارزیابی ریسک با استفاده از تکنیک آنالیز ایمنی شغلی و تکنیک تجزیه و تحلیل عوامل شکست و آثار آن در ایستگاه ۱۰۲ عملیاتی شهر کرج انجام شده است.

مواد و روش ها: در این مطالعه شناسایی خطرات حاصل از فعالیت های شغل آتش نشانی ایستگاه ۱۰۲ با توجه به منطقه عملیاتی می تواند متفاوت می باشد. از روش تکنیک آنالیز خطر شغلی (JHA) و تجزیه و تحلیل شکست (FMEA: Failure Mode Effects Analysis) برای ارزیابی خطرات موجود استفاده شده است. روش FMEA یکی از روشهای پر کاربرد در ارزیابی و اولویت بندی ریسک می باشد.

نتایج: نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داده است، از ۲۳ ریسک فاکتور مختلف شناسایی شده در ایستگاه عملیاتی ۱۰۲، ۳۴/۷ درصد آنها در محدوده قابل قبول و ۴۳/۷ درصد خطرات غیر قابل قبول و ۲۱/۷ درصد خطرات در سطح اضطراری قرار دارند.

نتیجه گیری: بیشترین خطر مربوط به ریسک های استرس رانندگی و ترافیک، حمل و نقل تجهیزات و ادوات آتش نشانی، الکتریسیته، مواد قابل انفجار و استرس دلهره انجام بهینه عملیات و کمترین خطر هم مربوط به ارتعاش دست و بازو می باشد. توجه به پژوهش انجام شده ریسک های استرس، الکتریسیته، انفجار و حمل و نقل تجهیزات و ادوات های ریسک ترین خطرات شغل آتش نشانی در ایستگاه ۱۰۲ عملیاتی شهر کرج می باشد که هر کدام به نوعی پتانسیل آسیب رسانی بالا از جمله نارضایی قلبی، اختلالات اسکلتی-عضلانی و حتی مرگ نیز می باشند. لذا این ریسک ها در اولویت برنامه ریزی های لازم برای ارتقاء سلامتی و ایمنی پرسنل این ایستگاه لازم است مد در نظر قرار گرفته شود.

واژگان کلیدی: آتش نشانی، خطرات، ارزیابی ریسک، FMEA



بررسی عوامل مرتبط با رفتارهای حفاظتی کارگران کارخانجات ریسندگی بافندگی شهر یزد برای پیشگیری از افت شنوایی بر اساس تئوری انگیزش محافظت

فاطمه جوزی^۱، طاهره هاشمی فرد^۲ محمدعلی مروتی شریف آباد^۳

۱. گروه بهداشت عمومی، واحد فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزآباد، ایران fjowzi@gmail.com

۲. گروه پرستاری، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزآباد، ایران

۳. استاد مرکز تحقیقات سلامت سالمندی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، ایران

زمینه و هدف: افت شنوایی ناشی از سروصدا به عنوان یکی از ده بیماری شغلی و شایع ترین بیماری غیرقابل برگشت ناشی از کار معرفی گردیده است. درصد کارگرانی که در حضور صدای مضر، از گوشی استفاده می کنند خیلی پایین است. مطالعه حاضر با هدف، بررسی عوامل مرتبط با رفتارهای حفاظتی کارگران کارخانجات ریسندگی بافندگی شهر یزد برای پیشگیری از افت شنوایی بر اساس تئوری انگیزش محافظت، انجام شد.

مواد و روش ها: در این پژوهش تحلیلی مقطعی، ۲۸۰ نفر از کارگران کارخانجات ریسندگی بافندگی شهر یزد که در معرض صدای بالای ۸۵ دسی بل قرار داشتند و به روش خوشه ای از بین ۳ کارخانه انتخاب شده بودند، مورد مطالعه قرار گرفتند. اطلاعات به وسیله پرسشنامه ای که بر اساس تئوری انگیزش محافظت طراحی شده بود، به روش مصاحبه اختصاصی با کارگران جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: ۴۲/۵ درصد از افراد مورد مطالعه همیشه از گوشی های حفاظتی استفاده می کردند و ۲۰/۷ درصد افراد اصلا از گوشی استفاده نمی کردند. بین سابقه کار افراد و میانگین نمره سازه های شدت درک شده، کارآمدی پاسخ درک شده و حساسیت درک شده همبستگی معنی دار آماری وجود داشت. بین انگیزش محافظت و میانگین نمره های حساسیت درک شده، خودکارآمدی درک شده، کارآمدی پاسخ درک شده، هزینه های درک شده و رفتار استفاده از گوشی های حفاظتی همبستگی معنی دار آماری وجود داشت.

نتیجه گیری: با توجه به همبستگی بیشتر سازه های تئوری انگیزش محافظت افراد در خصوص استفاده از گوشی، طراحی برنامه های آموزشی در چهارچوب این تئوری جهت افزایش انگیزش کارگران برای استفاده از گوشی های حفاظتی مورد تاکید است.

واژگان کلیدی: گوشی حفاظتی، تئوری انگیزش محافظت



بررسی میزان اضطراب سلامت پرستاران بیمارستان روانپزشکی بهاران زاهدان در مواجهه با بحران بیماری کرونا

مهرانگیز قبیعی^۱، زهرا رئیسی^۲، لیلی مرادی^۳

۱. کارشناس ارشد پرستاری داخلی-جراحی، دانشکده پرستاری مامایی زاهدان، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران
Mehrangiz_ghabimi72@yahoo.com
۲. کارشناس ارشد پرستاری داخلی-جراحی، بیمارستان روانپزشکی بهاران، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران
۳. کارشناس پرستاری، بیمارستان روانپزشکی بهاران، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران

زمینه و هدف: کرونا ویروس در حال حاضر تهدیدات بهداشتی بزرگی را برای سلامتی عمومی جهان ایجاد کرده است. این بیماری در سراسر جهان، در حال گسترش است و بیشتر کشورها از جمله ایران را مبتلا و درگیر کرده است. اضطراب سلامت، اختلالی است که با اضطراب و ترس فراوان در مورد داشتن یک بیماری جدی مشخص می شود. پرستاران به عنوان یکی از گروه هایی که مستقیماً با بیماران مبتلا به این ویروس در ارتباط هستند باعث ایجاد اضطراب در آن ها می شود. بنابراین برآن شدیم مطالعه ای با هدف تعیین میزان اضطراب پرستاران بیمارستان روانپزشکی بهاران شهر زاهدان در مواجهه با بحران بیماری کرونا انجام دهیم.

مواد و روش ها: این پژوهش یک مطالعه مقطعی (توصیفی-تحلیلی) می باشد که به شکل مقطعی در سال ۱۳۹۹ انجام گرفت. جامعه مورد مطالعه ۶۵ نفر از پرستاران و بهیاران شاغل بیمارستان روانپزشکی بهاران بودند، که از طریق سرشماری وارد مطالعه شده بودند. داده ها از طریق اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه اضطراب سلامت (HAI) که توسط سالکوسیسی و وارویک در سال ۲۰۰۲ طراحی شده که شامل ۱۸ سؤال است. این پرسشنامه شامل ۳ زیرمؤلفه ی ابتلا به بیماری، پیامدهای بیماری، نگرانی های کلی سلامتی می باشد. هر آیتم این پرسشنامه چهار گزینه دارد و هریک از گزینه ها شامل توصیف فرد از مؤلفه های سلامتی و بیماری به صورت یک جمله خبری است که آزمودنی بایستی یکی از جملات را که بهتر او را توصیف می کند انتخاب کند. داده ها پس از جمع آوری با استفاده از آمارهای توصیفی میانگین، انحراف معیار و دامنه تغییرات و آزمون های استنباطی: T test مستقل، Anova، ضریب همبستگی پیرسون در نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: نتایج نشان داد که ۷۶٫۹۲ درصد آنها را زنان تشکیل می دادند. و ۸۷٫۶۹ درصد آنها متأهل هستند. ۸۴٫۶۱ درصد آنها تحصیلات کارشناسی داشتند. میانگین سنی پرستاران شرکت کننده $28/31 \pm 6/4$ می باشد. میانگین نمره اضطراب سلامت پرستاران $13/2 \pm 11/61$ می باشد. بین سن و میزان اضطراب رابطه مستقیم وجود داشت ($p < 0/005$). همچنین بین جنس و میزان اضطراب ارتباط معنی داری مشاهده شد. ($p < 0/005$)

نتیجه گیری: با توجه به نتایج مشخص که میزان اضطراب پرستاران خفیف می باشد. میزان اضطراب با سن رابطه مستقیم دارد طوری که با افزایش سن اضطراب نیز افزایش پیدا می کند. همچنین مشخص شد که میانگین اضطراب در دو جنس اختلاف معنی داری دارد طوری که میانگین اضطراب در گروه زنان بیشتر از مردان است. با توجه به نقش مهم و ارتباط مستقیم پرستاران با بیماران کرونایی و از طرفی اهمیت حفاظت پرسنل پرستاری در مقابل این ویروس نقش آموزش و آگاهی در زمینه مراقبت های شخصی و در دسترس قرار دادن امکانات محافظت فردی برای آنها می توان میزان اضطراب این گروه از پرسنل را کاهش داد.

واژگان کلیدی: اضطراب سلامت، پرستاران، بیماری



مرور روایتی بر نانوتکنولوژی در علوم پزشکی: دستاوردهای نانوتکنولوژی

و انواع نانوذرات بکار رفته در این حوزه

نگین رستگار^۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران
negin.rastegar93@gmail.com

زمینه و هدف: تکنولوژی نانو با کاهش اندازه مواد در ابعاد 1 تا 100 nm، منجر به ایجاد خواص فیزیکی، شیمیایی و زیستی متفاوتی می شود که این امر کاربردهای جدید و منحصر به فردی را برای نانوذرات امکان پذیر می سازد. این ذرات در حوزه های مختلفی از جمله: پزشکی، داروسازی، صنعت و نیز در استفاده های روزمره مانند: مواد آرایشی بهداشتی و... مورد استفاده قرار می گیرد، اما در این بین، تحولاتی را در حوزه ی پزشکی به ارمغان آورده که بسیار حائز اهمیت است. پزشکی نانو از چشم انداز قابل توجهی در بهبود تشخیص و درمان بیماری های مربوط به انسان برخوردار است که از جمله ی آنها می توان: درمان برخی سرطان ها، نانودارو در بهبود پارکینسون، دارورسانی (drug delivery)، ژن درمانی، هاپیرترمیا، اثرات ضد میکروبی با استفاده از نانو ذرات نقره و... نام برد. لذا نقش فناوری نانو در پیشرفت های حوزه ی علوم پزشکی غیرقابل چشم پوشی است و انتظار می رود پژوهش حاضر با شناساندن نانوفناوری و برخی از دستاوردهای آن در حوزه ی علوم پزشکی، علاوه بر بکارگیری در حوزه های کاری مربوطه، منجر به گسترش پژوهش در این زمینه جهت دستاوردهای بیشتر شود.

مواد و روش ها: پژوهش پیش رو از نوع مرور روایتی است و برای نگارش آن از مقالات چاپ شده در پایگاه داده های PubMed، Google scholar سایت فناوری نانو و... از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ استفاده کردیم. از ۱۴۸ مقاله ی یافت شده، ۹۶ مقاله و یک کتاب وارد مطالعه کردیم. ابتدا از کلیدواژه های نانوتکنولوژی، انواع نانوذرات، نانوتکنولوژی در پزشکی، نانوتکنولوژی در درمان سرطان، نانوتکنولوژی در دارورسانی، نانوتکنولوژی در تشخیص پزشکی، کاربرد فناوری نانو در پزشکی و سلامت و... استفاده کردیم. و سپس صحت انتخاب آنها را در سیستم آنلاین (Medical) MeSH (Subject Headings)، مجموعه واژگانی است که توسط کتابخانه ملی پزشکی ایالات متحده ایجاد شد تا در نمایه سازی مقالات نشریات و فهرستگان کتاب های علوم زیستی به کار برده شود، با استفاده از چکیده انگلیسی پژوهش حاضر بررسی کردیم.

نتیجه گیری: نانوذرات با داشتن ویژگی های منحصر به فرد، در سال های اخیر اهمیت ویژه ای را در بسیاری از رشته ها مانند: مراقبت های بهداشتی، کشاورزی، محیط زیست و... پیدا کرده اند. از جمله کاربردهای فناوری نانو در حوزه ی پزشکی می توان به ۲ گروه دسته بندی کرد: (۱). تشخیص پزشکی: تصویر برداری شدید مغناطیسی (MRI) (تصاویر دقیق از بافت و امکان تصویربرداری در سطوح سلولی و ملکولی) و آزمایش های تشخیص با نانوزیست حسگرها (نانوساختارهای فلزی در زیست حسگرهای الکتروشیمیایی، زیست حسگرهای نوری بر پایه تشدید پلاسمون های سطحی و...) (۲). درمان: ژن درمانی (نانومواد به عنوان انتقال دهنده های ژنی غیرویروسی، ویروزومها (Virosomes) به عنوان سیستم های حامل آنتی ژن و DNA)، دارورسانی (دارورسانی به: چشم، ریه، مغز از طریق پوست، لیپوزوم و دندیرمها)،



هایپرترمیا (درمان سرطان، استفاده از نانوذرات مغناطیسی و نانوذرات طلا)، درمان فتوکاتالیتیک و فتودینامیک (درمان بیماریهای سرطانی و غیر سرطانی به عنوان حامل فتوستسایزر) اشاره کرد. نانو ذرات همچنین در ساختار های مختلفی از جمله: نانولوله ها، نانو کریستال ها و دیگر نانوذراتی مانند: فلزات و... عرضه می شوند. با این حال، علاوه بر تحقیقات در زمینه نانو و توسعه و ارتقای این فناوری به طور گسترده، اطلاعات کمی در زمینه خطرات بالقوه انسانی وجود دارد. گرچه فناوری نانو باعث انقلاب و تحول گسترده ای در بسیاری از زمینه ها شده است، با این حال کاهش سمیت و خطرات مواجهه با نانوذرات نیز باید در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی : انواع نانوذرات در پزشکی، نانوتکنولوژی در درمان ، نانوتکنولوژی در تشخیص، دارورسانی، ژن درمانی، هایپرترمیا، فتودینامیک



بررسی وضعیت فاکتور های موثر بر بار ذهنی پرسنل اورژانس در زمان شیوع کرونا

هادی علیمرادی^۱، علیرضا آجدانی^۲، مهسا نظری^۳

۱. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

۲. دکتری پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ایران

۳. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران nazarimahsa95@yahoo.com

زمینه و هدف: پیشرفت تکنولوژی باعث تغییر ماهیت کارها از حالت جسمانی به فعالیت های ادراکی و مبتنی بر مدل‌های دریافت و پذیرش ذهنی اطلاعات شده است. شاغلین فوریت های اورژانس به دلیل نیاز به تصمیم گیری حیاتی، سرعت عمل و درک صحیح از سیستم‌های کنترل علائم حیاتی بیماران در معرض بار ذهنی کار قرار دارند. اطلاع دقیق از میزان بار ذهنی کار در پیشگیری از خطاهای انسانی، تعیین سختی کار و تأمین سلامت پرسنل فوریت‌های اورژانس حائز اهمیت است.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی- تحلیلی به روش مقطعی در سال ۹۹ در جامعه آماری پرسنل اورژانس بیمارستان خصوصی اصفهان (۱۴۶ نفر مرد) انجام شد. در این مطالعه از پرسشنامه بار ذهنی ناسا (NASA-TLX) استفاده شد و افراد به صورت خودارزیابی و مجازی آن را تکمیل و در اختیار واحد HSE بیمارستان گذاشتند. آنالیز آماری با استفاده از رگرسیون خطی چند متغیره و آزمون اسپیرمن انجام شد.

نتایج: میانگین نمره بار ذهنی در پرسنل اورژانس در فعالیت های غیر از حمل بیماران کرونایی $45/2 \pm 1/5$ و در هنگام حمل بیماران کرونایی $78/2 \pm 5/8$ است. تأثیرگذار ترین عامل بار ذهنی در مأموریت‌های کرونایی اورژانس نیازهای فیزیکی ($P < 0/05$ و $\beta = 0/48$) و در مأموریت‌های معمولی اورژانس نیازهای ذهنی ($P < 0/05$ و $\beta = 1/52$) می باشد. ضریب تعیین مدل در مأموریت‌های کرونایی اورژانس $0/82$ تعیین شده است به این مفهوم که تغییرات نمره بار ذهنی ۸۲ درصد پرسنل اورژانس در زمان حمل بیماران کرونایی با استفاده از این مدل قابل پیش بینی می باشد.

نتیجه گیری: بین مدیریت بخش اورژانس و شاخص فضا تسهیلات و تجهیزات رابطه مستقیم و معنادار از لحاظ آماری وجود دارد ($p < 0.05$) و با بهبود مدیریت بخش اورژانس، در شاخص فضا، تسهیلات و تجهیزات نیز بهبود دیده می شود. همچنین بین نیروی انسانی بخش اورژانس و شاخص فعالیت ها نیز رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد ($p < 0.05$)، بدین معنا که با بهبود شاخص نیروی انسانی در بخش های اورژانس، عملکرد این بخش ها نیز بهبود می یابد.

واژگان کلیدی: بار ذهنی، اورژانس، خطای انسانی، کرونا، بیمارستان



شناسایی و دسته بندی عوامل مرتبط غیبت از کار با استفاده از مدل درخت تصمیم در یک صنعت فولادی

هادی علیمرادی^۱، رضا جعفری ندوشن^۲، مهسا نظری^۳، محمد شروین بینا^۴، فرزانه ممندی زاده^۵

۱. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران
۲. استادیار و عضو هیئت مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران
۳. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران nazarimahsa95@yahoo.com
۴. مهندسی تکنولوژی سخت افزار، دانشگاه غیر انتفاعی صفهان، اصفهان، ایران
۵. عضو هیات علمی گروه آمارزیستی و اپیدمیولوژی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

زمینه و هدف: غیبت از کار در اکثر مواقع سبب بی نظمی در کار، کاهش تولید به علت عدم توقف کار می شود و منجر به ضرر و زیان های اقتصادی بیشماری خواهد شد، یکی از نشانه های مهم به مخاطره افتادن حیات سازمان، پایین آمدن آهنگ کار، غیبت و ترک خدمت است. غیبت از کار یک پدیده پیچیده است که فاکتورهای پیش بینی کننده آن با توجه به وظیفه هر شاغل، جنبه های مدیریتی، شیفت های کاری، کمبود اقدامات کنترلی برای کنترل غیبت و مدت زمان غیبت متفاوت است.

مواد و روش ها: در این مطالعه اطلاعات کلیه کارکنان صنعت فولادی اصفهان در سال های ۹۵ تا ۹۸ جمع آوری شد. در نهایت داده های حاصل از غیبت کاری و سایر پارامترهای دموگرافیک استخراج و ثبت شد. جهت یک دست سازی و پاکسازی داده ها لازم است روی آنها عملیاتی انجام شود که این عملیات، مرحله ی پاکسازی داده ها (Data Cleaning) در داده کاوی نامیده می شود. داده ها پس از جمع آوری وارد نرم افزار R ورژن ۳,۶,۱ خواهد شد و مدل سازی درخت تصمیم بر روی داده ها صورت خواهد گرفت.

نتایج: مدت زمان از دست رفته، میزان کل موارد غیبت، میزان موارد غیبت به علت بیماری، مجموع کل روزهای غیبت از کار غیرموجه و میانگین تعداد روزهای غیبت به ازاء هر فرد به ترتیب ۰,۸۱۰، ۱,۰۱۱، ۰,۵۳۶، ۰,۲۶۸۵ و ۱,۱۵۸,۴۵٪ بود. هم چنین فاکتور تجمعی برادفورد در سال های ۹۵ تا ۹۸ به ترتیب ۸۲، ۱۵ و ۶۸ به دست آمد. بر اساس نتایج آزمون های آماری، مشخص شد که بین عامل وقوع حادثه و غیبت ($P=0.045$)، ماه وقوع و غیبت ($P=0.051$)، ماهیت آسیب دیدگی و غیبت از کار ($P=0.013$)، شیفت کاری و فاکتور برادفورد ($P=0.03$)، فاکتور برادفورد و عامل حادثه ($P=0.046$) و حقوق دریافتی و زمان وقوع حادثه ($P=0.018$) ارتباط معنی داری وجود داشت.



نتیجه گیری : بر اساس نتایج این مطالعه، آمار غیبت از کار در سال 98 بیشتر از سال های قبل بود که بایستی علت یابی و کنترل شود. هم چنین مشخص شد که موارد مختلفی می تواند بر روی میزان غیبت ناشی از کار موثر باشد، از جمله این عوامل می توان به سن افراد، نوبت کاری، وضعیت استخدامی افراد، نوع حادثه، ماه های سال و... اشاره کرد. با بررسی و علت یابی غیبت ناشی از کار، می توان آمار آن را در سازمان کاهش داد و در نتیجه آن بهره وری و تولید را افزایش داد.

واژگان کلیدی : حوادث ناشی از کار، غیبت ، اثر بخشی، آنالیز بقا، مرخصی ، درخت تصمیم



مروری بر استانداردهای ملی ایران در ارتباط با جنبه های بهداشت، ایمنی و محیط زیست نانوفناوری

سقراط عمری شکفتیک^۱

۱. کارشناس ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران Omari.s@iums.ac.ir

زمینه و هدف: امروزه نانوفناوری بخش های مختلف علم و فناوری را تحت تاثیر قرار داده است. بویژه علم که با ظهور نانوفناوری، جان تازه ای گرفته است. اما، اثراتی که نانوفناوری و نانومواد می توانند بر سلامت انسان و محیط زیست داشته باشند، نگرانی هایی را بوجود آورده است. استاندارد سازی نانوفناوری، بویژه جنبه های ایمنی، بهداشت و محیط زیستی آن، می تواند در کاهش این نگرانی ها موثر باشد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر به معرفی و بررسی استاندارد های ملی ایران، در ارتباط با جنبه های ایمنی، بهداشت و محیط زیست نانوفناوری، می پردازد. دسترسی به این استاندارد ها با جستجوی کلیدواژه های "نانو"، "نانوفناوری" و "فناوری نانو" در قسمت "موضوع" پورتال سازمان ملی استاندارد، میسر شد. بررسی استاندارد ها با استفاده از یک چک لیست انجام گرفت. این چک لیست براساس راهنمای نگارش استاندارد ISO/IEC و نظرات متخصصین بهداشت حرفه ای تهیه شد.

نتایج: ۱۰۴ استاندارد حاصل از جستجو، در مرحله اول بر اساس عنوان و در مرحله بعد براساس محتوا مورد بررسی قرار گرفتند. در نهایت ۱۴ استاندارد مرتبط با موضع موردنظر، معرفی و بررسی شدند. بیشتر استاندارد های مورد بررسی، ترجمه یکی از استاندارد های ISO و یا ASTM بودند. در چند مورد، بیش از ۵ سال از تدوین استاندارد گذشته بود و مورد بازبینی قرار نگرفته بود.

نتیجه گیری: به نظر می رسد سیر استانداردسازی نانوفناوری در کشور، مناسب است؛ بیش از ۱۰۰ استاندارد منتشر شده ملی در این حوزه گواه این مدعا است. معرفی بهتر این استاندارد ها به مراکز علمی، تحقیقاتی و فناوری، می تواند جنبه کاربردی آن ها را نیز تقویت کند.

واژگان کلیدی: نانوفناوری؛ استاندارد ملی؛ استانداردسازی؛ جنبه های ایمنی، بهداشت و محیط زیست





Investigation of the factors influencing assessment the health, safety and environmental risks of activities involved with nanomaterials

Soqrat Omari Shekaftik¹, Yousef Mohammadian², Wahab Ebrahimi³

1.MSc, Department of Occupational Health, Faculty of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. omari.s@iums.ac.ir

2.Assistant Professor, Department of Occupational Health Engineering, Faculty of Health, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran

3.BSc, Department of Occupational Health, Faculty of Public Health, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

Background: Assessing the risks of new technologies has always been challenging. It seems that the first step of this process is to try to identify the main factors influencing the risk assessment. So, the present study was conducted to identify the effective factors in assessing the health, safety and environmental risks of activities involved with nanomaterials.

Material and Methods: A questionnaire was designed and validated by experts in occupational health, medical nanotechnology and health education using factors possibly influencing assessment of the health, safety and environmental risks of nanomaterials. The questionnaire was then sent to 10 other experts and they were asked to give a score of 1 to 5 to each of the factors.

Results: Twenty-four factors affecting the assessment of health, safety and environmental risks of nanomaterials were identified and divided into four groups: nanomaterial properties, parent materials properties, work properties and workplace properties. The factors with the highest scores in each of the areas of health, safety and environment were, toxicity of nanomaterial, reactivity of nanomaterial, and solubility (or stability, or biopersistency) of nanomaterial, respectively.

Conclusions: If we want to rank the level of concern about the health, safety and environmental risks of nanotechnology, we will undoubtedly give the first rank to health risks. it seems logical that a combination of factors from all four groups is appropriate to assess the risks of nanomaterials; But which factor should be more influential in risk assessment and which one less, requires further studies.

Keywords: Nanomaterials; Risk Assessment; health, safety and environmental risks; Occupational Exposure



Comparative risk assessment of activities involving nanomaterials by NanoTool & Guidance methods

Soqrat Omari Shekaftik¹, Amirhossein Aliakbar², Fatemeh Soleimany², Azad Haghighi Asl³, Saeedeh Amini Ravandi⁴

1.MSc, Department of Occupational Health, Faculty of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. omari.s@iums.ac.ir

2.MSc, Department of Biostatistics, Faculty of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

3.MD, Faculty of Medicine, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

4.BSc, Department of Chemistry, Faculty of Science, Urmia University, Urmia, Iran

Background: Assessing the risks associated with the advancement of science and technology has always been accompanied by a great deal of uncertainties. Nanotechnology is a relatively new field with many uncertainties regarding its safety, health and environmental aspects that have necessitated risk assessment in this field. Therefore, the present study aimed to comparatively assess the risk of activities involved with nanomaterials.

Material and Methods: The study was conducted at 18 nanotechnology companies in Tehran. To assess the risk of their activities, two proposed methods to assess the risk of activities involving nanomaterials (NanoTool and Guidance) were used. The results were analyzed by SPSS.22 software using chi-square test.

Results: The results showed that although both methods were designed based on the Control Banding approach, their outputs were different. This is because of different parameters considered by them to assess the risk of activities. Also statistical analysis of the results showed no significant relationship between them.

Conclusions: Given the large difference and lack of significant association between risk assessment results, Guidance seems to be less effective than NanoTool. But since it is a straightforward method and easy to implement in work and research environments, it can be used in initial evaluations.

Keywords: Nanomaterials; Risk Assessment; Control Banding; NanoTool Method; Guidance Method



بررسی وضعیت اجرای دستورالعملهای پیشگیری از بیماری کرونا (COVID19)

در کارگاه های ساختمانی، مطالعه موردی در یک هلدینگ ساختمانی

سید رضا آقازاده^۱، علی محمدی اصل^۲، کریم معتمدی^۳، محسن اکبری^۴

۱. کارشناسی ارشد بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران Sreza.aghazadeh@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد مهندسی عمران سازه، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب، تهران، ایران

۳. کارشناسی مهندسی عمران، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب، تهران، ایران

۴. کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال، تهران، ایران

زمینه و هدف: متأسفانه در چند ماه گذشته پاندمی کرونا ویروس بر جهان سایه افکنده و تقریباً همه افراد در زندگی روزمره و کاری خود با این ویروس خطرناک در حال مبارزه هستند و نیروی کار کشور نیز در محیط کار با این موضوع دست به گریبان است. کارگاه های ساختمانی از اصلی ترین عوامل محرک اقتصاد و صنعت کشور محسوب می گردد و بسیاری از صنایع به طور مستقیم وابسته به صنعت ساخت و ساز می باشند و همچنین تقریباً نیمی از کل نیروی کار کشور در این صنعت و صنایع وابسته مشغول به فعالیت هستند. بنابر این با توجه به تعداد بالای نیروی کار و اهمیت این بخش بحث رعایت کامل دستورالعملهای پیشگیری از بیماری از اهمیت بالایی برخوردار می باشد.

مواد و روش ها: هدف از این مطالعه بررسی میزان رعایت دستورالعمل های ابلاغی کرونا ویروس توسط سازمان های مربوطه در ۱۲ کارگاه ساختمانی می باشد. در این تحقیق ۱۳۰ نفر از کارگران و مهندسين شاغل در ۱۲ کارگاه ساختمانی انتخاب و به وسیله پرسشنامه طراحی شده میزان رعایت دستورالعمل کرونا ویروس مورد بررسی قرار گرفت. با استفاده از پرسشنامه طراحی شده در چهار بخش (بهداشت فردی، امکانات و تسهیلات فراهم شده، غربالگری اولیه، بهداشت جمعی) به بررسی وضعیت رعایت دستورالعمل های پیشگیری از بیماری کرونا ویروس پرداخته شد.

نتایج: نتایج این مطالعه نشان داد که در هر چهار موضوع مورد بررسی وضعیت رعایت دستورالعملهای ابلاغی در سطح پایین قرار دارد. بخش میزان رعایت بهداشت فردی با ۱۷ درصد و غربالگری اولیه با ۱۹ درصد پایین ترین امتیاز ممکن را کسب نموده و بخش بهداشت جمعی با ۲۷ درصد و بخش امکانات و تسهیلات با ۳۹ درصد در رتبه های بعدی قرار دارند.

نتیجه گیری: نتایج به دست آمده از تحقیق نشان دهنده وضعیت بسیار بد و خطرناک در مورد رعایت دستورالعملهای ابلاغی کنترل بیماری می باشد. در بررسی های صورت گرفته پایین ترین امتیاز مرتبط با بهداشت فردی (عدم شست و شوی مناسب دست، عدم استفاده از ماسک، ...) بوده و نشان دهنده نیاز به آموزش و فرهنگ سازی در این حوزه می باشد. همچنین در هیچ یک از کارگاه های مورد بررسی بحث پیشگیری و غربالگری اولیه (تب سنجی، آزمایش پزشکی، ...) صورت نمی پذیرد که با توجه به مسری بودن و شدت بالای انتشار بیماری باید این موضوع در اولویت مدیران و سرپرستان کارگاه های ساختمانی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: کرونا ویروس، COVID19، کارگاه ساختمانی، دستورالعملهای بهداشتی کرونا



بررسی اپیدمیولوژیکی حوادث ساختمان سازی ثبت شده در سازمان تامین اجتماعی شهرستان قم

احمد مهري^۱

۱. دانشجوی دکترا مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان ahmadmehri10@yahoo.com

مقدمه: حوادث ناشی از کار سومین علت مرگ و میر در جهان محسوب می شوند و به عنوان یکی از مهمترین عوامل خطر بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی در جوامع صنعتی و در حال توسعه معرفی شده اند. هدف از پژوهش حاضر بررسی اپیدمیولوژیکی حوادث ساختمان سازی ثبت شده در سازمان تامین اجتماعی شهرستان قم می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی می باشد. در این مطالعه تمام حوادث ساختمان سازی ثبت شده در سازمان تامین اجتماعی شهرستان قم در اداره کار و امور اجتماعی شهرستان قم به ثبت رسیده است را جمع آوری کرده و مورد بررسی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS ۱۶ و EXCEL استفاده شد.

نتایج: میانگین سنی افراد حادثه دیده ۴۲ سال (حداقل ۲۵ و حداکثر ۶۰ سال) بود که بیشترین حوادث در گروه سنی ۲۵ تا ۳۶ رخ داده است. به طور کلی در طی ۴ سال بررسی ۴۶٫۸ درصد افراد متاهل نسبت به مجردین بیشتر دچار حادثه شده بودند. بیشتر حوادث در طی این سالها بین ساعت ۱۲-۱۰ صبح به وقوع پیوسته اند. همچنین بیشترین گروه شغلی حوادث ساختمانی کارگران ساده (۴۸/۵٪) بوده اند. بیش از ۵۲/۶٪ از حوادث ساختمانی به دست و پای افراد آسیب می رساند. همچنین بیشتر حوادث ساختمانی مربوط به ساختمان سازی پیمانکاری (۷۲٪) است.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نیاز به بررسی بیشتر با هدف تغییر در روند موجود، جهت پیشگیری از حوادث در آینده را ارائه می نماید.

واژگان کلیدی: حوادث، بررسی اپیدمیولوژیکی، حوادث ساختمان سازی



بررسی DISCOMFORT GLARE چراغ خودروها در کشور ایران

احمد مهري^۱

۱. دانشجوی دکترا مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان ahmadmehri10@yahoo.com

زمینه و هدف: با وجود اینکه تنها بخش کمی از مسافرت ها توسط وسایل نقلیه در شب صورت می گیرد اما حدود ۴۰ درصد کل آسیب های جدی ناشی از رانندگی در شب رخ می دهد. یکی از عوامل تاثیر گذار در ارتباط با حوادث جاده ای در شب هنگام خیرگی ناشی از چراغ خودروها می باشد. خیرگی آزاردهنده در جاده های دو لاین (دو طرفه) باعث آزردهگی، عدم آسایش و راحتی، استرس و خستگی ذهنی در رانندگان لاین مقابل می گردد. که می تواند در ایجاد حوادث رانندگی موثر باشد. بنابراین هدف از مطالعه حاضر بررسی میزان خیرگی آزاردهنده چندین خودرو پرفروش در کشور ایران می باشد.

مواد و روش ها: در این پژوهش میزان خیرگی آزار دهنده ی خودروهای صفر کیلومتر (new vehicles) پراید مدل صبا GTX، پراید مدل 131SL، سمند سورن، پژو ۴۰۵، مگان و پژو پارس در فواصل ۵ تا ۱۰۰ متری و در درخشندگی زمینه ۵۰ کاندلا بر متر مربع (هوای گرگ ومیش) و همچنین در درخشندگی زمینه ۱ کاندلا بر متر مربع (نیمه شب) با استفاده از مدل schmidth-clausen and binder و از طریق مقیاس ذهنی دی بور سطح خیرگی آزاردهنده تخمین داده شد.

یافته ها: با توجه به مقیاس ذهنی دی بور، میزان خیرگی آزاردهنده در فواصل یاد شده در تمامی خودروهای مورد بررسی در حالت نور بالا و در درخشندگی زمینه ۵۰ کاندلا بر متر مربع بین ۱/۹۸ تا ۴/۰۵ و در حالت نور پایین بین ۵/۴ تا ۳/۵ متغیر می باشد. در درخشندگی زمینه ۱ کاندلا بر متر، میزان خیرگی آزاردهنده در حالت نور بالا بین ۰/۴۱ تا ۲/۴۸ و در حالت نور پایین بین ۱/۹۳ تا ۳/۸۴ بود. در حالت نور بالا، با کاهش فاصله بین خودروها تا فاصله حدود ۲۰ متری میانگین سطح خیرگی ناتوان کننده این خودروها به تدریج افزایش می یابد. در حالت نور پایین تا فاصله ۴۰ متری بین خودروها هیچ گونه خیرگی آزاردهنده ثبت نشد. همچنین در حالت نور بالا در زاویه ۱/۱۵ تا ۵/۷۳ بین خط دید و چراغ خودروها سطح خیرگی آزاردهنده افزایش و از زاویه ۵/۷۳ تا ۲۲/۹ سطح خیرگی آزاردهنده کاهش یافت. در حالت نور پایین در زاویه ۲/۸۶ تا ۲۲/۹ درجه سطح خیرگی آزاردهنده تقریباً یکسان بود.

نتایج: میزان خیرگی ایجاد شده در چراغ خودروهای مورد مطالعه نشان می دهد که در حالت نور بالا در تمامی فواصل ۱۰۰ متری بین خودروها و در حالت نور پایین در فواصل کمتر از ۴۰ متری خیرگی آزاردهنده ایجاد می گردد. بنابراین می توان با ارائه راهکارهایی همچون ایجاد سیستم روشنایی جاده ای (افزایش درخشندگی زمینه)، جداسازی لاین های جاده ای یا تعریض هر لاین جاده ای (افزایش زاویه بین خط دید و چراغ خودروها) و افزایش فاصله جانبی بین خودروها، خیرگی را به طور چشمگیری کاهش داد.

واژگان کلیدی: discomfort glare, DeBoer Discomfort Glare Scale, Schmidt-Clausen headlights, illuminatio, and Bindels model



بررسی خطاهای انسانی در جمعیت اپراتورهای تاور کرین با استفاده از روش SHERPA و اولویت بندی آن بر اساس تحلیل سلسله مراتبی (AHP)

امیر عباسی گرمارودی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی محیط کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران
Abbasi.amir829@gmail.com

زمینه و هدف: از اهداف مهم در زمینه خطاهای انسانی مرتبط با مشاغل عمرانی، شناسایی و پیشگیری از وقوع اثرات زیان بار ناشی از این گونه خطاها است. یکی از رویکردهای پیشگیرانه به منظور جلوگیری از خطاهای انسانی، شناخت و تجزیه و تحلیل آن ها است. هدف از این مطالعه بررسی کلیه فرایندهای فعالیت های اپراتور تاور کرین و نهایتاً شناسایی خطاهای انسانی و اولویت بندی آن می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی-تحلیلی بصورت مقطعی و در سه مرحله انجام شد. در مرحله اول شناسایی و ارزیابی خطاهای انسانی با استفاده از رویکرد SHERPA صورت گرفت و فراوانی هر یک از خطاها مشخص گردید، در مرحله دوم، معیارهای لازم برای اولویت بندی از مطالعات کتابخانه‌ای تعیین شد، نهایتاً در مرحله سوم با فرایند تحلیل سلسله مراتبی، اولویت بندی معیارها و وظایفی که بیشترین فراوانی بروز خطا را داشتند صورت گرفت.

نتایج: از میان ۸۶ خطاهای شناسایی شده به کمک SHERPA مشخص شد که بیشترین و کمترین درصد خطاهای شناسایی شده از کل خطاها به ترتیب مربوط به خطای عملکردی (۶۸/۱٪) و انتخابی (۲/۵۸٪) می باشد. معیار تجربه و مهارت به ترتیب با وزن ۰/۲۶۸ و ۰/۲۶۲ بیشترین اهمیت و معیار تجهیزات با وزن ۰/۰۷۷ پایین ترین اهمیت را از میان معیارهای موثر در بروز خطای انسانی نشان داد. وظیفه بازرسی روزانه قطعات الکتریکی تاور کرین با وزن ۰/۲۲۵ بیشترین ارجحیت را در میان ۱۶ وظیفه به خود اختصاص داد.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که بیشترین درصد خطای انسانی در اپراتورهای تاور کرین خطای نوع عملکردی می باشد، هم‌چنین تجربه و مهارت بعنوان مهم ترین معیارها در وقوع خطاهای انسانی این بخش شناخته شدند.

واژگان کلیدی: SHERPA، خطای انسانی، تاور کرین، تحلیل سلسله مراتبی





سلامت در بلایا و فوریت ها



درس آموخته های ایمنی مدیریت مشارکت داوطلبین در بلایای طبیعی؛ مطالعه موردی

سیلاب ۱۳۹۸

داود پیرانی^۱، ایمان فرهی آشتیانی^۱، بایرام نجاتی^۱، علی صاحبی^۲

۱. دانشجوی دکتری تخصصی سلامت در بلایا و فوریتها، گروه سلامت در بلایا و فوریتها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران
۲. دانشجوی دکتری تخصصی سلامت در بلایا و فوریتها، گروه سلامت در بلایا و فوریتها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران Ali.sahebi.phd@gmail.com

زمینه و هدف: در اواخر اسفند ۹۷ و فروردین ماه ۱۳۹۸ به دنبال بارش شدید باران، سیل عظیمی در کشور به وقوع پیوست. سامانه اول از ۲۶ اسفند تا ۲ فروردین، مناطق شمال شرقی، به ویژه غرب استان گلستان و شرق استان مازندران را در معرض سیل گرفتگی طولانی قرار داد. سامانه دوم از ۴ تا ۶ فروردین، اغلب، محدوده جنوب غرب شامل استان های لرستان و خوزستان را در بر گرفت. موج سوم بارش های سنگین در ۱۱ و ۱۲ فروردین به وقوع پیوست و باز همه مناطق جنوب غرب را تحت تأثیر سیل های رودخانه ای قرار داد. بنابراین گزارش سازمان مدیریت بحران کشور، در وقایع سیل اخیر، ۲۵ استان کشور شامل ۲۰۰ شهر و ۴۳۰۴ روستا تحت تأثیر سیلاب و طغیان رودخانه ها قرار گرفتند. این مطالعه با هدف تعیین درس آموخته های ایمنی مدیریت مشارکت داوطلبین در بلایای طبیعی مانند سیلاب انجام شده است. شواهد نشان می دهد در بسیاری از کشور های در حال توسعه دسترسی داوطلبین به لوازم حفاظت فردی و توجه به ایمنی داوطلبین در بلایا در سطح بسیار پایینی قرار دارد. افرادی که داوطلبانه در بلایا شرکت می کنند، با استرس روانی، خستگی جسمی، دوری از خانواده، فشار روانی، مخاطرات ایمنی، خطر جانی و مالی روبرو هستند.

نتیجه گیری: مدیریت صحیح داوطلبین در بحران و بلایا بسیار حیاتی است شناسایی موانع و چالش های ایمنی در مدیریت کارا و اثر بخش داوطلبین میتواند به ارتقا آن کمک نماید و در حفظ جان داوطلبین موثر باشد. بر اساس مستندات و گزارشات گردآوری شده و مصاحبه با مدیران و بازدید تیم در جریان عملیات پاسخ پیشنهادات و راهکارهای شامل: انتخاب مسئول ایمنی متخصص در چارت فرماندهی حادثه، اجرای برنامه های آموزش تخصصی ایمنی برای داوطلبین و مدیران مرتبط با فعالیت های داوطلبانه، نبود برنامه های ایمنی در برنامه پاسخ ملی نظام سلامت به حوادث و بلایا، عدم اولویت مدیران به مقوله ایمنی، عدم فرهنگ ایمنی، نبود روش های اجرایی برای ارزیابی ریسک ایمنی داوطلبان و عدم تجزیه و تحلیل مخاطرات برای داوطلبین مطرح گردید.

واژگان کلیدی: درس آموخته، ایمنی، بلایای طبیعی، مدیریت داوطلبین



مدیریت ریسک در صنعت ساخت و ساز؛ چالش ها و راهکارها

ایمان فرهی آشتیانی^۱، میثم صفی کیکله^۲، کتابون جهانگیری^۳

۱. گروه سلامت در بلایا و فوریت‌ها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
۲. دانشکده پرستاری ملایر، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.
۳. دانشیار گروه سلامت در حوادث و بلایا، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
katayounjanghangiri@yahoo.com

مقدمه: حوادث مربوط به ساخت و ساز به عنوان اولین خط حوادث در دسته بندی صنایع در اکثر کشورها در نظر گرفته می شود. طبق گزارش اداره ایمنی و بهداشت حرفه ای آمریکا (OSHA) تقریباً ۶/۵ میلیون نفر در ۲۵۲۰۰۰ کارگاه ساختمانی در سرتاسر جهان کار می کنند. آمارهای ارائه شده توسط BLS (Basic Life Support) نشان می دهد که در سال ۲۰۱۸ تعداد ۱۰۰۸ و معادل ۴۶٪ از مرگ های شغلی در اثر حوادث ساختمانی ثبت شده است. بخش ساخت و ساز در سال گذشته ۱۹۵۶۰۰ جراحی و ۳۶۰۰ بیماری شغلی ثبت شده در ایالات متحده آمریکا را به خود اختصاص داده است همچنین بر اساس گزارش OSHA در سال ۲۰۱۹، ۳۳/۵٪ از مرگ های کارگران ساختمانی در اثر سقوط، ۱۱/۱٪ در اثر برخورد یا سقوط اجسام، ۸/۵٪ ناشی از برق گرفتگی به ثبت رسیده است. این آمارها نشان می دهد که حوادث ساختمانی دارای الویت بسیار زیادی هستند و در صورتی که به آن ها پاسخ صحیحی داده نشود می توانند تبدیل به بحران شوند.

روش کار: این مطالعه از نوع مطالعات کمی بود که دارای مراحل مختلفی است. در ابتدا به شناسایی و طبقه بندی خطرات در پروژه های عمرانی پرداخته شد. برای این کار از روش های بازنگری اسناد، طوفان فکری، روش دلفی، مصاحبه با خبرگان و چک لیست استفاده شد. سپس با استفاده از پرسش نامه ای استاندارد شده عدد ریسک برای همه خطرات بر اساس نظر خبرگان احصا شد. در این مرحله با استفاده از پاسخ های به دست آمده از پرسشنامه به تعیین میزان احتمال وقوع ریسک ها و تعیین اثر هر ریسک پرداخته شد. محاسبه مقدار ریسک هر عامل با استفاده از فرمول $R = P * \max(I)$ انجام شد. بعد از آن به تک تک ریسک ها پاسخ داده شد تا از ایجاد بحران جلوگیری شود.

یافته ها: ریسک های شناسایی شده عبارتند بودند از سقوط از ارتفاع با عدد ریسک ۰/۷ و آتش سوزی کانکس ها در کارگاه با عدد ریسک ۰/۶۵ و برق گرفتگی با عدد ریسک ۰/۶۳، جراحی با ابزار با عدد ریسک ۰/۵، نقص در تاور کرین با عدد ریسک ۰/۴۵، عدم استفاده از PPE با عدد ریسک ۰/۴، آسیب به چشم در جوشکاری با عدد ریسک ۰/۳۹، عدم وجود فرهنگ ایمنی در مدیران ارشد ۰/۳۹. در این قسمت ۵۴ ریسک ایمنی مرتبط با صنایع ساخت و ساز احصا شد.

نتیجه گیری: براساس یافته های این مطالعه میتوان نتیجه گرفت که در پروژه ساخت و ساز ریسک های متعددی وجود دارند که ارزیابی، شناسایی و اولویت بندی این ریسک ها به منظور مدیریت کارا و اثر بخش آنها ضروری است. اولویت بندی ریسک و پاسخ به آن می تواند بدون ایجاد آسیب های جانی، مالی، انسانی و زیست محیطی منتهی به شناسایی راهکارهایی جهت کاهش ریسک گردد و در نهایت از ایجاد بحران و هزینه های ناشی از آن جلوگیری شود.

واژگان کلیدی: ریسک، مدیریت بحران، حوادث در بلایا، خطر



تبیین تعاملات انسانی تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری تکنسین‌های فوریت‌های پزشکی: مطالعه کیفی

ایمان فرهی آشتیانی^۱، حمید صفرپور^۱، زهرا باقری^۲، داوود پیرانی^۱، میثم صفی کیکله^۳

۱. گروه سلامت در بلایا و فوریت‌ها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. دانشکده پرستاری همدان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

۳. دانشکده پرستاری ملایر، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران. meysam.safi@yahoo.com

مقدمه: تصمیم‌گیری درست و به‌موقع تکنسین‌های فوریت‌های پزشکی، نتایجی مشتمل بر مراقبت‌های بهتر، هدایت صحیح بیماران، رضایتمندی بیشتر و کاهش بار اورژانس بیمارستان‌ها را به دنبال خواهد داشت. به‌منظور ارتقا فرآیندهای تصمیم‌گیری در بالین، ضمن کاهش تنش عصبی تکنسین‌ها و اثرات روحی-روانی ناشی از چالش‌های تصمیم‌گیری در صحنه، ضروری است شرایطی را فراهم آورد که تکنسین‌ها به بهترین نحو ممکن و بدون استرس و اضطراب تصمیم‌گیری کنند. از آنجایی که خواسته و نیاز بیماران، همراهان و سایر افراد حاضر در صحنه، و کم و کیف فرآیند ارتباطی بین ارائه‌دهنده و گیرنده خدمت تأثیر بسزایی در ایجاد شرایط و محیط آرام و در نتیجه تصمیم‌گیری به‌موقع و صحیح دارد، این مطالعه به منظور تبیین و شناسایی عوامل مرتبط با تعاملات بین تکنسین‌ها و مددجویان و بیماران انجام شد.

مواد و روش‌ها: به منظور انجام این مطالعه از روش کیفی استفاده شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و مشاهدات میدانی گردآوری شدند. مشارکت کنندگان مشتمل بر ۱۵ تکنسین فوریت‌های پزشکی، ۳ کارشناس مرکز پیام، ۵ مددجو، ۵ همراه بیمار و یک مدیر اورژانس به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. مصاحبه‌ها در شش ماهه اول سال ۱۳۹۹ انجام شد. علاوه بر ۲۹ مصاحبه انجام شده ۵ مشاهده مسقیم میدانی نیز در طول زمان گردآوری داده‌ها جهت تکمیل و اشباع داده‌ها صورت گرفت. داده‌های گردآوری شده به روش تحلیل محتوا و با استفاده از رویکرد گرانیهیم تحلیل شد.

نتایج: سه تم و ۷ طبقه مشتمل بر تمارض (تمارض به بیماری، تمارض به مظلومیت)؛ تهدید و خشونت (خشونت کلامی، خشونت غیر کلامی، تهدید به شکایت قضایی)؛ و رفتار مبتنی بر ملاحظه و مراعات (مراعات سنی تکنسین همکار، مراعات احترام به درخواست همراهان مسن) بدست آمد. بر اساس تجارب تکنسین‌ها، تعاملات متقابل بیماران و آشنایان آنها و حاضرین در صحنه در تصمیم‌گیری نقش بسزایی دارد. مطابق یافته‌های این مطالعه، تمارض به بیماری و تمارض به مورد ظلم واقع شدن دو جنبه مهم تأثیرگذار بر کم و کیف تصمیم‌گیری تکنسین‌هاست. این مطالعه نشان داد؛ تهدید و خشونت علیه تکنسین‌ها که علل اصلی آن، وضعیت حاد و بحرانی بیماران، واکنش‌های هیجانی خانواده و آشنایان بیمار و نبود سیستم پیگیری و حمایت قضایی از کارکنان می‌باشد، تصمیم‌گیری درست و به‌موقع تکنسین‌ها را مختل می‌سازد. از سوی دیگر جایگاه احترام به همکاران با سابقه کاری بالا و بیماران سالمند منتهی به اقدام مطابق نظر و خواسته آنها شده که در تصمیم‌گیری به انتقال یا عدم انتقال بیمار به بیمارستان تأثیرگذار می‌باشد.

نتیجه‌گیری: تکنسین‌ها می‌توانند با ایجاد فضای ارتباطی باز، مثبت و محترمانه چالش تعاملات را مرتفع سازند. در این راستا تکنسین‌ها باید از مهارت کافی برقراری ارتباطات موثر و مدیریت خود و دیگران برخوردار باشند. از سوی دیگر سازمان اورژانس



هم می تواند با اتخاذ تدابیر پیشگیرانه مانند پیگیری قوانین بازدارنده، پیگیری های حمایتی و قضایی و حمایت اجتماعی از کارکنانی که مورد خشونت واقع شده اند تا حد زیادی از خشونت های ثانویه جلوگیری نمایند. علاوه بر این پیشنهاد می گردد که آموزش های مدیریت استرس و کنترل واکنش را در بسته های آموزشی کارکنان مد نظر قرار داده و به منظور شفاف سازی حیطه مسئولیت ها، وظایف و حقوق تکنسین ها به مردم آموزش های لازم را ارائه نمود تا خشونت علیه تکنسین ها کاهش یابد.

واژگان کلیدی: تصمیم گیری؛ تعاملات؛ تکنسین، فوریت های پزشکی



اهمیت مشارکت سازمان های غیردولتی در شرایط اضطراری بهداشت عمومی

داود پیرانی^۱، ایمان فرهی آشتیانی^۱، علی صاحبی^۲

۱. دانشجوی دکتری تخصصی سلامت در بلایا و فوریتها، گروه سلامت در بلایا و فوریتها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران

۲. دانشجوی دکتری تخصصی سلامت در بلایا و فوریتها، گروه سلامت در بلایا و فوریتها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران Ali.sahebi.phd@gmail.com

زمینه و هدف: اسناد راهبردی کاهش خطر بلایا مانند سندای، هیوگو و یوکوهاما بر مشارکت جامعه در مدیریت خطرات و پاسخ به شرایط اضطراری به منظور توانمندسازی سازمان های مردم نهاد تأکید دارند مشارکت خیرین و سازمان های غیردولتی در حوادث و بلایا، فرصتی را برای مدیران بلایا فراهم می سازند که با بهره مندی از این ظرفیتها در کنار سازمان های دولتی و امدادی درگیر بحران، توسعه و بازسازی جوامع متأثر را انجام دهند. ساخت و بازسازی خانه های بهداشت بعد از زلزله کرمانشاه تجربه ای موفق از مشارکت سازمان های غیردولتی در شرایط اضطراری بود مساعدت سازمان های غیردولتی در بلایا اشکال مختلفی را در برمی گیرد، از جمله کمک های پزشکی، غذا، آب و لوازم مورد نیاز برای کمک به جمعیت برای پاسخ و بازسازی در مناطق آسیب دیده است. همچنین سازمان های غیردولتی با ارائه خدمات گسترده از قبیل کمک به یافتن محل های اسکان، خدمات پشتیبانی، آموزش و آگاهی رسانی به مردم، نقش مهمی در پاسخ به حوادث ایفا می کنند اگرچه سازمان های غیردولتی به عنوان شریک و همکار یک سیستم بهداشتی هستند، اما از آن ها به طور مؤثر استفاده نمی شوند. موانع متعددی از قبیل عدم آگاهی از ظرفیت آن ها، عدم آموزش و عدم هماهنگی با سیستم بهداشت و درمان را می توان برشمرد بنابراین عدم اطمینان به مشارکت سازمان های مردم نهاد در شرایط اضطراری می تواند نگران کننده باشد. بروز همه گیری آنفولانزا در ۲۰۰۹ نقطه شروع برای افزایش مشارکت سازمان های غیردولتی در موارد اضطراری بهداشت عمومی بود. این سازمان ها دسترسی به واکسیناسیون را تسهیل نمودند و در شناسایی گروه های پرخطر نقش مهمی داشتند بنابراین سازمان های غیردولتی در شرایط اضطراری به سیستم درمانی کمک نموده و این مستلزم آموزش، ساماندهی و بهره گیری از تخصص های آنان می باشد. لازم است قبل از وقوع فاجعه، یک ساختار مشارکتی از طریق تفاهم نامه ایجاد شود تا نقش ها و مسئولیت های مربوط آن ها را مشخص نمایند

نتیجه گیری: بر اساس مطالعات انجام شده مشخص شد که سازمان های غیردولتی همانند سازمان های دولتی نقش مهمی در حوادث و بلایا داشته اند بنابراین در حوزه سلامت، سازمان های که جمعیت تحت پوشش آن ها گروه های آسیب پذیر از قبیل بیماران خاص، سالمندان، معلولین و بیماران سرطانی بوده می توانند با ردیابی بیماران و افراد تحت پوشش سازمان خود به سیستم بهداشت عمومی در اپیدمی ها و بلایا کمک نمایند و این مستلزم تعریف نقش آن ها در شرایط حوادث و بلایا است.

واژگان کلیدی: بلایا، بهداشت عمومی، سازمان های غیر دولتی، شرایط اضطراری



تجارب و سیاست های سنجش و ارتقای صلاحیت رانندگی در سالمندان: یک مرور گسترده

سالار محمددخت^۱، صابر اعظمی آغداش^۲، محمد سعادت^۳، بابک کاشفی مهر^۴

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز: Salar.m.charandabi.n.1995@gmail.com

۲. مرکز تحقیقات مدیریت خدمات بهداشتی درمانی تبریز، پژوهشکده مدیریت سلامت و ارتقای ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

۳. مرکز تحقیقات پیشگیری از حوادث ترافیکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

۴. گروه آموزشی کاردرمانی، دانشکده توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

زمینه و هدف: کشورهای مختلف دنیا برای سنجش و ارتقای صلاحیت رانندگی در سالمندان، سیاست ها و چارچوب های مشخصی دارند. لذا مطالعه حاضر با هدف مرور گسترده فرآیند ها، مدل ها و سیاست های سنجش و ارتقای صلاحیت رانندگی در سالمندان در دنیا انجام شده است.

مواد و روش ها: داده های مورد نیاز با استفاده از کلید واژه های elderly, old, older, driving eligibility, self-declaration, self-assessment, renewal driving license, road traffic injury, accident, crash, collision, driving guidelines, driving capacity, driving fitness, senior driver و معادل فارسی آن ها از پایگاه های اطلاعاتی مختلف انگلیسی زبان شامل: PubMed, Web of Science, Scopus, Embase و پایگاه های اطلاعاتی فارسی زبان شامل: IranDoc, SID, MagIran جمع آوری گردید. در این مطالعه از چارچوب آرکسی (Arkesy) و اومالی (O'Malley) استفاده شد.

نتایج: در نهایت ۲۴ مقاله و گزارش وارد مطالعه شد. آزمون بینایی اصلی ترین آیتم قضاوت در مورد صلاحیت رانندگی سالمندان بود و بعد از آن ارزیابی عملی رانندگی، ارزیابی توانایی شناختی و ارزیابی توانایی حرکتی قرار داشت. تمديد حضوری، پستی و آنلاین گواهینامه بیشترین شیوه تمديد بودند. پزشکان عمومی به عنوان اصلی ترین مجریان انجام فرآیند سنجش تناسب رانندگی بودند. تقریباً در تمامی گزارش ها و مقالات سیاست هایی در مورد توانمند سازی راننده سالمند اعم از ارائه نکات رانندگی ایمن، آزمون اختیاری مهارت های رانندگی، برگزاری دوره های بازآموزی و غیره وجود داشت. مهمترین سیاست های حمایتی شامل معرفی حمل و نقل جایگزین با هدف حفظ استقلال سالمندان بود. نتایج مطالعه حاضر نشان داد ارزیابی های پزشکی با هدف تشخیص اختلالات و درمان و پیشگیری از آنها معمولاً در رانندگان بالای ۷۵ سال در دوره های زمانی خاص (با توجه به نوع گواهینامه آنها) صورت می گیرد.

نتیجه گیری: اکثر کشور های با درآمد بالا دارای تجربیات ارزشمندی در سنجش و ارتقای صلاحیت رانندگی سالمندان هستند و قوانین مختلفی را با توجه به شرایط محیطی، اجتماعی و سیاسی اجرا می کنند. بهره گیری از این تجارب با در نظر گرفتن تفاوت های اقتصادی و اجتماعی می تواند برای کشورهای با درآمد متوسط و پایین موثر باشد.

واژگان کلیدی: سنجش، ارتقاء، صلاحیت رانندگی، سالمندی، حوادث ترافیکی



چالش های تغذیه ای سالمندان در حوادث و بلايا: مطالعه موردی زلزله کرمانشاه

آیدا زارعی^۱

1. Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.
aida.zarei72@gmail.com

زمینه و هدف: بلايا به طور قابل توجهی سلامت جسمی، عاطفی و روانی افراد را تحت تاثیر قرار می دهند و منجر به تلفات زیاد، جراحات و خسارت های اقتصادی می شوند. افراد مسن از جمله گروه هایی هستند که در برابر تاثیرات منفی بلايای طبیعی آسیب پذیر هستند. آنان دارای ذخایر فیزیولوژیک کمتری در زمان شرایط استرس هستند. سالمندان در معرض خطر بالای اختلالات تغذیه ای قرار دارند. سالمندان به دلیل بیماری های مزمن، سرما، استرس و مشکلات مربوط به آماده سازی غذا، به عنوان مهم ترین گروه از نظر تغذیه ای شناخته می شوند مطالعه حاضر با هدف شناسایی چالش های تغذیه ای سالمندان در حوادث و بلايا در زلزله کرمانشاه انجام شده است.

روش کار: پژوهش حاضر به روش تحلیل محتوا انجام شده است. مشارکت کنندگان ۱۶ نفر بودند. از کل مشارکت کنندگان ۱۲ نفر مرد و ۴ نفر زن بودند. کلیه مشارکت کنندگان حداقل تجربه حضور در یک بلیه را داشتند. برای جمع آوری داده ها از مصاحبه های نیمه ساختارمند استفاده شد. کلیه مصاحبه ها ضبط و سپس کلمه به کلمه دست نویس شده وبا استفاده از روش استراوس و کوربین تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: بررسی دقیق جهت تامین حداقل انرژی مورد نیاز گروه های سنی سالمندان، درشت مغذی ها و پوشش مناسب دریافت ریز مغذی های ضروری در تنظیم جیره های غذایی از اصول اولیه تدارک تغذیه سالمندان در زمان حوادث و بلايا محسوب می شود. شناسایی نیازهای تغذیه ای آسیب دیدگان، تنظیم سبد غذایی مطلوب سالمندان و برنامه های پایش و ارزشیابی در کنار تامین نیروی انسانی با تجربه و آموزش دیده، تأمین تغذیه با کیفیت و کمیت مناسب سالمندان، مدیریت مناسب زمینه را برای ارائه خدمات تغذیه ای مناسب، به موقع، مستمر و در دسترس فراهم می کند.

نتیجه گیری: به دلیل کاهش میزان دریافت ریز مغذی های مانند روی، کلسیم، ویتامین D در این گروه باعث دور باطل کاهش عملکرد ایمنی، بی اشتهايي و مشکلات عضلانی و استخوانی می گردد. لذا ارزیابی دقیق تغذیه ای و بررسی مصرف داروها به علت تداخل دارو و غذا در این افراد در زمان حوادث و بلايا توصیه می گردد.

واژگان کلیدی: چالش ها، تغذیه، سالمندان، حوادث و بلايا



فرسودگی شغلی در تکنسین های فوریت پزشکی: مروری سیستماتیک

کوثر حربه^۱، نیایش طهماسبی نژاد^۱

۱. دانشجوی کارشناسی هوشبری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران
Kosarhazbe2022@gmail.com

زمینه و هدف: کارکنان فوریت های پزشکی اولین کسانی هستند که موقعیت های استرس زا را تجربه می کنند و این استرس ها در طولانی مدت فرسودگی شغلی را به همراه دارد. لذا شناسایی خطر فرسودگی آنان بسیار اهمیت دارد. این مطالعه با هدف بررسی فرسودگی شغلی در کارکنان فوریت های پزشکی انجام شد.

مواد و روش ها: این پژوهش از نوع مطالعه مروری سیستماتیک می باشد که در سال ۱۳۹۹ انجام گردید. با استفاده از کلید واژه های ، فرسودگی شغلی، فوریت های پزشکی، اورژانس پیش بیمارستانی و پایگاههای معتبر شامل Pubmed , Scopus , Embase , Medline , Web of Science بدون محدودیت زمانی مورد جستجو قرار گرفتند. همچنین برای اطمینان از تکمیل نتایج جستجو منابع مقالات مورد بررسی قرار گرفتند. پس از حذف عناوین تکراری از نرم افزار Endnote و بررسی عناوین و چکیده ها، مقالات مرتبط توسط پژوهشگران با استفاده از ابزارهای JBI مورد بررسی قرار گرفتند. پس از بررسی کیفیت مقالات یافته ها در چک لیست مورد نظر وارد گردید.

نتایج: تعداد ۱۵ مقاله به زبان فارسی و انگلیسی بررسی گردید که تعداد ۶ مقاله با هدف مطالعه مرتبط بود. تمامی مقالات خستگی هیجانی را در سطح متوسط بیان کرده بودند. یکی از مقالات در بین عوامل مرتبط با فرسودگی شغلی، عوامل اقتصادی را بیشترین و عوامل فردی را به عنوان کمترین نقش در بین سایر عوامل بیان کرده بود. در پژوهشی دیگر رابطه معناداری بین میزان خستگی هیجانی با عوامل فردی و اقتصادی و هم چنین بین مسخ شخصیت و عوامل فردی و مدیریتی وجود داشت. و در مطالعه ای دیگر در سطح کلی بین استرس شغلی با فرسودگی شغلی همبستگی معنی داری مشاهده شده بود.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعات می توان نتیجه گرفت که کارکنان اورژانس در محیط پراسترسی فعالیت می نمایند و با توجه به اهمیت این شغل ، رفع موانع و مشکلات ایفای نقش کارکنان فوریت های پزشکی حایز اهمیت میباشد و لازم است مسؤولان با پیگیری ها و ارایه راهکارهای لازم در جهت مناسب سازی شرایط اقتصادی، محیطی، مدیریتی و پرسنلی این قشر، آنان را یاری دهند. ولی مطالعات بیشتری نیاز است تا در آینده میزان فرسودگی شغلی پرسنل فوریت های پزشکی کم و در نهایت باعث افزایش کیفیت شود.

واژگان کلیدی: فرسودگی شغلی، فوریت های پزشکی، اورژانس پیش بیمارستانی



بررسی اختلالات بلع ناشی از COVID_19 و مراقبت های بهداشتی مربوط به آن

کوثر قائدی^۱، ریحانه سادات اخلاقی^۲، پروانه رحیمی فر^۳

۱. دانشجوی کارشناسی گفتار درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران
kosar.ghaedi76@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی گفتار درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

۳. عضو هیئت علمی گروه گفتار درمانی، مرکز تحقیقات توانبخشی عضلانی و اسکلتی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

زمینه و هدف: بیماری کووید-۱۹ یکی از بیماری های ویروسی است که بسته به نوع ویروس در بیماران علائم متفاوتی ایجاد می کند. این علائم می تواند از نشانه های سرماخوردگی معمولی تا تب، سرفه خشک، مشکلات قلبی و گوارشی، تنگی نفس و مشکلات تنفسی متغیر باشد. به منظور درمان مشکلات تنفسی در بیماران حاد از ونتیلاتور یا تراکتوستومی استفاده می شود که متعاقب آن خطر بروز دیسفاژی (اختلال بلع) در این بیماران افزایش می یابد. از آنجا که بلع و تغذیه یکی از فرایندهای مهم و حیاتی در زندگی هر فرد است در این پژوهش به بررسی اختلال بلع و درمان آن در بیماران مبتلا به کووید-۱۹ می پردازیم.

مواد و روش ها: مقاله مروری حاضر براساس تحقیقات منتشر شده سال های ۲۰۱۹-۲۰۲۰ در پایگاه های اطلاعاتی Elsevier, google scholar, pubmed بوده است. جستجوی اولیه با کلید واژه های dysphagia, swallowing, COVID-19 symptoms, ventilator, therapy انجام شد و در مرحله دوم مطالعات با معیار تاثیرات کووید-۱۹ بر مکانیسم بلع و ایجاد دیسفاژی، انتخاب و جهت تهیه ی مقاله مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج: از آنجا که افزایش کیفیت زندگی بیماران در نظام سلامت از اهمیت ویژه ای برخوردار است و با توجه به همه گیری ویروس کووید-۱۹، ایجاد بهترین و کاملترین اقدامات درمانی مناسب و ایجاد سیستم درمانی متنشکل از پزشکان، کادر توانبخشی، پرستاران و روانشناسان ضرورت می یابد. از این رو پیشنهاد می شود که در درمان بیماری کووید ۱۹ گفتار درمانگران به بررسی بیماران مبتلا بپردازند و در زمان و شرایط مناسب بیمار، به انجام بلع درمانی در این بیماران بپردازند.

نتیجه گیری: از آنجا که افزایش کیفیت زندگی بیماران در نظام سلامت از اهمیت ویژه ای برخوردار است و با توجه به همه گیری ویروس کووید-۱۹، ایجاد بهترین و کاملترین اقدامات درمانی مناسب و ایجاد سیستم درمانی متنشکل از پزشکان، کادر توانبخشی، پرستاران و روانشناسان ضرورت می یابد. از این رو پیشنهاد می شود که در درمان بیماری کووید ۱۹ گفتار درمانگران به بررسی بیماران مبتلا بپردازند و در زمان و شرایط مناسب بیمار، به انجام بلع درمانی در این بیماران بپردازند.

واژگان کلیدی: دیسفاژی، کووید-۱۹، بلع



بررسی وضعیت بهداشت باروری و سلامت مادران در شرایط بحرانی و بلایای طبیعی

مهسا نادری بنی^۱، زهرا عباسپور^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز
۲. دکترای سلامت باروری، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز
abbaspor_z762@yahoo.com

زمینه و هدف: بحران دسراسرجهان تأثیر چشمگیری بر سلامت عمومی، بهداشت باروری، سلامت تولیدمثل، زیرساخت های بهداشتی و ارائه خدمات درمانی میگذارد. لذا مطالعه حاضر باهدف تعیین وضعیت بهداشت باروری و سلامت مادران در شرایط بحرانی صورت گرفته است.

مواد و روش ها: در این مطالعه مروری حداقل ۳۰ مقاله در پایگاه های اطلاعاتی از جمله Pubmed، Google Scholar و SID در محدوده زمانی ۲۰۲۰-۲۰۱۶ مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: بحران، تهدیدی استثنایی و عمومی برای زندگی، سلامتی و امرار معاش است که معمولاً در آن مجموعه ای از عوامل از پیش موجود (فقر، نابرابری، عدم دسترسی به خدمات اساسی) تشدید می شوند و اثرات مخرب را چندین برابر می کنند. بلایای طبیعی، زنان و نوزادان آنها را در معرض خطر ابتلا به نتایج بدبهداشتی در نتیجه ی از دست دادن ناگهانی حمایت پزشکی قرار میدهد، که در بسیاری از موارد با کاهش دسترسی به خدمات ضروری اجتماعی تشدید می یابد. جابجایی گسترده جمعیت، تروما، سوء تغذیه، مرگ و میر مادران و نوزادان، خشونت جسمی و جنسی و بیماری در طی این بحران ها، افزایش می یابد. به دلیل دسترسی محدود یا عدم دسترسی به خدمات بهداشت باروری مانند برنامه تنظیم خانواده، مراقبت های دوران بارداری، زایمان های کنترل شده و مراقبت های اضطراری برای زنان و مادران باردار، حاملگی های ناخواسته و سقط های ناامن افزایش می یابند که این امر موجب می شود سلامت یک جمعیت آسیب پذیر را به خطر اندازد. برخی مطالعات، نشان داده اند که بلایای طبیعی بر سلامت و پیامدهای باروری تأثیر منفی دارند و سبب از دست دادن بارداری، نقایص هنگام تولد، زایمان زودرس، وزن کم هنگام تولد و تاخیر رشد داخل رحمی می شوند. همچنین مطالعات نشان می دهند زنان بارداری که در معرض زلزله شدید بوده اند در فرزندان متولد شده آنها، در سنین نوجوانی ریسک ابتلا به اسکیزوفرنی و افسردگی تک قطبی بیشتر از سایرین بوده است. در نهایت صدمات محیطی می توانند از طریق آسیبهای کروموزومی و تخریب سلولی - مرگ پره ناتال و تاخیر رشد و ناهنجاری جنینی و مرگ بعد از تولد و اختلالات یادگیری و زایمان زودرس بر بهداشت باروری لطمه وارد کنند.

نتیجه گیری: ارتباط بین سلامت جسمی و روان زنان پس از زلزله و سلامت باروری، وضعیت اقتصادی-اجتماعی و دسترسی به مراقبت های بهداشتی پیچیده است لذا پیشنهاد می شود به توانمندسازی این قشر از جامعه در رابطه با کاهش خطر پذیری پرداخته شود

واژگان کلیدی: بهداشت باروری، بارداری، بلایای طبیعی، بحران



بررسی تجربیات روانشناختی مراقبین سلامت بیماران مبتلا به کووید-۱۹: مطالعه مروری

عهديه بحري^۱، نجمه زمانی^۱، زهره خاوری^۲

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری میبد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
۲. دانشجوی دکترای تخصصی دانشگاه آزاد علوم پزشکی تهران و عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری میبد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران khavaryz394@gmail.com

زمینه و هدف: در دسامبر ۲۰۱۹ میلادی انتشار یک بیماری ویروسی غیر قابل توضیح به نام کووید-۱۹ (COVID-19) در شهر ووهان چین گزارش شد. این ویروس به دلیل قدرت سرایت بسیار بالا به سرعت در کل جهان انتشار پیدا کرد و تقریباً طی زمانی اندک (کمتر از چهار ماه) تمامی کشورهای جهان را آلوده نمود. کادر درمان بعنوان منابع اصلی و حیاتی سلامتی در هر کشور، در خط مقدم درمان بیماران مبتلا به کووید ۱۹ بوده و با توجه به چالشها و بحرانهای ایجاد شده؛ در معرض خطر ابتلا به مشکلات مربوط به سلامت روان مانند اضطراب، افسردگی، استرس قرار گرفته اند. لذا مطالعه حاضر باهدف تعیین تجربیات روانشناختی مراقبین سلامت بیماران مبتلا به کووید-۱۹ با مروری بر مطالعات گذشته انجام گرفته است.

مواد و روش ها: این مطالعه ی مروری با جستجوی کلید واژه های کووید-۱۹^۱، مراقبین سلامت^۲، تجربیات روانشناختی^۳ در پایگاه های اطلاعاتی اس آی دی^۴، اسکوپوس^۵، پابمد^۶، گوگل اسکولار^۷ در محدوده زمانی ۲۰۲۰-۲۰۱۸ انجام شد و در نهایت ۲۲ مقاله با در نظر گرفتن معیار های ورود و خروج مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج: نتایج مطالعات انجام شده نشان داد که شیوع بالای بیماری، افزایش تعداد بیماران، عدم آگاهی از بیماری، فرسودگی جسمی ناشی از فشار کاری و لباس های مخصوص، امکانات ناکافی، ترس از آلوده شدن و آلوده کردن دیگران، احساس ناتوانی در رسیدگی به شرایط بیماران و مدیریت روابط در این شرایط بحرانی، کادر درمان را با مشکلات روحی-روانی نظیر ترس، اضطراب و درماندگی روبرو کرده است. همچنین نتایج نشان داد، پرسنلی که افراد مسن و کم سن در خانواده خود دارند با استرس و نگرانی های بیشتری مواجهه هستند. در عین حال ایجاد سیستم پشتیبانی مانند تهیه امکانات، ارائه آموزش های لازم، تخصیص مناسب منابع انسانی، ارائه خدمات مراقبت از سالمندان و نوزدان خانواده کارکنان می تواند در کاهش فشار های روحی روانی آنها موثر باشد.

نتیجه گیری: با توجه به همه گیری ویروس کرونا و نقش پررنگ کادر درمان، میتوان گفت آنها در معرض شدید مشکلات روانشناختی بوده و باتوجه به تاثیر این مشکلات بر زندگی فردی و حرفه ای کادر درمان، این مسئله می بایست مورد توجه مسئولین قرارگیرد تا امکاناتی جهت بهبود سلامت روان و کاهش استرس های آنان اتخاذ نمایند.

واژگان کلیدی: کووید-۱۹، مراقبین سلامت، تجربیات روانشناختی



مروری بر سلامت روانی و اجتماعی کودکان در حوادث

سمانه حکم الهی^۱، حانیه رحیمی^۲

۱. دانشجوی دکتری عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم samaneh1377@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم

زمینه و هدف: هرساله میلیون ها کودک در معرض حوادث قرار میگیرند. این حوادث علاوه بر تلفات انسانی، صدمات زیادی به سلامت روانی و اجتماعی کودک وارد می کند. این مطالعه با هدف مروری بر سلامت روانی و اجتماعی کودکان در حوادث انجام شد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر از نوع مروری روایی است. جستجوی مطالعات در پایگاه های اطلاعات علمی شامل Scopus، SID، Pub med و همچنین با استفاده از موتور جستجوگر Google Scholar و کلمات کلیدی کودکان، سلامت روانی، سلامت اجتماعی، حوادث انجام گرفت. بدین ترتیب مقالاتی که در طی سال های 1990 تا 2019 منتشر شده بود جمع آوری، به دقت مطالعه و یافته های آن ها دسته بندی و گزارش گردید.

نتایج: بر اساس یافته های 15 مقاله گرد آوری شده، هنگامی که کودکان در معرض حوادث قرار می گیرند، آسیب های روانی و اجتماعی زیادی بر آن ها وارد می شود. این آسیب ها شامل ترس شدید، یادآوری و حافظه تکراری، بازگشت به رفتارهای گذشته همانند شب ادراری، رفتارهای تکراری، کابوس های شبانه، وابستگی شدید به اطرافیان، کناره گیری، پرخاشگری و رفتارهای مخرب اجتماعی می شود. همچنین آسیب های روانی و اجتماعی وارده می تواند منجر به ایجاد بیماری هایی همچون استرس پس از ضربه (PTSD) شود.

نتیجه گیری: آسیب پذیری بالای کودکان لزوم انجام زودهنگام مداخلات برای جلوگیری از آسیب به سلامت روانی و اجتماعی آن ها را نشان میدهد. توصیه می شود والدین و اطرافیان بعد از وقوع حادثه از کودک حمایت کنند و برای آنان با زبانی که قابل درک باشد به سوالاتشان پاسخ دهند. همچنین آموزش های مواجهه با ترس به کاهش آسیب ها در کودکان کمک می کند.

واژگان کلیدی: کودکان، سلامت روانی، سلامت اجتماعی، حوادث



مروری بر علل آسیب پذیری زنان پس از حوادث طبیعی

حانیه رحیمی^۱، نرگس اسکندری^۲

۱. دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران. hrahimi1999@yahoo.com

۲. عضو هیات علمی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زمینه و هدف: امروزه بلایای طبیعی به یک نگرانی جهانی مبدل گشته است. اگرچه رخداد های طبیعی کل جمعیت را با مشکلات متاثر می سازد ولی در این میان زنان مسائل و نیازهای منحصر به فردی داشته و وقوع حادثه باعث تشدید آن ها می گردد. از آنجایی که شناسایی علل آسیب پذیری زنان و تعیین نیازهای آنان اولین قدم جهت موفقیت در پاسخگویی به حادثه می باشد لذا مطالعه حاضر با هدف مروری بر علل آسیب پذیری زنان پس از حوادث طبیعی انجام شد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر از نوع مروری روایی است. به منظور دستیابی به اهداف مطالعه جستجوی مطالعات در پایگاه اطلاعات علمی Sid و همچنین با استفاده از موتور جستجوگر Google Scholar و کلمات کلیدی بلایای طبیعی، پیامد، زنان، جنسیت انجام گرفت. بدین ترتیب مقالاتی که در طی ۲۰ سال اخیر منتشر شده بودند جمع آوری، به دقت مطالعه، و یافته های آنها دسته بندی و گزارش گردید.

نتایج: در مجموع ۱۰ مقاله مرتبط گردآوری گردید. براساس یافته های مطالعات موجود زنان به دلایل بیولوژیک (حاملگی و شیردهی، آسیب پذیری جسمانی و فیزیکی زنان)، روانشناختی، و اجتماعی (محدودیت های قانونی، تفاوت در سطح سواد و آموزش، فرصت های نابرابر شغلی، تبعیض در دسترسی به اعتبارات و پشتوانه های اقتصادی، مسئولیت ها و نقش های جنسیتی، مشکلات فرهنگی، تفکر سنتی مردان در خصوص زنان، باورنداشتن به مشارکت زنان در سوانح، حفظ حجاب در زمان وقوع سوانح، رعایت نکردن حقوق زنان از طرف جامعه و مسئولان) ریسک آسیب پذیری بیشتری نسبت به مردان دارند.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های مقالات زنان به دلیل شرایط خاص خود و موانع فرهنگی حاکم بر جامعه در شرایط بحرانی بلایای طبیعی متفاوت از مردان متاثر شده و لذا توجه به فشار های تهدید کننده سلامت آنان باید از سوی ارائه دهنده گان خدمات، سیاستگذاران و برنامه ریزان حوزه سلامت به عنوان الویت مهم در نظر گرفته شود. همچنین زنان خود می توانند از طریق کسب آموزش و آمادگی لازم در برخورد با مشکلات، فراگیری کمک های اولیه و امدادی و حفظ آرامش و اعتماد به نفس میزان آسیب پذیری خود را کاهش دهند.

واژگان کلیدی: بلایای طبیعی، پیامد، زنان، جنسیت



مروری بر پیامدهای بلایای طبیعی بر سلامت زنان

حانیه رحیمی^۱، نرگس اسکندری^۲

۱. دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران. hrahimi1999@yahoo.com

۲. عضو هیات علمی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زمینه و هدف: بلایای طبیعی یک نگرانی جهانی است که به کرات در تمام دنیا انسان های زیادی را متاثر می کند. در این میان زنان در میان قربانیان و بازماندگان بلایای طبیعی آسیب پذیرتر هستند. مطالعه حاضر با هدف مروری بر پیامدهای بلایای طبیعی بر سلامت زنان انجام شده است.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر از نوع مروری روایی است. جستجوی مطالعات در پایگاه اطلاعات علمی Sid و همچنین با استفاده از موتور جستجوگر Google Scholar و کلمات کلیدی بلایای طبیعی، پیامد، زنان، جنسیت انجام گرفت. بدین ترتیب مقالاتی که در طی سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ منتشر شده بودند جمع آوری، به دقت مطالعه، و یافته های آنها دسته بندی و گزارش گردید.

نتایج: در مجموع ۱۱ مقاله مرتبط گردآوری گردید. براساس یافته های مطالعات موجود پیامدهای منفی بلایای طبیعی در باروری زنان شامل اختلال در وزنگیری بارداری، افزایش آنمی در مادران باردار، افزایش میزان شیوع سقط، مرده زایی و زایمان پره ترم، ناباروری و عوارض زایمانی، بارداری ناخواسته می باشد. کاهش و قطع روابط جنسی به دلیل ترس از بارداری، کاهش رضایت جنسی، سوءتغذیه، ضعف آموزش، افزایش مسئولیت زنان در مراقبت از کودکان و سالمندان، اختلالات قاعدگی، عفونت ادراری-تناسلی، و افزایش فشار های روانی از دیگر پیامدهای بلایای طبیعی برای زنان است. آسیب های اجتماعی شامل تضعیف امنیت اجتماعی، بی اعتمادی نسبت به اجتماع، ازدواج اجباری و به دنبال آن قرار گرفتن در معرض خشونت جنسی، سوء استفاده جنسی می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به پیامدهای منفی و مخرب سوانح طبیعی بر سلامت زنان و با توجه به نقش مهم زنان در بستر خانواده و جامعه، لزوم توجه سیاست گذاران و برنامه ریزان حوزه سلامت در جهت ارتقای دانش و مهارت زنان در مقابله با پیامدهای سوانح طبیعی بیش از پیش آشکار می شود.

واژگان کلیدی: بلایای طبیعی، زنان، پیامد



راه کارهای پیشگیری و کاهش اثرات سیلاب (مطالعه مروری)

پریسا رضایی آدریانی^۱، بهاره دریا بار^۲

۱. دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

Parisarezaee98@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

زمینه و هدف: مخاطرات طبیعی به عنوان بخشی از واقعیت های گریز ناپذیر محسوب می شوند که عمدتاً کنترل وقوع آنها خارج از عهده بشر است. مدیریت بلایای طبیعی به ویژه سیلاب مجموعه اقداماتی است که قبل از وقوع، در حین وقوع و بعد از وقوع بلایا برای کاهش هرچه بیشتر آثار و عوارض آنها انجام میگیرد. در این میان سیل، یکی از حوادث پیش بینی نشده و ویرانگر کشور محسوب میشود که همه ساله خسارات های سنگینی به جوامع مختلف تحمیل میکند. اما میتوان مشابه پدیده های طبیعی دیگر با مدیریتی کارا، خسارات جانی و مالی و آثار نامطلوب ناشی از آن را کاهش داد.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر یک مطالعه مروری سیستماتیک مطالعات انجام شده طی سال های ۲۰۱۰-۲۰۲۰ است. جست و جو در پایگاه های معتبر داخلی (SID, magiran) با کلید واژه های (پیشگیری، مدیریت، سیل، خسارت) و پایگاه های معتبر خارجی (pubmed, google scholar, BMJ) با کلید واژه های (prevention, management, flood, damage) انجام شد.

نتایج: پس از جست و جو در پایگاه ها تعداد ۶۰ مقاله بدست آمد و پس از مطالعه چکیده ۴۰ مقاله مرتبط شناخته شد. پس از مطالعه متن کامل ۲۰ مقاله واجد معیارهای ورود به مطالعه بودند که ۵ مقاله به زبان انگلیسی و ۲۵ مقاله به زبان فارسی بودند. نتایج مطالعات نشان داد که در سال های اخیر توجه به بخش مدیریتی سیلاب جهت مهار و همچنین جلوگیری از هدر رفت آب در دسترس، مورد توجه قرار گرفته است.

نتیجه گیری: با استفاده از نتایج بدست آمده میتوان گفت تشکیل یک سامانه جامع فراقوه ای نظام نامه ی مدیریت و کنترل سیل، توجه لازم به اقدامات آبخیزداری و آبخوان داری، توجه به اصول مهندسی رودخانه زیستی، وضع قوانینی جدی برای رعایت حد و حریم، بازسازی و احیای هرچه بیشتر مسیل ها و تالاب های طبیعی و رفع تعدی و تجاوز به آنها، افزایش ظرفیت ذخیره ی سدها و جلوگیری از کاهش ظرفیت ذخیره ی مخازن، جلوگیری از برداشت بی رویه شن و ماسه و مصالح رودخانه ای و جلوگیری از ایجاد تغییرات در بستر مورفولوژیکی رودخانه، اجرای طرح های گابیون بندی آبراهه های منتهی به رودخانه اصلی از ضروری ترین اقدامات برای پیشگیری، بهبود مدیریت و کنترل این بلای طبیعی است.

واژگان کلیدی: پیشگیری، مدیریت، سیل، خسارت



The effect of natural disasters on leishmaniasis frequency

Mosayeb Rostamian¹, Alisha Akya¹, Keyghobad Ghadiri¹, Roya Chegeneh Lorestani¹, Fatemeh Nemati Zargaran¹

1. Infectious Diseases Research Center, Health Institute, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran. mosayeb.rostamian@gmail.com

Background: Natural disasters (NDs) have devastating effects on the community health which may lead to increases in outbreaks and transmission of vector-borne diseases such as cutaneous leishmaniasis (CL) and visceral leishmaniasis (VL). Although there are several sporadic reports on the status of leishmaniasis after some NDs, no comprehensive information exists in this field. Therefore, here we systematically reviewed and gathered all reported articles in this field published in PubMed, Scopus, Cochrane Register, Clinical key and Google Scholar since 2000.

Material and Methods: We also gathered all ND events and all reported leishmaniasis frequency (prevalence/incidence) in 16 leishmaniasis endemic countries in the last two decades and tried to find a relationship between leishmaniasis and ND. After eligibility steps, 39 articles on ND-leishmaniasis were included and systematically reviewed.

Results: After screening steps, 39 articles on ND-leishmaniasis were included and systematically reviewed. These articles showed different frequencies of CL before and after NDs in some regions of Pakistan and Iran (endemic areas), and VL in Brazil, Ethiopia, and Sudan (endemic areas). After detailed reading and reviewing of these articles, 4 studies for CL-ND relationship and 5 studies for VL-ND relationship were selected for meta-analysis. The meta-analysis results showed that the leishmaniasis incidence rate increases after NDs.

Conclusions: Here we showed that leishmaniasis incidence increases after NDs, but the data of the studies reviewed here is not strong enough, because all studies on leishmaniasis frequency have done locally in different regions of endemic countries that are hard to be assembled. Therefore, here we found a substantial gap in knowledge on relationship of NDs and leishmaniasis frequency.

Keywords: Natural Disaster, Leishmaniasis, Incidence, Endemic country



استرس شغلی ناشی از بیماری کرونا بر سلامت عمومی کارکنان بیمارستان شهید صیاد شیرازی

شهاب اسکندری نژاد^۱، محیا کاوه^۲، مسلم سارانی^۴، نازنین سادات حسینی^۴

۱. متخصص بیماری های داخلی، مسول فنی بیمارستان شهید صیاد شیرازی گرگان

۲. متخصص اعصاب و روان و روان درمانگر

۳. نازنین سادات حسینی، دکتری تخصصی مدیریت استراتژیک، سوپروایزر بیمارستان آموزشی صیاد شیرازی گرگان

Sadat.nazanin@yahoo.com

۴. دانشجوی دکتری سلامت در بلایا و فوریت های دانشکده بهداشت ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، مرکز بهداشت شهرستان

گرگان، محقق معاونت تحقیقات فناوری دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

زمینه و اهداف: در محیط کار همه شاغلین استرس شغلی وجود دارد، که به طرق مختلف زندگی آنها را تحت تأثیر قرار میدهد. پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان وقوع استرس شغلی ناشی از بیماری کرونا بر سلامت عمومی کارکنان بیمارستان شهید صیاد شیرازی گرگان انجام گرفت.

مواد و روشها: در این مطالعه توصیفی تحلیلی، ۱۰۰ نفر از پرسنل بخش های بستری کووید، اورژانس و ICU کرونا مرکز آموزشی درمانی شهید صیاد شیرازی گرگان به روش سرشماری وارد مطالعه شدند. ابزار اندازه گیری دربردارنده پرسشنامه های گردآوری اطلاعات جمعیت شناختی، استرس شغلی کوپر بود. داده های جمع آوری شده توسط نرم افزار SPSS16 با کاربرد آماره های توصیفی و ضریب همبستگی اسپیرمن، تحلیل شد.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد، که ۷۶ / ۲ درصد از افراد مورد مطالعه با میانگین نمره سلامت عمومی $6 / 95 \pm 23 / 7$ ، مشکوک به داشتن اختلال روانی بودند. همچنین افراد از نظر هر چهار مؤلفه سلامت عمومی (سلامت جسمانی، علائم اضطراب، کارکردهای اجتماعی و علائم افسردگی) مشکوک به بیماری بودند. براساس یافته های مطالعه، ۱۱/۷ درصد از افراد دارای استرس کم ۲ / ۲۷ درصد استرس متوسط و ۱ / ۶۱ درصد دارای استرس زیاد بودند. نتایج آزمون اسپیرمن نشان داد، که میان استرس شغلی با سلامت عمومی کلی و مؤلفه های سلامت جسمانی، علائم اضطراب و همچنین با متغیرهای جمعیت شناختی و مرتبط با کار مانند سن، اضافه کاری و شیفت کاری رابطه معنادار آماری وجود داشت ($p < 0 / 05$).

نتیجه گیری: شیوع استرس شغلی افراد مورد مطالعه در حد بالا بوده است. سلامت عمومی، مؤلفه های سلامت جسمانی و علائم اضطراب با استرس شغلی ارتباط داشت، به طوریکه در افراد با استرس بالا، مؤلفه های سلامت عمومی کاهش یافته بود

واژگان کلیدی: استرس شغلی، سلامت عمومی، بیماری کرونا



What information do people want to know about COVID-19? A quick online survey

Athena Rafieipour¹, Zahra Eskandari² Arezoo Dehghani³

1. PhD, Occupational Health Engineering, School of Public Health and Safety, Students' Scientific Society, Shahid-Beheshti University of Medical Sciences.
2. PhD student, Health in Emergencies and Disasters, School of Public Health and Safety, Shahid-Beheshti University of Medical Sciences.
3. Health in Emergencies and Disasters, School of Health Management and Information Services, Iran University of Medical Sciences. dehghani.am64@gmail.com

Background: COVID-19 is a new illness that can affect the human respiratory and was discovered in December, 2019. In emergency challenges such as pandemics, public education is so important for breaking the chain of disease transmission. Most of the people are bombarded with different information through different social media, but it is important that what information is appropriate to their needs. This subject helps to increase people's participation in the prevention of disease.

Material and Methods: This study is mix method survey and was conducted in five phases including 1-literature review, 2-qualitative study to identify the important public educational needs in COVID-19 disease, 3-designing a simple questioner, 4-fulfilling the questioner by participants 5-analysis the obtained quantitative data.

Results: results showed that the first week of spreading COVID-19 in Iran, 493 participants need some information about avoiding the stress and promising news. 378 participants also need to know about the ranking of our city in Corona epidemic, 366 people want to know about prevention and self-care ways. At sixth weeks of COVID-19 and in phase 2 of study, the information requirements in participants were changed. 576 participants want to know about method and process of treatment, the second priority of information was prevention and self-care methods and the third one was the decreasing ways for stress caused by COVID-19 news.

Conclusions: This community-based study demonstrated that all people in all days of a pandemic needs a lot of information in different types from preventive data to avoid stress caused by information and knowledge in pandemics. Further effective health education based on community educational needs assessment is urgently needed for best planning in public awareness and continuing activities to cut the chain of COVID-19 in the world.

Keywords: information, COVID-19, public Awareness, risk communication, health



محبوبترین کانالهای ارتباطی برای دریافت اطلاعات بهداشتی در زمینه پاندمی Covid-19 در جمعیت ایرانی: راهنمایی برای سیاست‌گذاری های آینده

آتنا رفیعی پور^۱، آرزو دهقانی^۲

۱. دکترای تخصصی، مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت و ایمنی، انجمن علمی دانشجویی دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
۲. دانشجوی دکتری تخصصی، سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده بهداشت و ایمنی، انجمن علمی دانشجویی دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. ایمیل: dehghani.am64@gmail.com

زمینه و هدف: Covid-19 نوع جدیدی از بتاویروسها است که به یک خطر جدی برای سلامت انسان در سراسر جهان تبدیل شده است. از آموزش عمومی به عنوان اقدامی مؤثر برای شکستن زنجیره انتقال بیماریهای عفونی نام برده می‌شود و از این رو بسیاری از کانالهای ارتباطی اقدام به انتشار اطلاعات بهداشتی می‌کنند. تعیین محبوبترین کانالهای ارتباطی از دیدگاه کاربران عمومی بسیار مهم است تا بتوان از طریق آنها، اخبار و اطلاعات بهداشتی را به صورت اثربخش در اختیار آنها قرار داد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه از نوع ترکیبی-پیمایشی است که در پنج فاز شامل ۱. بررسی متون، ۲. مطالعه کیفی برای شناسایی و بررسی کانالهای ارتباطی مهم در انتشار اطلاعات بهداشتی در زمینه Covid-19، ۳. طراحی و توسعه ابزار نظرسنجی ۴. تکمیل پرسشنامه و ارزیابی کانالهای منتخب ارتباطی برای دریافت اطلاعات بهداشتی به تفکیک دو متغیر سن و تحصیلات، انجام شد.

نتایج: نتایج نشان داد که اینستاگرام، تلگرام و تلویزیون ملی به ترتیب محبوبترین کانالها برای جستجوی اطلاعات بهداشتی در زمینه Covid-19 هستند. اولویت کانالهای اطلاعاتی از نظر سن و درجه تحصیلات متفاوت بود و افزایش در سن و مدرک تحصیلی با افزایش استفاده از اینترنت برای جستجوی اطلاعات سلامت همراه بود.

نتیجه‌گیری: امکان دسترسی عمومی به اینترنت و همچنین ارتقای تلفن‌های همراه به انواع هوشمند، باعث محبوبیت رسانه‌های اجتماعی در بین عموم مردم شده است. بنابراین سیاست‌گذاران بهداشت می‌توانند از طریق کانالهای اطلاعاتی محبوب، اطلاعات دقیق بهداشتی را منتشر کرده و از سیاست‌های ارتباط جمعی در هنگام بلایای بهداشتی استفاده کنند.

واژگان کلیدی: کانالهای ارتباطی، اطلاعات بهداشتی، پاندمی، Covid-19، آگاهی، اطلاع رسانی



ابزاری برای سنجش تاب آوری در برابر حوادث و بلایا (مطالعه مروری)

حامد رحیمی^۱، شکوفه خدابخشی^۲، هانیه رحیمی^۳، حسن رحیمی^۴

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست (HSE)، دانشگاه علوم پزشکی زنجان

Rahimi.sky72@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی اراک

۳. دانشجوی کارشناسی روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

۴. کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، آموزش و پرورش کرمانشاه

زمینه و هدف: فضاها و امکانات آموزشی جز مراکز حیاتی هر جامعه هستند. که در سرتاسر دنیا در جریان وقوع زلزله در مناطق زلزله خیز یا به طور کلی تخریب شده یا به گونه ای آسیب می بینند که غیر قابل استفاده می شوند. زیرساخت های آموزشی برای توسعه سرمایه انسانی، حیاتی هستند، و زمانی که زیرساخت های کلیدی از بین رفته اند و یا به دلیل آسیب در بحران غیرقابل استفاده شده اند، توسعه پایدار غیر ممکن خواهد شد. از این رو در این مطالعه به بررسی و مرور مطالعات سنجش تاب آوری در برابر حوادث و بلایا پرداخته خواهد شد.

روش کار: مطالعه حاضر با استفاده از مستندات به دست آمده از موتور جستجوی Google Scholar و پایگاه های اطلاعاتی موجود در سطح کشور MEDLIBE, SID, IRAN MEDEX و نیز بانک های اطلاعاتی لاتین Pubmed, Scopus در حد فاصل سالهای 1379-1393 گردآوری شده و داده ها مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: تحقیقات نشان می دهد که مدیریت بحران باید جنبه های مختلفی را در نظر بگیرد و نیاز به ابزار ارزیابی وجود دارد. ارزیابی تاب آوری بحران محیط های آموزشی (SDRA) ابزاری برای ارزیابی تاب آوری در یک راهکار جامع و پیوند دادن آن به تصمیم گیری است. که به کاربرد عمومی با اهداف زیر تاکید می کند: (۱) درک روند تاب آوری در برابر بلایا، (۲) شناسایی روند پیشنهادی برای افزایش تاب آوری براساس نتایج (۳) برای درک تمایلات فعالیت های پیشنهادی. همچنین براساس نتایج، انتظار می رود که رابطه کافی با والدین و جامعه برای افزایش تاب آوری ایجاد شود. و فعالیت هایی برای افزایش تاب آوری بحران از طریق مشاوره با معلمان، هیات علمی و متخصصان در شهر با همراهی و کمک دانشگاه ها و یک سازمان های دولتی و غیردولتی ارائه گردد.

نتیجه گیری: مدارس، خانواده، جامعه مرتبط با جامعه هدف در بسیاری از فعالیت های پیشنهادی گنجانده و سازماندهی شده اند. از اینرو SDRA را می توان برای توسعه پایدار مورد استفاده قرار داد. علاوه بر این، SDRA می تواند با داده های کمی و کیفی از چرخه بهبود مستمر مدیریت HSE حمایت کند تا این امکان شرایط خود را بازبینی و بهبود بخشند. که به نظر می رسد با توجه به کمبود مطالعات جهت نقاط قوت و ضعف به مطالعات بیشتری نیاز می باشد.

واژگان کلیدی: تاب آوری، HSE، حوادث و بلایا



اهمیت سلامت روانی افراد در مواجهه با حوادث و بلایای طبیعی

لیلا مرعشی حسینی^۱، فاطمه بهاروند^۲، فاطمه منادی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد انفورماتیک پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد انفورماتیک پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

۳. کارشناس ارشد تاریخ علوم پزشکی، مدرس دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز monadif@gmail.com

زمینه و هدف: رویارویی و جدال انسان با پدیده های طبیعی و حوادث غیر مترقبه از جمله معضلات بزرگ جوامع انسانی است و پیشینه ای به بلندی تاریخ حیات انسان دارد. علیرغم پیشرفتهای علمی و تکنولوژی هنوز آدمی نتوانسته بر این فجایع و کاهش خسارات ناشی از آنها و آمار مرگ و میر تسلط یابد. در این مقاله، پژوهشگران راهکارهای پیشگیری از پیامدهای روانی اجتماعی ناشی از بروز بلایای طبیعی که به طور مستقیم حفظ نظام و سلامت جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد بررسی نموده اند

مواد و روش ها: این مطالعه ی پژوهشی از نوع مروری و کتابخانه ای است و با مطالعه ی سایت های معتبر، مقالات، پایان نامه ها، کتابهای معتبر که به بررسی موضوعات مرتبط با پیامدهای روانی اجتماعی ناشی از بروز بلایای طبیعی پرداخته است.

نتایج: پس از بلایا افراد در معرض عوامل استرس زای متعددی قرار می گیرند. عمده این عوامل عبارتند از: ۱- انواع آسیب های جسمی که باعث درد و ناراحتی می شود. ۲- نداشتن محل امن برای آسایش و استراحت. ۳- مواجهه با صحنه های دلخراش؛ که همگی این عوامل باعث ایجاد فشار روانی زیادی بر افراد می شود. استرسی که بر فرد در جریان بلایا وارد می شود بسیار ناتوان کننده است و هر کسی را می تواند از پا درآورد.

با بروز استرس شدید روانی ناشی از فاجعه، واکنش ها و علائمی در افراد به وجود می آیند و در صورت عدم رسیدگی می توانند به اختلالات روانی مزمن منجر گردند. بعضی از علائم و واکنش های عصبی عبارتند از: ۱- خشم ۲- اضطراب ۳- ناامیدی ۴- ترس ۵- سرخوردگی ۶- غم و اندوه

حدود ۲ تا ۳ ماه بعد از وقوع حادثه مرحله رویارویی با واقعیت آغاز می شود. در این مرحله بازماندگان متوجه عمق فاجعه و جبران ناپذیری میزان زیادی از خسارها می گردند. شکایات جسمانی مبهم بدون وجود بیماری جسمی از اثرات بلایای طبیعی است. علائم و واکنش های روانی افراد در بلایا ممکن است حتی پس از گذشت مدت ها در آنها ادامه یابد. در صورتی که این علائم شدید یا مداوم باشند و باعث آزار و اذیت فرد شوند نیاز به مداخله تخصصی و حمایت روانی - اجتماعی دارد.

نتیجه گیری: یافته های حاصل از این پژوهش نشان از این دارد که باز ماندگان نیازمند حمایت های روانی بیشتری می باشند. زیرا ممکن است مجددا روحیه خود را از دست داده و افسرده و مضطرب شوند و احساس تنهایی شدیدی کنند. ایجاد روحیه امید و اعتماد و دقت در توزیع عادلانه امکانات در این مرحله از اهمیت بسزایی برخوردار است. در صورت عدم تشخیص به موقع و عدم شناخت علائم هر یک از اختلالات ذکر شده، بیماری در افراد بازمانده تثبیت می شود و درمان آن به سختی صورت می گیرد. مداخله به موقع در حوادث و بلایا از عوارض روانی اجتماعی آن می کاهد و وجود آمادگی قبلی برای آسیب های وارده نقش حفاظتی در مقابل استرس ایفا می کند، لذا توصیه می شود برنامه های آموزشی لازم جهت اقشار مختلف جامعه و کارکنان امر بهداشت و درمان انجام گیرد.

واژگان کلیدی: سلامت، استرس، بلایای طبیعی، حمایت روانی.





سیزدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی کشور
 دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



بهداشت محیط

پنل بهداشت محیط



میزان DL-PCBs در نمونه‌های ماهی صید شده از دریای خزر و ارزیابی ریسک بهداشتی ناشی از مصرف آن

ایوب عبادی فتح‌آباد^۱، طاهره هاشمی‌فرد^۲، حسین تاجیک^۳، محمد میری^۴، خدیجه جعفری^۵

۱. گروه بهداشت مواد غذایی و کنترل کیفیت، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.
۲. استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون، کازرون، ایران.
۳. گروه بهداشت مواد غذایی و کنترل کیفیت، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.
۴. گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار، سبزوار، ایران.
۵. گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی هرمزگان، بندرعباس، ایران.

k.jafary.71@gmail.com

زمینه و هدف: PCBs گروهی از ۲۰۹ ترکیب پلی کلرینه هستند که مانند دیوکسین پایدار بوده و در نتیجه در محیط تجمع می‌یابند. در میان PCBs، PCBs مشابه دیوکسین‌ها (DL-PCBs) دارای خواص سمی شناخته شده روی انسان هستند. در مطالعه حاضر میزان DL-PCBs (۱۲ کانژنر) در نمونه‌های ماهی صید شده از دریای خزر و ارزیابی ریسک بهداشتی ناشی از مصرف آن مورد بررسی قرار گرفت.

مواد و روش‌ها: تعداد ۱۲۵ نمونه ماهی از پنج گونه پر مصرف از ۵ منطقه ساحلی دریای خزر تهیه شد. برای استخراج DL-PCBs از ستون‌های کروماتوگرافی اصلاح شده با سیلیکاژل استفاده شد و غلظت DL-PCBs با استفاده از دستگاه HRGC/HRMS (Varian380) اندازه‌گیری شد. آنالیز آماری جهت بررسی ارتباط بین غلظت DL-PCBs در نمونه‌های ماهی با نوع ماهی و محل صید با استفاده از نرم‌افزار SPSS²¹ انجام شد. ارزیابی اثرات بهداشتی ناشی از DL-PCBs با استفاده از روش شبیه‌سازی مونت کارلو صورت گرفت.

نتایج: بیشترین مقدار PCBs در ماهی کپور به میزان 1156.27 ± 14.55 pg/g fat ww در بندر انزلی و بعد از آن به ترتیب مربوط به ماهی سفید، ماهی کفال، ماهی قزل‌آلا و ماهی کولی بود ($p \leq 0.05$). کمترین میزان PCBs نیز مربوط به ماهی کولی سیاه در چالوس با مقدار میانگین غلظت 232.43 ± 16.05 pg/g fat ww بود. در تمامی نمونه‌ها، مصرف ماهی خطر بالقوه برای ابتلا به بیماری‌های غیرسرطانی محسوب نمی‌شد ($HQ < 1$). ریسک سرطانزایی در طول عمر افراد در شهرهای بندر انزلی، بندر ترکمن و رشت بیش از مقدار توصیه شده EPA (1×10^{-6}) بود. براساس نتایج آنالیز حساسیت، میزان غلظت و فراوانی مواجهه با DL-PCBs مهمترین پارامترهای موثر در ریسک سرطانزایی بودند.

نتیجه‌گیری: پایش و کنترل سطح DL-PCBs در ماهی‌ها و دیگر نمونه‌های مواد غذایی بنادر دریای خزر توصیه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: بیفنیل‌های پلی کلرینه، ماهی، ارزیابی ریسک بهداشتی



مدیریت پسماندهای نفتی و روشهای تصفیه آن

سمیرا برکات^۱، یزدان محمودیان^۲، بهنام مرادی^۳

۱. کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

۳. کارشناسی ارشد، مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران

b.moradi@sbmu.ac.ir

زمینه و هدف: مدیریت پسماندهای صنعتی یکی از شیوه های بسیار مناسب برای ایجاد تعادل و پیوند بین صنعت و محیط زیست و کاهش اثرات سوء فعالیت های صنعتی در محیط زیست می باشد. این مطالعه با هدف کمپوست پسماندهای نفتی و روش های تصفیه آن انجام گرفت.

مواد و روش ها: در این پژوهش مروری سیستماتیک که از نوع توصیفی- گذشته نگر است، ابتدا فهرستی از واژگان کلیدی مبتنی بر عنوان پژوهش مشخص گردید. سپس کلید واژه های پسماند صنعتی، بازیافت، لجن، کمپوست، مخازن نفتی، کمپوست پسماند نفتی انتخاب و بدون محدودیت زمانی این کلیدواژه ها در پایگاه های اطلاعاتی داخلی و خارجی مورد جستجوی قرار گرفتند. جستجوی مقالات از پایگاه های Science Direct, SID, Google Scholar, Google Search, Civilica, و Scopus انجام شد.

نتایج: یافته ها نشان داد که پسماندهای نفتی کاربردهای زیادی مانند تولید سیمان با استفاده از لجن، تولید مکمل بالابرنده عدد اکتان بنزین، کودسازی برای فضای سبز، ایجاد بستر برای ساخت جاده توسط پسماندهای حفاری آلوده نفتی، سوخت جایگزین در صنعت سیمان با استفاده از کک نفتی، و دیگر مزایا را دارند. بنابراین مدیریت آنها از اهمیت بسزایی برخوردار است و مهمترین روش های کمینه سازی و استفاده مجدد آنها شامل تصفیه زیستی، تصفیه بیولوژیکی، تصفیه زمینی، سوزاندن، تصفیه حرارتی، استفاده از جاذب ها برای حذف پسماندهای نفتی، گیاه پالایی، کمپوست سازی و غارهای نمکی می باشد.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که در مدیریت پسماندهای نفتی، بازیافت یک روش بهینه و قابل قبول از لحاظ اقتصادی و زیست محیطی برای کمینه سازی و همچنین یکی از مهمترین بخش های مهم سلسله مراتب مدیریت پسماند است. از طرفی نشان داد که هر یک از روش های موجود دارای مزایا و معایبی می باشند که قبل از انتخاب روش تصفیه بهتر است یک آنالیز دقیقی از ترکیبات موجود در پسماندها انجام گیرد. در بررسی های انجام شده کارایی فرآیند کمپوست برای حذف کل هیدروکربن های نفتی بسیار بالا بوده است.

واژگان کلیدی: پسماند صنعتی، بازیافت، لجن نفتی، کمپوست، مدیریت پسماند



مفاهیم، مبانی و برنامه سیستم پایش زیست محیطی

بهنام مرادی^۱، مینا مرادی^۲، سمیرا برکات^۳، یزدان محمودیان^۴

۱. کارشناسی ارشد، مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل
۳. کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
۴. دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز
y.mahmoudian88@gmail.com

زمینه و هدف: از اصلی ترین برنامه های مدیریت زیست محیطی طرح، پایش و اندازه گیری مستمر می باشد. اجرای پایش زیست محیطی باعث اطمینان از پیوستگی بین مرحله طراحی و ساخت پروژه خواهد. این مطالعه با هدف بررسی مفاهیم، مبانی و برنامه های سیستم پایش زیست محیطی انجام گرفت.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی - گذشته نگر ابتدا فهرستی از واژگان کلیدی مبتنی بر عنوان پژوهش مشخص گردید. سپس هر واژه بطور اختصاصی در پایگاه های اطلاعاتی داخلی و خارجی مورد جستجوی قرار گرفت. جستجوی مقالات از پایگاه های Science Direct, SID, Google Scholar, Google Search, Scopus و بدون محدودیت زمانی و با استفاده از کلید واژه های پایش زیست محیطی، ارزیابی اثرات زیست محیطی، پایش لحظه ای، پایش آنلاین (مداوم)، برنامه پایش زیست محیطی انجام شد.

نتایج: بررسی مطالعات مختلف نشان داد که رویکرد هر نظام پایش زیست محیطی می بایست متناسب با اهداف مدیریتی و الگوی توسعه انتخاب گردد. همچنین یافته ها نشان داد که ارزیابی اثرات زیست محیطی، از جمله روش های مطلوب دستیابی به اهداف توسعه پایدار به شمار می رود که عناصر مربوط به آن باید بر اساس نوع طرح، حساسیت زیست محیطی، پیامدهای مورد پایش بینی و اهداف پایش انتخاب شوند.

نتیجه گیری: تحلیل نتایج نشان داد که پایش زیست محیطی ابزاری اساسی در تصمیم گیری های آگاهانه به منظور اطمینان از ماندگاری مجموعه ها و دستیابی به توسعه پایدار محسوب می شود، که توجه به این مهم می تواند آثار مثبت اجتماعی و اقتصادی را به دنبال داشته باشد.

واژگان کلیدی: پایش زیست محیطی، ارزیابی اثرات زیست محیطی، مفاهیم زیست محیطی، توسعه پایدار



بررسی عملکرد تصفیه خانه فاضلاب بیمارستان آیت الله طالقانی تهران در سال ۹۸-۹۷

زهرا محمدی^۱، مهدی بلوایه^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
z.mohammadii1996@gmail.com
۲. کارشناس بهداشت محیط بیمارستان آیت الله طالقانی

زمینه و هدف: فاضلاب بیمارستانی بعثت دارا بودن آلاینده های میکروبی، دارویی مانند انواع آنتی بیوتیک ها و شیمیایی از جمله فلزات سنگین و ... از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد و در صورت عدم تصفیه مناسب و ورود به منابع آب پذیرنده میتواند مخاطرات بهداشتی بسیاری برای انسان ها و محیط زیست ایجاد نماید. در این مطالعه به بررسی کیفیت پساب خروجی تصفیه خانه بیمارستان چند تخصص آیت الله طالقانی تهران در سال ۹۸-۱۳۹۷ پرداخته شده است.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی با رویکرد توصیفی - تحلیلی بوده و به بررسی کیفیت پساب خروجی تصفیه خانه فاضلاب بیمارستان طالقانی تهران به مدت یکسال 98-1397 می پردازد. که نمونه برداری از پساب تحت شرایط استاندارد بصورت فصلی گرفته شده و به آزمایشگاه مورد اعتماد سازمان محیط زیست فرستاده شده است و در آزمایشگاه پارامترهای میکروبیولوژی (شمارش کلی کلیفرم ها، شمارش کلیفرم های مدفوعی)، شیمیایی (BOD, COD, DO, TSS, PH, EC), کلراید، آمونیاک، نیترات، فسفات)، فیزیکی (دما، کدورت) بر اساس روش های ارائه شده در کتاب روش های استاندارد برای آزمایشهای آب و فاضلاب ویرایش نوزدهم استفاده شده. مدت نمونه برداری و انجام آزمایشات در مدت یک سال 12 ماه از ابتدای فروردین 1397 لغایت انتهای اسفند 1397 انجام شده است. و آنالیز اطلاعات از طریق برنامه 2019EXCEL صورت گرفته است.

نتایج: طبق نتایج بدست آمده میانگین پارامترهای کلیفرم، کلیفرم گوارشی، BOD, COD, DO, TSS, PH, EC, کدورت، کلراید، آمونیاک، نیترات، فسفات در پساب خروجی از تصفیه خانه فاضلاب به ترتیب 632.4 MPN/100ml, 631.6 MPN/100ml, ۱۴,۵mg/l, ۴۸,۵mg/l, ۲,۸۹mg/l, ۲۱,۲۵mg/l, ۱۲۳۰, ۷,۳۵, ۱۱,۷NTU, ۱,۷۲,۰۵mg/l, ۰,۴۶mg/l, ۸۳,۷۵mg/l, ۱,۶۱mg/l می باشد.

نتیجه گیری: طبق آنالیزهای انجام شده پساب خروجی از لحاظ آلاینده های بیولوژیکی، شاخص کل کلیفرم ها و شاخص کلیفرم مدفوعی، کمتر حد استاندارد می باشد. از لحاظ آلاینده های شیمیایی (BOD, COD, DO, TSS, PH, کلراید، آمونیاک، فسفات) در حد استاندارد هستند فقط آلاینده نیترات بالاتر از حد استاندارد برای تخلیه به آب های سطحی و چاه های جاذب است که با توجه به اینکه پساب خروجی به سیستم آگو شهری تخلیه می شود مشکل ساز نخواهد بود و از لحاظ آلاینده های فیزیکی (دما، کدورت) در حد استاندارد های خروجی فاضلاب به استناد ماده 5 آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب می باشد.

واژگان کلیدی: فاضلاب بیمارستان، استاندارد دفع، تصفیه خانه فاضلاب



اثرات سوء بر سلامتی تحت تاثیر فناوری نسل پنجم شبکه تلفن همراه (5G) در شرایط زندگی واقعی (مطالعه مروری)

علی شهیدی نژاد^۱، آذین ترابی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۲. آذین ترابی، دانشجوی کارشناسی، بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

Ashahidin75@yahoo.com

زمینه و هدف: ارتباطات بی سیم در سطح جهانی با نرخ نمایی در حال گسترش است. جدیدترین تکنولوژی در این حوزه 5G است و در کشور ما در حال پیاده سازی می باشد. نه 4G و نه 5G از نظر ایمنی در شرایط زندگی واقعی آزمایش نشده اند. به طرز نگران کننده ای، بسیاری از مطالعات انجام شده در محیط هایی ملایم تر، اثرات مضر این پرتو ها را نشان می دهند. مقاله حاضر مروری بر مطالعات پزشکی و بیولوژیکی است که تا به امروز در رابطه با اثرات ناشی از تابش بی سیم (wireless) انجام شده، و نشان می دهد که این مطالعات نسبت به شرایط واقعی چه کمبود هایی دارند.

مواد و روش ها: مقالات منتشر شده در google scholar, pubmed, scopus, embase بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ مورد بررسی قرار گرفته و مقالاتی که امواج مورد نظر ما را تحت آزمایش و بررسی قرار داده اند انتخاب و وارد مطالعه شدند. کلید واژه های استفاده شده عبارتند از: millimeter wave, 5G, toxicology, health effects, Non-ionizing radiation, wireless radiation,

تعداد ۶۰ مقاله ی مرتبط با موضوع یافت شد و مورد بررسی قرار گرفت. مقاله حاضر مروری بر اطلاعات و تحلیل نتایج آنها می باشد.

نتایج: این مقاله اثرات سوئی از پرتو های غیرقابل مشاهده و غیر یونیزان (که از این پس تابش بی سیم نامیده می شوند) را که در مقالات برتر پزشکی گزارش شده اند، بررسی می کند. در این مقاله تأکید بر آن است که بیشتر مطالعات آزمایشگاهی انجام شده برای شناسایی اثرات سوء، به گونه ای طراحی شده اند که قادر به انعکاس شرایط سخت و تابش های شدید موجود در شرایط طبیعی زندگی و محیطی که سیستم های بی سیم در آن بهره برداری می شوند نیستند. بسیاری از آزمایشات شامل سیگنال های حامل پالس و مدوله شده نیستند. اکثریت قریب به اتفاق، عوارض جانبی هم افزایی (سینرژیستیک) سایر محرکهای سمی (شیمیایی و بیولوژیکی) که با پرتوهای بی سیم همراه می شوند را در نظر نمی گیرند. این مقاله همچنین شواهدی ارائه می دهد که فن آوری نوپای نسل پنجم شبکه تلفن همراه، 5G، همانطور که انتظار می رفت نه تنها بر روی پوست و چشم اثر سوء خواهد گذاشت، بلکه تأثیرات سیستمیک نامطلوبی (کبد، کلیه، خون و ...) نیز خواهد داشت.

نتیجه گیری: نسل پنجم شبکه تلفن همراه نویدبخش بهبود سنجش از دور (remote sensing)، بهبود ارتباطات و انتقال داده ها و بهبود وضعیت اتصال را می دهد. متأسفانه، داده های زیادی از مطالعات آزمایشگاهی و اپیدمیولوژیک



وجود دارد که نشان می دهد نسل قبلی و فعلی فن آوری شبکه های بی سیم تأثیرات نامطلوبی بر سلامتی دارند اما بیشتر این داده ها در شرایطی ملایم تر از شرایط محیطی بدست آمده اند و نمی توانند منعکس کننده شرایط زندگی واقعی باشند. مواجهه بیش از حد با تابش 5G در یک محیط که از قبل نیز مملو از سایر پرتوهای بی سیم است، اثرات سوئی که هم اکنون نیز وجود دارند و تهدید کننده ی سلامت هستند را تشدید می کند. قبل از گسترش و استفاده گسترده تر، تحقیقات و آزمایشات بیشتری در مورد اثرات بالقوه بر سلامتی تحت تابش های 5G در شرایط زندگی واقعی مورد نیاز است.

واژگان کلیدی: نسل پنجم شبکه تلفن همراه، 5G، پرتو بی سیم، اثرات سو سلامتی، اثرات سیستمیک، سم شناسی



بررسی آلودگی و غلظت برخی از فلزات سنگین در ذرات اتمسفری هوای شهر قزوین

حمید کاریاب^۱، حمزه علی جمالی^۱، سیدعرفان بابایی^۲، سیدعلیرضا بابایی^{۳،۴}

۱. دکتری تخصصی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
۲. کارشناس ارشد زمین شناسی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان، زنجان، ایران
۳. دانشجوی دکتری تخصصی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران
۴. ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران s.alireza_babae@yahoo.com

مقدمه و هدف: ذرات اتمسفری یکی از منابع مهم آلاینده محیط زیست در نواحی شهری و صنعتی می باشند. بسیاری از آلاینده های زیست محیطی قادرند با اتصال به ذرات اتمسفری در مقیاس وسیعی منتشر شوند. در این میان فلزات سنگین به دلیل خطرات بالقوه بهداشتی و زیست محیطی از اهمیت زیادی برخوردار هستند. هدف از این مطالعه بررسی آلودگی و غلظت برخی از فلزات سنگین در ذرات اتمسفری هوای شهر قزوین بود.

روش کار: این پژوهش یک مطالعه مقطعی کاربردی بود که به مدت یکسال در شهر قزوین انجام شد. نمونه برداری در بازه زمانی یک ماهه و بطور همزمان در مناطق مختلف شهر و با استفاده از روش Deposit Gauge Method انجام شد. برای آنالیز و تعیین غلظت فلزات سنگین از دستگاه ICP و برای منشأ یابی عناصر فلزی از فاکتور غنی سازی استفاده شد.

نتایج: میانگین غلظت Pb، Cd، Cr و Mn در ذرات گرد و غبار اتمسفری شهر قزوین به ترتیب ۲۱۵/۴، ۲/۸، ۲۸/۳ و ۲۴۴ میلی گرم بر کیلوگرم بدست آمد. همچنین نتایج این مطالعه نشان داد که غلظت فلزات سنگین در ذرات اتمسفری مناطق مختلف شهر متفاوت است. علاوه بر آن غلظت فلزات Cd، Pb و Cr در گرد و غبار اتمسفری در مقایسه با مقدار آنها در خاک های زمینه بالاتر بود که نشان از منشأ آلودگی انسان را در این ذرات داشت.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که غلظت برخی از فلزات سنگین در گرد و غبار اتمسفری شهر قزوین بیشتر از مقدار آنها در خاک های طبیعی منطقه بود بنابراین با توجه به نقش و اهمیت وسایل نقلیه و صنایع آلاینده هوا در افزایش غلظت این فلزات، بایستی اقدامات کنترلی و موثری را در این زمینه انجام داد.

واژگان کلیدی: آلودگی هوا، ذرات اتمسفری، فلزات سنگین



مروری بر پیامدهای تغییرات اقلیمی بر سلامت روان

سمانه دهقان^۱، فاطمه مرتضی زاده^۲

۱. استادیار گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران
fmortezazade0098@gmail.com

زمینه و هدف: اقلیم، شرایط آب و هوایی یک منطقه جغرافیایی در مدت زمان نسبتاً طولانی است. مطالعات متعددی ثابت کرده اند، حوادث ناشی از تغییرات اقلیمی چون طوفان، سیل و ... سبب طیف گسترده ای از بیماری های روانی حاد و مزمن، چون پاسخ های احساسی شدید مانند غم، پریشانی، ناامیدی، عصبانیت، استرس، افزایش ایده های خودکشی، مرگ و ... می شود. از این رو هدف از این مطالعه «مروری بر پیامدهای تغییرات اقلیمی بر سلامت روان» می باشد.

مواد و روش ها: جستجوی مقالات مرتبط منتشر شده با موضوع مورد نظر طی سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰ در پایگاه داده های Science Direct، Scopus، Web Of Science، Pubmed و Google Scholar، با استفاده از واژه های کلیدی Climate Change، Climate، Mental Health، Mental Disorders و انجام شد.

نتایج: نتایج این مطالعه نشان داد حوادث ناشی از تغییرات اقلیمی چون طوفان، سیل و خشکسالی طولانی مدت با افزایش اضطراب، افسردگی و اختلالات استرس پس از سانحه (PTSD) همراه می باشد و قرار گرفتن در معرض گرمای شدید نیز می تواند منجر به افزایش بستری در بیمارستان ها و افزایش خودکشی شود. همچنین تغییر پارامترهای مختلف اقلیمی در ابتلا به اختلالات دوقطبی نیز موثراند. در این میان در مقایسه با جمعیت عمومی، برخی از گروه های جامعه چون سالمندان و کودکان نسبت به تغییرات آب و هوایی آسیب پذیرتر هستند.

نتیجه گیری: می توان نتیجه گرفت که تغییرات اقلیمی تاثیرات جدی بر سلامت روان افراد دارد. بنابراین، شناخت نوع و وسعت اثرات روانی ناشی از تغییرات اقلیمی جهت کاهش خطر آسیب رسانی و حفظ سلامت افراد در جامعه، اولین گام مهم جهت توسعه و اجرای اقدامات مورد نیاز برای درمان یا جلوگیری از اثرات روانی ناشی از تغییرات اقلیمی می باشد.

واژگان کلیدی: اقلیم، تغییرات اقلیمی، سلامت روان



مدیریت پسماند در شهر هوشمند با استفاده از اینترنت اشیا

نادعلی علوی ، فاطمه احمدی زرج اباد^۲

۱. استاد و عضو هیئت علمی گروه بهداشت محیط ، تهران دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی alavi@sbmu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط ، تهران دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

زمینه و هدف: در چند سال گذشته تولید زباله جامد افزایش چشمگیری داشته است. مدیریت پسماندهای جامد یک مسئله مهم و چالش برانگیز در محیط زیست در سراسر جهان است. امروزه ، هر دولت در سراسر جهان در حال برنامه ریزی برای ساختن شهرهای هوشمند یا تلاش برای تبدیل شهرهای موجود به شهرهای هوشمند است. جمع آوری زباله های جامد نکته مهمی برای محیط زیست است و تأثیر آن بر جامعه باید در زیرساخت های شهرهای هوشمند مورد توجه قرار گیرد. فن آوری های اینترنت اشیا (IOT) می توانند در شهر های هوشمند طور موثری چنین خدماتی را انجام دهند .

مواد و روش ها: در این مطالعه مروری که در سال ۱۳۹۸ انجام شده است ، یک سیستم مدیریت زباله جامد مبتنی بر IOT را ارائه می دهیم که امکان نظارت بر سطل زباله ، برنامه ریزی پویا و مسیریابی کامیون های جمع آوری زباله را در یک شهر هوشمند فراهم می کند .

نتایج: نتایج و مطالعات نشان میدهند که جمعیت زمین در حال حرکت به سمت مناطق شهری است که شهرهای هوشمند SC را تشکیل می دهند. مدیریت پسماند یک است. سطل ها و کامیون ها با حسگرها و SC جزء از محرک های اینترنت اشیا فعال می شوند. تحقق شهر هوشمند مبتنی بر IOT به طور قابل توجهی به بسیاری بر از پروتکل های ارتباط کوتاه و وسیع وابسته است تا بتواند داده ها را بین دستگاه ها و سرورهای داخلی انتقال دهد. یکی از کاربردهای اینترنت اشیا در زمینه جمع ، اوری زباله های خانگی سطل زباله های هوشمند است .

نتیجه گیری: این سیستم مشخص میکند هر کامیون از کدام مسیرها برای جمع اوری و تخلیه زباله استفاده کند که علاوه بر کوتاه کردن مسیر زمان جمع اوری زباله از سطح شهر را نیز کاهش دهد.

واژگان کلیدی: پسماند، مدیریت پسماند ، شهر هوشمند ، اینترنت اشیا ، توسعه پایدار



بررسی کیفیت آب رودخانه قره سو بر اساس شاخص IRWQI

مینا مرادی^۱، بهنام مرادی^۲، زهرا جوانمردی^۱، مهدی وثوقی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل
۲. کارشناس ارشد، مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، گروه سلامت؛ ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۳. استادیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران Mvn_20@yahoo.com

زمینه و هدف: رودخانه ها سیستم های آب شیرین حیاتی و آسیب پذیر و شریان اصلی جابه جایی آب در سراسر زمین بوده که می تواند در قسمت های مختلف از جمله کشاورزی و آشامیدن استفاده گردد. کاهش کیفیت آب در این سیستم ها پایداری آن ها را تهدید می کند. آگاهی از کیفیت آب رودخانه ها اولین گام اساسی برای رفع آلودگی آب های سطحی می باشد. هدف از این مطالعه بررسی کیفیت آب رودخانه قره سو بر اساس شاخص IRWQI بود.

مواد و روش ها: این مطالعه یک مطالعه توصیفی مقطعی می باشد که در سال ۱۳۹۷ انجام شد. در این پژوهش کیفیت آب رودخانه قره سو با شاخص IRWQI که در واقع شاخص پارامترهای متداول کیفیت منابع آب سطحی ایران می باشد سنجیده شد. در این پژوهش پارامترهای BOD5، COD، pH، EC، NO3، درصد اکسیژن محلول، کدورت و کلیفرم های مدفوعی مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: نتایج نشان داد کیفیت رودخانه قره سو در اکثر ایستگاهها و در فصول مختلف سال وضعیت بهتری داشته و دارای کیفیت خوب و نسبتا خوب می باشد. کمترین مقدار شاخص در فصول مختلف سال مربوط به ایستگاه پل سامیان بود که کیفیت آب در این ایستگاه در فصل بهار در سطح متوسط و در تابستان و زمستان در وضعیت نسبتا بد و در تابستان در وضعیت نسبتا خوب قرار داشت.

نتیجه گیری: پژوهش انجام شده در رودخانه قره سو نشان می دهد کیفیت آب در سطح نسبتا بد تا خوب در ایستگاههای مختلف و در فصول مختلف سال قرار دارد. با توجه به پایین بودن کیفیت آب در ایستگاه پل سامیان لازم است تا اقداماتی جهت کنترل ورود آلاینده ها در مسیر رودخانه انجام گیرد.

واژگان کلیدی: کیفیت، رودخانه، قره سو، اردبیل، IRWQI



بررسی نقش استانداردهای بین المللی ایزو در کاهش تغییرات آب وهوایی

محمدصادق رهبانی^۱، حمیده نیک بین^۲

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی طبیعت، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران sadeghrohban@gmail.com

۲. کارشناس سازمان ملی استاندارد ایران

زمینه و هدف: مدیریت زیست محیطی - کاهش تغییرات آب و هوایی با استفاده از استانداردهای بین المللی.

انتشار گازهای گلخانه ای به ویژه دی اکسید کربن ناشی از سوختن سوخت های فسیلی برای تولید انرژی، باعث تغییرات آب وهوایی می شود. استاندارد بین المللی ایزو در کاهش اثرات آن نقش دارد .

تغییرات آب و هوایی تهدید مهمی برای زندگی در زمین است، بنابراین بشر باید ابتدا انتشار دی اکسید کربن را کاهش داده و سپس در نهایت آن را از بین ببرد. خوشبختانه، این تبدیل اقتصاد با کربن صفر در حال حاضر در بسیاری از بخشهای صنعتی، تجاری و شهری در حال وقوع است و استانداردهای سازمان بین المللی استانداردسازی ایزو نقشی اساسی در تحقق این امر بعهده دارد.

این استانداردها از سطوح استراتژیک، دولتی و سازمانی گرفته تا برنامه های تاکتیکی در پروژه و حتی سطح محصولات، تدوین شده است. کمیته فنی ISO / TC 207 با عنوان مدیریت زیست محیطی، چندین استاندارد در سری ISO 1406x برای مدیریت گازهای گلخانه ای در سطح سازمان ها، پروژه ها و محصولات تدوین کرده است. این استاندارد ها ابزاری را برای سازمان ها فراهم می کند تا نقطه شروع برای همه برنامه ها ، جهت کنترل و سپس حذف انتشار گازهای گلخانه ای که مسئله ای اساسی است ، ایجاد کنند. این سری از استانداردها نقش مهمی در کاهش تغییرات آب و هوایی داشته اند .

نمونه ای از این استاندارد ها شامل :

- ISO 14064-1: انتشار و حذف گازهای گلخانه ای (برای شرکت های حقوقی)
- ISO 14064-2: انتشار و حذف گازهای گلخانه ای (برای سازمان ها)
- ISO 14064-3: اعتبار سنجی و تأیید گازهای گلخانه ای
- ISO 14065: الزامات مربوط به نهادهای تأیید کننده
- ISO 14066: الزامات تأیید کننده ها
- ISO 14067: انتشار گازهای گلخانه ای محصولات

تا زمانی که بشر برای کاهش انتشار گازهای گلخانه ای اقدامی سریع انجام ندهد، زمین بسیار گرمتر می شود ، سطح دریاها بالا می رود، طوفان ، خشکسالی و سیل را بدنبال دارد. این به نوبه خود منجر به از دست دادن تنوع زیستی ، خرابی محصولات و آسیب رساندن به زیرساخت ها می شود. تهدیدات به قدری شدید است که بسیاری از دانشمندان بر این باورند که ادامه تغییرات در آب و هوا باعث انقراض گسترده تنوع زیستی گردیده و زمین را برای بیشتر گونه ها از جمله انسان



غیرقابل سکونت می کند. لذا باید متوسط افزایش درجه حرارت جهانی را تا ۱,۵ درجه سلسیوس تا سال ۲۰۳۰ مهار کرد
سایر استاندارد های ایزو در این زمینه عبارتند از: ISO 14001 : سیستم های مدیریت زیست محیطی - الزامات و راهنمای
استفاده، و سری استانداردهای ISO 14030 : ارزیابی عملکرد زیست محیطی ، می باشد. کمیته فنی ایزو (ISO / TC
207) در حال تدوین استانداردهای دیگری است که راهنمایی برای تبدیل به اقتصاد با کربن صفر و همچنین استانداردهای
تطابق با تغییرات آب و هوایی می باشد.

واژگان کلیدی : تغییرات آب و هوایی، استاندارد، ایزو، مدیریت زیست محیطی، گازهای گلخانه ای، محیط زیست.



بررسی کیفیت شیمیایی آب شرب شهر نوشهر طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶

سعیده متاجی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران
s.mataji2012@gmail.com

زمینه و هدف: ویژگی های فیزیکی، شیمیایی و میکروبی آب آشامیدنی مبنای قضاوت قابل شرب بودن آن است. تغییرات نامطلوب در این پارامترها می تواند سلامت مصرف کنندگان را تهدید کند. لذا هدف این مطالعه بررسی کیفیت شیمیایی آب شرب و مقایسه آن با استانداردهای ملی سازمان حفاظت محیط زیست (EPA) است.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی مقطعی بوده و از داده های آزمایشات شیمیایی آب انجام شده در طی سال های ۹۰ تا ۹۶ در آزمایشگاه آب شهرستان نوشهر استفاده شد و جهت بررسی داده ها از روش های آمار توصیفی استفاده شده است.

نتایج: میانگین پارامترهای اندازه گیری شده به ترتیب، کدورت 0.42 NTU، کلرور 17.182 ، آهن 0.12 ، فلوراید 0.19 ، نیترات 9.91 ، نیتریت 0.15 و سولفات 23 میلی گرم در لیتر بود، که تمام پارامترها در محدوده استانداردهای ملی و EPA آب آشامیدنی بوده است.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه اخیر نشان داد آب آشامیدنی شهر نوشهر از نظر پارامترهای شیمیایی مشکل بهداشتی ندارد و مطابق استانداردهای ملی و EPA بوده، در نتیجه جهت مصرف آشامیدنی مناسب و مطلوب است.

واژگان کلیدی: نوشهر، کیفیت شیمیایی، آب قابل شرب



اثرات غیر مستقیم COVID-19 بر محیط زیست کشورهای آسیب دیده از اپیدمی کرونا

فرید شهیدی نژاد^۱، علی شهیدی نژاد^۲

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته علوم و مهندسی محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

Fshahidin79@gmail.com

زمینه و هدف: مقالات زیادی در زمینه پزشکی مربوط به شیوع COVID-19 که جهان را محاصره کرده و افراد زیادی را به کام مرگ کشانده، نوشته شده است. با این حال، اثرات زیست محیطی آن به اندازه کافی مورد مطالعه قرار نگرفته است. بعضی از منابع استدلال می کنند که شیوع Covid-19 آلودگی محیط زیست را کاهش می دهد، در حالی که برخی دیگر عقیده دارند آسیب های قابل توجه زیست محیطی در انتظار ما است. در این مطالعه، اثرات شیوع Covid-19 از نظر محیط زیست و بخش انرژی های تجدید پذیر مورد بررسی و نتایج به دست آمده مورد بحث قرار گرفته است.

مواد و روش ها: در زمینه ی مربوطه در پایگاه های Google Scholar، Scopus و Embase جستجو صورت گرفت و مقالات مناسب و مرتبط استخراج گردید. این تحقیق حاصل مروری بر مطالعات صورت گرفته طی چند ماه گذشته است.

نتایج: بررسی ها نشان می دهد که بین اثرات ناشی از این اپیدمی و بهبود کیفیت هوا، سواحل پاک و کاهش سر و صدای محیط زیست ارتباط معناداری وجود دارد. از طرف دیگر، جنبه های ثانویه منفی مانند کاهش نرخ بازیافت، افزایش ضایعات و مشکلاتی در بخش انرژی های تجدید پذیر نیز وجود دارند. علاوه بر هوا، این آلودگی ها سایر محیط های فیزیکی (آب و زمین) را به خطر می اندازد. انتظار می رود فعالیت اقتصادی جهانی در ماه های آینده در اکثر کشورها به حالت قبل بازگردد (حتی اگر به آهستگی پیش رود)، بنابراین کاهش غلظت گازهای گلخانه ای در طی یک دوره کوتاه، راهی پایدار برای بهبود شرایط محیط زیست ما نیست.

نتیجه گیری: نتیجه گیری می شود که COVID-19 اثرات غیرمستقیم مثبت و منفی بر محیط ایجاد می کند، اما اثرات منفی بیشتر خواهد بود. کاهش غلظت گاز های گلخانه ای در طی یک دوره کوتاه راهی پایدار برای پاکسازی محیط زیست ما نیست. علاوه براین، بحران همه گیری این ویروس، مشکلات زیست محیطی دیگری را به همراه می آورد که اگر کشورها از تأثیر این اپیدمی بر محیط زیست غافل شوند، ممکن است اثرات آن طولانی تر و مدیریت آنها دشوارتر گردد.

واژگان کلیدی: آلودگی محیط زیست، کرونا، آلودگی هوا، پسماند، پاندمی



طراحی و تدوین سامانه نرم افزاری مناسب جهت محاسبه شاخص کیفیت هوا

نرگس شمس الدینی^۱، سید مرتضی ذاکر عباسعلی^۲، محمدرضا سمایی^۳، ابوالفضل اژدرپور^۴

۱. دانشجوی دکترا مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

شرکت آب و فاضلاب استان فارس

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد مهندسی شیمی، دانشگاه شیراز، فارس، ایران

۳. دانشیار گروه مهندسی بهداشت محیط، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز،

ایران nshamsedin@sums.ac.ir

۴. دانشیار گروه مهندسی بهداشت محیط، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

زمینه و هدف: شاخص کیفیت هوا (AQI) یک ابزار کلیدی جهت آگاهی از کیفیت هوا، نحوه اثر آلودگی هوا بر سلامت و روش های محافظتی در برابر آلودگی هوا است. شاخص کیفیت هوا برای پنج آلاینده اصلی هوا یعنی ذرات معلق، دی اکسیدنیترژن، ازن سطح زمین، منوکسیدکربن و دی اکسیدگوگرد محاسبه می شود. هدف از این مطالعه تدوین و طراحی برنامه نرم افزاری جهت محاسبه شاخص کیفیت هوا AQI با استفاده از نرم افزار MATLAB می باشد.

مواد و روش ها: با توجه به فرمول محاسبه شاخص، برنامه آن در نرم افزار MATLAB نوشته شد و از حلقه های if، for و else و سایر دستورهای دیگر جهت نمایش بهتر، کاهش زمان محاسبه و... استفاده گردید و در آخر نیز دستوری جهت نمایش داده های خروجی به صورت فایل اکسل و مشخص شدن آلاینده مسئول در فایل نهایی نگارش شد.

نتایج: نتایج حاصل از مطالعه در قالب یک بسته نرم افزاری قابل اجرا بر روی سیستم کامپیوتری می باشد که کاربر می تواند پس از نصب برنامه و اجرای آن، داده های خود را طبق فرمت موجود در بسته نرم افزاری آماده نماید و پس از ورود به نرم افزار در کمترین زمان ممکن (در حد چند دقیقه) نتایج خروجی با مقدار کمی و کیفی AQI و مشخص بودن آلاینده مسئول به صورت فایل اکسل ذخیره نماید.

نتیجه گیری: با باز بودن برنامه امکان تغییر در برنامه برای کاربر نهایی وجود دارد و کاربر می تواند شاخص کیفی داده های زیادی را در حد چند دقیقه محاسبه نماید

واژگان کلیدی: نرم افزار MATLAB، شاخص کیفیت هوا، آلاینده مسئول



کارآفرینی و اقتصاد دانش بنیان در رشته مهندسی بهداشت محیط

محمد تقی قانعیان^۱، مریم غلامی^۲

۱. استاد گروه مهندسی بهداشت محیط، مرکز تحقیقات علوم و فناوری های محیط زیست، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۲. دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت محیط، مرکز تحقیقات علوم و فناوری های محیط زیست، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران gholami313114@gmail.com

زمینه و هدف: حرکت دانشگاه ها به سوی دانشگاه نسل سوم و خلق ثروت و کارآفرینی، اهمیت خلاقیت و نوآوری، ایده پردازی، پرورش ایده، تولید محصول و کسب مهارت های عملی توسط دانشجویان را به منظور رفع نیازهای واقعی صنعت و جامعه دوچندان نموده است. با توجه به گستردگی دروس تخصصی مهندسی بهداشت محیط، فارغ التحصیلان این رشته می توانند با توانمندسازی و متناسب با واحدهای درسی، شرکت های مرتبط را تأسیس نموده یا در این گونه شرکت ها مشغول به کار شوند، لذا در این مقاله به شیوه های توانمندسازی دانشجویان و فارغ التحصیلان این رشته و معرفی فرصت های شغلی مرتبط پرداخته شده است.

مواد و روش ها: این مقاله بصورت مروری و با استفاده از منابع معتبر علمی از جمله برنامه آموزشی مصوب وزارت بهداشت برای رشته مهندسی بهداشت محیط و همچنین اطلاعات شرکت های دانش بنیان و سایر شرکت ها و مؤسسات مرتبط با حوزه های فعالیت این رشته گردآوری شده است.

نتایج: برای کارآفرینی و گام نهادن در مسیر اقتصاد دانش بنیان، دانشجویان بایستی در طی دوران تحصیل از طریق آشنایی با ایده ها و اختراعات مرتبط با رشته، خلق ایده و محصول و آشنایی با کاربرد دروس تخصصی در صنعت و جامعه به کسب مهارت های لازم بپردازند. با توجه به اینکه در رشته مهندسی بهداشت محیط مسائل مختلفی مانند آب، فاضلاب، آلودگی هوا، پسماند و ... مطالعه می شود، فارغ التحصیلان می توانند متناسب با این موضوعات، در شرکت های خصوصی و دانش بنیان در حداقل ۴۰ زیرگروه مرتبط مشغول به کار شوند. از جمله مهندسی مشاور و پیمانکار آب و فاضلاب، تولید مواد، لوازم و تجهیزات آزمایشگاهی در زمینه آب و فاضلاب، آلودگی هوا و مدیریت پسماند، تولید مواد ضدعفونی، گندزدا و شوینده، سم پاشی و خدمات بهداشت محیط و ...

نتیجه گیری: اگر دانشجویان خلاق باشند و کاربرد دروس تخصصی خود را با رویکرد کارآفرینی بیابند، شرکت های مرتبط با مباحث درسی و اختراعات، ایده ها و استارت آپ های مرتبط را بشناسند، می توانند با پرورش ایده و تیم سازی، به سمت تأسیس شرکت های فناوری و دانش بنیان گام بردارند.

واژگان کلیدی: مهندسی بهداشت محیط، کارآفرینی، فرصت های شغلی، بازار کار، شرکت های دانش بنیان



بررسی کارایی حذف کروم شش ظرفیتی و نیکل از فاضلاب صنایع آبکاری با استفاده از راکتور بیولوژیکی بستر آکنده

پوریا کریمی یادکوری^۱، محسن حقیقی^۲، شکیبا محمد حسینی^۳، فاطمه کریمی نژاد^۴

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران
۲. کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان.
۳. کارشناس، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران.
۴. کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد.
Kariminezhad136618@gmail.com

زمینه و هدف: یکی از رایجترین فلزات سنگین موجود در فاضلاب صنایع آبکاری، کروم و نیکل است؛ که به دلیل ویژگی هایی مانند: غیر قابل تجزیه بودن، خاصیت تجمع پذیری و اثر مخرب بر حیات آبریان همواره به عنوان یک چالش بزرگ قلمداد می شوند. در این بین استفاده از روش های بیولوژیکی بستر آکنده با توجه به عدم استفاده از مواد شیمیایی، هزینه اثر بخشی مطلوب و بویژه کارایی مناسب (به دلیل تراکم میکروبی بالا و تحمل شوک بالا) همواره مورد توجه بوده اند. بر این اساس، هدف از مطالعه حاضر حذف کروم شش ظرفیتی و نیکل از فاضلاب صنایع آبکاری با استفاده از راکتور بیولوژیکی بستر آکنده است.

مواد و روش ها: مطالعه ی حاضر نمونه در پاییز و زمستان سال ۱۳۹۸ (۶ ماه) در مقیاس آزمایشگاهی بر روی ۴۰ نمونه که به صورت روزانه از یکی از صنایع آبکاری شهر مشهد جمع آوری شده بود انجام شد. راکتور مورد استفاده استوانه ای شکل و از جنس پلکسی گلس به ارتفاع ۱ متر و قطر داخلی ۴ سانتی متر بود. فلزات سنگین به روش اسپکترومتری نشری پلاسمای جفت شده القایی اندازه گیری شد. کلیه آزمایشات در دمای اتاق (۲۵ درجه سانتی گراد) و با دو مرتبه تکرار انجام شد. جهت آنالیز آماری از نرم افزارهای SPSS و آزمون ANOVA استفاده گردید.

نتایج: نتایج حاصله نشان داد بیشترین حذف کروم شش ظرفیتی و نیکل در زمان ماند ۳ ساعت در مقادیر بارگذاری مختلف فلزات سنگین (۷۰-۱۰ میلی گرم در لیتر) برابر ۸۳/۲۳ و ۷۳/۷۹ درصد بود. افزایش غلظت ورودی فلزات سنگین و COD با کاهش راندمان رابطه ی معناداری داشت ($P\text{value} < 0/05$). با افزایش نسبت حجمی مواد بستر از ۵۰ به ۱۰۰ درصد، راندمان حذف افزایش می یابد.

نتیجه گیری: سیستم بستر آکنده با توجه به مساحت سطح بالا و نهایتاً تراکم بالای غلظت میکروارگانیسم ها توانایی مطلوبی در حذف فلزات سنگین در محدوده ی غلظت کروم و نیکل موجود در فاضلاب صنایع آبکاری دارد. همچنین بررسی مطالعات مشاه نشان می دهد استفاده از سیستم پیش تصفیه کارآمد، اثر چشمگیری در بهبود کارایی تصفیه دارد.

واژگان کلیدی: راکتور بستر آکنده، کروم، نیکل، فلزات سنگین، صنایع آبکاری



Development and implementation of water safety plans for groundwater resources in the southernmost city of West Azerbaijan Province, Iran

Kazhal Masroor¹, Majid Kermani^{2, 3}, Hossein Arfaeinia^{4, 5}, Mitra Gholami^{2, 3}
Masoumeh Tahmasbizadeh⁶, Farzad Fanaei⁷

1. Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
2. Research Center of Environmental Health Technology, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
3. Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
4. Systems Environmental Health and Energy Research Center, The Persian Gulf Biomedical Sciences Research Institute, Bushehr University of Medical Sciences, Bushehr, Iran.
5. Department of Environmental Health Engineering, Faculty of Health and Nutrition, Bushehr University of Medical Sciences, Bushehr, Iran;
6. Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran
7. Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
farzadfanaei37@gmail.com

Background: The transfer of water from the source to the consumption point is always associated with the possibility of contamination in any of its various components. To resolve this problem, the World Health Organization has considered a water safety plan. The purpose of this study is to implement water safety plan in the water supply system of Bukan city.

Material and Methods: This study was performed on Bukan's water supply system in 2019-20 using a software to guarantee the quality of the water safety plan and the WHO and IWA guidelines. The software checklists were prepared and after confirming the validity of the translation and its facial and content validity, it was completed based on the records of the Water and Sewerage Company and interviews with experts.

Results: Out of a total of 440 points of full-application of the program and 392 points for the reviewed phases, 183.6 points were acquired and 43.7% of WSP-coordinated implementation was observed. The highest percentage of WSP-coordinated implementation (75.2%) was assigned to the validation stage with the highest point, and the support program stage had the lowest percentage of performance (1.1%). Among the major components of the water supply system, the final consumption point received the most attention from the system.

Conclusions: Given the lifespan of the introduction and use of WSP in the world, it was expected that better results would be obtained from evaluating the implementation and progress of this approach in Bukan's water supply system. However, the implementation rate of this





program in this city compared to other cities in Iran, showed that according to the implementation time (one year), the obtained results are relatively convincing and good and the water supply system has a moderate level of safety.

Keywords: Drinking Water, Water safety plan, Assessment, Bukan City



Health impacts and burden of disease attributed to long-term exposure to atmospheric PM₁₀/PM_{2.5} in Karaj, Iran: Effect of meteorological factors

Majid kermani^{1,2}, Hossein Arfaeinia^{3,4}, Kazhal Masroor⁵, Farzad Fanaei⁶

1. Research Center of Environmental Health Technology, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

2. Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

3. Systems Environmental Health and Energy Research Center, The Persian Gulf Biomedical Sciences Research Institute, Bushehr University of Medical Sciences, Bushehr, Iran

4. Department of Environmental Health Engineering, Faculty of Health and Nutrition, Bushehr University of Medical Sciences, Bushehr, Iran;

5. Department of Environmental Health Engineering, school of public health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

6. Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Background: There are sporadic researches on evaluating the health endpoints and burden of disease resulted from long-term exposure to atmospheric PM₁₀/PM_{2.5} by AirQ⁺ model in the world. Therefore, the aim of the current work was to evaluate the effect of PM₁₀/PM_{2.5} on health of residents in Karaj city, Iran using AirQ⁺.

Material and Methods: To this end, data on population, the baseline incidence rates of health outcomes in Karaj's inhabitants, meteorological parameters and PM₁₀/PM_{2.5} concentrations (from 2012-2016) were obtained from governmental organizations. The correlation between the PM₁₀/PM_{2.5} levels and meteorological parameters in the research period were evaluated by statistical analysis using SPSS[®] 22 and R software. Finally, the health endpoints and disease burden was estimated using WHO-approved AirQ⁺ software.

Results: The results of statistical correlation analysis indicated that PM_{2.5}/PM₁₀ are positively correlated with relative humidity and temperature ($P < 0.05$), but the negatively correlated with other two parameters (precipitation and wind speed) ($P > 0.05$). The quantitative risk assessment conducted by AirQ⁺ showed that all-cause deaths, the deaths from cerebrovascular disease (stroke), chronic obstructive pulmonary diseases (COPD), lung cancer (LC), ischemic heart disease (IHD) and acute lower respiratory infection (ALRI) in periods of time 2012-2016 were estimated 3894, 1834, 124, 139, 2410 and 21 cases, respectively. On the other hand, PM₁₀-attributable mortality from 2012 to 2016 were estimated 1619 cases.

Conclusions: The findings obtained from of the regression correlation analysis relationship between PM_{2.5} concentrations and the number of mortality revealed that by increasing 1 $\mu\text{g}/\text{m}^3$ in PM_{2.5} concentrations, about 14 cases will be added to the total deaths of Karaj city.

Keywords: PM₁₀/PM_{2.5}, Long-term exposure, AirQ⁺, Health impacts, Burden of disease, Karaj



مطالعه تغییرات غلظت و برآورد میزان مرگ و میر ناشی از سرطان ریه منتسب به ذرات معلق طی ۷ سال در شهر اهواز

محسن یزدانی^۱، غلامرضا گودرزی^۲، زینب بابلی^۳، سیده صبا حیدری^۱، مریم ظهیری^۱

۱. گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران
۲. دانشیار مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات آلودگی هوا و بیماری های تنفسی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران
۳. گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران z.m.zahiri1999@gmail.com

زمینه و هدف: آلودگی هوا امروزه یکی از بزرگترین معضلات به ویژه در کشورهای در حال توسعه به شمار می آید که سلامت انسان را به طور جدی تهدید میکند. ذرات معلق یکی از آلاینده های اصلی هوا در مناطق شهری است که میتوانند از بینی و گلو عبور کنند و به عمق ریه ها نفوذ کنند و باعث ایجاد پیامدهای وخیم بهداشتی بشوند. هدف این مقاله مطالعه ی تغییرات غلظت و برآورد میزان مرگ و میر ناشی از سرطان ریه منتسب به ذرات معلق طی هفت سال در شهر اهواز میباشد.

مواد و روش ها: داده های مربوط به غلظت آلاینده PM2.5 اهواز در سال های مورد پژوهش از سازمان حفاظت محیط زیست اخذ گردید. سپس از سازمان های هواشناسی داده های دمایی و داده های مربوط به فشارتهدیه شدند. این داده ها بطور سالانه در ردیف های مجزا در یک صفحه ی اکسل وارد شدند. اعتبار سنجی این داده ها به روش Aphekom صورت گرفته است. عملیات کمی سازی این مطالعه با استفاده از مدل AirQ+ انجام شده است. در استفاده از مدل AirQ+ فایل ورودی داده های خام اکسل است که عملیات های زیر به ترتیب بر روی این داده ها صورت گرفته است. ۱- تصحیح دما و فشار و انطباق واحد با مدل ۲- پردازش اولیه ۳- پردازش ثانویه. ۴- فیلترینگ اولیه ۵- فیلترینگ ثانویه و در آخر به کمی سازی مرگ و میر ناشی از PM2.5 پرداخته شده است.

نتایج: بر اساس بررسی داده های بدست آمده کمترین میزان غلظت pm2.5 مربوط به سال ۱۳۹۶ است که معادل 47.53 میکروگرم بر مترمکعب میباشد. در این مطالعه بیشترین میزان غلظت pm2.5 در سال ۱۳۹۱ دیده شده که معادل 76.08 میکروگرم بر مترمکعب است. میانگین غلظت ۷ساله pm2.5 ۵۵,۸۶ میکروگرم بر مترمکعب تقریباً پنج برابر بیشتر از رهنمود سازمان جهانی بهداشت است. بیشترین تعداد مرگ و میر ناشی از سرطان ریه منتسب به ذرات معلق ۲۱ نفر در سال ۱۳۹۱ و کمترین تعداد مرگ و میر ۱۴ نفر در سال ۱۳۹۴ میباشد.

نتیجه گیری: همانطور که می دانیم این آلاینده اثرات مخرب و مرگ و میر بسیاری را به ساکنین شهر اهواز تحمیل کرده است به همین منظور از مسئولین این حیطه ارائه ی راهکارهای پیشگیرانه و همچنین قابل اجرا به منظور کاهش غلظت ذرات معلق و همچنین، بررسی اثرات ناشی از آن تقاضا می شود.

واژگان کلیدی: آلودگی هوا، AirQ+، سلامت کودکان، اثرات بهداشتی



ارزیابی اثرات بهداشتی مواجهه با PM_{2.5} در هوای شهر قزوین با استفاده از مدل AIRQ plus

فاطمه دهقان بنادکی^۱، اکرم باحجب مقنیان^۲، حمید کاریاب^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی آبادان
۲. مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین، قزوین، ایران
Fatemeh.dhg77@gmail.com
۳. مهندسی بهداشت محیط، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین، قزوین، ایران
۴. مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین، قزوین، ایران

زمینه و هدف: مواجهه با آلاینده های هوا سبب بروز اثرات بهداشتی مزمن و حاد قابل توجهی در انسان شده و با توجه به روند رو به رشد آن، بعنوان یکی از عوامل اصلی تهدید کننده سلامت مطرح می باشد. اثبات شده است که ذرات معلق کمتر از ۲/۵ میکرون، می توانند باعث اثرات بهداشتی قابل توجهی از جمله مرگ و میر در تماس های بلند و کوتاه مدت شوند. از این رو هدف این مطالعه بررسی اثرات بهداشتی مواجهه با این آلاینده در ساکنین شهر قزوین بود.

مواد و روش ها: در این مطالعه داده های سنجش آلاینده ها از یک ایستگاه سنجش موجود در شهر قزوین از سازمان حفاظت محیط زیست اخذ گردید و بعد از پردازش اولیه و ثانویه این داده ها در محیط اکسل شامل حذف داده های صفر و منفی و همسان سازی از نظر زمانی، داده های فاقد معیارهای لازم سازمان بهداشت جهانی برای استفاده در ارزیابی اثرات بهداشتی بود و از مطالعه حذف گردیدند. با توجه به مدل های در دسترس برای محاسبه مرگ منتسب به آلاینده ها، در این مطالعه از روش لگاریتم خطی و مدل AirQ+ که در اواخر سال ۲۰۱۶ توسط دفتر اروپایی سازمان بهداشت جهانی برای محاسبه مرگ منتسب به آلاینده ها در کشورهای در حال توسعه ارائه شده است، جهت محاسبه مرگ های منتسب به ذرات معلق PM_{2.5} در قزوین استفاده شد. داده های ورودی مورد نیاز نرم افزار AirQ+ شامل جمعیت در رده های سنی ۰-۴ سال الی ۸۰ سال و بالاتر، بروز پایه مرگ کل در بزرگسالان بالاتر از ۳۰ سال، بروز پایه مرگ به علت پیامدهای بهداشتی سرطان ریه، بیماری های مزمن انسداد ریوی، بیماری های ایسکمیک قلبی، سکتة مغزی و عفونت های حد دستگاه تنفسی بر اساس کدهای ICD-10 استفاده شد.

نتایج: میانگین سالیانه غلظت ذرات معلق PM_{2.5} در طی سال ۱۳۹۷، در شهر قزوین ۲۳،۷۴۲۸ حاصل گردید. بر اساس داده های دریافتی، تعداد روزهایی که غلظت ذرات معلق PM_{2.5} از عدد ۲۵ (استاندارد میانگین روزانه ۲۵ $\mu\text{g}/\text{m}^3$) بالاتر بوده است ۷۷ روز و تعداد روزهایی که غلظت از میانگین سالیانه ۱۰ $\mu\text{g}/\text{m}^3$ بیشتر بود (استاندارد میانگین سالیانه غلظت ذرات معلق ۱۰ میکروگرم بر مترمکعب) ۲۳۷ روز بوده است.

نتیجه گیری: با توجه به اثرات بهداشتی منتسب به مواجهه با آلاینده PM_{2.5} در ساکنین شهر قزوین، شناسایی و کنترل منابع انتشار این آلاینده ها و تدوین برنامه های کاهش آلودگی هوا در شهر قزوین ضرورت دارد.

واژگان کلیدی: نرم افزار AirQ+; PM_{2.5}; قزوین



مروری بر حذف آرسنیک از آب

راضیه آشوری^۱، فاطمه نجفی کلیانی^۲، مرضیه مرادقلی^۳، شعیب رحیمی^۴

۱. گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
 ۲. آموزشکده فنی حرفه ای سما، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، کرمان، ایران
 ۳. گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
 ۴. مرکز تحقیقات دانشگاه عوامل محیطی مؤثر بر سلامت، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
- rahimishoeib@gmail.com

زمینه و هدف: دسترسی به منابع آب آشامیدنی سالم، در بسیاری از کشورهای دنیا مسئله‌ای مهم است. هدف از مطالعه حاضر مروری بر مطالعات انجام گرفته در زمینه حذف آرسنیک از آب آشامیدنی بوده است.

روش پژوهش: در این مطالعه کلیه مقالات موجود در پایگاه‌های داده داخلی، پایگاه‌های اطلاعاتی خارجی شامل *Google Science Direct*، *Scopus*، *Scholar*، پایگاه علمی اطلاع رسانی سازمان بهداشت جهانی (*Medicus /WHO/EMR*)، راهنمای دسترسی به مجلات آزاد (*Elsevier. (Open Access Journal Directory Of)* و *PubMed* با استفاده از کلیدواژه‌های آب آشامیدنی، فلزات سنگین، آرسنیک، آرسنات و آرسنیت جستجو گردید.

بحث و نتیجه‌گیری: معایب و مزایای هریک از انواع روش های متداول و فناوری‌های نوین در حذف آرسنیک در مطالعات مختلف مورد بررسی قرار گرفت. روشهای متداول حذف آرسنیک از منابع آبی مورد بررسی در این مطالعه روش های غشایی، ترسیب و انعقاد، روش های جذبی و اکسیداسیون بود که درصد بالای حذف آرسنیک در جداول مربوطه نشان داده شده است. نتایج نشان میدهد که این روش ها از لحاظ اقتصادی به صرفه نبوده و مدت زمان حصول به راندمان بهینه، بالا می باشد، همچنین بررسی مطالعات مختلف در زمینه استفاده از نانو ذرات در حذف آرسنیک نشان داد که استفاده از نانوذرات می‌تواند آرسنیک محلول در منابع آبی را با غلظت بالای 45 mg/L را به‌طور کامل حذف نماید، از مزایای فرآیندهای جذبی ارزان و در دسترس بودن نسبی مواد جاذب، همچنین راندمان بالای جذب و حذف آرسنیک است، اما در بیشتر این روش‌ها، مقدار pH منبع آبی مورد نظر و نیز سایر یون‌های موجود در آب که در جذب شونده‌گی با آرسنیک رقابت می‌کنند، استفاده از این روش‌ها را با محدودیت‌های مختلفی مواجه می‌نماید.

واژگان کلیدی: آرسنیک، آب، حذف آرسنیک، فرآیند.



مروری بر کاربرد حسگرهای زیستی (بیوسنسورها) در پایش کیفیت آب و فاضلاب

مختار مهدوی^۱، رضوانه اسماعیلی^۲، محسن سعدانی^۳

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی ساوه، ساوه، ایران

esmaili.rezvane@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم

۳. گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

آلودگی آب‌ها و محیط زیست معضل بزرگ زندگی انسان در چند دهه اخیر محسوب می‌شود که به علت پیشرفت صنایع و تکنولوژی، با پیشرفت روزافزون آن مواجهیم. اهمیت زیرساخت‌های آب برای سلامتی انسان، توسعه پایدار و امنیت جانی باعث می‌شود تا این زیرساخت‌ها مورد هدف تروریسم نیز قرار گیرند. احتمال حمله تروریسم به سیستم‌های آبی حقیقتی انکارناپذیر می‌باشد که می‌توانند به طور مستقیم از طریق ورود سم یا عوامل ایجاد کننده بیماری، آلوده شوند. در حال حاضر، تجزیه و تحلیل ترکیبات آلی و فلزات سنگین به طور عمده در محیط آزمایشگاهی با تجهیزات گران قیمت انجام می‌شود که معمولا پرهزینه، محدود، زمانبر و امکان انجام آزمایشات در محل بسیار پائین می‌باشد. در چنین شرایطی، حسگرهای زیستی (بیوسنسور) می‌توانند یک ابزار مفید برای تشخیص آلاینده‌ها در آب باشند. در مقایسه با تکنیک‌های نظارت سنتی، حسگرهای زیستی قابل حمل، سریع، قابل اعتماد بوده و امکان پایش آب به صورت پیوسته و نیاز به حداقل آماده سازی نمونه را دارند. در این مطالعه به بررسی انواع حسگرهای زیستی مورد استفاده در کنترل کیفیت آب پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: بیوسنسورها، کیفیت آب، آب و فاضلاب



بیماری های روانی رتبه دوم بار بیماری در ایران!

فاطمه اماموردیان^۱

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته رادیولوژی، کمیته تحقیقات دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز
f.emamverdian@gmail.com

زمینه و هدف: آلودگی هوا یکی از دغدغه های اصلی تمام جوامع می باشد که سالانه جان ۳ میلیون نفر در جهان را می گیرد. کارشناسان سلامت معتقدند که آلاینده های هوا علاوه بر تاثیرات فیزیکی بر بدن، باعث بروز و تشدید آسیب های روحی و روانی و تحمیل بار سنگین این دسته بیماری ها بر دوش فرد و جامعه می شود. این مطالعه به بررسی تاثیر آلاینده ها بر بروز و تشدید بار سنگین بیماری های روانی در جامعه می پردازد.

مواد و روش ها: این پژوهش از نوع مروری سیستماتیک می باشد که در سال ۱۳۹۹ انجام شده است. در این پژوهش با جستجوی کلیدواژه های مقاله در پایگاه های اطلاعاتی لاتین google scholar, pubmed، به مقالات مرتبط با موضوع دست یافتیم؛ سپس بعد از حذف مقالات نامرتب با موضوع و مقالات تکراری، به بررسی و تحلیل داده ها پرداختیم.

نتایج: نتایج حاصل از این پژوهش نشان میدهد که؛ افرادی که در هوای آلوده تنفس می کنند نسبت به دیگران آستانه تحمل پایین تری دارند و زودتر عصبانی می شوند. آلاینده ها به عنوان یک فشار روانی مضاعف باعث اضطراب، تنش و نگرانی می شود، که این آلاینده ها با تاثیر بر سیستم عصبی و نوروها باعث بروز اختلالات روانی از جمله؛ خشونت، پرخاشگری، کاهش تاب آوری اجتماعی، زودرنجی، افسردگی و خودبیمارانگاری (در بیماران وسواسی) می شود. همچنین شواهدی مبنی بر تاثیر آلاینده PM 2.5 بر علائم افسردگی و اضطراب وجود دارد. همچنین آلاینده ها درصد عناصر هوا را تغییر داده و سطح اکسیژن هوا را می کاهند که خود عامل کاهش توجه و تمرکز دانش آموزان می باشد که از این جهت بار سنگینی بر دوش جامعه قرار می دهد.

نتیجه گیری: با توجه به این که بیماری های روانی بعد از تصادفات بیشترین بار بیماری ها در ایران را دارا می باشند و همچنین شناخت صحیح عوامل موثر بر بیماری، نخستین قدم در مدیریت و تصمیم گیری صحیح در این باره می باشد؛ لذا افزایش آلاینده های هوا تاثیر مستقیمی بر میزان بار بیماری در جامعه دارد. آلاینده ها تاثیر زیادی بر روابط اجتماعی افراد می گذارند که باعث کاهش کارایی فعالین جامعه می گردد که خود ضرر و بار سنگین تری بر جامعه تحمیل می کند.

واژگان کلیدی: آلاینده های هوا، باربیماری های روحی، آلودگی هوا، اختلالات روانی



بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان رشته دندانپزشکی و دندانپزشکان در مورد

پسماند دندانپزشکی در شهر مقدس مشهد در سال ۱۳۹۶

زهرا رهنما برگرد^{۱،۲}، منور افضل آقایی^۳، الهه نسودری^{۱،۲}

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط و حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

۳. دانشیار گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، عضو هیئت علمی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

Elahe_nasoudari@yahoo.com

زمینه و هدف: پسماندهای تولید شده در مراکز دندانپزشکی شامل پسماند شبه خانگی، پسماند عفونی و پسماند شیمیایی و دارویی و سمی می باشد. حدود نیمی از پسماند تولیدی در مراکز دندانپزشکی را پسماند شبه خانگی به خود اختصاص می دهد و نیمی دیگر از پسماند تولیدی در این مراکز پسماند عفونی و شیمیایی و دارویی و سمی می باشد که بایستی به درستی مدیریت گردد، در غیر این صورت موجب انتقال بیماری و مشکلات زیست محیطی خواهد شد. مطالعه ی حاضر به بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان رشته دندانپزشکی و دندانپزشکان در مورد پسماند پزشکی در شهر مقدس مشهد در سال ۱۳۹۶ انجام گرفته است.

مواد و روش ها: جامعه هدف دانشجویان دانشکده دندانپزشکی و دندانپزشکان شاغل در کلینک های دندانپزشکی دولتی مشهد بود. نمونه گیری تصادفی طبقه بندی شده متناسب با حجم جامعه هر طبقه صورت گرفت. ابزار اصلی پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود. در انتها داده های حاصل از ۱۵۵ پرسشنامه تکمیل شده استخراج و با استفاده از نرم افزار spss Version 20 مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت و گزارش نهایی تهیه گردید.

نتایج: بر اساس نتایج این مطالعه، ۵۲/۳ درصد شرکت کنندگان مرد و ۴۷/۷ درصد زنان بودند. میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۲۲/۴۹ ± ۵ /۹۱ بودند. همچنین ۷۷/۴ درصد دانشجوی رشته ی عمومی دندانپزشکی و ۱۲/۹ درصد دانشجوی یکی از رشته های تخصصی دندانپزشکی بودند و ۹/۷ درصد دندانپزشک عمومی یا متخصص شاغل به کار بودند. ۸۷/۷ درصد افراد شرکت کننده بدون سابقه ی کاری و ۴/۵ درصد سابقه ی کاری بین ۱-۲ سال و مابقی بیش از ۲ سال سابقه ی کاری داشتند. میانگین نمره آگاهی افراد شرکت کننده در مطالعه ۶/۶ ± ۶/۲ (بازه نمرات ۰-۲۰) و نمره نگرش افراد ۲۱/۷ ± ۴/۴ (بازه نمرات ۰-۲۷) و نمره عملکرد افراد ۳/۹ ± ۲/۵ (بازه نمرات ۰-۸) بود.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعه حاضر، نمره افراد در آگاهی و عملکرد در این زمینه بسیار پایین بود. ولی نمرات نگرش افراد شرکت کننده در مطالعه بالا بود. با توجه به اندک بودن میزان پسماند خطرناک دندانپزشکی در کل پسماند تولیدی این مراکز، مهم ترین شرط اجرای موفق برنامه مدیریت پسماند پزشکی، جداسازی صحیح انواع مختلف پسماند از مبدا بر اساس نوع فرآیند مورد نیاز می باشد. برای انجام هر مرحله این فرآیند، بایستی افراد دانش کافی از نوع پسماند و پتانسیل آسیب زایی هر نوع داشته باشند.

واژگان کلیدی: پسماند دندانپزشکی، آگاهی، نگرش، عملکرد



Microbial Status and Physicochemical Indices of Pools in Baharestan City

¹Yashar Nazari, ²Jamal Karimi

1. MSc Environmental Engineering- Saveh University of Medical Sciences , Yashi_senfi@yahoo.com

2.Senior Environmental Engineer - Iran University of Medical Sciences

Background and Aim: Due to the popularity of swimming sport and the health of swimmers, health control of swimming pools is of great importance. Because we have water shortages and water crises at the moment, and pools and water centers have to incur heavy costs, they may move on their own to use less water or even substitute pools. Use less chlorine, ozone, and other substances that can cause contamination in the pool environment, which can eventually cause problems for users, especially skin problems that can have very negative consequences. In pools, along with all the mechanical and electrical installations used, water also needs to be maintained. The purpose of this study was to determine the microbial and physicochemical status of four public swimming pools in Baharestan city.

Method: In this descriptive-analytical study, in 1396 of 4 active indoor swimming pools in Baharestan city, the required number of samples was 240 and was done by systematic sampling and the parameters of temperature, pH, residual chlorine, turbidity, alkalinity Hardness, population of heterotrophic bacteria, Staphylococcus aureus, Pseudomonas aeruginosa, fecal streptococcus and fecal coliforms were studied. Sampling was performed every two weeks for 3 months and the samples were tested according to standard methods.

Results: The pool temperature was 82.1%. In the case of microbial indices, pH was standard in 70% of the pools, but on average 19.5% of the samples were exceeded standard. On the other hand, 71% of the samples had undesirable condition. Alkalinity was favorable in 65% of samples and turbidity in 42.3% of samples. There was no case of coli.E in any of the pools. Pseudomonas aeruginosa was observed in 13.8% of the samples.

Conclusion: According to the results of increasing awareness and sensitivity of all pool personnel to control the water status of the pools in maintaining its physical and chemical equilibrium, for example, the presence of chlorine odor in the pool environment indicates the presence of chlorine in the water and low water. Concentration of disinfectant is a problem that can be solved by shock. Further monitoring and frequent sampling of pool health inspectors - Continuous consultation and training of pool officials and managers can solve many problems in pools. To solve.

Keywords: Microbial quality, Chemical quality, Pool water



بررسی تاثیر آلودگی هوا بر پیشرفت بیماری های غیرواگیردار

فاطمه خالدی^۱، علی هنرمند آبقد^۲

۱. دانشجوی پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

fatemeh.khaleedi97@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی زیست سلولی و مولکولی، دانشگاه آزاد، ایران

زمینه و هدف: تعداد زیادی مطالعه در چند سال اخیر بر روی اثر آلودگی هوا بر سلامتی انجام گرفته است که نشان داده اند آلودگی هوا با افزایش بار بیماری، مرگ میر و بسترهای بیمارستانی همراه می باشد. دسته بیمارهای غیرواگیر دار عامل ۷۲٪ مرگ و میر در سراسر جهان می باشد این دسته شامل بیمارهای قلبی و عروقی، دیابت، ریوی، آلرژی، استئوپروز و ... می باشد. این مطالعه با هدف بررسی اثر آلودگی هوا بر بیمارهای غیرواگیردار از طریق مرور مقالات منتشر شده می باشد.

مواد و روش ها: در پایگاه های اطلاعاتی "Google scholar, Pub Med" کلید واژه ها جست و جو شدند. ابتدا عنوان و چکیده و در صورت نیاز متن کامل مقالات مطالعه و مقالات مرتبط انتخاب شدند. در جست و جوی اولیه تعداد ۵۰ مقاله بازیابی شد که پس از مطابقت با معیار خروج و ورود تعداد ۲۰ مقاله در محدوده زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ انتخاب گردید.

نتایج: طبق نتایج بدست آمده آلودگی هوا دارای تاثیر قابل توجهی بر پیشرفت بیماری های غیر واگیر دار به دو صورت حاد و مزمن از طریق تاثیر روی ارگان های مختلف می باشد از جمله اثر مضر بر سیستم تنفسی، آلرژی رینیت، سیستم ایمنی، عامل ۵۰۰۰۰۰ مرگ ناشی از سرطان ریه، ۱،۶ میلیون مرگ ناشی از COPD، ۱۹٪ مرگ ناشی از بیماری قلبی و عروقی و تاخیر در ایجاد سیستم سایکوموتور، افزایش شیوع بیماری های دیابت ملیتوس، inflammatory bowel diseases، کاهش GFR، افزایش انعقاد عروقی، افزایش سایر سرطان ها از جمله سرطان مئانه و لوکمی کودکان، پیری پوست، خشکی چشم، التهاب ملتحمه و عامل ۲۱٪ مرگ ناشی از انواع سکته ها می باشد.

نتیجه گیری: همانطور که نتایج نشان داده اند آلودگی هوا تاثیر قابل توجهی بر روی پیشرفت بیماری های غیرواگیر دار به خصوص قلبی و عروقی و ریوی دارد. آلودگی هوا قابل کنترل است به همین سبب می توان از انواع مختلفی از عوارض جانبی آن پیشگیری کرد.

واژگان کلیدی: تاثیر، آلودگی هوا، بیماری های غیرواگیردار



بررسی تغییرات غلظت و تاثیر آلاینده pm2.5 بر تعداد مرگ و میر ناشی از بیماری حاد تنفسی

در کودکان زیر ۵ سال در شهر اهواز ۹۶-۱۳۹۰

محسن یزدانی^۱، غلامرضا گودرزی^۲، سیده صبا حیدری^۱، مریم ظهیری^۱

۱. گروه بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، ایران.

z.m.zahiri@gmail.com

۲. دانشیار مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات آلودگی هوا و بیماری های تنفسی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

زمینه و هدف: طبق برآوردهای سازمان بهداشت جهانی (WHO) سالانه هفت میلیون نفر جان خود را بر اثر آلودگی هوا از دست میدهند. آمار WHO نشان میدهد که در دنیا ۹ نفر از هر ۱۰ نفر هوای آلوده تنفس میکنند. کودکان در معرض تماس بیشتری با آلاینده های هوا نسبت به بزرگسالان هستند به همین دلیل آلودگی هوا یکی از تهدیدات اصلی بر سلامتی کودکان است. مطالعه حاضر با هدف کمی سازی و برآورد پیامدهای بهداشتی منتسب به آلاینده pm2.5 در هوای شهر اهواز بر کودکان زیر پنج سال از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ با استفاده از مدل AirQ+ انجام گرفت.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی - مقطعی ابتدا غلظت های ساعتی آلاینده pm2.5 از سازمان حفاظت محیط زیست دریافت گردید. در مرحله بعد داده ها توسط نرم افزار Excel (مجموعه دستورات تصحیح دما و فشار، میانگین گیری، کد نویسی) پردازش گردید. در نهایت داده های پردازش شده جهت برآورد تعداد مرگ و میر منتسب به آلاینده به مدل AirQ+ وارد شدند.

نتایج: نتایج نشان داد که بیشترین غلظت آلاینده مربوط به سال ۱۳۹۱ با مقدار ۷۶/۰۸ و کمترین غلظت آلاینده در سال ۱۳۹۶ با مقدار ۴۷/۵۳ میکروگرم بر مترمکعب بوده است. و میانگین غلظت ۷ ساله pm2.5 ۵۵/۸۶ میکروگرم بر مترمکعب تقریباً پنج برابر بیشتر از رهنمود سازمان جهانی بهداشت است. بیشترین تعداد مرگ و میر ناشی از بیماری های حاد تنفسی در کودکان زیر ۵ سال که به آلاینده pm2.5 نسبت داده شده ۱۰ نفر در سال ۱۳۹۱ و کمترین تعداد مرگ و میر ۶ نفر در سال ۱۳۹۴ میباشد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده میانگین غلظت آلاینده pm2.5 در طی هفت سال بیش از ۵ برابر رهنمودهای سازمان جهانی بهداشت بود، بنابراین منشایابی و کنترل این ذرات برای حفظ سلامتی کودکان که آینده ی کشور در گرو سلامتی این گروه است امری بسیار ضروری است.

واژگان کلیدی: آلودگی هوا، pm2.5، سلامت کودکان، اثرات بهداشتی، AirQ+



بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد آرایشگران نسبت به انتقال بیماری های ایدز و هپاتیت

شهرستان ساوه

ایاشار نظری،^۱سودابه خلجی

۱.مهندسی ارشد بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی ساوه Yashi_senfi@yahoo.com

۲.مهندس بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی ساوه، معاونت بهداشتی

زمینه و هدف: بیماری های خونی در آرایشگاه ها از طریق خراش های پوستی از فرد بیمار به فرد سالم انتقال می یابد و مهم ترین این بیماری ها ایدز و هپاتیت است. انتقال بیماری ها از طریق آرایشگاه ها امری جدی اما فراموش شده است. تا قبل از سال ۱۹۸۰ که ایدز شناخته شده نبود، بیشتر شپش و بیماری های مرتبط با آن از طریق آرایشگاه ها منتقل می شد اما از آن سال به بعد نقش آرایشگاه ها در انتقال بیماری های خطرناکی مانند ایدز و هپاتیت روشن شد. انتقال ویروس ایدز و هپاتیت از طریق بریدگی های جزئی هنگام آرایش مو و ناخن ها انجام می شود و چنانچه تیغ، سوهان، وسایل مانیکور و پدیکور، قیچی و ... آلوده به این ویروس ها باشد و این ویروس ها از طریق یک خراش پوستی به بدن فرد وارد شود، ایدز و هپاتیت جان فرد را تهدید خواهد کرد. هدف از این مطالعه بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد آرایشگران شهرستان ساوه نسبت به انتقال بیماری های ایدز و هپاتیت B می باشد.

روش کار: در این بررسی توصیفی-مقطعی در سال ۱۳۹۸ تعداد ۱۰۰ واحد از ۵۵۷ واحد کل آرایشگاه های زنانه شهرستان به صورت تصادفی مورد بررسی قرار گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات شامل دو بخش اطلاعات دموگرافیک و سؤالات مربوط به آگاهی در خصوص بیماری ایدز و هپاتیت بوده که پس از جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه و نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته ها: ۶۹ درصد از واحدهای مورد پژوهش، آگاهی خوبی نسبت به بیماری ایدز داشتند و ۵۲ درصد از افراد نیز از آگاهی خوبی نسبت به بیماری هپاتیت (ب) برخوردار بودند. میانگین سنی افراد مورد بررسی ۲۳ سال بود. این پژوهش مشخص نمود که داشتن سابقه شرکت در کلاس آموزشی و سن واحدهای پژوهش با آگاهی آنان در خصوص این دو بیماری رابطه معنی داری نشان نمیدهد. اما سطح تحصیلات، رابطه معنی داری را با آگاهی در خصوص بیماری ایدز نشان داد هر چند که در مورد بیماری هپاتیت این رابطه، معنی دار نبود.

نتیجه گیری: سطح آگاهی صنف مورد بررسی در مورد راههای پیشگیری و انتقال بیماری های ایدز و هپاتیت متوسط است. بنابراین، لازم است که کارکنان بهداشتی به مسئله آموزش توجه بیشتری کنند و با برگزاری کلاسهای بازآموزی و برنامه آموزش مداوم برای آرایشگران در مورد بیماریهای واگیردار سطح آگاهی، نگرش و رفتارهای بهداشتی را در این صنف ارتقا دهند.

واژگان کلیدی: ایدز، آرایشگاه زنانه، هپاتیت



Survey of Waste Management Status in Saveh-Zarandieh Hospitals

¹Yashar Nazari, ²Ali Akbar Heidari

1.MSc Environmental Engineering-Saveh School of Medical Sciences

Yashi_senfi@yahoo.com

2.Environmental Health Engineer - Saveh University of Medical Sciences-Health Deputy

Background and Aim: Hospital waste is one of the most challenging environmental issues that can lead to diseases and pollution if hospitals or manufacturers do not comply with these rules. Hospital waste contains a large amount of contagious-toxic and dangerous pathogens that pose a serious threat to public health. Not considering the management and control of hospital waste at all stages The purpose of this study was to determine the status and evaluation of waste management in hospitals of Saveh-Zarandieh city in 1398.

method :This is a descriptive cross-sectional study that was completed by questionnaires, interviews, observations and visits in 6 hospitals of Saveh University of Medical Sciences in 1398. Weight and production per capita of waste were determined and in addition production, separation, storage status. The construction, collection, treatment, transportation and disposal of hospital waste was evaluated.

findings:The total number of active beds in a total of 6 hospitals of 386 beds is reported to produce 1180 kg / day of waste thus the per capita waste generation is 3.05 kg / day and infectious waste of 10.64% of total waste. Make up. These hospitals lacked an environmental section and a waste management team, while all hospitals had a solid waste management operational plan. Sections were used to transport waste to the temporary storage site 66.6% of the wheeled trolley, 16.8% of the time manually and four wheel drive, 16.6% of the open van was used.

Conclusion:Infectious waste, its dangers, and how they are handled and disposed of should be taken into consideration more and more. Despite the fact that the waste management situation in the hospitals studied is somewhat appropriate, and of course, medical waste management is uncooperative. Various medical professionals cannot succeed.

Keywords: Medical waste, Hospital, Waste management



بررسی تصفیه شیرابه زباله سراوان در دو بیورآکتور هوازی و بی هوازی

ملیحه صالحی^۱، کامران تقوی^۲

۱. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان. salehimi@yahoo.com

۲. دکترای مهندسی بهداشت محیط دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان

مقدمه و هدف: یکی از مهمترین مشکلات موجود در محل دفن زباله اثرات نامطلوب شیرابه در محیط اطراف است. فرآیندهای تصفیه مورد استفاده برای شیرابه زباله اغلب شامل تلفیق و ترکیبی از تکنولوژی های مناسب می باشد. روش تصفیه بیولوژیکی برای تصفیه شیرابه شامل سه فرآیند هوازی، بی هوازی و انوکسیک می باشد که به طور گسترده ای برای حذف ترکیبات قابل تجزیه استفاده می شود. تعدادی از فرآیندهای بیولوژیکی علاوه بر قابلیت تصفیه، توانایی تحمل ترکیبات خطرناک مانند سیانیدها و حشره کش ها را نیز دارا هستند. برخی از ترکیبات آلی ویژه ممکن است به آسانی هم به وسیله میکروارگانیسم هوازی و هم بی هوازی تجزیه شوند.

روش کار: پس از انتقال نمونه به آزمایشگاه و اندازه گیری مشخصات شیرابه خام زباله سراوان رشت، آزمایش در دو رآکتور بی هوازی و هوازی انجام شد. آنالیزهای COD، BOD، TSS، در زمان ماند مختلف ۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۵ روز در هر دو رآکتور انجام شد.

نتایج: با توجه به مشاهده نقطه شکست متغیرها در نمودار ۲۱ و ۲۰ زمان ماند بهینه برای رآکتور بی هوازی ۲۰ روز و برای رآکتور هوازی ۱۰ روز به دست آمد.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه اخیر، رآکتور هوازی نسبت به رآکتور بی هوازی در زمان ماند خیلی پایین بیشترین راندمان حذف BOD، COD و TSS را داشت.

در روش تصفیه بی هوازی تجزیه مواد آلی کندتر از روشهای هوازی انجام می گیرد. باید به این نکته توجه داشت که فرآیندهای بی هوازی بدلیل درجه اکسیداسیون کمتر نسبت به فرآیندهای هوازی، معمولاً در تصفیه خانه های فاضلاب حالت پیش تصفیه دارند و جهت کاهش بار آلودگی بیشتر تا محدوده استاندارد، پس از آنها از رآکتورهای هوازی استفاده می شود.

واژگان کلیدی: شیرابه، رآکتور، هوازی، بی هوازی



بررسی وضعیت بهداشت محیط مدارس شهرستان ساوه و نحوه ارتقا آن در سال ۱۳۹۸

مهندس یاشار نظری^۱، صفورا نوروژی^۲، زلیخا سلیمی^۳

۱. مهندس ارشد بهداشت محیط-دانشکده علوم پزشکی ساوه yashi_senfi@yahoo.com

۲. مهندس بهداشت محیط- دانشکده علوم پزشکی ساوه-معاونت بهداشتی

۳. مهندس بهداشت محیط- دانشکده علوم پزشکی ساوه-معاونت بهداشتی

مقدمه و هدف: مدرسه به عنوان مکانی مطمئن در پرورش دانش آموزان نقش بسیار مهمی را ایفا می کند در صورتی که اصول بهداشت در مدارس رعایت نشود ممکن است دانش آموزان به انواع بیماری های مختلف مبتلا شوند با توجه به اهمیت این موضوع، مطالعه حاضر با هدف تعیین وضعیت بهداشت محیط مدارس شهرستان ساوه و نحوه ارتقا آن انجام شد.

روش کار: این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی (مقطعی) در ۱۰۰ مدرسه در مقاطع مختلف شهرستان ساوه به صورت سرشماری در شهر و روستا انجام گرفت که داده ها توسط چک لیست محقق ساخته بر اساس آیین نامه بهداشت محیط مدارس وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی کشور با مراجعه به مدارس مورد بررسی و مصاحبه با مسولان مدارس و مشاهده مستقیم توسط پژوهشگر تکمیل گردیده و سپس داده های جمع آوری شده توسط نرم افزار Excel و SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نتایج: یافته های بررسی نشان می دهد که ۸۶٫۹ درصد از مدارس شهری و ۱۳٫۱ درصد روستایی بوده اند. و از نظر وضعیت ساختمان مدارس بر اساس قدمت ساخت کمتر از ۲۵ سال ۴۷٫۷ درصد بین ۲۵-۴۰ سال ۱۸٫۸ و بیشتر از ۴۰ سال ۲۷٫۷ درصد داشته اند. وضعیت جمع آوری زباله در ۸۳٫۵ درصد از این مدارس مطلوب بود. وضعیت آب آشامیدنی ۹۵٫۳ درصد مدارس شهری مطلوب ولی در مدارس روستایی ۷۴٫۹ درصد شرایط مطلوب داشتند. ۱۰۰٪ مدارس دارای آب لوله کشی بهداشتی بودند. در ۸۹ درصد مدارس آبخوری در فاصله مناسب نسبت به سرویس های بهداشتی قرار داشت و در تمام مدارس ارتفاع آبخوری متناسب با سن دانش آموز بود. ۹۷٫۸ درصد مدارس دارای رنگ آمیزی مناسب بوده ۹۵٫۸ درصد دارای دفع بهداشتی فاضلاب، ۸۳٫۵ درصد دارای زباله دان بهداشتی، ۸۴٫۵٪ دارای صابون مایع، ۹۰٪ دارای توالت بهداشتی بودند. آغذیه موجود در بوفه طبق ضوابط بهداشتی ۳۲ درصد و متصدی بوفه ۳۶ درصد دارای کارت بهداشت بودند. در کل نتایج آماری اختلاف معنی داری ($P < 0.05$) بین بهداشت محیط در مدارس قدیمی و نوساز نشان داد ولی نتایج معنی داری بین وضعیت بهداشت محیط مدارس دخترانه و پسرانه و دو شیفت و مختلط مشاهده نشد. همچنین مدارس شهری در مقایسه با مدارس روستایی شهرستان ساوه دارای وضعیت بهداشت محیط مناسب تری بودند ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: با توجه به نتایج تحقیق لازم است در بخش نظارت و نوسازی، تجهیز و توسعه مدارس شهرستان ساوه نیاز به بازنگری و مدیریت دقیق تری در خصوص بهداشت محیط در مدارس صورت گیرد.

واژگان کلیدی: بهداشت محیط، بهداشت مدارس، آیین نامه بهداشت



Airborne Particulate Matter Density in Traditional Bakeries of Saveh, Central of Iran, in 2020

Edris Hoseinzadeh¹, Mehrzad Ghorbani², Mahdi Safari², Najmeh Ebrahimi¹

1. Student Research Committee, Saveh University of Medical Sciences, Saveh, Iran.

Najmeebrahimi7474@gmail.com

2. Department of Statistics, College of Basic Sciences, Yadegar-e-Imam Khomeini (RAH) Shahr-e-Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Background: High concentration of inhalable airborne particles can increase the risk of lung disease in exposed people. This study aimed to determine the respirable particulate matter (PM₅) concentration in traditional bakeries of Saveh in 2020.

Material and Methods: This cross-sectional descriptive study was conducted among 25 bakeries where the samples were collected by cyclone and teflon filter equipped by air sampling pump. Later, the respirable particulate matter concentration was measured using gravimetric method. The collected PM₅ was scanned using a FTIR (Fourier-transform infrared spectroscopy) with regard to flour dust. In addition, size and shape of the collected PM₅ were analyzed using a scanning electron microscope (SEM).

Results: Findings showed that the Lavash bakery had the highest PM₅ concentration (9.15 mg/m³) in comparison with two other bakeries (Sangak and Barbari). However, an inverse relationship was observed between RH and particle concentration. In addition, the results demonstrated that increasing RH decreased the particle concentration, but the relationship was not significant ($P = 0.052$, Spearman's rho = -0.393). Furthermore, Lavash bakery had the lowest average size of PM₅ ($0.63 \pm 0.32 \mu\text{m}$). However, the FTIR scans confirmed that the flour dust had the predominant amount of PM₅.

Conclusion: Based on the findings, the density of respirable PM₅ has a high level in Saveh bakeries and workers are exposed to high levels of PM.

Keywords: Respirable Particulate Matter, Bakery, Indoor Air, Saveh City



بررسی وضعیت رعایت پروتکل های بهداشتی مرتبط با بیماری کووید ۱۹ در جایگاه های سوخت شهرستان دشتستان

سیده فاطمه حسینی^۱، طیبه سبحانی^۲، سید محمود مهدیان^۳، زینب ارجمندی^۴، ندا صدوقی^۶
مهرداد ظاهری^۶

۱. کارشناس مهندسی بهداشت محیط، شبکه بهداشت و درمان دشتستان seyedfatemehh@yahoo.com
۲. کارشناس مهندسی بهداشت محیط، شبکه بهداشت و درمان دشتستان
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز
۴ و ۵. کارشناس مهندسی بهداشت محیط، شبکه بهداشت و درمان دشتستان
۶. کارشناس مهندسی بهداشت حرفه ای، شبکه بهداشت و درمان دشتستان

زمینه و هدف: شناسایی راههای انتقال عامل ایجادکننده بیماری نقش مهمی در کنترل آن دارد. راههای انتقال ویروس کرونا هنوز به طور دقیق مشخص نشده است ولی به عنوان یک اصل کلی ویروسهای تنفسی به طور عمده از طریق ریز قطرات یا از طریق سرفه یا عطسه و یا لمس اشیاء آلوده منتقل میگردند. این ویروس میتواند در فاصله ۱ تا ۲ متری از طریق سرفه یا عطسه منتقل شود. راه دیگر انتقال، تماس دستها با محیط و سطوح آلوده به ویروس مانند تجهیزات، دستگیره درها، میز و صندلی، شیرآلات، نرده پله ها، پریز و کلیدهای برق و کلیه وسایلی که به طور عمومی و مشترک استفاده میشود (اسکناس، اسناد و مدارک دست به دست شده) با توجه به ورود بیماری کووید ۱۹ در کشور طبق اعلام وزارت بهداشت، یکی از عوامل انتقال ویروس و سرایت بیماری از طریق نازل های جایگاه های بنزین است لذا رعایت موارد مرتبط با کنترل بیماری در جایگاههای سوخت از اهمیتی زیادی برخوردار است و نظارت مستمر بر وضعیت رعایت پروتکل های بهداشتی در این مکانها از ابتدا در دستور کار بازرسان بهداشتی قرار گرفته است. این مطالعه با هدف بررسی وضعیت رعایت پروتکلها ی بهداشتی در جایگاههای سوخت انجام گرفته است.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی مقطعی، از تعداد ۲۱ جایگاه سوخت فعال در سطح شهرستان دشتستان در طول ۶ ماه ۲۸۵ بازدید در ساعات مختلف شبانه روز انجام و با استفاده از نرم افزار اکسل اطلاعات استخراج و ارزیابی گردید.

نتایج: مطابق نتایج به دست آمده، بیش از ۹۰٪ شاغلین از نظر علائم بیماری کرونا توسط کارفرما بصورت مستمر غربالگری شده اند، ۶۵٪ شاغلین در محل کار از وسایل حفاظت فردی مناسب استفاده کرده اند، در ۷۵٪ موارد عملیات سوختگیری توسط متصدی جایگاه صورت می گیرد و یا دستکش یکبار مصرف به تعداد کافی در کنار هر نازل جهت انجام عملیات سوختگیری توسط راننده خودرو نصب شده است. ۷۰٪ موارد نظافت و گندزدایی سطوح و سرویس بهداشتی بطور مستمر انجام می گیرد. همچنین ۶۵٪ جایگاهها پرداخت هزینه سوخت بصورت الکترونیک و با استفاده از کارت صورت می گیرد



نتیجه گیری : در مجموع با توجه به وضعیت بیماری در شهرستان و لزوم رعایت کامل پروتکل های بهداشتی در جایگاههای سوخت ، نظارت مستمر ، آموزش ، اخطار و معرفی جایگاههای سوختی که رعایت موارد بهداشتی را نمی نمایند به مراجع قضایی ، میتواند در بهبود شاخصها تاثیر گذار باشد .

واژگان کلیدی : کووید ۱۹ ، جایگاههای سوخت ، پروتکل های بهداشتی



بررسی کمیت و کیفیت پسماندهای تولیدی شهرک صنعتی خیام نیشابور در سال ۱۳۹۷

سیما ضماند^۱، حسین علیدادی^۲، وحید تقوی منش^۳

۱. کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲. دانشیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳. وحید تقوی منش، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران Vahid.taghavi18@gmail.com

زمینه و هدف: شدت آلودگی های محیطی حاصل از پسماند در شهرک های صنعتی به حدی است که توجه منابع علمی و اجرایی جهان را نسبت به بررسی دقیق این مواد جلب کرده است. هدف از این مطالعه بررسی کمیت و کیفیت پسماندهای تولیدی شهرک صنعتی خیام نیشابور در سال ۱۳۹۷ می باشد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی مقطعی می باشد که در شهرک صنعتی خیام نیشابور انجام شد. جهت بررسی کمیت و کیفیت پسماندهای تولیدی، پرسشنامه طراحی شده توسط سازمان حفاظت محیط زیست ایران، برای تمام واحدهای فعال تکمیل شد. در پایان داده ها وارد نرم افزار Excel و SPSS18 شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: کل پسماندهای صنعتی تولیدی در شهرک صنعتی خیام ۳۵۵۵ تن در سال بدست آمد، بیشترین گروه حاضر در شهرک صنعتی خیام گروه صنایع غذایی بوده که ۴۳/۹ درصد کل را شامل می شود. پلاستیک با ۲۴/۳ درصد بیشترین پسماند تولیدی واحدهای صنعتی را شامل می شود. سرانه پسماند تولیدی در شهرک صنعتی خیام به ازای هر کارگر ۲۱۷۷/۹ گرم در روز بود.

نتیجه گیری: با توجه به میزان زیاد پسماندهای تولیدی می توان با بهره گیری از دانش متخصصان، در جهت کاهش میزان پسماندهای تولیدی، کاهش خطرات ناشی از این پسماندها و استفاده بهینه از این میزان پسماند اقدام کرد. با توجه به نتایج فوق جهت جلوگیری از آلودگی محیط زیست، برقراری یک سیستم مدیریت مناسب جهت ساماندهی و شناخت پسماندهای صنعتی امری واجب می باشد.

واژگان کلیدی: کمیت، کیفیت، شهرک صنعتی خیام، نیشابور



بررسی استراتژی های راهبردی مدیریت زیست محیطی پسماندهای شهر تایباد با استفاده از مدل SWOT و تشکیل ماتریس QSPM در سال ۱۳۹۷

سیما ضماند^۱، حسین علیدادی^۲، ابوالفضل نعیم آبادی^۳، وحید تقوی منش^۴

۱. کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲. دانشیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳. استادیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران

۴. وحید تقوی منش، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران Vahid.taghavi18@gmail.com

زمینه و هدف: رشد روزافزون جمعیت، صنعتی شدن، مصرف گرایی و افزایش تولید پسماند، متخصصان دنیا را مجاب کرده که موضوع مدیریت پسماند را جزو اولویت های اصلی برنامه های خود قرار دهند. مطالعه حاضر با هدف ارزیابی استراتژی های راهبردی مدیریت زیست محیطی پسماندهای شهر تایباد انجام گردید.

مواد و روش ها: مطالعه توصیفی- مقطعی فوق در سال ۱۳۹۷ در شهر تایباد بررسی شد. این مطالعه با استفاده از مدل SWOT (تحلیل نقاط قوت- ضعف- تهدید- فرصت) انجام گردید که امروزه به عنوان ابزار نوین برای تحلیل عملکردها مورد استفاده قرار می گیرد. به این منظور ابتدا نسبت به شناسایی عوامل درونی و بیرونی تأثیرگذار بر مدیریت پسماندهای شهر تایباد اقدام و در مرحله بعد به تجزیه و تحلیل و تدوین راهبرد مورد نظر با استفاده از ماتریس QSPM پرداخته شد. تمام تجزیه و تحلیل ها با استفاده از نرم افزار SPSS 18 انجام شد.

نتایج: مطابق نتایج حاصل از مطالعه، میانگین نمره نهایی ماتریس عوامل داخلی و خارجی به ترتیب ۲/۲۴ و ۲/۸۲ بدست آمد. این موضوع نشان می دهد مدیریت پسماند های شهرستان تایباد در بعد عوامل داخلی ضعیف عمل کرده است در حالی که در خصوص استفاده از فرصت ها و مقابله با تهدیدها و از بعد عوامل خارجی عملکرد قابل قبولی دارد.

نتیجه گیری: استراتژی های مورد بررسی در ارتباط با مدیریت پسماندهای شهر تایباد نشان داد، اجرایی کردن قوانین مدیریت پسماند، توسعه برنامه های تفکیک از مبدأ، آموزش مردم و توسعه صنایع بازیافت شهرستان به عنوان راهبردهای مناسبتر مدیریت پسماند مشخص گردیدند.

واژگان کلیدی: مدیریت زیست محیطی، پسماند، تایباد، SWOT، QSPM



طراحی اتاقک های ضد عفونی در سیستم بازیافت پسماند خانگی مبتنی بر اصول پیشگیرانه شیوع کووید ۱۹، یک مطالعه مروری

ضحی حیدری نژاد^۱، سمیه حسینوندتبار^۲

۱. کارشناسی ارشد، رشته بهداشت محیط، مرکز تحقیقات سلامت مواد غذایی، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران hoseinvandtabar72@gmail.com

زمینه و هدف: میزان تولید سالانه پسماندهای خانگی در مناطق شهری ۱/۳ میلیون تن در سال تخمین زده شد و پیش بینی می شود که تا پایان سال ۲۰۲۵ این میزان دو برابر خواهد شد. هدف از این مطالعه طراحی اتاقک های ضد عفونی در سیستم بازیافت پسماند خانگی مبتنی بر اصول پیشگیرانه شیوع کووید ۱۹ بود.

مواد و روش ها: این مطالعه به روش مروری بر روی مطالعات انجام شده در رابطه با سیستم های بازیافت پسماندهای خانگی و شیوع بیماری کرونا از پایگاه های اطلاعاتی PubMed، Google Scholar، Scopus، Science Direct و Embase صورت گرفت و معیار ورود اطلاعات، مقالات مرتبط با موضوع و حاوی کلمات کلیدی کرونا ویروس (Coronavirus)، پسماند (Waste) و ضد عفونی (Disinfection) بود.

نتایج: مطالعات انجام شده نشان داد که ۸۷٪ تجهیزات محافظتی با زباله های خانگی مخلوط می شوند، که ممکن است به شیوع ویروس کمک کنند و با توجه به اینکه موج شیوع ویروس در مرحله ی (ابتدایی یا پیشرفته) قرار داشت، افراد رفتارهای بهداشتی متفاوتی از خود نشان می دادند. انجام رفتارهای بهداشتی مانند استفاده از ماسک و دستکش در مراحل ابتدایی کم بود و با شدت گرفتن و رفتن به وضعیت هشدار و خطر، رعایت این اصول افزایش می یافت.

نتیجه گیری: بنابراین پیشنهاد می گردد اتاقک های ضد عفونی حاوی حرارت، H₂O₂، O₃ و UV و اتاقک های حاوی گاز کلر مایع، هیپوکلریت و دی اکسید کلر جهت پردازش پسماند و غیرفعال سازی ویروس در تاسیسات بازیافت پسماند تعبیه گردد.

واژگان کلیدی: سلامت، کرونا ویروس، بازیافت، پسماند خانگی، اتاقک ضد عفونی



بررسی تاثیر نزدیکی محل سکونت به منابع آلاینده (صنایع و جاده‌های پر ترافیک) بر روی وزن کم نوزادان (LBW) در زمان تولد در شهر بندرعباس در سال ۱۳۹۸

سمیه حسینیونندتبار^۱، حمیدرضا غفاری^۲، امین قنبرنژاد^۳، آمنه بحرینی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

۲. گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

۳. گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران Amin.ghanbarnejad@gmail.com

زمینه و هدف: آلودگی هوا به عنوان یکی از عوامل زایمان زودرس، سقط جنین، وزن کم نوزاد هنگام تولد (LBW) و مرگ و میر نوزادان شناخته می شود. با توجه به اهمیت حفظ سلامتی مادران باردار و نوزادان، هدف این مطالعه بررسی تاثیر نزدیکی محل سکونت به منابع آلاینده (صنایع و جاده‌های پرترافیک) بر روی وزن کم نوزادان (LBW) در زمان تولد می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه مورد- شاهدی در بیمارستان صاحب الزمان شهر بندرعباس انجام شد. گروه مورد تمام نوزادان با وزن کم در بدو تولد در سال ۱۳۹۸ (تعداد ۹۶ مورد) بودند و گروه شاهد ۱۰۳ نوزاد با وزن نرمال بودند که به صورت تصادفی انتخاب شدند. متغیرهای مورد مقایسه در دو گروه مورد و شاهد شامل سن و تحصیلات مادر، نوع زایمان، نسبت خویشاوندی والدین، جنسیت نوزاد، قد نوزاد، دور سر نوزاد و آلودگی منطقه بود. آلودگی منطقه بر اساس آدرس دقیق محل سکونت و نزدیکی به منابع آلاینده به سه دسته آلودگی با شدت کم، متوسط و زیاد تقسیم بندی شد. جهت توصیف داده ها از فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و جهت تحلیل داده‌ها از آزمون های کای دو و تی مستقل استفاده گردید.

نتایج: با توجه به تقسیم بندی مناطق، ۸۱/۲ درصد از افراد گروه مورد و ۶۸/۹ درصد از افراد گروه شاهد در مناطقی با شدت آلودگی متوسط و زیاد قرار داشتند ($P\text{-value} < 0/05$). همچنین نتایج حاصل از مطالعه نشان داد که سن بالای مادر، زایمان سزارین، نمره آپگار پایین، قد نوزاد، اندازه دور سر نوزاد و آلودگی منطقه محل زندگی والدین در دو گروه مورد و شاهد تفاوت معناداری داشت ($P\text{-value} < 0/05$).

نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعه حاضر در خصوص رابطه بین آلودگی هوا و تولد نوزاد زودرس یا با وزن کم هنگام تولد، به زنان باردار توصیه می شود در طول دوران بارداری، به ویژه در مراحل اولیه و اواخر بارداری، تا حد امکان از رفت و آمد و سکونت در محل های پر ترافیک با آلودگی هوای زیاد خودداری کنند.

واژگان کلیدی: سلامت، نوزاد، وزن کم، آلودگی هوا، بندرعباس



تعیین غلظت فلزات سنگین در پیاز مصرفی شهرستان میناب و ارزیابی خطر سلامت

آمنه بحرینی^۱، بدالله فخری^۲، سمیه حسینوند تبار^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

۲. دکتری بهداشت محیط، رشته بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان Ya.fakhri@gmil.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

زمینه و هدف: انتخاب رژیم غذایی مناسب نقش مهمی در حفظ سلامتی انسان ایفا می کند. با توجه به مصرف بالای پیاز در رژیم غذایی انسان ها، هدف از مطالعه حاضر اندازه گیری غلظت سرب (Pb) و کادمیوم (Cd) در غده پیاز مصرفی در شهرستان میناب و تخمین خطر سلامت انجام شد.

مواد و روش ها: ۴۵ نمونه پیاز (منطقه هشت بندی ۲۵ و منطقه راوانگ ۲۰) از مزارع در طول فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۹۴ جمع اوری شد. سپس غلظت فلزات سنگین توسط طیف سنج جذب اتمی شعله سنجش شد. همچنین خطر غیر سرطان زایی در مردان و زنان در همه گروه های سنی مصرف کنندگان با استفاده از روش شبیه سازی مونت کارلو برآورد شد.

نتایج: میانگین غلظت سرب در پیازها از مناطق هشبندی و راوانگ به ترتیب $0/0011 \pm 0/0052$ و $0/0061 \pm 0/0022$ میلیگرم بر کیلوگرم و برای کادمیوم به ترتیب $0/0024 \pm 0/0095$ و $0/0035 \pm 0/0011$ میلیگرم بر کیلوگرم بود.

نتیجه گیری: میانگین غلظت سرب و کادمیوم در پیاز در هر دو منطقه کمتر از استاندارد ملی ایران (لامپ پیاز: سرب ۰/۱ میلی گرم در کیلوگرم، کادمیوم = ۰/۰۵ میلی گرم در کیلوگرم) و سازمان بهداشت جهانی (سرب: ۰/۳ میلیگرم بر کیلوگرم، کادمیوم: ۰/۱ میلیگرم بر کیلوگرم) بود. علاوه بر این سهم خطر غیر سرطان زایی کمتر از ۱ بود که نشان داد جمعیت مصرف کننده در معرض خطر قابل توجه سلامت نیستند.

واژگان کلیدی: سلامت، فلزات سنگین، پیاز، ارزیابی خطر، میناب.



کارایی کربن فعال اصلاح شده با محلول کلرید آمونیم در حذف فلز سنگین جیوه (II) از محلول های آبی

ابوالفضل رحمانی ثانی^۱، محمد حسن کوثری^۲، مژگان چشمه نوشی^۲، حمیرا علی خواجه^۳

ربابه وحیدی کلور^۴

۱. دانشیار گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار

۳. دانشجوی کارشناسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار

۴. گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت rvahidikolur@yahoo.com

زمینه و هدف: جیوه از جمله فلزات سنگین بوده که به دلیل اثر منفی بر موجودات زنده و محیط زیست بایستی قبل از تخلیه به محیط، از فاضلاب حذف گردد. هدف از این مطالعه، بررسی کارایی کربن فعال اصلاح شده با کلرید آمونیوم در حذف جیوه (II) از محلول های آبی آلوده می باشد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک پژوهش بنیادی-کاربردی بود که در مقیاس آزمایشگاهی انجام شده است. در این مطالعه اثر تغییرات pH، زمان تماس، مقدار ماده جاذب و غلظت اولیه جیوه بر کارایی حذف مورد بررسی قرار گرفت و نتایج توسط نرم افزار Excel تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: نتایج حاصل از آزمایشات نشان داد بهترین راندمان حذف جیوه از محلول های آبی توسط کربن های فعال اصلاح شده با کلرید آمونیوم در $pH = 6/3$ ، غلظت جاذب $0/02$ گرم بر لیتر، زمان تماس ۳۰ دقیقه و غلظت جیوه ۲۵ میلی گرم بر لیتر بدست آمد. نتایج نشان می دهند که سینتیک فرایند جذب از مدل سینتیک شبه درجه دو و داده های تعادلی از مدل ایزوترمی لانگمیر پیروی می کنند.

نتیجه گیری: در مجموع نتایج حاصل از انجام آزمایشات مشخص ساخت که کربن فعال اصلاح شده با کلرید آمونیوم به عنوان یک جاذب سریع و موثر در حذف جیوه از محلول های آبی آلوده می باشد.

واژگان کلیدی: کربن فعال، جذب سطحی، جیوه، ایزوترم



بررسی مقایسه ای کارایی کربن فعال تهیه شده از چوب چنار و پسته اصلاح شده با کلرید آمونیوم در حذف سفیکسیم از محلول های آبی

ابوالفضل رحمانی ثانی^۱، ربابه وحیدی کلور^۲، سجاد ترابی سلامی^۳، احمد اله آبادی^۴، محمد حسن کوثری^۵

۱. دانشیار گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار
 ۲. گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت
 ۳. دانشجوی کارشناسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار
 ۴. استادیار گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار
 ۵. دانشجوی کارشناسی ارشد بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار
- mohammadhasan.kowsari@yahoo.com

زمینه و هدف: آنتی بیوتیک ها جزء مواد آلی سنتتیک می باشند که به روش تجزیه زیستی تصفیه نمی شوند و نیاز به تصفیه پیشرفته از جمله روش جذب سطحی دارند و یکی از بهترین جاذب ها کربن فعال می باشد. هدف از این مطالعه بررسی حذف سفیکسیم از محلول های آبی با کربن فعال تولیدی از چوب درخت چنار و پسته اصلاح شده با کلرید آمونیوم می باشد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک پژوهش تجربی در مقیاس آزمایشگاهی بود. تمامی آزمایشات جذب سفیکسیم با کربن فعال تولیدی در راکتور ناپیوسته و در ارلن های با حجم ۱۰۰ میلی لیتری و حاوی ۵۰ میلی لیتر از غلظت های مشخص سفیکسیم و جاذب انجام شد. pH، زمان تماس و درجه حرارت های مختلف بررسی شد. نمونه ها توسط یک فیلتر استات سلولز ۰/۰۴ میکرومتر صاف می شد. میزان سفیکسیم باقیمانده توسط اسپکتروفتومتر UV در طول موج ۲۸۵ نانومتر تعیین شد و نتایج توسط نرم افزار Excel تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: نتایج حاصل از آزمایشات نشان داد بهترین راندمان حذف سفیکسیم از محلول های آبی با کربن فعال تولیدی در $pH = 4$ ، غلظت جاذب ۰/۰۴ گرم بر لیتر، زمان تماس ۲۰ دقیقه و دمای ۳۰ درجه سانتی گراد صورت گرفت. کربن تولیدی توانست ۱۰۰ درصد سفیکسیم در غلظت ۵۰ میلی گرم در لیتر را حذف کند. با افزایش غلظت اولیه سفیکسیم از ۱۰۰ به ۶۰۰ میلی گرم بر لیتر، کارایی حذف با کربن فعال تولیدی از چنار و پسته به ترتیب از ۱۰۰٪ به ۶۵٪ و ۴۳٪ کاهش می یابد. همچنین داده های تجربی تعادل جذب با مدل های ایزوترم جذب فروندلیخ و لانگمیر مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می دهند که سینتیک فرایند جذب از مدل سینتیک شبه درجه دو و داده های تعادلی از مدل ایزوترمی لانگمیر پیروی می کنند.

نتیجه گیری: در مجموع نتایج حاصل از انجام آزمایشات مشخص ساخت که می توان از کربن فعال تولیدی از چوب درخت چنار و پسته اصلاح شده با کلرید آمونیوم به عنوان یک جاذب موثر و ارزان در جهت حذف سفیکسیم از محلول های آبی استفاده کرد.

واژگان کلیدی: کربن فعال، جذب سطحی، سفیکسیم



بررسی شاخص های بهداشت محیط و ایمنی مدارس شهرستان مراغه در سال ۱۳۹۷

مقصود امیر پور^۱، راضیه رضائی^۲، فرهاد غیوردوست^۳

۱. دانشجوی دکترای مهندسی محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
۲. دانشجوی دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دانشکده بهداشت و ایمنی
۳. کارشناس ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران ghayurdoostfarhad@yahoo.com

زمینه و هدف: مدرسه یکی از دوران های مهم زندگی دانش آموزان در شکل گیری و رشد توان جسمی و روحی-روانی آن هاست که مرتبط با مسائل بهداشت محیط از جمله وضعیت کمی، کیفی، تسهیلات بهداشتی است و بر روی سلامت دانش آموزان اثرات مثبت یا منفی می گذارد. لذا هدف از این مطالعه بررسی شاخص های بهداشت محیط همه مدارس شهرستان مراغه بوده است.

مواد و روش ها: این پژوهش از نوع توصیفی- مقطعی است که در سال ۹۷ انجام یافت. مدارس این شهرستان در تمام مقاطع اعم از شهری و روستایی به صورت سرشماری بررسی شدند. چک لیست بر اساس آئین نامه بهداشت محیط مدارس تهیه گردید و با مراجعه به مدارس از طریق بازدید، مشاهده و مصاحبه با مسئولین و مدیران مربوطه تکمیل شد. اطلاعات بدست آمده با استفاده از نرم افزار Excel-2010 تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: نتایج این مطالعه نشان داد بیش از ۹۰ درصد آبخوری ها، دستشویی ها، توالت ها و کلاس های مورد مطالعه دارای وضعیت بهداشتی بودند. سایر شاخص های مرتبط با بهداشت محیط از جمله بهداشتی بودن آب، وضعیت حفاظت و ایمنی، دفع فضلاب، جمع آوری و دفع زباله در حد مطلوبی قرار داشتند. این در حالی است که تنها ۴۸ درصد بوفه های مدارس شهری مراغه دارای شرایط بهداشتی بودند.

نتیجه گیری: بنظر می رسد شاخص های بهداشت محیط مدارس مطالعه شده بصورت نسبی در حد مطلوبی بوده است، اما ۵۲ درصد بوفه های مدارس شهری از لحاظ بهداشتی مناسب نبودند. با توجه به اینکه میان وعده های دانش آموزان در مدارس از بوفه ها تأمین می شود، بایستی نسبت به بهبود وضعیت بوفه های بهداشتی از طریق همکاری بین وزارت آموزش و پرورش و وزارت بهداشت اقدام گردد.

واژگان کلیدی: بهداشت محیط، مدارس، ایمنی، مراغه





اپیدمیولوژی



عوامل مرتبط با پذیرش بیمارستانی در مبتلایان به کووید-۹۱ در جمعیت تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی مشهد

آسیه کتوک^۱، علی تقی پور^۲، احسان موسی فرخانی^۳، منور افضل آقائی^۴، حسین تیره^۵

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
۲. دانشیار اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
۳. دانشیار پزشکی اجتماعی، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
۴. دانشجوی دکترای تخصصی اپیدمیولوژی، مرکز بهداشت استان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
۵. کارشناس ارشد آمار زیستی، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

مقدمه: کووید-۹۱ ناشی از یک کروناویروس نوظهور، SARS-CoV2، -با منشا خفاش است که قبلاً در انسان گزارش نشده است. سازمان بهداشت جهانی، کووید-۹۱ را در دسته "بیماری های قابل هشدار بین المللی در سطح بهداشت عمومی" قرار داد. با توجه به اینکه عوامل متعددی در ابتلای افراد به این بیماری دخیل هستند، این مطالعه با هدف تعیین عوامل مرتبط با پذیرش بیمارستانی در مبتلایان به کووید-۹۱ انجام شده است.

مواد و روش ها: مطالعه از نوع مقطعی انجام شده است. نمونه مورد مطالعه شامل افراد مراجعه کننده به مراکز بهداشتی، مراکز ۹۱ ساعته و آزمایشگاههای بیمارستان در بازه زمانی یکم اسفند تا یکم مهر می باشد. متغیرهای مورد بررسی شامل جنس، سن، علائم بالینی، تحصیلات، تاهل، بیماری زمینه ای و بستری شدن می باشد. داده ها از سامانه سینا دانشگاه استخراج گردید و در نرم افزار (SPSS ۲۴) وارد و برای آنالیز از آزمون های آماری کای دو و رگرسیون لجستیک استفاده گردید.

نتایج: تعداد بیماران مورد مطالعه ۳۱۵۹۷ نفر بودند که از این تعداد ۴۵٫۵ درصد مرد بودند. ۲۰ درصد سن بالای ۱۱ سال و ۷۳ درصد افراد نیز دارای علائم های ریسک بودند. از تعداد کل بیماران ۵۳۴۷ درصد در بیمارستان بستری شدند. شانس بستری در بیمارستان در افراد متاهل 9411 برابر افراد مجرد و در افراد بالای ۱۱ سال ۹۴۹۷ برابر افراد کمتر از 21 سال بود. در افراد بیسواد شانس بستری ۹۴۹۷ برابر افراد لیسانس و بالاتر بود. شانس بستری در افراد دارای تنگی نفس ۹۱٪ افراد دارای علائم سرفه ۳٪ بیشتر از سایرین بود. بیمارانی که حس چشایی خود را از دست داده بودند ۹۱ درصد و بیمارانی که در ۹۰ روز گذشته با بیمار کرونایی ارتباط داشتند ۹۷ درصد شانس بستری شدن بیشتری داشتند.

نتیجه گیری: با توجه به افزایش موارد پذیرش در افراد بالای ۱۱ سال، افراد با ریسک بالا و کم سواد به نظر می رسد آموزش این گروه از افراد می تواند در کنترل پذیرش بیمارستانی موثر باشد.



بررسی اپیدمیولوژیک ، بالینی و پاراکلینیکی افراد مبتلا به کووید ۱۹ در شهرستان هرسین استان کرمانشاه در شش ماهه اول سال ۱۳۹۹

یاسمن شفاپی^۱، فرحناز شکارچی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران
Yasaman.shafaie@yahoo.com
۲. کارشناس ارشد عمران محیط زیست، عضو گروه مدیریت شبکه دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، ایران

زمینه و هدف: کووید ۱۹ از وهان چین، در دسامبر سال ۲۰۱۹ ظرف سه ماه به تعداد زیادی از کشورها گسترش پیدا کرده است. در خصوص بیماری کووید ۱۹ یا کرونا ویروس ۲۰۱۹، تا ۱۵ مهر سال ۱۳۹۹ حدود ۳۵۷۰۳۸۳۶ مبتلا، ۲۶۸۷۵۱۸۲ بهبود یافته و ۱۰۴۵۹۵۵ مورد فوت گزارش شده است.

مواد و روش ها: در این مطالعه که از نوع توصیفی - همبستگی (Correlational-discriptive) است، کلیه افراد مبتلا که در شش ماهه اول سال ۱۳۹۹ از آنها نمونه PCR گرفته شده و اطلاعات آنها در مرکز بهداشت شهرستان هرسین موجود می باشد، وارد مطالعه گردیدند و پس از ورود به نرم افزار (SPSS ورژن ۲۱)؛ با استفاده از آزمون های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: تعداد کل جمعیت شهرستان هرسین ۷۴۰۰۰ نفر می باشد. ۴۲۷ نفر (۱۹ درصد) از این جمعیت دارای علائم ابتلا به کووید ۱۹ بوده اند که از آنها نمونه PCR گرفته شد. از این تعداد ۸۶۰ نفر (۶۰/۲ درصد) مرد و تعداد ۵۶۷ (۳۹/۸ درصد) زن بودند. میانگین سن مبتلایان تشخیص داده شده ۴۸ سال و فراوان ترین گروه سنی ۶۵-۳۷ سال با ۴۲٪ بوده است.

شایع ترین راه انتقال، تماس با افراد مبتلا و وسایل آلوده به ویروس به ترتیب ۹۹/۱ درصد و ۷۹/۷۱ درصد بوده است. بیشترین علائم بالینی مشاهده شده به ترتیب تب و لرز ۸۹/۸ درصد، سرفه ۸۱/۸ تنگی نفس ۶۹/۵ درصد، گلودرد ۶۶/۶ درصد، درد و کوفتگی ۵۲/۴ درصد و تهوع ۲۶/۷ درصد بوده است.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه بیماری کووید ۱۹ دارای علائم و عوارض مشترک، یافته های آزمایشگاهی و ویژگی های CT مشخصی می باشد لذا می تواند به پرسنل پزشکی کمک کند تا بیماران را بهتر مدیریت کنند، که در حد امکان از ایجاد شرایط شدید یا مرگ جلوگیری بعمل آید.

واژگان کلیدی: کووید ۱۹، اپیدمیولوژی، بالینی، پاراکلینیکی، هرسین، کرمانشاه



بررسی کاهش خطر بیماری های قلبی و عروقی یک سال پس از اجرای برنامه ایران در افراد مراجعه کننده به مراکز بهداشتی و درمانی در مناطق پایلوت

سمیه درخشان^۱، کورش اعتماد^۲، افشین استوار^۳، داود خلیلی^۴

۱. کارشناسی ارشد، رشته اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
Somayeh452derakhshan@gmail.com

۲. گروه آموزشی اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. مرکز تحقیقات استوئپوز، پژوهشکده علوم بالینی غدد و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۴. مرکز تحقیقات پیشگیری از بیماری های متابولیک، پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
تهران، ایران

زمینه و هدف: بیماری های غیر واگیر مزمن (NCD) یک چالش بهداشت جهانی است که پیش بینی می شود تا سال ۲۰۳۰ به عنوان شایع ترین علل مرگومیر باشند بسته مداخلات اساسی بیماری های غیرواگیر سازمان جهانی بهداشت (WHO-PEN) برای مراقبت های اولیه در مناطق با منابع کم است که امکان شناسایی و مدیریت به موقع بیماری های قلبی و عروقی، دیابت، بیماری های مزمن تنفسی و سرطان را برای جلوگیری از عوارض تهدید کننده زندگی فراهم می کند. در ایران نیز با بومی سازی این برنامه، برنامه ایران (Ira-PEN) طراحی و در ۴ شهرستان نوده، مراغه، شهرضا و بافت به صورت آزمایشی اجرا گردید که در خانه های بهداشت و پایگاه های سلامت میزان احتمال خطر ۱۰ ساله بروز سکتته های قلبی و مغزی کشنده و غیرکشنده جمعیت هدف برنامه تعیین می گردد و با توجه به خطر به دست آمده اقداماتی انجام می شود. هدف از پژوهش حاضر بررسی کاهش خطر بیماری های قلبی و عروقی یک سال پس از اجرای برنامه ایران در افراد مراجعه کننده به مراکز بهداشتی و درمانی در مناطق پایلوت است.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک پژوهش توصیفی است که بر روی داده های سال ۹۵ و ۹۶ برنامه ایران در سال ۱۳۹۸ انجام شد. جامعه مورد مطالعه افراد بالای ۳۰ سال مراجعه کننده به مراکز بهداشت در راستای برنامه ایران هستند که به صورت پایلوت در ۴ شهر ذکر شده اجرا گردید. سطوح خطر در چهار گروه (کمتر از ۱۰ درصد، ۱۰ تا کمتر از ۲۰ درصد، ۲۰ تا کمتر از ۳۰ درصد و ۳۰ درصد و بالاتر) طبقه بندی شد.

نتایج: یک سال بعد از اجرای برنامه ایران در مناطق پایلوت، در مردان خطر کمتر از ۱۰ درصد از ۹۲/۵۱٪ به ۹۴/۴۸٪، خطر ۱۰ تا کمتر از ۲۰ درصد از ۶/۱۸٪ به ۴/۶۵٪، خطر ۲۰ تا کمتر از ۳۰ درصد از ۱/۲۲٪ به ۰/۶۳٪ و خطر ۳۰ درصد و بالاتر از ۰/۰۹٪ به ۰/۲۴٪ رسید و این اعداد به ترتیب در زنان از ۹۳/۹۷٪ به ۹۵/۶۱٪، از ۴/۷۵٪ به ۳/۶۴٪، از ۱/۲۱٪ به ۰/۵۵٪ و از ۰/۰۷٪ به ۰/۲۰٪ رسید.

نتیجه گیری: با توجه به پژوهش صورت گرفته خطر کمتر از ۱۰ درصد و خطر ۳۰ درصد و بالاتر در هر دو جنس افزایش داشته و خطر ۱۰ تا کمتر از ۲۰ درصد و خطر ۲۰ تا کمتر از ۳۰ درصد در هر دو جنس کاهش یافته است.

واژگان کلیدی: بیماری های قلبی و عروقی، بیماری های غیرواگیر، برنامه ایران



بررسی خطر ۱۰ ساله بیماری های قلبی و عروقی در افراد مراجعه کننده به مراکز بهداشتی و درمانی در مناطق پایلوت برنامه ایران

سمیه درخشان^۱، کورش اعتماد^۲، افشین استوار^۳، داود خلیلی^۴

۱. کارشناسی ارشد، رشته اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
Somayeh452derakhshan@gmail.com
۲. گروه آموزشی اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۳. مرکز تحقیقات استنوبورز، پژوهشکده علوم بالینی غدد و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۴. مرکز تحقیقات پیشگیری از بیماری های متابولیک، پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: نتایج بررسی های اپیدمیولوژیک نشان می دهد که ۴ بیماری غیر واگیر مهم شامل: بیماری قلبی، سرطان، دیابت و بیماری مزمن تنفسی، بزرگ ترین سهم را در بار بیماری های غیرواگیر در کشورهای با درآمد کم و متوسط دارند، به همین منظور سازمان بهداشت جهانی برای کاهش بار این بیماری ها، بسته مداخلات اساسی بیماری های غیرواگیر (WHO-PEN) را طراحی کرده و در اختیار جهانیان گذاشت. در ایران نیز در راستای اجرای پیشنهادات سازمان بهداشت جهانی و با بومی سازی این برنامه، برنامه ایران (Ira-PEN) طراحی و در ۴ شهرستان نوده، مراغه، شهرضا و بافت به صورت آزمایشی اجرا گردید که در خانه های بهداشت و پایگاه های سلامت میزان احتمال خطر ۱۰ ساله بروز سکتة های قلبی و مغزی کشنده و غیرکشنده جمعیت هدف برنامه تعیین می گردد و متناسب با میزان احتمال به دست آمده اقداماتی صورت می پذیرد. هدف از پژوهش حاضر بررسی خطر ۱۰ ساله بیماری های قلبی و عروقی در افراد مراجعه کننده به مراکز بهداشتی و درمانی در مناطق پایلوت برنامه ایران می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه یک مطالعه توصیفی است که بر روی داده های سال ۹۵ و ۹۶ برنامه ایران در سال ۱۳۹۸ انجام شد. جامعه مورد مطالعه افراد بالای ۳۰ سال مراجعه کننده به مراکز، پایگاهها و خانه های بهداشت در راستای برنامه ایران هستند که به صورت آزمایشی در ۴ شهر اجرا گردید. افراد در دو گروه سنی ۵۹-۳۰ سال و ≥ 60 سال طبقه بندی شدند. سطوح خطر نیز در چهار گروه (کمتر از ۱۰ درصد، ۱۰ تا کمتر از ۲۰ درصد، ۲۰ تا کمتر از ۳۰ درصد و ۳۰ درصد و بالاتر) طبقه بندی شد.

نتایج: تعداد افراد مشارکت کننده در این برنامه ۱۶۰۲۲۳ نفر بودند که در بدو ورود به مطالعه به تفکیک گروه جنسی و سنی مورد ارزیابی قرار گرفتند. بررسی خطر در ۱۰ سال آینده نشان می دهد که درصد خطر بالاتر از ۱۰ درصد در زنان ۴/۵۶٪ و در مردان ۴/۳۳٪ بود و این درصد در گروه سنی ۵۹-۳۰ سال ۰/۲۳٪ و در ≥ 60 سال ۲۰/۵۶٪ بود.

نتیجه گیری: با توجه به پژوهش صورت گرفته تعداد زنان و همچنین افراد با گروه سنی ۵۹-۳۰ سال مراجعه کننده به مراکز بیشتر است و ریسک بالاتر از ۱۰ درصد برای بیماری های قلبی و عروقی در ده سال آینده در ابتدای مطالعه برای زنان اندکی بالاتر بود که به نظر می رسد زنان پرخطر بیشتر مراجعه کرده اند.

واژگان کلیدی: بیماری های قلبی و عروقی، بیماری های غیرواگیر، برنامه ایران



شیوع اعتیاد به شبکه های اجتماعی در میان دانشجویان: یک مطالعه مروری

الهه رحیمی نیا^۱، حوریه رحیمی نیا^۲

۱. دانشجوی دکتری آموزش پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده مجازی، آموزش پزشکی و مدیریت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران h.rahiminia@sbmu.ac.ir

زمینه و هدف: اعتیاد به شبکه های اجتماعی انگیزه ای قوی با تخصیص زمان و تلاش زیاد افراد برای استفاده بیش از حد از شبکه های اجتماعی است که سبب اختلال در سایر فعالیت های اجتماعی، مطالعات، شغل، ارتباطات بین فردی، سلامت روانشناختی و رفاه افراد می گردد. با توجه به شیوع اعتیاد به شبکه های اجتماعی و پیشگیری برخی از عوامل زمینه ساز ایجاد آن که عموم مردم جامعه امروزی به خصوص دانشجویان از آن رنج می برند، حائز اهمیت می باشد. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی شیوع اعتیاد به شبکه های اجتماعی در میان دانشجویان صورت گرفت.

مواد و روش ها: در این پژوهش مروری از مطالعات کتابخانه ای و سایت های Pubmed.Irandoc، Magiran و google scholar استفاده شده است.

نتایج: در میان کشورهای خاورمیانه تعداد کاربران اینترنت در ایران بیشتر از سایر کشورهاست به طوری که از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ تعداد کاربران از ۳/۸٪ به ۶۸/۵٪ افزایش داشته است. نتایج ۸ مطالعه انجام گرفته در آمریکا بر روی دانشجویان، شیوع استفاده آسیب زا از اینترنت را بین صفر تا ۲۶/۳٪ برآورد نموده اند. شیوع اعتیاد دانشجویان به اینترنت بر اساس مطالعات انجام شده در ایران متفاوت گزارش شده است. به طوری که بر اساس مطالعات انجام شده شیوع اعتیاد را در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان ۳/۶٪، در دانشجویان علوم پزشکی مشهد ۵/۲٪، در بین پسران و دختران دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان به ترتیب ۳۳/۸ و ۲۰٪ و در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم ۲۸/۷٪ گزارش شده است.

نتیجه گیری: از آن جایی که اعتیاد به اینترنت در دانشجویان شایع است و سهم بالایی از افراد در معرض خطر ابتلا به فرم شدید اعتیاد قرار دارند بنابراین برنامه ریزی برای اقدامات پیشگیرانه و درمانی از خطرات و عوارض آن در دانشجویان، ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: اعتیاد، شبکه های اجتماعی، اینترنت



مروری بر حضور کروناویروس ها در هوا

رضانعلی دیانتي^۱، فاطمه مرتضی زاده^۲

۱. دانشیار گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، مازندران، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ایران
fmortezazade0098@gmail.com

زمینه و هدف: ویروس ها میکروارگانیسم های بسیار کوچکی هستند که قادر به تکثیر در خارج از سلول میزبان نمی باشند. کروناویروس ها، ویروس های بیماریزای مهمی برای انسان و مهره داران می باشند که به ایجاد عفونت و بیماری های تنفسی در انسان مشهوراند. اگر اندازه آئرودینامیکی یک ذره عفونی مناسب باشد، می تواند در هوا بماند و به انسان ها یا حیوانات منتقل شود. از این رو در این مقاله به مروری بر حضور کروناویروس ها در هوا پرداخته شده است.

مواد و روش ها: جستجوی منابع در پایگاه داده های Science Direct، Scopus، PubMed و Google scholar با استفاده از کلید واژه های Airborne virus، transmission، coronaviruses، ventilation، air و انجام گرفت.

نتایج: انواع میکروارگانیسم های بیماری زا شامل ویروس آنفلوانزا و سارس در هوا وجود دارند که می توانند در مسافت های طولانی قابل انتقال باشند. ویروس ها می توانند از طریق ذرات معلق در هوا و قطراتی که در هوا رها می شود، انتقال یابند و از تجهیزات مهم جلوگیری از انتشار ویروس های موجود در هوا، سیستم تهویه مطبوع می باشد.

نتیجه گیری: بدلیل اینکه کروناویروس می تواند با ذرات بسیار ریز معلق در هوا ترکیب و با تشکیل آئروسول های حامل ویروس در هوا شناور شود، بنابراین عفونت زدایی و تهویه بهتر می تواند جلوی گسترش ویروس را بگیرد، اما انجام بیشتر مطالعات تجربی بیشتر ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: کروناویروس، انتقال، هوا، تهویه



برآورد میانگین بار ویروسی در مادران HBsAg مثبت سه ماهه سوم بارداری مراجعه کننده به آزمایشگاه مرجع سلامت شهید رزمجو مقدم زاهدان ، سال ۱۳۹۸

زهره گزیده کار^۱، ابوالفضل پاینده^۲، سید مهدی طباطبایی^۳، ملیحه متانت^۴، علیرضا سلیمی خراشادیزاده^۵

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان Zohre.gozidehkar@gmail.com

۲. دکترای تخصصی اپیدمیولوژی، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

۳. دکترای تخصصی آمار زیستی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

۴. متخصص بیماریهای عفونی و گرمسیری، استاد دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

۵. دکترای تخصصی فارچ شناسی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی زاهدان خراشادیزاده

زمینه و هدف: هپاتیت به معنای التهاب کبد و یک بیماری شایع و خطرناک ناشی از ویروس هپاتیت B از خانواده هپادناو ویروس DNA دار است. هر چند برنامه های غربالگری مادران و واکسیناسیون گسترده و ایمونوپروفیلاکسی فعال و غیرفعال، بطور چشمگیری میزان انتقال این ویروس را کاهش می دهد، اما حتی با استفاده از پروفیلاکسی اختصاصی ایمونوگلوبین و واکسن هپاتیت B خطر انتقال عمودی بویژه در مادران با بار ویروسی بالا و HBeAg مثبت همچنان باقی می ماند و در بعضی از مادران با بار ویروسی بالا این خطر تا ۶۰٪ است. از این رو، این مطالعه با هدف تعیین متوسط بار ویروسی در مادران HBsAg مثبت در سه ماهه سوم بارداری، در شهرستان زاهدان طراحی گردید.

مواد و روشها: مطالعه حاضر به صورت مقطعی، بر روی مادران بارداری که از تیر ماه تا دی ماه سال ۱۳۹۸ در آزمایشگاه مرکزی مرکز بهداشت شهرستان از نظر HBsAg مثبت شناسایی شده بودند انجام گرفت. مادرانی که در آزمایشات نوبت اول بارداری مثبت شناسایی شده بودند و در هفته ۲۸ - ۲۴ بارداری قرار داشتند مجدداً در آزمایشگاه مرجع سلامت شهید رزمجو مقدم از نظر HBsAg بررسی شدند. در صورتی که این مادران همچنان از نظر HBsAg مثبت بودند تست HBV DNA Viral Load به روش Quantitative Real Time-PCR انجام شد. مشخصات و نتایج آزمایشات در چک لیست مربوطه ثبت و داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ آنالیز شدند.

یافته ها: در این مطالعه از ۱۴۷۴ مادر بارداری که برایشان HBsAg درخواست شده بود، ۲۴ مورد (۱/۶٪) با میانگین سنی $0/17 \pm 26/39$ سال در آزمایشات نوبت اول بارداری از نظر HBsAg مثبت شدند. از این تعداد ۶ مورد بنا به دلایلی از قبیل: سقط، مرده زایی و سن بارداری بالاتر از ۲۸ هفته از مطالعه خارج شدند و نهایتاً ۱۸ مادر مجدداً در هفته های ۲۸ - ۲۴ بارداری از نظر HBsAg مورد بررسی قرار گرفتند که همگی از نظر هپاتیت B مثبت بودند. نتایج این مطالعه نشان داد که ۲ نفر (۱۱/۱٪) از مادران HBV DNA برابر با صفر و ۱۴ نفر (۷۷/۸٪) بار ویروسی کمتر از 5×10^3 IU/ML و ۲ نفر (۱۱/۱٪) بار ویروسی بیشتر از 10^8 داشتند که نیازمند درمان آنتی ویرال بودند و میانگین بار ویروسی $11111490/4$ IU/ML برآورد شد.

نتیجه گیری: برآورد میانگین بار ویروسی برای اولین بار در شهرستان زاهدان، در این مطالعه انجام شد. با توجه به نتایج این پژوهش، به نظر می رسد، تعداد مادران باردار با بار ویروسی بالا ($> 10^8$) که نیازمند درمان آنتی ویرال بودند کم و در حد قابل قبول است که این امر می تواند به دلیل بهبود کیفیت خدمات و مراقبت ها در مراکز بهداشتی درمانی و کلینیک هپاتیت باشد.

واژگان کلیدی: هپاتیت B، بارداری، HBV DNA



برآورد شیوع عفونت هپاتیت B و عوامل مرتبط با آن در مادران باردار مراجعه کننده به آزمایشگاه مرکزی شهرستان زاهدان ، سال ۱۳۹۸

زهره گزیده کار^۱، سید مهدی طباطبایی^۲، ابوالفضل پاینده^۳، ملیحه متانت^۴، علیرضا سلیمی^۵

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان Zohre.gozidehkar@gmail.com

۲. دکترای تخصصی اپیدمیولوژی، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

۳. دکترای تخصصی آمار زیستی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

۴. متخصص بیماریهای عفونی و گرمسیری، استاد دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

۵. دکترای تخصصی قارچ شناسی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی زاهدان خراسادیزاده

زمینه و هدف: هپاتیت B یک عامل عمده بیماری مزمن کبد و سیروز در سراسر جهان است. تخمین زده می شود در حدود ۴۰۰ - ۳۵۰ میلیون نفر در سراسر دنیا مبتلا به هپاتیت مزمن B هستند. از آنجایی که امکان انتقال از مادر به جنین وجود دارد و خطر ابتلا به عفونت HBV در کودکان مادران HBsAg مثبت و HBeAg مثبت ۷۰ - ۹۰ درصد است که بیشتر از ۸۵ - ۹۰ درصد از آن ها در نهایت به ناقل مزمن این بیماری تبدیل خواهند شد، لذا این مطالعه با هدف تعیین شیوع عفونت هپاتیت B در زنان باردار و عوامل مرتبط با آن، در شهرستان زاهدان اجرا شد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر به صورت مقطعی (توصیفی - تحلیلی)، بر روی ۱۴۷۴ مادر باردار ایرانی که برای آزمایش های روتین بارداری به آزمایشگاه مرکزی مرکز بهداشت شهرستان زاهدان طی سال ۱۳۹۸ مراجعه کرده بودند، انجام گردید. چک لیست بررسی عوامل خطر در هنگام انجام آزمایشات نوبت اول بارداری برای مادرانی که برایشان HBsAg درخواست شده بود ضمن مصاحبه تکمیل و نمونه های سرم خون مادر با استفاده از کیت های اتوبیو و به روش ایزا مورد بررسی قرار گرفتند. برای برآورد شیوع از برآورد نقطه ای و برای تعیین عوامل مرتبط از مدل آماری رگرسیون لوژستیک چندگانه استفاده و $p < 0/05$ از لحاظ آماری معنی دار در نظر گرفته شد.

یافته ها: در این مطالعه از ۱۴۷۴ مادر باردار ۲۴ مورد (۱/۶٪) با میانگین سنی $26/39 \pm 0/17$ سال از نظر HBsAg مثبت شدند. از نظر عوامل خطر: سن، مصرف دخانیات توسط مادر، وجود فرد مبتلا به هپاتیت B در خانواده، سابقه بیماری کبدی و ابتلای قبلی مادر به هپاتیت با ابتلا به عفونت هپاتیت ارتباط معنی داری داشتند ($p < 0/05$). بین متغیرهایی از قبیل قومیت، شغل مادر، سابقه زندان مادر، سابقه زندان خانواده، تاتو، اعتیاد و سابقه اعتیاد تزریقی در مادر و همسر، مصرف و سابقه مصرف دخانیات در همسر، سابقه واکسیناسیون هپاتیت B، ترانسفوزیون خون، اقدامات دندانپزشکی، حجامت، سابقه جراحی، آندوسکوپي، کلنوسکوپي، سابقه دیالیز، STD و سابقه هپاتیت B در خانواده با ابتلا به هپاتیت B رابطه آماری معنی داری مشاهده نشد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه انجام غربالگری برای بیماری هایی با شیوع کمتر از ۰/۰۶ درصد ارزشمند است و همچنین با وجود مادران HBsAg مثبت زیر ۲۵ سال، انجام غربالگری تمامی مادران باردار بدون توجه به سابقه واکسیناسیون و بر اساس دستورالعمل های واکسیناسیون ویرایش سال ۱۳۹۴ اکیداً توصیه می شود.

واژگان کلیدی: هپاتیت B، بارداری، HBV DNA



Cancer of Gastric Cardia Epidemiological Trends and Potential Risk Factors in Iran a Case Study: Ardabil Province

Navid Shahbazi¹, *Yaser Shoghi*², *Forugh Rabiei*³, *Shaylin Saraei*⁴

1. Student of Medical Laboratory Sciences, Faculty of Medicine and Paramedical Sciences, Ardabil University of Medical Sciences, Ardabil, Iran. navidshahbazi1999@gmail.com
2. Medical student, Faculty of Medicine and Paramedical Sciences, Ardabil University of Medical Sciences, Ardabil, Iran.
3. Student of Medical Laboratory Sciences, Faculty of Medicine and Paramedical Sciences, Ardabil University of Medical Sciences, Ardabil, Iran.
4. Student of Medical Laboratory Sciences, Faculty of Medicine and Paramedical Sciences, Ardabil University of Medical Sciences, Ardabil, Iran.

Background and objectives: Globally, gastric cancer is the second most common cancer and the second cause of cancer-related death. Recent reviews of gastric cancer have indicated a significant spread of the cancer cells to the proximal part of the stomach and the evidence of cellular dispersed through the cardia region, making gastric cardia the most common cancer diagnosis. The purpose of this study is to review the literature on cancer of gastric cardia epidemiological investigations and potential risk factors, as well as to analyze and evaluate the relevant information and to introduce a new argument and knowledge over this topic.

Material and Methods: An analysis of published papers and documents is performed. And a mixture of two methods of data collection, including field and documentary (identification, consideration, organization, and evaluation of information contained in the documents) research methods, is employed.

Introduction: The highest incidence of gastrointestinal cancer from Iran has been reported from Ardabil, with a higher prevalence of cancer of gastric cardia among the diagnosed cases. Based on the reports, men had higher cancer of gastric cardia rates than women, with almost two times more cases than the latter. Potential risk factors are associated with the level of hygiene and lifestyle factors of a population as risk factors, including age more than 50 years, obesity, tobacco smoking, as well as low intake of fruit and vegetables, high salt consumption increase the incidence of cancer of gastric cardia in communities.

Conclusions: Unfortunately, the incidence of cancer of gastric cardia has followed an increasing trend in Ardabil province, and the prevalence rates for this disease increases after age 50 years, meaning further studies and investigations are necessary to successfully prevent the incidence of cancer in this province.

Keywords: Gastric Cancer; Cardia; Epidemiology; Ardabil province.



سقوط آزاد تعداد ایرانیان تا سال ۱۴۳۰ و غفلت ادامه دار مسئولین! : یک مرور روایتی

فاطمه دوست محمدی^۱، محسن محمدی^۱، ولی بهره‌ور^۳، محمد حسن لطفی^۴

۱. دانشجوی دکتری اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات پیشگیری و اپیدمیولوژی بیماری‌های غیرواگیر، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
۲. کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
۳. استاد اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات پیشگیری و اپیدمیولوژی بیماری‌های غیر واگیر، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
۴. محمد حسن لطفی، استاد گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
mhlotfi56359@gmail.com

زمینه و هدف: مطالعات و آمارهای مختلف نشان می‌دهد که کل کشور از اواخر دهه ۶۰ شمسی به بعد، هر سال از نظر رشد جمعیت روند کاهشی داشته است و در حال حاضر میزان باروری کلی در کشور ایران به زیر سطح جانشینی تنزل نموده است. ادامه روند کنونی، مشکلاتی را در زمینه‌های مختلف از جمله اقتصادی، بهداشتی، فرهنگی و سیاسی برای کشور دربر خواهد داشت و در سال‌های آتی خطر پیری به شدت جمعیت ایران را تهدید می‌کند. لذا، در مطالعه حاضر بر آن شدیم، تا با بررسی اجمالی چالش‌های جمعیتی موجود در کشور و غفلت احتمالی مسئولین در اجرای احسن و هماهنگ سیاست‌های کلی جمعیت به ارائه گزینه‌ها و راه‌حل‌های سیاستی، الزامات و موانع استقرار این گزینه‌ها، بپردازیم و از این رهگذر گامی هرچند کوچک، اما رو به جلو در راستای تعادل و توازن جمعیت کشور هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی، برداریم.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر یک مرور روایی بر اسناد بالادستی و مطالعات موجود در زمینه سیاست‌های جمعیتی کشور ایران، به منظور ارائه روایت نگارانه بهترین گزینه‌های سیاستی، جهت حل چالش جمعیتی پیش‌روی کشور، می‌باشد. براساس جست‌وجوی نویسندگان مطالعه حاضر، مهم‌ترین و آخرین سند سیاست جمعیت کشور ایران، سیاست‌های جمعیتی کلی ابلاغی از سوی رهبر جمهوری اسلامی ایران است، که در تاریخ ۱۳۹۳/۰۲/۳۰، با رویکرد افزایش آهنگ رشد جمعیت و در ۱۴ بند به رؤسای سه قوه ابلاغ شد. اما، مطالعه مستند در خصوص بررسی نحوه، کیفیت اجراء و میزان موفقیت در دستیابی به اهداف سیاست‌های ابلاغی از سوی رهبر انقلاب در دسترس نیست و به نظر می‌رسد، این سند به صورت گفتگومحور و نه چندان عملی روی میز مسئولین باقی مانده است. با توجه به اینکه فرایندهای متعدد مرتبط با علوم مختلف از جمله: اقتصاد، سیاست، زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی، بهداشت و درمان، جغرافیا، محیط زیست و آموزش و پرورش با مقوله توازن جمعیت مرتبط هستند، لذا، تبیین و اجرای یک استراتژی جامع جمعیتی کاری دشوار و پیچیده می‌نماید. در این مقاله تلاش شده است تا با قالب مدل رهیافت "شش ت" (ترویج ازدواج، تسهیل ازدواج، تشکیل خانواده، تحکیم بنیان خانواده و تکلیف و تعالی یک خانواده ایده آل ایرانی-اسلامی) گزینه‌های سیاستی کارآمد در راستای حل چالش‌های جمعیتی پیش‌رو مورد بحث و بررسی قرار گیرد.



نتایج: به طور کلی، رهیافت‌های افزایش جمعیت در کشور ایران را می‌توان در دو طبقه: ۱- ساختاری (در سطح کلان: نظیر نهادها و سازمان‌ها) از جمله طرح‌های تشویقی دولت در زمینه فرزندآوری، پرداخت هزینه‌های دوران بارداری به مادران، ممنوعیت سقط‌های غیر ضرور و غیر قانونی، افزایش پوشش بیمه‌ای زوج‌های نابارور و راه‌کارهایی از این قبیل، ۲- عاملیت (در سطح خرد: نظیر اشخاص و گروه‌ها)، از جمله ایجاد ذوق و تشویق دختران توسط مادرهای خود جهت فرزند آوری، کاهش تجمل‌گرایی و ترویج فرهنگ ساده زیستی، ایثار و گذشت همسران جهت جلوگیری از فروپاشی کانون خانواده، تقسیم‌بندی نمود. در هر بخش از مدل رهیافت "شش ت" (۱- ترویج ۲- ازدواج، ۳- تسهیل، ۴- تشکیل، ۵- تحکیم، ۶- تکلیف و ۷- تعالی خانواده)، سطح عاملیت و سطح ساختاری، هر دو نقش اساسی ایفاء خواهند نمود. در نیل به اهداف مدل رهیافت "شش ت" سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌های متعدد و زیادی نقش دارند.

نتیجه‌گیری: راه‌کارهای هر گام از مدل رهیافت "شش ت"، از سه منظر قابل تقسیم‌بندی است. در نگاه اول، راه‌کارهای پیشنهاد شده در دو سطح عاملیت (خردگرایانه، فردی و خانوادگی) و سطح ساختاری (کلان‌نگرانه و حکومتی)، قابل تبیین است. در نگاه دوم، راه‌کارهای هر بخش به دو نوع راه‌حل‌ها و سیاست‌های تشویقی نظیر: تخصیص بسته‌حمایت اقتصادی به خانواده‌های با تعداد فرزندان بالا و افزایش مرخصی زایمان بانوان شاغل و سیاست‌های قهری نظیر: جرم‌انگاری تبلیغات ضد جمعیتی و سقط غیرقانونی قابل تقسیم‌بندی است. و در نگاه سوم، راه‌حل‌های جمعیتی کشور در سطوح فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جای می‌گیرد. آنچه در تمام این تقسیم‌بندی‌ها به صورت مشترک به چشم می‌خورد نقش سبک زندگی سالم در راستای تحقق سلامت همه‌جانبه است. به نظر می‌رسد، اصلاح سبک زندگی مردم و ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی، شاه‌بیت قصیده راه‌کارهای حل چالش جمعیتی پیش‌روی کشورمان باشد. هم‌چنین، به نظر می‌رسد که حلقه مفقوده اجرای سیاست‌های جمعیتی ابلاغی مقام معظم رهبری در کشور، هم‌گرایی ضعیف درون بخشی است. هم‌گرایی درون بخشی ضعیف، اغناء و اقناع برون بخشی را نیز با دشواری رو به رو می‌سازد.

واژگان کلیدی: چالش جمعیتی، ایران، سبک زندگی سالم، سلامت همه‌جانبه، راه‌کار



Evaluation of clinical symptoms in Covid-19 patients: A hospital-based study in Yazd province

Mohsen Mohammadi¹, Moslem Taheri Soodejan¹, Ahmad Mehrii², Fatemeh Doostmohammadi¹, Mohammad Hassan Lotfi¹

1. Research Center of Prevention and Epidemiology of Non-Communicable Disease, Department of Biostatistics and Epidemiology, School of Public Health, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran. mhlotfi۰۶۳۰۹@gmail.com
2. MSc of Epidemiology, Department of Epidemiology and Biostatics, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Introduction: December ۲۰۱۹, the world experienced the emergence of an unknown virus. The disease has shown different symptoms at different times and places. The aim of this study was to evaluate the clinical symptoms of patients with Covid- ۱۹ in Yazd province.

Material and Methods: This study is cross-sectional. The information of patients in hospitals of Yazd province has been used. Hospitalized patients were evaluated for various clinical symptoms. Descriptive analysis was used to analyze the data. Analysis was used to analyze the data.

Results: The mean age of patients was ۶۷,۴۴. The mean age of patients who died was ۸۲ years. The results of this study showed that ۵۰% of hospitalized patients had early signs of fever, ۴۸% of early signs of cough, ۴۷% of decreased sense of taste, ۲۸% of early signs of muscle pain, ۸% of early signs of headache and ۶% of gastrointestinal symptoms of nausea. Among the dead patients, ۶۸% had the initial sign of decreased taste, ۴۱% had the symptom of fever and ۳۶% the cough.

Conclusions: Most patients and most of the dead were old person. The most common symptoms of the disease among patients were fever, cough and decreased sense of taste.

Keywords: COVID19- cough- fever- SARS-COV۲



Hospitalized Afghan Refugees with COVID-19 in Yazd province

Saeed Hosseini¹, Moslem Taheri Soodejani², Vali Bahrevar³, Mohsen Mohammadi², Mohammad Hassan Lotfi²

1.MSc of Epidemiology, Health Monitoring Research Center, School of Medicine, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran

2.Research Center of Prevention and Epidemiology of Non-Communicable Disease, Department of Biostatistics and Epidemiology, School of Public Health, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran. mhlotfi56359@gmail.com

3.MSc of Health Education & Promotion, Department of Health Education & Health Promotion, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran

Background: Iran is one of the most migrant countries in the world, which has a large number of Afghan refugees. In Yazd province, like in the country, there are many Afghan immigrants. According to the COVID 19 pandemic, the aim of this study was to investigate suspected and definite cases of the disease in Afghan refugees.

Material and Methods: This cross-sectional study was conducted in October 2020 in Yazd province. All patients admitted to public and private hospitals were included in the study by census (from the beginning of the epidemic period). Data gathering tool was a checklist and collected data were entered into IBM SPSS Statistics 22 software and analyzed.

Results: A total of 785 Afghan refugees were admitted with suspicious symptoms. PCR test results showed that 232 of these cases were definite. The mean age of suspected and definite cases was 48.9 and 51.2, respectively, and in both groups women were more affected than men. 13.8 suspected cases and 14.5% definitive cases were admitted to the intensive care unit. The findings indicated that the percentage of recoveries in suspected cases was higher than in definite cases. (93.5 vs. 89.2).

Conclusions: Due to the fact that accurate information about the population of Afghan immigrants in the province is not available, the incidence of diseases in these people cannot be compared with the Iranian population. However, it seems that due to the lower level of public health and living in crowded places such as Afghan camps, it is better to conduct the necessary training, observe the percentage of health protocols in this population and make the necessary decisions to improve their health.

Keywords COVID 19, Coronavirus, Afghan Refugees, Yazd



Knowledge, Attitudes and Practices (KAP) towards COVID-19 in Iran

Vahid Khosravi¹, Samaneh Torkian², Reza Etesami³, Zahra Jaafari⁴,
Mohammad Ali Morowatisharifabad⁵, Ali Ahmadi⁶, Abozar Nazari⁷

1. Department of Health Education and Promotion, School of Public Health, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran

2. Department of Epidemiology, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

3. Department of Statistics, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran

4. Department of Biostatistics and Epidemiology School of Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

5. Aging Health Department, School of Public Health, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran

6. Associate Professor of Epidemiology, Department of Epidemiology and Biostatistics, School of Health and Modeling in Health Research Center, Shahrekord University of Medical Sciences, Shahrekord, Iran

aliahmadi2007@gmail.com

7. Department of Health Education and Promotion, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Background: Currently, prevention strategies are the only way to deal with the spread of COVID-19 virus. Disease control is the result of community adherence to these strategies. Acknowledge, attitude and practice towards COVID-19 are important for adherence to these strategies. The aim of this study was to investigate the knowledge, attitude and practice of the Iranian people towards COVID-19 and demographic factors related to it.

Material and Methods: This cross-sectional descriptive-analytical web-based study was performed on 3736 people in Iran. A validated Iranian knowledge, attitude, and practices (KAP) Questionnaire about COVID-19 was used. Linear multivariate Generalized Estimating Equations (GEE) models were used to analyze data.

Results: Most Iranian people had high knowledge (88.1%), the right attitude (91%) and good practices (90.3%). In the multivariate models, factors related to better knowledge were, age > 20 years ($P < 0.001$), living in the urban area ($P = 0.030$), holding a master or doctorate degree ($P = 0.044$), and a moderate financial situation ($P = 0.001$). Females had better attitude ($P = 0.035$). Variables related to better practices were age > 20 years ($P < 0.001$), and having a good ($P = 0.003$) or moderate ($P = 0.038$) financial situation.

Conclusions: The participants had good knowledge, positive attitude and good practices regarding COVID-19. However, this might not be representative of the whole Iranian community; and therefore, continuous monitoring and emphasis on preventive measures in is still necessary in the fight against COVID-19.

Keywords: COVID-19, knowledge, attitudes, practices, KAP, Iranian population



مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه ی تأثیر زهر عقرب بر درمان سرطان

فاطمه پارسائی نیا^۱، حمید کثیری^۲، سعیده حسینی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی رشته ی بیولوژی و کنترل ناقلین بیماری ها، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

۲. دانشیار گروه حشره شناسی پزشکی و مبارزه با ناقلین، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

زمینه و هدف: زهر عقرب از دوزهای مختلف نورو توکسین، کاردیو توکسین، نفروتوکسین، سموم همولیتیک، فسفودیستر، فسفولیپاز، هیالورونیداز، گلیکوز آمینو گلیک، هیستامین، سرتونین و رهاکننده های تریپتوفان و سایتوکاین است. از زهر عقرب در مواردی از قبیل شناسایی توده های سرطانی، معالجه ی سرطان، درمان بیماری های عصبی، قلبی عروقی، خود ایمنی و دیابت و همچنین بعنوان مسکن استفاده می شود. هدف از انجام این مطالعه، روند مطالعات در خصوص تأثیر زهر عقرب بر درمان انواع سرطان هاست.

مواد و روش ها: مروری جامع با استفاده از بررسی منابع و با رجوع به پایگاه های علمی و معتبر از قبیل Pubmed ، scopus ، Google Scholar ، IranMedex ، Magiran ، sid و sid و همچنین با استفاده از کلیدواژه های انگلیسی (Cancer, scorpion venom) و کلیدواژه های فارسی (زهر عقرب، سرطان ، درمان) مطالب جمع آوری شده اند .

نتایج: مطالعات انجام شده در این زمینه حاکی از تأثیر قابل توجه مولکول های فعال زیستی موجود در زهر عقرب در درمان سرطان هایی از قبیل لوسمی، گلیوما، تومور مغزی، سرطان سینه، ملانوما، سرطان پروستات و سرطان رحم است. طبق آزمایشات انجام شده ، پژوهشگران به این نتیجه رسیده اند که زهر برخی از گونه های عقرب با رفع اختلال آپوپتوزیس (فرایند ژنتیکی مرگ سلولی) باعث مهار تکثیر سلول های سرطانی می شود.

نتیجه گیری: تحقیقات انجام شده در این زمینه نیازمند مطالعات عمیق تری در زمینه ی مرگ سلول های سرطانی با عوارض کمتر در بیماران مبتلا به انواع سرطان ها می باشد.

واژگان کلیدی: زهر عقرب، سرطان ، درمان



عوامل خطر مرگ کووید-۱۹؛ یک مطالعه مورد-شاهدی

رویا رشتی^۱، بهزاد جعفری نیا^۲، کوروش هلاکویی نائینی^۳

۱. کارشناس ارشد، رشته اپیدمیولوژی، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران Roya.rashti73@gmail.com

۲. کارشناس ارشد، رشته اپیدمیولوژی، مرکز بهداشت شهرستان دزفول، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران

۳. استاد، رشته اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

زمینه و هدف: کرونا ویروس یک بیماری عفونی نوپدید است که توسط یک کرونا ویروس جدید ایجاد می شود. این بیماری می تواند بر همه افراد تأثیر بگذارد و منجر به مرگ شود. هدف از انجام این مطالعه بررسی عوامل خطر مرگ در اثر ابتلا به COVID-19 در بیماران می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه یک مطالعه مورد-شاهدی است. تعداد 795 نفر بیمار مبتلا به COVID-19 مراجعه کننده در بازه زمانی اسفند 98 تا تیر 99 به بیمارستان گنجویان دزفول که با تست RT-PCR تشخیص داده شده بودند وارد مطالعه شدند، تعداد 265 نفر بیمار فوت کرده بودند، به عنوان مورد و تعداد 530 بیمار که با حال عمومی خوب از بیمارستان ترخیص شده بودند به عنوان شاهد انتخاب شدند. تحلیل داده ها با استفاده از شاخص های توصیفی و همچنین روش های تحلیلی آزمون رگرسیون لجستیک انجام گرفت و جهت کشف عوامل مرتبط با مرگ به دلیل COVID-19 از نسبت شانس و حدود اطمینان 95 درصد استفاده شد.

نتایج: میانگین سنی افراد زنده و فوت شده به ترتیب 54.7 و 68.4 بود. 58% از شرکت کنندگان مرد بودند. در تحلیل رگرسیون لجستیک؛ خطر رخداد مرگ همراه بود با سن بالاتر از 80 سال (OR: 36.2; 95% confidence interval (CI): 18.5-70.96)، جنس مذکر (OR: 1.88; 95% CI: 1.38-2.57)، بازنشستگی (OR: 9.28; 95% CI: 2.02-42.63)، بیماری های کلیوی (OR: 4.47; 95% CI: 1.92-10.02)، دیابت (OR: 2.82; 95% CI: 1.94-4.09) و قلبی عروقی (OR: 2.62; 95% CI: 1.87-3.65)، علایم ویزینگ ریه -3 (OR: 3; 95% CI: 1.49-6.05)، ضعف عمومی (OR: 2.07; 95% CI: 1.52-2.81)، تنگی نفس (OR: 2.04; 95% CI: 1.51-2.76)، درد قفسه سینه (OR: 1.68; 95% CI: 1.05-2.69) و تب (OR: 1.60; 95% CI: 1.06-2.41)، عارضه ARDS (OR: 11.38; 95% CI: 3.18-40.66)، رادیوگرافی قفسه سینه مشکوک (OR: 1.82; 95% CI: 1.22-2.71)، بستری شدن در بیمارستان (OR: 7.27; 95% CI: 4.95-10.67)، سابقه بستری یک و بیش از یک هفته در بیمارستان (OR: 2.82; 95% CI: 1.87-4.25)، تهویه مکانیکی (OR: 5.06; 95% CI: 2.18-11.74)، بستری در اتاق ایزوله (OR: 2.75; 95% CI: 1.80-4.19)، بستری در ICU (OR: 19.77; 95% CI: 7.72-50.64) معنی دار بودند.

نتیجه گیری: سن بالا، مرد بودن و داشتن بیماری های کلیوی، دیابت و قلبی عروقی باعث افزایش خطر مرگ در اثر ابتلا به COVID-19 می گردد. همچنین رادیوگرافی مشکوک، بستری شدن در بیمارستان و بخش ICU و استفاده از تهویه مکانیکی از نشانه های افزایش خطر مرگ در بیماران COVID-19 می باشد که باید سیاست های بهداشتی به سمت این عوامل معطوف گردند.

واژگان کلیدی: کووید-۱۹، عوامل خطر، مرگ، دزفول



Global Prevalence of HIV and/or HBV Co-infections among People Who Inject Drugs and Female Sex Workers living with HCV: A Systematic Review and Meta-Analysis

***Roya Rashti*¹, Ghobad Moradi², Seyed Moayed Alavian³, Yousef Moradi⁴, Heidar Sharafi⁵**

1. Social Determinants of Health Research Center, Research Institute for Health Development, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran; Roya.rashti73@gmail.com
2. Social Determinants of Health Research Center, Research Institute for Health Development, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran
3. Professor of Gastroenterology and Hepatology, Middle East Liver Disease Center, Tehran, Iran;
4. Social Determinants of Health Research Center, Research Institute for Health Development, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran
5. Middle East Liver Diseases Center, Tehran, Iran

Background: Hepatitis C Virus (HCV) is one of the most common infections worldwide and co-infection with the Human Immunodeficiency Virus (HIV) and Hepatitis B Virus (HBV) can worsen the progression of liver disease. The aim of this study was to estimate the global prevalence of HIV or HBV co-infection among people who inject drugs (PWID) and female sex workers (FSWs) living with HCV.

Material and Methods: Data sources were searched from January 2008 to October 2018. All cross-sectional articles that reported prevalence of HIV/AIDS or HBV among PWID and FSWS living with HCV were included. Qualitative evaluation of studies based on Newcastle-Ottawa Quality Assessment Scale (NOS) was performed. Data were analyzed in Stata 14 software using MetaProp command.

Results: The results pooled using random effects meta-analyses. A total of 9 articles were analyzed. One article reported HIV prevalence in FSWS and the rest were in PWID. The prevalence of HIV/AIDS in PWID with anti-HCV and HCV-RNA was 33% and 35% and the prevalence of HBV in PWID with anti-HCV and HCV-RNA was 6% and 4%, respectively. The highest prevalence of HCV/HIV and HCV/HBV co-infections were in South-East Asia region.

Conclusions: HCV/HIV and HBV/HCV co-infection are higher in PWID than general population. In order to manage, control, and eliminate hepatitis C, people with this virus need to be screened for HIV/AIDS and HBV.

Keywords: HIV/AIDS, Hepatitis C, Hepatitis B, PWID, FSWS



بررسی پاندمی های اخیر جهان با عامل ویروس کورونا: پاندمی کووید ۱۹ و سارس تنفسی

سیده فاطمه رساء^۱

۱. دانشجوی کارشناسی بیولوژی و کنترل ناقلین بیماریها، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران
rasaa.fatemeh@gmail.com

زمینه و هدف: کورونا ویروس ها خانواده بزرگی از ویروس ها هستند که باعث ایجاد بیماری در حیوانات یا انسان میشوند. این ویروس ها در انسان سبب عفونت های تنفسی نظیر سرماخوردگی تا بیماری های شدیدتر همانند سندرم تنفسی حاد شدید (SARS) و بیماری کووید ۱۹ (COVID-19) میگردند. هدف از این مطالعه، بررسی پاندمی دو بیماری، کووید ۱۹ و سارس با عامل ویروس کورونا می باشد.

مواد و روش ها: بررسی مروری نظام مند حاضر، در جهت یافتن بهترین شواهد در همه گیری بیماری کووید ۱۹ و بیماری سارس انجام شد. بدین منظور جستجو در پایگاه های مختلف داده ها نظیر PubMed ، Google scholar ، Scopus ، Web of Science و SID صورت گرفت و از کلید واژه های ویروس کورونا، کووید ۱۹ و بیماری سارس تنفسی استفاده گردید.

نتایج: سارس یک بیماری جدید انسانی بود که در پاییز سال ۲۰۰۲ در جنوب چین رخ داد. عامل بیماری در مارس ۲۰۰۳، ویروس کرونا (SARS-CoV) مشخص شد؛ که معمولاً با تب شدید و علائم خفیف تنفسی آغاز و به سرعت در عرض چند روز به پنومونی، پیشرفت کرد. شیوع سارس در جنوب شرقی آسیا، آمریکای شمالی و اروپا رخ داد و اولین همه گیری قرن ۲۱ ایجاد کرد. انتقال پذیری کم ویروس همراه با شروع اوج عفونت پس از بروز علائم بالینی بیماری و انجام اقدامات ساده بهداشت عمومی نظیر جداسازی بیماران و قرنطینه کردن تماس های آنها در کنترل سارس بسیار موثر بود. علاوه بر آن در اواخر سال ۲۰۱۹، یک بیماری ویروسی جدید با نام کووید ۱۹ ناشی از ویروس کرونا (SARS-CoV-2)، از شهر ووهان چین آغاز و خیلی سریع به یک پاندمی تبدیل شد. مهمترین راه انتقال این بیماری، قطرات تنفسی است و علائم عبارتند از تب، سرفه خشک، تنگی نفس، خستگی مفرط عنوان شده که در موارد شدیدتر بیماری، عفونت های ناشی از پنومونی ویروسی ممکن است منجر به سندرم حاد تنفسی و حتی مرگ شود؛ همچنین بررسی کامل ژنوم این ویروس نشان داده است که با ژنوم کروناویروس سارس، تقریباً ۸۰٪ قرابت دارد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه بیماری کووید ۱۹ از نظر ژنومی شبیه به بیماری سارس است و دارای شباهت در مکانیسم ورود و علائم بیماری می باشد؛ بنابراین میتوان از اطلاعات ایمونولوژیکی سارس برای طراحی واکسن علیه کووید ۱۹ استفاده نمود و همچنین آموزه های آموخته شده از تجربه ی بیماری سارس در زمینه اپیدمیولوژیک و بهداشت عمومی را تا کسب نتایج قطعی، بکار گرفت.

واژگان کلیدی: پاندمی های اخیر، ویروس کورونا، کووید ۱۹، سارس تنفسی



بررسی علل سرطان پستان_ مرور نظام مند

لعیا قاسم زاده^۱، یکتا محمدی^۲، زهره رضایی نژاد^۳

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته هوشبری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه آزاد واحد مشهد، مشهد، ایران

layagh41@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی، رشته هوشبری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه آزاد واحد مشهد، مشهد، ایران

۳. عضو هیئت علمی تمام وقت گروه هوشبری، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران

سابقه و هدف: سرطان پستان خطری است که همه روزه به اشکال مختلف انسان ها را تهدید می کند و بعد از سرطان ریه دومین عامل مرگ میر در زنان به شمار می رود که دارای عوارض مختلف جسمی و روانی و اجتماعی می باشد. میزان مرگ و میر در طی سه دهه اخیر ثابت مانده است که می تواند به علت تشخیص زود هنگام بیماری در مراحل اولیه آن باشد. لذا بر آن شدیم مطالعه ای مروری در این حوزه انجام دهیم.

مواد و روش ها: مطالعه مروری حاضر با بررسی اینترنتی مقالات فارسی منتشر شده در دو دهه گذشته با کلید واژه های سرطان، سرطان پستان، زنال سرطانی در پایگاه های علمی جهاد دانشگاهی، گوگل اسکالر، مگ ایران، ایران مدکس انجام شد. در نهایت ۳۴ مقاله یافتیم که در مرحله نخست با بررسی آن ها ۲۲ مورد انتخاب و در نهایت ۱۸ مورد با توجه به ملاک های مدنظر وارد مطالعه شد.

نتایج: با بررسی مطالعات می توان اینگونه جمع بندی نمود که سرطان پستان منجر به تغییرات دائمی جسمی - روانی - اجتماعی در فرد می گردد در این بین بیشترین علل سرطان پستان عبارتند از ژنتیک، الاینده های هورمون های محیطی (مثل حشره کش ها) و مواد آرایشی، شاخص توده بدنی (BMI) ۳۰ یا بیشتر و بی تحرکی، مصرف متوسط الکل، سابقه تماس با افراد سیگاری و مصرف دخانیات، شرایط اقتصادی پایین و تاخیر تولد اولین فرزند، سن پایین تر شروع قاعدگی، سن بالاتر اولین بارداری و سن بالاتر بروز یائسگی، و مصرف برخی از قرص های هورمونی

نتیجه گیری: با توجه به اهمیت سلامت زنان پیشنهاد می شود به منظور کاهش سرطان سینه برنامه های تشویق کننده استفاده از غذاهای سالم و مفید و دوری از فست فود ها و برنامه های افزایش دهنده فعالیت های فیزیکی، برنامه های آموزشی پیشگیری کننده و آموزش های رایگان جهت معاینه بالینی و چکاپ پستان برای دختران ارائه شود ایجاد فرهنگ سازی جهت انجام ماموگرافی و سونوگرافی برای زنان بالای ۳۰ سال زیرا اطلاع داشتن از خطرات و زیان های سرطان سینه می تواند در جهت کاهش این معضل جهانی سودمند باشد.

واژگان کلیدی: سرطان، سرطان پستان، زنان سرطان



مدل سازی اثر فلفل قرمز در جلوگیری از گرفتگی عروق قلب

وحید صفری دهنوی^۱، مهران صفری دهنوی^۲، عبدالله صفری دهنوی

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، رشته مهندسی برق، دانشکده برق، دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک) v.safari@aut.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری حرفه‌ای، رشته پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد نجف آباد
۳. کارشناسی ارشد (کادرآموزشی دانشگاه)، گروه کشاورزی-فرآورده‌های بیولوژیک، آموزشکده کشاورزی شهرکرد، دانشگاه فنی و حرفه‌ای

زمینه و هدف: با توجه به وجود عوامل بیماری‌زا و گسترش این عوامل، بیماری‌های قلبی به صورت گسترده در جوامع مختلف شایع شده‌اند. در این حالت این بیماری‌های می‌تواند آسیب زیادی را به انسان‌ها وارد کند؛ به خصوص برای افرادی که در معرض آلودگی هستند یا غذاهای غیرسالم مصرف می‌کنند. در این حالت این عوامل موجب گرفتگی عروق قلبی می‌شود که بسیار خطرناک است، در این حالت یکسری از گیاهان دارویی برای رفع گرفتگی عروق قلبی استفاده می‌شوند. در این پژوهش با مدل‌سازی قلب و محیط به روش مدار معادل آنالوگ الکتریکی می‌توان اثرات فلفل را روی عروق قلب بررسی کرد. بدین صورت که سیستم هیدرولیکی قلب و عروق را با استفاده از المان‌های الکتریکی معادل‌سازی می‌کنیم، پس از آن معادلات ریاضی به دست می‌آید و می‌توان قلب و تاثیر سایر عوامل را روی آن بررسی کرد. در عمل انجام بسیاری از آزمایشات روی موجود زنده از جمله قلب انسان خطرناک، هزینه‌بر و خلاف اصول هست. یکی از اهداف اصلی مدل‌سازی این است که می‌توان آزمایشاتی که بر روی سیستم اصلی تاثیرگذار هست، را روی مدل که شبیه سیستم اصلی هست را با کمترین هزینه انجام داد. در این خصوص می‌توان با مدل‌سازی قلب با المان‌های الکتریکی، آزمایشات مختلف را روی مدل که شبیه سیستم اصلی (در این پژوهش قلب انسان) انجام داد و با کمترین هزینه اثرات روی مدل که شبیه سیستم اصلی است را بررسی کرد.

مواد و روش‌ها: در این پژوهش برای مدل‌سازی سیستم هیدرولیکی قلب انسان و عروق مربوط به آن و بررسی تاثیر فلفل بر عروق قلب از روش معادل آنالوگ استفاده شده است. در این روش از مدار معادل الکتریکی (مقاومت، سلف و خازن) یا معادل مکانیکی (جرم، فنر و دمپر) استفاده می‌شود، البته در این حالت هدف مدل‌سازی سیستم هیدرولیکی قلبی-عروقی هست و سیستم الکتریکی قلب در این پژوهش بررسی نمی‌شود. در این پژوهش به علت اینکه مدار معادل آنالوگ الکتریکی کاربردی و متداول‌تر است و المان‌های الکتریکی قادر به مدل‌سازی سیگنال‌های قلبی نیستند و بیشتر برای مدل‌سازی سیستم‌های هیدرولیکی استفاده می‌شوند، برای مدل‌سازی قلب از روش مدار معادل آنالوگ الکتریکی استفاده می‌شود. مدل‌سازی قلب در پژوهش‌هایی توسط نویسندگان این پژوهش انجام شده است، منتها هدف اصلی این روش بررسی تاثیر فلفل روی عروق قلب و سیستم هیدرولیک گردش خون در عروق قلبی هست. در این خصوص در این پژوهش ابتدا قلب با المان‌های الکتریکی مدل می‌شود، سپس سیستم هیدرولیکی عروق مدل‌سازی می‌شود و در نهایت با مدل‌سازی فلفل، تاثیر این مورد روی عروق قلب و سیستم هیدرولیکی قلب مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این پژوهش، برای مدل‌سازی قلب و تاثیر فلفل روی آن، ابتدا به تعریف متغیرهای اصلی و ثانویه پرداخته می‌شود، سپس متغیرهای



عرضی و عبوری معرفی می شود؛ پس از آن درجه اعتبار مدل، فرضیات مدل مورد بررسی قرار می گیرد و در نهایت مدل هیدرولیکی قلب و وجود فلفل به صورت توامان بررسی می شود. در نهایت با توجه به مدل به دست آمده راهکارهایی برای کاهش تاثیر عوامل خطرزا بر قلب ارائه داد و میزان مصرف فلفل مورد نیاز بر اساس مجموعه داده های موجود ارائه کرد.

نتایج: ۱-مدل سازی سیستم هیدرولیکی قلب انسان با روش مدار معادل الکتریکی. ۲- تعریف متغیرهای اصلی، ثانویه، عرضی و عبوری برای سیستم هیدرولیکی قلب و عروق انسان. ۳- مدل سازی سیستم الکتریکی قلب انسان با المان های الکتریکی. ۴- مدل سازی فلفل و بررسی تاثیر آن روی سیستم قلب انسان و بررسی نحوه رفع گرفتگی عروق. ۵- بررسی راهکارهای کاهش اثر آلودگی روی قلب انسان و تعیین میزان مصرف بهینه فلفل. ۶- یکی از اهداف اصلی مدل سازی پیش بینی رفتار سیستم اصلی هست. در این خصوص با ایجاد مدل آنالوگ الکتریکی می توان عملکرد سیستم هیدرولیکی قلب و عروق را پیش بینی کرد. هدف اصلی مدل سازی، انجام تست هایی هست که انجام آن ها روی سیستم اصلی هزینه بر و خطرناک است و با انجام این تست ها روی مدل می توان هزینه را کاهش داد. در این خصوص می توان به جای تست روی قلب انسان، انواع تست را روی مدل قلب انجام داد و نتیجه را مشاهده کرد. ۷- به دست آوردن یک مدل ریاضی مناسب که به راحتی با اعداد و ارقام کمی قابل تجزیه و تحلیل هست و باعث تحلیل ساده تر نسبت به مدل های کیفی و ذهنی می شود.

نتیجه گیری: در این پژوهش در ابتدا تاریخچه ای از تاثیر آلودگی و عوامل خطرزا بر بیماری های قلبی به خصوص بیماری های مربوط به گرفتگی عروق قلب که در این پژوهش بررسی شده، مورد اشاره قرار گرفت؛ سپس نحوه کلی مدل سازی مورد بررسی قرار گرفت، پس از آن نحوه عملکرد سیستم هیدرولیکی قلب و عروق و مدل سازی قسمت های قلب با المان های الکتریکی مورد بررسی قرار گرفت. در قسمت بعدی با استفاده از روابط ریاضی و تشابه این روابط در قلب و المان های الکتریکی، المان های الکتریکی مشابه قلب معین شد. در این حالت مدل کامل الکتریکی قلب به دست آمد. در این حالت تاثیر فلفل با استفاده از مدار معادل آنالوگ الکتریکی مورد بررسی قرار گرفت. در این حالت مشاهده شد که فلفل می تواند موجب کاهش گرفتگی عروق قلب شود. به علاوه در این مدل سازی بیان شد که افزایش میزان گرفتگی عروق و کاهش ضخامت عروقی که خون در آن ها جاری هست، موجب افزایش اینرسی در سیستم هیدرولیکی قلب و عروق می شود و این افزایش موجب تغییر نوع جریان از لایه ای به گردابی می شود که باعث کاهش خون رسانی می شود. مورد بعدی این است که افزایش گرفتگی عروق موجب کاهش ظرفیت قلب می شود که باعث کاهش خون رسانی به اندام ها می شود. در نهایت با مدل سازی قلب و تاثیر فلفل بر گرفتگی عروق، می توان بررسی کرد که چه مقدار فلفل برای کاهش جزئی گرفتگی قلب نیاز هست. مزیت بعدی این پژوهش، به دست آوردن یک مدل ریاضی هست؛ در مدل ریاضی بر خلاف مدل های ذهنی و کیفی تحلیل بسیار ساده تر هست؛ چراکه با اعداد مشخص و به صورت کمی مواجه هستیم که تحلیل سیستم را ساده تر می کند و قابلیت تصمیم گیری گسترده تری به ما می دهد.

واژگان کلیدی: مدل سازی، قلب انسان، مدار معادل آنالوگ الکتریکی، عروق قلبی و تاثیر فلفل، هیدرولیک



اپیدمیولوژی ناباروری_ مرور نظام مند

لعیا قاسم زاده^۱، سید نوید حسینی^۲، زهره رضایی نژاد^۳

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته هوشبری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه آزاد واحد مشهد، مشهد، ایران
layagh41@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی، رشته اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه آزاد واحد مشهد، مشهد، ایران

۳. عضو هیئت علمی تمام وقت گروه هوشبری، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران

سابقه و هدف: افرادی که پس از حداقل یک سال تلاش برای بچه دار شدن موفق نمی شوند را نابارور می گویند ناباروری یکی از مشکلات مهم بهداشتی_درمانی جوامع مختلف محسوب می شود. شیوع بالای این بیماری در دهه های اخیر اهمیت آن را دوچندان می کند. برای بسیاری از افراد، ناباروری بحرانی بزرگ است و تاثیرات مخربی بر روحیه و روان آن ها می گذارد. لذا بران شدیم که مطالعه ای مروری در حوزه اپیدمیولوژی این بیماری انجام دهیم.

مواد و روش ها: مطالعه مروری حاضر با بررسی اینترنتی مقالات فارسی وانگلیسی منتشر شده در دو دهه گذشته با کلید واژه های ناباروری، زنان نابارور، مردان نابارور در پایگاه های علمی جهاد دانشگاهی (sid)، گوگل اسکالر (google scholar)، مگ ایران (magiran)، ایران مدکس و PubMed انجام شد. در نهایت ۳۵ مقاله یافتیم که در مرحله نخست با بررسی آن ها ۲۵ مورد انتخاب و در نهایت ۱۸ مورد با توجه به ملاک های مدنظر وارد مطالعه شد.

نتایج: مطالعات نشان داد بیش از ۳/۵ میلیون زوج در ایران ناباروری اولیه داشتند و همچنین بیشترین علل ناباروری عفونت ها و بیماری های منتقله از راه جنسی، فاکتور های محیطی نظیر مصرف الکل، استعمال دخانیات، تغذیه ناسالم، هوای آلوده، چاقی، اختلال اسپرم و اختلال در عملکرد تخمدان بود. همچنین استرس و گستره ای از واکنش های روانی منفی شامل افسردگی، اضطراب، نگرانی، کم خوابی یا بد خوابی و استفاده از موبایل ها و لپ تاپ ها نیز در ابتلا به ناباروری موثر بودند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده و اهمیت وجود فرزند در خانواده و به منظور پیشگیری از ناباروری برنامه های تشویق کننده استفاده از غذاهای سالم و مفید، دوری از فست فود ها، برنامه های افزایش دهنده فعالیت های فیزیکی و ورزشی، ایجاد سرگرمی های مفید جهت به حداقل رساندن استفاده از RF-EMF ها و افزایش پارک ها و فضاهای سبز جهت کاهش الوگی ها پیشنهاد می شود.

واژگان کلیدی: ناباروری، زنان نابارور، مردان نابارور



اپیدمیولوژی ایدز (HIV) _ مرور نظام مند

احسان معلمی^۱، سید نوید حسینی^۱، زهره رضایی نژاد^۲

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه آزاد واحد مشهد، مشهد، ایران
ehsanmlm98@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی تمام وقت گروه هوشبری، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران

سابقه و هدف: سندرم نقص ایمنی اکتسابی (HIV) یکی از مهمترین بیماریهای همه گیر در جوامع مختلف است. از آغاز همه گیری بیماری تا کنون، حدود ۷۱ میلیون نفر به ویروس نقص ایمنی اکتسابی (HIV) آلوده شده اند و حدود ۳۴ میلیون نفر بر اثر ابتلا به HIV در گذشته اند. آگاهی نسبت به ایدز و راه های انتقال آن، گامی اساسی و ضروری در پیشگیری محسوب می شود. هدف از این مطالعه بررسی اپیدمیولوژی بیماری ایدز می باشد.

مواد و روش ها: مطالعه مروری حاضر با بررسی اینترنتی مقالات فارسی منتشر شده در از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹ با استفاده از کلید واژه های اپیدمیولوژی، ایدز، اچ ای وی و در پایگاه های علمی جهاد دانشگاهی (sid) و مگ ایران (magiran) انجام شد. در نهایت ۶۵ مقاله یافتیم که پس از سه مرحله غربالگری ۲۴ مورد معیار های ورود به مطالعه را داشتند.

نتایج: بر اساس مطالعات انجام شده مبتلایان به اچ ای وی در ایران برابر ۳۶۵۷۱ نفر بودند از این شمار ۸۳۱۱ نفر فوت کرده اند و ۱۱۹۶۴ نفر به مرحله آخر بیماری یعنی ایدز وارد شده اند. بر اساس این آمار ۸۴٪ مبتلایان مرد و ۱۶٪ زن بودند، ۵۴٪ موارد ثبت شده در گروه سنی ۲۱ تا ۲۵ سال قرار داشتند. هم اکنون آمیزش جنسی محافظت نشده عامل اصلی انتقال بیماری در ایران می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده انتقال این بیماری به علت آگاهی کم مردم درباره ایدز و روش های پیشگیری و درمان آن است که میتوان با آموزشهای مداوم از انتقال هرچه بیشتر آن جلوگیری کرد. یکی دیگر از راه های انتقال ایدز اعتیاد تزریقی است که پیشنهاد میشود آموزشهای مداوم و تشخیص زودهنگام بیماران جهت کنترل بیماری مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اپیدمیولوژی، ایدز، اچ ای وی،



سیمای اپیدمیولوژیک بیماران سرطانی زیر ۱۸ سال دریافت کننده خدمات طب تسکینی در استان گلستان در سال های ۱۳۹۸-۱۳۹۴

پویان اسدی^۱، عبدالرحیم حزینی^۲، جلیل شجاعی^۳، معصومه لندرانی^۴، حلیمه درویشی^۵، ملینا مازندرانی^۶

۱. مرکز تحقیقات بهبود کیفیت مراقبت های ویژه، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی شهید بهشتی، تهران، ایران
۲. فوق تخصص انکولوژی و طب تسکینی، مرکز طب تسکینی دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
۳. دانشجوی دکتری تخصصی پژوهشی مرکز تحقیقات علوم بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۴. باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران
۵. باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران
۶. گروه روانشناسی بالینی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران psychovidss@gmail.com

زمینه و هدف: امروزه با پیشرفت علم پزشکی و تکنولوژی مربوط به آن، به تدریج سرطان در کودکان و نوجوانان از یک بیماری حاد و کشنده به یک بیماری مزمن تبدیل شده و میزان بقاء افزایش یافته است. در حال حاضر بیشتر از ۵۰ درصد از کودکانی که از سرطان رنج می برند، حدود ۵ سال یا بیشتر زنده می مانند و به مرحله بزرگسالی می رسند (۱). علیرغم افزایش میزان بقاء، سرطان شرایط تهدیدکننده زندگی را فراهم کرده و تغییرات اساسی را در کیفیت زندگی کودکان، نوجوانان و خانواده بوجود می آورد. علاوه بر این، عوارض جانبی منفی ناشی از خود بیماری و درمان های آن، پیامدهای منفی طولانی مدتی را در بدنبال دارد، طوریکه حتی بعد از پایان درمان نیز عملکرد عاطفی و روانی کودکان و نوجوانان متأثر می شود (۲). هدف این مطالعه، بررسی اپیدمیولوژیک بیماران سرطانی زیر ۱۸ سال مراجعه کننده به مرکز مراقبت های حمایتی-تسکینی در انجمن بیماران سرطانی و صعب العلاج مهر گلستان در شهر گرگان از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ بوده است.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع توصیفی-مقطعی بوده و اطلاعات لازم ابتدا با کسب رضایت آگاهانه از بیماران سرطانی و سپس با مراجعه به پرونده آنان که از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ به مرکز مراقبت های حمایتی تسکینی استان گلستان واقع در شهر گرگان مراجعه کرده بودند، استخراج شده است.

نتایج: در این مطالعه، ۵۰ بیمار مبتلا به انواع سرطان در رده ی سنی ۱ تا ۱۸ سال شناسایی شدند که ۱۷ نفر (۳۴٪) آن ها زن و ۳۳ نفر (۶۶٪) آن ها مذکر بودند. سرطان خون با بیشترین فراوانی یعنی ۲۶ بیمار (۵۲٪) و سرطان تخمدان و روده، کمترین فراوانی یعنی ۱ بیمار (۲٪) را شامل شدند. ۳۵ بیمار (۷۰٪) در شهر و ۱۵ بیمار (۳۰٪) در روستا ساکن بودند. والدین ۲۹ بیمار (۵۸٪) دارای منزل شخصی و والدین ۲۱ نفر از آنان (۴۲٪) در منزل استیجاری سکونت داشتند. تمام بیماران مورد بررسی، مجرد بودند. ۱۴ بیمار (۲۸٪) سابقه خانوادگی ابتلا به سرطان را ذکر کرده بودند. گروه سنی ۶ تا ۱۰ سال با ۲۰ بیمار (۴۰٪) بیشترین موارد ابتلا را به خود اختصاص داده بود. برحسب تفکیک سال رجوع بیماران به مرکز، از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ به ترتیب ۲۰٪، ۲۰٪، ۱۴٪، ۱۸٪، ۲۸٪ از بیماران سرطانی به مرکز مراقبت های حمایتی-



تسکینی استان گلستان مراجعه کردند که از بین آنان ۱ نفر به علت کهولت سن والدین و ۱ نفر به علت فوت مادر مبتلا به سرطان، خانه دار و ۲ مورد نیز کارگری می کردند. از نظر ملیت یک بیمار، افغانی (۱٪) و بقیه، ایرانی بودند. از لحاظ تنوع قومیت، ۱۰ بیمار (۲۰٪) ترکمن، ۱۰ بیمار (۲۰٪) سیستانی، ۱ بیمار (۱٪) کرد و ۲۸ بیمار (۵۶٪) فارس بودند. ۱ بیمار (۲٪) فاقد بیمه و ۴۹ بیمار (۹۸٪)، بیمه داشتند.

نتیجه گیری: نظر به اینکه در استان گلستان قومیت‌های مختلف با فرهنگ‌های متفاوت زندگی می کنند و همچنین احتمالاً همه کودکان و نوجوانان مبتلا به سرطان در سطح استان گلستان به این مرکز ارائه دهنده خدمات طب تسکینی مراجعه نکردند، لذا این تعداد، آمار واقعی کودکان و نوجوانان مبتلا به سرطان در استان گلستان نبوده و جهت ارزیابی کامل سیمای اپیدمیولوژیک در بیماران این رده‌ی سنی، انجام پژوهش‌های بیشتر و مرتبط در این حوزه، ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: سرطان‌های کودکان و نوجوانان، خدمات حمایتی-تسکینی، کانون مهر گلستان، استان گلستان





Data-based analysis, modelling and forecasting of the COVID-19 outbreak in Iran

Mohebat Vali¹, Farzaneh Kasraei²

1. Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
2. Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
medic941yk@gmail.com

Background: The rapid spread of COVID-19 virus from China to other countries and outbreaks of disease require an epidemiological analysis of the disease in the shortest time and an increased awareness of effective interventions. Thus, this study aimed to determine the epidemic trend and prediction of COVID-19 in Iran, Based on joinpoint regression model.

Material and Methods: We collected the incidence and mortality of COVID-19 in 31.12.2019 to 17.10.2020 in Iran from official websites. We used the joinpoint regression to report annual percent change incidence and mortality. Also, we predicted the incidence and mortality of COVID-19 from 17.10.2020 to 31.12.2020 by formula and AAPC.

Results: Between 31.12.2019 to 17.10.2020, the average annual percent change for Iran of incidence COVID-19 1.38% (95% CI 1.11 to 1.65) and mortality 1.68% (95% CI 1.32 to 2.04). If no action is taken to control the disease, Incidence of COVID-19, to 31.12.2020 Reaches 12724 person and mortality of COVID-19, 925 person.

Conclusions: The most important point is to emphasize the timing of the epidemic peak, hospital readiness, government measures and public readiness to reduce social contact. In this study, estimations (incidence and mortality rate) were made based on joinpoint regression model. If enforcement and public behavior interventions continue with current trends, the COVID-19 epidemic will be Enormous increase until December 31, 2020 in Iran.

Keywords: Forecasting, COVID-19, Iran



Mental health status in nurses of Bandar Abbas hospital

Mohammad amin masoumi¹, Zeinab sadat moosavi fard², ashraf beirami²
shekufe zaree²

1. BSc in Nursing, Department of Nursing, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran. aminurse2035@yahoo.com

2. Faculty of nursing, Department of Nursing, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

Background: The health of nurses as care providers affects the quality of care provided by them to patients. The aim of this study was to investigate some aspects of nurses' mental health status.

Material and Methods: In this descriptive cross - sectional study, 200 nurses (95 males and 105 females) were surveyed by multistage sampling method. Data collection tools were demographic questionnaire and questionnaire. Mental health 28 general health questions with Likert scoring method.

Results: 14% of nurses had some degree of mental health disorder. The prevalence of the disorder was higher in women than men. Also, the mean scores of nurses on the scale of social dysfunction were higher than other cases. There was a statistically significant relationship between the prevalence of suspected cases of mental disorder and variables of gender, marriage, overtime, and work history.

Conclusions: The study of the mental health status of nurses provides valuable information in the field of prevention planning at various levels, continuing education, periodic examinations of employees, treatment and prevention of mental disorders in policy makers, planners and managers of health systems in the country.

Keywords: Mental Health, Nurse, General Health Questionnaire



Brucellosis Trend in West of Iran during the last decade; Applying Joinpoint Regression Model to Detect the Change in Trend of Brucellosis Incidence rate; 2010-2019

Fatemeh Shahbazi¹

1. PhD student in Epidemiology, Department of Epidemiology, School of Public Health, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran. Shahbazif2017@gmail.com

Background: Brucellosis is still one of the fundamental issues for public health and the economy in many developing countries such as Iran. This study aims to describe the epidemiological features of brucellosis and investigate its trend in Nahavand County in western Iran.

Material and Methods: This cross-sectional study was conducted on all confirmed brucellosis cases over the period between 2010 and 2019 in Nahavand County. We use a crude incidence rate per 100,000 persons and carried out a Joinpoint regression analysis to describe the brucellosis trend over the study period. Also, Binary logistic regression was used to estimate the effects of background characteristics and recurrent brucellosis.

Results: In total, 1782 cases of brucellosis were reported. The incidence of brucellosis increased from 27.2 per 100,000 populations in 2010 to 157.45 per 100,000 populations in 2019. The mean age of the cases was 37.22 ± 18.01 yr, they were predominantly male that living in rural areas. History of contact with an infected animal and consuming unpasteurized dairy products were observed in 79.30% and 68.73%, respectively. Logistic regression model using the forward stepwise method showed that female sex (adjusted odds ratio (AOR) 1.21, 95% confidence interval (CI): 1.12-1.54), age ≥ 55 years (AOR 4.53, 95% CI: 2.18-7.35), using unpasteurized dairy products (AOR 1.23, 95% CI: 0.94-1.42), and winter season (AOR 1.28, 95% CI: 1.06-1.88).

Conclusions: Health-related interventions need to empower communities at risk, especially young men in rural areas. Public health promotion is needed for control of risk factors in these areas.

Keywords: Brucellosis, Epidemiology, Recurrence, Trend, Iran



تأثیر آموزش به پرستاران در نحوه پیشگیری، کنترل و مقابله با عفونت های بیمارستانی

سیده سارا حسینی پاکدامن کویشاهی^۱، سیده سانیا حسینی پاکدامن^۲

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی ایران sr.hoseiny7@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی، رشته پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گیلان

زمینه و هدف: امروزه عفونت های بیمارستانی به یکی از اصلی ترین معضلات بهداشتی تبدیل شده است که سالانه هزینه های زیادی بر دوش فرد و جامعه می گذارد. سالانه حدود ۷/۱ میلیون عفونت بیمارستانی در دنیا رخ می دهد. مطالعات نشان می دهد که یکی از علل اصلی ایجاد عفونت های بیمارستانی عدم دانش و نگرش مناسب پرستاران در حوزه پیشگیری، کنترل و مقابله عفونت های بیمارستانی است.

مواد و روش ها: در این مطالعه مروری، مقالات فارسی با کلید واژه های عفونت بیمارستانی و یا آموزش پرستاران در حوزه پیشگیری، کنترل و مقابله با عفونت بیمارستانی، مورد بررسی قرار گرفتند. این مقالات از طریق جستجو در پایگاه اطلاعاتی SID بدست آمدند.

نتایج: نتایج مرور مطالعات ذکر شده نشان می دهد که ارائه آموزش های مداوم و با کیفیت برای افزایش تقویت نگرش پرستاران در کنترل عفونت های بیمارستانی نقش مهمی ایفا می کند. طبق مطالعات پیشین، فقط حدود ۱۰ درصد از پرستارانی که در بیمارستان های مربوط به دانشگاه های علوم پزشکی مشغول به کار هستند، دانش کافی و عملکرد مناسب برای پیشگیری، کنترل و مقابله عفونت های بیمارستانی دارند و حدود نیمی از کادر پرستاری سطح نگرش و دانش آن ها در زمینه پیشگیری، کنترل و مقابله با عفونت بیمارستانی در حد متوسط بود که این مهم خود نشان دهنده پایین بودن میانگین دانش پرستاران کشور در این حوزه می باشد.

نتیجه گیری: بهتر است آموزش مجازی و آموزش از طریق سخنرانی را به صورت تلفیقی برای آموزش دانشجویان و پرستاران بکار گرفت. باید بعد از گرفتن آزمون های استاندارد از کادر پرستاری، نمرات بدست آمده را در ارزیابی پرستاران دخالت داد و سبب ارتقا آنان شد. می توان با آموزش به دانشجویان و پرستاران و گرفتن آزمون پیش از ورود به بالین از میزان آگاهی آن ها مطلع شد و در صورت پایین تر بودن از حد استاندارد، به آن ها آموزش های لازم را ارائه داد.

واژگان کلیدی: آموزش، پرستاران، عفونت، عفونت بیمارستانی



مطالعه ی اپیدمیولوژیک بیماری تب مالت شهرستان شهرکرد (استان چهارمحال و بختیاری)

طی سالهای ۹۶ الی ۹۸

تانیا محرری^۱، زینب احمدی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی پیوسته بیولوژی و کنترل ناقلین بیماری ها، دانشکده ی بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

taniamhrry@gmail.com

زمینه و هدف: بیماری تب مالت از جمله مهم ترین بیماری های مشترک انسان و دام می باشد که در جهان علی الخصوص در ایران حائز اهمیت است و از جمله مهم ترین بخشهای ایران از نظر ابتلا به این بیماری شهرستان شهرکرد به شمار می آید. در این مطالعه به بررسی ویژگی های اپیدمیولوژیک مبتلایان به این بیماری در سالهای ۹۶ الی ۹۸ پرداخته شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه به صورت توصیفی و گذشته نگر بر روی کلیه مبتلایان به بروسلوزیس در سالهای ۹۶ الی ۹۸ انجام شده است. اطلاعات مربوط از پرونده های این بیماران که در مرکز بهداشت شهرستان شهرکرد ثبت شده بود به دست آمده و سپس اطلاعات با نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: در مجموع سالهای ۹۶، ۹۷ و ۹۸ تعداد ۶۳ مورد ابتلا گزارش شد که در این بین ۴۲ مرد (۶۷٪) و ۲۱ نفر زن (۳۳٪) بودند. تعداد مبتلایان منطقه ی شهری (۸۲٪) با اختلاف بیشتر از منطقه ی روستایی گزارش شدند. رده ی سنی ۳۰ الی ۵۰ سال با ۴۶٪ از کل جمعیت، بیشترین گروه مبتلا بودند. از لحاظ شغلی دامداران با ۳۰٪ و زنان خانه دار با ۲۸٪ بیشترین و کودک با یک مورد گزارش (۱٪) کمترین گروه مبتلا بودند. حدودا همه ی افراد سابقه ی مصرف فرآورده های لبنی غیر پاستوریزه را داشتند (۹۷٪) و ۵۲٪ از افراد دارای سابقه ی تماس با دام بودند.

نتیجه گیری: با توجه به قابل انتظار بودن درگیری قشر دامدار با این بیماری و درصد قابل توجه ابتلای زنان خانه دار، انتظار می رود با هماهنگی بیشتر مرکز دامپزشکی و مرکز بهداشت استان جهت واکسیناسیون دام ها و انجام آموزش های لازم به قشر در معرض، از ابتلای هر ساله به این بیماری مهم کاسته شود.

واژگان کلیدی: اپیدمیولوژی، تب مالت، ایران، استان چهارمحال و بختیاری، شهرکرد



بررسی عوامل مرتبط با کشندگی بیماری تب خونریزی دهنده کریمه کنگو طی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ در استان سیستان و بلوچستان

موسی پاکمنش^۱، دکتر ابوالفضل پاینده^۲، دکتر مجید سرتیپی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۲. استادیار آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران Payandeh61@gmail.com

۳. استادیار اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

زمینه و هدف: بیماری تب خونریزی دهنده کریمه کنگو، از درصد کشندگی بالایی برخوردار بوده و در ایران اندمیک می باشد. درمان حمایتی، اساس درمان این بیماری را تشکیل داده و در حال حاضر واکسن موثر و ایمنی برای انسان وجود ندارد. همچنین طبق گزارش‌ها، بروز بیماری در سالهای اخیر در کشور بخصوص در استان سیستان و بلوچستان افزایش داشته است. این مطالعه با هدف، تعیین عوامل مرتبط با کشندگی بیماران مبتلا به تب خونریزی دهنده کریمه کنگو طی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ در استان سیستان و بلوچستان اجرا شد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه از نوع مقطعی (توصیفی و تحلیلی) بود. داده‌ها با روش سرشماری جمع‌آوری شدند. تعداد کل نمونه‌ها ۲۸۶ بیمار بودند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته ای بود که با استفاده از اطلاعات ثبت شده در پورتال کشوری مدیریت بیماری‌های واگیر و پرونده خانوار بیماران و تماس تلفنی با بیمار یا سایر اعضای خانوار او تکمیل شد. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های کای دو، تی و من - ویتنی و همچنین مدل رگرسیون لجستیک تجزیه و تحلیل شدند. سطح معناداری کمتر از ۵٪ در نظر گرفته شد.

نتایج: میانگین سنی بیماران 32.4 ± 4.12 سال بود. ۹۳٫۶٪ بیماران مذکر بودند. میانگین سنی بیماران فوت شده و بهبودیافته به ترتیب ۳۶٫۱ و ۳۲٫۱ سال بود. همچنین ۶۴٫۳٪ آنها در شهر زندگی می‌کردند. میانگین میزان تحصیلات فوت شدگان و بهبود یافتگان از بیماری به ترتیب ۳٫۷ و ۶٫۵ سال بود. از بین کل بیماران، ۶٫۳٪ آنها فوت شده بودند. در مجموع ۱۰٫۶٪ از بیماران مونث و ۵٫۴٪ از بیماران مذکر فوت شدند. بیشترین بروز بیماری در ماههای مرداد، خرداد و اردیبهشت بود. بیشترین درصد ابتلا به بیماری در گروه شغلی قصابان و کارگران کشتارگاه ۴۷٫۶٪ کمترین درصد ابتلا در گروه شغلی آزاد با ۰٫۷٪ بود. ۹۹٫۳٪ بیماران تب داشتند و همچنین ۳۴٪ آنها علائم خونریزی را داشتند. بین مصرف ریبویرین و کشندگی از بیماری رابطه معنی دار آماری وجود داشت ($P = 0.01$).

نتیجه گیری: براساس اطلاعات بدست آمده، مصرف داروی ریبویرین باعث بهبود بیماران می‌شود. آموزش به گروه‌های در معرض خطر بیماری مانند قصابان، کارگران و جوانان، در پیشگیری از ابتلا به بیماری و مرگ موثر است.

واژگان کلیدی: تب خونریزی دهنده کریمه کنگو- فوت شده- بهبود یافته



عوامل مرتبط با پیش آگهی بیماری کووید-۱۹: یک مرور ساختار یافته

سعید فلاح^۱، سجاد رحیمی پوردنجانی^۲، وحیده رئیسی^۳، مرتضی رجبیان^۴

۱. دانشجوی دکتری، رشته اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران
۲. دانشجوی دکتری، رشته اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
sajadrahimip@gmail.com
۳. پزشک عمومی، مرکز بهداشت شهرستان کردکوی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران
۴. دندانپزشک عمومی، مرکز بهداشت شهرستان کردکوی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

زمینه و هدف: کووید ۱۹ با نام علمی SARS-CoV-2 یک ویروس مشترک بین انسان و حیوان از خانواده کورونا ویروس ها است که با توجه به نوپدید بودن آن، در این مطالعه تلاش شده است با مرور منابع علمی مختلف و تلفیق نتایج آنها اطلاعات جامعی در ارتباط با عوامل اثر گذار بر پیش آگهی بیمار COVID-19 ارائه گردد.

مواد و روش ها: این مطالعه مروری همه جانبه بر روی عوامل مرتبط با پیش آگهی بیماری کوید ۱۹ انجام شد. در این مطالعه از کلید واژه های "COVID-19"، "2019-nCoV"، "SARS-CoV-2" و "Coronavirus 2019" در پایگاه های اینترنتی "Web of Science"، "PubMed"، "Scopus"، "Google Scholar"، "BioRxiv" و "Medrxiv" جهت یافتن مطالعات مرتبط استفاده شد و پس از ارزیابی کیفی مطالعات از دستاورد های آنها جهت تلفیق نتایج استفاده شد.

نتایج: مردان، بیماران بالای ۷۰ سال و همچنین نوزادان و کودکان جوان تر، افراد مبتلا به بیماریهای زمینه ای، افراد دارای گروه خونی A، بیمارانی که در سیر بیماری خود دچار کاهش شدید سطح پلاکت می شوند و همچنین بیماران مناطق توسعه نیافته که به خدمات مناسب بهداشتی درمانی دسترسی ندارند نسبت به سایر بیماران مرگ و میر بالاتری دارند.

نتیجه گیری: سالمندان و نوزادان مخصوصاً آندسته که از جنسیت مذکر برخوردارند، افراد دارای بیماریهای زمینه ای و افراد دارای گروه خونی A نسبت به سایر افراد جامعه در صورت ابتلا به بیماری پیش آگهی بد تری دارند لذا پیشگیری اولیه باید بطور خاص در موورد آنان رعایت گردد. همچنین با افزایش دسترسی ها به خدمات بهداشتی درمانی مطلوب می توان از میزان مرگ و میر بیماران مبتلا به کووید ۱۹ کاست.

واژگان کلیدی: مرور ساختاریافته، پیش آگهی، کووید-۱۹



ارزیابی اثربخشی غربالگری تلفنی جمعیت در کنترل همه گیری بیماری ناشی از کووید-۱۹

سعید فلاح^۱، سجاد رحیمی پوردنجانی^۲، وحیده رئیسی^۳، مرتضی رجبیان^۴

۱. دانشجوی دکتری، رشته اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران
۲. دانشجوی دکتری، رشته اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
sajadrahimip@gmail.com
۳. پزشک عمومی، مرکز بهداشت شهرستان کردکوی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران
۴. دندانپزشک عمومی، مرکز بهداشت شهرستان کردکوی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

زمینه و هدف: کووید ۱۹ نام اختصاری ویروسی است که بعنوان عامل طغیان یک بیماری حاد تنفسی در چین کشف شد. این طغیان در مدت بسیار کوتاهی تبدیل به یک پاندمی شد و راه کار های متفاوتی در کشورهای مختلف دنیا جهت کنترل این پاندمی اتخاذ شد. یکی از این راهکار ها غربالگری تلفنی جمعیت عمومی جهت تشخیص و جداسازی سریع بیماران بود. لذا در این مطالعه سعی شده است اثربخشی این راهکار مورد ارزیابی قرار گیرد.

مواد و روش ها: این مطالعه بصورت مورد شاهدهی بر روی سه گروه از افراد، افرادی که دچار مرگ از بیماری ناشی از کووید-۱۹ شدند، افرادی که دچار بیماری ناشی از کووید-۱۹ شده اما بهبود یافته بودند و افراد سالمی که به این بیماری مبتلا نشده بودند. از رگرسیون لاجستیک جهت محاسبه نسبت شانس تطبیق شده استفاده شد.

نتایج: نسبت شانس غربالگری در افراد مبتلا به بیماری (فوت شده یا بهبود یافته) در مقایسه با شانس غربالگری در افراد سالم، تعدیل شده برای متغیر شغل، سطح تحصیلات، سن و جنس برابر ۰,۲۴۲ بود. ($p=0.36$)

نتیجه گیری: غربالگری تلفنی جمعیت جهت کنترل اپیدمی بیماری حاد تنفسی ناشی از کووید ۱۹ از اثربخشی برخوردار نمی باشد.

واژگان کلیدی: غربالگری تلفنی، پیش آگهی، کووید-۱۹



Age-specific incidence rate of leukemia in children under 14 years of age in Iran: [an updated a systematic review](#)

Sajjad Rahimi Pordanjani¹, Saeid Fallah², Vahide Raeisi³, Morteza Rajabian⁴

1. PHD student, Department of Clinical Epidemiology, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
2. PHD student, Health Management and Social Development Research Center, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran. S.fallah@goums.ac.ir
3. General physician, Health Centers of Health Deputy, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran
4. General Dentist, Health Centers of Health Deputy, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran

Background: Cancer is the second leading cause of death in children aged 0-14 years after unintentional trauma and leukemia is the most prevalent type of cancer in children. The aim of this study is to evaluate the age-specific incidence of leukemia in under children under 14 years of age in Iran through a meta-analysis.

Material and Methods: The present study is a systematic review and meta-analysis of leukemia in Iranian children aged 0-14 years between 1950 and 2019. To access reviews conducted in Iran, we searched articles published in Iranian databases including Iran Biomedical Journals (Iran Medex), Country Magazines Database (Mag Iran), and Scientific Information Database (SID) and international databases such as Google Scholar and PubMed. The quality of articles was evaluated using the guidelines checklist for critically appraising studies of prevalence or incidence of a health problem.

Results: A total of 382 articles were identified in the search phase, of which 367 were excluded in the quality assessment process based on inclusion criteria, and finally 15 studies carried out in different areas of Iran were included in our meta-analysis. The crude incidence rate in the total population using Random effect model was estimated at [29.29 (CI% 95 25.74 - 32.84)] in one million children aged 0-14 years. This rate was [34.72 (CI% 95 28.85- 40.59)] in boys and [24.89 (CI% 95 20.28-29.5)] in girls per one million children aged 0-14 years. According to the results, three provinces of Fars (51.48), Golestan (40.86) and Qazvin (35.82) had the highest prevalence of leukemia in children aged 0-14 years, respectively.

Conclusions: Given that the incidence of leukemia in boys is higher than in girls and it is more drastic in some Iranian provinces, further attention should be dedicated to risk factors in this group and in these areas of the country to help curb the incidence of this disease in children.

Keywords: Leukemia, Incidence, Children, Iran, Meta-analysis



بررسی راهکارهای جلوگیری از ویروس کرونا

مریم ممویی^۱

mammoyi@yahoo.com

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری دانشکده پیراپزشکی بهبهان، بهبهان، ایران

زمینه و هدف: طبق اعلام سازمان جهانی در پایان سال ۲۰۱۹ در چین، نوع جدیدی از کروناویروس با نام علمی SARS-CoV-2 به عنوان عامل ایجاد کننده ی یک بیماری تنفسی جدید معرفی گردید. با گسترش بسیار سریع این بیماری و سرعت بالای سرایت آن در چین و سایر نقاط دنیا به خصوص در حال حاضر با درگیر شدن کشورمان نگرانی و ترس زیادی در بین مردم به وجود آمده است. هدف از این مطالعه بررسی راهکارهایی برای جلوگیری از انتشار ویروس کرونا می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه مروری، از طریق جستجو در پایگاه های اطلاعاتی Scopus، PubMed و موتورهای جستجوی BioRxiv، Google scholar با استفاده از کلید واژه هایی نظیر "Coronavirus"، "2019-nCoV"، "COVID-19" و "SARS-CoV-2" به دست آمده اند. در جستجوی اولیه از مقالات چاپ شده تا فوریه ۲۰۲۰، ۳۲ مقاله انتخاب شد که پس از ارزیابی و بررسی متن کامل مقالات، 26 مقاله شرایط لازم برای شرکت در مطالعه حاضر دارا بودند. معیار ورود به این مطالعه، مقاله های انگلیسی چاپ شده در زمینه عفونت کرونا ویروس جدید و معیار خروج مقالات غیرمرتبط با کرونا ویروس بوده است.

نتایج: طبق نتایج تحقیقات اخیر، مسیر اصلی انتقال این ویروس از طریق استنشاق قطرات تنفسی آلوده، تماس نزدیک با فرد مبتلایا تماس با ترشحات فرد بیمار میباشد قطرات تنفسی آلوده از طریق سرفه یا عطسه فرد مبتلا در محیط منتشر شده و در دهان یا بینی افرادی که در نزدیکی فرد بیمار قرار دارند فرود آمده و سپس به داخل ریه ها منتقل میشود. احتمال ابتلای فرد به COVID-19 از طریق لمس شی یا سطح آلوده نیز وجود دارد لذا با توجه به نبود درمان استاندارد و واکسن موثر برای کرونا ویروس جدید، بهترین راه در شرایط حاضر اجتناب از آلودگی و جلوگیری از انتشار آن است.

نتیجه گیری: اپیدمی کرونا ویروس جدید در مقایسه با کرونا ویروس های قبلی در انسان گسترده تر بوده که این موضوع بیانگر قدرت سرایت فوق العاده بالای این ویروس است. در حال حاضر پیشنهاد میشود برای کنترل عفونت مواردی مانند مسافرت نکردن به مناطق اپیدمیک، شست و شوی مکرر دست ها با آب و صابون به مدت ۲۰ ثانیه، عدم مصرف گوشت و تخم مرغ نیم پز، ضد عفونی کردن سبزیجات خام، اقدامات محافظتی و بهداشت فردی رعایت شود.

واژگان کلیدی: سارس کرونا ویروس-۲، کرونا ویروس جدید، کرونا ویروس ۲۰۱۹، کووید-۱۹



The study of esophageal cancer risk factors in Golestan in 1396; A review article

Nilofar Ghoorchi ¹, Dr Farideh kouchak ², Sara kazemnezhad ¹

1. Medical Students, Department of Community Medicine, Golestan University of Medical Sciences, Golestan, iran

2. Assistance Professor, Department of Community Medicine, Faculty of Medicine, Golestan University of Medical Sciences, Golestan, iran faridehkouchak@yahoo.com

Background: Esophageal cancer is the 3rd common cancer and 6th cancer related death in the world. The high incidence of this cancer in some parts of the world can relate the esophageal cancer with genetic and environmental factors. North of Iran is one of these areas and in all reports, the incidence of esophageal cancer in Turkmens is higher than other folks. The purpose of this review article is the study of esophageal cancer risk factors in Golestan province.

Material and Methods: keywords (esophageal cancer, Golestan, Iran, risk factors) in websites "Pubmed, Nature, SID" Were searched and 11 articles were found.

The relations of esophageal cancer in Golestan with inappropriate methylation of tumor suppressor genes (p14, p15, p16) and silence and reduction of gene expression, MAGE1 Antigen, MAML1 protein, family relations, hardness of drinking water, food pattern (drinking hot tea and low intake of fruits and vegetable and dairy), smoking and drinking alcohol, bacterial infections (like *H. pylori*), EBV, economic factors like poverty, concentration of silicon in wheat flour and selenium soil were studied.

Results: Inappropriate methylation of tumor suppressor genes, MAGE1 Antigen, MAML1 protein, family relations, food pattern, smoking and opium consumption, drinking alcohol, *H.pylori*, EBV, poverty and selenium soil have significant relations with esophageal cancer but there are no relationships with concentration of silicon in wheat flour, hardness of drinking water and esophageal cancer.

Conclusions: Changes in lifestyle may be expected to increase esophageal cancer incidence. Therefore, appropriate interventions should be designed and implemented.

Keywords: esophageal cancer, Golestan, Iran, risk factors



Epidemiological Study of Neonatal Mortality in Hospitalized Neonates in The Neonatal Intensive Care Unit of Hamadan Medical - educational Hospitals in 2018

Mehrdad Maleki Jamasbi¹, Hiva Azami², Seyedeh Hadis Ebrahimi Neshat³, Kamran Alipour⁴, Fatemeh Jahani³, Sajjad Amiri Bonyad⁴

1. Faculty Member, Department of Nursing Education, School of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran
2. Faculty Member, Department of Medical - Surgical Nursing, School of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran
3. Bachelor Student of Midwifery, Student Research Committee, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran
4. Bachelor Student of Nursing, Student Research Committee, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran
5. Sajjad Amiri Bonyad, Student Research Committee, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran sjdamr98@gmail.com

Background: Neonatal mortality rate has declined in the last decade. however, the trend of these deaths in our country is much higher than developed countries. Therefore, it is important to study the epidemiological indicators in the field of mortality. In this regard, the present study was conducted with the aim of epidemiological study of neonatal mortality in hospitalized neonates in the neonatal intensive care unit of Hamadan medical- educational hospitals in 2018.

Material and Methods: In this retrospective descriptive cross-sectional study, the information of all neonates hospitalized and died for one year in the neonatal intensive care unit in Hamadan Educational - medical Hospitals in 2018 years, by census method, was extracted from the Patients medical records by using a checklist from a researcher-made questionnaire. Data were analyzed by descriptive statistical test and SPSS 21 software.

Results: From 2156 hospitalized, 109 patient died, that the highest mortality rate was among the result of cesarean section neonates (68.9%), with APGAR score of 0-7 (82.6%), without congenital malformations (66.1%), weighting less than 1500 grams at birth (48.6%), in the gestational age 32-38 weeks (39.44%). Based on the results, most of the dead were single-day neonates, male, with head circumference 35 cm, at the age of 18 to 35 the mother, in diploma and urban mothers, with no history of previous neonate death, stillbirth, smoking and mental illness.

Conclusions: Due to the high mortality rate in neonates, especially single-day neonates, premature, weighting less than 1500 grams at birth and the result of cesarean section neonates, to reduce this rate as much as possible, effective and timely attentions and actions such as prenatal training for pregnant mothers is necessary.

Keywords: Epidemiology, Mortality, Neonatal intensive care



Epidemiological Study of Mortality Caused by Road Accidents in the Intensive Care Unit of Besat Educational-medical Hospital in Hamadan City During Nowrouz Holidays 2018

Hiva Azami¹, Mehrdad Maleki Jamasbi², Mina Mohammadpour Bayati³, Zahra Bakhtiari³, Shiva Mohammadpour Bayati⁴, Sajjad Amiri Bonyad⁵

1. Faculty Member, Department of Medical- Surgical Nursing, School of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran
2. Faculty Member, Department of Nursing Management, School of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran
3. Master Student of Nursing Management, Student Research Committee, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran
4. Medical Student, Student Research Committee, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran
5. Bachelor Student of Nursing, Student Research Committee, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran sjdamr98@gmail.com

Background: Road accidents are one of the causes of death and it's important to investigate the epidemiological indicators in this context. In this regard, this study aimed to determine the epidemiological causes of road accident mortality in the intensive care unit of Besat Educational-medical Hospital in Hamadan during Nowruz Holidays 2018.

Material and Methods: In this descriptive cross-sectional study, data of the patients died for 13 days in Nowruz Holidays in the intensive care unit of Besat Hospital in Hamadan, by census method, was extracted from the medical records of patients by using a checklist from a researcher-made questionnaire. Data were analyzed by Fisher's exact test and SPSS 21 software.

Results: Of the 28 Patient admitted to the intensive care unit, 16 patients died. Most deaths were in the third decade of life, among single men, with a self-employment job, with diploma education level or cycle education level, with more than 10 days of hospitalization and in the night shift. Based on the results, most of the dead persons were rider (81.25%), suffered head trauma (50%), with head surgery (56.25%), without any underlying illness (93.75%) and without successful experience of cardiopulmonary resuscitation (87.5%). There were no statistically significant differences between the variables and mortality rate (P value $> 0/05$).

Conclusions: Young single men with low level of education are a wide range of road accidents victims. Therefore, it seems it's necessary to reduce mortality from these accidents, health planning such as traffic culture training and driving rules, by using social media, should focus on learning and improving the level of community awareness, especially in this group of people.

Keywords: Mortality, Epidemiology, Road accidents, Intensive care unit



بررسی ارتباط بین سبک زندگی و بیماری‌های غیر واگیر: مروری سیستماتیک

سیده زهرا حسینی اصل^۱، زینب السادات موسوی فرد^۲، اشرف بیرامی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته پرستاری، گروه پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، بندرعباس، ایران
zahrahosseini77828@gmail.com

۲. هیات علمی، گروه پرستاری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

زمینه و هدف: بیماری‌های غیر واگیر در همه جوامع قسمت اعظم بار بیماری‌ها را به خود اختصاص می‌دهند و عامل اصلی مرگ‌ومیر در سراسر جهان هستند. در جامعه کنونی بسیاری از بیماری‌های غیر واگیر از جمله سرطان و بیماری‌های قلبی- عروقی، به سبک زندگی افراد بستگی دارد؛ به طوری که بسیاری از بیماری‌های غیر واگیر به طور مستقیم یا غیرمستقیم از سبک زندگی فرد ناشی می‌شود و یا حداقل آنکه سبک زندگی در تشدید و یا دوام آن نقش دارد. هدف از مطالعه حاضر، بررسی ارتباط بین سبک زندگی و بیماری‌های غیر واگیر بود.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه که نوعی بررسی مروری - توصیفی است، با بررسی کتاب‌های معتبر، مطالب و مفاهیم مربوط به موضوع، جمع‌آوری و دسته‌بندی شده و جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی علمی منتخب، شامل Iran medex, Google Scholar, Pubmed, SID با کلیدواژه Lifestyle, Non-communicable Disease, Environmental factors استفاده شد و ۳۵۰ مقاله به دست آمد. از بین این مقالات، مقالاتی که متن کامل آن‌ها موجود بود و در پنج سال اخیر منتشر شده بودند، مورد بررسی بیشتر قرار گرفتند.

نتایج: نتایج پژوهش نشان داد که بین روش‌های سبک زندگی افراد و بروز بیماری‌های غیر واگیر ارتباط مستقیمی وجود دارد. در میان علل ایجادکننده بیماری‌های غیر واگیر درصد کمی به مشکلات ژنتیکی مربوط می‌شود و درصد بالایی از عوامل مربوط به عوامل محیطی و سبک زندگی افراد مانند رژیم غذایی، اضافه‌وزن، فعالیت فیزیکی و مصرف دخانیات می‌شود.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده به نظر می‌رسد که به منظور پیشگیری و کنترل عوامل بیماری‌های غیر واگیر باید در شیوه زندگی افراد جامعه تغییراتی ایجاد شود. اقدامات پیشگیرانه نیازمند مداخله در غربالگری، شناسایی به موقع، درمان، آموزش و اطلاع‌رسانی صحیح است. برای اصلاح سبک زندگی می‌توان با افزایش آگاهی مردم از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی تغییری در عملکرد آن‌ها ایجاد کرد.

واژگان کلیدی: بیماری‌های غیر واگیر، سبک زندگی، عوامل محیطی



فراوانی بیماری لیشمانیوز پوستی مشکان مرکز ایران طی سال های ۲۰۰۸-۲۰۱۸

مهديه محمدزاده^۱

۱. مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران
m.mohammadzadeh997@gmail.com

زمینه و هدف: لیشمانیوز پوستی یکی شایع ترین بیماری های انگلی مشترک بین انسان و حیوان بشمار می روند که توسط پشه خاکی ها منتقل می شود. مطالعه به منظور بررسی وضعیت اپیدمیولوژیک لیشمانیوز جلدی در شهر مشکان طی سال های ۲۰۰۸-۲۰۱۸ انجام شده است.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی گذشته نگر، اطلاعات اپیدمیولوژیک از جمله سن، جنس، تابعیت، شغل و محل زخم کلیه بیمارانی که از ۲۰ مارس ۲۰۰۸ تا پایان روز ۲۰ ماه مارس ۲۰۱۸ با تشخیص بیماری لیشمانیوز پوستی در مرکز بهداشتی درمانی شهرستان تحت پیگیری و درمان قرار گرفته بودند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: نتایج این مطالعه نشان داد از ۱۰۲ بیمار مبتلا به سالک ۳۹ نفر زن (۳۸ درصد) و ۶۳ نفر مرد (۶۲ درصد) بودند. بررسی ها نشان داد که در ۶ ماه سال از جمله ماه های مارس، آوریل، مه، دسامبر، ژانویه و فوریه موارد ابتلا به سالک وجود نداشته و فقط موارد ابتلا در ماه های ژوئن، جولای، آگوست، سپتامبر، اکتبر و نوامبر ثبت گردیده است. بیشترین موارد بیماری در ماه آگوست و کمترین موارد در ماه های ژوئن و نوامبر بوده است. بیشترین موارد بیماری در بین دانش آموزان و کمترین موارد در بین رانندگان گزارش گردید.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان می دهد که در شهر مشکان شیوع لیشمانیوز جلدی نوع روستایی شایع بوده است با وجود اقدامات کنترلی و پیشگیری موارد بیماری چندان کاهش نیافته است لذا همزمان با کاربرد روش های پیشگیری، آموزش افراد محلی از نحوه انتقال بیماری و حفاظت های فردی و خانوادگی مورد توجه قرار گرفته شود.

واژگان کلیدی: پشه خاکی، لیشمانیوز جلدی، مشکان



تعیین ویژگی های اپیدمیولوژیک بیماران مبتلا به سرطان های دستگاه تناسلی زنانه مراجعه کننده به بیمارستان فرقانی، بهشتی، ایزدی و آزمایشگاه پاتولوژی مادر در بین سالهای ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸

منیره میرزایی^۱، مصطفی واحدیان^۲، مهديه قدوسی^۳، عنایت اله نوری^۴، لیلا حسینی ناظر^۴
مژده واعظ زاده^۵

۱. استادیار انکولوژی زنان، گروه زنان و زایمان، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران
۲. استادیار اپیدمیولوژی، گروه پزشکی اجتماعی و خانواده، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران
۳. استادیار آسیب شناسی، گروه داخلی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران
۴. پزشکی عمومی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران
۵. کارشناس پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

Enayatnoori68@gmail.com

زمینه و هدف: سرطان های مختلف دستگاه تناسلی از علل شایع مرگ و میر خانم ها در طول مراحل مختلف زندگی می باشد. هدف از این مطالعه تعیین ویژگی های اپیدمیولوژیک بیماران مبتلا به سرطان های دستگاه تناسلی زنانه مراجعه کننده به بیمارستان فرقانی و ایزدی در بین سالهای ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ بود.

مواد و روش ها: در این مطالعه که به صورت گذشته نگر انجام شد، پرونده تمامی بیمارانی که با تشخیص بدخیمی های دستگاه تناسلی زنانه بستری و تحت درمان قرار گرفته بودند مورد بررسی قرار گرفت و متغیر های مورد مطالعه وارد چک لیست محقق ساخته شدند. در نهایت تمامی این اطلاعات وارد نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: میانگین سنی بیماران 57.59 ± 14.35 سال بود. بیشترین نوع سرطان رحم Endometrial Adenocarcinoma ۱۵ مورد (۱۱،۸٪) بود. بیشترین نوع سرطان تخمدان Ovarian serous cystadenoma ۱۴ مورد (۱۱٪) و بیشترین نوع Squamous Cell Carcinoma of Cervix سرطان سرویکس ۴۱ مورد (۳۲،۳٪) بود، بیشترین درگیری بیماران در سال ۱۳۹۶ ۵۰ مورد (۳۹،۴٪) و به ترتیب در سال های بعدی ۴۸ مورد (۳۷،۸٪) و در سال ۱۳۹۶ ۲۹ مورد (۲۲،۸٪) به صورت کاهشی بود. ۶۷ مورد (۵۲،۸٪) افراد شهرنشین بودند و ۶۰ مورد (۴۷،۲٪) افراد روستایی بودند. ۲۷ نفر (۲۱،۳٪) افراد سابقه خانوادگی سرطان در خانواده خود داشتند. میزان فوت شدگان ۲۸ مورد (۲۲٪) و زنده مانده ها ۹۹ مورد (۷۸٪) بوده است. بین مکان درگیری و مورثالیتی بیماران ارتباط معناداری بدست آمد ($P \text{ value} = 0.02$). اما ارتباط معناداری بین مورثالیتی و سال تشخیص بیماری یافت نشد ($P \text{ value} = 0.078$)، همچنین ارتباط معناداری بین سابقه خانوادگی و مورثالیتی وجود نداشت، همچنین ارتباط معناداری بین مکان زندگی و مورثالیتی افراد وجود نداشت ($P \text{ value} = 0.598$).

نتیجه گیری: در نهایت نتایج مطالعه ما مشخص می کند که توجه بیشتر به برنامه های پیشگیری و درمانی در مورد سرطان های دستگاه تناسلی زنان لازم و ضروری است.

واژگان کلیدی: اپیدمیولوژیک، دستگاه تناسلی زنانه، سرطان



Study on epidemiology of cutaneous leishmaniasis in Fars province, southern Iran, during 2017

Mohsen Kalantari¹, Kouros Azizi², Mohammad Hossein Motazedian³, Qasem Asgari⁴

1. Research Center for Health Sciences, Institute of Health, Department of Medical Entomology and Vector Control, School of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

Kalantari22@yahoo.com

2. Department of Medical Entomology and Vector Control, School of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

3. Basic Sciences in Infectious Diseases Research Center, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

4. Department of Parasitology and Mycology, School of Medicine, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Background: Although Cutaneous Leishmaniasis (CL) is endemic in 98 countries, roughly 75% of cases are reported in only ten countries including Iran. Prevalence and incidence of CL is remarkable in 17 provinces of the country. *Leishmania* species are the main etiological agents of CL, and mammals and sand flies maintain and transmit the parasites, respectively. This study focused on the monitoring of *Leishmania* agent infections and updating the distribution data of these species in suspected patients of CL from Shiraz and Kharameh townships using various methods of microscopy, culture, and polymerase chain reaction (PCR) in Fars province, during 2017. The results will help for a better planning of disease control in these areas.

Materials and Methods: Cutaneous slit biopsies were prepared from 350 suspected human cases to CL in Shiraz and Kharameh. Patient demographic data such as age, gender, the number, and location of each lesion were recorded in the forms which were consisted of informed and free consent part that filled by volunteers. Biopsies were checked by microscopy, culture, and PCR assays. For PCR, four different genes were detected including minicircle kDNA, and cysteine protease B (CPB) genes for *Leishmania* detection, and glyceraldehyde-3-phosphate dehydrogenase (GAPDH), and internal transcribed spacer 1 (ITS1) genes for *Crithidia*.

Results: Among 350 suspected cases of CL, 68% and 65.3% of were positive by microscopy and cultivation methods. The most CL patients were aged 11-30 years. In PCR assay, *L. major*, and *L. tropica* were detected in 86.2% (238/276), and 13.1% (36/276) of CL cases, respectively. Also, dermal *L. infantum* strain was isolated from 0.7% (2/276) of suspected patients to post kala-azar dermal leishmaniasis (PKDL). In addition, *Crithidia sp.* was detected in two of CL patients who chronically infected with *L. major*.

Conclusions: Despite various control strategies, especially CL against, considerable cases of leishmaniasis are recorded from Iran every year. Clinical and epidemiological diversity, lack of data, and non-health effects of the disease, such as stigmatization and poverty, have complicated the assessment of the burden of leishmaniasis. Therefore, more epidemiological, ecological, and gene polymorphism studies are needed to understand the pathogenic role of *Leishmania* species in humans in leishmaniasis life cycle.

Keywords: Epidemiology, Cutaneous Leishmaniasis, Fars, Iran.



Can judgments according to case fatality rate be correct all the time during epidemics? Estimated cases based on CFR in different scenarios and some lessons from early case fatality rate of coronavirus disease 2019 in Iran

Ghobad Moradi¹, Bakhtiar Piroozi¹ Amjad Mohamadi-Bolbanabad¹, Hossein Safari²,
Azad Shokri¹, Ramyar Rahimi Darehbagh³

1. Social Determinants of Health Research Center, Research Institute for Health Development, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran
2. Health Promotion Research Center, Iran University of Medical Science, Tehran, Iran. piroozi@muk.ac.ir
3. Student Research Committee, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran

Background: The new Coronavirus disease (COVID-19) was first identified in China in 2019. Case fatality rate (CFR) indicator of the disease is one of the most important indices noticed by experts, policymakers, and managers, based on which daily evaluations and many judgments are made. CFR can change during epidemics. This study aimed to estimate the actual number of COVID-19 cases in Iran and to calculate the early CFR for the disease based on official statistics)

Material and Methods: This was a descriptive study whose data were obtained from the website of the Ministry of Health and Medical Education of Iran from February 20, 2020 until March 26, 2020. CFR has been obtained by dividing the total number of deaths by the total number of confirmed cases at one point in time. In this study, the actual number of COVID-19 cases in Iran was estimated based on the mortality model in 4 scenarios. Excel 2013 software was used to analyze the data

Results: According to the findings of this study, In Iran, until March 26, 2020, a total of 27 017 people have been infected by COVID-19 and 2077 died of it. However, CFR indicator had a descending trend in Iran: 100%, 18.6%, 8.8%, 3.3%, 6.9%, and 7.7% on days 1, 5, 10, 20, 30, and 35, respectively. The actual number of COVID-19 cases in Iran was estimated to be 4 789 454, 2 873 673, 1 436 836, and 718418 as of March 26, 2020 according to the 4 scenarios, respectively

Conclusions: In emerging epidemics, CFR indicator must not be used as a basis to judge the performance of a health system unless that epidemic condition has been clarified. Moreover, it is suggested that in the outbreak of an epidemic, specifically emerging diseases, CFR must not be the base of judgment. Making judgments, specifically in the outbreak of emerging epidemics, based on fatality rate can lead to information bias. It is also possible to estimate the total number of patients based on the CFR in circumstances where little information is available on the disease.

Keywords Coronavirus, COVID-19, Case fatality rates, Pandemic, Mortality estimated model, Iran



بررسی شیوع گلوکوم در ایران: یک مطالعه‌ی مرور سیستماتیک و متاآنالیز

محسن کاظمی‌نیا^۱، هومن قاسمی^۱، نیلوفر درویشی^۱، هانیه رستمی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته کارشناسی پیوسته پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه
mkazemini69@gmail.com

زمینه و هدف: گلوکوم آسیب پیش‌رونده عصب بینائی است که علل متعددی دارد ولی در اکثر موارد، علت آن ناشناخته می‌باشد. مهمترین عامل خطر ساز این بیماری، افزایش فشار داخل چشم (IOP) است. لذا هدف مطالعه حاضر؛ تعیین شیوع گلوکوم در ایران طی یک مطالعه‌ی مرور سیستماتیک و متاآنالیز می‌باشد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه مرور سیستماتیک و متاآنالیز اطلاعات مطالعات انجام شده در ارتباط با شیوع گلوکوم در ایران با استفاده از کلید واژه‌های Iran and Glaucoma, Epidemiology, Prevalence و معادل فارسی آنها در پایگاه‌های اطلاعاتی SID, MagIran, IranMedex, IranDoc, ScienceDirect, Embase, Scopus, PubMed, Web of Science (ISI) و موتور جستجوی Google Scholar بدون محدودیت زمانی تا مه ۲۰۲۰ استخراج شد. جهت انجام تحلیل مطالعات واجد شرایط، از مدل اثرات تصادفی استفاده و ناهمگنی مطالعات با شاخص I^2 بررسی شد. آنالیز داده‌ها با نرم‌افزار Comprehensive Meta-Analysis (Version 2) انجام گرفت.

نتایج: در بررسی ۹ مطالعه با حجم نمونه کل ۸۷۷۳ نفر از جمعیت ایران، شیوع کلی گلوکوم؛ ۶ درصد (فاصله اطمینان ۰.۹۵٪: ۱۲/۹-۲/۷ درصد) گزارش شد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که شیوع گلوکوم در ایران بالاست. لذا مسئولین مربوطه باید تمهیداتی برای جلوگیری از انتشار این بیماری طراحی نمایند.

واژگان کلیدی: گلوکوم، شیوع، متاآنا



بررسی شیوع هپاتیت C در بیماران مبتلا به تالاسمی ماژور در ایران: یک مطالعه‌ی مرور سیستماتیک و متاآنالیز

محسن کاظمی‌نیا^۱، هانیه رستمی^۱، نیلوفر درویشی^۱، هومن قاسمی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته کارشناسی پیوسته پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه
mkazemini69@gmail.com

زمینه و هدف: افرادی که از تزریق خون به HCV آلوده می‌شوند، بیمارانی هستند که به طور مستمر نیاز به دریافت خون و فرآورده‌های خونی دارند، از جمله این بیماران، مبتلایان به تالاسمی ماژور می‌باشند. لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین شیوع هپاتیت C در بیماران مبتلا به تالاسمی ماژور در ایران طی یک مطالعه‌ی مرور سیستماتیک و متاآنالیز انجام می‌شود.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه‌ی مرور سیستماتیک و متاآنالیز اطلاعات مطالعات انجام شده در ارتباط با شیوع هپاتیت C در بیماران مبتلا به تالاسمی ماژور در ایران با استفاده از کلید واژه‌های لاتین HCV, Prevalence, Hepatitis C, Thalassaemia, Iran و major و معادل فارسی آنها در پایگاه‌های اطلاعاتی SID, MagIran, IranMedex, IranDoc, ScienceDirect, Embase, Scopus, PubMed, ISI Web of Science و موتور جستجوی Google Scholar بدون محدودیت زمانی تا مه ۲۰۲۰ استخراج شد. آنالیز داده‌ها با نرم‌افزار Comprehensive Meta-Analysis (Version 2) انجام گرفت.

نتایج: در بررسی ۴۰ مطالعه با حجم نمونه کل ۱۱۴۷۸ نفر از جمعیت ایران، شیوع هپاتیت C در بیماران مبتلا به تالاسمی ماژور؛ ۱۹ درصد (فاصله اطمینان ۹۵٪: ۲۳/۱-۱۵/۵) گزارش شد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که شیوع هپاتیت C در بیماران مبتلا به تالاسمی ماژور در ایران بالاست. لذا مسئولین مربوطه باید تمهیداتی برای جلوگیری از انتشار این بیماری طراحی نمایند.

واژگان کلیدی: هپاتیت C، تالاسمی ماژور، شیوع، متاآنالیز.



Recommendations for hematopoietic stem cell transplant recipients during the covid 19 pandemic

Fatemeh Zahedi ¹, Hamid Ferdous-Nejad ^{2*}, Mohebat Vali ³

1. Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.
2. Student Research Committee, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran.
hamidreza73fr@gmail.com
3. Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

Background: Currently, the world is witnessing a health crisis in the form of the covid 19 pandemic. One of the factors that paves the way for Covid 19 is the weakened immune system, and since a few days before hematopoietic stem cell transplantation, these patients undergo high-dose chemotherapy and bone marrow suppressants, the immune system of these people is severely weakened. Oncologists, especially hematopoietic stem cell transplant specialists, are very concerned about patients who will be transplanted in the current situation and are looking for ways that can be the least harmful and most beneficial for patients in this crisis.

Material and Methods: In this review study, all related studies from Magiran, Medlib, SID, IranMedex, Scopus, Google Scholar and PubMed databases with the keywords of COVID 19, COVID 19 virus, Coronavirus-19, 2019-nCoV, 2019 novel coronavirus, SARS-CoV-2, severe acute respiratory syndrome coronavirus 2, Hematopoietic stem cell transplantation, Bone marrow transplantation in the period from 2019 to 2020 was searched and 29 articles were extracted. Then 8 articles that met the research criteria were included in the study. Data analysis was performed qualitatively.

Results: Among the reviewed articles, several recommendations are considered more important and more emphasized in patients who are to be transplanted in these conditions. All recipients should have a negative COVID-19 RT-PCR test before starting transplant-related medication regimens regardless of respiratory symptoms. If the recipient has recently had a close relationship with the positive case of Covid 19, it is best to have the transplant done after 21 days. If the recipient has Covid 19 disease, it should be evaluated based on the risk of death from untreated. In patients whose disease is not severe, it is better to postpone the transplant for 3 months, but in high-risk patients, the transplant should be performed when the patient is asymptomatic and two PCR tests are negative one week apart.

Conclusions: In general, in the current crisis caused by the Covid 19 pandemic, it is better to weigh all aspects of treatment and non-treatment before deciding to have a stem cell transplant and if the transplant is to be performed according to the condition of the disease, it is recommended to observe all health issues more than before

Keywords: : Covid 19, Coronavirus, Hematopoietic stem cell transplant



Children mortality and Mother's education in Iran findings from the Global Burden of Disease Study 2017: An Ecological Study

Mohebat Vali¹, Zahra Maleki², Zohreh Shoyukhi³, Fatemeh Zahedi⁴

1. Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.
2. Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.
3. Student Research Committee, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran.
4. Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.
fatemezahedi1994@gmail.com

Background: Child mortality / child survival is one of the important indicators of national socio-economic development and health development measure. Reducing child mortality is one of the Millennium Development Goals worldwide. Child mortality can have several factors, one of which is the level of education of parents, especially mothers. In this study, the relationship between mothers' education level and child mortality was investigated.

Material and Methods: For the Mother's education level and mortality of children under 5 years included in GBD 2017, we systematically reviewed epidemiological data for Iran and used a Pearson correlation. We calculated the average annual percent change (AAPC) mortality of children under 5 years in Iran 2000-2017 with join point regression software and present them with 95% certainty intervals.

Results: In 2017, the mean mortality of children under 5 years accounted for 13 (95% CI 8.4-18.2) per 100000 in Iran. Average annual percent change (AAPC) mortality of children under 5 years is -5.8 % (95% CI -6.2--5.4). Pearson correlation between Mean mortality children under 5 years and mean years of Education is ($r=-0.98$, p value=0.001).

Conclusions: Findings from the present study have shown an inverse relationship between mothers' education and child mortality, so that increasing the level of mothers' education reduces child mortality. Therefore, it is suggested that special attention be paid to the education of young people, especially girls, as a primary solution in children's health in the long-term plan and the constructive role of women in raising and ensuring the health of children should always be considered and in order to encourage mothers to study science, education planners should take the necessary measures

Keywords: Child Mortality, Education, Global Burden of Disease



Spending on health and HIV/AIDS: domestic health spending and development assistance in Iran, 2000–2017

Mohebat Vali¹, Zahra Maleki², Zohreh Shoyukhi³, Fatemeh Zahedi⁴

1. Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

2. Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

3. Student Research Committee, Gerash University of Medical science, Gerash, Iran.

4. Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

fatemezahedi1994@gmail.com

Background: Today, AIDS has become one of the leading causes of death worldwide and is spreading rapidly in developing countries and has a significant impact on the health and socio-economic development of these countries. AIDS treatment can have a heavy financial burden on society. The purpose of this study was to examine the costs associated with health and AIDS from 2000 to 2017.

Material and Methods: We collected published data on domestic health spending, from 2000 to 2017, from a diverse set of international agencies. We also extracted data points about HIV/AIDS spending, between 2000 and 2017, from online databases, Iran, and proposals submitted to multilateral organizations. We used the join point regression to report annual percent change spending. Also, we report Financing according to Government spending, Out-of-pocket, Prepaid private and development assistance for health (DAH).

Results: Between 2000 and 2017, the average annual percent change for Iran total spending for HIV/AIDS of 15.6% (95% CI 14.6 to 16.7). In 2017, \$150 million (110 million to 220 million) was the government spent on health for HIV. Percent change Out-of-pocket, Prepaid private and DAH health spending for HIV/AIDS was 16.8% (95% CI 14.4 to 19.4), 31.7% (95% CI 29.3 to 34.1), and 32.7% (95% CI 6.2 to 65.8), respectively.

Conclusions: Findings from the study show that in general, the costs of AIDS treatment in society are increasing in both the public and private sectors. Unfortunately, most of the community's focus is on treating AIDS, and the prevention of the disease has been neglected. Adding to the importance of AIDS prevention is that there is no definitive cure for the disease. Therefore, due to the increasing number of patients, the lack of specific treatment for this disease and the high financial burden in the field of AIDS treatment, it is necessary to take measures by the government, organizations, health policy makers and health workers to prevent AIDS.

Keywords: Acquired Immunodeficiency Syndrome, Health Expenditures, Iran



Predicting overweight and obesity prevalence in Iran, 2000–2030

Mohebat Vali¹, Zahra Maleki², Zohreh Shoyukhi³, Fatemeh Zahedi⁴

1. Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.
2. Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.
3. Student Research Committee, Gerash University of Medical science, Gerash, Iran.
4. Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.
fatemezahedi1994@gmail.com

Background: Obesity and overweight are an epidemic and a common problem in societies and are increasing so that this upward trend in recent decades has taken a worrying form. Awareness of the prevalence of obesity can be effective in implementing measures to prevent and control it. The purpose of this study was to investigate the prevalence of overweight and obesity in Fars (Iran) and also to predict the prevalence of this problem by 2030.

Material and Methods: We collected the prevalence of overweight and obese in 2000 and 2016 in Fars (Iran) from a diverse set of international agencies. We used the joinpoint regression to report annual percent change prevalence. Also, we predicted the prevalence of overweight and obese adults from 2017 to 2030 by formula and AAPC.

Results: Between 2000 and 2016, the average annual percent change for Iran of overweight and obese in male 2.4% (95% CI 1.9 to 2.9) and in female 2.5% (95% CI 2.4 to 2.5). Prevalence of overweight and obese in male in 2030 Reaches 70.57 and in female 94.27. In general, the prevalence of overweight and obesity is higher in females than males.

Conclusions: The present study showed that the prevalence of obesity and overweight in Fars is increasing and its prevalence is higher in women than men. Also, according to the findings, obesity is expected to be one of the most important problems threatening human health in the coming years. As a result, the prevalence of obesity and overweight should be considered as a public health problem and planning to reduce the incidence and prevalence of this problem in the region should be a priority.

Keywords: Overweight, Obesity, Prevalence, Iran



Comparison of suicide status in Iran with Middle East and North Africa Countries (MENA) from 1990 to 2017

Parnia Bagheri¹, Mehdi Moradinazar², Uosef Ramazani³

1.Msc student, Epidemiology and Biostatistics Department, Public Health School, Kermanshah University of Medical Sciences. Bagheri.p5923@gmail.com

2.Assistant Professor of epidemiology, Epidemiology and Biostatistics Department, Public Health School, Kermanshah University of Medical Sciences.

3.Msc student, Epidemiology and Biostatistics Department, Public Health School, Kermanshah University of Medical Sciences.

Background: Suicide is proposed as an important and growing issue in public health, which has left out more than 47000 deaths, or one death per 11 minutes in 2017. Between 1960 and 2012, suicide rates rose by 60 percent, with nearly 75 percent of cases occurring in developing countries. The aim of this study is to compare suicide load in the Middle East and North Africa (MENA) countries in order to pave the way for correct health policy making.

Material and Methods: The study population included all 21 MENA countries with nearly 400 million people. The data of Global Burden of Diseases in 2017 that estimate death rate for 264 causes in terms of location, age and sex for 195 countries and regions was used. The GBD considers suicide according to definition of the ninth and tenth editions of the international classification of diseases as death due to poisoning or intentional self-injury. All suicide- related analyzes were evaluated using these indicators in excel 2016.

Results: The highest percentage of total suicide DALY attributable to risk factors of Alcohol and drug use are related to United Arab Emirates and Afghanistan countries, respectively. Iran is the sole country without suicide DALY attributable to alcohol consumption risk factor. Moroccan women and Libya, Afghanistan and Yemen men have the highest DALY rates in terms of ASR in the region, respectively. Suicide incidence have an increasing trend until the age group of 20-24 and then a decreasing trend. This trend is on the rise again since the age of 65.

Conclusions: The necessity to improve social, cultural and economic factors along with effective measures on suicide prevention especially among low and middle income countries, performing more studies and precise registration of the cases especially in the areas that suicide is considered social stigma and crime should be considered as high agenda in national and regional strategies.

Keywords: Suicide, Iran, MENA, DALY



همبستگی بین حمایت اجتماعی و سلامت روان در دانشجویان پرستاری و مامایی

آسیه نمازی^۱، حسن همایونفر^۲، سکینه مجیدی نعیمی^۳

۱. دانشجوی دکترای سلامت و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، مربی، گروه مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت،

گیلان، ایران. anamazi55@yahoo.com

۲. آموزش و پرورش منطقه ۲ شهرستان رشت، گیلان، ایران

۳. کارشناس مامایی، پایگاه بهداشتی شهید خورسندی شهرستان رشت، گیلان، ایران

زمینه و هدف: سلامت روان، نقش مهمی در تضمین پویایی و کارآمدی هر جامعه ایفا می کند. از طرفی حمایت اجتماعی افراد را قادر می سازد تا توانایی رویارویی با مشکلات روزمره و بحران های زندگی را داشته باشند. دانشجویان پرستاری و مامایی به دلیل مواجهه با محیطی پر تنش و وجود عوامل تنش زا در تجارب آموزشی و بالینی، در معرض آسیب های روانی بالایی قرار دارند که می تواند سلامت روان آنها را تحت تأثیر قرار دهد. هدف از این مطالعه بررسی همبستگی بین حمایت اجتماعی و سلامت روان در این گروه از دانشجویان بود.

مواد و روش ها: این مطالعه به صورت پیمایش مقطعی در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ انجام گرفت. جامعه آماری آن را دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه آزاد رشت تشکیل می دادند که از بین آنها ۲۸۵ نفر (۱۴۰ مامایی و ۱۴۵ پرستاری) با شیوه نمونه گیری سهمیه ای تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای سنجش سلامت روانی از پرسشنامه ۲۸ سؤالی (GHQ28) و جهت سنجش حمایت اجتماعی از پرسشنامه ۱۹ گویه ای (MOS) استفاده شد.

نتایج: میانگین سنی دانشجویان، $21/60 \pm 1/47$ و میانگین نمره حمایت اجتماعی و سلامت عمومی آنها به ترتیب $73/01 \pm 15/03$ و $20/95 \pm 9/76$ بود. اکثریت دانشجویان (۶۴/۹) از سطح سلامت کامل برخوردار بودند. بین میانگین نمره کل سلامت و نمره کل حمایت اجتماعی در دانشجویان همبستگی آماری معنی دار وجود داشت ($p = 0/02$ ، $r = 0/13$).

نتیجه گیری: با توجه به یافته های پژوهش می توان گفت هر چه میزان برخورداری از حمایت اجتماعی در افراد بیشتر باشد، از نظر سلامت روان وضعیت بهتری خواهند داشت. روابط اجتماعی به عنوان سپری در مقابل حوادث و رویدادهای فشارآور زندگی عمل کرده و شخص را در مقابل پیامدهای ناگوار مصون می سازند.

واژگان کلیدی: حمایت اجتماعی، سلامت روان، دانشجویان



شناسایی چالش های مدیریت بهینه منابع انسانی در کمپین فشار خون ایران: یک پژوهش

کیفی

مهدی زنگنه بایگی^۱، سید مهدی طباطبایی^۲، مصطفی پیوند^۳

۱. دکترای تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، مرکز تحقیقات ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۲. دکترای تخصصی اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۳. کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

Mp.peyvand@yahoo.com

زمینه و هدف: کمپین ملی کنترل فشار خون جهت تمامی افراد بالای ۳۰ سال در سراسر ایران در سال ۱۳۹۸ اجرا گردید. با توجه به اینکه نیروی انسانی از مهمترین منابع نظام سلامت در اجرای کمپین فشار خون به شمار می رود، مدیریت بهینه این منابع به عنوان یکی از اساسی ترین حوزه های مدیریت در ارائه خدمات سلامت در این کمپین مد نظر بود. براین اساس، هدف از پژوهش حاضر شناسایی چالش های مدیریت بهینه منابع انسانی در کمپین فشار خون ایران میباشد.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر با رویکرد کیفی در سال ۱۳۹۸ پس از اجرای کمپین فشار خون انجام شد، شرکت کننده گان شامل ۳۳ نفر از مدیران، پزشکان و کارشناس ستادی حوزه بهداشت در واحدهای تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی زاهدان بودند. جمع آوری داده ها به روش نمونه گیری هدف مند تا اشباع داده ها یعنی زمانی که کد ها و طبقات جدید به دست نیامد ادامه یافت. اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته با رعایت محرمانه بودن اطلاعات و امکان ترک مصاحبه در هر زمان انجام شد. پس از پیاده سازی مصاحبه ها، نتایج با روش تحلیل محتوا مورد ارزیابی قرار گرفت.

نتایج: پس از تحلیل مصاحبه ها تعداد ۵۵ درون مایه اصلی استخراج گردید. "منابع مالی ناپایدار"، "تفاوت در پرداختی ها"، "وجود نیرو های چند گانه در کار (رسمی قرار دادی و شرکتی)"، "بی انگیزگی پرسنل"، "تهدید به تعدیل پرسنل بخش خصوصی" از مهمترین موضوعات اشاره شده توسط مصاحبه شوندگان بود.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه، امنیت شغلی پایدار، شفاف سازی در شرح وظایف پرسنل، پیاده سازی فرهنگ پویای سازمانی، سیستم پرداخت بر اساس عملکرد، بهبود مشوق های مالی برای پرسنل، حذف شرکت های پیمانکاری و عقد قرارداد مستقیم با نیروها، نقش بسزایی در کاهش چالش های مدیریت مناسب انسانی دارد.

واژگان کلیدی: منابع انسانی، کمپین، فشار خون



Prevalence, cause of hospitalization and duration of neonatal stay in neonatal intensive care unit of Alhadi Hospital in Shoushtar city in 1397

Ramin Monjezi¹, Azam Jahangirimehr², Maryam Papi³

1. Student Researcher Committee, Shoushtar Faculty of Medical Sciences, Shoushtar, Iran

2. Department of Health, Shoushtar University of Medical Sciences, Shoushtar, Iran

3. Department of Nursing, Shoushtar University of Medical Sciences, Shoushtar, Iran

mp.asemani@yahoo.com

Background: Since recognizing the cause of hospitalization and duration of stay in neonatal intensive care unit, it can be important to evaluate the quality of services in this section, therefore, this study was conducted to determine the prevalence, cause of hospitalization and duration of stay in neonatal intensive care unit.

Material and Methods: In this analytical-cross-sectional study, 456 cases of all neonates hospitalized in NICU Hospital of al-Hadi city of Shoushtar in 1397, were investigated and the variables of hospitalization, length of stay, birth weight, sex and age of pregnancy termination were extracted and recorded. The obtained data were analyzed using T-test, correlation test, ANOVA test and two-way distribution by SPSS software version 18.

Results: Of the 456 hospitalized infants, 271 (61.9%) were boys. 301 people (66%) were hospitalized due to respiratory distress, 120 (26.31%) due to premature birth, 17 people (3.72%) due to meconium aspiration and the rest due to other reasons. The duration of stay of hospitalized newborns was due to distress ($4/29 \pm 4/5$), preterm birth ($8/74 \pm 8/7$) and meconium aspiration ($2/58 \pm 1/22$) days and a significant relationship between patients' hospitalization days was observed according to the cause of their hospitalization ($P < 0/001$). The average length of stay of infants in the NICU was $5/39 \pm 6/17$ days, and no significant relationship was found between the length of stay and gender ($P > 0.005$). While there was a significant and inverse relationship between length of stay with neonatal weight

($r = -0/459, p < 0.001$) and gestational age ($r = -0/483, p < 0/001$).

Conclusions: The results of the present study indicate a significant relationship between infant weight, gestational age, and the cause of hospitalization with the number of days of stay. On the other hand, prevention of premature birth is one of the main reasons for hospitalization of infants by providing the necessary training and care to pregnant mothers.

Keywords: infant, Length of Stay, Hospitalization, Premature infants



مطالعه آگاهی و خطر درک شده کارکنان بیمارستانهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی قزوین در خصوص هپاتیت B در سال ۱۳۹۸

مهدی صفدری^۱، زینب پاک سرشت^۲، فاطمه دهقان بنادکی^۳

۱. کارشناس ارشد بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
 ۲. کارشناس پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
 ۳. دانشجوی کارشناسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
- Fatemeh.dhg77@gmail.com

زمینه و هدف: هپاتیت B یکی از مهمترین چالشهای سلامتی در سراسر دنیا است و پس از سل و مالاریا سومین بیماری واگیردار و نهمین علت مرگ و میر در تمام کشورهای جهان است. همچنین این بیماری یکی از جدیترین مخاطرات و تهدید کننده های سلامت شغلی در پرسنل و کارکنان بخشهای مختلف بهداشت و درمان است. هدف از این مطالعه تعیین آگاهی و خطر درک شده کارکنان بیمارستانهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی قزوین در خصوص هپاتیت B بود

مواد و روش ها: این پژوهش یک مطالعه توصیفی، تحلیلی مقطعی است که در سال ۱۳۹۸ انجام شد. جامعه آماری این پژوهش کلیه کارکنان مراکز آموزشی درمانی دانشگاه علوم پزشکی قزوین بود. حجم نمونه مورد مطالعه ۶۶۲ نفر برآورد گردید که با روش نمونه گیری تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند. ابزار جمع آوری دادهها پرسشنامه‌ی خودگزارشی مشتمل بر اطلاعات دموگرافیک و سوالات آگاهی و خطر درک شده فردی در خصوص هپاتیت B بود. دادههای جمع آوری شده پس از ورود به نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۸ با استفاده از آزمونهای آماری من ویتنی و ضریب همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شدند

نتایج: میانگین سنی و سابقه کار افراد مورد مطالعه به ترتیب $4/64 \pm 32/32$ و $5/85 \pm 8/11$ سال بود. میانگین وانحراف معیار نمره آگاهی و خطر درک شده کل، به ترتیب $1/10 \pm 3/17$ و $7/52 \pm 21/33$ به دست آمد.

نتایج تحلیل های آماری نیز نشان داد که بین نمره آگاهی و خطر درک شده کارکنان مراکز مورد مطالعه رابطه آماری معنی داری وجود داشت ($P < 0/05$). همچنین بین نمره آگاهی با سطح تحصیلات، خطر درک شده فردی با سن کارکنان، سطح تحصیلات و سابقه کار و نیز بین آموزش با جنس و سطح تحصیلات کارکنان نیز رابطه آماری معنی داری مشاهده شد ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: با توجه به وضعیت شغلی و خطر مواجهه کارکنان مراکز درمانی آموزشی دانشگاه با ویروس هپاتیت B و پایین بودن نمره آگاهی و خطر درک شده آنها، انجام اقدامات و مداخلات آموزشی موثر مانند اجرای برنامه های منظم و مدون آموزشی و بازآموزی با روش ها و رسانه های آموزشی مختلف ضروری و مد نظر میباشد

واژگان کلیدی: آگاهی، خطر درک شده، هپاتیت B، مراکز آموزشی و درمانی



بررسی شیوع علائم و مشکلات دستگاه گوارش در بیماران مبتلا به سرطان دستگاه گوارش فوقانی در شهر زاهدان: یک مطالعه مورد - شاهدی

فاطمه زینلی^۱، علیرضا انصاری مقدم^۲، محمد علی مشهدی^۳، مهدی محمدی^۴، مصطفی پیوند^۱
سعید قوی^۱

۱. کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان ایران zeynalifatemeh62@gmail.com
۲. استاد گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران
۳. فوق تخصص خون و سرطان بالینی، دانشکده پزشکی، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، بیمارستان علی ابن ابیطالب (ع)، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران

زمینه و هدف: سرطان از جمله مشکلات جدی سلامت جوامع امروزی است و یکی از علل اصلی مرگ و میر در کشورهای در حال توسعه می باشد. با توجه به اینکه بیماران سرطانی از مشکلات بسیاری از جمله مشکلات گوارشی رنج می برند. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین شیوع علائم و مشکلات دستگاه گوارش در بیماران مبتلا به سرطان دستگاه گوارش فوقانی شهر زاهدان انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه مورد- شاهدی در سال ۱۳۹۶ در شهرستان زاهدان انجام شد. جامعه مورد پژوهش شامل تمام بیماران مبتلا به سرطان دستگاه گوارش فوقانی مراجعه کننده به بیمارستان علی بن ابی طالب و شاهد های همسان شده (بیمارستانی و هم محله ای) بودند. حجم نمونه ۱۰۶ بیمار مبتلا به سرطان دستگاه گوارش فوقانی و به همین تعداد یک گروه شاهد بیمارستانی و یک گروه شاهد هم محله ای که جمعا دو برابر گروه مورد تعیین شد. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه استاندارد شامل اطلاعات دموگرافیک و بررسی علائم و مشکلات گوارشی بود. پس از تایید طرح در کمیته اخلاق دانشگاه پژوهشگران به صورت حضوری به بیمارستان مراجعه و ضمن شناسایی بیماران و شاهد ها بر اساس سیستم HIS بیمارستان و تشریح اهداف و تکمیل فرم رضایت آگاهانه پرسشگری آغاز می شد. در نهایت داده ها وارد نرم افزار spss-v22 شد و با استفاده از آزمون های آمار توصیفی و تست های تحلیلی (رگرسیون لجستیک شرطی و Chi-squar) مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج: در این مطالعه اطلاعات ۱۰۶ بیمار سرطانی و ۲۱۲ نفر به عنوان گروه شاهد، مورد بررسی قرار گرفتند. ۴۹/۲ درصد زن و ۵۰/۸ درصد مرد و ۳۳ درصد بیماران سن بالای ۷۰ سال داشتند. ۷۱/۷ درصد بلوچ و ۲۸/۳ درصد سیستانی، ۳۷/۷ درصد از بیماران ساکن شهر و ۶۲/۳ درصد در روستا اسکان داشتند. علائم ریفلاکس مری به معده در گروه مورد و به تفکیک گروه شاهد به ترتیب ۷۸/۳ درصد بیماران، ۱۰/۴ درصد شاهد بیمارستانی و ۷/۵ درصد شاهد جمعیتی مشاهده شد. از سویی دیگر ۸۴ درصد بیماران، ۳۱/۱ شاهد بیمارستانی و ۴۰/۶ درصد شاهد جمعیتی ترش کردن معده، همچنین ۶۸/۹ درصد بیماران، ۵/۷ درصد شاهد بیمارستانی و ۴/۷ درصد شاهد جمعیتی دشواری بلع را گزارش کردند.

نتیجه گیری: شیوع بالا و زودرس مشکلات گوارشی در بیماران مبتلا به سرطان دستگاه گوارش فوقانی نسبت به انواع سرطانهای دیگر حائز اهمیت میباشد. با آگاهی از این موضوع متخصصین رشته های مربوطه خواهند توانست افراد با علائم و مشکلات گوارشی را تحت بررسی و مراقبت ویژه قرار داده و این علائم زودرس را به عنوان یک پیش آگهی احتمالی در روند ابتلا به سرطان دستگاه گوارشی قلمداد نمایند. با توجه به ماهیت بیماری که تاخیر در مراجعه، تحمیل بار جدی بر فرد و جامعه را در پی دارد، انجام مطالعات بیشتری جهت تشخیص زودهنگام توصیه می گردد.

واژگان کلیدی: سرطان دستگاه گوارش فوقانی، علائم و مشکلات گوارشی



روند اپیدمی کووید ۱۹

محمدحسن زاده^۱ فاطمه یوسفی^۲، محمد سالاری^۳

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته پرستاری، دانشکده پرستاری میبد، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی، رشته علوم آزمایشگاهی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه آزاد واحد پزشکی تهران، تهران، ایران
yousefi225588@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی، رشته زیست شناسی سلولی و مولکولی، دانشکده علوم پایه، دانشگاه آزاد مشهد، مشهد، ایران

زمینه و هدف: بیماری کروناویروس ۲۰۱۹ یا کووید-۱۹ که به آن بیماری تنفسی حاد nCoV19 نیز گفته می‌شود، عفونتی است که بر اثر کرونای جدید، یک ویروس در ارتباط نزدیک با کروناویروس سارس ایجاد می‌شود. این بیماری دلیل شیوع کروناویروس ووهان است.

روش جستجو: این مطالعه مروری با استفاده از کلید واژه‌های فارسی اپیدمی، کرونا ویروس، کووید-۱۹ و معادل انگلیسی Epidemic, Coronavirus, Covid-19 پایگاه‌های اطلاعاتی PubMed, Scopus, Google scholar تا از بازه زمانی ۲۰۱۸-۲۰۲۰ مورد بررسی قرار گرفت و ۲۵ مقاله در مرحله اولیه استخراج شد و پس از بررسی های دقیق ۱۵ مقاله در نهایت وارد مطالعه شد.

یافته ها: کرونا ویروس جدید (SARS-COV-2) باعث عفونت جدیدی به نام کووید ۱۹ شده است. این بیماری طیف وسیعی از علائم را دربر می‌گیرد، که بیماران ممکن است هیچ علامتی نداشته باشند یا سندرم تنفسی شدید داشته و یا وضعیت آنها وخیم باشد. تب شایع ترین علامت بیماری است که توسط خود بیمار گزارش می‌شود. سردرد، اسهال و خلط خونی از علائم دیگر هستند. در فرم خفیف بیماری، پنومونی وجود ندارد یا به صورت ملایم گزارش شده است. در فرم شدید، دیس پنه، تعداد تنفس بالای ۳۰ عدد در یک دقیقه، غلظت اکسیژن خون کمتر از ۹۳٪ و فیلتراسیون ریوی بالای ۵۰٪ در ۲۴-۴۸ ساعت، مشاهده شده است. در بیماران با وضعیت وخیمی این بیماری، نارسایی تنفسی، شوک سپتیک و نارسایی ارگان های دیگر دیده می‌شود. درمان اختصاصی برای بیماری کووید-۱۹، وجود ندارد. یکی از مطالعاتی که در شهر ووهان انجام گرفته است دوره نهفتگی را ۵-۲ روز مشخص کرده است. در مطالعه ی دیگر از ۲٫۱ تا ۱۱٫۱ متغیر دانسته شده است و گفته شده که می‌تواند تا ۲۴ روز هم به درازا بکشد.

نتیجه گیری: پس از مطالعه مقالات متعدد در حوزه ویروس کرونا به این نتیجه رسیدیم که این بیماری هم می‌تواند دارای علائم گسترده باشد و هم بدون علامت باشد. برای تشخیص این بیماری مبتلایان معمولاً دارای علائم خاصی هستند. دوره نهفتگی این بیماری به طور دقیق مشخص نیست و می‌تواند از چند روز تا نزدیک به یک ماه فرد مبتلا و بدون علائم باشد.

واژگان کلیدی: اپیدمی، کرونا ویروس، کووید-۱۹



عوامل تاثیرگذار بر شیوع هپاتیت B در زنان باردار: یک مرور نظام مند

سیده مینا رضوی دینانی^۱، زهرا عسگریان مقدم^۲، هدی احمري^۳

۱. دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران
minarazavi79@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

۳. هیئت علمی گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی قم، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زمینه و هدف: هپاتیت های ویروسی، یکی از پنج عامل عفونی مرگ زودرس انسان در دنیا هستند. هپاتیت ویروسی B با شیوع 2/14 درصدی در ایران، می تواند عوارضی جدی مانند سیروز کبدی، کارسینومای هپاتوسلولار و سرطان داشته باشد. از آنجایی که یکی از شایع ترین راههای انتقال این ویروس در فرایند زایمان است و ۷۰ تا ۹۰ درصد احتمال ابتلای نوزاد وجود دارد، هدف از مطالعه مروری حاضر، بررسی عوامل تاثیرگذار بر شیوع هپاتیت B در زنان باردار بود.

مواد و روش ها: این پژوهش یک مطالعه مروری و محدود به مطالعات داخلی و خارجی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ بود. جستجو با استفاده از پایگاه های داده الکترونیک و موتورهای جستجوی ISC, Magiran و Google scholar انجام شد. در نهایت با استفاده از معیارهای ورود و خروج و حذف مطالعات تکراری، ۲۰ مقاله جهت بررسی نهایی انتخاب شدند.

نتایج: مطالعات صورت گرفته شده نشان می دهند عوامل فردی، خانوادگی، بهداشتی و اجتماعی بر شیوع هپاتیت تاثیرگذار است. مطالعات تحلیلی نشان دادند که شیوع بیماری هپاتیت B در میان معتادان تزریقی، افراد هم جنس باز، کارکنان بهداشتی، افرادی با شرکای جنسی متعدد و بیماری که به تزریق مکرر خون نیاز دارند مانند هموفیلی ها شایع تر می باشد. مطالعات نشان دادند مادرانی که خود یا بستگان درجه یک آنها سابقه ابتلا به هپاتیت داشته اند، احتمال ابتلا به HBV در آنها بیشتر بوده است. همچنین این احتمال با افزایش سن مادران رابطه مستقیم داشت.

نتیجه گیری: با توجه به عوامل تاثیرگذار فردی، خانوادگی، بهداشتی و اجتماعی بر شیوع هپاتیت B، در مطالعات توصیه می شود مادران باردار پرخطر به لحاظ عوامل نامبرده شده در اولین معاینه بارداری، آزمایش غربالگری هپاتیت B را انجام دهند.

واژگان کلیدی: بارداری، هپاتیت B، شیوع، عوامل تاثیرگذار



بررسی تأثیر سبک زندگی بر بروز افسردگی در سالمندان: یک مطالعه ی مروری

زهرا عسگریان مقدم^۱، نارالله شجاعی^۲، حانیه رحیمی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران fbabaiiam51@gmail.com

۲. هیئت علمی گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زمینه و هدف: براساس پیش بینی های صورت گرفته، تا سال ۱۴۰۰، سالمندان، ۱۰٪ جمعیت کشور را تشکیل خواهند داد و به حدود ۱۰ میلیون نفر خواهند رسید که از چالش های مهم بهداشت عمومی در قرن کنونی به حساب می آید. از معضلات عمده در امر سلامتی سالمندان، اختلالات روان شناختی نظیر افسردگی می باشد که به کاهش سلامت و بهزیستی روانی سالمندان منجر خواهد شد. از جمله عواملی که می تواند سبب بهبود کیفیت زندگی شود، سبک زندگی می باشد که دارای دو بعد جسمانی و روانی است. بعد جسمانی آن شامل تغذیه، ورزش و خواب و بعد روانی آن متشکل از مقابله با استرس و معنویت است. بنابراین با توجه به اینکه تعداد سالمندان و هم چنین بیماری های این دوران از جمله افسردگی در حال افزایش است و داشتن اثرات مثبت و منفی سبک زندگی بر نرخ بیماری ها، بر آن شدیم تا ابعاد مختلف مرتبط با سبک زندگی و تأثیر آن بر بروز افسردگی را بسنجیم.

مواد و روش ها: از میان مقالات متعدد در این زمینه، سرانجام ۱۶ مقاله از سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹ از طریق سرچ در پایگاه های SID, CIVILICA, Google scholar با کلیدواژه های سبک زندگی، سالمندان و افسردگی به فارسی و کلیدواژه های life style, Depression, The elderly, mental health به انگلیسی انتخاب گردید و نتایج آن ها به دقت مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: بر اساس نتایج ۲ مورد از مقالات، بیان شد نمره سبک زندگی در زنان سالمند به نسبت مردان پایین تر است و افسردگی نیز در زنان سالمند بیشتر است. یکی از مقالات بیان کرد سبک زندگی نامطلوب از جمله عوامل خطر در بروز افسردگی به شمار می آید. ۳ مقاله به میزان باورهای مذهبی و بهزیستی روان شناختی اشاره کردند که در سالمندان غیر افسرده بیشتر از سالمندان افسرده بود و هم چنین گفته شده است هرچه جهت گیری مذهبی درونی تر باشد سلامت روانی بالاتر است. یکی از مقالات اظهار داشت شیوع سوء تغذیه در زنان سالمند پنج برابر مردان بوده است و موجب افسردگی بیشتر زنان نسبت به مردان شده است. از نتایج ۳ مقاله دیگر این بود که میان وضعیت تغذیه ای با افسردگی سالمندان، همبستگی مثبت معناداری وجود دارد. نتایج یکی دیگر از مقالات نشان می دهد تأثیرپذیری سالمندان از مؤلفه هایی مثل وضعیت اقتصادی و اجتماعی، الگوی غذایی و سلامت دهان و دندان منجر به شیوع سوء تغذیه و بالا رفتن ریسک ابتلا به بیماری هایی مثل افسردگی می شود. تعدادی از مقالات به کم بودن میزان افسردگی و اضطراب در سالمندان ورزشکار به نسبت غیر ورزشکار اشاره کردند و نیز ارتباط مثبت معنی داری بین فعالیت فیزیکی روزانه و ورزش با کیفیت زندگی سالمندان مطرح شد. یکی دیگر از مقالات نیز به تأثیر داشتن همسر و زندگی مشترک با او و نقش حفاظتی آن در برابر ابتلا به افسردگی اشاره کرد.



نتیجه گیری: با توجه به نتایج این مطالعه، سبک زندگی جهت بهبود وضعیت سلامتی سالمندان و کیفیت زندگی و نیز افزایش امید به زندگی در آن ها، از اهمیت زیادی برخوردار است و با رعایت سبک زندگی سالم، بسیاری از بیماری های این دوره نظیر افسردگی قابل پیشگیری خواهد بود که مستلزم نگاه ویژه مسئولان، فراهم کردن شرایط، امکانات و مداخلات مناسب در این زمینه می باشد تا روز به روز شاهد کاهش این گونه بیماری ها و افزایش سلامتی در سالمندان عزیزمان باشیم.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، افسردگی، سالمندان



بررسی میزان شیوع و عوامل خطر بیماری واژینیت کاندیدایی (Candidiasis): یک مطالعه ی

مروری

زهرا عسگریان مقدم^۱، نارالله شجاعی^۲، حانیه رحیمی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

fbabaiam51@gmail.com

۲. هیئت علمی گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زمینه و هدف: کاندیدا آلبیکنس، یکی از شایع ترین و مهم ترین علل واژینیت و مسئول ۹۰-۸۵٪ عفونت های قارچی واژن است که با ایجاد ترشحات زرد-شیری یا پنیری شکل همراه با التهاب، قرمزی، خارش شدید و گاهی زخم می باشد. لذا با توجه به عوارضی چون بیماری التهابی لگن، سرویسیت مزمن و آلودگی دستگاه ادراری و نیز تاثیر قابل توجه آن بر کیفیت زندگی زنان، برآن شدیم تا به بررسی میزان شیوع و عوامل خطر واژینیت کاندیدایی بپردازیم.

مواد و روش ها: در راستای دستیابی به اهداف مطالعه، از میان مقاله های متعدد در این زمینه، سرانجام ۲۰ مقاله فارسی و انگلیسی مرتبط از سال های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۸ از طریق موتورهای جستجوگر Google Scholar, SID, PubMed, ScienceDirect و کلیدواژه های واژینیت کاندیدایی، کاندیدیازیس، کاندیدا آلبیکنس، عوامل خطر، اپیدمیولوژی به فارسی و کلیدواژه های Candida albicans, Candidiasis, Vaginal infections, Epidemiology, Risk factor به انگلیسی انتخاب گردید و به دقت مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: براساس نتایج مطالعات، اپیدمیولوژی واژینیت کاندیدایی در اروپا از سالهای ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹ ۵۶٪ و در کشور سوئیس در سالهای ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰، ۶۶٪ بوده است. در ایالات متحده نیز میزان بروز کلی کاندیدمیا در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر در سال از ۹/۱ در طی سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۳ به ۱۴/۱ در سال ۲۰۰۸ در آتلانتا و از ۲۴/۲ در طی سال های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ به ۳۰/۹ در سال ۲۰۰۸ در بالتیمور افزایش یافته است. به گفته ی مطالعات، تقریباً ۷۵ درصد زنان در طول عمر خود یک بار دچار کاندیدیازیس واژن می شوند و بیشترین فراوانی در گروه سنی ۳۹-۳۰ سال بوده است. تعدادی از مطالعات، مهم ترین فاکتورهای خطر در ایران را به ترتیب سوختگی و جراحی، بدخیمی های خونی، استفاده وسیع الطیف از آنتی بیوتیک و دیابت گزارش کرده اند. مقالات دیگری به موثر بودن عواملی مثل سن، روابط جنسی، عوامل اقتصادی و اجتماعی، وضعیت بارداری و فیزیولوژیک، وضع تحصیلات خانم و همسرش، روش پیشگیری از بارداری مثل کاندوم، بیماری های زمینه ای همانند دیابت، استفاده از سوند ادراری در بیمارستان و مصرف بیش از حد آنتی بیوتیک بر میزان این عفونت ها اشاره کردند. عواملی چون افزایش تعداد شرکای جنسی، سن زود هنگام مقاربت و افزایش دفعات رابطه جنسی با افزایش ریسک ابتلا همراه نبودند. نتایج تعداد دیگری از مطالعات حاکی از آن بود که بروز واژینیت کاندیدایی با عفونت HIV، واژینوز باکتریایی و خارش دستگاه تناسلی همراه است.



نتیجه گیری: باتوجه به اینکه میزان ابتلا به این نوع عفونت تقریباً زیاد است و می تواند منجر به عواقب جدی همچون ناباروری، سقط خودبخودی، نوزاد مرده، درد مکرر شکم و هم چنین تاثیر منفی بر کیفیت زندگی زنان و صرف هزینه های زیاد شود، لزوم به کارگیری آموزش هایی در خصوص اصول بهداشت فردی و جنسی و نیز غربالگری دقیق تر و گسترده تری در مراکز درمانی به خصوص کلینیک ها و مراکز تنظیم خانواده به منظور پیشگیری و درمان سریع تر قبل از بروز عوارض جدی تر احساس می شود.

واژگان کلیدی: شیوع، عوامل خطر، واژینیت کاندیدایی



بررسی عوامل خطر سرطان پستان در زنان: یک مطالعه مروری

فهیمة داودی^۱، زهرا عسگریان مقدم^۱، زهرا عابدینی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

f.davodi411@gmail.com

۲. زهرا عابدینی، استادیار، عضو هیات علمی گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زمینه و هدف: سرطان پستان مهم ترین عامل مرگ ناشی از سرطان زنان در سرتاسر دنیاست و در ایران نیز ۱۶ درصد سرطانها را به خود اختصاص داده است به گونه ای که شیوع آن به طور تقریبی سالانه ۲ درصد افزایش می یابد. نظر به اینکه این بیماری بر کیفیت زندگی بیماران تاثیرگذار است و عوامل خطر مختلفی در بروز آن، نقش دارد، در این مطالعه به تعیین عوامل خطر سرطان پستان در زنان پرداخته شد.

مواد و روش ها: در مطالعه مروری حاضر، جستجو در پایگاههای Google scholar و Sid با کلیدواژه های اپیدمیولوژی، عامل خطر، سرطان پستان به فارسی و Risk factor, Breast cancer, Epidemiology به انگلیسی انجام شد. مقالات در بازه زمانی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۷ که دارای متن کامل و مرتبط با موضوع بودند انتخاب شدند.

نتایج: از بین مقالات متعدد در این زمینه، ۹ مقاله انتخاب شد. سابقه خانوادگی مثبت، مصرف سیگار و مواد مخدر، عدم سابقه خودآزمایی پستان، خروج دردناک شیر در طی مدت شیردهی و سبک زندگی با سرطان پستان از عوامل خطر شناسایی شد. مصرف قرص های ضد بارداری، تابش اشعه ایکس به قفسه سینه، دفعات بارداری، شیردهی در سنین بالا و عدم ازدواج با افزایش خطر ابتلا به سرطان پستان همراه بود. بلوغ و یائسگی دیررس و طول مدت شیردهی با کاهش خطر پیدایش سرطان به ویژه در سنین بالای ۴۸ ارتباط داشت.

نتیجه گیری: با توجه به قابل پیشگیری بودن عوامل خطر بروز سرطان پستان، حمایت های اقتصادی و غربالگری در مراکز سلامت و آموزش می تواند در پیشگیری از بیماری نقش بسزایی داشته باشد.

واژگان کلیدی: سرطان پستان، عامل خطر، زنان



مروری بر عوامل خطر بیماری های قلبی - عروقی

سیده زینب رضوی^۱، حانیه رحیمی^۲، زهره خلجی نیا^۳

۱. دانشجوی دکتری عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران zainabrizvi@gmail.com
۲. دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران
۳. دکترای تخصصی سلامت باروری، کمیته تحقیقات دانشجویی/دپارتمان پرستاری/دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زمینه و هدف: بیماری های قلبی عروقی شایع ترین علت مرگ در سراسر جهان و یکی از مشکلات بزرگ کشورهای در حال توسعه به حساب می آید. بیماری های قلبی عروقی شرایط پزشکی مزمنی است که جوانب متعدد زندگی افراد را متأثر می سازد؛ بنابراین شناسایی عوامل خطر بیماری های قلبی عروقی به منظور طراحی برنامه های مداخلاتی و پیشگیرانه حائز اهمیت است؛ لذا مطالعه حاضر با هدف مروری بر عوامل خطر آفرین بیماری های قلبی عروقی انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع مروری روایی است. جستجوی مطالعات در پایگاه های اطلاعات علمی شامل Pub med، Cochrane، Scopus، Elsevier، و همچنین با استفاده از موتور جستجوگر Google Scholar و کلمات کلیدی عوامل خطر، بیماری های قلبی عروقی و فاکتورهای مؤثر انجام گرفت. بدین ترتیب مقالات فارسی و انگلیسی که در طی سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ منتشر شده بودند جمع آوری، به دقت مطالعه، و یافته های آنها دسته بندی و گزارش گردید.

یافته ها: از مجموع ۲۰ مقاله ای که مطالعه گردید و بر اساس یافته های مطالعات صورت گرفته می توان گفت سبک زندگی ناسالم، بیکار بودن، کم تحرکی، داشتن دیابت و بالا بودن سن، شاخص توده بدنی بالا، سطح تحصیلات پایین، بالا بودن فشار خون و اسیدهای چرب اشباع شده به عنوان عامل خطر اولیه تشخیص داده شدند. همچنین می توان به مواردی از قبیل سیگار، اختلال چربی، فشار خون، عوامل روانی-اجتماعی، مصرف الکل و عدم فعالیت فیزیکی، اضافه وزن بخصوص توام با BMI و WHR بالا، سیستم سمپاتیک، هیپرانسولینمی، مقاومت انسولین و افزایش سطح لپتین به عنوان عامل خطر اشاره کرد. دخانیات نیز ارتباط قوی با کلسترول و LDL دارد که منجر به افزایش لیپاز کبدی شده و مقاومت به انسولین را بالا میبرد.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج این پژوهش متخصصان حوزه سلامت باید با طراحی برنامه های آموزشی و درمانی متمرکز بر پیشگیری و کنترل عوامل خطر بیماری های قلبی عروقی با تغییر سبک زندگی مانند تغذیه سالم، فعالیت بدنی مداوم گامی محکم جهت کنترل مرگ ومیر ناشی از بیماری های قلبی و عروقی بردارند.

کلمات کلیدی: عوامل خطر، بیماری های قلبی - عروقی، پیشگیری



مروری بر عوامل خطر سندرم پیش از قاعدگی

حانیه رحیمی^۱، نرگس اسکندری^۲

۱. دانشجوی کارشناسی مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران hrahimi1999@yahoo.com

۲. عضو هیات علمی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زمینه و هدف: سندرم پیش از قاعدگی عود دوره ایی مجموعه ایی از علائم ناخوشایند جسمانی، روانی و عاطفی می باشد که به صورت تکرار شونده در طی فاز لوتئال سیکل قاعدگی روی می دهد. از آنجایی که این سندرم سازگاری اجتماعی و فعالیت طبیعی فرد را دچار اختلال می کند؛ لذا این مطالعه با هدف مروری بر عوامل خطر سندرم پیش از قاعدگی انجام شد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر از نوع مروری سیستماتیک است. جستجوی مطالعات در پایگاه های اطلاعات علمی شامل Pubmed، Elsevier، Cochrane، Scopus، و همچنین با استفاده از موتور جستجوگر Google Scholar و کلمات کلیدی سندرم پیش از قاعدگی، عوامل خطر، عوامل مرتبط انجام گرفت. بدین ترتیب مقالات فارسی و انگلیسی که در طی سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ منتشر شده بودند جمع آوری، به دقت مطالعه، و یافته های آنها دسته بندی و گزارش گردید.

نتایج: براساس معیار های ورود، در مجموع ۱۲ مقاله مرتبط گردآوری گردید. محققین (premenstrual syndrome) PMS را یک بیماری سایکواندوکراین (چندعاملی) معرفی کرده و عواملی از قبیل سطح پایین پروژسترون، کاهش میزان دوپامین مرکزی، شاخص توده بدنی بالا، سابقه خانوادگی مثبت، استرس شغلی، اختلال ترشح نروترنسمیترها به ویژه سرتونین، استرس، مصرف نمک، قهوه و شکلات، را به عنوان عوامل موثر در ایجاد PMS پیشنهاد کرده اند.

نتیجه گیری: از آنجایی که PMS شایع ترین اختلال سایکوسوماتیک در زنان می باشد و با توجه به اینکه پاتوفیزیولوژی و درمان قطعی آن نامشخص است، اما برخی مداخلات غیردارویی شامل مهارت کنترل استرس و خشم، تن آرامی، تغییر شیوه زندگی و رژیم غذایی نتایج موفقیت آمیزی در کنترل PMS داشته است، لذا جهت ارتقای کیفیت زندگی مبتلایان آموزش این مهارت ها توصیه می شود.

واژگان کلیدی: سندرم پیش از قاعدگی، عوامل خطر، عوامل مرتبط



مروری بر سیمای سلامت روانی و اجتماعی زنان آواره

مینا زارع حسین آبادی^۱، فاطمه زارع حسین آبادی^۲، رضوان مریدا^۳

۱. کارشناسی ارشد مشاوره در مامایی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

۲. دانشجوی پرستاری، دانشکده علی بن ابی طالب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران

۳. دانشجوی پرستاری، دانشکده علی بن ابی طالب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران rezvan2057@gmail.com

زمینه و هدف: سالانه صدها میلیون نفر از مردم جهان از حوادث و بلایای طبیعی و انسان ساخت متأثر میشوند و حدود ۸۵ درصد از این افراد را زنان و کودکان تشکیل می دهند. زنان و دختران به دلایل مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی در برابر بلایا از آسیب پذیری بیشتری برخوردار هستند. بدین منظور مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر آوارگی بر سلامت روانی و اجتماعی زنان صورت گرفته است.

مواد و روش ها: این پژوهش مروری تحلیلی است که از طریق جستجوی مقالات در پایگاه های اطلاعاتی داخلی، IranDoc, SID, Magiran و پایگاه های اطلاعاتی خارجی Scopus, Google Scholar, Web of Science و با استفاده از کلیدواژه های آسیب پذیری روانی، سلامت روان، زنان در بلایا، آوارگان، حوادث و بلایا و ترکیبات احتمالی آنها از سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ بررسی شد.

نتایج: باتوجه به نیازهای متفاوت زنان در بلایا از جمله محرومیت ها در دسترسی به خدمات سلامت، مراقبت های بارداری و نگرانی های خاص بهداشتی، اجبار در تغذیه کودکان و احتمال خشونت جنسی و ابتلا به بیماری های منتقله جنسی، وابستگی عاطفی و اقتصادی، مشکل در تعاملات اجتماعی زنان، آسیب پذیری این گروه در شرایط آوارگی را میتوان در ابعاد پنجگانه، ۱. سلامت، ۲. خودمراقبتی، ۳. وضعیت معیشت، ۴. سرمایه اجتماعی و ۵. حمایت اجتماعی طبقه بندی کرد.

نتیجه گیری: در حوادث و بلایا موانع فرهنگی، مشکلات تهدیدکننده سلامت جسمی و هم چنین موانع ارتباطی و تکلم به زبان کشور میزبان و مشکلات اجتماعی و اقتصادی مهمترین چالش های زنان هستند که منجر به ایجاد اختلالات روانی می شوند. بنابراین بایستی برنامه های پیشگیری، آمادگی و پاسخ مبتنی بر نیازها و چالش های زنان و با مشارکت آنها طراحی شده و حمایت سیاسی و اقتصادی کافی از جانب دولت ها و سازمان های درگیر به این برنامه ها اختصاص داده شود.

واژگان کلیدی: سلامت روانی، سلامت اجتماعی، زنان، آوارگان.



The prevalence and predictors of hypertension in Kherameh cohort study: a population based study on 10663 persons in south of Iran

Abbas Rezaianzadeh¹, Fatemeh Jafari², Seyed Ebrahim Sadeghi³, Salar
Rahimikazerooni¹

1.Colorectal Research Center, SUMS, Shiraz, Iran

2.MSc Candidate of Epidemiology in Shiraz University of Medical Science, Shiraz, Iran
m.jafarii4319@gmail.com

3.Anesthesiology Department, SUMS, Shiraz, Iran

Background: Hypertension (HTN) is an important risk factor for Cardiovascular Disease (CVD) mortality and morbidity among Iranians. The present study aimed to estimate the prevalence of HTN and some of its related factors in south of Iran.

Material and Methods: This cross-sectional survey was conducted on the data of the Persian cohort study in Kherameh. The participants consisted of 10663 people aged 40-70 years. HTN was defined as either Systolic/Diastolic Blood Pressure (SBP/DBP) greater than or equal to 140/90 mmHg or taking medications. The logistic regression method was used to identify the factors associated with HTN.

Results: The age-standardized prevalence rate (ASPR) of HTN was 21.44 (95% CI: 21.22%-21.65%) and 33.53% (95% CI: 33.22%-33.85%) in males and females, respectively. Old age, being unemployed, low education level, high Body Mass Index (BMI), diabetes, drug abuse, cerebro-cardiovascular disease, suffering from another chronic disease, family history of CVD, and other chronic diseases were independently associated with HTN ($p < 0.05$).

Conclusions: This study revealed the increased prevalence of HTN in rural and urban areas. Therefore, the health system needs to develop strategies to raise the accessibility of screening and diagnostic services.

Keywords: Prevalence, Risk factor, Blood pressure



Patterns of Tobacco Use in Tuberculosis Patients in Shahid Shatarian Center of Robat Karim 1396

¹Yashar Nazari , ²Fatemeh Mashayekhi

1.MSc Environmental Engineering- Saveh University of Medical Sciences, Yashi_senfi@yahoo.com

2.Family Health Expert- Saveh University of Medical Sciences- Health Deputy

Introduction & Objective: Tobacco smoking has increased dramatically over the last three decades, especially in developing countries. China and India not only have the largest number of smokers but also have the highest rates of smoking. There are more than 320 million smokers in China, and almost 67% of Chinese men over the age of 15 smoke (3). In India, it is estimated that it consumes approximately 1 trillion cigarettes a year (4). Geographical overlap between regions of the world with a high incidence of smoking and areas with the highest incidence of latent and active tuberculosis (3). Mirrored in the highest rankings in the number of smokers, China and India are also the two countries with the highest number of active TB cases (1.4 million and 1.9 million, respectively) and inferred the highest number of latent TB infections. The aim of this study was to evaluate the pattern of smoking, previous smoking cessation attempt, and attitude to quitting in TB patients in Robat Karim.

Materials and Methods: This cross-sectional study was performed among patients with pulmonary tuberculosis at Shahid Shatarian Center in Robat Karim city. A total of 116 tuberculosis patients were enrolled in the study in 1396. The self-report questionnaires were designed according to the standard smoking pattern questionnaire.

Results: Of the 116 TB patients, 96.8% were male smokers. The mean age was 51 years. Most smokers (73.8%) belonged to the middle age group (54-35 years). Male smokers had a high prevalence of bacteriological pulmonary tuberculosis. Most smokers (68.9%) smoke more than 20 cigarettes per day. By categorizing consumers as having 1-10 or 11 or more cigarettes a day, men with more cigarettes per day suffer from a higher incidence of TB. At the time of filing, 39% of current smokers, 9% of occasional smokers, and 18% of patients with smoker tuberculosis had at least one history of quitting.

Conclusion: The results indicate the necessity of using and prevention of cigarette and hookah smoking in international TB control strategies. Informing about the possibilities of quitting smoking, free and in-person counseling by psychologists in health, well-being and police.

Keywords: Tuberculosis and Tobacco, Tobacco, Robat Cream



بررسی اپیدمیولوژی مبتلایان به بیماری کیست هیداتیک در غرب شهرستان اهواز (استان

خوزستان) در سال های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸

تاینا محرری^۱، امیرحسین بزمی^۲، زینب احمدی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی پیوسته بیولوژی و کنترل ناقلین بیماری ها، دانشکده ی بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز: reza.ahmadi7248@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری دندانپزشکی، دانشکده دندان پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

زمینه و هدف: بیماری کیست هیداتیک یکی از مهم ترین بیماری های انگلی زئونوز است که توسط مرحله ی لاروی اکینوкокوس گرانولوزیس (*Echinococcus granulosus*) ایجاد می شود. گزارشات متعدد ثبت شده از این بیماری در شهرستان اهواز؛ لزوم بررسی اپیدمیولوژی این بیماری را چند برابر می کند. مطالعه ی حاضر بررسی میزان شیوع و بروز بیماری کیست هیداتیک بین بیماران مراجعه کننده به مرکز بهداشت غرب اهواز در سالهای ۹۷ و ۹۸ نشان میدهد.

مواد و روش ها: مطالعه ی حاصل به صورت توصیفی و گذشته نگر انجام شده است. اطلاعات مربوط به افراد مبتلا به بیماری کیست هیداتیک در سالهای ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ از پرونده های این بیماران که در مرکز بهداشت شهرستان اهواز ثبت شده بود به دست آمده است. سپس اطلاعات بدست آمده با نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: در سالهای ۹۷ و ۹۸ در مجموع ۱۱ مورد مبتلا به این بیماری در مرکز بهداشت غرب اهواز ثبت گردیده. که از این تعداد ۲۷،۳٪ مردان و ۷۲،۷٪ را زنان تشکیل می دادند. از لحاظ شغلی خانه دارها بیشترین تعداد مراجعه کننده را شامل می شدند. در بین مراجعه کنندگان حدود ۱۸٪ در رده ی سنی زیر ۳۰ سال، ۵۴٪ بین ۳۰ تا ۴۰ سال و ۲۷٪ بالاتر از ۴۰ سال گزارش شدند. مطالعات نشان داد حدود ۵۴٪ از افراد مورد نظر صرفا با شست و شوی آب سبزی خام را مصرف میکردند، ۳۶٪ توسط آب و مواد شوینده و فقط ۱۰٪ افراد از آب و مواد ضد عفونی کننده استفاده میکردند. عضو کبد با ۶۳٪ و بعد از آن ریه با ۳۶٪ بیشترین اعضای درگیر در بیماران بودند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده، افراد خانه دار حساس ترین گروه شغلی بیماران را احتمالا به دلیل تماس زیاد با سبزی خام در بر میگیرد؛ با توجه به اینکه بیشترین جمعیت خانه داران را زنان تشکیل می دهند، کیست هیداتیک در زنان شایع تر می باشد. همچنین با توجه به تعداد قابل توجه مبتلایان به کیست هیداتیک در رده ی سنی ۳۰ تا ۴۰ سال، انتظار میرود اقدامات کنترل و پیشگیری و آموزش نحوه ی صحیح شست و شوی سبزی خام به این افراد خصوصا گروه شغلی خانه داران جهت افزایش آگاهی آنها انجام شود.

واژگان کلیدی: دموگرافیک، کیست هیداتیک، اکینوкокوس گرانولوزیس، غرب اهواز، استان خوزستان



بررسی میزان پرداخت از جیب بیماران دیابتی شهرستان زاهدان بعد از طرح تحول نظام سلامت: ۱۳۹۸

محمد خمرنیا^۱، فاطمه ستوده زاده^۲، اسحاق برفر^۳، کوثر رضایی^۴، مصطفی پیوند^۴

۱. دکترای تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
۲. استادیار سیاستگذاری سلامت، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی زاهدان
۳. استادیار اقتصاد سلامت، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی زاهدان
۴. کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
mp.peyvand@yahoo.com

زمینه و هدف: دیابت یکی از پرهزینه ترین بیماری های مزمن غددی و یک معضل سلامت عمومی در دنیا است. طرح تحول سلامت با هدف کاهش هزینه های بستری و پرداخت از جیب مردم در سال ۱۳۹۳، آغاز گردید. یکی از اهداف اجرای طرح تحول نظام سلامت کاهش هزینه های بیماران بستری در بیمارستان ها بود. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین میزان پرداخت از جیب بیماران دیابتی شهرستان زاهدان بعد از طرح تحول نظام سلامت اجرا شد.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع پژوهش های مقطعی بوده که به صورت توصیفی تحلیلی در سال ۱۳۹۸ انجام شد. جامعه مورد پژوهش شامل تمام بیماران دیابتی بستری در بیمارستان علی بن ابیطالب شهرستان زاهدان، بزرگترین بیمارستان استان سیستان و بلوچستان بودند. در این مطالعه هزینه های تمام بیماران بستری از پرونده های الکترونیکی در بازه زمانی سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ به روش سرشماری بررسی شد. ابزار جمع آوری داده ها چک لیست محقق ساخته بر اساس اطلاعات موجود در پرونده الکترونیک بود. داده ها با نرم افزار SPSS-V22 و با استفاده از آزمون های آمار توصیفی مورد ارزیابی قرار گرفت.

نتایج: در این مطالعه اطلاعات هزینه های سلامت ۷۰۴ بیمار دیابتی بررسی شد. بیشتر بیماران خانم (۵۱۷ نفر ۷۳/۵ درصد) و تعداد ۲۳۷ نفر آنها مبتلا به دیابت بارداری بودند. بیشترین پوشش بیمه مربوط به سلامت همگانی (۴۴۱ نفر ۶۲/۷٪) بود. و ۲۱ بیمار (۲/۹ درصد) فاقد بیمه بودند. میانگین پرداخت از جیب بیماران در هر بار بستری به ریال بر اساس دیابت نوع ۱ (۵،۴۸۰،۹۲۵±۳،۲۲۰،۷۴۲) دیابت نوع ۲ (۱۴،۵۵۳،۰۲۹±۶،۳۳۲،۸۸۸) دیابت بارداری (۲،۶۵۷،۳۹۹±۱،۸۱۳،۷۳۳) دیابت نامشخص (۳،۰۹۵،۳۶۵±۳،۰۲۸،۰۹۳) بود. به ترتیب ۱۲/۶، ۹/۹، ۱۶/۳، ۷/۲ درصد از کل هزینه ها مربوط به پرداخت از جیب بود.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه حاضر، مراقبت های بیمارستانی دیابت هزینه نسبتا بالایی را بر بیماران تحمیل می نماید. همچنین با وجود اجرای طرح تحول سلامت، هنوز بسیاری از بیماران دیابتی بستری در بیمارستان علی بن ابیطالب (ع) شهر زاهدان به دلیل استفاده از خدمات سلامت با هزینه های مستقیم نسبتا بالایی مواجهه می باشند. محرومیت استان سیستان و بلوچستان، وضعیت اقتصادی نامناسب خانوارها، و پایین بودن شاخص های سلامت می تواند از عوامل مهم در مواجهه خانوارهای ساکن در این استان با هزینه های فقرزای سلامت باشد. نیاز است تا مدیران نظام سلامت نگاه ویژه تری به شهرستان ها و استان های محروم داشته باشند.

واژگان کلیدی: پراخت از جیب، دیابت، طرح تحول سلامت



Epidemiologic Study of Tuberculosis in Diabetic Patients Referred to Shahid Shatari Center of Robat Karim 1396

Yashar Nazari¹, Arash Atabaki², Fatemeh Mashayekhi³

- 1.MSc Environmental Engineering- Saveh University of Medical Sciences, Yashi_senfi@yahoo.com
- 2.Family Physician, Iran University of Medical Sciences
- 3.Health Expert-Saveh University of Medical Sciences

Introduction and goal : Since tuberculosis and diabetes have a significant incidence and prevalence in Iran due to various geographical, social and cultural reasons, this study aimed to identify and compare the effects of these two chronic diseases, which are of different nature, on quality of life. Due to weakened immune system, bacilli proliferate and cause disease. Due to the high prevalence of tuberculosis in the region, this study was performed to determine the epidemiological study of tuberculosis in diabetic patients in Rabat Karim.

Methods: This cross-sectional descriptive study was conducted from From April 1396 to March 1396 at Shahid Shatari Health Center in Robat Karim city. Of the 195 diabetic patients referred to health centers and clinics who had clinical symptoms or suspected of tuberculosis, chest radiographs and sputum smear and ppd tests were performed and positive cases of active auditory tuberculosis were immediately treated with specialist treatment.

Results: Thirteen patients were diagnosed with tuberculosis referred to Shahid Shatari Center during the year 1396. All patients were 55.46 years old. Mean fasting blood glucose was 191.93 mg / dL. Diabetes was associated with women (62.3%) and urban residents (72.8%). 86% of people had pulmonary tuberculosis (72.2% positive smear and 13.8% negative smear). The most common clinical symptom of persistent cough for more than two weeks was radiographic examination, weight loss, the most common image, pulmonary opacity (61.2%) and the most commonly affected area, the upper lung zone (51%).

Conclusion: This study confirms the high prevalence of smear positive tuberculosis in diabetic patients compared to the expected population in the world and the global prevalence of TB in diabetic patients. Therefore, this high-risk group, considering the prevalence of triple-stroke, is recommended to be examined more frequently than ever before by diabetic patients for cough and clinical symptoms.

Keywords: Tuberculosis and Diabetes, Diabetic Patients, Robat Karim



بررسی سطح لیپید سرمی و هموگلوبین A1C در بیماران دیابتی شهر زاهدان سال ۱۳۹۶

محمد هادی عباسی^۱، مصطفی پیوند^۲، فهیمه پیوند^۳، شیواکارگر^۲

۱. استادیار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۲. کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۳. کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر، ایرانشهر، ایران shivakargar@yahoo.com

مقدمه: دیابت یکی از مهمترین مشکلات بهداشتی جهان است که بیش از ۲۰۰ میلیون نفر در دنیا به آن مبتلا هستند. تغییر و افزایش سطوح لیپیدهای خون یکی از مشکلات بیماران مبتلا به دیابت است، که سبب ایجاد عوارض قلبی عروقی و افزایش مرگ و میر در این بیماران میشود. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین سطح لیپید سرمی و هموگلوبین A1C در بیماران دیابتی شهر زاهدان انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع مقطعی به روش توصیفی-تحلیلی است که در سال ۱۳۹۶ بر روی ۲۷۰ بیمار دیابتی مراجعه کننده به کلینیک دیابت شهر زاهدان انجام شد. نمونه ها به روش آسان و در دسترس انتخاب و داده ها بر اساس پرسشنامه ی جمعیت شناختی و نتیجه آزمایشات موجود در پرونده بیمار، جمع آوری شدند. ارزیابی اطلاعات با استفاده از نرم افزار STATA-v14 و آزمون های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تی تست، صورت گرفت.

نتایج: بر اساس نتایج مطالعه ، ۲۴٫۸۱٪ افراد شرکت کننده مرد و ۷۵٫۱۹٪ از افراد زن بودند و میانگین سنی زنان ۵۲٫۷۲±۱۱٫۶۱ و مردان ۵۴٫۹۷±۱۲٫۴۳ بود. فراوانی افراد شرکت کننده در مطالعه مبتلا به دیابت نوع دو (۹۳٫۳۳٪)، دیابت نوع یک (۲٫۲۲٪) و دیابت بارداری (۴٫۴۴٪) بود. متوسط لیپیدها $LDL=86,95 \pm 32,60$ ، $HDL=49,89 \pm 16,80$ ، کلسترول $169,41 \pm 45,04$ تری گلیسرید $172,41 \pm 82,05$ و میانگین هموگلوبین A1C $9,61 \pm 5,88$ بود. بین میزان کلسترول، تری گلیسرید، LDL، HDL در مردان و زنان اختلاف معنادار مشاهده نشد، در حالی که میانگین هموگلوبین A1C در مردان به طور معناداری بیشتر از زنان بود. همچنین بین هموگلوبین A1C و گلوکوز ناشتا (FBS)، ارتباط مثبت معنادار مشهود بود ($P < 0.05$). اما بین هموگلوبین A1C و لیپید های سرمی (تری گلیسرید، کلسترول، HDL، LDL) ارتباط آماری معنی دار دیده نشد ($P > 0.05$).

نتیجه گیری: مطالعه حاضر نشان داد میانگین تری گلیسرید بالاتر از مقادیر تعیین شده به عنوان استاندارد درمانی در دیابتی ها بود ولی میانگین کلسترول، HDL، LDL در محدوده مناسب قرار داشت. همچنین براساس نتایج این مطالعه مشخص شد که هموگلوبین A1C یک شاخص مناسب ارزیابی کنترل گلوکز خون می باشد.

واژگان کلیدی: دیابت، لیپید سرمی ، هموگلوبین A1C



بررسی شاخص توده بدنی (BMI) و دور کمر بیماران دیابتی شهر زاهدان ۱۳۹۶

محمد هادی عباسی^۱، حمیده پودینه صبور^۲، فهیمه پیوند^۳، مصطفی پیوند^۴

۱. استادیار آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، گروه بهداشت عمومی، مرکز تحقیقات ارتقای سلامت دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

۲. کارشناس کلینیک دیابت بیمارستان بوعلی زاهدان، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۳. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۴. کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

Mp.peyvand@yahoo.com

زمینه و هدف: امروزه چاقی و دیابت دو بیماری مهمی هستند که در سراسر جهان رو به افزایش بوده و سلامتی انسان ها را تهدید میکنند. چاقی و تجمع چربی در بدن از جمله عوامل زمینه ساز بروز عوارض در بیماران دیابتی می باشد. از طرفی شاخص توده بدنی (BMI) و دور کمر به عنوان مناسب ترین و در دسترس ترین شاخص جهت غربالگری چاقی در بیماران دیابتی مطرح است. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین شاخص توده بدنی و دور کمر بیماران دیابتی شهر زاهدان انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه مقطعی به روش توصیفی بر روی ۲۷۰ بیمار دیابتی مراجعه کننده به کلینیک دیابت شهر زاهدان واقع در بیمارستان بوعلی به روش آسان و در دسترس در نیمه دوم سال ۱۳۹۶ با رعایت ملاحظات اخلاقی انجام شد. ابزار گرد آوری داده ها چک لیست ثبت اطلاعات دموگرافیک، ترازو، قد سنج و متر استاندارد بود. وضعیت نمایه توده بدنی در چهار گروه لاغری، نرمال، اضافه وزن و چاق اندازه گیری شد. اطلاعات توسط نرم افزار SPSS v-16 با آزمون های توصیفی مورد ارزیابی قرار گرفت.

نتایج: در این مطالعه تعداد ۶۷ مرد (۲۴،۸٪) و ۲۰۳ زن (۷۵،۲٪) که اکثریت آنها سنی بین ۴۰ سال تا ۶۰ سال ۱۶۱ نفر (۵۹،۶٪) مورد ارزیابی قرار گرفتند. شاخص های آنتروپومتری بیماران به ترتیب لاغری ۱۵ نفر (۵،۶٪)، نرمال ۶۴ نفر (۲۳،۷٪)، اضافه وزن ۹۴ نفر (۳۴،۸٪) و چاق ۹۷ نفر (۳۵،۹٪) بود، که ۱۹۱ بیمار (۷۰،۷٪) مبتلا به چاقی و اضافه وزن بودند. میانگین دور کمر برای خانم ها $111,4 \pm 3,3$ و برای آقایان $117,3 \pm 95,1$ بود.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه، شیوع چاقی و اضافه وزن در بیماران دیابتی در حال افزایش می باشد. از آنجایی که افزایش توده بدنی توده بدنی به عنوان یک عامل خطرزای بیماران دیابتی تلقی می شود. کنترل و کاهش وزن به منزله کنترل بیماری محسوب میگردد. لذا باید توجه بیشتری به ترویج و حفظ سلامتی بیماران دیابتی صورت پذیرد. تحقق این امر نیازمند بهبود آموزش ها و مداخلاتی در زمینه جلوگیری از چاقی، اصلاح سبک زندگی، تغذیه، انجام فعالیت بدنی در این بیماران می باشد.

واژگان کلیدی: شاخص توده بدنی (BMI)، دیابت، چاقی



مروری بر اپیدمیولوژی آلودگی به هلیکوباکتر پیلوری در ایران

فهام خامسی پور^۱، شادان شجاعت^۲

۱. کمیته پژوهشی دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۲. واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران shaadaansh@gmail.com

زمینه و هدف: هلیکوباکتر پیلوری یکی از شایع‌ترین عفونت‌های مزمن باکتریایی در سراسر جهان است. الگوی اپیدمیولوژی آلودگی به این باکتری در کشورهای مختلف، متفاوت است. بنابراین این مطالعه مروری جدیدترین داده‌ها در مورد اپیدمیولوژی عفونت هلیکوباکتر پیلوری ارائه شده است.

مواد و روش‌ها: مطالعه مروری حاضر طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ با استفاده از کلیدواژه‌های مناسب در سایت‌های علمی Pubmed، Google Scholar، Sid و Scopus مورد جستجو قرار گرفتند.

نتایج: در چند مطالعه به بررسی ارتباط بین عفونت به هلیکوباکتر پیلوری و شرایط اجتماعی، منبع آب آشامیدنی و عوامل تغذیه‌ای پرداخته شده است. همچنین یک فرضیه در مورد نقش حشرات و مخمرها در انتقال هلیکوباکتر پیلوری پیشنهاد و بررسی شده است. تاکنون هیچ شواهدی دال بر این که هلیکوباکتر پیلوری می‌تواند در بیرون از بدن مگس زنده بماند و به حیات خود ادامه دهد وجود ندارد. نتایج یک مطالعه توصیفی مقطعی که توسط صالحی و همکارانش در شمال شرق ایران از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ با شرکت ۱۱۵۹۶ شرکت‌کننده اجرا شده است، نشان داده است که میزان آنتی‌بادی مثبت IgG هلیکوباکتر پیلوری ۷۲/۸ درصد بوده است و در طی مدت زمان مطالعه تغییری در شیوع سرمی مشاهده نشده است. هم‌چنین در مطالعه دبیری و همکارانش به بررسی شیوع ژنوتایپ هلیکوباکتر پیلوری در ۱۶۰ بیمار دیس پپتیک هلیکوباکتر پیلوری مثبت اقدام کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان داده است که ژن‌های *babA2*، *iceA1*، *oipA*، *cagE*، *cagA*، *vacA* و *babB* به ترتیب در ۱۰۰، ۶۹، ۵۱، ۵۵، ۲۶، ۷۸ و ۲۸ درصد از ۱۶۰ سویه، مثبت بوده است و وجود ژن‌های *babB* و *iceA1* به طور قابل معنادار با خطر ابتلا به سرطان معده (GC) ارتباط دارد. مطالعه دیگری در رابطه با مخازن هلیکوباکتر پیلوری در ایران پرداخته است. در مطالعه سیاوشی و همکاران ۴۴ ایزوله مخمر جهت بروز داخل سلولی هلیکوباکتر پیلوری مورد بررسی قرار گرفته است. مخمرها از ۲۹ نمونه شامل: سوآپ دهانی از افراد روستایی (۷ نمونه)، میوه‌ها و گل‌ها (۶ نمونه)، عسل و زنبور عسل (۱۲ نمونه) و نمونه‌های متفرقه (۴ نمونه) گرفته شده است. نتایج مربوط به ژن *16S rDNA* هلیکوباکتر (۵۲۱ جفت باز) در ۶۵ درصد از مخمرها مشاهده شد. بالاترین میزان فراوانی هلیکوباکتر پیلوری در گروه عسل و زنبور عسل (۸۳/۳ درصد) و نیز گروه میوه و گل‌ها (۸۳/۳ درصد) مشاهده شد.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج مطالعات انجام گرفته در ایران، در مجموع شاهد روند کاهشی شیوع عفونت هلیکوباکتر پیلوری هستیم ولی با توجه به عوارضی که می‌تواند در افراد درگیر با این عفونت رخ دهد لزوم آموزش بهداشت، ضرورت پایش مداوم، کنترل دقیق عفونت و بهبود شرایط اقتصادی-اجتماعی توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: شیوع، مخازن، انتقال، هلیکوباکتر پیلوری، ایران.



بررسی وجود گونه‌های سالمونلا در زنجیره تولید ماهی در ایران: یک مطالعه مروری

فهام خامسی پور^۱، شادان شجاعت^۲

۱. کمیته پژوهشی دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. shadaansh@gmail.com

مقدمه و اهداف: ماهی منبع تعداد زیادی از میکروارگانیسم‌ها است. بعضی از میکروارگانیسم‌ها بومی بوده و در ماهی وجود دارند و بقیه در مراحل مختلف از زمان صید تا رسیدن بدست مصرف کننده، ماهی را آلوده می‌کنند. باکتری‌های غیر بومی ممکن است برای آبریزان بیماری‌زا نباشد ولی وقتی که توسط انسان خورده شوند می‌توانند باعث بیماری شوند. با توجه به مخاطرات بهداشتی ناشی از حضور باکتری‌های بیماری‌زا در مواد غذایی، ارزیابی روند این آلودگی‌ها و ارائه راهکارهای مناسب در جهت حذف یا کاهش آن‌ها ضروری می‌باشد. سالمونلا جزو باکتری‌های غیر بومی محیط‌های آبی محسوب می‌شود و به طور ثانویه توسط انسان، حیوانات، پرندگان، فاضلاب‌های خانگی و صنعتی، آب و آبریزان را آلوده می‌کند و به علت پتانسیل بیماری‌زایی آن در آبریزان دارای اهمیت تحقیقاتی است. به نظر می‌رسد ماهی و سایر آبریزان، ناقلین غیر فعال سالمونلا باشند و باکتری را بدون هیچ مشکلی دفع کنند. آلودگی این ارگانیسم از منابع زمینی بوده و ماهی ممکن است نقش ناقل ارگانیسم را داشته باشد. آلودگی زیاد آب و آبریزان به سالمونلا به علت عدم رعایت بهداشت محیط زیست و همچنین شرایط جغرافیائی محیط است. فضولات حیوانات منابع بالقوه آلودگی به سالمونلا هستند. فضولات حیوانی می‌تواند به طور مستقیم توسط مدفوع پرندگان یا قورباغه‌ها یا به طور غیر مستقیم آب را آلوده کنند.

مواد و روش‌ها: به این منظور در این مطالعه مروری ارتباط با چگونگی آلودگی زنجیره تولید ماهی با سالمونلا و پیامدهای آن در زنجیره تولید آبریزان مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند.

نتایج: مطالعات نشان داده اند که شیوع سالمونلا در ماهی تازه در ایران ۱۰/۴ درصد (۱۹ نمونه از ۳۸۴ نمونه) برآورد شده که در آن ۵ سروتیپ‌مختلف شناسایی شده است: سالمونلا تیفی موریوم، اینتریتیدیس، تیفی، پاراتیفی و سویه نیوپورت. یک مطالعه دیگر نشان داده است که شیوع سالمونلا در کپور نقره ای (*Hypophthalmichthys molitrix*) در ایران (۲/۷ درصد) (یک نمونه از ۳۹ نمونه) است.

نتیجه گیری: اگرچه سالمونلا بخشی از فلور طبیعی ماهی نیست، ماهی می‌تواند ناقل غیر فعال سالمونلا باشند و باعث ایجاد آلودگی متقابل در مراحل صنعتی سازی و تجاری سازی شوند. کیفیت آب و محیط زیست آبریزان تاثیر مستقیمی بر آلودگی میکروبیولوژی ماهی‌ها دارد. انجام مطالعات منظم اپیدمیولوژیک می‌تواند به پایش رخداد موارد سالمونلا و توسعه استراتژی‌های پیش‌گیری از این بیماری کمک نماید.

واژگان کلیدی: آبی پروری، سالمونلا، ایران، اپیدمیولوژی



بررسی شیوع مصرف سیگار و علل گرایش در دانش آموزان دبیرستانی شهرستان رباط کریم

یاشار نظری^۱

۱.ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی ساوه، معاونت بهداشتی Yashi_senfi@yahoo.com

مقدمه و هدف: مصرف دخانیات در میان دانش آموزان اما صرفاً موضوع کشور ما نیست و با کل دنیا در ارتباط است. ما در ایران طبق مطالعات دیده‌ایم که سیگار دروازه اعتیاد است و بسیاری از افراد نوجوانی که دست به مصرف سیگار می‌زنند در بزرگسالی احتمال دارد که مواد سبک یا سنگین را تجربه کنند. هدف از انجام این مطالعه تعیین شیوع استعمال سیگار و عوامل تعیین کننده آن در دبیرستان های شهرستان رباط کریم می باشد.

مواد و روش ها: در این پژوهش مقطعی توصیفی تحلیلی در سال ۱۳۹۶ به صورت تصادفی بروی ۵۰۰ دانش آموز دبیرستانی شهرستان رباط کریم (۳۵۰ نفر پسر و ۱۵۰ نفر دختر) انتخاب شدند. پرسشنامه ی شامل مشخصات عمومی و دموگرافیک و مقیاس های سلامت روانی و علل گرایش به مصرف سیگار به عنوان ابزار پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. داده های گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های آماری رگرسیون لجستیک مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند.

یافته ها: ۸۰٫۱ درصد از دانش آموزان تجربه مصرف سیگار را نداشتند و ۱۵٫۳ درصد آنها سابقه ی مصرف تجربی آن را گزارش کردند و ۴٫۶ درصد از دانش آموزان به روزانه مصرف می کردند. شیوع مصرف سیگار در پسران ۱۷٫۱٪ و در دختران ۶٫۸٪ بود. اکثر دانش آموزان سیگاری مهمترین علل گرایش به مصرف سیگار را به ترتیب پیشنهاد دوستان سیگاری و توجیح مصرف سیگار در خانواده و سرقت سیگار از آنها را ذکر کردند. در این مطالعه ارتباط بین مصرف سیگار با سن، جنسیت، موقعیت تحصیلی، رشته تحصیلی، تحصیلات پدر و مادر سنجیده شد که فقط ارتباط بین موقعیت و رشته تحصیلی معنی دار بود.

نتایج: بهتر است مسئولان ضمن توجه بیشتر به اقداماتی از جمله فعالیت‌هایی جهت ارتقاء سطح آگاهی عمومی به ویژه در بین نسل جوان، نوجوان و زنان کشور که هدف اصلی صنایع تولید کننده محصولات دخانی هستند. توجه بیشتر به نوجوانان و برنامه ریزی جهت مداخلات جامعه نگر مناسب درمورد مقابله با شروع مصرف سیگار را مد نظر داشته باشند.

واژگان کلیدی: سیگار، رباط کریم، دانش آموزان دبیرستان



مقایسه خصوصیات بالینی مراجعین واحد غربالگری بیماری کووید ۱۹ در محدوده‌ی تحت پوشش مرکز بهداشت شرق تهران در تابستان ۱۳۹۹

محسن حیدری^۱، جلال آل ابراهیم^۱، امیرعلی فریدونفر^۲، آرش عباسی^۳، لیدا غفاری^۴، فروغ السادات پورحیدری^۵

۱. اپیدمیولوژیست، کارشناس بیماری‌های ستاد مرکز بهداشت شرق تهران، معاونت امور بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
 ۲. پزشک، MPH، رئیس مرکز بهداشت شرق تهران، معاونت امور بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
 ۳. متخصص طب اورژانس، معاون مرکز بهداشت شرق تهران، معاونت امور بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
 ۴. پزشک، MPH، کارشناس مسئول بیماری‌های غیر واگیر ستاد مرکز بهداشت شرق تهران، معاونت امور بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
 ۵. پزشک، MPH، کارشناس مسئول بیماری‌های واگیر ستاد مرکز بهداشت شرق تهران، معاونت امور بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
- mohsen68heidari@yahoo.com

زمینه و هدف: موارد بروز و مرگ ناشی از پاندمی کووید ۱۹ نگرانی امروز جوامع بشری محسوب می‌شود. شناخت هر چه بهتر تظاهرات و رفتارهای بیماری کووید ۱۹، می‌تواند اطلاعات مفیدی را در اختیار سیاست‌گذاران سلامت قرار دهد. هدف از انجام مطالعه‌ی حاضر بررسی علائم بالینی این بیماری در شهر تهران در طول سه ماهه تابستان است.

مواد و روش‌ها: مطالعه‌ی حاضر یک مطالعه توصیفی-تحلیلی است که از داده‌های سامانه یکپارچه بهداشت که به‌اختصار "سیب" نامیده می‌شود؛ استخراج گردیده است. مراجعین پس از مراجعه به درمانگاه‌های غربالگری کووید ۱۹، که به‌صورت ۱۶ ساعته فعالیت می‌نمایند، توسط مراقب سلامت و پزشک موردبررسی قرار گرفته‌اند و آزمون PCR نیز جهت تشخیص بیماری، انجام شده است. جمع‌آوری داده‌ها از ابتدای تیرماه ۱۳۹۹ تا پایان شهریورماه ۱۳۹۹ انجام شد. متغیرهای کمی با (میانگین و انحراف معیار) و متغیرهای کیفی با (درصد فراوانی) توصیف گردیدند؛ جهت مقایسه نسبت علائم در دو گروه مراجعین PCR مثبت و منفی، از آزمون کای-دو استفاده شد. داده‌های مطالعه با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: در این مطالعه ۷۳۳ نفر مراجعه‌کننده، موردبررسی قرار گرفتند. میانگین و انحراف معیار سن مراجعین به ترتیب برابر با ۴۵،۲ و ۱۴،۸ سال بود. ۵۶،۶ درصد از مراجعین مردان تشکیل می‌دادند. در آزمون PCR انجام شده ۳۵۵ (۴۸،۴٪) نفر با نتیجه مثبت، به‌عنوان مورد قطعی بیماری کووید ۱۹ تشخیص داده شدند. از نظر علائم بالینی بیماران، علائم عمومی (۴۱/۷٪ تب، ۳۴/۶٪ درد عضلات، ۱۷/۲٪ سردرد، ۱۳/۸٪ ضعف و بی‌حالی)، علائم تنفسی (۴۳/۴٪ سرفه، ۱۹/۷٪ تنگی نفس، ۱۴/۶٪ گلودرد)، علائم گوارشی (۴/۸٪ اسهال، ۵٪ تهوع و استفراغ، ۴/۵٪ درد شکم)، فاقد علائم بالینی (۱۳٪) و ۰/۸٪ سابقه تماس با فرد مبتلابه بیماری کووید ۱۹، مشاهده شد. نسبت بروز علامت اسهال در گروه غیر مبتلا از نظر آماری اختلاف معنی داری را نشان می‌دهد (P=0.007).

نتیجه‌گیری: با توجه به مطرح بودن فرضیه‌ی بروز علائم گوارشی در فصل تابستان، نتایج مطالعه فوق نشان می‌دهد؛ بروز عوارض گوارشی نظیر اسهال در فصل تابستان می‌تواند فرضیه‌ی احتمال ابتلای همزمان بیماری کووید ۱۹ با سایر میکروارگانیسم‌ها را مطرح نماید.

واژگان کلیدی: غربالگری، علائم بالینی، کووید ۱۹، شهر تهران، PCR



بررسی میزان مهارت‌های اجتماعی و رابطه آن با برخی متغیرهای دموگرافیک دانش آموزان دبیرستانی آبادان در سال ۱۳۹۷

راضیه شیرزادگان^۱، نوراله طاهری^۲، ناهید محمودی^۳، پویان افضلی^۴، علی خانی جیحونی^۵

۱. کارشناسی ارشد پرستاری داخلی جراحی، مربی و عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری-مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران. razieshshirzad07@gmail.com
۲. دکتری پرستاری، استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران
۳. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران
۴. دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، دانشکده بهداشت، گروه بهداشت عمومی شیراز، ایران
۵. دانشگاه علوم پزشکی شیراز، دانشکده بهداشت، گروه بهداشت عمومی، شیراز، ایران

زمینه و هدف: مهارت‌های اجتماعی رفتارهایی هستند که فرد را قادر به تعامل موثر و اجتناب از پاسخ‌های نامطلوب نموده و بیانگر سلامت رفتاری و اجتماعی افراد می‌باشند. این مطالعه با هدف تعیین میزان مهارت‌های اجتماعی و رابطه آن با برخی متغیرهای دموگرافیک دانش آموزان دبیرستانی آبادان در سال ۱۳۹۷ انجام شد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه ای توصیفی تحلیلی به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و با استفاده از پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی ماتسون، مهارت‌های اجتماعی ۶۵۰ دانش آموز دبیرستانی مورد بررسی قرار گرفت. به منظور تعیین حجم نمونه از فرمول برآورد نسبت $n = \frac{Z_{1-\frac{\alpha}{2}}^2 \cdot p(1-p)}{d^2}$ استفاده شد که در آن $\alpha = 0.05$ ، $P = 0.5$ و $d = 0.05$ لحاظ گردید و حجم نمونه اولیه برابر با ۳۸۴ نفر بدست آمد. با توجه به استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و با استفاده از نرم افزار EPI۶ اندازه اثر طرح ۱/۶۹ محاسبه گردید که حجم نهایی نمونه برابر با ۶۵۰ نفر حاصل شد. نمونه‌گیری به صورت تصادفی چند مرحله‌ای صورت گرفت. پژوهشگران با توضیح هدف از انجام پژوهش و نیز اطمینان به واحدهای مورد مطالعه در خصوص محرمانه بودن اطلاعات و نیز اختیاری بودن شرکت در مطالعه پرسشنامه‌های بدون نام را در بین آنها توزیع نموده و اطلاعات جمع‌آوری گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا با استفاده از روش‌های آمار توصیفی شامل جداول توزیع فراوانی، شاخص‌های تمایل مرکزی و پراکندگی متغیرهای مورد مطالعه توصیف و سپس با استفاده از آزمون‌های آماری t-test، آنالیز واریانس و ضریب همبستگی پیرسون یا معادله‌های پارامتری آنها و آزمون کای دو، ارتباط بین متغیرهای تحت مطالعه بررسی شد. تجزیه و تحلیل با استفاده از نرم افزار SPSS 16.0 انجام شد. سطح معنی داری در آزمون‌های فوق ۰,۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: نتایج مطالعه نشان داد که از ۶۵۰ نمونه مورد پژوهش، ۵۵,۲٪ نمونه‌های مورد پژوهش دختر، میانگین سنی ۱۵,۸۰ سال (۱۴ تا ۱۹ سال)، میانگین کلی معدل ۱۶,۴۳ و متوسط تعداد فرزندان خانواده ۴ نفر بوده‌اند. مطالعه نشان داد میانگین نمره کلی مهارت‌های اجتماعی ۱۰۲,۵ یعنی در حد متوسط می‌باشد. بین مهارت‌های اجتماعی و سن ($P = 0.001$)، تحصیلات مادر ($P = 0.001$) و تعداد فرزندان خانواده ($P = 0.03$) رابطه آماری معنی دار وجود داشت. نتایج مطالعه همچنین نشان داد که بین مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان و رتبه تولد ($P = 0.1$)، در قید حیات بودن والدین ($P = 0.3$)، طلاق والدین ($P = 0.2$)، جنس ($P = 0.2$) و معدل دانش آموزان ($P = 0.1$) رابطه آماری معنی دار وجود ندارد.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان داد مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان، در سطح متوسطی بوده، لذا با توجه به اهمیت نقش این مهارت‌ها در عملکرد تحصیلی، سازگاری و پیشگیری از اختلالات رفتاری و اجتماعی در زندگی آینده دانش آموزان لازم است که در زمینه آموزش این مهارت‌ها از سنین پیش دبستانی تا مقاطع تحصیلی بالاتر و بخصوص در نوجوانان اقداماتی موثر براساس روایات و آموزه‌های قرآنی صورت گیرد.

واژگان کلیدی: مهارت‌های اجتماعی، پرسشنامه مهارت اجتماعی ماتسون، مهارت‌های زندگی



تحلیل رفتارهای خودمراقبتی و تعیین مولفه های موثر بر آن در بیماران دیابتی

دکتر مریم نفیسی^۱، مریم عمرانی^۲، بیژن مقیمی دهکردی^۳

۱. دکترای داروسازی، معاونت امور بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. کارشناسی ارشد آمار، معاونت امور بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

mary.o1944@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، معاونت امور بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: خودمراقبتی در بیماری دیابت روند جدید و چالش برانگیز مدیریتی است که در آن بیماران نقش مهمی در مکانیسم درمان و مراقبت از خود بعهدہ دارند. با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر با هدف تعیین وضعیت رفتارهای خودمراقبتی و عوامل موثر بر آن در بیماران دیابتی تحت پوشش معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی انجام شده است.

مواد و روش ها: در مطالعه توصیفی حاضر، ۲۵۰ بیمار دیابتی مراجعه کننده به داروخانه های تحت پوشش معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی به روش نمونه گیری در دسترس مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه دو قسمتی شامل مشخصه های فردی-زمینه ای بیماران و رفتارهای خودمراقبتی آنها است. داده ها با نرم افزار SPSS-20 آنالیز و از آزمون تی، مجذور کای و تحلیل واریانس استفاده شد.

نتایج: میانگین امتیاز خودمراقبتی در بیماران ($12/7 \pm 39/2$) و وضعیت خودمراقبتی نسبتاً مطلوب بود. قوی ترین بعد خودمراقبتی بیماران دیابتی مربوط به مصرف دارو و ضعیف ترین بعد مربوط به فعالیت بدنی بود. بیماران دیابتی با سطح تحصیلات بالاتر و بیماران دریافت کننده اشکال تزریقی دارو، رفتارهای خودمراقبتی مناسب تری داشتند. افزایش سن، زندگی با فرزندان یا به تنهایی، ابتلا به بیماریهای دیگر، از جمله عوامل معکوس تاثیرگذار بر رفتارهای خودمراقبتی بودند ($p < 0.05$)

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاکی از این است که عوامل متعددی بر پایبندی بیماران دیابتی به رفتارهای خودمراقبتی تاثیر گذار است. اجرای برنامه های آموزشی با هدف ارتقاء وضعیت خودمراقبتی بیماران، با توجه به مشخصه های فردی زمینه ای بیمار، می تواند در کنترل عوارض بیماری دیابت موثر باشد.

واژگان کلیدی: خودمراقبتی، بیمار، دیابت ملیتوس



Epidemiology of breast cancer and it's risk factors

Hamed arvanagnejad¹, Fatemeh khosravi¹

1. Undergraduate Nursing student, student research committee, Nursing faculty, Aja university of medical sciences .hamedarvanag@gmail.com

Back ground: Breast cancer is the most common cancer and the second leading cause of death in Iranian women. It's increasing prevalence in developing countries such as Iran has caused high costs for the country's health system. As a result recognizing the features and prevalence of common diseases such as breast cancer helps physicians to diagnose and treat the diseases more accurately and more efficiently. The aim of this study is to investigate the epidemiology of breast cancer and it's risk factors.

Material and Methods: The study was conducted as a review by searching the Pubmed, Google scholar, Science direct and Sid databases with the key words cancer, breast cancer, risk factors, epidemiology. In this way Persian articles were collected and reviewed until 2020.

Results: The incidence rate of breast cancer in Iran is lower than the other developed countries but it occurs at a younger age. The most common age for malignant cancerous masses to appear is between the age of 40 and 50 and before menopause with the common sign of vague pain in the mammary ducts region and it's most common benign masses are expected to appear in 20s and 30s. Obesity, Hyperlipidemia and taking contraceptive pills are the most common risk factors of breast cancer.

Conclusions: Due to the increasing prevalence of breast cancer in Iran, extensive programs are needed in the field of screening, training and encouraging people at risk for monthly self-examinations, annual mammography and examination by a physician from an early age especially in less developed cities to prevent irreparable damages to people and the additional costs caused by them and the country's health system with timely diagnosis and treatment.

Keywords: *Epidemiology, breast cancer, cancer, risk factors*



Prevalence of type2 diabetes in population over 30 years old in Varamin province (2017-18)

Kamal Salehi¹ , Atefeh Kordlu¹ , Rafat Rezapour-Nasrabad²

- 1.Student Research Committee, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
- 2.Corresponding Author: PhD, Nursing Management Department, School of Nursing and Midwifery, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran. Rezapour.r@sbmu.ac.ir

Background and Purpose: Type 2 diabetes is one of the most common metabolic disorders associated with an absolute or relative deficiency in secretion or function of insulin in the body, and in recent decades, its prevalence has increased among adults around the world. Therefore, the present study was designed to evaluate the prevalence of type 2 diabetes in the population older than 30 years old in Varamin city in years 2017-18.

Method: In this descriptive-analytical study, data were collected from 1102 diabetic patients who had referred to the Diabetes Patient Support Center of Varamin city during years 2017 and 2018. Questionnaire was used to collect data including variables such as gender, age, fasting blood sugar, cholesterol, HbA1c, triglyceride, systolic and diastolic blood pressure and pulse pressure. Data were analyzed using SPSS software version 25 and chi-square test for independent variables and qualitative t-test.

Findings: In this study, the overall prevalence of type 2 diabetes in the population over 30 years old in Varamin city , in Years 2017-18 , 11 and 12 percent, respectively ,and the prevalence of men in years 2017 and 2018, respectively, at 8 and 9 percent, respectively , and in women it was 13 and 14 percent. Mean and standard deviation of age of 1102 members was 56/29±13/11. 67/8% were women. Mean and standard deviation of fasting blood glucose (207/74±93/50 mg/dl), HbA1c (8/93±2/58%), Cholesterol (186/29±56/83), Triglyceride (173/89±92/94mg/dl), systolic blood pressure (126/12±17/57mmHg), diastolic blood pressure (79/37±7/28mmHg) and pulse pressure (46/74±13/98mmHg). Also in the study of differences in fasting blood sugar was (p=0/933) ,HbA1c (p=0/571), Cholesterol (p=0/192) there was no significant difference in diastolic blood pressure (p=0/317) between the two groups. But there was a statistically significant difference between the two groups of men and women in the study of systolic blood pressure (p=0/000) and pulse pressure (p=0/001) so that the mean of systolic blood pressure and pulse pressure were higher in women than in men.

Discussion & Conclusion: According to the results of the present study, the prevalence of type 2 diabetes among population older than 30 years old in Varamin city is lower than similar studies in other centers. Given the prevalence of 12% and an increase over a year in both men and women and not having diabetics go to health centers, screening and remedies for affected people and formulation of a prevention plan for healthy people in Varamin is recommended.

Keywords: Diabetes Patient Support Centre. Health Centre. Insulin. Metabolic Disorders. Varamin Province



بررسی میزان شیوع بیماران دیابتی مبتلا به کرونا در استان کرمانشاه

امیرحسین تندرو^۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده پرستاری مامایی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

amirhossein.tondro.75@gmail.com

زمینه و هدف: بیماری کووید ۱۹ یکی از بیماری های عفونی که برای اولین بار در دسامبر ۲۰۱۹ در ووهان چین گزارش گردید و همه گیری این بیماری عفونی خطرناک بزرگترین تهدید برای سلامت عمومی است. تحقیقات انجام شده نشان می دهد که بیماری دیابت یکی از بیماری های زمینه ای مهم و ریسک فاکتور اساسی در افزایش مرگ و میر در بیماران مبتلا به کووید ۱۹ محسوب می شود و از آن جایی که دیابت یک بیماری مزمن چند عاملی بوده که سازمان جهانی بهداشت از آن به عنوان همه گیری خاموش نام برده و شیوع این بیماری در سراسر جهان روبه افزایش است، بنابراین ضرورت دارد تا با بررسی اپیدمیولوژی بیماران دیابتی مبتلا به کووید ۱۹ و باتاکید بر آموزش و پیگیری این بیماران به بهبود کیفیت زندگی و کاهش مرگ و میر و افزایش خودمراقبتی این بیماران کمک کنیم.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی می باشد و جامعه پژوهش شامل کلیه بیماران دیابتی مبتلا به کووید ۱۹ در کرمانشاه می باشند و نمونه گیری به روش سرشماری انجام شده و حجم نمونه شامل تمام امار جامعه پژوهش میباشد و ابزار جمع آوری اطلاعات چک لیست پژوهشگر ساخته حاوی سوالاتی نظیر (اطلاعات دموگرافیک و تست تشخیصی و بیماری زمینه ای و نوع دیابت و سابقه مصرف دارو و سابقه جراحی و ...) می باشد و پژوهشگر بعد از کسب کد اخلاق با مراجعه به مراکز پذیرش دهنده بیماران کرونایی ۱۶ ساعته و بیمارستان های مرکز کرونا و مرکز دیابت به نمونه گیری و جمع آوری اطلاعات باتاکید بر حفظ اصل رازداری و گرفتن رضایت از جامعه هدف پرداخته است. درنهایت داده ها برای تجزیه و تحلیل توسط آمار توصیفی و استنباطی وارد SPSS24 شدند.

نتایج: بیماران دیابتی مبتلا به کووید ۱۹ به صورت ۴۲۶ مورد بستری در بیمارستان و ۶۲۰ مورد مراجعه به مراکز سرپایی و کلینیک دیابت موجود بودند که ۵۵ درصد آنها زن و ۴۵ درصد مرد و رژیم غذایی نامناسب و چاقی و عدم تحرک و دیابت کنترل نشده و استرس کووید ۱۹ از عوامل تشدید کننده علائم جسمی و روانی در این بیماران می باشد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان دهنده شیوع روبه افزایش بیماران دیابتی مبتلا به کووید ۱۹ می باشد، لذا ارائه آموزش های لازم و غربالگری و شرکت در کلاس های مجازی و پیشگیری می تواند در کاهش بروز عوارض و مرگ و میر و افزایش خودمراقبتی این بیماران کمک کننده باشد.

واژگان کلیدی: اپیدمیولوژی، شیوع، دیابت، کووید ۱۹



The effect of corticosteroids on the Course of recovery of respiratory disorders in patients with corona

Hadi Jalilvand¹, Mojtaba Abdi², Doha Abo Aljadayel³, Shadi doostibabashekandi⁴

1. Master Student of Epidemiology, Student Research Committee, Tabriz University of Medical Sciences, Faculty of Health, Iran, Tabriz

2. Bsc of Nursing, Student Research Committee, Faculty of Nursing, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

3. General Medicine Student, Student Research Committee, Faculty of Allied Medicine, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. dududa774@gmail.com

4. Master Student of Physiotherapy, Haft Tappeh University, Faculty of Rehabilitation, Turkey, Istanbul

Background: Corona is a new disease in which one of the most common symptoms is respiratory disorders. Since few studies have been performed to evaluate the effect of corticosteroids on the course of recovery of respiratory disorders in corona patients in Iran, so this study was conducted to investigate the effect of corticosteroids on the course of recovery of respiratory disorders in patients with corona in 1399 year.

Material and Methods: This study was a cross-sectional study that was conducted in spring and summer of 1399 by census sampling method. The study research Society included patients with corona who referred to an international health center in Tehran. Use of mean, standard deviation, absolute frequency and absolute frequency percentage for order to report descriptive results were used and to investigate the relationship between corticosteroid use and respiratory disorders, Chi-square test was used at a significance level of 0.05.

Results: 350 patients participated in this study and the mean and standard deviation of age of participants was 32.71 ± 10.93 . 225 patients (64.29%) had a history of using corticosteroids in spray, injectable and oral forms. Among the total participants, 191 (54.57%) had respiratory disorders, of which 128 (67.02) had mild respiratory disorders and 63 (32.98%) had severe respiratory disorders. Recovery of respiratory disorder was mild in 128 patients (67.01%) after 8 weeks and 20 patients (10.47%) fully recovered. Out of 155 patients whose respiratory disorders did not fully improve after 8 weeks, 56 patients (36.13%) had complete recovery after 16 weeks of respiratory disorders. There was no significant relationship between use of corticosteroids and the improvement of respiratory disorders in patients with corona at 8 weeks recovery (P-value = 0.625) and 16 weeks recovery (P-value = 0.610).

Conclusions: Corticosteroids have no effect on the improvement of respiratory disorders in patients with corona, and respiratory disorders in patients with corona should be followed up for at least 16 to 20 weeks, and these patients should be referred to a pulmonologist to accelerate their recovery.

Keywords: Respiratory disorders, Corona, Corticosteroids, Course of recovery



بررسی متوسط نمره رفتار رانندگی پرخاشگرانه و عوامل مرتبط با آن در رانندگان شهر

زاهدان در سال ۹۸-۹۷

سعید قوی^۱، مهدی محمدی^۲، علیرضا انصاری مقدم^۲، حسن اکاتی^۲، فاطمه زینلی^۱

۱. کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران

ghavisaeed@gmail.com

۲. استاد گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران

۳. استادیار گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران

زمینه و هدف: رفتار رانندگی جزئی از رفتار فرهنگی افراد در جوامع است زیرا به ارزش ها، عادت، نگرش ها و سایر عوامل مربوط است. لذا زمانی می توان میزان تصادفات را کاهش داد که رفتار رانندگی پرخطر و عوامل موثر بر آن در یک فرهنگ خاص بررسی شود.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی مقطعی است که به روش پیمایشی بر روی نمونه ای شامل ۴۴۰ نفر از رانندگان خودروهای سواری سبک شهر زاهدان، پس از تایید در کمیته اخلاق دانشگاه انجام شد. نمونه گیری به صورت غیر تصادفی در دسترس و با پرسشنامه شاخص ابراز خشونت رانندگی (DAX) در ۸ جایگاه سوخت، انجام گرفت و داده های گرد آوری شده با استفاده از آزمون های من-ویتنی، کروسکال والیس و ضریب همبستگی اسپیرمن در نرم افزار SPSS-V22 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: نتایج تحقیق نشان داد میانگین نمره رفتارهای پرخاشگرانه کلامی با سن در ارتباط بوده است ($p=0/04$) همچنین نمره رفتار سازنده ($p=0/002$)، رفتارهای پرخاشگرانه جسمی ($p=0/003$) و رفتارهای پرخاشگرانه با وسیله نقلیه ($p=0/003$) بین دو جنس تفاوت معنی داری داشت. مصرف الکل نیز با رفتار سازنده ($p=0/003$) و رفتارهای پرخاشگرانه با وسیله نقلیه ($p=0/001$) ارتباط معنی داری داشته است. همچنین ارتباط معنی داری بین رفتارهای پرخاشگرانه با وسیله نقلیه و رفتار سازنده وجود داشته است ($p<0/001$).

نتیجه گیری: عوامل مرتبطی با رفتارهای رانندگی همچون مصرف الکل و مواد مخدر، تعداد خطاها و جرایم رانندگی و جنس میتوانند تغییرات پرخاشگری در رانندگی را تبیین کنند. با توجه به رابطه مصرف مواد و پرخاشگری رانندگی و با توجه به موقعیت جغرافیایی مرزی شهر زاهدان و قاچاق و توزیع و مصرف بالای مواد مخدر و دخانیات در بین رانندگان لازم است این موضوع به خصوص در شاغلین راننده مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: پرخاشگری، پرخاشگری کلامی، رفتار رانندگی، رفتار سازنده، وسیله نقلیه.



بررسی سواد سلامت و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان شهرستان قاین در سال تحصیلی

۱۳۹۸-۱۳۹۷

سعید قوی^۱، ستایش سین دره اصفهانی^۲

۱. کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، ایران
ghavisaeed@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ایران

زمینه و هدف: سواد سلامت نقش مهمی در ارتقا سطح سلامت جامعه تعیین شده است. با توجه به نقش مهم دانشجویان در تعیین استراتژی و برنامه های آینده ی کشور، این مطالعه با هدف تعیین سطح سواد سلامت و عوامل موثر بر آن در دانشجویان شهرستان قاین انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه ی توصیفی-تحلیلی به صورت مقطعی در سال ۱۳۹۸ انجام شده است. ۲۲۰ نفر از دانشجویان دانشگاه های مختلف شهرستان قاین به روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی وارد مطالعه شدند. ابزار گرد آوردی داده ها پرسشنامه سنجش سواد سلامت بزرگسالان ایرانی (HELIA) بود. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ از طریق آماره های توصیفی، آزمون تی مستقل، آنالیز واریانس یک طرفه (آنوا) و آزمون رگرسیون خطی تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: میانگین (انحراف معیار) نمره سواد سلامت برابر با $73/09$ ($14/16$) از 100 نمره بود. بیش از ۲۵٪ افراد شرکت کننده در این مطالعه سطح سواد سلامت عالی داشتند و $42/3$ ٪ افراد سطح سواد سلامت آن ها در دسته ی کافی قرار داشت. سطح سواد سلامت $28/2$ ٪ نمونه ی بررسی نه چندان کافی برآورد شده و تنها $3/8$ ٪ افراد از سواد سلامت ناکافی برخوردار بودند. سواد سلامت با افزایش سن، جنس زن، دانشجویان علوم پزشکی ارتباط معنادار نشان داد.

نتیجه گیری: به طور کلی سطح سواد سلامت دانشجویان در مطالعه ی حاضر در حد کافی و مطلوب قرار دارد. با این حال با توجه به اینکه در حدود یک سوم دانشجویان هنوز سطح سواد سلامت نامطلوب می باشد، بنابراین اتخاذ تصمیمات مناسب جهت ارتقا سطح سواد سلامت دانشجویان توصیه می شود.

واژگان کلیدی: سواد سلامت، دانشجویان، ارتقای سلامت، ایران



بررسی شیوع علائم و مشکلات دستگاه گوارش در بیماران مبتلا به سرطان دستگاه گوارش فوقانی در شهر زاهدان: یک مطالعه مورد - شاهدی

فاطمه زینلی^۱، علیرضا انصاری مقدم^۲، محمد علی مشهدی^۳، مهدی محمدی^۲، مصطفی پیوند^۱، سعید قوی^۱

۱. کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان Zeynalifatemeh62@gmail.com

۲. استاد گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران

۳. فوق تخصص خون و سرطان بالینی، دانشکده پزشکی، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، بیمارستان علی ابن ابیطالب (ع)، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران

زمینه و هدف: سرطان از جمله مشکلات جدی سلامت جوامع امروزی است و یکی از علل اصلی مرگ و میر در کشورهای در حال توسعه می باشد. با توجه به اینکه بیماران سرطانی از مشکلات بسیاری از جمله مشکلات گوارشی رنج می برند. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین شیوع علائم و مشکلات دستگاه گوارش در بیماران مبتلا به سرطان دستگاه گوارش فوقانی شهر زاهدان انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه مورد- شاهدی در سال ۱۳۹۶ در شهرستان زاهدان انجام شد. جامعه مورد پژوهش شامل تمام بیماران مبتلا به سرطان دستگاه گوارش فوقانی مراجعه کننده به بیمارستان علی بن ابی طالب و شاهد های همسان شده (بیمارستانی و هم محله ای) بودند. حجم نمونه ۱۰۶ بیمار سرطانی به همین تعداد یک گروه شاهد بیمارستانی و یک گروه شاهد هم محله ای که جمعاً دو برابر گروه مورد بود. ابزار گردآوری داده ای پرسشنامه استاندارد شامل اطلاعات دموگرافیک و بررسی علائم و مشکلات گوارشی بود. پس از تایید طرح در کمیته اخلاق دانشگاه پژوهشگران به صورت حضوری به بیمارستان مراجعه و ضمن شناسایی بیماران و شاهد ها بر اساس سیستم HIS بیمارستان و تشریح اهداف و تکمیل فرم رضایت آگاهانه پرسشگری آغاز می شد. در نهایت داده ها وارد نرم افزار spss-v22 شد و با استفاده از آزمون های آمار توصیفی و تست های تحلیلی (رگرسیون لجستیک شرطی، Chi-squar و Man-Whitney) مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج: در این مطالعه اطلاعات ۱۰۶ بیمار سرطانی و ۲۱۲ نفر به عنوان گروه شاهد، مورد بررسی قرار گرفتند. (۴۹/۲٪) زن و (۵۰/۸٪) مرد و ۳۳ درصد بیماران سن بالای ۷۰ سال داشتند. ۷۱/۷ درصد بلوچ و ۲۸/۳ درصد سیستانی، ۳۷/۷ درصد از بیماران ساکن شهر و ۶۲/۳ درصد در روستا اسکان داشتند. فراوانی علائم گوارشی بر حسب (شدت، دفعات و مدت زمان) و کاهش وزن در بین گروه مورد و به تفکیک شاهد به ترتیب ۷۸/۳ درصد بیماران، ۱۰/۴ درصد شاهد بیمارستانی و ۷/۵ درصد شاهد جمعیتی علائم ریفلاکس مری به معده، از سوی دیگر ۸۴ درصد بیماران، ۳۱/۱ شاهد بیمارستانی و ۴۰/۶ درصد شاهد جمعیتی ترش کردن معده، همچنین ۶۸/۹ درصد بیماران، ۵/۷ درصد شاهد بیمارستانی و ۴/۷ درصد شاهد جمعیتی دشواری بلع را گزارش کردند.

نتیجه گیری: شیوع زودرس علائم و مشکلات گوارشی در بیماران مبتلا به سرطان دستگاه گوارش فوقانی نسبت به انواع سرطانه های دیگر هائز اهمیت می باشد. با آگاهی از این موضوع متخصصین رشته های مربوطه خواهند توانست افراد با علائم و مشکلات گوارشی را تحت بررسی و مراقبت ویژه قرار داده و این علائم زودرس را به عنوان یک پیش آگهی در روند ابتلا به سرطان دستگاه گوارشی قلمداد نمایند. با توجه به ماهیت بیماری که تاخیر در مراجعه، تحمیل بار جدی بر فرد و جامعه را در پی دارد، انجام مطالعات بیشتری جهت تشخیص زود هنگام توصیه می گردد.

واژگان کلیدی: سرطان دستگاه گوارش فوقانی، علائم و مشکلات گوارشی



ارتباط عوامل تغذیه ای و سبک زندگی در پیشگیری از سرطان کولورکتال

فهیمة شکوهی^۱، وحید طاهریان^۲

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران fahimeshokouhi5@gmail.com

۲. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

زمینه و هدف: سرطان کولورکتال یکی از شایعترین سرطان های دستگاه گوارش است. سومین سرطان رایج و چهارمین علت مرگ و میر ناشی از سرطان در جهان می باشد. مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط بین سبک زندگی و عوامل تغذیه ای در پیشگیری از سرطان کولورکتال می باشد.

مواد و روش ها: طی این مطالعه مروری نظام مند، مقالات مرتبط با کلید واژه های فارسی سرطان، سرطان کولورکتال، سبک زندگی، رژیم غذایی و پیشگیری از پایگاه های داخلی magiran, sid, iranmedex و کلید واژه های انگلیسی cancer, colorectal cancer, life style, diet, prevention از پایگاه های خارجی google scholar, scopus, Pubmed پس از بررسی اولیه ۴۴ مقاله مرتبط با موضوع طی سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ یافت شد که در نهایت ۲۹ مقاله واجد شرایط مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و ۸ مقاله به علت در دسترس نبودن متن کامل مقالات و ۷ مقاله به علت تکراری بودن عنوان از روند مطالعه حذف شدند.

نتایج: نتایج مطالعات نشان داد که بین سبک زندگی افراد و رژیم غذایی در بروز سرطان کولورکتال رابطه ی مستقیمی وجود دارد. با ایجاد چند تغییر ساده در سبک زندگی و رژیم غذایی میتوان ابتلا به سرطان کولورکتال را کاهش داد. داشتن رژیم میوه و سبزی بالا، رژیم پرفیبر، دریافت فولات متیونین بالا، کلسیم بالا، مصرف آسپیرین با دوز کم، داشتن فعالیت فیزیکی مداوم در پیشگیری از سرطان کولورکتال نقش داشت. همچنین ارتباط مثبتی بین کاهش مصرف گوشت قرمز و آهن، کلسترول، الکل، عدم استعمال دخانیات و کاهش ابتلا به سرطان کولورکتال وجود داشت.

نتیجه گیری: میزان مرگ حاصل از سرطان روده بزرگ طی سال های تحت مطالعه روند رو به رشدی داشته است. شناخت عواملی که موجب بروز سرطان کولورکتال می شود برای پیشگیری از آن ضرورت دارد. با شناسایی و اصلاح سبک زندگی و رژیم غذایی مردم میتوان برنامه ریزی های لازم کشوری جهت سالم سازی محیط ایجاد کرد و الگوی زندگی سالم و آموزش جامعه را فراهم کرد و تا حد زیادی از بروز سرطان کولورکتال پیشگیری کرد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، رژیم غذایی، سرطان کولورکتال، پیشگیری



اپیدمیولوژی سرطان معده در جهان

فهیمة شکوهی^۱، وحید طاهریان فر^۲، آیدا امیری پور^۳

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران fahimeshokouhi5@gmail.com
۲. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران
۳. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

زمینه و هدف: سرطان معده شایع ترین سرطان دستگاه گوارش است و پنجمین سرطان شایع و سومین علت مرگ ناشی از سرطان بعد از ریه و کولورکتال در جهان می باشد. هدف از این مطالعه بررسی اپیدمیولوژی سرطان معده در جهان می باشد.

مواد و روش ها: طی این مطالعه مروری، مقالات مرتبط با کلید واژه های: epidemiology, stomach cancer, world از پایگاه های: google scholar, scopus, sid, pubmed صورت گرفت. پس از بررسی اولیه ۱۰۶ مقاله طی سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ یافت شد که در نهایت ۳۴ مقاله واجد شرایط مورد ارزیابی قرار گرفت. مابقی مقالات به علت در دسترس نبودن متن کامل مقالات و نامرتب بودن با عنوان مورد نظر از روند مطالعه حذف شدند.

نتایج: میزان مرگ و میر و نرخ بروز و شیوع سرطان معده طبق سن و قومیت و محیط جغرافیایی متفاوت است. بروز این بیماری در طول چند دهه ی اخیر روند کاهشی داشته است. میزان شیوع آن در شرق آسیا، شرق اروپا و جنوب آمریکا بسیار زیاد است همچنین شیوع در مردان حدود ۲ برابر بیشتر از زنان است. روند بروز سرطان معده در غرب و شمال ایران در حال افزایش است. مهمترین عامل خطر ساز این بیماری عفونت با هلیکوباکتر پیلوری است که از دیگر عوامل خطر ساز این بیماری رژیم غذایی پر نمک، سیگار کشیدن، عدم تحرک بدنی، عدم مصرف میوه و سبزیجات تازه و چاقی و مصرف الکل می باشد.

نتیجه گیری: سرطان معده در صورت تشخیص و درمان به موقع قابل درمان است لذا اصلاحات رژیم غذایی به طور بالقوه یکی از مهمترین ابزارهای پیشگیری از سرطان معده است همچنین برنامه های غربالگری و تشخیص زودرس در افراد و مناطق در معرض خطر بالا توصیه میشود.

واژگان کلیدی: اپیدمیولوژی، سرطان معده، جهان



اپیدمیولوژی بیماری سرطان پستان در زنان

فهیمة شکوهی^۱، محمد سالاری^۲، فاطمه باهوش فیض آبادی^۳

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران fahimeshokouhi5@gmail.com
۲. دانشجوی کارشناسی، رشته زیست شناسی سلولی مولکولی، دانشکده علوم پایه، دانشگاه آزاد مشهد، مشهد، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی، کمیته تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، ایران

زمینه و هدف: سرطان پستان در بین انواع سرطان، یکی از مهمترین مشکلات بهداشتی تلقی می شود و سومین سرطان شایع در بین زنان است و همچنین شایعترین علت مرگ ناشی از سرطان زنان محسوب می شود. هدف از این مطالعه بررسی اپیدمیولوژی بیماری سرطان پستان در زنان می باشد.

مواد و روش ها: طی این مطالعه مروری، مقالات مرتبط با کلید واژه های: اپیدمیولوژی، سرطان پستان، زنان، epidemiology, breast cancer, women از پایگاه های: sid, pubmed, google scholar, scopous, magiran صورت گرفت. پس از بررسی اولیه ۸۱ مقاله طی سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ یافت شد که در نهایت ۴۰ مقاله واجد شرایط مورد بررسی و تحلیل و دسته بندی قرار گرفت. مابقی مقالات به علت در دسترس نبودن متن کامل مقالات و نامرتب بودن با عنوان مورد نظر از روند مطالعه حذف شدند.

نتایج: روند مرگ و میر و نرخ بروز و شیوع سرطان سینه بر اساس نژاد و قومیت و محیط جغرافیایی متفاوت است و شیوع در کشورهای توسعه یافته بیشتر از توسعه نیافته می باشد همچنین میزان شیوع در زنان جوان نادر می باشد. شناسایی عوامل خطرناک قابل اصلاح در سرطان پستان امکان پیشگیری را فراهم می آورد. سن بالاتر از ۳۰ سال، استفاده از دارو های ضد بارداری خوراکی، ازدواج در سنین بالا یا تولد اولین فرزند در سنین بالا، داشتن بستگان درجه اول مبتلا به سرطان پستان، سبک زندگی، عدم تحرک جسمی، افزایش مصرف الکل و سیگار از عوامل خطر سرطان پستان می باشد.

نتیجه گیری: سرطان پستان در صورت تشخیص و درمان سریع قابل درمان است و همچنین با توجه به قابل پیشگیری بودن سرطان پستان می توان با انجام مداخلات آموزشی منظم در جهت بهبود و افزایش آگاهی و نگرش زنان، برنامه های غربالگری منظم و در دسترس بودن امکانات درمانی مناسب جهت کاهش بروز و مرگ و میر ضروری می باشد.

واژگان کلیدی: اپیدمیولوژی، سرطان پستان، زنان





ارگونومی



ارزیابی پوسچرهای کاری و بررسی تاثیر مداخلات ارگونومیک در واحدهای رختشویخانه سه بیمارستان دولتی استان قزوین به روش REBA

حانیه عبدی^۱، محمدامین مولایی^۲، لیلا سادات رضوی منس^۳، سهیلا اسمعیلی^۴

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
Abdihaniyeh400@gmail.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۴. دکتری تخصصی، رشته مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، قزوین، ایران

زمینه و هدف: اختلالات اسکلتی-عضلانی مرتبط با کار از جمله عمده ترین مشکلات اساسی سلامتی و ناتوانی کارکنان در محیط های کاری محسوب می گردد. وضعیت بدنی نامناسب و طراحی غیر ارگونومیک ایستگاه های کاری از جمله عوامل شایع در بروز اختلالات اسکلتی-عضلانی محیط کار می باشد. طراحی ایستگاه های کاری با در نظر گرفتن ریسک فاکتورهای ارگونومی می تواند به طور چشمگیری از بروز این صدمات جلوگیری نماید. بدین منظور مطالعه حاضر باهدف ارزیابی پوسچرهای کاری و بررسی میزان تاثیر مداخلات ارگونومیک در کارکنان واحدهای رختشویخانه سه بیمارستان دولتی استان قزوین با استفاده از روش REBA انجام گرفته است.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی-تحلیلی، در سال ۱۳۹۸ در بین ۶۵ نفر از کارکنان واحدهای رختشویخانه سه بیمارستان دولتی استان قزوین (بیمارستان های کوثر، شهید رجائی و رازی) انجام گرفت. شیوع ناراحتی های اسکلتی-عضلانی با استفاده از پرسشنامه نوردیک و ارزیابی ارگونومیک وضعیت پوسچرکاری توسط روش REBA انجام گرفت. اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS26 و آزمون آماری مجذورکای، مورد تحلیل قرار گرفت. میانگین سنی افراد $37 \pm 0.4/8$ سال و میانگین سابقه کاری افراد $0.9 \pm 0.7/0$ سال می باشد.

نتایج: یافته ها نشان داد که بیشترین شیوع ناراحتی های اسکلتی-عضلانی در ناحیه کمر (۵۹ درصد)، زانو (۵۰ درصد) و گردن (۴۵ درصد) بود. براساس سطوح امتیاز REBA، حدود ۲۳ درصد از وظایف نیاز به اصلاحات ضروری، ۲۹ درصد وظایف نیاز به اصلاحات هرچه زودتر و ۴۸ درصد وظایف نیاز به اصلاحات به صورت آنی بود. شیوع ناراحتی های اسکلتی-عضلانی با سن، سابقه کار و نوع فعالیت کاری ارتباط معناداری داشت. همچنین براساس مداخلات ارگونومیک انجام شده، کاهش معناداری در سطوح امتیاز REBA در محیط های کاری ذکر شده مشاهده شد؛ به گونه ای که ۴۰ درصد وظایف دارای سطح خطر پائین (شاید ضروری) و ۶۰ درصد وظایف دارای سطح خطر متوسط (ضروری) را نشان دادند.

نتیجه گیری: بر طبق این مطالعه، میزان شیوع ریسک فاکتورهای ارگونومی ناشی از کار کارکنان مورد مطالعه بسیار بالا می باشد؛ ولی پس از انجام مداخلات ارگونومیک، ریسک فاکتورهای ارگونومیک بین ۴۲/۶ تا ۶۵ درصد کاهش داشت.

واژگان کلیدی: مداخلات ارگونومیک، REBA، رختشویخانه، بیمارستان



تخمین ابعاد آنترپومتریک کارگران مرد ایرانی به کمک روش RASH

مینا سادات بهدانی^۱؛ یگانه جامی^۲؛ مهناز صارمی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ارگونومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ارگونومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

jamiyeganeh@gmail.com

۳. عضو هیات علمی، رشته ارگونومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: با توجه به اینکه در طراحی ایستگاه‌های کاری، به دلیل در دسترس نبودن داده‌های آنترپومتریک، ویژگی‌های آنترپومتریکی کارکنان در نظر گرفته نمی‌شود، درصد بالایی از کارکنان وضعیت نامناسب بدنی را در محیط کار تجربه می‌کنند. علی‌رغم اعتبار و دقت بالای وسایل و روش‌های مستقیم اندازه‌گیری ابعاد آنترپومتریک، به دلیل محدودیت کاربرد این نوع روش‌ها به ویژه در محیط‌های شغلی و همچنین صرفه‌جویی در زمان، استفاده از روش‌های غیرمستقیم اهمیت ویژه‌ای پیدا نموده است. به همین دلیل مطالعه حاضر با هدف تهیه بانک اطلاعاتی آنترپومتریکی کارگران مرد ایرانی انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: این مطالعه با استفاده از روش RASH (اسکیل اندازه‌گیری سریع برای قد) انجام شد. میانگین و انحراف معیار قد کارگران مرد ایرانی با مراجعه به مطالعات پیشین ۱۷۱/۳۳ و ۸/۷۹ سانتی‌متر در نظر گرفته شد. نسبت‌های بدنی و ابعاد آنترپومتریک جامعه ایرانی نیز از مطالعات معتبر پیشین استخراج گردید. اندازه هر بعد برای صدک پنجاهم از نسبت آن بعد به میانگین قد مردان ایرانی و حاصلضرب آن در میانگین قد کارگران مرد ایرانی بدست آمد. با استفاده از میانگین بدست آمده برای هر بعد آنترپومتریک سایر صدک‌ها برآورد گردیدند.

نتایج: ۳۶ بعد بدن برای صدک‌های ۱، ۵، ۲۵، ۵۰، ۷۵، ۹۵ و ۹۹ ام کارگران مرد ایرانی تخمین زده شد. ارتفاع آرنج به عنوان نقطه مرجع طراحی ایستگاه کار در حالت نشسته ۲۵/۶۹ و در حالت ایستاده ۱۰۷/۹۴ سانتی‌متر برای صدک پنجاهم می‌باشد.

نتیجه‌گیری: از این جدول که به روزترین جدول موجود برای ابعاد کارگران مرد ایرانی است می‌توان در طراحی ایستگاه‌های کاری استاتیک استفاده کرد، به عنوان مثال می‌توان ارتفاع رکی را برای طراحی صندلی یا ارتفاع سرانگشتان و ارتفاع شانه را برای تعیین ارتفاع مناسب حمل بار به کار برد.

واژگان کلیدی: ابعاد آنترپومتریک، صدک، روش RASH، کارگران ایرانی



بررسی فاکتور های موثر بر نیروهای چنگش دست پرسنل یک شرکت تولید مواد غذایی

محدثه نوری گلخندان^۱، فاطمه ابارشی^۲، مریم صالح آبادی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

۲. گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
fateme.abareschi@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

زمینه و هدف: بیماری های اسکلتی - عضلانی دومین عامل مراجعه به پزشک می باشند. نیرو های چنگش قدرتی و ظریف نشانه ای از سلامت عمومی می باشد. با توجه به شیوع بیماری های اسکلتی - عضلانی ناشی از کار و متناسب نبودن کار با کارگران مطالعه حاضر با هدف بررسی عوامل موثر بر نیرو های چنگش قدرتی و ظریف انجام گرفت.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر به صورت توصیفی - تحلیلی، مقطعی در میان ۲۰۰ نفر از کارکنان مرد کارخانه تولید مواد غذایی در مشهد با شیوه سرشماری انجام شد. جهت بررسی نیرو های چنگش از دینامومتر و پینچ گیج و از متر، کولیس و وزنه جهت اندازه گیری ابعاد آنتروپومتری دست، قد و وزن استفاده گردید. در این مطالعه داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS16 و ضریب همبستگی پیرسون تحلیل شد و $p < 0/05$ معنادار تلقی گردید.

یافته ها: بر اساس نتایج این مطالعه میان قد و وزن با نیروهای چنگش رابطه معنادار و مستقیمی وجود داشت ($p < 0/01$). اما میان چنگش قدرتی با BMI رابطه ای وجود نداشت. در میان ابعاد آنتروپومتریک پهنای دست بیشترین رابطه را با نیروهای چنگش داشت ($p < 0/01$).

نتیجه گیری: بر اساس نتایج این مطالعه حاضر، در مشاغلی که نیازمند قدرت بالا نیروهای چنگش هستند لازم است ابعاد آنتروپومتریک و مشخصات دموگرافیک بررسی تا افراد در وظایف مناسب با توانایی هایشان به کار مشغول شوند و افزایش بهره وری داشته باشیم.

واژگان کلیدی: ابعاد آنتروپومتریک، چنگش قدرتی، چنگش ظریف، قد، وزن، دینامومتر



برآورد میزان ظرفیت هوازی به روش تست پله در کارگران یکی از کارخانجات کاشی شهر یزد در سال ۱۳۹۶

فاطمه قنائی خالدآبادی^۱، معصومه بهرامی عیسی آبادی^۲، امیرهوشنگ مهرپرور^۳، حکیمه زمانی بادی^۴

۱. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه‌ای، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی یزد، یزد، ایران

۲. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه‌ای، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی یزد، یزد، ایران

۳. استاد، گروه طب کار، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی یزد، یزد، ایران

۴. کارشناس ارشد مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست HSE-MS، گروه مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست HSE-MS، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کاشان، کاشان، ایران hakime2326@gmail.com

زمینه و هدف: اندازه‌گیری حداکثر ظرفیت هوازی، اهمیت زیادی در ایجاد تناسب و تطابق فیزیولوژیک بین کارگر و کار دارد. برآورد ظرفیت هوازی معیاری ارزشمندی در مبحث ارتقا سلامتی در ارگونومی صنعتی است، اما با این وجود در ایران مطالعات محدودی در این زمینه صورت گرفته که نشانگر وضعیت کل کشور نیست. این مطالعه با هدف برآورد ظرفیت هوازی و ظرفیت کار فیزیکی کارگران کاشی و سرامیک انجام شد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه تحلیلی مقطعی ۹۰ نفر از کارگران مرد کارخانه کاشی و سرامیک در شهر یزد که به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند شرکت نمودند. از پرسشنامه متشکل از دو بخش به‌عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده شد. بخش اول مربوط به ویژگی‌های دموگرافیک بود که به روش مصاحبه تکمیل می‌شد. در بخش دوم پرسشنامه پارامترهای قد، وزن، BMI و تعداد ضربان قلب درج می‌گردید. از روش تست پله کویین برای اندازه‌گیری حداکثر ظرفیت هوازی استفاده شد. داده‌های به‌دست‌آمده پس از ورود به نرم‌افزار SPSS به کمک آزمون‌های من ویتنی و کروسکال والیس و ضریب همبستگی تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: بیشترین ظرفیت هوازی در کارگران کاشی و سرامیک $۳/۶۰ \pm ۰/۰۳۶$ لیتر در دقیقه برآورد شد. نتایج نشان داد ظرفیت هوازی با وزن و شاخص توده بدنی دارای ارتباط معنادار است. همچنین آزمون آماری نشان داد که بین ظرفیت هوازی و استعمال دخانیات و ورزش کردن و میزان تحصیلات ارتباط معنادار وجود ندارد ولی بین نوع شغل و میزان توان هوازی ارتباط معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری: وزن و BMI و نوع شغل از عوامل تأثیرگذار بر ظرفیت هوازی کارگران می‌باشد. پیشنهاد می‌شود توان هوازی بخشی از معاینات قبل استخدام و دوره‌های قرار گیرد تا علاوه بر ایجاد بانک اطلاعات تغییرات ظرفیت هوازی کارگران پایش شده و تناسبی بین کارگر و کار محوله ایجاد گردد.

واژگان کلیدی: حداکثر ظرفیت هوازی، ظرفیت انجام کار فیزیکی، تست پله کویین



ارزیابی تاثیر بار کاری بر فرسودگی شغلی پرستاران یکی از بیمارستان های روانپزشکی استان

تهران

نیلوفر ولیزاده^۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران nlfv.9870@gmail.com

زمینه و هدف: نیروی انسانی، عامل اصلی تولید و خدمت و مهم ترین عنصر موثر در بقا و موفقیت محسوب می شود. پرستاران به عنوان بزرگترین منبع انسانی سازمان های مراقبت بهداشتی و درمانی اهمیت بسزایی دارند. بنابراین تامین سلامت جامعه مستلزم به کارگیری هرچه مناسب تر این منابع است. محیط بیمارستان های روانپزشکی به دلیل سروکار داشتن کارکنان با بیماران روانپزشکی و عدم اطمینان از واکنش های بیماران، باعث ایجاد تنش در کارکنان می شود. برای بسیاری از افرادی که در حرفه ای پرستاری مشغول به کار هستند، بخش زیادی از کار آن ها شامل فشارهای عاطفی (روانی) می باشد. لذا در این مطالعه به بررسی دو عامل مهم مرتبط با سلامت پرستاران که شامل بار کاری و فرسودگی شغلی می باشد، پرداخته می شود.

مواد و روش ها: این مطالعه، از نوع توصیفی-تحلیلی بوده که به بررسی تاثیر بار کاری بر فرسودگی شغلی پرستاران یکی از بیمارستان های روانپزشکی استان تهران پرداخته شد، به منظور اجرای طرح، پس از ارائه ی توضیحات لازم برای پرستاران جهت شرکت در این مطالعه، پرسشنامه ها در اختیار کارکنان پرستاری قرار گرفت. ابزار گردآوری داده ها شامل دو پرسشنامه ماسلاچ و شاخص بار کاری ناسا می باشد. پس از جمع آوری داده ها امتیازات مربوط به هر پرسشنامه محاسبه گردید و سپس وارد نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۴ شد، و با استفاده از روش های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: بین بار کاری و خرده مقیاس خستگی عاطفی همبستگی معکوس و ناقص وجود داشت و رابطه ی معنی داری بین این دو متغیر با توجه به نتایج تحلیل آماری یافت نشد. بین بار کاری و عملکرد فردی ضریب همبستگی صفریود و در این حالت. ضریب همبستگی با مستقل بودن دو صفت مترادف است. بین بار کاری و مسخ شخصیت همبستگی معکوس و ناقص بوده و رابطه ی معنی داری نیز وجود نداشت.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده، پیشنهاد می گردد، تحقیق ارائه شده، در بیمارستان های روانپزشکی دیگر انجام و نتایج آن ها با یکدیگر مقایسه گردد، عوامل تاثیر گذار بر فرسودگی شغلی و بار کاری بررسی گردد و از نتایج این پژوهش جهت تحقیقات مداخله ای و بهبود وضعیت پرستاران استفاده گردد.

واژگان کلیدی: فرسودگی شغلی، بار کاری، ارگونومی شناختی، پرستاران، بیمارستان روانپزشکی



ارزیابی ریسک ابتلا به اختلالات اسکلتی عضلانی به روش RULA و پرسشنامه نوردیک در کاربران IT بیمارستانی

هادی علیمرادی^۱، علیرضا آجدانی^۲، محمد شروین بینا^۳، مهسا نظری^۴

۱. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
۲. دکتری پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران
۳. مهندسی تکنولوژی سخت افزار، دانشگاه غیر انتفاعی صفهان، اصفهان، ایران
۴. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران nazarimahsa95@yahoo.com

زمینه و هدف: گسترش و استفاده روزافزون کامپیوتر در تمامی عرصه های صنعتی و اجتماعی باعث افزایش چشمگیر اختلالات اسکلتی عضلانی در اندام های فوقانی شده است. هدف از این مطالعه تعیین شیوع اختلالات اسکلتی عضلانی اندام های فوقانی، ارزیابی ریسک ابتلا به آنها و ارتباط آنها با ویژگی های دموگرافیک در میان کاربران رایانه یک شرکت برق می باشد.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی- تحلیلی، به صورت مقطعی، تمام کاربران رایانه شاغل در واحدهای اداری (120 نفر) یک شرکت برق که در سال 1398 دارای معیارهای ورود به مطالعه بودند، انتخاب شدند. در این مطالعه از پرسشنامه نوردیک و روش RULA استفاده گردید. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS22 و با آزمون های آماری Chi-Square و Independent Sample T- test مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: نتایج به دست آمده از پرسشنامه مشخص نمود که بیشترین ناراحتی در یک سال گذشته به ترتیب مربوط به کمر (۸۰ درصد)، گردن (۷۳،۳ درصد)، مچ/دست (۷۳،۳ درصد) و شانه (۴۶،۷ درصد) بوده است. بین شیوع اختلالات اسکلتی عضلانی در ناحیه کمر با متغیرهای سن، قد و سابقه کار ارتباط معناداری وجود دارد. (p<0.05) لذا نتایج روش رولا نشان داد که ۷۳،۳ درصد از کاربران رایانه از نظر پوسچر کاری در معرض ریسک متوسط، ۶،۷ درصد در ریسک بالا و ۲۰ درصد در ریسک خیلی بالا قرار دارند.

نتیجه گیری: کاربران رایانه در سطح ریسک متوسط تا بسیار بالا بوده و در نتیجه باید بر طبق سطح الویت اقدام اصلاحی تعیین شده، مداخله ارگونومیک و تغییرات متناسب با شرایط کاری انجام گیرد. در جهت پیشگیری از اختلالات و اثربخشی بیشتر، آموزش های ارگونومی کار بار رایانه به پرسنل داده شد و پیشنهاداتی در این زمینه ارائه گردید.

واژگان کلیدی: اختلالات اسکلتی عضلانی، پرسش نامه نوردیک، ارگونومی، ارزیابی پوسچر



ارزیابی وضعیت ارگونومیکی کارکنان بانک به دو روش ROSA و RULA

سید رضا آقازاده^۱، مریم محسنی راد^۲، مرتضی سیدحسین پور^۳

۱. کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
sreza.aghazadeh@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد، مدیریت مالی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

۳. کارشناسی ارشد، مهندسی صنایع، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران

زمینه و هدف: جامعه بانکی کشور با دارا بودن بیش از ۲۰۰ هزار عضو بخش مهمی از کارمندان اداری کشور را تشکیل می دهد و با توجه به حجم بالای کار، کارمندان بانک مجبور به استفاده طولانی مدت از کامپیوتر و تلفن به صورت نشسته می باشند و آمار سالیانه شرکتهای بیمه و خدمات بهداشتی نشان دهنده رتبه نخست ناراحتی های اسکلتی عضلانی کارکنان بانک در میان سایر کارکنان اداری می باشد. با توجه به اهمیت موضوع هدف اصلی این مطالعه بررسی وضعیت ارگونومیکی کارکنان بانک با استفاده از دو روش ارزیابی ROSA و RULA می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه یک مطالعه مقطعی توصیفی- تحلیلی می باشد. جامعه آماری متشکل از کارکنان ۲۰ شعبه بانک در شهر تهران می باشد که در پاییز ۱۳۹۸ به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شده اند. با توجه به مطالعات گذشته و در نظر گرفتن حجم کل جامعه، تعداد ۱۷۵ نفر از کارکنان شعب بانک انتخاب شدند. به منظور ارزیابی ارگونومیکی از دو روش استاندارد ROSA و RULA استفاده شد.

نتایج: ارزیابی ارگونومیکی به روش RULA نشان دهنده وضعیت نامناسب پوسچر بدنی کارمندان بانک می باشد به نحوی که در بیش از ۶۶ درصد کارکنان نیاز به اقدام فوری ارگونومیکی و اصلاح در آینده نزدیک ملاحظه گردید و همچنین مطابق روش ROSA بیش از ۷۳ درصد کارکنان دارای امتیاز بالای ۵ می باشند و نیاز به مداخله ارگونومیکی در این افراد الزامی می باشد و تایید کننده نتایج روش RULA می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به اثرات نامطلوب پوسچر نامناسب و افزایش بیماری های اسکلتی عضلانی در سلامت کارکنان بانک به نظر تغییرات ارگونومیکی و مدیریتی (بهبود ایستگاه های کاری، کاهش ساعات کار، در نظر گرفتن زمان استراحت روزانه، ایجاد امکانات برای فعالیتهای ورزشی، افزایش اتوماسیون شغلی) در شغل بانکداری الزامی می باشد.

واژگان کلیدی: ارگونومی بانکداری، ROSA، RULA، ناراحتی اسکلتی عضلانی



بررسی تاثیر گوش دادن به موسیقی سنتی و پاپ اصیل ایرانی بر متغیر های ذهنی و عملکردی مرتبط با خواب آلودگی در شبیه ساز رانندگی

نیلوفر شیبانی^۱، سید ابوالفضل ذاکریان^۲، الهام اخلاقی پیرپشته^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

nsheibani@razi.tums.ac.ir

۲. استاد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۳. کارشناس ارشد، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده ایمنی و بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: یکی از علل عمده تصادفات جاده‌ای، خستگی مفرط و خواب‌آلودگی به دلیل سلب عکس‌العمل به موقع و مناسب راننده می‌باشد. یکی از اقدامات مقابله‌ای با خواب‌آلودگی، گوش‌دادن به موسیقی در حین راننده می‌باشد. پژوهش حاضر به بررسی تاثیر دو نوع موسیقی سنتی و پاپ ایرانی بر روی متغیر های ذهنی و عملکردی مرتبط با خواب‌آلودگی راننده پرداخته است.

مواد و روش ها: ۱۲ نفر از دانشجویان پسر دانشگاه علوم پزشکی تهران در محدوده ی طبیعی مقیاس خواب آلودگی اپورث ESS در این پژوهش شرکت کردند. دو نوع موسیقی کلاسیک و پاپ در دو روز مجزا با فاصله زمانی یک هفته‌ای مورد بررسی قرار گرفتند. به منظور بررسی خواب‌آلودگی از دو مقیاس ذهنی (مقیاس خواب‌آلودگی کارولینسکا KSS) و عملکردی راننده (سرعت متوسط، انحراف استاندارد سرعت و انحراف استاندارد مسیر SDLP) در شبیه ساز رانندگی، استفاده شده است.

نتایج: نتایج نشان می دهد که مقیاس خواب آلودگی کارولینسکا، انحراف استاندارد از مسیر SDLP و انحراف استاندارد سرعت، همگی هم در هنگام مواجهه با موسیقی سنتی و هم در مواجهه با پاپ نسبت به شرایط رانندگی در سکوت کاهش معناداری می یابد. هیچ اختلاف معنا داری در میانگین سرعت در مواجهه با موسیقی دیده نشد.

نتیجه گیری: گوش دادن به موسیقی کلاسیک و پاپ ایرانی در حین رانندگی موجب بهبود عملکرد راننده و کاهش سطح خواب آلودگی با توجه به مقیاس های عملکردی وی می شود. برای نتیجه گیری، مطالعه حاضر نشان داد که ارائه موسیقی با تمپو بیشتر در هنگام رانندگی می تواند باعث کاهش خواب آلودگی، تغییر پاسخ های ذهنی و عملکردی رانندگی شود.

واژگان کلیدی: موسیقی سنتی، موسیقی پاپ، خواب آلودگی، مقیاس کارولینسکا، مقیاس عملکردی



بررسی بارکار ذهنی و عوامل مؤثر بر آن در کارکنان بخش اداری یک کارخانه صنعتی (صنایع غذایی سحر همدان)

حمیده زوار^۱، مجتبی مجیدی پور^۲، ناصر لطفی^۳

۱. کارشناسی ارشد، ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران hz2girl@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد، ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران

۳. سرپرست ایمنی شرکت گسترش معادن و صنایع معدنی طلای زرشوران

زمینه و هدف: یکی از عوامل تاثیرگذار بر رفتار، عملکرد و کارایی افراد در محیط‌های کاری، بار کار ذهنی می‌باشد. مطالعه حاضر با هدف بررسی بارکار ذهنی و عوامل مؤثر بر آن در بین کارکنان بخش اداری یکی از صنایع غذایی شهرستان همدان انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه مقطعی ۴۷ نفر از کارکنان اداری یکی از صنایع غذایی در همدان در سال ۱۳۹۸ به صورت تصادفی انتخاب گردیدند. جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه استاندارد شاخص ناسا که یک شاخص چند بعدی است استفاده گردید. این شاخص فشار ذهنی، فشار فیزیکی، فشار زمانی، عملکرد و کارایی، تلاش و کوشش و ناکامی و سرخوردگی را در محیط کار می‌سنجد. روایی و پایایی این پرسشنامه قبلاً در ایران توسط محمدی و همکاران تایید گردیده است. داده‌ها توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ و با استفاده از آزمون‌های آماری کولموگروف اسمیرنوف، تی مستقل، وان وی آنوا و رگرسیون خطی چند متغیره تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: یافته‌ها نشان داد ۳۸،۳٪ افراد تحت مطالعه زن و ۶۱،۷٪ آنها مرد بودند. میانگین سن و سابقه کار افراد به ترتیب ۳۴،۵ و ۵،۹ سال بود. در مجموع امتیاز کلی شاخص ناسا میانگین و انحراف معیار (۷۵،۷۷ و ۱۰،۸۵) را داشت. بیشترین امتیاز را عملکرد و کارایی با میانگین و انحراف معیار (۸۱،۳۷ و ۱۳،۴۲) و کمترین امتیاز را فشار فیزیکی با میانگین و انحراف معیار (۳۶،۴۸ و ۲۶،۲۷) داشت. به ترتیب فشار فیزیکی، ناکامی و سرخوردگی، فشار زمانی، تلاش و کوشش، فشار ذهنی و عملکرد و کارایی کمترین تا بیشترین نمره را داشتند. در بین گروه‌های سنی، گروه سنی بیش از ۴۰ سال با میانگین و انحراف معیار ۸۱،۵۳ و ۱۳،۹ و در بین سابقه‌های کاری افراد نیز گروه با سابقه کاری ۱۰-۲۰ سال با میانگین و انحراف معیار ۸۱،۳۹ و ۱۳،۲۱ بیشترین مقدار شاخص ناسا را به خود اختصاص دادند.

نتیجه‌گیری: نتایج کلی مطالعه حاضر نشان داد که مقدار بار کاری ذهنی در بین کارکنان اداری بالا می‌باشد که بیشترین مقدار نیز مربوط به فاکتور عملکرد و کارایی می‌باشد که می‌توان با مداخلات ارگونومیکی و روانشناختی جهت کاهش خطای انسانی، استرس و خستگی شغلی (فیزیکی و ذهنی) در این گروه از کارکنان، شرایط کار انجامی توسط این افراد را بهبود بخشید. اجرای برنامه‌های مؤثر در جهت تعدیل سازی بارکاری ذهنی می‌تواند مفید باشد و به کاهش بار کاری کمک کند.

واژگان کلیدی: ارگونومی شناختی، کارکنان اداری، شاخص NASA-TLX، بارکار ذهنی



بررسی میزان شیوع ابعاد مختلف خستگی در پرستاران بیمارستان های آموزشی شهید بهشتی

حمزه قیسوندی^۱، رضا خانی جزنی^۲، بهنام مرادی^۳، سید محمد سید مهدی^۴

۱. کارشناسی ارشد ارگونومی، گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۲. استاد گروه سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۳. کارشناسی ارشد مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، گروه سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۴. استادیار طب کار، مرکز تحقیقات بیماری های مزمن تنفسی، پژوهشکده سل و بیماری های ریوی دکتر مسیح دانشوری، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، ایران mseyedmehdi@sbmu.ac.ir

زمینه و هدف: پرستاری از جمله شغل های پرتنش است. ماهیت کار پرستاران به گونه ای است که هم کارهای پیچیده ذهنی و هم فعالیت های فیزیکی را انجام می دهند، که این عوامل در درازمدت می تواند ایجاد خستگی نموده و در روند فعالیت حرفه ای پرستاران اثرات سوء بر جای بگذارد. هدف از انجام این پژوهش بررسی میزان شیوع ابعاد مختلف خستگی در میان پرستاران آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی است.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر از نوع توصیفی - مقطعی است که در میان ۴۵۷ نفر از پرستاران بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران در سال ۹۷ با روش نمونه گیری تصادفی انجام شد. مشارکت کنندگان پرسشنامه خستگی MFI و پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی تکمیل نمودند. تمام تحلیل ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ در سطح معنی داری ۰/۰۵ انجام شد.

نتایج: یافته های این پژوهش حاکی از آن است که بیشترین نمره خستگی مربوط به بعد خستگی عمومی با میانگین ۱۲/۸۶ و انحراف معیار ۳/۲۳ و کمترین نمره مربوط به بعد کاهش انگیزه با میانگین ۹/۱۱ و انحراف معیار ۳/۶۶ است. در این پژوهش میان ویژگی های جمعیت شناختی مانند سن، جنسیت، سابقه کاری، موقعیت شغلی با ابعاد خستگی رابطه معناداری مشاهده نشد.

نتیجه گیری: نتایج این پژوهش نشان داد خستگی در پرستاران در سطح متوسط است و برنامه ریزی در جهت بهبود سیستم کاری می تواند به کاهش خستگی در پرستاران کمک کند.

واژگان کلیدی: خستگی، سیستم های بهداشتی درمانی، پرستاران، MFI



بررسی تأثیر روش های شالیکاری، عوامل دموگرافیکی، سبک زندگی و استئوآرتریت بر اختلالات اسکلتی - عضلانی و کیفیت زندگی شالیکاران گیلانی

پریچهر رشیدی ملکسری^۱

۱. کارشناسی ارشد، ارگونومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

parichehr69rashidi@gmail.com

زمینه و هدف: کشاورزی یکی از بخش های مهم اقتصادی است که تولیدات و سلامت نیروی انسانی آن برای همه کشورهای جهان اهمیت دارد. از این رو، پژوهشی با هدف تعیین تأثیر روش های شالیکاری (سنتی و نیمه مدرن)، عوامل دموگرافیکی، سبک زندگی و استئوآرتریت بر اختلالات اسکلتی - عضلانی و کیفیت زندگی شالیکاران گیلانی انجام شد.

مواد و روش ها: تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی بود و از جامعه ۱۵۰ نفری شالیکاران منطقه گیلان، ۱۰۰ نفر از شالیکاران سنتی (آزمایش) و بطور تقریبی ۵۰ نفر از شالیکاران نیمه مدرن (کنترل)، جمعاً ۱۵۰ نفر گروه نمونه (به روش تک شماری) را تشکیل دادند. داده ها به وسیله پرسشنامه های دموگرافیک، نوردیک، کیفیت زندگی لانکشاير جمع آوری گردید. از روش های آماری t مستقل، رگرسیون لجستیک و چندگانه خطی استفاده شد.

یافته ها: بیشترین شیوع اختلالات در نواحی شانه و گردن (۴۴/۷٪) و تحتانی کمر (۴۳/۳٪) شالیکاران؛ تأثیر عامل سن بر شانه و گردن ($p \leq 0.001$)؛ و روش شالیکاری بر گردن ($p \leq 0.053$) تأیید می شود. با استفاده از روش شالیکاری نیمه مدرن ۵۰٪ از اختلالات گردن کاهش می یابد؛ با افزایش سن میزان اختلالات ناحیه تحتانی پشت بیشتر می شود ($p \leq 0.017$) تأثیر متغیرهایی چون روش های شالیکاری، عوامل دموگرافیکی، سبک زندگی و استئوآرتریت بر اختلالات و کیفیت زندگی تأیید می شود.

نتیجه گیری: سن عامل تأثیر گذار بر اختلالات در نواحی شانه، گردن و تحتانی کمر است. روش های شالیکاری، عوامل دموگرافیکی، سبک زندگی، استئوآرتریت، عوامل تأثیرگذار بر اختلالات اسکلتی-عضلانی و کیفیت زندگی شالیکاران هستند. شیوع اختلالات و استئوآرتریت در شالیکاران (ارجحیت سنتی) نشان می دهد که آنها در معرض آسیب هستند و استفاده از روش کشت سنتی به سلامت جسمانی و کیفیت زندگی شالیکاران آسیب می رساند.



تأثیر شیوه های سنتی و نیمه مدرن شالیکاری، عوامل دموگرافیکی و سبک زندگی بر

استئوآرتروز و کیفیت زندگی شالیکاران گیلانی

پریچهر رشیدی ملکسری^۱

۱. کارشناسی ارشد، ارگونومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

parichehr69rashidi@gmail.com

زمینه و هدف: در این مطالعه، هدف اصلی تعیین تاثیر شالیکاری به روش های سنتی و نیمه مدرن، عوامل دموگرافیکی و سبک زندگی بر استئوآرتروز و کیفیت زندگی شالیکاران گیلانی است.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی بود و از جامعه شالیکاران گیلانی به تعداد ۱۵۰ نفر، گروه نمونه (۱۰۰ نفر شالیکار سنتی) و گروه آزمایش ۵۰ نفر شالیکار نیمه مدرن (گروه کنترل) به روش سرشماری در نظر گرفته شدند. داده ها به وسیله پرسشنامه های اطلاعات دموگرافیک، نوردیک (NMQ)، کیفیت زندگی لانکشاير (۹۴ سوالی) جمع آوری گردید. از روش های آماری استفاده شد.

یافته ها: در تعیین تاثیر متغیرها بر استئوآرتروز مشاهده شد که جنسیت و درد بر مفاصل تاثیر گذارند. در تعیین تاثیر متغیرها (روش شالیکاری، ویژگی های دموگرافیکی و سبک زندگی) بر کیفیت زندگی؛ مشاهده شد که داشتن شغل دیگر، محدودیت حرکتی و خشکی مفاصل، دارای اثر معنادار بر کیفیت زندگی هستند.

نتیجه گیری: شیوع استئوآرتروز در شالیکاران سنتی و نیمه مدرن زیاد است و سطح کیفیت زندگی آنها را تحت تاثیر قرار می دهد. آن ها مجبور به تحمل ساعت ها کار، در عین حال قرار گرفتن در وضعیت های بدنی نامناسب و محیط کاری مرطوب و تنش زا و به خصوص فشار در نواحی تحتانی پشت، گردن و شانه هستند. تفاوت های معناداری در دو گروه شالیکاران سنتی و نیمه مدرن با ملاحظه بر شیوع استئوآرتروز و کیفیت زندگی، با اولویت شالیکاران سنتی بدست آمد. دو عامل سن و جنسیت، تاثیر معناداری بر استئوآرتروز و کیفیت زندگی افراد داشته است.



ارزیابی پوسچر بدنی به روش QEC و LUBA و طراحی صندلی ارگونومیک در صنعت

پتروشیمی

پروین سپهر^۱، حسین لشکر دوست^۲، نیره نعیمی قصابیان^۳، شکوفه رضاپور^۴، بتول تباکی بجستانی^۵

۱. دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
parvin_sepahr@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

۳. کارشناس ارشد، گروه بهداشت محیط، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

۴. دانشجوی کارشناسی بهداشت حرفه ای، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، خراسان شمالی، بجنورد، ایران

۵. دانشجوی کارشناسی بهداشت حرفه ای، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، خراسان شمالی، بجنورد، ایران

زمینه و هدف: مشکلات ارگونومیکی از جمله عوامل زیان اور محیط کار می باشد که منجر به آسیب های زیادی به دستگاه اسکلتی-عضلانی کارکنان در صنایع مختلف گردیده است. صنایع بزرگ کشور مانند نفت و گاز بیشتر درگیر مسایل، اختلالات و زهرهای ناشی از مسایل ارگونومی می باشند. در این مطالعه به بررسی وضعیت بدنی و طراحی صندلی مناسب با موقعیت کاری فرد در صنعت پتروشیمی پرداخته شده است.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر در قسمت بارگیری شرکت مورد نظر بصورت مطالعه قبل و بعد انجام گردیده است از دو تکنیک ارزیابی وضعیت بدنی و LUBA استفاده گردید. سپس با اندازه گیری ابعاد انتروپومتریک پرسنل واحد مذکور، صندلی ارگونومیک طراحی گردید و دوباره ارزیابی وضعیت بدنی پوسچر انجام گردید سپس داده ها بر اساس آزمون های آماری و نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته شد.

نتایج: روش ارزیابی پوسچر QEC و LUBA نشان داد که کارگران بخش بارگیری به ترتیب در سطح چهارم و سوم جدول اقدامات اصلاحی قرار دارند با توجه به محیط کار و شرایط ایستگاه کاری و ابعاد انتروپومتریک صندلی طراحی شده در بهبود پوسچر بدنی موثر نشان داده شد بطوریکه بعد از مداخله در هر دو تکنیک در بیشتر مشاهدات به سطح اقدام اصلاحی دوم رسیدند.

نتیجه گیری: یکی از اهداف اصلی OSHA پیشگیری از بروز اختلالات اسکلتی-عضلانی در سازمان میباشد. یکی از اقدامات پیشگیری بروز اختلالات اسکلتی-عضلانی می تواند کنترل پوسچر نامناسب باشد که با طراحی تجهیزات یا ایستگاه کاری میسر می گردد.

واژگان کلیدی: وضعیت بدنی، صندلی ارگونومیک، طراحی



بررسی ابعاد مختلف خستگی در بین کارکنان صنعت ساخت سازه های فلزی

فاطمه یوسفی^۱، پیمان خالقی ده‌آبادی^۲، حمزه قیسوندی^۳، بهنام مرادی^۴

۱. کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران
۲. کارشناسی ارشد، مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران
۳. کارشناسی ارشد، ارگونومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۴. کارشناسی ارشد، مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران،

ایران b.moradi@sbmu.ac.ir

زمینه و هدف: خستگی به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار در حوادث، صدمات و یا حتی مرگ محیط کار محسوب می‌شود. افرادی که دچار خستگی می‌شوند در انجام کار به صورت ایمن دچار مشکل خواهند شد. این مطالعه با هدف بررسی ابعاد مختلف خستگی در بین کارکنان صنعت ساخت سازه های فلزی انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی- تحلیلی ۱۵۹ نفر از کارکنان شاغل در صنعت ساخت سازه های فلزی با روش نمونه گیری تصادفی مورد بررسی قرار گرفتند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه استاندارد سنجش چندبعدی خستگی که شامل خستگی عمومی، خستگی ذهنی، خستگی جسمی، کاهش انگیزه و کاهش فعالیت است، استفاده شد. کلیه داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS 21 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: یافته ها نشان داد که خستگی ذهنی با میانگین ۱۰/۳۶٪ و کاهش فعالیت با متوسط ۷/۷۳٪ به ترتیب بیشترین و کمترین میزان را دارند. در میان ابعاد خستگی، بعد خستگی عمومی و کاهش فعالیت به ترتیب با ۲۱/۴٪ و ۵٪ بیشترین و کمترین شیوع را در بین کارکنان داشتند. همچنین ۳۵/۴٪ کارکنان احساس خستگی کم، ۵۴/۷٪ احساس خستگی متوسط و ۱۵٪ احساس خستگی بالایی داشتند و خستگی در مردان بیشتر از زنان بود.

نتیجه گیری: نتایج این پژوهش نشان داد که خستگی در ابعاد مختلف در بین کارکنان وجود دارد. بنابراین با توجه به اثرات سوء خستگی بر عملکرد و بهره وری کارکنان، لازم است تدابیر مناسبی در جهت مدیریت فاکتورهای تأثیر گذار بر شیوع خستگی و پیامدهای منفی آن اتخاذ گردد.

واژگان کلیدی: ابعاد خستگی، سازه های فلزی، پرسشنامه MFI



بررسی ارتباط بین استرس شغلی و سلامت عمومی با استعداد حادثه پذیری در بین کارکنان صنعت ذوب فلزی

امیر برخوردار^۱، بهنام مرادی^۱

۱. کارشناسی ارشد، مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
b.moradi@sbm.ac.ir

زمینه و هدف: امروزه استرس شغلی و استعداد حادثه پذیری جزء فاکتورهای تاثیرگذار و مشترک بین کارکنان صنایع مختلف محسوب می شوند که ارتباط تنگاتنگی با بروز حوادث شغلی دارند. بنابراین شناخت عوامل موثر در بروز حوادث نقش عمده ای در پیشگیری از رخداد حوادث و کاهش خسارت ها، آسیب ها و جراحات ناشی از آنها خواهد داشت. این مطالعه با هدف بررسی ارتباط بین استرس شغلی و سلامت عمومی با استعداد حادثه پذیری در بین کارکنان صنعت ذوب فلزی انجام گرفت.

مواد و روش ها: در این پژوهش توصیفی- تحلیلی که در سال ۱۳۹۸ انجام شد، ۲۲۵ نفر از کارکنان صنعت ذوب فلزی به صورت تصادفی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. اطلاعات مورد نیاز پژوهش از طریق پرسشنامه دموگرافیک، پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ)، پرسشنامه استرس شغلی و استعداد حادثه پذیری که روایی و پایایی آنها تایید شده بود، جمع آوری گردید. تحلیل توصیفی داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ انجام گرفت.

نتایج: یافته ها نشان داد که میانگین سنی کارکنان ۳۵/۰۴ سال با انحراف معیار ۵/۴۹۳ و میانگین سابقه کار آنها ۱۱/۵۱ سال با انحراف معیار ۵/۷۱۳ می باشد. در بررسی استرس شغلی نشان داده شد که میانگین (انحراف معیار) نمره استرس نهایی در بین کارکنان ۴۰/۴۵ (۶/۱۱) می باشد که تعداد ۱۴ (۶/۲٪) نفر دارای استرس کم، ۱۰۱ (۴۴/۹٪) نفر استرس متوسط و ۱۱۰ (۴۸/۹٪) نفر استرس زیاد بودند. بررسی سلامت عمومی نشان داد که سلامت عمومی در کمترین حد (ناسالم) و سلامت عمومی خفیف (تا حدی ناسالم) در بین کارکنان مشاهده نگردید و ۲۱۴ (۹۵/۱٪) نفر دارای سلامت عمومی متوسط و ۱۱ (۴/۹٪) نفر دارای سلامت عمومی شدید (ناسالم) می باشند. همچنین تحلیل یافته ها تایید کرد که بین استرس شغلی و سلامت عمومی با استعداد حادثه پذیری رابطه معنا داری وجود دارد ($P < 0/01$).

نتیجه گیری: نتایج حاکی از آن است که افراد شاغل در این صنعت در معرض استرس شغلی متوسط و زیاد قرار دارند که به افراد مستعد حادثه تبدیل شده اند. بنابراین در صورت عدم توجه به این افراد، افزایش بروز حوادث در این صنعت دور از انتظار نخواهد بود.

واژگان کلیدی: استعداد حادثه پذیری، استرس شغلی، حوادث، سلامت عمومی



بررسی پوسچر کاری کشاورزان با استفاده از روش REBA و ارائه راهکارهای اصلاحی

مهدی جعفری ندوشن^۱، مهدی قدسی^۲، محمد محمدی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یزد mjn495@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یزد

۳. دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یزد

زمینه و هدف: اختلالات اسکلتی - عضلانی مرتبط با کار به عنوان یکی از مشکلات سلامت عمومی در سراسر دنیا محسوب می‌شود. کشاورزی از جمله فعالیت‌های شغلی است که مستلزم تحمل شرایط بدنی نامناسب می‌باشد. در مطالعه حاضر با ارزیابی وضعیت فیزیکی بدن در حین انجام کار، سطح خطر وضعیت فیزیکی بدن افراد را تعیین کرده و اقدام اصلاحی مناسب را جهت پیشگیری از اختلالات اسکلتی - عضلانی پیشنهاد می‌کنیم.

مواد و روش‌ها: این مطالعه توصیفی در سال ۱۳۹۹ بر روی ۱۲۰ نفر کشاورز مرد حوزه زراعت شهر ندوشن استان یزد انجام شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش دوربین دیجیتال و چارت ارزیابی سریع کل بدن (REBA) بود. ابتدا از نمونه‌ها در حین فعالیت عکس برداری شد و سپس بر اساس روش REBA کل بدن کد گذاری و امتیاز نهایی هر یک از افراد محاسبه شد. در نهایت اطلاعات جمع‌آوری شده وارد نرم افزار SPSS شد و فراوانی هر کدام بدست آمد.

نتایج: با توجه به نتایج بدست آمده از روش REBA، مشخص شد ۵٫۸٪ از کشاورزان دارای سطح ریسک بسیار بالا هستند و ۳۷٫۵٪ دارای سطح ریسک بالا می‌باشند. همچنین ۵۲٫۵٪ از افراد دارای سطح ریسک متوسط و ۴٫۲٪ نیز دارای سطح ریسک پایین بودند.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های فوق، وضعیت بدنی اکثریت کشاورزان از نظر ارگونومیک در سطح خطر بالا بوده و انجام اقدامات اصلاحی به صورت آنی، ضروری می‌باشد. انجام اقداماتی نظیر آموزش حفظ وضعیت صحیح بدن حین انجام کار، آموزش ارگونومی نحوه صحیح بلند کردن و جابجایی بار، استفاده از وسایل حمل بار و اقدامات مداخله‌ای مناسب ارگونومی می‌تواند از ریسک اختلالات اسکلتی - عضلانی پیشگیری کند.

واژگان کلیدی: پوسچر، کشاورزان، روش REBA، اختلالات اسکلتی - عضلانی



بررسی وضعیت سلامت عمومی شاغلین و ارتباط آن با کار در شیفت های مختلف

در بیمارستانهای شهر مریوان

هدایت عباسی^۱، کیوان سلیمی^۱

۱. کارشناس مهندسی بهداشت حرفه ای، شبکه بهداشت و درمان شهرستان مریوان، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران
Hedayat.abbasi@gmail.com

زمینه و هدف: وضعیت سلامت عمومی پرسنل بیمارستان بعنوان افرادی که بصورت شیفت در گردش مشغول ارائه خدمات درمانی و هتلینگ به بیماران هستند، از اهمیت بسزایی برخوردار است و می تواند بصورت مستقیم یا غیرمستقیم بر روند بهبودی بیماران تاثیر گذار باشد. در این مطالعه سعی شده وضعیت سلامت عمومی پرسنل و ارتباط آن با کار در شیفت های مختلف در بیمارستانهای شهر مریوان مورد بررسی قرار گیرد.

مواد و روش ها: این مطالعه یک پژوهش توصیفی - تحلیلی بر روی ۱۲۰ نفر از پرسنل بیمارستانهای شهر مریوان انجام شده است. ابزار پژوهش در این مطالعه پرسشنامه ویژگی های دموگرافیک و پرسشنامه ۲۸ سوالی استاندارد سلامت عمومی (GHQ) بوده که در شیفت های صبح، عصر و شب تکمیل گردیده است. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از SPSS21 و آزمونهای آنالیز واریانس یکطرفه، تی مستقل و ضریب همبستگی پیرسون انجام گردید.

نتایج: سلامت عمومی ۴۴/۲٪ از شاغلین مطلوب، ۳۵/۴٪ دارای علائم خفیف، ۱۷/۷٪ دارای علائم متوسط و ۲/۷٪ از شاغلین دارای علائم مرضی شدید بودند. میانگین نمره سلامت عمومی در هر دو بیمارستان در شیفت صبح $25/2 \pm 7/2$ ، در عصر $30/2 \pm 3/5$ و در شیفت شب $1 \pm 25/9$ بود. نمره سلامت عمومی شاغلین در شیفت عصر بیشتر از سایر شیفت ها است اما از لحاظ آماری این اختلاف معنی دار نبوده است ($P > 0/05$). از طرفی کار در بخش های مختلف بر روی سلامت عمومی پرسنل تاثیر گذار بوده است ($P = 0/002$).

نتیجه گیری: میانگین نمره کلی سلامت عمومی نشان داد شاغلین دارای علائم مرضی خفیفی می باشند. کار در شیفت های مختلف بصورت گردشی ارتباط معناداری با وضعیت سلامت عمومی شاغلین نداشته است. که دلیل آن می تواند چرخش مداوم شاغلین در شیفت های مختلف و عدم تطابق فرد با یک شیفت خاص باشد، که این عدم تطابق خود می تواند بر روی سلامت عمومی شاغلین تاثیر گذار باشد. لذا مدیریت صحیح شیفت های کاری شاغلین در راستای تطابق پرسنل با وضعیت کاری شان بایسته است.

واژگان کلیدی: شیفت، سلامت عمومی، GHQ، بیمارستان، مریوان





مدیریت سلامت ، ایمنی و محیط زیست



جنبه های اقتصادی مدیریت بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE) در صنعت ساخت و ساز

سمیرا باباخانی^۱، حمید رحیمی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، samira.hse69@gmail.com

۲. دکترای تخصصی، رشته مدیریت صنعتی - مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

زمینه و هدف: صنعت ساخت و ساز یکی از صنایع پرمخاطره است که به دلیل پیچیدگی ماهیت کار و شرایط نایمن محیط کار، نرخ وقوع حوادث در آن بالا می باشد. سالانه ۱۰۸۰۰۰ حادثه منجر به فوت در سراسر دنیا در این صنعت روی می دهد که معادل ۳۰٪ از کل حوادث شغلی منجر به فوت است. در برخی از کشورها بخش زیادی از تولید ناخالص ملی (ژاپن ۱۷٪ و انگلستان ۱۰٪) صرف هزینه های حوادث در صنایع ساخت و ساز می گردد. صنعت ساخت و ساز یکی از بزرگترین بخش های اقتصادی کشور و یکی از صنایع فرصت آفرین رشد اقتصادی و اشتغال زایی به شمار می رود. بررسی مدیریت بهداشت، ایمنی و محیط زیست و عوامل موثر در موفقیت آن کار پیچیده ای است و یکی از عوامل مهم تخصیص منابع مالی، سرمایه گذاری و تعهد مدیریت در این حوزه است. هدف از این پژوهش معرفی جنبه های اقتصادی مدیریت بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE) در صنعت ساخت و ساز می باشد.

مواد و روش ها: این پژوهش به روش توصیفی، کیفی و از نوع کاربردی انجام گردید. گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه ای و اسنادی و با انجام مطالعه مروری نظامند و جستجو در پایگاه های اطلاعاتی PubMed, SID, Science Direct, Scopus, Google Scholar و استخراج و تفکیک جنبه های اقتصادی شامل هزینه ها، منافع، بازگشت سرمایه، بهینه سازی و ارزیابی سرمایه گذاری در HSE تعیین گردید.

نتایج: منافع احتمالی از عملکرد HSE، به ویژه منافع محسوس و پنهانی آن از افزایش هزینه های ناشی از سرمایه گذاری در این بخش بیش از سطح بهینه دارای اهمیت است. نسبت هزینه های مستقیم و غیرمستقیم با افزایش حجم و اندازه پروژه افزایش می یابد. هزینه های غیرمستقیم در مقایسه با هزینه های مستقیم به طور قابل توجهی بالاتر است. سرمایه گذاری در HSE بسیار سودآور بوده و منجر به بازگشت سرمایه می شود. در نتیجه سرمایه گذاری منجر به کارکرد بهتر مالی و نیز عملکرد نسبتاً خوبی از بهداشت، ایمنی و محیط زیست می شود.

نتیجه گیری: لازمه عملکرد خوب بهداشت، ایمنی و محیط زیست، سرمایه گذاری و تعهد مدیران هم در عمل و هم در گفتار در این بخش است. تمرکز بیش از حد بر هزینه های مستقیم در ابتدا اثرات نسبتاً کمی بر سلامت مالی پروژه ها و یا سازمان نشان می دهند اما امکان بیان خسارات واقعی ناشی از عدم رعایت اصول HSE به کارفرمایان، پیمانکاران و جامعه را نخواهند داشت. ارزیابی و توجه به جنبه های اقتصادی ابزاری جهت کمک به تصمیم گیران در مورد چگونگی تخصیص بهتر منابع محدود است.

واژگان کلیدی: جنبه های اقتصادی، HSE، سرمایه گذاری، منافع، بازگشت سرمایه، هزینه های غیرمستقیم



Investigation of the status of health, safety and environmental performance (HSE) and its relationship to job stress

Razieh Ashoori¹, Fatemeh Najafi kalyani², Turaj Sami³, Mehdi Hatamyani Fard⁴, Shoeib Rahimi⁵

1.MSc, Department of Environmental Health Engineering, School of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

2.Sama Technical and Vocational training College, Islamic Azad University, Kerman Branch, Kerman, Iran.

3.Department of Health Network, Environmental Health Engineering Branch, Assaluyeh University of Medical Sciences, Assaluyeh, Iran.

4.Department of Health Network, Environmental and Occupational Health Branch, Assaluyeh University of Medical Sciences, Assaluyeh, Iran.

5.Research Center for Environmental Determinants of Health, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran. rahimishoeib@gmail.com .

Background and Aim: Today, each organization needs healthy and proficient human force to improve and develop its performance. Using Health, Safety, and Environment Management System (HSE-MS) to control employees' job stress is among the effective factors in the success of organizations. This can eliminate all parallel activities and lead to balance in the organization's current affairs. It can also increase productivity by motivating employees. This study aimed to evaluate the HSE status in printing and packaging industries in Pooyesh and Daikat companies in Kermanshah.

Materials and Methods: The present descriptive-analytical study was conducted on 80 personnel of Pooyesh and Daikat printing industries selected through census. The data were gathered using demographic information, job stress, and HSE performance questionnaires. Then, the data were entered into the SPSS 21 software and were analyzed using t-test, ANOVA, and Pearson's correlation coefficient.

Findings: The results showed that the mean score of safety was significantly higher in Daikat Company than in Pooyesh Company. The results also showed a significant correlation between job stress and HSE performance in Daikat Company. Finally, job stress was high in both companies.

Conclusion: More attention is recommended to be paid to HSE management in industrial environments, especially the printing industry.

Keywords: job stress, health, safety, environment, printing industry



Job stress and coping strategies in employees of Kermanshah University of Medical Sciences

Razieh Ashoori¹, Fatemeh Najafi kalyani², Mehdi Hatamyman Fard³, Turaj Sami⁴, Shoeib Rahimi⁵

1.MSc, Department of Environmental Health Engineering, School of Health, Shiraz University of Medical Sciences. *ra.ashoori90@gmail.com*.

2.Sama Technical and Vocational training College, Islamic Azad University, Kerman Branch, Kerman, Iran.

3.Department of Health Network, Environmental and Occupational Health Branch, Assaluyeh University of Medical Sciences, Assaluyeh, Iran.

4.Department of Health Network, Environmental Health Engineering Branch, Assaluyeh University of Medical Sciences, Assaluyeh, Iran.

5.Research Center for Environmental Determinants of Health, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran. *rahimishoeib@gmail.com*.

Background and Aim: Job stress is one of the factors affecting job satisfaction, job cracks, and job performance. The purpose of this study was to investigate the causes of occupational stress and its coping strategies in Kermanshah University of Medical Sciences in 2017.

Materials and Methods: This descriptive-analytic cross-sectional study was conducted among the staff of Kermanshah University of Medical Sciences. According to Morgan's table, 194 people were selected by random sampling method. The questionnaire used in this study had three parts including the demographic information questionnaire, the British Occupational Health Stress Questionnaire, and the coping strategies questionnaire. SPSS-21 software was used to analyze the data. Pearson correlation coefficient, one way ANOVA, t-test, and Pearson correlation coefficient were used.

Results: The mean of occupational stress scores in women (2.72 ± 0.32) was significantly higher than men (2.62 ± 2.25) ($P < 0.05$). The scores of occupational stress dimensions showed a significant difference between men and women ($P < 0.05$). Demand, as the strongest cause of job stress and change, was the weakest cause of occupational stress in employees. Self-absorption, the strongest and denial, was the weakest aspect of coping with occupational stress in the staff. In analyzing the findings, the total score of job stress with a total score of coping with stress was significant and positive in the staff ($P < 0.05$).

Conclusion: In this study, demand was the most common cause of stress among the employees. Most importantly, the acceptance of the problem was to deal with stressful work, which should be reviewed and reformed. Further studies are suggested to be conducted on the managers' training needs for understanding the stress and improving the working conditions of the staff.

Keywords: Occupational stress, coping strategies, staff, Kermanshah.



ارزیابی تأثیر اجرای برنامه های مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست (HSE) در محیط های کاری: یک مطالعه مروری

مهدی جعفری ندوشن^۱، علی مقصودی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یزد mjn495@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یزد

زمینه و هدف: امروزه هر سازمانی برای ادامه حیات و توسعه خود نیازمند نیروی انسانی سالم و کارآمد و محیط کاری از هرگونه آسیب می باشد بنابراین توجه به سلامتی و رفاه کارکنان و همچنین حفاظت از محیط زیست از اهمیت ویژه ای برخوردار است. سیستم مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، یک سیستم مناسب در جهت حفظ و ارتقاء محیط کار سالم با هدف تأمین سلامت کارکنان و حفاظت از محیط زیست می باشد. هدف از ارائه این مقاله، مروری بر پژوهش های انجام شده درباره تأثیرات اجرای برنامه های HSE در محیط های کاری می باشد.

مواد و روش ها: مطالعه ی حاضر از نوع مروری می باشد که در سال ۱۳۹۸ انجام شده است. در این مطالعه به منظور دستیابی به مستندات علمی مرتبط، جستجوی الکترونیکی به دو زبان فارسی و انگلیسی و با استفاده از کلید واژه های برنامه ایمنی (Safety Plan)، مدیریت ایمنی (Safety management)، مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست (HSE) و اثر بخشی (Effectiveness) انجام شد.

نتایج: با بررسی و تجزیه و تحلیل مطالعات مرتبط مشخص شد اجرای مناسب و پیوسته برنامه های مدیریت HSE در دراز مدت میتواند باعث کاهش حوادث شغلی، کاهش بیماری های شغلی، افزایش رضایت شغلی کارکنان، ارتقاء آگاهی، نگرش و عملکرد کارکنان، افزایش انگیزش کارکنان و در نهایت باعث افزایش بهره روری و کارایی سازمان و بهبود کیفیت و کمیت محصولات شود.

نتیجه گیری: امروزه با پیشرفت صنایع و افزایش تعامل انسان ها با اجزای محیط های صنعتی و سازمان ها مخاطرات جدیدی در حوزه های سلامت، ایمنی و محیط زیست به وجود آمده است. برنامه ریزی و اجرای صحیح و منسجم برنامه های HSE میتواند با ارتقاء سلامت نیروی انسانی، بقای محیط زیست و کاهش خسارات وارده به تجهیزات به توسعه و پیشرفت صنایع و سازمان ها کمک به سزایی کند.

واژگان کلیدی: سیستم مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، HSE، مدیریت HSE، اثربخشی



بررسی و ارزیابی ریسک مخاطرات ایمنی، بهداشتی آرایشگاهها و سالنهای زیبایی زنانه شهرستان ساوه

یاشار نظری^۱، علیرضا حاجی سلطانی^۲

۱. مهندسی ارشد بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی ساوه Yashi_senfi@yahoo.com

۲. مهندس بهداشت حرفه ای، دانشکده علوم پزشکی ساوه، معاونت بهداشتی

مقدمه و هدف: آرایشگران در اثر مواجهه با عوامل زیان آور شغلی در معرض آسیب های جدی جسمانی قرار دارند. بطوریکه این عوامل زیان آور میتوانند موجب بیماریهای ناشی از کار، غیبت از کار، ترک شغل به خصوص در سنین جوانی شوند. به عنوان مثال در کشور استرالیا هزینه آسیب ها در آرایشگاهها بیش از ۳,۲ میلیون دلار در سال ۲۰۰۰ تخمین زده شده است راهنمای ایمنی و بهداشت برای آرایشگران این امکان را فراهم می سازد تا آرایشگران نسبت به ایمنی، بهداشت و چگونگی بهبود آن در سالنهای آرایش بیشتر آشنا شوند. راهنماها منطبق با یک روش سیستمیک جهت مدیریت ایمنی و بهداشت در آرایشگاهها می باشد. در آرایشگاهها همانند مشاغل دیگر مخاطرات بهداشتی و ایمنی که باعث بیماری و یا آسیب به افراد می شود وجود دارد. این مخاطرات می تواند ناشی از منابع مختلف ایجاد شود. بعضی اوقات این مخاطرات ممکن است به ظاهر کم اهمیت جلوه داده شوند. هدف از این پژوهش شناسایی مخاطرات ایمنی و در آرایشگاهها و سالن های زیبایی شهرستان ساوه در سال ۱۳۹۸ است.

روش بررسی: در این بررسی توصیفی-مقطعی در سال ۱۳۹۸ تعداد ۱۰۰ واحد از آرایشگاه های زنانه شهرستان به صورت تصادفی مورد بررسی قرار گرفت. شناسایی خطرات، بصورت مشاهدات میدانی و با استفاده از پرسشنامه های مصوب بهداشت انجام شده است سپس رتبه بندی ریسک ها انجام و راهکارهای اصلاحی ارائه گردیده است. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار spss ۱۳ انجام گرفت.

یافته ها: در میان ۹۷ خطر شناسایی شده بالاترین امتیازات شاخص ریسک عبارتند از: ارگونومیک، بیولوژیکی، فیزیکی، شیمیایی می باشد. همچنین بررسی خطرات شناسایی شده به تفکیک نوع آن، نشان میدهد که سهم خطرات ارگونومیک ۴۶٪، بیولوژیکی مانند ویروسها و باکتریهای موجود در محیط ۱۹٪، شیمیایی ۱۱٪، فیزیکی ۹٪ از کل خطرات می باشد. بیشترین پیامدهای انسانی که دارای ریسک بالایی برای ایجاد هستند به ترتیب عبارتند از: مرگ، واریس، کمردرد، حساسیت پوستی و بیماری های ریوی بود.

نتیجه گیری: شناسایی و ارزیابی خطرات موجود در صنف آرایشگران با استفاده از این شاخص ها می توان راهبرد های ساده را در جهت آموزش و کاهش آن عملیاتی نمود و آرایشگاههای زنانه از نظر مخاطرات ایمنی، تسهیلات بهداشتی کار شرایط نامناسبتری داشته که با توجه به پایین بودن سطح آگاهی های ایمنی، بهداشت و محیط زیستی شاغلین آنها و لیکن عدم وجود سیستم مشخص جهت تفکیک، جمع آوری و دفع زباله های بیولوژیکی مانند تیغ های مصرف شده، در این صنف را با مخاطرات آلودگی های بیولوژیکی مواجه کرده است. در بخش مدیریت پسماند و ارائه آموزش های لازم به شاغلین در آرایشگاه ها می تواند سطح ریسک این گونه مخاطرات را به حد قابل قبولی کاهش داد.

واژگان کلیدی: ارزیابی ریسک، آرایشگاههای زنانه، مخاطرات ایمنی و بهداشتی



بررسی وضعیت HSE در مدارس شهرستان ساوه در سال ۱۳۹۸

یاشار نظری^۱، علیرضا حاجی سلطانی^۲

۱. مهندسی ارشد بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی ساوه Yashi_senfi@yahoo.com
۲. مهندس بهداشت حرفه ای، دانشکده علوم پزشکی ساوه، معاونت بهداشتی

مقدمه: طی سال‌های اخیر اخبار متعددی از آسیب دیدن دانش‌آموزان و حتی فوت آنها بر اثر وقوع حوادث در مدارس شنیده‌ایم. آموزش و پرورش همواره در مقابل بسیاری از این حوادث از جمله ریزش سقف و دیوار، آتش گرفتن بخاری، نبود وسیله نقلیه مناسب برای جابه جایی دانش‌آموزان و... کمبود بودجه را مطرح می‌کند و با توجه به کسری بودجه مداومش تکرار حوادث دانش‌آموزی تمامی ندارد، البته اینکه وقوع این حوادث صرفاً به دلیل کمبود بودجه باشد نیز خود محل بحث است. این مطالعه هدف از بررسی تعیین وضعیت ایمنی مدارس شامل: وسایل اطفای حریق، دربهای ورودی و خروجی، وضعیت پله ها و نرده ها، کمکهای اولیه، سقوط و ریزش بخشهای گوناگون، همجواری با خیابانهای اصلی پر تردد و غیره می باشد.

روش کار: این مطالعه به صورت توصیفی- مقطعی بوده که در سال ۱۳۹۸ بر روی ۱۰۰ مدرسه از ۲۵۶ مدارس موجود در شهرستان ساوه در بخش شهری و روستایی در مقاطع مختلف تحصیلی که بر اساس روش سرشماری انتخاب شده بودند مورد بازدید قرار گرفتند. که جمع آوری اطلاعات از طریق تکمیل پرسشنامه طبق آیین‌نامه وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی انجام شده است و داده ها با Excel, 13SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: ۷۸٫۱٪ از مدارس دارای حفاظ درب پشت بام و پنجره ها بودند-۸۶٫۸٪ مدارس کف سالن و کلاس ها از کفپوش و سنگ ضد لغزش استفاده شده است. ۷۱٫۱٪ از مدارس جنس میز و نیم کت در برابر آتش سوزی مقاوم بودند. ۶۵٪ مدارس به دلایل مختلف از نظر مکان احداث نامناسب بودند. پله های ۷۰٫۲٪ مدارس ایمن بودند. از نظر سیستم گرمایشی ۸۶٫۸٪ مدارس از سیستم گرمایش و سرمایش مطلوب‌تر برخوردار بودند. ۸۹٪ مدارس دارای کپسول آتش نشانی مناسب بودند. از نظر راه خروجی اضطراری ۳۸٫۶٪ مدارس دارای راه خروجی اضطراری بودند. ۷٫۷٪ مدارس دارای محوطه موزاییک فرسوده و خاکی یا شنی بودند. از نظر وضعیت پریزهای برق ۲۵٫۱٪ مدارس دارای پریزهای نامناسب بودند. ۱۱٪ مدارس از نظر تجهیزات جعبه کمکهای اولیه ناکامل بودند. ۶۸٫۱٪ موقعیت کارگاه و جایگاه ورزش نسبت به کلاس ها مورد تایید است و مزاحمتی ایجاد نمی کند. مکان نصب آبگرمکن در ۸۲٫۴٪ در مکان مناسب نصب شده بود. نور کلاس هادر ۹۷٫۸٪ کافی بود. ۳۸٫۵٪ ساختمان مدرسه در برابر زلزله مقاوم نمی باشد.

نتیجه گیری: این تحقیق نشان داد، وضعیت ایمنی در مدارس با معیارهای بهداشت مدارس فاصله دارد و برای از بین بردن ریسک فاکتور های خطر در حیطه های مختلف ایمنی لازم است برنامه HSE مدارس با جدیت بیشتری اجرا شود.

واژگان کلیدی: ایمنی مدارس، HSE، وضعیت ایمنی



ارتباط بین پریشانی اخلاقی و شجاعت اخلاقی در پرستاران ایران

حمید صفرپور^۱، سعیده وارسته^۲، معصومه فولادوندی^۳، لیلاملکیان^۳

۱. دکترای سلامت در بلایا، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران
۲. کارشناسی ارشد پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
۳. گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

زمینه و هدف: دیسترس اخلاقی و شجاعت اخلاقی در میان متخصصان مراقبت های بهداشتی طی سالهای اخیر به طور قابل توجهی مورد بررسی قرار گرفته است. با این حال، مطالعات کمی در زمینه بررسی این موضوعات در میان پرستاران وجود دارد. این مطالعه با هدف ارزیابی ارتباط بین دیسترس اخلاقی و شجاعت اخلاقی در پرستاران در یک نمونه ایرانی انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه مقطعی از فوریه ۲۰۱۸ تا دسامبر ۲۰۱۸ انجام شده است. برای جمع آوری داده ها، از مقیاس دیسترس اخلاقی کورلی (MDS-R) و مقیاس شجاعت اخلاقی سکرکا استفاده شد. MDS-R یک مقیاس ۲۱ ماده ای است که شامل دامنه فرکانس از ۰ (هرگز) تا ۴ (بسیار مکرر) و دامنه شدت از ۰ (هیچ) تا ۴ (میزان زیادی) است. مقیاس شجاعت اخلاقی شامل ۱۵ ماده است، شامل دامنه های "هرگز درست نیست" با ۱ امتیاز تا "همیشه درست" با ۷ امتیاز است. در مجموع، ۲۲۵ پرستار واجد شرایط وارد این مطالعه شدند. برای تجزیه و تحلیل آماری، SPSS ver. از ۱۶ در سطح $\alpha = 0.05$ استفاده شد.

یافته ها: میانگین نمرات فراوانی و شدت دیسترس اخلاقی و شجاعت اخلاقی به ترتیب $45/41$ (45%) و $4/437/47$ (95% CI) ، 95 (95% CI = $42/44 - 42/44/44/44 - 45/44$) و $59/63$ (95% CI = $87/60 - 60/87$) به ترتیب $44/44$ (63%) بود. علاوه بر این، بین شجاعت اخلاقی و فراوانی دیسترس اخلاقی ($r = 0.464$) و شدت دیسترس اخلاقی ($r = 0.727$) رابطه معنی داری وجود داشت ($p < 0.001$).

نتیجه گیری: تشویق مدیران و مدیران مراقبت های بهداشتی برای توسعه ساختارهای حمایتی و مدیریت با حساسیت بالا که موجب شجاعت اخلاقی و کاهش دیسترس اخلاقی در محیط کار پرستار شود بسیار مهم است.



ارزیابی و مدیریت ریسک فعالیت های کاری صنعت سلولزی به روش FMEA

بهنام مرادی^۱، آرزو آریامند^۲، حمیدرضا ابراهیمی^۳، محمد ابراهیمی^۱، سمیرا برکات^۴

۱. کارشناسی ارشد، مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران
 ۲. کارشناس مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، واحد طب پیشگیری، درمانگاه درجه یک ولیعصر(عج)، فرماندهی ناوگان شمال و چهارم دریایی نداجا امام رضاع)، انزلی، رشت
 ۳. کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران
 ۴. کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
- Samirabarakat.ohs@gmail.com

زمینه و هدف: مدیریت مخاطرات محیط کار به دلیل رابطه تنگاتنگ با بروز حوادث ناگوار و همچنین تأثیر مستقیم بر عملکرد HSE یک سازمان از اهمیت بسیاری برخوردار است. شناسایی و ارزیابی مخاطرات با روش های متنوعی صورت می گیرد که یکی از این روش ها تجزیه و تحلیل حالات شکست و اثرات آن (FMEA) می باشد. مطالعه حاضر با هدف شناسایی و ارزیابی ریسک، رتبه بندی ریسک های شناسایی شده و ارائه اقدامات پیشگیرانه و اصلاحی با استفاده از روش FMEA در جهت مدیریت و کاهش سطح ریسک انجام شد.

مواد و روش ها: این پژوهش مداخله ای در سال های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ در ۳۷ واحد اصلی صنعت سلولزی انجام شد. اعضای تیم ارزیابی ریسک تمامی فعالیت های پر خطر موجود در واحدهای مدنظر را شناسایی کردند. عدد اولویت ریسک (RPN) با حاصل ضرب پارامترهای شدت خطا، احتمال وقوع و احتمال کشف محاسبه شد و با تعیین ریسک های غیر قابل قبول اقدامات پیشگیرانه و اصلاحی جهت کاهش مقدار RPN پیشنهاد و اجرا گردید. بعد از اجرای اقدامات کنترلی و اصلاحی برای ریسک های غیر قابل قبول مجدداً ارزیابی ریسک انجام شده و مقدار RPN و میزان کاهش سطح ریسک محاسبه گردید. تمامی محاسبات با استفاده از نرم افزار Excel انجام شد.

نتایج: در ۳۷ واحد اصلی مورد بررسی مجموعاً ۱۹۹۴ ریسک شناسایی شد که از این تعداد ۳۳۶ (۱۶/۸۵٪) ریسک در سطح غیر قابل قبول بودند. با اجرای اقدامات پیشگیرانه و اصلاحی در ریسک های غیر قابل قبول، مقدار RPN، ۳۱۴ (۹۳/۴۵٪) ریسک به سطح قابل قبول کاهش یافت و مقدار RPN، ۲۲ (۶/۵۵٪) ریسک کاهش یافت ولی با این وجود در سطح قابل قبول قرار نگرفتند.

نتیجه گیری: به طور کلی نتایج این مطالعه نشان داد ارزیابی و مدیریت ریسک در حذف و کاهش خطرات نقش بسیار مهمی دارد، زیرا شناسایی و اولویت بندی سطوح ریسک و اجرای اقدامات پیشگیرانه و اصلاحی مناسب سبب کاهش پیامد ناشی از وقوع خطرات و احتمال وقوع آنها و در نهایت کاهش مقدار RPN به طور مؤثری شد. این اقدامات پیشگیرانه و اصلاحی شامل آموزش کارگران، نظارت بر نحوه انجام کار طبق اصول ایمنی و بهداشت، کنترل های مدیریتی و مهندسی بود.

واژگان کلیدی: ارزیابی ریسک، مدیریت ریسک، روش FMEA، اقدامات پیشگیرانه، اقدامات اصلاحی



رویکرد HSE در پیشگیری از کوید ۱۹ و اقدامات بازگشت به کار

سیداحمد جغتایی^۱، سماکریمی^۱، فاطمه برزمینی^۱، رسول عسگری^۱، میثم حامی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، A.joghataei@sbmu.ac.ir

زمینه و هدف: ویروس کرونا در اواخر سال ۲۰۱۹ در کشور چین شیوع پیدا نمود و به مرور از شرق به غرب کره زمین منتقل و تمام دنیا را درگیر نمود. نرخ مرگ و میر پایین (کمتر از ۵ درصد) ولی نرخ شیوع بالایی دارد. از یک سو بیماری همه گیر کوید ۱۹، سلامت و معیشت انسان را در سراسر جهان تهدید نموده و از سوی دیگر اثرات اقتصادی این بحران به طور فزاینده ای آشکار می شود. از آنجا که اقدامات بهداشتی لازم برای کاهش سرعت شیوع ویروس رواج یافته و پایدار است، کشورها با کاهش تقاضا، افزایش سطح بیکاری و محدودیت های جدی در جریان نقدینگی در شرکت های خود مواجه هستند. همچنین تأثیرات گسترده بر نتایج بازار کار خواهد داشت. فراتر از نگرانی ها در مورد سلامت کارگران و خانواده های آنها، ویروس و شوک های اقتصادی بعدی در سه بعد اصلی بر رقابت بازار جهانی تأثیر می گذارد که عبارتند از؛ ۱- مقدار مشاغل (هم بیکاری و هم کم کاری) ۲- کیفیت کار (دستمزد و دسترسی به حمایت اجتماعی) ۳- اثرات بر گروه های خاص و آسیب پذیرتر در برابر نتایج نامطلوب بازار کار

مواد و روش ها: این پژوهش از نوع مطالعه مروری است و جمع آوری اطلاعات با جستجو در پایگاه های علمی انگلیسی و فارسی با کلیدواژه های کرونا ویروس، کوید ۱۹، محیط کار، رویکرد بهداشتی، PubMed, Science Direct, SID, Scopus, WHO, Google Scholar Magiran, صورت گرفت. اطلاعات به دست آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در نهایت رویکردها طبقه بندی و مشخص گردید.

نتایج: کلیه حوزه ها و فعالیت های شغلی با قرار گرفتن در معرض بالقوه کوید ۱۹ شناسایی و اقدامات کنترلی برای از بین بردن یا کاهش مواجهه ها و یا انتقال بیماری مشخص گردید. جهت اثربخشی بیشتر روش ها با کارکنان در مورد تغییرات برنامه ریزی شده صحبت و همکاری آنها در نظر گرفته تا از انتقال بیماری جلوگیری شود. قبل از ورود به محیط کار مطابق دستورالعمل ها و فعالیت های صورت گرفته توسط کارشناسان ایمنی و بهداشت، بررسی های بصورت حضوری یا مجازی (به عنوان مثال غربالگری علائم و یا درجه حرارت کارکنان) انجام پذیرد. برای هر شغل با توجه به ویژگی و ارزیابی انتقال بیماری عفونت تنفسی، وسایل حفاظت فردی (PPE) مورد نیاز آنها را مشخص می شود. جهت کارکنان مشکوک باید سریعاً آنها را از سایر کارکنان، مشتریان و بازدیدکنندگان جدا و برای انجام تست تکمیلی و قرنطینه خانگی به بیرون از محیط کار اعزام گردند. همچنین تغییر فضای کاری به سایر افراد حاضر در محل در حفظ فاصله اجتماعی کمک بسزایی خواهد نمود.

نتیجه گیری: از آنجا که امکان انتقال و سرایت کوید ۱۹ توسط افراد فاقد علائم گسترش یافته می بایست پروتکل های بهداشتی برای قطع زنجیره انتقال به ویژه در مناطق عمومی و محیط کار اجرا و رعایت گردد. کارفرمایان باید از نظر سلسله مراتب کنترلی، برای حفاظت از کارکنان خود و متعاقباً خانواده آنها، اقداماتی از قبیل آموزش، مدیریت، ارتباطات و استفاده از وسایل حفاظتی مناسب و همچنین تهیه دستورالعمل اجرایی مرتبط با کرونا در نظر داشته باشند.

واژگان کلیدی: HSE، فاصله گذاری اجتماعی، کرونا ویروس، کوید ۱۹، محیط کار، رویکرد بهداشتی



تجارب جهانی در مقابله با اپیدمی های بیولوژیک با تاکید بر بیماری covid-19: رویکردها و راهبردها

مرضیه هادیان^۱، علیرضا جباری^۲

۱. دکترا، گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران m.hadian68@gmail.com
۲. دانشیار، گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، مرکز تحقیقات مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

زمینه و هدف: سازمان بهداشت جهانی، بیماری COVID-19 را یک اورژانس سلامت عمومی معرفی کرده است و به دولت ها توصیه می کند تا با اتخاذ سیاستهای مناسب چرخه انتقال ویروس را قطع کنند. در این راستا کشورها رویکردهای متفاوتی جهت قطع زنجیره یا کنترل شیوع بیماری اتخاذ کرده اند. حال سوال اینجاست که این رویکردها کدامند و برای اجرای هر کدام، از چه ابزاری بایستی استفاده شود.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک مرور نظام مند از مستندات مربوط به راهبردهای پیشگیری از بیماری های عفونی با تکیه بر بیماری covid-19 می باشد. جهت ارزیابی کیفیت مقالات از چک لیست CASP برای مقالات چاپی و از چک لیست AACODS برای مطالعات خاکستری استفاده گردید.

یافته ها: برای مقابله با اپیدمی covid-19 به طور کلی ۳ رویکرد کاهش آسیب، کنترل فعال و سرکوب قاطع و ۴ استراتژی قرنطینه، ایزولاسیون، فاصله گذاری اجتماعی و lockdown در دو بعد فردی و اجتماعی جهت مقابله با اپیدمی ها موجود می باشد که انتخاب هر کدام از رویکردها استراتژی های خاصی را می طلبد و تاثیرات متفاوتی در زمان رسیدن به کنترل و مهار بیماری دارد.

نتیجه گیری: اگرچه استفاده از رویکردهای مختلف کنترل و مهار اپیدمی های بیولوژیک به متغیرهای متعددی بستگی دارد اما صرف نظر از این الزامات، تجارب جهانی از ناکارآمدی برخی از این رویکردها حکایت دارد. استفاده از تجارب قبلی در جهان همراه با تجارب فعلی کشورها، می تواند در انتخاب رویکرد مناسب هر کشور متناسب با ویژگی های آن کشور بسیار کمک کننده باشد، منجر به کاهش هزینه های احتمالی در سطح ملی و بین المللی باشد.

واژگان کلیدی: کرونا ویروس جدید، کووید ۱۹، ابزار پیشگیری، استراتژی های پیشگیری



Covid 19 Psychological Responses to Mental Health - A Systematic Review

Zahra Alimoradi¹, Ashraf Beirami², Shilan Azizi³, Shokoofeh Zarei³, ZeinabSadat Mousavifard³

1. BSc Nursing student, Young, and Elite Researchers Club, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University of Bandar Abbas, Iran hani, alimoradi@yahoo.com

2. Assistant Professor, Nursing Department, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran

3. Faculty Member of Nursing Department, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran

Background: Covid_19 disease has significant psychological effects on the mental health of people, especially medical staff and patients. Stress, anxiety, and depression make coping more difficult. The purpose of this study is to systematically determine the psychological effects of Covid_19 on mental health.

Material and Methods: A systematic review study obtained by reviewing articles and searching for keywords mental health, psychological reactions, crisis, virus, corona, epidemics in reputable domestic and international scientific research bases such as PubMed, SID, Scopus, Google Scholar, WHO, IranMedex, Magiran., Obtained over ten years from 2010 to the present. By systematically reviewing 478 articles during different stages and eliminating cases with less relevance, finally, 28 articles were reviewed and analyzed.

Results: Findings from the review of articles showed that in general, in crises caused by the prevalence of diseases, indicators of response to psychological disorders such as depression, panic attacks, anxiety, despair, stress, severe obsession, increased stress Sensitivity, anger, sleep and wakefulness disorders, fear of infection, isolationism, negative deterrent thoughts and beliefs, the tendency to false therapies, prevalence of superstitions, receiving incorrect information, increase significantly.

Conclusions: A review of the mentioned results in studies related to the subject showed that the prevalence of crises and long-term persistence in people's lives, gradually and chronically have profound effects on mental balance and with a decrease in mental health causes long instability As time goes on, getting rid of these disorders is not easy and requires different and appropriate treatments for a long time. Therefore, by allocating special and early psychoanalysis services, we can play an important and significant role in preventing the occurrence of psychological disorders and shortening the treatment period, and maintaining mental health.

Keywords: Reactions, Psychological, Covid 19, Mental health



تأثیر درمان شناختی-رفتاری (CBT) مبتنی بر اینترنت بر افسردگی بیماران مبتلا به انفارکتوس میوکارد: یک مطالعه مروری نظامند

ناهید محمودی^۱، راضیه شیرزادگان^۲، حسن حسینی^۳

۱. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی آبادان، ایران
۲. کارشناس ارشد پرستاری داخلی جراحی، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری - مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، ایران، razieshshirzad07@gmail.com
۳. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری - مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، ایران

زمینه و هدف: انفارکتوس میوکارد جزء بیماری های مزمن است. این نوع بیماری به خاطر ماهیتی که دارد باعث کاهش سلامت روان در بیماران می گردد. بروز علائم افسردگی پس از سکت قلبی از مشکلات روانشناختی بسیار شایع بوده که اثرات منفی بر پیش آگهی بیماری قلبی این بیماران دارد. از روش هایی که امروزه در کنار درمان های پزشکی به کار می رود، درمان شناختی - رفتاری (CBT) است. این شیوه درمانی از تلفیق رویکردهای شناختی و رفتاری به وجود آمده است. لذا این مطالعه مروری با هدف تعیین تاثیر درمان شناختی - رفتاری (CBT) مبتنی بر اینترنت بر افسردگی بیماران مبتلا به انفارکتوس میوکارد انجام گردید.

مواد و روش ها: این پژوهش از طریق پایگاه های Cochrane Central Register of Controlled Trials (CENTRAL), MEDLINE (Ovid) و EMBASE (Ovid) از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰ به زبان انگلیسی و با کلید واژه های Myocardial infarction, CBT, Depression, Internet انجام گردد. معیارهای انتخاب مطالعات شامل، کارآزمایی بالینی با گروه کنترل، دسترسی به متن کامل مقالات، انتشار مقالات در بازه زمانی مقرر بود. متن کامل مقالات مرتبط با مطالعات کارآزمایی بالینی انسانی و همچنین نتایج مطالعات توسط دو محقق به طور مستقل بررسی شد.

نتایج: نتایج نشان داد یک برنامه شناختی - رفتاری از طریق اینترنت با پشتیبانی آنلاین از یک روانشناس به مدت دو تا سه ماه تاثیر شگرفی بر کاهش افسردگی مبتلایان به سکت قلبی دارد. محتوای آموزشی طراحی شده برای بیماران مورد مطالعه شامل شناسایی مشکلات ویژه بیماران مذکور، رفتار درمانی شناختی و مهارت های زندگی، آگاه کردن بیمار از نشانه های افسردگی و شناسایی افکار مرتبط با این علائم، فنون جایگزینی افکار مثبت به جای افکار منفی، تکنیک های آرمیدگی و غیره بوده است. بیماران پس از کسب اطلاعات در مورد میزان و چگونگی تأثیر افسردگی بر افزایش خطر عود بیماری قلبی، شیوه زندگی و مهارت های مقابله ای خود را تغییر داده و این عوامل را کنترل کرده تا از عود مجدد رویداد قلبی عروقی جلوگیری کنند. همچنین محتوای درمانی استفاده شده، شامل فنونی بوده که در آن به افراد کمک می شد که روش های شناسایی افکار ناکارآمد و منفی را یاد بگیرند و واقع بینانه تر مسایل خود را بررسی کنند. آموزش این فنون منجر به کاهش افسردگی این بیماران خواهد شد.

نتیجه گیری: به نظر استفاده از درمان شناختی - رفتاری مزایای مثبتی دارد و می تواند به طور بالقوه به عنوان یک روش درمانی آسان، راحت و قابل دسترس به استاندارد های مراقبت اضافه شود. هم چنین باعث ارتقاء کیفیت زندگی و کاهش عاطفه منفی در این بیماران می شود.

واژگان کلیدی: Myocardial Infarction, CBT, Depression, Internet



کمیته اجرایی همایش



امین شعبانعلی

دبیر اجرایی
دانشجوی کارشناسی مهندسی ایمنی صنعتی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



فاطمه رفیعی

مسئول دبیرخانه
دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



فاطمه سادات مرتضوی

مسئول تشریفات و روابط عمومی
دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



محمد رضا رضوانی

مسئول پشتیبانی
دانشجوی کارشناسی مهندسی ایمنی صنعتی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



محمد جواد اکبری

مسئول تشریفات
دانشجوی کارشناسی مهندسی ایمنی صنعتی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



ریحانه قاسمی

دبیرخانه
دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



علی سعیدی

مسئول رسانه
دانشجوی کارشناسی مهندسی ایمنی صنعتی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



احمد مهری

مجری
کارشناسی ارشد اپیچیولوژی
دانشگاه علوم پزشکی تهران



شقایق زمانی

رسانه
دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



عطیه هادی

رسانه
دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



علیرضا هراتی زاده

تشریفات
دانشجوی کارشناسی پرستاری
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



علی چهرقانی

رسانه
دانشجوی کارشناسی شنوایی شناسی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



معین میر ابراهیمی

تشریفات
دانشجوی دکتری دندان پزشکی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



تیسین مدیریت اقدامات بهداشتی صورت گرفته در اپیدمی کووید ۱۹

زمان برگزاری: چهارشنبه (۲۱ آبان ۱۳۹۹)، ساعت ۱۴:۰۰ الی ۱۶:۳۰



نشست گفتگو محور با حضور:

دکتر ایرج حریریچی

معاون کل وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی



دکتر حمید سوری

استاد تمام اپیدمیولوژی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



دکتر انوشیروان محسنی بندپی

عضو هیئت علمی گروه بهداشت محیط
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
استاد ار تهران



دکتر سپید هوید علویان

فوق تخصص گوارش و کبد
استاد تمام دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله
معاون اسبق سلامت وزارت بهداشت



دکتر مهدی جعفری

پزشک MPH و دکتری تخصصی
روانشناسی سلامت



سخنران کلیدی

دکتر علیرضا زالی

رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
فرمانده ستاد مبارزه با کرونا تهران



مدیران پنل

سمیرا دانشور

دبیر پنل کووید ۱۹
دانشجوی دکتری آموزش بهداشت
و ارتقا، سلامت
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



دکتر اکبر اسلامی

رئیس همایش
رئیس دانشکده بهداشت و ایمنی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



امین شعبانعلی

دبیر اجرایی همایش
دانشجوی کارشناسی مهندسی ایمنی صنعتی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



پریسا حسینی کوکمری

دبیر علمی همایش
دانشجوی دکتری آموزش بهداشت
و ارتقا، سلامت
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



پنل بهداشت عمومی

زمان برگزاری: سه شنبه (۲۰ آبان ۱۳۹۹)، ساعت ۱۵:۱۵ الی ۱۶:۴۵



دبیر پنل

الهه لعل منفرد

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و
ارتقا، سلامت
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



گروه علمی

نجمه الملوک امینی

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت
و ارتقا، سلامت
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



سمیرا دانشور

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت
و ارتقا، سلامت
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



پرینسا اخباری

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت
و ارتقا، سلامت
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



سخنران کلیدی

دکتر علی رمضانخانی

مدیر گروه آموزش بهداشت و ارتقا، سلامت
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



گروه داوری

الهه لعل منفرد

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و
ارتقا، سلامت
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



دکتر سکینه درخشنده رو

عضو هیئت علمی گروه آموزش
بهداشت و ارتقا، سلامت
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



علی صفری

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و
ارتقا، سلامت
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



مریم ترابیان

دانشجوی دکتری سلامت سالمند شناسی
دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران



پنل مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی

زمان برگزاری: سه شنبه (۲۰ آبان ۱۳۹۹)، ساعت ۱۱:۰۰ الی ۱۲:۳۰



دبیر پنل

زهرا محمدی

دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



گروه علمی

عبدالمجید پارساراد

دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت
حرفه ای و ایمنی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



زهرا مرادپور

دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت
حرفه ای و ایمنی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



سخنران کلیدی

دکتر یحیی خسروی

معاون بهداشت حرفه ای مرکز سلامت محیط و کار
وزارت بهداشت
عضو هیئت علمی گروه مهندسی بهداشت حرفه ای
و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی البرز



گروه داوری

زهرا محمدی

دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت
حرفه ای و ایمنی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



دکتر رضوان زنده دل

عضو هیئت علمی گروه مهندسی
بهداشت حرفه ای و ایمنی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



قاسم حسام

دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت
حرفه ای و ایمنی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



مهدی محمدیان مستان آباد

دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت
حرفه ای و ایمنی
دانشگاه علوم پزشکی تهران



پنل سلامت در بلایا و فوریت ها

زمان برگزاری: چهارشنبه (۲۱ آبان ۱۳۹۹)، ساعت ۱۱:۳۰ الی ۱۳:۰۰



دبیر پنل

داوود پیرانی

دانشجوی دکتری سلامت در بلایا و فوریت ها
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



گروه علمی

حمید صفر پور

دکتری سلامت در بلایا و فوریت ها
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



میثم صفی کیکله

دکتری سلامت در بلایا و فوریت ها
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



سخنران کلیدی

دکتر کتابون جهانگیری

مدیر گروه سلامت در بلایا و فوریت ها
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



گروه داوری

داوود پیرانی

دانشجوی دکتری سلامت در بلایا و فوریت ها
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



مسلم سارانی

دانشجوی دکتری سلامت در بلایا
و فوریت ها
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



آرزو دهقانی

دانشجوی دکتری سلامت در بلایا
و فوریت ها
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



سخنرانی مدیر کل دفتر مدیریت کاهش خطر بلایا و وزارت بهداشت

دکتر محمد اسماعیل مطلق

مشاور معاون بهداشت
رئیس دفتر کاهش خطر بلایای وزارت بهداشت



۰۹۱۹۷۷۱۳۹۸۲

ihsc.bsbmu.ir

@tazeha_13

@ihsc_bsbmu



پنل مهندسی بهداشت محیط

زمان برگزاری: سه شنبه (۲۰ آبان ۱۳۹۹)، ساعت ۹:۱۵ الی ۱۰:۴۵



دبیر پنل

فاطمه سهیل آبادی

دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت محیط
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



گروه علمی

فاطمه امره

دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت محیط
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



وجیهه حسن زاده

دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت محیط
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



راحله کفانی

دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت محیط
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



اسماء علی یاری

دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت محیط
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



سخنران کلیدی

مهندس محسن فرهادی

معاون فنی مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت



گروه داوری

فاطمه سهیل آبادی

دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت محیط
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



دکتر سید نادعلی علوی بختیاروند

مدیر گروه بهداشت محیط
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
مشاور استنادار تهران در امور محیط زیستی



حسن رسول زاده سغایش

دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت محیط
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



محمدرضا عالی پور

دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت محیط
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



۰۹۱۵۳۶۳۵۵۰۸ www.ihse.bsbmu.ir

@tazeha_13 @ihse_bsbmu



پنل ایدمیولوژی

زمان برگزاری: چهارشنبه (۲۱ آبان ۱۳۹۹)، ساعت ۹:۴۵ الی ۱۱:۱۵



دبیر پنل

سجاد رحیمی

دانشجوی دکتری اپیدمیولوژی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



گروه علمی

سعید عرفان پور

دانشجوی دکتری اپیدمیولوژی
دانشگاه علوم پزشکی ایران



هادی جلیلووند

دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی
دانشگاه علوم پزشکی تبریز



سخنران کلیدی

دکتر علی اکبر حق دوست
معاونت آموزشی وزارت بهداشت



گروه داوری

سجاد رحیمی

دانشجوی دکتری اپیدمیولوژی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



دکتر محمد حسین پناهی

عضو هیئت علمی گروه اپیدمیولوژی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



فاطمه کوهی

دانشجوی دکتری اپیدمیولوژی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



گودرز کلی فرهود

دانشجوی دکتری اپیدمیولوژی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



پنل ارگونومی

زمان برگزاری: سه شنبه (۲۰ آبان ۱۳۹۹)، ساعت ۱۳:۳۰ الی ۱۵:۰۰



دبیر پنل

اعظم ملکی

دانشجوی دکتری ارگونومی
دانشگاه علوم پزشکی تبریز



گروه علمی

یگانه جامی

دانشجوی کارشناسی ارشد ارگونومی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



طیبه لرستانی

دانشجوی کارشناسی ارشد ارگونومی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



سخنران کلیدی

دکتر علیرضا ابو حسینی

عضو هیئت علمی گروه ارگونومی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



گروه داوری

اعظم ملکی

دانشجوی دکتری ارگونومی
دانشگاه علوم پزشکی تبریز



دکتر مهناز صارمی

عضو هیئت علمی گروه ارگونومی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



بهرام کوهنورد

دانشجوی دکتری ارگونومی
دانشگاه علوم پزشکی تهران



سعیده مسافرچی

کارشناسی ارشد ارگونومی
دانشگاه علوم پزشکی تهران



پنل مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست

زمان برگزاری: چهارشنبه (۲۱ آبان ۱۳۹۹)، ساعت ۸:۰۰ الی ۹:۳۰



دبیر پنل

سمیرا باباخانی

دانشجوی کارشناسی ارشد HSE
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



گروه علمی

سید احمد جغتایی

دانشجوی کارشناسی ارشد HSE
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



رسول عسگری

دانشجوی کارشناسی ارشد HSE
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



سخنران کلیدی

دکتر رضا غلام نیا

عضو هیئت علمی گروه HSE
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



گروه داوری

دکتر رضا سعیدی

عضو هیئت علمی گروه HSE
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



دکتر امین باقری

عضو هیئت علمی گروه HSE
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



بهنام مرادی

کارشناسی ارشد HSE
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



سمیرا باباخانی

دانشجوی کارشناسی ارشد HSE
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



عكس نگار همایش

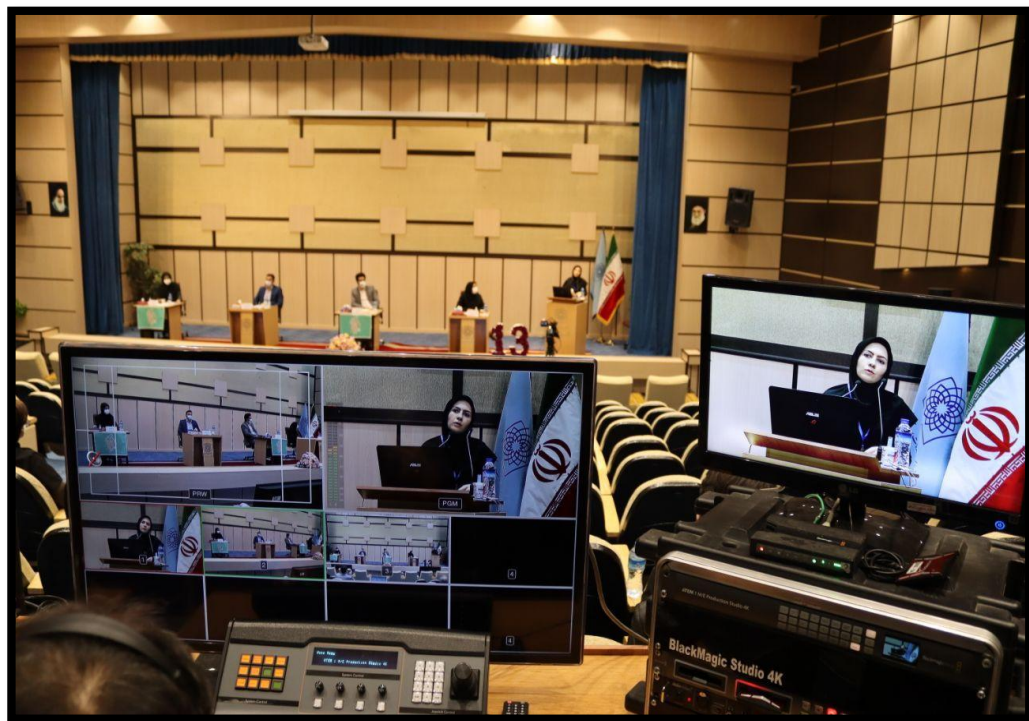








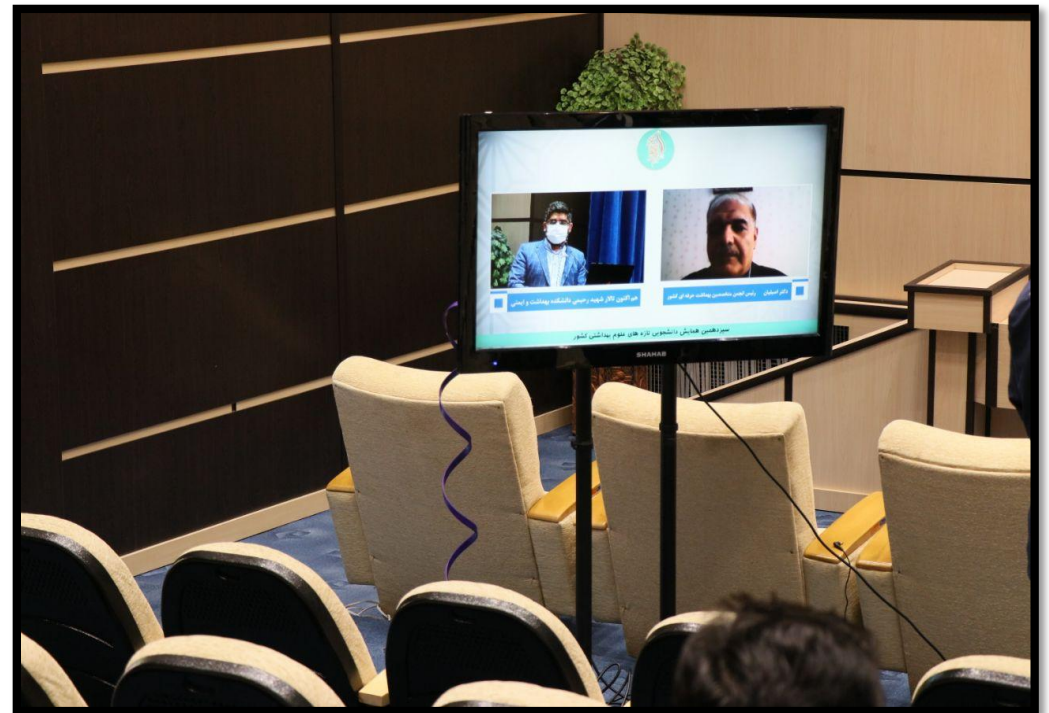












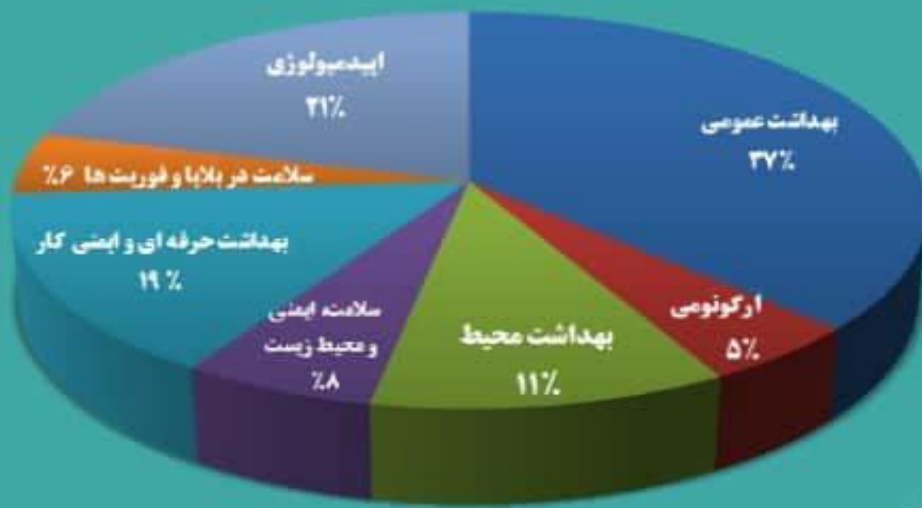






مقالات دریافتی در ۷ پنل تخصصی

سیزدهمین همایش دانشجویی تازه های علوم بهداشتی کشور



پیشگام در سلامت و ایمنی جامعه علوم بهداشت

دیرخانه

تهران، بزرگراه چمران، خیابان پهن، میدان شهید بهرپاری،
بلوار دانشجو، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده بهداشت و ایمنی
دیرخانه سیزدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی کشور

www.ihsc.bsbmu.ir
@tazeha_13 ۰۲۱/۰۹۰۳۸۰۸۷۰۸۶۰۹۸

